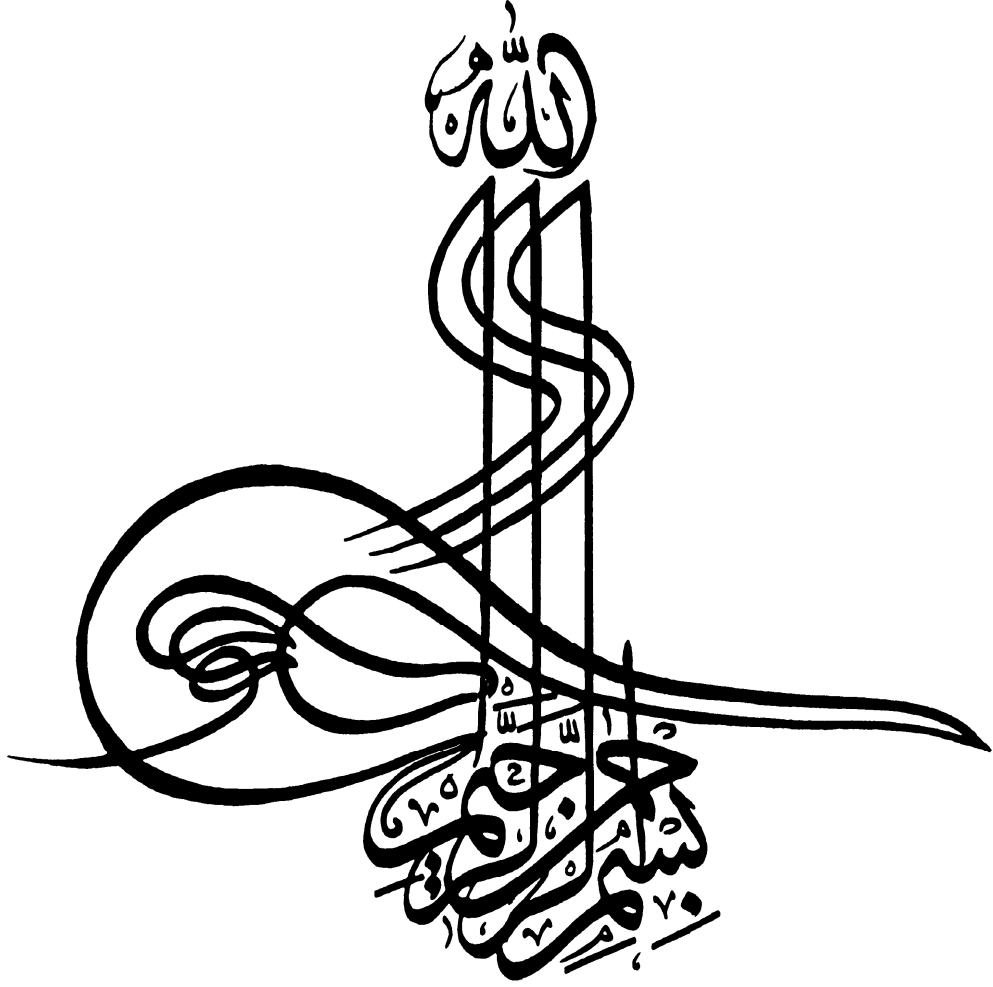






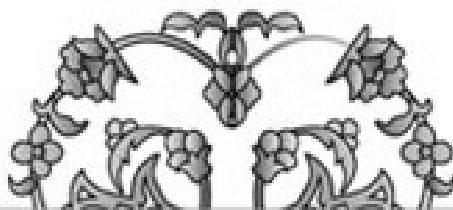
<http://sparvareshi.ir/>

ترنم آغازین

ویژه دوره‌ی

ابتدایی تحصیلی

اداره کل آموزش و پرورش شهرستانهای استان تهران
معاونت پرورشی و تربیت بدنی
اداره فعالیتهای اردویی، فرهنگی و هنری و فوق برنامه
کارشناسی فرهنگی و هنری
سال ۱۳۸۹



نام کتاب:	ترنم آغازین - ویژه دوره‌ی ابتدایی تحصیلی
تهیه و تدوین:	اعظم حبیبی کارزنوئی - اشرف قمری - نسرين دوستی - ارسلان فرضی - ناصر کاملیان
تحت مدیریت:	سید علی یزدیخواه
ناظر طرح:	اداره روابط عمومی - گروه بررسی تحلیل محتوا - اداره حراست - اداره ارزیابی عملکرد
ناشر:	مؤسسه مهر
نوبت چاپ:	اول
قطع چاپ:	رحلی
شابک:	
شمارگان:	۲۵۰۰
قیمت:	۶۰۰۰ ریال
طراحی جلد:	اعظم حبیبی
تهیه و تنظیم:	اداره کل آموزش و پرورش شهرستانهای استان تهران - معاونت پرورشی و تربیت بدنی اداره فعالیتهای اردویی، فرهنگی و هنری و فوق برنامه - کارشناسی فرهنگی و هنری
حروف چینی و صفحه‌آرایی:	مریم مهرابی
E-mail: farhangi@teo.ir تلفن تماس: ۵۵۰۶۶۳۹۷ - ۰۲۱	

فهرست

۱	سر آغاز
۲	پیشگفتار
۳	نکات اجرایی کتاب
۴	جدول پیشنهادی راهنمای اجرای مراسم آغازین
۵	شیوه نامه مراسم آغازین

فصل اول سرمشق های آسمانی

۱۰	مراسم قرآن
۱۰	نکات اجرایی
۱۱	نمونه متون ادبی و احادیث
۱۲	هفته ۱: نام سوره حمد آیات ۱ الی ۷
۱۳	هفته ۲: نام سوره توحید آیات ۱ الی ۴
۱۴	هفته ۳: نام سوره نصر آیات ۱ الی ۳
۱۵	هفته ۴: نام سوره تکویر آیات ۱ الی ۹
۱۶	هفته ۵: نام سوره یس آیات ۱ الی ۸
۱۷	هفته ۶: نام سوره تکاثر آیات ۱ الی ۸
۱۸	هفته ۷: نام سوره ناس آیات ۱ الی ۶
۱۹	هفته ۸: نام سوره فلق آیات ۱ الی ۵
۲۰	هفته ۹: نام سوره انفطار آیات ۱ الی ۹
۲۱	هفته ۱۰: نام سوره زلزال آیات ۱ الی ۸
۲۲	هفته ۱۱: نام سوره شمس آیات ۱ الی ۹
۲۳	هفته ۱۲: نام سوره فجر آیات ۱ الی ۹
۲۴	هفته ۱۳: نام سوره ضحی آیات ۱ الی ۱۱
۲۵	هفته ۱۴: نام سوره عصر آیات ۱ الی ۳
۲۶	هفته ۱۵: نام سوره علق آیات ۱ الی ۸
۲۷	هفته ۱۶: نام سوره کوثر آیات ۱ الی ۳
۲۸	هفته ۱۷: نام سوره تین آیات ۱ الی ۸
۲۹	هفته ۱۸: نام سوره اعلی آیات ۱ الی ۹
۳۰	هفته ۱۹: نام سوره لیل آیات ۱ الی ۷
۳۱	هفته ۲۰: نام سوره کافرون آیات ۱ الی ۶
۳۲	هفته ۲۱: نام سوره قدر آیات ۱ الی ۵
۳۳	هفته ۲۲: نام سوره فیل آیات ۱ الی ۵
۳۴	هفته ۲۳: نام سوره همزه آیات ۱ الی ۹
۳۵	هفته ۲۴: نام سوره نبأ آیات ۶ الی ۱۳
۳۶	هفته ۲۵: نام سوره انشراح آیات ۱ الی ۸
۳۷	هفته ۲۶: نام سوره مسد آیات ۱ الی ۵
۳۸	هفته ۲۷: نام سوره بقره آیات ۱ الی ۶
۳۹	هفته ۲۸: نام سوره نازعات آیات ۱ الی ۹

۴۰	هفته ۲۹: نام سوره قریش آیات ۱ الی ۴
۴۱	هفته ۳۰: نام سوره بلد آیات ۱ الی ۶
فصل دوم مراسم اهتزاز پرچم	
۴۴	مشخصات پرچم رسمی جمهوری اسلامی
۴۴	شیوه اجرایی مراسم پرچم
۴۵	متن ادبی مراسم پرچم
فصل سوم مناسبت های شمسی	
۴۸	نکات اجرایی
۴۸	هفته دفاع مقدس
مهر	
۴۹	آغاز مهر و بازگشایی مدرسه
۵۰	۳ مهر روز جهانی قلب
۵۱	۷ مهر روز ملی ایمنی و آتش نشانی
۵۱	۸ مهر روز بزرگداشت مولوی
۵۲	۹ مهر ماه روز همبستگی و همدردی با کودکان و نوجوانان فلسطینی
۵۳	۱۷ مهر ماه روز جهانی کودک
۵۴	۱۷ مهر ماه روز جهانی پست
۵۵	۱۸ مهر ماه روز جهانی بهداشت روان
۵۵	۲۰ مهر روز بزرگداشت حافظ
۵۶	۲۰ مهر: روز کاهش اثرات بلایای طبیعی
۵۶	۲۴ مهر روز جهانی غذا
۵۷	هفته بهداشت روان (۲۴ لغایت ۳۰ مهر ماه)
۵۷	۲۶ مهر ماه روز ترتیب بدنی اهمیت ورزش
۵۸	۲۹ مهر روز جهانی مبارزه با پوکی استخوان
آبان	
۵۸	۸ آبان شهادت حسین فهمیده
۶۰	۸ آبان شهادت حسین فهمیده - تشکیل بسیج دانش آموزی
۶۱	۱۳ آبان روز دانش آموز
۶۳	۱۵ آبان افتتاحیه برنامه بهداشتیاران
۶۴	۲۴ آبان روز بزرگداشت آیت اله علامه سید محمد حسین طباطبایی
۶۴	۲۴ آبان روز کتاب و کتابخوانی
آذر	
۶۵	۸ آذر مانور سراسری زلزله و ایمنی
۶۶	۱۰ آذر آیت الله سید حسن مدرس
۶۶	۱۱ آذر بزرگداشت میرزا کوچک خان جنگلی
۶۷	۲۲ آذر روز جهانی کودک و تلویزیون
۶۷	۲۷ آذر شهادت آیت الله دکتر محمد مفتاح
۶۸	۳۰ آذر شب یلدا

دی

- ۶۸ ۲۶ دی ماه دیروز فرار شاه
۶۹ ۲۹ دی روز هوای پاک

بهمن

- ۷۰ دهه مبارک فجر «روز شمار انقلاب»

اسفند

- ۷۴ ۵ اسفند روز بزرگداشت خواجه نصیرالدین طوسی
۷۴ ۱۱ اسفند روز بهداشت محیط
۷۵ ۱۴ اسفند روز احسان و نیکوکاری
۷۶ ۱۵ اسفند روز درختکاری
۷۶ ۱۸ اسفند روز بزرگداشت سید جمال الدین اسد آبادی
۷۷ ۲۲ اسفند روز بزرگداشت شهدا و سالروز تأسیس بنیاد شهید
۷۸ ۲۵ اسفند بزرگداشت پروین اعتصامی
۷۸ ۲۹ اسفند ملی شدن صنعت نفت

فروردین

- ۷۹ ۱ فروردین عید نوروز
۸۰ ۱۲ فروردین روز جمهوری اسلامی
۸۰ ۱۸ فروردین روز جهانی بهداشت
۸۱ ۱۸ تا ۲۴ فروردین هفته بهداشت مدارس (هفته سلامت)
۸۱ ۲۰ فروردین روز ملی فناوری هسته ای
۸۳ ۲۳ فروردین روز دندان پزشکی
۸۴ ۲۵ فروردین روز بزرگداشت عطار نیشابوری

اردیبهشت

- ۸۵ ۱ اردیبهشت بزرگداشت سعدی
۸۵ ۱ اردیبهشت روز بزرگداشت اقبال لاهوری
۸۶ ۲ اردیبهشت روز جهانی زمین پاک
۸۷ ۱۰ اردیبهشت روز ملی خلیج فارس
۸۷ ۱۲ اردیبهشت شهادت استاد مطهری - روز معلم
۹۱ ۱۸ اردیبهشت روز صلیب سرخ
۹۱ ۲۵ اردیبهشت بزرگداشت فردوسی
۹۲ ۲۸ اردیبهشت روز بزرگداشت حکیم عمر خیام

خرداد

- ۹۳ ۱ خرداد روز بهره وری و بهینه سازی مصرف
۹۴ ۳ خرداد آزاد سازی خرمشهر در عملیات بیت المقدس و روز مقاومت، ایثار و پیروزی
۹۵ ۵ خرداد درگذشت اذان گوی پر آوازه استاد رحیم مؤذن زاده اردبیلی
۹۶ ۱۱ خرداد بزرگداشت طیب و شمیمدان ایرانی محمد زکریای رازی
۹۶ ۱۴ خرداد ارتحال ملکوتی امام خمینی (ره) و انتخاب حضرت آیت اله خامنه ای به رهبری نظام جمهوری اسلامی ایران
۹۶ روز شمار برخی مبارزات و تبعیدهای حضرت امام خمینی (ره)
۱۰۰ ولایت فقیه استمرار راه امام (ره)

۱۰۰	زندگینامه مقام معظم رهبری (مد ظله العالی)
۱۰۴	۱۵ خرداد قیام پانزده خرداد
۱۰۵	۱۵ خرداد روز جهانی محیط زیست
فصل چهارم مناسبت های قمری	
۱۰۸	آغاز سال هجری قمری
ماه محرم	
۱۰۸	هفته اول محرم هفته امر به معروف ونهی از منکر
۱۱۱	دهه ی محرم
۱۲۱	۱۲ محرم اسارت خاندان پیامبر
۱۲۱	۱۲ محرم شهادت حضرت امام زین العابدین (ع)
۱۲۱	۱۸ محرم تغییر قبله مسلمین از بیت المقدس به مکه معظمه
صفر	
۱۲۲	۳ صفر ولادت حضرت امام محمد باقر (ع)
۱۲۲	۷ صفر ولادت امام موسی کاظم (ع)
۱۲۳	۲۰ صفر اربعین حسینی
۱۲۴	۲۸ صفر رحلت پیامبر (ص) - ذکر مصیبت حضرت رسول اکرم (ص)
۱۲۶	۲۸ صفر شهادت امام حسن (ع)
۱۲۸	۳۰ صفر شهادت امام رضا (ع)
ربیع الاول	
۱۲۸	۸ ربیع الاول شهادت امام حسن عسگری (ع)
۱۲۹	۱۷ ربیع الاول میلاد رسول اکرم حضرت محمد بن عبدالله (ص)
۱۳۲	۱۷ ربیع الاول میلاد امام جعفر صادق (ع)
ربیع الثانی	
۱۳۳	۲ ربیع الثانی ولادت عبدالعظیم حسنی (ع)
۱۳۴	۸ ربیع الثانی ولادت امام حسن عسکری (ع)
۱۳۵	۱۰ ربیع الثانی وفات حضرت معصومه (س)
جمادی الاول	
۱۳۵	۵ جمادی الاول ولادت حضرت زینب (س) - روز پرستار
جمادی الثانی	
۱۳۸	۳ جمادی الثانی شهادت حضرت فاطمه (س)
۱۳۸	۲۰ جمادی الثانی میلاد حضرت فاطمه زهرا (س) و روز زن و روز مادر
۱۴۰	۲۰ جمادی الثانی: ولادت حضرت امام خمینی
رجب	
۱۴۲	۱ رجب ولادت امام محمد باقر (ع) امام پنجم
۱۴۳	۳ رجب شهادت امام هادی (ع)
۱۴۴	۱۰ رجب ولادت امام محمد تقی (ع)
۱۴۵	۱۳ رجب ولادت حضرت علی بن ابی طالب (ع) امام اول
۱۴۷	۲۵ رجب شهادت امام موسی کاظم (ع)
۱۴۸	۲۷ رجب عید مبعث

شعبان

- ۳ شعبان میلاد حضرت امام حسین (ع) ۱۴۹
- ۴ شعبان ولادت حضرت ابوالفضل العباس - روز جانباز ۱۵۰
- ۵ شعبان ولادت حضرت علی بن الحسین امام زین العابدین (ع) ۱۵۰
- ۱۱ شعبان سالروز ولادت حضرت علی اکبر علیه السلام و روز جوان ۱۵۲
- ۱۵ شعبان ولادت حضرت قائم (عج) - روز جهانی مستضعفان ۱۵۲

رمضان

- ماه رمضان ۱۵۵
- ۶ رمضان ولایتعهدی امام رضا (ع) ۱۵۷
- ۱۰ رمضان وفات حضرت خدیجه (س) ۱۵۸
- ۱۵ رمضان میلاد حضرت امام حسن مجتبی (ع) و روز اکرام ۱۶۰
- ۲۱ رمضان شهادت حضرت علی (ع) ۱۶۲
- آخرین جمعه رمضان - روز قدس ۱۶۲

شوال

- ۱ شوال عید فطر ۱۶۳
- ۲۵ شوال شهادت امام جعفر صادق (ع) ۱۶۳

ذی القعدة

- ۱ ذی القعدة ولادت حضرت معصومه (س) - آغاز دهه ی کرامت ۱۶۳
- ۱۱ ذی القعدة میلاد امام رضا (ع) ۱۶۴
- ۳۰ ذی القعدة شهادت جواد الائمه امام محمد تقی (ع) ۱۶۵

ذی الحجه

- ۱ ذی الحجه سالروز ازدواج حضرت علی (ع) با فاطمه (س) - روز ازدواج و خانواده ۱۶۵
- ۷ ذی الحجه شهادت امام محمد باقر (ع) ۱۶۷
- ۱۰ ذی الحجه عید قربان ۱۶۷
- ۱۵ ذی الحجه ولادت هادی (ع) امام دهم ۱۶۷
- ۱۸ ذی الحجه عید غدیر خم ۱۶۸
- ۲۴ ذی الحجه روزمباهله پیامبر اکرم (ص) ۱۶۹
- شرح مختصر از زندگینامه چهارده معصوم (ع) ۱۶۹

شرح مختصر از زندگینامه چهارده معصوم

- ۱۶۹ حضرت رسول صلی الله علیه و آله
- ۱۷۱ حضرت امام علی علیه السلام
- ۱۷۳ حضرت فاطمه زهرا سلام الله علیها
- ۱۷۴ حضرت امام حسن علیه السلام
- ۱۷۵ حضرت امام حسین علیه السلام
- ۱۷۷ حضرت امام زین العابدین علیه السلام
- ۱۷۸ حضرت امام محمد باقر علیه السلام
- ۱۷۸ حضرت امام جعفر صادق علیه السلام
- ۱۷۹ حضرت امام موسی بن جعفر علیه السلام

۱۸۰	حضرت امام علی بن موسی الرضا علیه السلام
۱۸۱	حضرت امام محمد تقی علیه السلام
۱۸۲	حضرت امام علی النقی علیه السلام
۱۸۲	حضرت امام حسن عسکری علیه السلام
۱۸۳	امام زمان حضرت مهدی علیه السلام
فصل ۵ دعا و مناجات	
۱۸۶	نکات اجرایی
۱۸۶	دعاهای قرآنی به کلمه ربنا
۱۸۶	دعای صباحنا
۱۸۷	دعا جهت سلامتی امام زمان (عج)
۱۸۷	چند نمونه مناجات
۱۸۹	نیایش (شعر)
۱۹۰	سپاس
۱۹۰	دعای فرج امام زمان علیه السلام
فصل ۶ احادیث منتخب از چهارده معصوم	
۱۹۴	رسول الله صلی الله علیه و آله
۱۹۴	حضرت فاطمه زهرا (س)
۱۹۵	امیرالمؤمنین علیه السلام
۱۹۶	امام حسن علیه السلام
۱۹۶	امام حسین (ع)
۱۹۷	امام سجاد (ع)
۱۹۸	امام باقر (ع)
۱۹۹	امام صادق علیه السلام
۱۹۹	امام موسی کاظم (علیه السلام)
۲۰۰	امام رضا علیه السلام
۲۰۰	امام جواد (علیه السلام)
۲۰۱	حضرت امام هادی (ع)
۲۰۱	امام حسن عسکری (علیه السلام)
۲۰۳	حضرت امام مهدی (عج)
فصل ۷ شوق انتظار	
۲۰۶	فضیلت مهدی شناسی
۲۰۶	اصل انتظار
۲۰۶	انتظار اصلی پویا و تعالی بخش
۲۰۶	انتظار در اسلام
۲۰۷	چند نمونه از احادیث انتظار
۲۰۷	امام مهدی (عج) کیست؟
۲۰۸	نویدهای پیامبر و ائمه اطهار (علیه السلام) در مورد حضرت مهدی (عج)
۲۱۰	انتظار مصلح جهانی، اعتقادی فراتر از حوزه اعتقادات مسلمانان

۲۱۱	شرح مختصر از ولادت آن حضرت
۲۱۱	وعده آسمانی
۲۱۲	آیاتی از قرآن درباره امام زمان
۲۱۲	احادیثی از معصومین درباره منتظران
۲۱۲	روایات
۲۱۵	مسابقه مهدی شناسی
۲۱۶	اشعار

فصل ۸ پیامهای بهداشتی

۲۲۰	بهداشت در آیین احادیث
۲۲۲	نکته اجرایی
۲۲۲	سلامتی ، بیماری
۲۲۲	بهداشت قلب
۲۲۳	بهداشت چشم
۲۲۴	بهداشت گوش
۲۲۴	بهداشت دهان و دندان
۲۲۵	تغذیه
۲۲۵	بهداشت مواد غذایی
۲۲۶	بهداشت روانی
۲۲۶	بهداشت محیط
۲۲۷	بهداشت وسایل شخصی
۲۲۸	سلامتی و نشاط با رعایت بهداشت فردی
۲۲۸	کمک های اولیه
۲۲۹	پیشگیری از حوادث
۲۳۰	نکاتی که در ارتباط با کوله پشتی باید مورد توجه قرار گیرد:
۲۳۰	میان وعده مناسب چیست؟
۲۳۰	اهمیت مصرف صبحانه
۲۳۰	نکات ایمنی در برابر زلزله
۲۳۱	پیامهای زیست محیطی
۲۳۱	روش صحیح راه رفتن ، ایستادن و حمل کیف

فصل ۹ حکایات و لطایف

۲۳۴	حکایات و ضرب المثلها
۲۳۹	لطیفه های دانش آموزی

فصل ۱۰ فریاد های شادی

۲۴۴	نغمه های شادی (سرود- شعر- فریاد شادی)
۲۴۴	بسم الله
۲۴۴	در وصف حضرت علی (ع)
۲۴۵	در وصف امام زمان (عج)
۲۴۵	«الله»

۲۴۵	«سرود صلوات»
۲۴۶	مولودی در وصف مولا حضرت علی (ع)
۲۴۶	مولودی به مناسبت میلاد حضرت زهرا (س)
۲۴۶	سرود در وصف امام زمان (عج)
۲۴۷	سرود در وصف امام رضا (ع)
۲۴۷	سرود در وصف شهیدان
۲۴۸	سرود شادمانی (همراه با دست زدن)
۲۴۸	دوستی باشه ایشاا..
۲۴۸	فریاد شادی (اگر تو شاد و خوشحالی)
۲۴۹	شعر معرفی ماه های سال
۲۴۹	شعر اوسا صفر
۲۴۹	شعر (وحدت)
۲۴۹	شعر ورزشی
۲۵۰	تشویق به زبان های مختلف
۲۵۱	فریاد شادی (دست زدن ها)
۲۵۲	میهن خوب مایی ای ایران
ضمائم	
۲۵۴	(شرحی کوتاه بر اطلاعات لوح فشرده منضم)
۲۵۵	منابع و مأخذ



سرآغاز

در آغازین لحظات صبح، وقتی اذان مؤذن در باغستان دل و جانت می‌پیچید. آن لحظاتی که چشم به روز می‌گشایی تا از جام بندگی جرعه جرعه، موهبت الهی را نوش کنی، وقتی که به شکرانه زندگی و سلامت، خدای را سپاس می‌گویی و بنده‌وار شکر می‌کنی که معلمی، آن هنگام نجیبانه و متواضع به عرش و لوح و قلم سوگند می‌خوری که روزت را دگرگونه آغاز کنی. پاشنه‌ی کفش همت را ور می‌کشی، آستین شوق بالا می‌زنی، کمر توکل می‌بندی تا معلمی متفاوت با دیروزت باشی. و تو می‌دانی، این معجزه تنها در سکوی آغازین مدرسه، شکل خواهد گرفت.

برنامه آغازین برای تو کلاس درسی است که شور و شوق کودکان، استاد ناپیدای این کلاس است. تو یقین داری، برنامه آغازین، آخرین کتاب تربیت است که در ایجاز و شیوایی، شگفت‌ترین مجلدی است که نظام آموزش و پرورش در دهه‌ی گذشته، شیرازه کرده است. فرصت اندک برنامه صبحگاه ترازویی است برای سنجش کفایت و تدبیر یک مربی کارآمد. که صیاد لحظه‌های ناب است برای ارائه درس‌های مذهبی، ادبی، تربیتی. تو خوب می‌دانی، نوجوانان معصوم قادرند، در ثانیه‌های این فرصت کوتاه، تمرین بلاغت و مشق فصاحت کنند. و این همه، زمانی لباس تحقق به خود می‌پوشد که تو خود به معجزه برنامه آغازین ایمان داشته باشی و به یقین باور. در لحظه تلاوت قرآن، قلوب طاهر شاگردان، متواضع و بی‌ریا، ابراهیم‌وار همه‌ی دلبستگی‌های دنیا را چون اسماعیل به پای حضرتش ذبح می‌کنند. و تو در می‌یابی، تمام صحن و سرای مدرسه، سجاده‌ای است که دانش‌آموزان به سجده‌ی ناپیدا، تنزیه گوی خدای سبحانند.

هنگام برافراشتن لوای ایران زمین، این عروسِ نازآفرین استقلال، وقتی تور سه رنگش، به دست نوازشگر باد و به نوای سرود جمهوری اسلامی می‌رقصد. تو و شاگردانت مست غرور و افتخار، سر تا پا به رنگ عزت، راست قامت و دست اطاعت بر سینه، آواز بلند عشق به وطن را سر می‌دهید.

در مهدی‌شناسی چشمان تو و دانش‌آموزانت متبرک انتظار می‌شود. در کنار سفره‌ی سخاوت حدیث، ذائقه جان‌شاگردانت را با لقمه‌هایی از فهم و تربیت شیرین می‌سازی. و به کمندی از جنس نور به حبل‌المتین عصمت و طهارت متصلشان می‌سازی.

در بخش مسابقات، به صید دل‌هایشان می‌روی تا رام محبتشان کنی. دانه مهر‌پاشی و مرغک بازیگوش نوجوانی‌شان را اسیر خود کنی. تا آن چه را می‌گویی با گوش جان بپذیرند. بواسطه نسیم روح‌نواز نیایش، مسیح‌وار اگر روح مسخ شده‌ای باقی مانده باشد به دم‌اهورایی احیا می‌کنی و تو خوب می‌دانی کلام تو در برنامه صبحگاه، اعجاز آن چوپانی را دارد که بره‌های محجوبش را به راه می‌خواند و گرگ‌های تباهی و بی‌خبری را از مسیر دور می‌کند. تنها اگر تو آن چوپانی باشی که به نی‌لبکش ایمان داشته باشد.

ذکر هفته، حسن ختامی است که گل‌امید را در باغچه وجود کودکان می‌شکوفاند و به نم «قاضی الحاجات» معطرش می‌کند. و از خمار این جام آخرین است که کودکان هوشیارترین ملکوتی این زمین می‌شوند. و این همه وقتی تحقق می‌یابد که تو خود به معجزه برنامه آغازین اول مؤمن باشی.

آفرین به نیت‌های پاکتان و توفیق بدرقه راهتان باد.



پیشگفتار

برنامه آغازین با هدف ایجاد نشاط، تقویت روحیه تعاون و همکاری بین دانش آموزان و با تأکید بر اصل دانش آموز محوری به عنوان یکی از مهمترین، بهترین و اثرگذارترین برنامه‌های آموزشی و تربیتی مدارس می‌باشد. این برنامه اگر با نشاط و برنامه‌های متنوع شروع شود، نه تنها در امر پرورش روح معنوی دانش آموزان تأثیر دارد، بلکه در بالا بردن سطح آموزشی دانش آموزان چه از لحاظ یادگیری و چه از لحاظ بالا رفتن اطلاعات عمومی آنها مؤثر است. در واقع شروع یک روز با نشاط در میزان یادگیری دانش آموزان و پرورش استعدادهای ذهنی و روحی آنها خیلی اهمیت دارد. برنامه آغازین یکی از برنامه‌های معمول در مدارس است که نه تنها در کشور ما، بلکه در اغلب کشورهای جهان به عنوان یک برنامه مفید و پرجاذبه با محتوای متنوع در آغاز هر روز تحصیلی اجرا می‌شود و بر روح و روان مربیان اثرات مناسبی بر جای می‌گذارد. مسئولیت مهمی که مربیان تربیتی بر عهده دارند، ایجاد فضای مناسب تربیتی در مدارس، وجود محبت و صمیمیت و نشاط و شادابی برای دانش آموزان دوره‌های مختلف تحصیلی است تا زمینه‌ساز رشد و شکوفایی استعدادهای خدادادی نوباوگان کشور اسلامی باشند.

برای رسیدن به این هدف می‌توان از روشهای گوناگون و برنامه‌های متنوع بهره گرفت تا رشد و تعالی فرزندان این مرز و بوم هموار گردد. بکار بردن روشهای متنوع در اجرای برنامه‌های تربیتی، سبب ایجاد شور و نشاط و علاقه در دانش آموزان شده و می‌تواند زمینه اعتلای اخلاقی و تربیتی آنان را فراهم کند.

کتاب حاضر که حاصل تجربیات مدیران، معاونان آموزشی و تربیتی، مربیان امور تربیتی، کارشناسان مناطق تابعه، کارشناسان و کارشناس مسئولان حوزه معاونت پرورشی و تربیت بدنی و... در برگزاری مراسم آغازین می‌باشد، به این جهت تدوین شده است تا مربیان بتوانند با استفاده از اصول، معیارها و ضوابط مندرج در آن، برنامه‌های متنوع و پر بار به دانش آموزان ارائه نمایند. امید است با اتکال به خداوند متعال و بهره‌وری از خلاقیت‌ها و ابتکارات مربیان عزیز و با تلاش خستگی‌ناپذیر و خالصانه دست‌اندرکاران تعلیم و تربیت، زمینه رشد شخصیت اسلامی نوجوانان و جوانان عزیز بیش از پیش فراهم آید.

در پایان جا دارد از همکاران حوزه معاونت پرورشی و تربیت بدنی (اداره فعالیتهای اردویی، فرهنگی، هنری و فوق برنامه / کارشناسی فرهنگی و هنری، کارشناسی قرآن و اقامه نماز، گروه سلامت و پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی، اداره تربیت بدنی، گروه مشاوره، سازمان دانش آموزی، کارشناسی فعالیتهای دانش آموزی، نواحی و مناطق تابعه، به خصوص مدیران، معاونان پرورشی و آموزشی، مربیان پرورشی شرکت کننده در جشنواره‌های آغازین و جلسات هم‌اندیشی) که با نظرات سازنده خود ما را یاری نمودند، تقدیر و تشکر نماییم.

سید علی یزدیخواه

مدیر کل آموزش و پرورش شهرستانهای استان تهران

مهر ۸۹



نکات اجرایی کتاب

جهت اجرای هر چه بهتر مراسم آغازین توجه شما را به نکات ذیل جلب می‌نماییم:

- ✓ کلیه آموزشگاه‌ها موظفند نسبت به اجرای مراسم آغازین برابر مفاد شیوه‌نامه اجرایی و کتاب راهنمای آغازین اقدام نمایند.
- ✓ اجرای موفق هر طرح به سه عامل بستگی دارد «برنامه»، «محتوا» و «اجرا». بدیهی است که دو عامل اول یعنی برنامه و محتوا هر قدر جامع و بی‌عیب و نقص باشند در صورتی که اجرا نشوند طرح ناقص و ابتر می‌ماند.
- ✓ مسئولیت برنامه‌ریزی مراسم با ستاد مراسم آغازین آموزشگاه (مدیر آموزشگاه، معاون پرورشی، معاون آموزشی، مربی تربیتی، مربی بهداشت، مربی تربیت بدنی، مشاوره، نماینده معلمان و رییس شورای دانش‌آموزی) می‌باشد.

از جمله وظایف ستاد مراسم آغازین:

- بهره‌گیری از مشارکت همکاران و دانش‌آموزان
- تهیه و تنظیم تقویم اجرایی
- شناسایی استعدادهای دانش‌آموزان
- ارزیابی مراسم آغازین اجرا شده در روزهای گذشته به منظور بهره‌گیری از نقاط ضعف و قوت آن در برنامه‌های آتی
- هماهنگی‌های لازم جهت بهره‌گیری از تخصص کلیه همکاران در اجرای مراسم آغازین به تناسب موضوع
- ارزیابی و تشویق گروه‌های برتر به منظور ترغیب دانش‌آموزان جهت مشارکت در اجرای مراسم آغازین
- و

* جلسات ستاد مراسم آغازین به صورت ماهانه برگزار گردد.

- ✓ مدیریت برنامه و بهره‌گیری از مشارکت همکاران و دانش‌آموزان به تناسب مناسبت‌ها و ایام ... بر عهده‌ی معاون پرورشی یا مربی تربیتی با هماهنگی مدیر آموزشگاه می‌باشد.
- ✓ مسئولین آموزشگاه موظفند نسبت به تهیه پرچم جمهوری اسلامی و میله پرچم و آماده‌سازی جایگاه ویژه مراسم آغازین اقدام نمایند.
- ✓ حضور مدیران در مراسم آغازین الزامی است.
- ✓ در اجرای مراسم به حضور و مشارکت کلیه دانش‌آموزان توجه شود. در این راستا سپردن مراسم به شیوه کلاسی یا شیوه تشکیلاتی در هر روز، تجربه و فرصت خوبی است که از ظرفیت اکثریت دانش‌آموزان استفاده شود.
- ✓ تا حد امکان برنامه‌های آغازین، کوتاه، مفید و جذاب باشد.
- ✓ برنامه‌های ایام ... خاص از مراسم آغازین مستثنی می‌باشد و بایستی برابر مفاد دستورالعمل‌های ارسالی ادارات انجام شود.
- ✓ حداکثر اجرای برنامه‌های عادی ۱۵ دقیقه است مگر روزهایی که برنامه‌های ویژه پیش‌بینی شده باشد.
- ✓ پیشنهاد می‌شود روزهای پنج‌شنبه هر هفته به بحث انتظار و مهدی‌شناسی اختصاص یابد.
- ✓ در اجرای برنامه نقش اصلی به عهده دانش‌آموزان است و مربی نقش راهنما را بر عهده می‌گیرد.
- ✓ جهت ترغیب دانش‌آموزان در اجرای بهتر برنامه آغازین، اجرا در هر ماه ارزیابی و بهترین گروه‌ها تشویق شوند.
- ✓ توصیه می‌گردد جدول اجرای مراسم آغازین و لیست گروه‌های برگزارکننده، در تابلوی اعلانات ویژه مراسم آغازین نصب گردد.



- ✓ مطابق شیوه‌نامه، در روزهایی که شرایط آب و هوا مساعد نیست، مراسم آغازین در راهروی آموزشگاه یا در کلاس‌ها و با حضور دبیران اجرا گردد به نحوی که صدا در کل کلاسها و راهرو پخش شود.
- ✓ لازم به ذکر است اکثر اطلاعات ارائه شده در کتاب، صرفاً جهت استفاده مربی و ارائه در خور فهم دانش‌آموزان می‌باشد.
- ✓ در اجرای برنامه‌ها توجه به فاصله سنی دانش‌آموزان مورد تأکید است .

جدول پیشنهادی راهنمای اجرای مراسم آغازین					
۱	۲	۳	۴	۵	۶ یک یا دو عنوان
اجرا هر روز	اجرا روزهای شنبه	اجرا هر روز	اجرا هر روز	اجرا هر روز	اجرا با توجه به شرایط و موقعیت‌های مختلف، شرایط آب و هوایی، شرایط سنی، ایام ... و مناسبت‌ها و نیاز دانش‌آموزان و ... تغییر می‌کند
قرآن و ترجمه شعار هفته ذکر روزهای هفته	مراسم پرچم سرود جمهوری اسلامی روزهای <u>شنبه</u>	ورزش آغازین	نیایش	پیام بهداشتی	مناسبت‌ها و ایام ... - اخبار - سرود همگانی - فریادهای شادی - معرفی کتاب - حکایات و روایات پندآموز - مسابقه و چیستان - خاطرات و وصیت‌نامه شهداء - استفاده از همکاران (مشاوره - بهداشت - ادبیات - تاریخ و ...) و ...
* انتخاب تقدم و تأخر و چینش موارد فوق در اختیار مربی و دانش‌آموزان و به ابتکار ایشان می‌باشد. * ستون ۶ با توجه به <u>وقت باقیمانده</u> و نیازهای دانش‌آموزان و مناسبت‌ها و ایام ... انتخاب و اجرا می‌گردد. * پیشنهاد می‌شود روزهای پنج شنبه به مبحث مهدی‌شناسی و بحث انتظار اختصاص یابد.					



بسمه تعالی

شیوه نامه مراسم آغازین

مراسم آغازین از نیازهای جدی دانش آموزان بوده و ضمن تأمین شادابی و نشاط در فضای مدرسه، حضور فعالتر آنان را در فعالیتهای آموزشی و پرورشی مدرسه فراهم می آورد. امید است با عنایت به سیاست راهبردی دانش آموز محوری و با هدف بهره گیری از ظرفیت گسترده و عظیم دانش آموزان در پیشبرد اهداف مقدس نظام تعلیم و تربیت اسلامی در اجرای دقیق این مراسم اهتمام لازم بعمل آید.

اهداف

- ایجاد شور و نشاط در دانش آموزان
- ایجاد آمادگی به منظور امر یادگیری
- توانمند سازی دانش آموزان در ابعاد مختلف جسم و روان
- تقویت روحیه تعاون و همکاری بین دانش آموزان
- تقویت مهارت های دانش آموزان در ارتباط با دیگر همسالان
- هدایت استعداد های بالقوه و بهره برداری از آن
- بیان نکات تربیتی و آموزشی توسط مسئولین مدرسه
- ایجاد نظم و هماهنگی از ابتدای شروع فعالیت روزانه مدرسه

تذکرات اجرایی

- ✱ مدت زمان اجرای برنامه در هر روز ۱۵ دقیقه (از تلاوت قرآن) می باشد.
- ✱ در صورت نامساعد بودن شرایط جوی یا در زمان امتحانات، مراسم آغازین در نمازخانه، راهرو یا کلاسها با حضور آموزگاران و دبیران برگزار می گردد.
- ✱ پیشنهاد می شود جهت برقراری نظم، هماهنگی و توجه بیشتر به محتوای برنامه های آغازین ایستادن دانش آموزان به صورت صف باشد نه ستون.



- ✱ اختصاص تابلو به محتوای برنامه های ارائه شده در مراسم آغازین به منظور اثرگذاری بیشتر
- ✱ حضور کلیه همکاران در برنامه های آغازین خصوصاً مدیریت آموزشگاه، مربی و معاون پرورشی، معاون آموزشی، مربی بهداشت، مربی ورزش و مشاوره



مراسم آغازین از نظر محتوایی به دو دسته تقسیم می‌شود:

الف: مستمر و ثابت: آن دسته از برنامه‌هایی است که به طور مستمر و ثابت در طول هفته در مراسم آغازین اجرا می‌گردد.

ب: غیر مستمر و متغیر: آن دسته از برنامه‌هایی است که بنا به شرایط و موقعیت زمانی و مکانی، شرایط آب و هوایی، شرایط سنی، ایام ... و مناسبت‌ها و ... در حال تغییر است.

محتوای برنامه های مستمر و ثابت - دوره ابتدایی		
۱.	تلاوت قرآن کریم با حضور همکاران	- تلاوت چند آیه یا سوره‌ی کوچک داستانی یا بیان نعمتهای خداوند به منظور بیدار کردن حس شکرگزاری - پیشنهاد می‌شود تلاوت آیات و ترجمه به شکل گروهی و دسته‌جمعی انجام شود - آیات منتخب در طول یک هفته تکرار گردد.
۲.	به اهتزاز در آوردن پرچم مقدس جمهوری اسلامی با حضور همکاران	- این برنامه به منظور ایجاد روحیه وحدت و همدلی در اولین روز از هر هفته اجرا می‌گردد. (در صورت تعطیلی روز شنبه، اجرای برنامه به اولین روز بعد از تعطیلات موکول می‌شود). - اجرای سرود ملی - احترام به پرچم و سوگند پرچم
۳.	ورزش آغازین ۳ الی ۴ دقیقه	اهداف: - ایجاد روحیه شاداب و آمادگی برای فرایند یادگیری - همگانی نمودن فعالیت‌های عمومی ورزشی در دانش‌آموزان به منظور دستیابی به چنین اهدافی، انتخاب نوع برنامه ورزشی باید به گونه‌ای باشد که متناسب با جنسیت و گروه سنی دانش‌آموزان بوده و همه‌ی دانش‌آموزان با سطوح مختلف آمادگی جسمانی و مهارتی توانایی اجرای آن را داشته باشند اجراء: - اجرای روزانه ورزش آغازین توسط دانش‌آموزان تعلیم دیده و با نظارت فنی معلم تربیت بدنی می‌باشد. (این برنامه مطابق لوح فشرده ورزشی که ضمیمه کتاب می‌باشد اجرا می‌گردد). - مدیریت و هدایت این بخش از برنامه آغازین، بر عهده معاون پرورشی باشد
۴.	مهدی شناسی	روزهای پنج شنبه
۵.	پیام های بهداشتی	پیشنهاد می‌شود هر روز چند بند از عناوین بهداشتی برای دانش‌آموزان قرائت گردد
۶.	ذکر و مناجات	- دعای فرج - ذکر روزهای هفته - مناجات‌های کوتاه - و - به منظور ایجاد روحیه همدلی و وحدت به صورت دسته‌جمعی اجرا گردد.



برنامه‌های غیر مستمر و متغیر (ابتدایی)

- ذکر احادیث ائمه معصومین (ع) با ترجمه‌ی آن
- ارائه پیامهای اخلاقی با استفاده از داستانهای کوتاه قرآنی، ادبی و زندگینامه‌ی ائمه معصومین (ع) و بزرگان دین
- ارائه پیامهای بهداشتی: بهداشت محیط - بهداشت فردی و اجتماعی - صرفه‌جویی در مصرف انرژی، آب و برق - بازیافت کاغذ و زباله - میان‌وعده مناسب - اهمیت صبحانه - فواید شیر و فراورده‌های لبنی - خواص میوه‌ها - سلامت دهان و دندان - سلامت پوست - بهداشت بلوغ و ویژه دختران - چگونگی مراقبت از چشم و گوش - حمل صحیح کیف - استفاده از وسایل شخصی - پوشاک سبک و راحت - طرز صحیح نشستن و راه رفتن - ضرورت ورزش صبحگاهی و نرمش - پیشگیری از بیماریهای واگیردار و غیر واگیردار
- آموزش مهارت‌های زندگی و مهارت‌های تحصیلی: چگونگی برقراری ارتباط با دیگران - مهارت حل مسئله - پاسخ قاطع در مقابل خواسته‌های غیرمنطقی دیگران - استرس و اضطراب امتحان و ...
- تقدیر از دانش‌آموزان کوشا در عرصه‌های مختلف
- اجرای سرود همگانی با محتوای اعتقادی، ملی، مذهبی با هماهنگی کارشناسی فرهنگی هنری منطقه (به طور مثال: سرود «ای ایران» - «سرود ملی» و ...)
- اخبار علمی-فرهنگی و هنری با کمک معلم و مربی
- اجرای فریادهای شادی با استفاده از نوارهای سازمان دانش‌آموزی-استفاده از اشعار کوتاه و شاد تک‌بیتی - انواع صلوات‌ها و ...
- ارائه مطالب متناسب با مناسبت‌های شمسی و قمری (ملی-مذهبی)
- برگزاری مسابقات شاد (علمی، قرآنی، مهارتی و ...)
- معرفی تازه‌های کتاب
- بیان مطلب با توجه به مسائل روز توسط مربی
- پیام مسئولان (اخلاقی - انضباطی - تحصیلی و بهداشتی و ...)



شیوه‌های پیشنهادی اجرای مراسم آغازین

با توجه به روحیه تنوع‌طلبی انسان و نیز گوناگونی موقعیت‌ها و عوامل تأثیرگذار در امر تعلیم و تربیت، لزوم تنوع روش‌ها نیز امری بدیهی است. انتخاب شیوه‌های مناسب و اتخاذ تصمیم پیرامون نحوه انجام مراسم برعهده ستاد مراسم آغازین می‌باشد که با توجه به شرایط و موقعیت‌های موجود در هر آموزشگاه، تغییر می‌کند.

شیوه‌های اجرایی	ابتدایی	راهنمایی	متوسطه
بصورت کلاسی : الف) هفتگی : هر هفته با یک کلاس در ابتدایی برنامه‌ریزی زیر نظر معلم و مربی می‌باشد ب) روزانه : هر روز یک کلاس	✓	✓	✓
به صورت کمیته‌بندی که هر روز به یک کمیته اختصاص می‌یابد قرآنی (قرآن - حدیث - داستانهای قرآنی - مناجات - روایت‌های اخلاقی - و) علمی سیاسی (اخبار روز اعم از علمی - سیاسی - هنری - ورزشی - و) ورزشی (فریادهای شادی - نرمش و ورزش - بازیهای محلی و) بهداشت (ارائه اطلاعات از بعد روانی، جسمی، پزشکی، تغذیه و) فرهنگی هنری (سرود همگانی، مسابقات فرهنگی و هنری، و آموزشی و) ادبی (شعر - داستان - مقاله - معرفی کتاب - و)		✓	✓
صبحگاه تشکیلاتی (برنامه‌ها هر روز توسط یک تشکل اجرا می‌گردد)		✓	✓
موضوعی (برنامه‌های هر هفته به یک موضوع اختصاص می‌یابد که می‌تواند موضوع اخلاقی - قرآنی - ورزشی - بهداشتی و ... باشد و می‌تواند به سه شکل بالا اجرا گردد)	✓	✓	✓
اختصاص یک روز به برنامه‌های خاص (برگزاری زیارت عاشورا - نوسل - دعای عهد و ...) (پیشنهاد می‌شود در این شیوه از مشارکت اولیاء استفاده شود)		✓	✓



فصل اول

سرمشق‌های آسمانی

قرآن نوری است که در آن تاریکی یافت نمی‌شود و چراغی است که درخشندگی آن زوال نپذیرد، ریسمانی است که رشته آن محکم و پناهگاهی که قله آن بلند و دریایست که تشنگان آن، آبش را تمام نتوانند کشید و شفادهنده‌ای است که بیماری‌های وحشت‌انگیز را بزدايد، قرآن بهار دل، چشمه‌های دانش، سرچشمه‌ی عدالت و نهر جاری زلال حقیقت است. پس درمان خود را از قرآن بخواهید و در سختی‌ها از قرآن یاری طلبید و خواسته‌های خود را به وسیله‌ی قرآن طلب کنید و با دوستی قرآن به خدا روی آورید زیرا وسیله‌ای برای تقرب بندگان به خدا، بهتر از قرآن وجود ندارد.

(نهج البلاغه/خطبه های ۱۹۸ و ۱۷۶)





مراسم قرآن

مراسم قرآن تشکیل شده از قاری یا قاریان قرآن، گوینده‌ی ترجمه آن، گوینده حدیث و شعار هفته‌ی قرآنی و گوینده ذکر روزهای هفته، که از این گروه به عنوان حاملان قرآن هم استفاده می‌شود.

برای شروع و ایجاد فضای روحانی، در هنگام آمادگی و حضور گروه قرآن متن ادبی یا قطعه شعر یا حدیث توسط یکی از دانش‌آموزان قرائت گردد. و با یک صلوات قرآنی توسط گروه مراسم به شرح ذیل آغاز می‌شود:

۱. تلاوت آیات توسط قاری یا قاریان

۲. قرائت ترجمه آیات

۳. بیان حدیث و شعار هفته‌ی قرآنی

۴. ذکر روزهای هفته ۵ بار به نیت ۱۰۰ بار

برنامه آغازین می‌تواند به شیوه‌ی موضوعی در طول یک هفته و بر اساس موضوع شعار قرآنی اجرا گردد.

نکات اجرایی

- پیشنهاد می‌شود کلیه همکاران آموزشگاه هنگام تلاوت آیات قرآن، در برنامه آغازین حضور داشته باشند.
- در اولین روز هفته مربی با تأکید بر معانی آیات راه تدبیر و تفکر را برای دانش‌آموزان باز نماید.
- لازم به ذکر است فضیلت‌های ارائه شده در کتاب، صرفاً جهت استفاده مربی می‌باشد.
- قابل ذکر است پاداشها و فضیلت‌هایی که برای سوره‌های قرآن بیان شده هرگز برای خواندن تنها نیست، بلکه خواندنی است که توأم با تفکر و اندیشه، و سپس الهام گرفتن برای عمل بوده باشد. و اینچنین پاداشهای عظیمی، از آن کسانی است که تلاوت را وسیله‌ای برای اندیشیدن، و سپس عمل، قرار دهند، و تعلیمات مختلف این سوره‌ها در زندگی آنها پرتو افکن شود.
- (پاداشها و فضیلتها در ابتدایی فقط جهت اطلاع مربی می‌باشد)
- تلاوت قرآن به صورت کاملاً روشن و واضح باشد. (و رتل القرآن ترتیلاً).
- بر قرائت دسته‌جمعی و با زمزمه‌ی کلیه دانش‌آموزان تأکید شود.
- سعی شود در حین قرائت قرآن دانش‌آموزان از آرامش و انبساط خاطر لازم برخوردار باشند. (گوش دادن و تلاوت آیات وحی در پیچه‌هایی از نور و رحمت را به روی ما می‌گشاید).
- قاریان قرآن از دانش‌آموزانی باشند که دارای صوت خوب و قرائت صحیح باشند.
- شعار قرآنی در هر روز و توسط کل دانش‌آموزان تکرار شود.
- پیشنهاد می‌شود ذکر روزهای هفته و ایام منسوب به ائمه به طور ثابت در تابلوی مراسم آغازین نصب گردد.
- پیشنهاد می‌شود شعار قرآنی در طول هفته در کلیه کلاسها نصب شود و در اولین زنگ از هر کلاس توسط همه دانش‌آموزان قرائت شود.
- پیشنهاد می‌شود پنج شنبه هر هفته نام سوره و شماره‌ی آیات هفته‌ی بعد به دانش‌آموزان اعلام شود تا با تلاوت آیات در خانه با آمادگی بیشتری در مراسم آغازین هفته بعد حضور یابند. (ایجاد انگیزه جهت تلاوت آیات در خانه و توجه به معانی و تدبیر و تفکر در آیات از نکات قابل توجه توسط مربی می‌باشد).
- به منظور آشنایی بصری دانش‌آموزان با آیات قرآن و همخوانی با قاری، موارد ذیل پیشنهاد می‌شود:



- * تکثیر آیات قرآن به تعداد دانش آموزان (به صورت جزوه یا صفحه صفحه)
- * تهیه بنر از آیات قرآن و نصب در مقابل دانش آموزان
- * کپی از آیات قرآنی به تعداد کلاسهای هر آموزشگاه و نصب در کلاسها و قرائت آیات در اولین ساعت آموزش توسط دانش آموزان (در مواردی که اجرای مراسم صبحگاه در فضای حیاط مدرسه نمی باشد)
- پیشنهاد می شود از شعار هفته در بخش ترجمه آن، هر هفته مسابقه ای بین دانش آموزان برگزار گردد.

نمونه متون ادبی و احادیث

تا شود روح تو با حق آشنا، قرآن بخوان	با تو گر خواهی سخن گوید خدا، قرآن بخوان
درد مندان را بود قرآن دوا، قرآن بخوان	ای بشر یاد خدا آرامش دل می دهد
تا که ایمن باشی از این دامها، قرآن بخوان	دامها گسترده شیطان در مسیر عمر تو

بخوان تا جان ز جانان جان گیرد	بخوان قرآن که دل آرام گیرد
ره ملک سعادت را بدانی	بخوان تا راز خلقت را بخوانی
نباشد مطمئن تر زان پناهی	ز قرآن نیست بهتر جایگاهی
به هر جا حافظ ایمان ما باش	تو ای قرآن شفیع جان ما باش

دعای پیش از خواندن قرآن

بار خدایا، قرآن را به حق نازل کردی و به درستی هم نازل شده، بار الها میل و رغبت مرا به قرآن بزرگ گردان و آن را روشنایی دیده و شفای دل و برنده غم و غصه و اندوهم قرار ده، خداوندا زبانم را به خواندن قرآن زینت ده و چهره ام را به سبب آن نیکویی بخش و پیکرم را به پیروی آن نیرومند فرما و میزان عملم را به تبعیت آن سنگین گردان و خواندن قرآن را شب و روز با توفیق فرمانبرداری روزیم فرما و مرا با پیغمبرت حضرت محمد (ص) و آل برگزیده اش محشور گردان

خانه های قرآنی: امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) فرمود: خانه ای که در آن قرآن خوانده شود و ذکر خدای عزوجل (و یاد او) در آن بشود، برکتش بسیار گردد و فرشتگان در آن بیایند و شیاطین از آن دور شوند و برای اهل آسمان می درخشد چنانچه ستارگان برای اهل زمین می درخشد و خانه ای که در آن قرآن خوانده نشود و ذکر خدای عزوجل در آن نشود، برکتش کم شود و فرشتگان از آن دور شوند و شیاطین در آن حاضر گردند

اصول کافی جلد ۴ ص ۴۱۳/ ح ۳

تدبر و اندیشیدن در آیات: امیرالمؤمنین (علیه السلام) فرمود: آگاه باشید که در تلاوت قرآن بدون تدبیر خیری نیست

استعاذه پیش از تلاوت قرآن: امام صادق (علیه السلام) فرمود: درهای معصیت را با گفتن (اعوذ بالله من الشیطان الرجیم) ببندید و درهای طاعت را با (بسم الله الرحمن الرحیم) بگشایید.

بحار الانوار ج ۹۲، ص ۲۱۶



هفته ۱

نام سوره: حمد

آیات ۱ الی ۷

فضیلت سوره: پیغمبر اسلام فرمود: هر کس این سوره را بخواند مثل آن است که تورات، انجیل، زبور، صحف ابراهیم و صحف موسی و قرآن را تماماً خوانده باشد و به هر حرفی درجه‌ای از بهشت به او دهند که اجازه ندارم اوصاف آن درجات را بیان کنم، همین اندازه بگویم که خوش بحال خواننده آن و این سوره هر دردی را دواست.

اعوذ بالله من الشیطان الرجیم

﴿بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ﴾ به نام خداوند بخشنده بخشایگر (۱)

﴿الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ﴾

ستایش مخصوص خداوندی است که پروردگار جهانیان است. (۲)

﴿الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ﴾

بخشنده و بخشایگر است (۳)

﴿مَالِكِ يَوْمِ الدِّينِ﴾

مالک روز جزاست. (۴)

﴿إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ﴾

تنها تو را می‌پرستیم؛ و تنها از تو یاری می‌جوییم. (۵)

﴿اهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ﴾

ما را به راه راست هدایت کن... (۶)

﴿صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَلَا الضَّالِّينَ﴾

راه کسانی که آنان را مشمول نعمت خود ساختی؛ نه کسانی که بر آنان غضب کرده‌ای؛ و نه گمراهان. (۷)

"صدق الله العلی العظیم"

پیامبر اکرم (ص) فرمودند: هنگامی که بنده گوید: بسم الله الرحمن الرحيم خدای بلند مرتبه می‌فرماید: بنده‌ام با نام من آغاز کرد و سزاوار است بر من که کارهایش را به پایان رسانم و در احوال او برکت قرار دهم.

پیام هفته

یاری جستن

از خدا

﴿إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ﴾ (خدایا) تنها تو را می‌پرستیم؛ و تنها از تو یاری می‌جوییم. (۵)

شنبه	پیامبر (ص)	یارب العالمین
یکشنبه	حضرت علی (ع) و فاطمه (س)	یا ذالجلال و الاکرام
دوشنبه	امام حسن و امام حسین (ع)	یا قاضی الحاجات
سه شنبه	امام سجاد، امام محمد باقر و امام صادق (ع)	یا رحمن یا رحیم
چهارشنبه	امام موسی کاظم، رضا، جواد، هادی (ع)	یا حی و یا قیوم
پنج شنبه	امام حسن عسکری (ع)	لا اله الا الله ملک الحق المبین
جمعه	امام زمان (عج)	اللهم صل علی محمد و آل محمد

ذکر روزهای هفته
(با توجه به معانی)

هر ذکر در هر روز ۵ بار تکرار شود
به نیت ۱۰۰ بار



فضیلت سوره: پیامبر اکرم (ص): کسیکه ایمان به خدا و روز قیامت دارد، خواندن سوره قل هو الله احد را بعد از نماز ترک نکند، چرا که هر کس آن را بخواند خیر دنیا و آخرت را برای او جمع می کند و خودش و پدر و مادر و فرزندان را می آمرزد.

مجمع البیان / ج ۱۰ / ص ۵۶۱

اعوذ بالله من الشیطان الرجیم

﴿بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ﴾ به نام خداوند بخشنده مهربان

قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ ﴿۱﴾

بگو اوست خدای یگانه (۱)

اللَّهُ الصَّمَدُ ﴿۲﴾

خدای بی نیاز [ثابت متعالی] (۲)

لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ ﴿۳﴾

نه فرزندی دارد و نه فرزند کسی است (۳)

وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ ﴿۴﴾

و هیچ کس او را همتا نیست (۴)

صدق الله العلی العظیم

شعار هفته: چو قرآن بخوانند دیگر خموش به آیات قرآن فرا دار گوش

(وَ إِذَا قُرِئَ الْقُرْآنُ فَاسْتَمِعُوا لَهُ وَ أَنْصِتُوا لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ). (۲۰۴) اعراف

«هنگامی که قرآن تلاوت می شود، با توجه، به آن گوش دهید و ساکت باشید، شاید مشمول رحمت خدا گردید»

ذکر روزهای هفته

(با توجه به معانی)

هر ذکر در هر روز ۵ بار تکرار شود
به نیت ۱۰۰ بار

شنبه	پیامبر (ص)	یارب العالمین
یکشنبه	حضرت علی (ع) و فاطمه (س)	یا ذالجلال و الاکرام
دوشنبه	امام حسن و امام حسین (ع)	یا قاضی الحاجات
سه شنبه	امام سجاد، امام محمد باقر و امام صادق (ع)	یا رحمن یا رحیم
چهارشنبه	امام موسی کاظم، رضا، جواد، هادی (ع)	یا حی و یا قیوم
پنج شنبه	امام حسن عسگری (ع)	لا اله الا الله ملک الحق المبین
جمعه	امام زمان (عج)	اللهم صل علی محمد و آل محمد



هفته ۳

نام سوره: نصر

آیات ۱ الی ۳

فضیلت سوره: امام صادق (ع): هر کس سوره نصر را در نمازهای مستحبی یا واجب قرائت کند، خداوند او را بر تمام دشمنانش یاری می‌کند و در روز قیامت در حالی می‌آید که همراه او کتابی است. خداوند این کتاب را از درون قبرش بیرون می‌آورد و در آن مایه‌ی امان از گرمای جهنم و آتش است. او در روز قیامت بر چیزی عبور نمی‌کند مگر این که بشارتش می‌دهد و او را به هر خیری خبر می‌دهد تا این که وارد بهشت شود. برای قاری این سوره در دنیا نیز از همه اسباب فراهم است به حالتی که کسی ندیده و به قلبش خطور نکرده است. ثواب الاعمال، ص ۱۲۷

اعوذ بالله من الشیطان الرجیم

﴿بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ﴾

به نام خداوند بخشنده مهربان

﴿إِذَا جَاءَ نَصْرُ اللَّهِ وَالْفَتْحُ﴾ ۱

چون یاری خدا و پیروزی فرا رسد (۱)

﴿وَرَأَيْتَ النَّاسَ يَدْخُلُونَ فِي دِينِ اللَّهِ أَفْوَاجًا﴾ ۲

و بینی که مردم دسته‌دسته در دین خدا درآیند (۲)

﴿فَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ وَاسْتَغْفِرْهُ إِنَّهُ كَانَ تَوَّابًا﴾ ۳

پس به ستایش پروردگارت نیایشگر باش و از او آمرزش خواه که وی همواره توبه‌پذیر است (۳)

صدق الله العلی العظیم

شعار هفته: علم و دانش

﴿وَقُلْ رَبِّ زِدْنِي عِلْمًا﴾ ۱۱۴

و بگو پروردگارا بر دانشم بیفزای (۱۱۴) طه

ذکر روزهای هفته

(با توجه به معانی)

هر ذکر در هر روز ۵ بار تکرار شود
به نیت ۱۰۰ بار

شنبه	پیامبر (ص)	یارب العالمین
یکشنبه	حضرت علی (ع) و فاطمه (س)	یا ذالجلال و الاکرام
دوشنبه	امام حسن و امام حسین (ع)	یا قاضی الحاجات
سه شنبه	امام سجاد، امام محمد باقر و امام صادق (ع)	یا رحمن یا رحیم
چهارشنبه	امام موسی کاظم، رضا، جواد، هادی (ع)	یا حی و یا قیوم
پنج شنبه	امام حسن عسکری (ع)	لا اله الا الله ملک الحق المبین
جمعه	امام زمان (عج)	اللهم صل علی محمد و آل محمد



فضیلت سوره: پیامبر اکرم(ص): هر کس سوره تکویر را قرائت کند، در روز قیامت هنگامی که پرونده‌های اعمال بندگان پیش روی همگان قرار می‌گیرد، خداوند او را از رسوایی در امان می‌دارد و هر کس که دوست دارد (روز قیامت به من بنگرد) این سوره را بخواند. مجمع البیان، ج ۱۰، ص ۲۷۳.

اعوذ بالله من الشیطان الرجیم

بسم الله الرحمن الرحيم به نام خداوند بخشنده مهربان

وَإِذَا الشَّمْسُ كُوِّرَتْ ﴿١﴾ آنگاه که خورشید به هم درپیچد (۱)

وَإِذَا النُّجُومُ انْكَدَرَتْ ﴿٢﴾ و آنگاه که ستارگان همی تیره شوند (۲)

وَإِذَا الْجِبَالُ سُيِّرَتْ ﴿٣﴾ و آنگاه که کوهها به حرکت در آیند (۳)

وَإِذَا الْعِشَارُ عُطِّلَتْ ﴿٤﴾ وقتی شتران ماده وانهاده شوند (۴)

وَإِذَا الْوُحُوشُ حُشِرَتْ ﴿٥﴾ و آنگاه که وحوش محشور می شوند (۵)

وَإِذَا الْبِحَارُ سُجِّرَتْ ﴿٦﴾ دریاها آنگاه که جوشان گردند (۶)

وَإِذَا النُّفُوسُ زُوِّجَتْ ﴿٧﴾ و آنگاه که جانها به هم درپیوندند (۷)

صدق الله العلی العظیم

شعار هفته : مشورت در کارها

وَالَّذِينَ اسْتَجَابُوا لِرَبِّهِمْ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَأَمْرُهُمْ شُورَى بَيْنَهُمْ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنفِقُونَ ﴿٣٨﴾

و کسانی که [ندای] پروردگارشان را پاسخ [مثبت] داده و نماز برپا کرده‌اند و کارشان در میانشان مشورت است و از آنچه روزیشان داده‌ایم انفاق می‌کنند (۳۸) شوری

ذکر روزهای هفته

(با توجه به معانی)

هر ذکر در هر روز ۵ بار تکرار شود
به نیت ۱۰۰ بار

شنبه	پیامبر (ص)	یارب العالمین
یکشنبه	حضرت علی(ع) و فاطمه(س)	یا ذالجلال و الاکرام
دوشنبه	امام حسن و امام حسین (ع)	یا قاضی الحاجات
سه شنبه	امام سجاد، امام محمد باقر و امام صادق (ع)	یا رحمن یا رحیم
چهارشنبه	امام موسی کاظم، رضا، جواد، هادی(ع)	یا حی و یا قیوم
پنج شنبه	امام حسن عسکری(ع)	لا اله الا الله ملک الحق المبین
جمعه	امام زمان (عج)	اللهم صل علی محمد و آل محمد



هفته ۵

نام سوره: یس

آیات ۱ الی ۸

فضیلت سوره: پیامبر اکرم (ص): هر کس سوره یس را قرائت نماید، مانند آن است که ده بار کل قرآن را ختم نماید.
الدرالمشور، ج ۵، ص ۲۵۶

اعوذ بالله من الشیطان الرجیم

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ به نام خداوند بخشنده مهربان

یس ﴿۱﴾ یس [یا سین] (۱)

وَالْقُرْآنِ الْحَكِيمِ ﴿۲﴾ سوگند به قرآن حکمت آموز (۲)

إِنَّكَ لَمِنَ الْمُرْسَلِينَ ﴿۳﴾ که قطعاً تو از [جمله] پیامبرانی (۳)

عَلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ ﴿۴﴾ بر راهی راست (۴)

تَنْزِيلَ الْعَزِيزِ الرَّحِيمِ ﴿۵﴾ [و کتابت] از جانب آن عزیز مهربان نازل شده است (۵)

لِتُنذِرَ قَوْمًا مَّا أُنذِرَ آبَاؤُهُمْ فَهُمْ غَافِلُونَ ﴿۶﴾

تا قومی را که پدرانشان بیم داده نشدند و در غفلت ماندند بیم دهی (۶)

صدق الله العلی العظیم

شعار هفته: نعمت های بی شمار خداوند

وَأَنَّا كُنتُمْ مِنْ كُلِّ مَا سَأَلْتُمُوهُ وَإِن تَعُدُّوا نِعْمَتَ اللَّهِ لَا تَحْصُوهَا إِنَّ الْإِنْسَانَ لَظَلُومٌ كَفَّارٌ

و (خداوند) از هر آنچه که از او خواستید (و نیاز داشتید) به شما داده است، و اگر (بخواهید) نعمت خدا را بشمارید، نمی توانید آنها را به دقت شماره کنید. همانا انسان بسیار ستمگر و ناسپاس است (ابراهیم ۳۴)

ذکر روزهای هفته
(با توجه به معانی)

هر ذکر در هر روز ۵ بار تکرار شود
به نیت ۱۰۰ بار

شنبه	پیامبر (ص)	یارب العالمین
یکشنبه	حضرت علی (ع) و فاطمه (س)	یا ذالجلال و الاکرام
دوشنبه	امام حسن و امام حسین (ع)	یا قاضی الحاجات
سه شنبه	امام سجاد، امام محمد باقر و امام صادق (ع)	یا رحمن یا رحیم
چهارشنبه	امام موسی کاظم، رضا، جواد، هادی (ع)	یا حی و یا قیوم
پنج شنبه	امام حسن عسکری (ع)	لا اله الا الله ملک الحق المبین
جمعه	امام زمان (عج)	اللهم صل علی محمد و آل محمد



فضیلت سوره: پیامبر اکرم (ص): هر کس سوره تکاثر را قرائت کند در ملکوت، ادا کننده شکر، خوانده می شود.

الجامع الصغير، ج ۲، ص ۲۳۴

اعوذ بالله من الشیطان الرجیم

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ به نام خداوند بخشنده مهربان

﴿۱﴾ أَلْهَاكُمْ التَّكَاثُرُ تفاخر به بیشتر داشتن شما را غافل داشت (۱)

﴿۲﴾ حَتَّى زُرْتُمُ الْمَقَابِرَ تا کارتان [و پایتان] به گورستان رسید (۲)

﴿۳﴾ كَلَّا سَوْفَ تَعْلَمُونَ نه چنین است زودا که بدانید (۳)

﴿۴﴾ ثُمَّ كَلَّا سَوْفَ تَعْلَمُونَ باز هم نه چنین است زودا که بدانید (۴)

﴿۵﴾ كَلَّا لَوْ تَعْلَمُونَ عِلْمَ الْيَقِينِ هرگز چنین نیست اگر علم یقین داشتید (۵)

﴿۶﴾ لَتَرَوُنَّ الْجَحِيمَ به یقین دوزخ را می بینید (۶)

﴿۷﴾ ثُمَّ لَتَرَوْنها عَيْنَ الْيَقِينِ سپس آن را قطعاً به عین یقین درمی یابید (۷)

﴿۸﴾ ثُمَّ لَتَسْأَلَنَّ يَوْمَئِذٍ عَنِ النَّعِيمِ

سپس در همان روز است که از نعمت [روی زمین] پرسیده خواهید شد (۸)

صدق الله العلی العظيم

پیام هفته: احسان به پدر و مادر

وَقَضَىٰ رَبُّكَ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا إِيَّاهُ وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا إِمَّا يَبُلُغَنَّ عِنْدَكَ الْكِبَرَ أَحَدُهُمَا أَوْ كِلَاهُمَا فَلَا تَقُلْ لَهُمَا أُفٍّ وَلَا تَنْهَرْهُمَا وَقُلْ لَهُمَا قَوْلًا كَرِيمًا (۲۳ اسراء)

پروردگارت مقرر داشت که جز او را نپرستید و به پدر و مادر نیکی کنید. هر گاه تا تو زنده هستی هر دو یا یکی از آن دو سالخورده

شوند، آنان را میازار و به درشتی خطاب مکن و با آنان به اکرام سخن بگوی

ذکر روزهای هفته

(با توجه به معانی)

هر ذکر در هر روز ۵ بار تکرار شود

به نیت ۱۰۰ بار

شنبه	پیامبر (ص)	یارب العالمین
یکشنبه	حضرت علی (ع) و فاطمه (س)	یا ذا الجلال و الاکرام
دوشنبه	امام حسن و امام حسین (ع)	یا قاضی الحاجات
سه شنبه	امام سجاد، امام محمد باقر و امام صادق (ع)	یا رحمن یا رحیم
چهارشنبه	امام موسی کاظم، رضا، جواد، هادی (ع)	یا حی و یا قیوم
پنج شنبه	امام حسن عسکری (ع)	لا اله الا الله ملک الحق المبین
جمعه	امام زمان (عج)	اللهم صل علی محمد و آل محمد



آیات ۱ الی ۶

نام سوره: ناس

هفته ۷

فضیلت سوره: امام کاظم (ع): اگر کسی در ایام کودکی، خود را متعهد بداند که هر شب سوره‌های «فلق» و «ناس» را سه مرتبه و سوره «توحید» را صد بار و در صورت عدم توانایی پنجاه بار بخواند، خداوند او را از هر گونه ناراحتی که گریبان گیر کودکان می‌شود، در امان می‌دارد و تا زمان مرگ طبیعی، در حفظ و امنیت خواهد بود.

الکافی، ج ۲، ص ۶۲۳

اعوذ بالله من الشیطان الرجیم

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ﴿۱﴾ به نام خداوند بخشنده مهربان

قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ ﴿۱﴾ ﴿۲﴾ بگو پناه می‌برم به پروردگار مردم (۱)

مَلِكِ النَّاسِ ﴿۲﴾ ﴿۳﴾ پادشاه مردم (۲)

إِلَهِ النَّاسِ ﴿۳﴾ ﴿۴﴾ معبود مردم (۳)

مِنْ شَرِّ الْوَسْوَاسِ الْخَنَّاسِ ﴿۴﴾ ﴿۵﴾ از شر وسوسه گر نهانی (۴)

الَّذِي يُوسْوِسُ فِي صُدُورِ النَّاسِ ﴿۵﴾ ﴿۶﴾ آن کس که در سینه‌های مردم وسوسه می‌کند (۵)

مِنَ الْجِنَّةِ وَالنَّاسِ ﴿۶﴾ ﴿۷﴾ چه از جن و [چه از] انس (۶)

صدق الله العلی العظیم

پیام هفته: همکاری و تعاون

«تَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَى» (مائده ۲)

«کمک کنید همدیگر را بر نیکی‌کاری و پرهیزکاری.»

ذکر روزهای هفته

(با توجه به معانی)

هر ذکر در هر روز ۵ بار تکرار شود

به نیت ۱۰۰ بار

یارب العالمین	پیامبر (ص)	شنبه
یا ذالجلال و الاکرام	حضرت علی (ع) و فاطمه (س)	یکشنبه
یا قاضی الحاجات	امام حسن و امام حسین (ع)	دوشنبه
یا رحمن یا رحیم	امام سجاد، امام محمد باقر و امام صادق (ع)	سه شنبه
یا حی و یا قیوم	امام موسی کاظم، رضا، جواد، هادی (ع)	چهارشنبه
لا اله الا الله ملک الحق المبین	امام حسن عسکری (ع)	پنج شنبه
اللهم صل علی محمد و آل محمد	امام زمان (عج)	جمعه



فضیلت سوره: امام صادق (ع): هر گاه در وجود با ارزش پیامبر (ص) کسالتی ایجاد می شد یا ایشان به بیماری مبتلا می شدند، دستهای خود را باز می کردند و سوره های «حمد» و «فلق» و «ناس» را می خواندند و بعد دستها را به چهره خود می کشیدند و بهبودی حاصل می شد. وسائل الشیعه، ج ۶، ص ۲۳۱

اعوذ بالله من الشیطان الرجیم

بسم الله الرحمن الرحیم ﴿بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ﴾ به نام خداوند بخشنده مهربان

قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ ﴿۱﴾ بگو پناه می برم به پروردگار سپیده دم (۱)

مِنْ شَرِّ مَا خَلَقَ ﴿۲﴾ از شر آنچه آفریده (۲)

وَمِنْ شَرِّ غَاسِقٍ إِذَا وَقَبَ ﴿۳﴾ و از شر تاریکی چون فراگیرد (۳)

وَمِنْ شَرِّ النَّفَّاثَاتِ فِي الْعُقَدِ ﴿۴﴾ و از شر دمندهگان افسون در گره ها (۴)

وَمِنْ شَرِّ حَاسِدٍ إِذَا حَسَدَ ﴿۵﴾ و از شر [هر] حسود آنگاه که حسد ورزد (۵)

صدق الله العلی العظیم

پیام هفته: خدا بهترین حافظ است

فَاللَّهُ خَيْرٌ حَافِظًا وَهُوَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ ﴿۶۴﴾

پس خدا بهترین نگهبان است و اوست مهربانترین مهربانان (۶۴) یوسف

پیامبر اکرم (ص): هر کس این سوره ها را بر دردی بخواند به اذن خدا آرام می گیرد و آن مایه شفا برای قرائت کننده آن است و هر کس این سوره ها را هنگام خواب بخواند در پناه و امن الهی است تا صبح و آن امانی برای هر درد و آفت و ناراحتی است.

ذکر روزهای هفته

(با توجه به معانی)

هر ذکر در هر روز ۵ بار تکرار شود
به نیت ۱۰۰ بار

شنبه	پیامبر (ص)	یارب العالمین
یکشنبه	حضرت علی (ع) و فاطمه (س)	یا ذالجلال و الاکرام
دوشنبه	امام حسن و امام حسین (ع)	یا قاضی الحاجات
سه شنبه	امام سجاد، امام محمد باقر و امام صادق (ع)	یا رحمن یا رحیم
چهارشنبه	امام موسی کاظم، رضا، جواد، هادی (ع)	یا حی و یا قیوم
پنج شنبه	امام حسن عسگری (ع)	لا اله الا الله ملک الحق المبین
جمعه	امام زمان (عج)	اللهم صل علی محمد و آل محمد



هفته ۹

نام سوره : انفطار

آیات ۱ الی ۹

فضیلت سوره: پیامبر اکرم (ص): کسی که سوره انفطار را قرائت می کند، خداوند به تعداد همه قبرها به او حسنه اعطا می کند و ده برابر قطرات برف و باران که از آسمان فرود می آید، به او حسنه عنایت می کند. مجمع البیان، ج ۱۰، ص ۲۸۳

اعوذ بالله من الشیطان الرجیم

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ﴿۱﴾ به نام خداوند بخشنده مهربان

إِذَا السَّمَاءُ انْفَطَرَتْ ﴿۱﴾ آنگاه که آسمان زهم بشکافت (۱)

وَإِذَا الْكَوَاكِبُ انْتَشَرَتْ ﴿۲﴾ و آنگاه که اختران پراکنده شوند (۲)

وَإِذَا الْبِحَارُ فُجِّرَتْ ﴿۳﴾ و آنگاه که دریاها از جا برکنده گردند (۳)

وَإِذَا الْقُبُورُ بُعْثِرَتْ ﴿۴﴾ و آنگاه که گورها زیر و زبر شوند (۴)

عَلِمَتْ نَفْسٌ مَّا قَدَّمَتْ وَأَخَّرَتْ ﴿۵﴾ هر نفسی آنچه را پیش فرستاده و بازپس گذاشته بداند (۵)

يَا أَيُّهَا الْإِنْسَانُ مَا غَرَّكَ بِرَبِّكَ الْكَرِيمِ ﴿۶﴾

ای انسان چه چیز تو را در باره پروردگار بزرگوارت مغرور ساخته (۶)

صدق الله العلی العظیم

پیام هفته : اسراف و زیاده روی

كُلُوا وَاشْرَبُوا وَلَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ ﴿۳۱﴾

بخورید و بیاشامید ولی زیاده روی نکنید که خداوند اسرافکاران را دوست نمی دارد (۳۱) اعراف

ذکر روزهای هفته

(با توجه به معانی)

هر ذکر در هر روز ۵ بار تکرار شود

به نیت ۱۰۰ بار

شنبه	پیامبر (ص)	یارب العالمین
یکشنبه	حضرت علی (ع) و فاطمه (س)	یا ذالجلال و الاکرام
دوشنبه	امام حسن و امام حسین (ع)	یا قاضی الحاجات
سه شنبه	امام سجاد، امام محمد باقر و امام صادق (ع)	یا رحمن یا رحیم
چهارشنبه	امام موسی کاظم، رضا، جواد، هادی (ع)	یا حی و یا قیوم
پنج شنبه	امام حسن عسکری (ع)	لا اله الا الله ملک الحق المبین
جمعه	امام زمان (عج)	اللهم صل علی محمد و آل محمد



فضیلت سوره: امام صادق (ع): از قرائت سوره زلزله خسته نشوید، زیرا هر کس در نمازهای مستحب خود این سوره را بخواند، آزار زلزله‌ای بر او نخواهد رسید و بوسیله زلزله، صاعقه یا آفتی از آفات دنیایی، نخواهد مرد و وقتی وفات کرد دستور می‌دهند او را به بهشت برند و خداوند می‌فرماید: ای بنده من در هر جای بهشت که دوست داشتی جای گیر.

ثواب الأعمال، ص ۱۲۴

اعوذ بالله من الشیطان الرجیم

بسم الله الرحمن الرحيم

به نام خداوند بخشنده مهربان

إِذَا زُلْزِلَتِ الْأَرْضُ زِلْزَالَهَا ﴿١﴾

آنگاه که زمین به لرزش [شدید] خود لرزانیده شود (۱)

وَأَخْرَجَتِ الْأَرْضُ أَثْقَالَهَا ﴿٢﴾

و زمین بارهای سنگین خود را برون افکند (۲)

وَقَالَ الْإِنْسَانُ مَا لَهَا ﴿٣﴾

و انسان گوید [زمین] را چه شده است (۳)

يَوْمَئِذٍ تُحَدِّثُ أَخْبَارَهَا ﴿٤﴾

آن روز است که [زمین] خبرهای خود را باز گوید (۴)

بَأَنَّ رَبَّكَ أَوْحَىٰ لَهَا ﴿٥﴾

[همان گونه] که پروردگارت بدان وحی کرده است (۵)

يَوْمَئِذٍ يَصْدُرُ النَّاسُ أَشْتَاتًا لِّيُرَوْا أَعْمَالُهُمْ ﴿٦﴾

آن روز مردم [به حال] پراکنده برآیند تا [نتیجه] کارهایشان به آنان نشان داده شود (۶)

فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ ﴿٧﴾

پس هر که هموزن ذره‌ای نیکی کند [نتیجه] آن را خواهد دید (۷)

وَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ شَرًّا يَرَهُ ﴿٨﴾

و هر که هموزن ذره‌ای بدی کند [نتیجه] آن را خواهد دید (۸)

صدق الله العلی العظيم

پیام هفته: نتیجه اعمال خوب و بد

فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ ﴿٧﴾ وَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ شَرًّا يَرَهُ ﴿٨﴾

پس هر که هموزن ذره‌ای نیکی کند [نتیجه] آن را خواهد دید (۷) و هر که هموزن ذره‌ای بدی کند [نتیجه] آن را خواهد دید (۸)

شنبه	پیامبر (ص)	یارب العالمین
یکشنبه	حضرت علی (ع) و فاطمه (س)	یا ذالجلال و الاکرام
دوشنبه	امام حسن و امام حسین (ع)	یا قاضی الحاجات
سه شنبه	امام سجاد، امام محمد باقر و امام صادق (ع)	یا رحمن یا رحیم
چهارشنبه	امام موسی کاظم، رضا، جواد، هادی (ع)	یا حی و یا قیوم
پنج شنبه	امام حسن عسکری (ع)	لا اله الا الله ملک الحق المبین
جمعه	امام زمان (عج)	اللهم صل علی محمد و آل محمد

ذکر روزهای هفته

(با توجه به معانی)

هر ذکر در هر روز ۵ بار تکرار شود

به نیت ۱۰۰ بار



هفته ۱۱

نام سوره: شمس

آیات ۱ الی ۹

فضیلت سوره: پیامبر اکرم (ص): هر کس سوره شمس را قرائت کند مانند آن است که به اندازه آنچه خورشید و ماه بر آن تابیده است، در راه خدا صدقه داده است.

مجمع البیان، ج ۱۰، ص ۴۹۶

اعوذ بالله من الشیطان الرجیم

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشنده مهربان

- وَالشَّمْسِ وَضُحَاهَا ﴿۱﴾ سوگند به خورشید و تابندگی اش (۱)
- وَالْقَمَرِ إِذَا تَلَاها ﴿۲﴾ سوگند به ماه چون پی [خورشید] رود (۲)
- وَالنَّهَارِ إِذَا جَلَّاهَا ﴿۳﴾ سوگند به روز چون [زمین را] روشن گرداند (۳)
- وَاللَّيْلِ إِذَا يَغْشَاهَا ﴿۴﴾ سوگند به شب چو پرده بر آن پوشد (۴)
- وَالسَّمَاءِ وَمَا بَنَاهَا ﴿۵﴾ سوگند به آسمان و آن کس که آن را برافراشت (۵)
- وَالْأَرْضِ وَمَا طَحَاهَا ﴿۶﴾ سوگند به زمین و آن کس که آن را گسترد (۶)
- وَنَفْسٍ وَمَا سَوَّاهَا ﴿۷﴾ سوگند به نفس و آن کس که آن را درست کرد (۷)
- فَالْهَمَّهَا فَجُورَهَا وَتَقْوَاهَا ﴿۸﴾ سپس پلیدکاری و پرهیزگاری اش را به آن الهام کرد (۸)
- قَدْ أَفْلَحَ مَنْ زَكَّاهَا ﴿۹﴾ که هر کس آن را پاک گردانید قطعاً رستگار شد (۹)

صدق الله العلی العظيم

پیام هفته: شکر نعمت نعمت افزون کند کفر نعمت از کفت بیرون کند

لَنْ شُكِّرْتُمْ لِأَزِيدَنَّكُمْ وَلَنْ كَفَرْتُمْ إِنَّ عَذَابِي لَشَدِيدٌ ﴿۷﴾ ابراهیم

اگر واقعاً سپاسگزاری کنید [نعمت] شما را افزون خواهیم کرد و اگر ناسپاسی نمایید قطعاً عذاب من سخت خواهد بود (۷)

شنبه	پیامبر (ص)	یارب العالمین
یکشنبه	حضرت علی (ع) و فاطمه (س)	یا ذالجلال و الاکرام
دوشنبه	امام حسن و امام حسین (ع)	یا قاضی الحاجات
سه شنبه	امام سجاد، امام محمد باقر و امام صادق (ع)	یا رحمن یا رحیم
چهارشنبه	امام موسی کاظم، رضا، جواد، هادی (ع)	یا حی و یا قیوم
پنج شنبه	امام حسن عسگری (ع)	لا اله الا الله ملک الحق المبین
جمعه	امام زمان (عج)	اللهم صل علی محمد و آل محمد

ذکر روزهای هفته

(با توجه به معانی)

هر ذکر در هر روز ۵ بار تکرار شود

به نیت ۱۰۰ بار



فضیلت سوره: امام صادق (ع): سوره فجر را در نمازهای واجب و مستحب خود قرائت کنید. زیرا این سوره، سوره‌ی امام حسین (ع) است. هر کس این سوره را قرائت کند در روز قیامت در درجه امام حسین (ع) و همراه ایشان خواهد بود.

نواب الأعمال، ص ۱۲۳

اعوذ بالله من الشیطان الرجیم

- ﴿بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ﴾ به نام خداوند بخشنده مهربان
- ﴿وَالْفَجْرِ﴾ سوگند به سپیده دم (۱)
- ﴿وَلَيَالٍ عَشْرٍ﴾ و به شبهای دهگانه (۲)
- ﴿وَالشَّفْعِ وَالْوَتْرِ﴾ و به جفت و تاق (۳)
- ﴿وَاللَّيْلِ إِذَا يَسْرِ﴾ و به شب وقتی سپری شود (۴)
- ﴿هَلْ فِي ذَلِكَ قَسَمٌ لِّذِي حِجْرِ﴾ آیا در این برای خردمند [نیاز به] سوگندی [دیگر] است (۵)
- ﴿أَلَمْ تَرَ كَيْفَ فَعَلَ رَبُّكَ بِعَادٍ﴾ مگر ندانسته‌ای که پروردگارت با عاد چه کرد (۶)
- ﴿إِرمَ ذَاتِ الْعِمَادِ﴾ با عمارات ستون‌دار ارم (۷)
- ﴿الَّتِي لَمْ يُخْلَقْ مِثْلُهَا فِي الْبِلَادِ﴾ که ماندش در شهرها ساخته نشده بود (۸)
- ﴿وَتَمُودَ الَّذِي جَابُوا الصَّخَرَ بِالْوَادِ﴾ و با تمود همانان که در دره تخته‌سنگها را می‌بریدند (۹)

صدق الله العلی العظيم

پیام هفته: مسخره کردن

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا يَسْخَرْ قَوْمٌ مِّنْ قَوْمٍ عَسَىٰ أَن يَكُونُوا خَيْرًا مِّنْهُمْ

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! نباید گروهی از مردان شما گروه دیگر را مسخره کنند، شاید آنها از اینها بهتر باشند (۱۱) حجرات

شنبه	پیامبر (ص)	یارب العالمین
یکشنبه	حضرت علی (ع) و فاطمه (س)	یا ذا الجلال و الاکرام
دوشنبه	امام حسن و امام حسین (ع)	یا قاضی الحاجات
سه شنبه	امام سجاد، امام محمد باقر و امام صادق (ع)	یا رحمن یا رحیم
چهارشنبه	امام موسی کاظم، رضا، جواد، هادی (ع)	یا حی و یا قیوم
پنج شنبه	امام حسن عسکری (ع)	لا اله الا الله ملک الحق المبین
جمعه	امام زمان (عج)	اللهم صل علی محمد و آل محمد

ذکر روزهای هفته

(با توجه به معانی)

هر ذکر در هر روز ۵ بار تکرار شود

به نیت ۱۰۰ بار



هفته ۱۳

نام سوره : ضحی

آیات ۱ الی ۱۱

فضیلت سوره: امام صادق(ع): هر کس سوره ضحی را در شب یا روز زیاد بخواند، چیزی در حضورش نیست مگر اینکه به نفع او شهادت می دهند، حتی مو و پوست و گوشت و استخوانش. خداوند تعالی پس از این شهادت ها می گوید: شهادت شما را برای بنده ام پذیرفتم. او را به بهشت ببرید تا هر چه که دوست دارد به او عطا شود.

ثواب الأعمال، ص ۱۲۳

اعوذ بالله من الشیطان الرجیم

- ﴿بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ﴾ به نام خداوند بخشنده مهربان
- ﴿وَالضُّحَى﴾ سوگند به روشنایی روز (۱)
- ﴿وَاللَّيْلِ إِذَا سَجَى﴾ سوگند به شب چون آرام گیرد (۲)
- ﴿مَا وَدَّعَكَ رَبُّكَ وَمَا قَلَى﴾ [که] پروردگارت تو را وانگذاشته و دشمن نداشته است (۳)
- ﴿وَلَلْآخِرَةُ خَيْرٌ لَّكَ مِنَ الْأُولَى﴾ و قطعاً آخرت برای تو از دنیا نیکوتر خواهد بود (۴)
- ﴿وَلَسَوْفَ يُعْطِيكَ رَبُّكَ فَتَرْضَى﴾ و بزودی پروردگارت تو را عطا خواهد داد تا خرسند گردی (۵)
- ﴿أَلَمْ يَجِدْكَ يَتِيمًا فَآوَى﴾ مگر نه تو را یتیم یافت پس پناه داد (۶)
- ﴿وَوَجَدَكَ ضَالًّا فَهَدَى﴾ و تو را سرگشته یافت پس هدایت کرد (۷)
- ﴿وَوَجَدَكَ عَائِلًا فَأَغْنَى﴾ و تو را تنگدست یافت و بی نیاز گردانید (۸)
- ﴿فَأَمَّا الْيَتِيمَ فَلَا تَقْهَرْ﴾ و اما [تو نیز به پاس نعمت ما] یتیم را میازار (۹)
- ﴿وَأَمَّا السَّائِلَ فَلَا تَنْهَرْ﴾ و گدا را مران (۱۰)
- ﴿وَأَمَّا بِنِعْمَةِ رَبِّكَ فَحَدِّثْ﴾ و از نعمت پروردگار خویش [با مردم] سخن گوی (۱۱)

صدق الله العلی العظیم

پیام هفته: هر چه کنی به خود کنی گر همه نیک و بد کنی

إِنْ أَحْسَنْتُمْ أَحْسَنْتُمْ لَأَنْفُسِكُمْ وَإِنْ أَسَأْتُمْ فَلَهَا ﴿۷﴾ اسراء

اگر نیکی کنید به خود نیکی کرده اید و اگر بدی کنید به خود [بد نموده اید] (۷) اسراء

شنبه	پیامبر (ص)	یارب العالمین
یکشنبه	حضرت علی(ع) و فاطمه(س)	یا ذا الجلال و الاکرام
دوشنبه	امام حسن و امام حسین (ع)	یا قاضی الحاجات
سه شنبه	امام سجاد، امام محمد باقر و امام صادق (ع)	یا رحمن یا رحیم
چهارشنبه	امام موسی کاظم، رضا، جواد، هادی(ع)	یا حی و یا قیوم
پنج شنبه	امام حسن عسکری(ع)	لا اله الا الله ملک الحق المبین
جمعه	امام زمان (عج)	اللهم صل علی محمد و آل محمد

ذکر روزهای هفته

(با توجه به معانی)

هر ذکر در هر روز ۵ بار تکرار شود

به نیت ۱۰۰ بار



فضیلت سوره: امام صادق (ع): هر کس سوره عصر را در نمازهای مستحبی قرائت کند، خداوند در روز قیامت چهره‌اش را نورانی و خندان و چشمش را روشن کرده تا او را وارد بهشت نماید.

ثواب الأعمال، ص ۱۲۵

اعوذ بالله من الشیطان الرجیم

﴿بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ﴾

به نام خداوند بخشنده مهربان

وَالْعَصْرِ ﴿۱﴾

سوگند به عصر [غلبه حق بر باطل] (۱)

إِنَّ الْإِنْسَانَ لِفِي خُسْرٍ ﴿۲﴾

که واقعا انسان دستخوش زیان است (۲)

إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَتَوَّصَوْا بِالْحَقِّ وَتَوَّصَوْا بِالصَّبْرِ ﴿۳﴾

مگر کسانی که گرویده و کارهای شایسته کرده و همدیگر را به حق سفارش و به شکیبایی توصیه کرده‌اند (۳)

صدق الله العلی العظيم

شعار هفته: ریسمان الهی عامل اتحاد مسلمین

وَأَعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا ﴿۱۰۳﴾ آل عمران

و همگی به ریسمان خدا چنگ زنید و پراکنده نشوید (۱۰۳) آل عمران

شنبه	پیامبر (ص)	یارب العالمین
یکشنبه	حضرت علی (ع) و فاطمه (س)	یا ذالجلال و الاکرام
دوشنبه	امام حسن و امام حسین (ع)	یا قاضی الحاجات
سه شنبه	امام سجاد، امام محمد باقر و امام صادق (ع)	یا رحمن یا رحیم
چهارشنبه	امام موسی کاظم، رضا، جواد، هادی (ع)	یا حی و یا قیوم
پنج شنبه	امام حسن عسکری (ع)	لا اله الا الله ملک الحق المبین
جمعه	امام زمان (عج)	اللهم صل علی محمد و آل محمد

ذکر روزهای هفته

(با توجه به معانی)

هر ذکر در هر روز ۵ بار تکرار شود

به نیت ۱۰۰ بار



هفته ۱۵

نام سوره: علق

آیات ۱ الی ۸

فضیلت سوره: امام صادق(ع): کسی که سوره علق را در شب یا روز قرائت کند و پس از آن از دنیا برود، شهید از دنیا رفته و در درجه شهیدان و مانند کسی است که در رکاب پیامبر خدا جهاد کرده است.

ثواب الاعمال، ص ۱۲۴

اعوذ بالله من الشیطان الرجیم

﴿بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ﴾ به نام خداوند بخشنده مهربان

﴿اِقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ﴾ ۱ ﴿﴾ بخوان به نام پروردگارت که آفرید (۱)

﴿خَلَقَ الْإِنْسَانَ مِنْ عَلَقٍ﴾ ۲ ﴿﴾ انسان را از علق آفرید (۲)

﴿اِقْرَأْ وَرَبُّكَ الْأَكْرَمُ﴾ ۳ ﴿﴾ بخوان و پروردگار تو کریمترین [کریمان] است (۳)

﴿الَّذِي عَلَّمَ بِالْقَلَمِ﴾ ۴ ﴿﴾ همان کس که به وسیله قلم آموخت (۴)

﴿عَلَّمَ الْإِنْسَانَ مَا لَمْ يَعْلَمْ﴾ ۵ ﴿﴾ آنچه را که انسان نمی دانست [بتدریج به او] آموخت (۵)

﴿كَلَّا إِنَّ الْإِنْسَانَ لِرَبِّهِ لَكَنَاجٍ﴾ ۶ ﴿﴾ حقا که انسان سرکشی می کند (۶)

﴿أَن رَّآهُ اسْتَغْنَى﴾ ۷ ﴿﴾ همین که خود را بی نیاز پندارد (۷)

﴿إِنَّ إِلَىٰ رَبِّكَ الرُّجْعَى﴾ ۸ ﴿﴾ در حقیقت بازگشت به سوی پروردگار توست (۸)

صدق الله العلی العظیم

شعار هفته: نتیجه کار نیک

إِنَّ الْحَسَنَاتِ يُذْهِبْنَ السَّيِّئَاتِ ﴿۱۱۴﴾

همانا خوبیها بدیها را از میان می برد (۱۱۴) هود

شنبه	پیامبر (ص)	یارب العالمین
یکشنبه	حضرت علی(ع) و فاطمه(س)	یا ذا الجلال و الاکرام
دوشنبه	امام حسن و امام حسین (ع)	یا قاضی الحاجات
سه شنبه	امام سجاد، امام محمد باقر و امام صادق (ع)	یا رحمن یا رحیم
چهارشنبه	امام موسی کاظم، رضا، جواد، هادی(ع)	یا حی و یا قیوم
پنج شنبه	امام حسن عسکری(ع)	لا اله الا الله ملک الحق المبین
جمعه	امام زمان (عج)	اللهم صل علی محمد و ال محمد

ذکر روزهای هفته

(با توجه به معانی)

هر ذکر در هر روز ۵ بار تکرار شود

به نیت ۱۰۰ بار



فضیلت سوره: پیامبر اکرم (ص): هر کس سوره کوثر را تلاوت کند، خداوند از آب نهرهای بهشت به او می‌نوشاند و اجر و پاداش او به اندازه تمامی قربانی‌های روز عید قربان است.

جامع احادیث الشیعه، ج ۱۵، ص ۱۳۱

اعوذ بالله من الشیطان الرجیم

﴿بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ﴾

به نام خداوند بخشنده مهربان

﴿إِنَّا أَعْطَيْنَاكَ الْكَوْثَرَ﴾ ﴿۱﴾

ما تو را [چشمه] کوثر دادیم (۱)

﴿فَصَلِّ لِرَبِّكَ وَانْحَرْ﴾ ﴿۲﴾

پس برای پروردگارت نماز گزار و قربانی کن (۲)

﴿إِنَّ شَانِئَكَ هُوَ الْأَبْتَرُ﴾ ﴿۳﴾

دشمنت خود بی تبار خواهد بود (۳)

صدق الله العلی العظیم

پیام هفته: شکرگزاری

﴿كُلُوا مِنْ رِزْقِ رَبِّكُمْ وَاشْكُرُوا لَهُ بَلَدَةً طَيِّبَةً وَرَبُّ غَفُورٌ﴾

از روزی پروردگارتان بخورید و او را شکر کنید (۱۵) سبأ

روزی پیامبر (ص) را در حال تبسم دیدند. پرسیدند: ای رسول خدا! چه چیزی موجب خنده شما شده است؟ فرمود: سوره ای بر من نازل شده است و بعد سوره «کوثر» را قرائت کرد و گفت: آیا می‌دانید «کوثر» چیست؟ گفتند: خدا و رسولش آگاه‌ترند. پیامبر فرمود: کوثر نهری در بهشت است که خداوند با آن مرا به خیر کثیری وعده داده است و آن حوض من است که امتهم در کنار آن بر من وارد می‌شوند.

منتخب الکلام فی تفسیر الأَحْلَام، ج ۱، ص ۷۴

شنبه	پیامبر (ص)	یارب العالمین
یکشنبه	حضرت علی (ع) و فاطمه (س)	یا ذالجلال و الاکرام
دوشنبه	امام حسن و امام حسین (ع)	یا قاضی الحاجات
سه شنبه	امام سجاد، امام محمد باقر و امام صادق (ع)	یا رحمن یا رحیم
چهارشنبه	امام موسی کاظم، رضا، جواد، هادی (ع)	یا حی و یا قیوم
پنج شنبه	امام حسن عسکری (ع)	لا اله الا الله ملک الحق المبین
جمعه	امام زمان (عج)	اللهم صل علی محمد و آل محمد

ذکر روزهای هفته

(با توجه به معانی)

هر ذکر در هر روز ۵ بار تکرار شود

به نیت ۱۰۰ بار



هفته ۱۷

نام سوره : تین

آیات ۱ الی ۸

فضیلت سوره: پیامبر اکرم (ص): هر کس سوره تین را قرائت کند خداوند اجر بی شماری به او می دهد و مانند این است که پیامبر اکرم (ص) را زیارت کرده است و اگر غمگین باشد خداوند برای او گشایش ایجاد می کند و اگر هنگام صرف غذا خوانده شود، خداوند زیان ها و آسیب های غذا را از آنان برطرف می کند و در آن شفا ایجاد می کند. تفسیر البرهان، ج ۵، ص ۶۹۱، به نقل از خواص القرآن

اعوذ بالله من الشیطان الرجیم

بسم الله الرحمن الرحيم
به نام خداوند بخشنده مهربان

والتین والزیتون ﴿۱﴾
سوگند به انجیر و زیتون (۱)

وطور سینین ﴿۲﴾
و طور سینا (۲)

وهذا البلد الامین ﴿۳﴾
و این شهر امن [و امان] (۳)

لقد خلقنا الانسان في احسن تقویم ﴿۴﴾
[که] براستی انسان را در نیکوترین اعتدال آفریدیم (۴)

ثم رددناه اسفل سافلین ﴿۵﴾
سپس او را به پست ترین [مراتب] پستی باز گردانیدیم (۵)

إلا الذين آمنوا وعملوا الصالحات فلهم أجر غیر ممنون ﴿۶﴾
مگر کسانی را که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده اند که پاداشی بی منت خواهند داشت (۶)

فما یکذبک بعد بالذین ﴿۷﴾
پس چه چیز تو را بعد [از این] به تکذیب جزا و امی دارد (۷)

ألئیس الله بأحكم الحاکمین ﴿۸﴾
آیا خدا نیکوترین داوران نیست (۸)

صدق الله العظیم

پیام هفته : پاداش نیکی

لِّلَّذِينَ أَحْسَنُوا الْحُسْنَىٰ وَ زِيَادَةٌ (۲۶) یونس

کسانی که نیکی کردند، پاداش نیک و زیاده بر آن دارند

ذکر روزهای هفته

(با توجه به معانی)

هر ذکر در هر روز ۵ بار تکرار شود

به نیت ۱۰۰ بار

شنبه	پیامبر (ص)	یارب العالمین
یکشنبه	حضرت علی (ع) و فاطمه (س)	یا ذا الجلال و الاکرام
دوشنبه	امام حسن و امام حسین (ع)	یا قاضی الحاجات
سه شنبه	امام سجاد، امام محمد باقر و امام صادق (ع)	یا رحمن یا رحیم
چهارشنبه	امام موسی کاظم، رضا، جواد، هادی (ع)	یا حی و یا قیوم
پنج شنبه	امام حسن عسکری (ع)	لا اله الا الله ملک الحق المبین
جمعه	امام زمان (عج)	اللهم صل علی محمد و ال محمد



فضیلت سوره: امام صادق (ع): هر کس سوره اعلی را در نمازهای واجب یا مستحب قرائت نماید، در روز قیامت به او گفته می شود: از هر دری از درهای بهشت که دوستش داری وارد بهشت شو.

ثواب الأعمال، ص ۱۲۲

اعوذ بالله من الشیطان الرجیم

﴿بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ﴾

به نام خداوند بخشنده مهربان

﴿سَبِّحْ اسْمَ رَبِّكَ الْأَعْلَى﴾

نام پروردگار والای خود را به پاکی بستی (۱)

﴿الَّذِي خَلَقَ فَسَوَّى﴾

همان که آفرید و هماهنگی بخشید (۲)

﴿وَالَّذِي قَدَّرَ فَهَدَى﴾

و آنکه اندازه گیری کرد و راه نمود (۳)

﴿وَالَّذِي أَخْرَجَ الْمَرْعَى﴾

و آنکه چمنزار را برآورد (۴)

﴿فَجَعَلَهُ غُثَاءً أَحْوَى﴾

و پس [از چندی] آن را خاشاکی تیره گون گردانید (۵)

﴿سَنُقَرِّئُكَ فَلَا تَنْسَى﴾

ما بزودی [آیات خود را به وسیله سروش غیبی] بر تو خواهیم خواند تا فراموش نکنی (۶)

﴿إِلَّا مَا شَاءَ اللَّهُ إِنَّهُ يَعْلَمُ الْجَهْرَ وَمَا يَخْفَى﴾

جز آنچه خدا خواهد که او آشکار و آنچه را که نهان است می داند (۷)

صدق الله العلی العظیم

پیام هفته: خداوند ستمگران را دوست نمی دارد

وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ الظَّالِمِينَ (۵۷) آل عمران

و خداوند بیدادگران را دوست نمی دارد

ذکر روزهای هفته

(با توجه به معانی)

هر ذکر در هر روز ۵ بار تکرار شود

به نیت ۱۰۰ بار

شنبه	پیامبر (ص)	یارب العالمین
یکشنبه	حضرت علی (ع) و فاطمه (س)	یا ذالجلال و الاکرام
دوشنبه	امام حسن و امام حسین (ع)	یا قاضی الحاجات
سه شنبه	امام سجاد، امام محمد باقر و امام صادق (ع)	یا رحمن یا رحیم
چهارشنبه	امام موسی کاظم، رضا، جواد، هادی (ع)	یا حی و یا قیوم
پنج شنبه	امام حسن عسگری (ع)	لا اله الا الله ملک الحق المبین
جمعه	امام زمان (عج)	اللهم صل علی محمد و آل محمد



هفته ۱۹

نام سوره: لیل

آیات ۱ الی ۷

فضیلت سوره: پیامبر اکرم (ص): هر کس سوره لیل را قرائت کند، خداوند به اندازه‌ای به او نعمت عطا می‌کند تا راضی شود و او را از سختی و تنگی عافیت بخشیده و کارها را بر او آسان می‌کند.

مجمع البیان، ج ۱۰، ص ۳۷۲

اعوذ بالله من الشیطان الرجیم

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ به نام خداوند بخشنده مهربان

وَاللَّيْلِ إِذَا يَغْشَى ﴿۱﴾ سوگند به شب چون پرده افکند (۱)

وَالنَّهَارِ إِذَا تَجَلَّى ﴿۲﴾ سوگند به روز چون جلوه‌گری آغازد (۲)

وَمَا خَلَقَ الذَّكَرَ وَالْأُنثَى ﴿۳﴾ و [سوگند به] آنکه نر و ماده را آفرید (۳)

إِنَّ سَعْيَكُمْ لَشَتَّى ﴿۴﴾ که همانا تلاش شما پراکنده است (۴)

فَأَمَّا مَنْ أَعْطَى وَاتَّقَى ﴿۵﴾ اما آنکه [حق خدا را] داد و پروا داشت (۵)

وَصَدَّقَ بِالْحُسْنَى ﴿۶﴾ و [پاداش] نیکوتر را تصدیق کرد (۶)

فَسَنِيْرُهُ لِّلْیَسْرَى ﴿۷﴾ بزودی راه آسانی پیش پای او خواهیم گذاشت (۷)

صدق الله العلی العظیم

پیام هفته: نماز برای یاد خدا

آیه ۱۴ سوره طه: إِنِّیْ أَنَا اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا فَاعْبُدْنِیْ وَأَقِمِ الصَّلَاةَ لِذِكْرِیْ

من الله هستم، معبودی جز من نیست؛ مرا پرستش کن و نماز را برای یاد من به پا دار.

ذکر روزهای هفته

(با توجه به معانی)

هر ذکر در هر روز ۵ بار تکرار شود

به نیت ۱۰۰ بار

شنبه	پیامبر (ص)	یارب العالمین
یکشنبه	حضرت علی (ع) و فاطمه (س)	یا ذالجلال و الاکرام
دوشنبه	امام حسن و امام حسین (ع)	یا قاضی الحاجات
سه شنبه	امام سجاد، امام محمد باقر و امام صادق (ع)	یا رحمن یا رحیم
چهارشنبه	امام موسی کاظم، رضا، جواد، هادی (ع)	یا حی و یا قیوم
پنج شنبه	امام حسن عسکری (ع)	لا اله الا الله ملک الحق المبین
جمعه	امام زمان (عج)	اللهم صل علی محمد و آل محمد



فضیلت سوره: امام صادق (ع): هر کس سوره کافرون و اخلاص را در نماز واجبی بخواند، خداوند او و پدر و مادرش و فرزندان را می‌آمزد و اگر از اشیاء باشد، نامش در فهرست سعادتمندان قرار می‌گیرد و خداوند او را خوشبخت زنده می‌دارد و شهید می‌میراند و شهید محشور می‌کند.

ثواب الأعمال، ص ۱۲۷

اعوذ بالله من الشیطان الرجیم

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ به نام خداوند بخشنده مهربان

قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ ﴿۱﴾ بگو ای کافران (۱)

لَا أَعْبُدُ مَا تَعْبُدُونَ ﴿۲﴾ آنچه می‌پرستید نمی‌پرستم (۲)

وَلَا أَنْتُمْ عَابِدُونَ مَا أَعْبُدُ ﴿۳﴾ و آنچه می‌پرستم شما نمی‌پرستید (۳)

وَلَا أَنَا عَابِدٌ مَّا عَبَدْتُمْ ﴿۴﴾ و نه آنچه پرستیدید من می‌پرستم (۴)

وَلَا أَنْتُمْ عَابِدُونَ مَا أَعْبُدُ ﴿۵﴾ و نه آنچه می‌پرستم شما می‌پرستید (۵)

لَكُمْ دِينُكُمْ وَلِيَ دِينِ ﴿۶﴾ دین شما برای خودتان و دین من برای خودم (۶)

صدق الله العلی العظیم

پیام هفته: نیکوکاران

الَّذِينَ يُنْفِقُونَ فِي السَّرَّاءِ وَالضَّرَّاءِ وَالْكَاطِمِينَ الْغَيْظَ وَالْعَافِينَ عَنِ النَّاسِ وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ ﴿۱۳۴﴾

همانان که در فراخی و تنگی انفاق می‌کنند و خشم خود را فرو می‌برند و از مردم در می‌گذرند و خداوند نیکوکاران را دوست دارد

عمران (۱۳۴)

ذکر روزهای هفته
(با توجه به معانی)

هر ذکر در هر روز ۵ بار تکرار شود
به نیت ۱۰۰ بار

شنبه	پیامبر (ص)	یارب العالمین
یکشنبه	حضرت علی (ع) و فاطمه (س)	یا ذا الجلال و الاکرام
دوشنبه	امام حسن و امام حسین (ع)	یا قاضی الحاجات
سه شنبه	امام سجاد، امام محمد باقر و امام صادق (ع)	یا رحمن یا رحیم
چهارشنبه	امام موسی کاظم، رضا، جواد، هادی (ع)	یا حی و یا قیوم
پنج شنبه	امام حسن عسکری (ع)	لا اله الا الله ملک الحق المبین
جمعه	امام زمان (عج)	اللهم صل علی محمد و آل محمد



هفته ۲۱

نام سوره: قدر

آیات ۱ الی ۵

فضیلت سوره: امام صادق(ع): نوری که پیشاپیش مؤمنان در روز قیامت است نور سوره قدر است.

بحارالانوار، ج ۸۹، ص ۳۲۹

اعوذ بالله من الشیطان الرجیم

﴿بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ﴾ به نام خداوند بخشنده مهربان

إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ ﴿۱﴾ ما [قرآن را] در شب قدر نازل کردیم (۱)

وَمَا أَدْرَاكَ مَا لَيْلَةُ الْقَدْرِ ﴿۲﴾ و از شب قدر چه آگاهت کرد (۲)

لَيْلَةُ الْقَدْرِ خَيْرٌ مِّنْ أَلْفِ شَهْرٍ ﴿۳﴾ شب قدر از هزار ماه ارجمندتر است (۳)

تَنْزِيلُ الْمَلَائِكَةِ وَالرُّوحُ فِيهَا بِإِذْنِ رَبِّهِمْ مِّنْ كُلِّ أَمْرٍ ﴿۴﴾ در آن [شب] فرشتگان با روح به فرمان پروردگارشان برای هر کاری [که مقرر شده است] فرود آیند (۴)

سَلَامٌ هِيَ حَتَّىٰ مَطْلَعِ الْفَجْرِ ﴿۵﴾ [آن شب] تا دم صبح صلح و سلام است (۵)

صدق الله العلی العظیم

پیام هفته: گذشت و نیکو کاری

وَجَزَاءُ سَيِّئَةٍ سَيِّئَةٌ مِّثْلُهَا فَمَنْ عَفَا وَأَصْلَحَ فَأَجْرُهُ عَلَى اللَّهِ إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الظَّالِمِينَ ﴿۴۰﴾ و جزای بدی مانند آن بدی است پس هر که درگذرد و نیکو کاری کند پاداش او بر [عهده] خداست به راستی او ستمگران را دوست نمی‌دارد (۴۰) شوری

شنبه	پیامبر (ص)	یارب العالمین
یکشنبه	حضرت علی(ع) و فاطمه(س)	یا ذا الجلال و الاکرام
دوشنبه	امام حسن و امام حسین (ع)	یا قاضی الحاجات
سه شنبه	امام سجاد، امام محمد باقر و امام صادق (ع)	یا رحمن یا رحیم
چهارشنبه	امام موسی کاظم، رضا، جواد، هادی(ع)	یا حی و یا قیوم
پنج شنبه	امام حسن عسکری(ع)	لا اله الا الله ملک الحق المبین
جمعه	امام زمان (عج)	اللهم صل علی محمد و آل محمد

ذکر روزهای هفته

(با توجه به معانی)

هر ذکر در هر روز ۵ بار تکرار شود

به نیت ۱۰۰ بار



فضیلت سوره: امام صادق(ع): هر که سوره فیل را در نمازهای واجبش بخواند، در روز قیامت تمامی موجودات عالم شهادت می‌دهند که او از نمازگزاران بوده و ندا دهنده‌ای در روز قیامت ندا دهد که درباره بنده من به راست شهادت دادید، شهادت شما را درباره او پذیرفتم، او را وارد بهشت کنید. او از کسانی است که خداوند او و کارهایش را دوست دارد.

ثواب الاعمال، ص ۱۲۶

اعوذ بالله من الشیطان الرجیم

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشنده مهربان

أَلَمْ تَرَ كَيْفَ فَعَلَ رَبُّكَ بِأَصْحَابِ الْفِيلِ ﴿١﴾ مگر ندیدی پروردگارت با پیلداران چه کرد (۱)

أَلَمْ يَجْعَلْ كَيْدَهُمْ فِي تَضْلِيلٍ ﴿٢﴾ آیا نیرنگشان را بر باد نداد (۲)

وَأَرْسَلَ عَلَيْهِمْ طَيْرًا أَبَابِيلَ ﴿٣﴾ و بر سر آنها دسته دسته پرندگان ابابیل فرستاد (۳)

تَرْمِيهِمْ بِحِجَارَةٍ مِّن سِجِّيلٍ ﴿٤﴾ [که] بر آنان سنگهایی از گل [سخت] می‌افکندند (۴)

فَجَعَلَهُمْ كَعَصْفٍ مَّأْكُولٍ ﴿٥﴾ و [سرانجام خدا] آنان را مانند کاه جویده شده گردانید (۵)

صدق الله العلی العظیم

پیام هفته: دعا برای پدر و مادر

رَبَّنَا اغْفِرْ لِي وَلِوَالِدَيَّ وَلِلْمُؤْمِنِينَ

پروردگارا بر من و پدر و مادرم و بر مؤمنان ببخشای. ابراهیم(۴۱)

ذکر روزهای هفته

(با توجه به معانی)

هر ذکر در هر روز ۵ بار تکرار شود

به نیت ۱۰۰ بار

شنبه	پیامبر (ص)	یارب العالمین
یکشنبه	حضرت علی(ع) و فاطمه(س)	یا ذا الجلال و الاکرام
دوشنبه	امام حسن و امام حسین (ع)	یا قاضی الحاجات
سه شنبه	امام سجاد، امام محمد باقر و امام صادق (ع)	یا رحمن یا رحیم
چهارشنبه	امام موسی کاظم، رضا، جواد، هادی(ع)	یا حی و یا قیوم
پنج شنبه	امام حسن عسکری(ع)	لا اله الا الله ملک الحق المبین
جمعه	امام زمان (عج)	اللهم صل علی محمد و آل محمد



هفته ۲۳

نام سوره: همزه

آیات ۱ الی ۹

فضیلت سوره: امام صادق (ع): هر کس سوره «همزه» را در نمازهای واجبش قرائت کند، فقر از او زایل می‌شود و روزی به سوی او جلب شده و مرگهای بد از او دور می‌شود.

فقه الرضا، ص ۳۴۴

اعوذ بالله من الشیطان الرجیم

- ﴿بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ﴾ به نام خداوند بخشنده مهربان
- ﴿وَيْلٌ لِّكُلِّ هُمَزَةٍ لُّمَزَةٍ﴾ (۱) وای بر هر بدگوی عیجویی
- ﴿الَّذِي جَمَعَ مَالًا وَعَدَّدَهُ﴾ (۲) که مالی گرد آورد و برشمرده
- ﴿يَحْسَبُ أَنَّ مَالَهُ أَخْلَدَهُ﴾ (۳) پندارد که مالش او را جاوید کرده
- ﴿كَلَّا لَيُنْبَذَنَّ فِي الْحُطَمَةِ﴾ (۴) ولی نه قطعا در آتش خردکننده فرو افکنده خواهد شد
- ﴿وَمَا أَدْرَاكَ مَا الْحُطَمَةُ﴾ (۵) و تو چه دانی که آن آتش خردکننده چیست
- ﴿نَارُ اللَّهِ الْمُوقَدَةُ﴾ (۶) آتش افروخته خدا [بی] است
- ﴿الَّتِي تَطَّلِعُ عَلَى الْآفَاقَةِ﴾ (۷) [آتشی] که به دلها می‌رسد
- ﴿إِنَّهَا عَلَيْهِمْ مُّوَصَّاةٌ﴾ (۸) و [آتشی که] در ستونهای دراز آنان را در میان فرامی‌گیرد
- ﴿فِي عَمَدٍ مُمَدَّدَةٍ﴾ (۹) در ستونهای کشیده و طولانی!

صدق الله العلی العظیم

پیام هفته: انفاق

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَنْفِقُوا مِمَّا رَزَقْنَاكُمْ

ای کسانی که ایمان آورده‌اید از آنچه به شما روزی داده‌ایم انفاق کنید (۲۵۴) بقره

ذکر روزهای هفته

(با توجه به معانی)

هر ذکر در هر روز ۵ بار تکرار شود

به نیت ۱۰۰ بار

شنبه	پیامبر (ص)	یارب العالمین
یکشنبه	حضرت علی (ع) و فاطمه (س)	یا ذا الجلال و الاکرام
دوشنبه	امام حسن و امام حسین (ع)	یا قاضی الحاجات
سه شنبه	امام سجاد، امام محمد باقر و امام صادق (ع)	یا رحمن یا رحیم
چهارشنبه	امام موسی کاظم، رضا، جواد، هادی (ع)	یا حی و یا قیوم
پنج شنبه	امام حسن عسکری (ع)	لا اله الا الله ملک الحق المبین
جمعه	امام زمان (عج)	اللهم صل علی محمد و آل محمد



فضیلت سوره: پیامبر اکرم (ص): هر کس سوره نبأ را قرائت نماید، خداوند در روز قیامت از نوشیدنی خنک به وی می‌نوشاند.

مجمع البیان، ج ۱۰، ص ۲۳۷

اعوذ بالله من الشیطان الرجیم

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ﴿۱﴾ به نام خداوند بخشنده مهربان

أَلَمْ نَجْعَلِ الْأَرْضَ مِهَادًا ﴿۶﴾ آیا زمین را گهواره‌ای نگردانیدیم (۶)

وَالْجِبَالَ أَوْتَادًا ﴿۷﴾ و کوهها را [چون] میخهایی [نگذاشتیم] (۷)

وَخَلَقْنَاكُمْ أَزْوَاجًا ﴿۸﴾ و شما را جفت آفریدیم (۸)

وَجَعَلْنَا نَوْمَكُمْ سُبَاتًا ﴿۹﴾ و خواب شما را [مایه] آسایش گردانیدیم (۹)

وَجَعَلْنَا اللَّيْلَ لِبَاسًا ﴿۱۰﴾ و شب را [برای شما] پوششی قرار دادیم (۱۰)

وَجَعَلْنَا النَّهَارَ مَعَاشًا ﴿۱۱﴾ و روز را [برای] معاش [شما] نهادیم (۱۱)

وَبَنَيْنَا فَوْقَكُمْ سَبْعًا شِدَادًا ﴿۱۲﴾ و بر فراز شما هفت [آسمان] استوار بنا کردیم (۱۲)

وَجَعَلْنَا سِرَاجًا وَهَّاجًا ﴿۱۳﴾ و چراغی فروزان گذاردیم (۱۳)

صدق الله العلی العظیم

پیام هفته: صلح و آشتی

إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأَصْلَحُوا بَيْنَ أَخَوَيْكُمْ (۱۰) حجرات

همانا مؤمنین با یکدیگر برادرند، پس میان برادران خود (در صورت اختلاف و نزاع) صلح و آشتی برقرار کنید

شنبه	پیامبر (ص)	یارب العالمین
یکشنبه	حضرت علی (ع) و فاطمه (س)	یا ذا الجلال و الاکرام
دوشنبه	امام حسن و امام حسین (ع)	یا قاضی الحاجات
سه شنبه	امام سجاد، امام محمد باقر و امام صادق (ع)	یا رحمن یا رحیم
چهارشنبه	امام موسی کاظم، رضا، جواد، هادی (ع)	یا حی و یا قیوم
پنج شنبه	امام حسن عسکری (ع)	لا اله الا الله ملک الحق المبین
جمعه	امام زمان (عج)	اللهم صل علی محمد و آل محمد

ذکر روزهای هفته

(با توجه به معانی)

هر ذکر در هر روز ۵ بار تکرار شود

به نیت ۱۰۰ بار



هفته ۲۵

نام سوره: انشراح

آیات ۱ الی ۸

فضیلت سوره: پیامبر اکرم (ص): هر کس سوره «انشراح» را قرائت کند، مانند کسی است که پیامبر (ص) را دیدار کرده و اگر غمگین و ناراحت باشد، خداوند ناراحتی اش را برطرف می کند.
مجمع البیان، ج ۱۰، ص ۳۸۷

اعوذ بالله من الشیطان الرجیم

﴿بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ﴾ به نام خداوند بخشنده مهربان

﴿أَلَمْ نَشْرَحْ لَكَ صَدْرَكَ﴾ آیا ما سینه تو را گشاده نساختم، (۱)

﴿وَوَضَعْنَا عَنكَ وِزْرَكَ﴾ و بار سنگین تو را از تو برداشتیم؟ (۲)

﴿الَّذِي أَنْقَضَ ظَهْرَكَ﴾ همان باری که سخت بر پشت تو سنگینی می کرد! (۳)

﴿وَرَفَعْنَا لَكَ ذِكْرَكَ﴾ و آوازه تو را بلند ساختیم! (۴)

﴿فَإِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا﴾ به یقین با (هر) سختی آسانی است! (۵)

﴿إِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا﴾ (آری) مسلماً با (هر) سختی آسانی است، (۶)

﴿فَإِذَا فَرَغْتَ فَانصَبْ﴾ پس هنگامی که از کار مهمی فارغ می شوی به مهم دیگری پرداز، (۷)

﴿وَإِلَىٰ رَبِّكَ فَارْغَبْ﴾ و به سوی پروردگارت توجه کن! (۸)

صدق الله العلی العظیم

شعار هفته :

﴿إِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا﴾

(آری) مسلماً با (هر) سختی آسانی است، (۶)

ذکر روزهای هفته

(با توجه به معانی)

هر ذکر در هر روز ۵ بار تکرار شود
به نیت ۱۰۰ بار

شنبه	پیامبر (ص)	یارب العالمین
یکشنبه	حضرت علی (ع) و فاطمه (س)	یا ذا الجلال و الاکرام
دوشنبه	امام حسن و امام حسین (ع)	یا قاضی الحاجات
سه شنبه	امام سجاد، امام محمد باقر و امام صادق (ع)	یا رحمن یا رحیم
چهارشنبه	امام موسی کاظم، رضا، جواد، هادی (ع)	یا حی و یا قیوم
پنج شنبه	امام حسن عسکری (ع)	لا اله الا الله ملک الحق المبین
جمعه	امام زمان (عج)	اللهم صل علی محمد و آل محمد



فضیلت سوره: پیامبر اکرم(ص): هر کس سوره مسد را قرائت کند، امید می رود که خداوند او و ابولهب را در یک جا گرد نیاورد.
مجمع البیان، ج ۱۰، ص ۴۷۴

اعوذ بالله من الشیطان الرجیم

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
به نام خداوند بخشنده مهربان

تَبَّتْ يَدَا أَبِي لَهَبٍ وَتَبَّ ﴿١﴾
بریده باد دو دست ابولهب و مرگ بر او باد (۱)

مَا أَغْنَىٰ عَنْهُ مَالُهُ وَمَا كَسَبَ ﴿٢﴾
دارایی او و آنچه اندوخت سودش نکرد (۲)

سَيَصْلَىٰ نَارًا ذَاتَ لَهَبٍ ﴿٣﴾
بزودی در آتشی پرزبانه درآید (۳)

وَأَمْرَأَتُهُ حَمَّالَةَ الْحَطَبِ ﴿٤﴾
و زنش آن هیمه کش [آتش فروز] (۴)

فِي جِيدِهَا حَبْلٌ مِّن مَّسَدٍ ﴿٥﴾
بر گردنش طنابی از لیف خرماسست (۵)

صدق الله العلی العظيم

پیام هفته : خوش خلقی

قُولُوا لِلنَّاسِ حُسْنًا وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ ﴿٨٣﴾

با مردم [به زبان] خوش سخن بگوئید و نماز را به پا دارید بقره (۸۳)

ذکر روزهای هفته

(با توجه به معانی)

هر ذکر در هر روز ۵ بار تکرار شود
به نیت ۱۰۰ بار

یارب العالمین	پیامبر (ص)	شنبه
یا ذا الجلال و الاکرام	حضرت علی(ع) و فاطمه(س)	یکشنبه
یا قاضی الحاجات	امام حسن و امام حسین (ع)	دوشنبه
یا رحمن یا رحیم	امام سجاد، امام محمد باقر و امام صادق (ع)	سه شنبه
یا حی و یا قیوم	امام موسی کاظم، رضا، جواد، هادی(ع)	چهارشنبه
لا اله الا الله ملک الحق المبین	امام حسن عسکری(ع)	پنج شنبه
اللهم صل علی محمد و آل محمد	امام زمان (عج)	جمعه



هفته ۲۷

نام سوره : بقره

آیات ۱ الی ۶

فضیلت سوره: امام صادق (ع): هر کس سوره بقره را قرائت نماید، این سوره در روز قیامت همچون ابری بر سر ایشان سایه می افکند.
ثواب الاعمال، ص ۱۰۴

اعوذ بالله من الشیطان الرجیم

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ به نام خداوند بخشنده مهربان

الم ﴿۱﴾ الف لام میم (۱)

ذَلِكَ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ ﴿۲﴾

این است کتابی که در [حقانیت] آن هیچ تردیدی نیست [و] مایه هدایت تقوایندگان است (۲)

الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ ﴿۳﴾

آنان که به غیب ایمان می آورند و نماز را بر پا می دارند و از آنچه به ایشان روزی داده ایم انفاق می کنند (۳)

وَالَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِمَا أُنْزِلَ إِلَيْكَ وَمَا أُنْزِلَ مِنْ قَبْلِكَ وَبِالْآخِرَةِ هُمْ يُوقِنُونَ ﴿۴﴾

و آنان که بدانچه به سوی تو فرود آمده و به آنچه پیش از تو نازل شده است ایمان می آورند و آنانند که به آخرت یقین دارند (۴)

أُولَئِكَ عَلَى هُدًى مِّن رَّبِّهِمْ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ ﴿۵﴾

آنان برخوردار از هدایتی از سوی پروردگار خویشند و آنان همان رستگارانند (۵)

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا سَوَاءٌ عَلَيْهِمْ أُنْذِرْتَهُمْ أَمْ لَمْ تُنْذِرْهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ ﴿۶﴾

در حقیقت کسانی که کفر ورزیدند چه بیمشان دهی چه بیمشان ندهی بر ایشان یکسان است [آنها] نخواهند گروید (۶)

صدق الله العلی العظیم

پیام هفته: وفای به عهد

وَأَوْفُوا بِالْعَهْدِ إِنَّ الْعَهْدَ كَانَ مَسْئُولًا ﴿۳۴﴾ [اسراء ۳۴]

و به پیمان [خود] وفا کنید زیرا که از پیمان پرشش خواهد شد

شنبه	پیامبر (ص)	یارب العالمین
یکشنبه	حضرت علی (ع) و فاطمه (س)	یا ذا الجلال و الاکرام
دوشنبه	امام حسن و امام حسین (ع)	یا قاضی الحاجات
سه شنبه	امام سجاد، امام محمد باقر و امام صادق (ع)	یا رحمن یا رحیم
چهارشنبه	امام موسی کاظم، رضا، جواد، هادی (ع)	یا حی و یا قیوم
پنج شنبه	امام حسن عسکری (ع)	لا اله الا الله ملک الحق المبین
جمعه	امام زمان (عج)	اللهم صل علی محمد و ال محمد

ذکر روزهای هفته

(با توجه به معانی)

هر ذکر در هر روز ۵ بار تکرار شود

به نیت ۱۰۰ بار



فضیلت سوره: پیامبر اکرم(ص): هر کس سوره نازعات را قرائت کند، نگه داشتن و حسابرسی از او در روز قیامت به اندازه یک نماز واجب طول می کشد تا این که وارد بهشت می شود.
مجمع البیان، ج ۱۰، ص ۲۵۰

اعوذ بالله من الشیطان الرجیم

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ به نام خداوند بخشنده مهربان

- وَالنَّازِعَاتِ غَرْقًا ﴿۱﴾ سوگند به فرشتگانی که [از کافران] به سختی جان ستانند (۱)
- وَالنَّاشِطَاتِ نَشْطًا ﴿۲﴾ و به فرشتگانی که جان [مؤمنان] را به آرامی گیرند (۲)
- وَالسَّابِحَاتِ سَبْحًا ﴿۳﴾ و به فرشتگانی که [در دریای بی مانند] شناکنان شناورند (۳)
- فَالسَّابِقَاتِ سَبْقًا ﴿۴﴾ پس در پیشی گرفتن [در فرمان خدا] سبقت گیرنده اند (۴)
- فَالْمُدَبِّرَاتِ أَمْرًا ﴿۵﴾ و کار [بندگان] را تدبیر می کنند (۵)
- يَوْمَ تَرْجُفُ الرَّاجِفَةُ ﴿۶﴾ آن روز که لرزنده بلرزد (۶)
- تَتَّبِعُهَا الرَّادِفَةُ ﴿۷﴾ و از پی آن لرزه ای [دگر] افتد (۷)
- قُلُوبٌ يَوْمَئِذٍ وَاجِفَةٌ ﴿۸﴾ در آن روز دلهایی سخت هراسانند (۸)
- أَبْصَارُهَا خَاشِعَةٌ ﴿۹﴾ دیدگان آنها فرو افتاده (۹)

صدق الله العلی العظیم

پیام هفته: خداوند به همه ی اعمال ما آگاه است

إِنَّ لِلَّهِ يَعْلَمُ غَيْبَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاللَّهُ بَصِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ (۱۸) حجرات
همانا خداوند غیب و پنهان آسمان ها و زمین را می داند و به آنچه عمل می کنید بصیرت دارد.

ذکر روزهای هفته (با توجه به معانی)

هر ذکر در هر روز ۵ بار تکرار شود
به نیت ۱۰۰ بار

شنبه	پیامبر (ص)	یارب العالمین
یکشنبه	حضرت علی(ع) و فاطمه(س)	یا ذا الجلال و الاکرام
دوشنبه	امام حسن و امام حسین (ع)	یا قاضی الحاجات
سه شنبه	امام سجاد، امام محمد باقر و امام صادق (ع)	یا رحمن یا رحیم
چهارشنبه	امام موسی کاظم، رضا، جواد، هادی(ع)	یا حی و یا قیوم
پنج شنبه	امام حسن عسکری(ع)	لا اله الا الله ملک الحق المبین
جمعه	امام زمان (عج)	اللهم صل علی محمد و آل محمد



هفته ۲۹

نام سوره: قریش

آیات ۱ الی ۴

فضیلت سوره: امام صادق (ع): هر کس سوره «قریش» را زیاد بخواند و بر آن مداومت ورزد، خداوند در روز قیامت در حالی او را محشور می کند که سوار بر مرکبی از مرکب های بهشتی است تا این که بر سفره های نور نشیند. ثواب الاعمال، ص ۱۲۶

اعوذ بالله من الشیطان الرجیم

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ﴿۱﴾ به نام خداوند بخشنده مهربان

لِإِيلَافِ قُرَيْشٍ ﴿۲﴾ برای الفت دادن قریش (۱)

إِلَافِهِمْ رِحْلَةَ الشِّتَاءِ وَالصَّيْفِ ﴿۳﴾
الفتشان هنگام کوچ زمستان و تابستان [خدا پیلداران را نابود کرد] (۲)

فَلْيَعْبُدُوا رَبَّ هَذَا الْبَيْتِ ﴿۴﴾
پس باید خداوند این خانه را پرستند (۳)

الَّذِي أَطْعَمَهُمْ مِنْ جُوعٍ وَآمَنَهُمْ مِنْ خَوْفٍ ﴿۵﴾
همان [خدایی] که در گرسنگی غذایشان داد و از بیم [دشمن] آسوده خاطرشان کرد (۴)

صدق الله العلی العظیم

شعار هفته: رحمت از سوی خداست

مَا يَفْتَحُ اللَّهُ لِلنَّاسِ مِنْ رَحْمَةٍ فَلَا مُمْسِكَ لَهَا وَمَا يُمْسِكُ فَلَا مُرْسِلَ لَهُ مِنْ بَعْدِهِ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ ﴿۱﴾ فاطر

هر رحمتی را که خدا برای مردم گشاید بازدارنده ای برای آن نیست و آنچه را که باز دارد پس از [باز گرفتن] گشاینده ای ندارد و اوست همان شکست ناپذیر سنجیده کار (۲)

شنبه	پیامبر (ص)	یارب العالمین
یکشنبه	حضرت علی (ع) و فاطمه (س)	یا ذا الجلال و الاکرام
دوشنبه	امام حسن و امام حسین (ع)	یا قاضی الحاجات
سه شنبه	امام سجاد، امام محمد باقر و امام صادق (ع)	یا رحمن یا رحیم
چهارشنبه	امام موسی کاظم، رضا، جواد، هادی (ع)	یا حی و یا قیوم
پنج شنبه	امام حسن عسکری (ع)	لا اله الا الله ملک الحق المبین
جمعه	امام زمان (عج)	اللهم صل علی محمد و آل محمد

ذکر روزهای هفته

(با توجه به معانی)

هر ذکر در هر روز ۵ بار تکرار شود
به نیت ۱۰۰ بار



فضیلت سوره: پیامبر اکرم (ص): هر کس سوره «بلد» را قرائت کند خداوند او را از غضب خود در روز قیامت ایمن می‌دارد.
مجمع البیان، ص ۱۲۳

اعوذ بالله من الشیطان الرجیم

﴿بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ﴾ به نام خداوند بخشنده مهربان

لَا أُقْسِمُ بِهَذَا الْبَلَدِ ﴿۱﴾ قسم به این شهر مقدس (مکه)، (۱)

وَأَنْتَ حِلٌّ بِهَذَا الْبَلَدِ ﴿۲﴾ شهری که تو در آن ساکنی، (۲)

وَوَالِدٍ وَمَا وَلَدَ ﴿۳﴾ و قسم به پدر و فرزندش (ابراهیم خلیل و فرزندش اسماعیل ذبیح)، (۳)

لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي كَبَدٍ ﴿۴﴾ که ما انسان را در رنج آفریدیم (و زندگی او پر از رنجهاست)! (۴)

أَيَحْسَبُ أَنْ لَنْ يَقْدِرَ عَلَيْهِ أَحَدٌ ﴿۵﴾ آیا او گمان می‌کند که هیچ کس نمی‌تواند بر او دست یابد؟! (۵)

يَقُولُ أَهْلَكْتُ مَالًا لُبَدًا ﴿۶﴾ می‌گوید: «مال زیادی را (در کارهای خیر) نابود کرده‌ام!» (۶)

صدق الله العلی العظیم

شعار هفته: کبر و غرور

وَلَا تُصَعِّرْ خَدَّكَ لِلنَّاسِ وَلَا تَمْشِ فِي الْأَرْضِ مَرَحًا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ كُلَّ مُخْتَالٍ فَخُورٍ (۱۸) لقمان
به تکبر و ناز از مردم روی بر مگردان و در زمین با غرور و تکبر قدم بر مدار که خدا هرگز مردم متکبر و خود ستا را دوست نمی‌دارد.

ذکر روزهای هفته

(با توجه به معانی)

هر ذکر در هر روز ۵ بار تکرار شود

به نیت ۱۰۰ بار

شنبه	پیامبر (ص)	یارب العالمین
یکشنبه	حضرت علی (ع) و فاطمه (س)	یا ذا الجلال و الاکرام
دوشنبه	امام حسن و امام حسین (ع)	یا قاضی الحاجات
سه شنبه	امام سجاد، امام محمد باقر و امام صادق (ع)	یا رحمن یا رحیم
چهارشنبه	امام موسی کاظم، رضا، جواد، هادی (ع)	یا حی و یا قیوم
پنج شنبه	امام حسن عسکری (ع)	لا اله الا الله ملک الحق المبین
جمعه	امام زمان (عج)	اللهم صل علی محمد و آل محمد



فصل دوم

مراسم

اهتزاز پرچم



مراسم پرچم

مشخصات پرچم رسمی جمهوری اسلامی

بموجب اصل هیجدهم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، پرچم جمهوری اسلامی ایران به رنگهای سبز و سفید و سرخ با علامت مخصوص جمهوری اسلامی ایران و شعار «الله اکبر» به مشخصات زیر می باشد:

تشریح رنگها:

رنگ سبز، نشانه اعتقاد ما به اسلام است، این رنگ در پرچم بیشتر کشورهای اسلامی دیده می شود.
رنگ سفید، نشانه علاقه ما به صلح و آرامش است.
رنگ سرخ، نشانه آن است که ما از استقلال، آزادی و جمهوری اسلامی خود با نثار خون خویش دفاع خواهیم کرد.

توصیف نشان الله:

آرم الله درست پس از پیروزی انقلاب ۵۷ در ایران، بر روی پرچم ایران منقوش شد. این نماد گذشته از اینکه واژه «الله» است، از طرفی عبارت «لا اله الا الله» هم می باشد. که به رنگ سرخ بوده و در قسمتی میان رنگ سفید پرچم چاپ می شود.

شعار الله اکبر

شعار الله اکبر در پرچم ما در محل اتصال رنگهای سبز و سرخ به رنگهای سفید و ۲۲ بار با خطی که به خط بنایی معروف است تکرار شده است. عدد ۲۲ یاد آور روز مبارک ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ است که روز پیروزی انقلاب اسلامی ماست.
شعار الله اکبر در پرچم ما نشانه اعتقاد ما به این است که خدا از همه نیروها و قدرتها برتر و بزرگتر است و در مقابل او هر قدرت دیگری پست و پوچ و باطل است.

سوگند پرچم

بسم الله الرحمن الرحيم

من + به این پرچم مقدس + که مزین به نام الله + و مظهر استقلال + میهن اسلامی من است + سوگند یاد می کنم + که به اندازه توانایم + نسبت به آموختن + تعالیم انسان ساز قرآن + تحت امر ولایت فقیه کوشا باشم.

شیوه اجرایی:

- قرائت متن ادبی (مانند متن های نمونه).
- در زمان قرائت متن یک یا چند دانش آموز جهت اهتزاز پرچم به سمت میله پرچم حرکت می کنند (تعداد دانش آموزان به ابتکار مربی است).
- در حین قرائت متن کلیه دانش آموزان به سمت پرچم به حالت احترام ایستاده باشند.
- پس از قرائت متن با پخش نوار سرود جمهوری اسلامی، سرود بطور هماهنگ توسط کلیه دانش آموزان اجرا می گردد.
- پرچم توسط یکی از دانش آموزان به اهتزاز در آورده می شود.
- پس از اجرای سرود، سوگندنامه توسط یکی از دانش آموزان قرائت می گردد. (در هنگام قرائت سوگندنامه کلیه دانش آموزان در حالیکه با دست راست سلام سازمانی داده اند متن سوگند پرچم را اداء می کنند)



سر زد از افق، مهر خاوران
فروغ دیده ی حق باوران
بهمن، فرّ ایمان ماست
پیامت ای امام، استقلال، آزادی، نقش جان ماست
شهیدان، پیچیده در گوش زمان فریادتان
پاینده مانی و جاودان جمهوری اسلامی ایران

متن ادبی مراسم پرچم (۱)

ای مهد دلیران، ای مرز پر گهر تو را دوست دارم
ای ایران، ای کشور قرآن، و ای سرزمین مقدس من، تو را دوست می دارم
ای ایران، ای سرزمین کهن و ای نشانی از تمدن و تدین، تو را دوست می دارم
ای پرچم سه رنگ
رنگ سبزه، همچون رویش طبیعت همیشه بهار، نشان رویش جوانه های نبی اکرم اسلام را می ماند
رنگ سفید، همچون بال ملائک، نشان مهر و محبت و نشان صلح و دوستی را می ماند
رنگ سرخ، همچون گل بوته های شقایق، نشان قطره قطره خون شهید را می ماند
ای پرچم همیشه سرافراز ایران، پاینده و جاودان باشی

متن ادبی مراسم پرچم (۲)

نگارستان یزدان است ایران
بهارستان ایمان است ایران
با هم بخوانیم هر روز و هر شب این سرود
بر ایران و ایران مداران این سرود

متن ادبی مراسم پرچم (۳)

ای ایران به رنگهای پرچمت قسم، به رنگ سبز که نشانه ی اعتقاد ما به اسلام است. به رنگ سفید که نشانه ی علاقه ی ما به صلح و آرامش است، و به رنگ سرخ که نشانه ی آن است که ما از استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی خود با نثار خون خویش دفاع خواهیم کرد.

نکات اجرایی:

- این برنامه به منظور ایجاد روحیه وحدت و همدلی در اولین روز از هر هفته اجرا می گردد. (در صورت تعطیلی روز شنبه، اجرای برنامه به اولین روز بعد از تعطیلات موکول می شود).
- در صورت اجرای مراسم در راهروی آموزشگاه، به ابتکار مربی دانش آموزان با حمل پرچم و باز کردن آن به اجرای سرود ملی می پردازند.



A decorative border with floral motifs and scrollwork surrounds the central text area.

فصل سوم

مناسبت‌های

شمسی



حضرت علی (ع):

مردمی که ایام (و تحولات آن را) نیک بشناسند، از زمینه‌سازی و آمادگی، غفلت نمی‌ورزند

در تاریخ هر ملتی، روزها و ایام خاصی وجود دارد که یادآور حوادث و وقایع مهم تاریخی است به گونه‌ای که از آن روزها به عنوان روزهای سرنوشت‌ساز تعبیر می‌گردد. ولادتها، شهادتها و مبارزات ائمه‌ی معصوم (ع) با طاغوت‌های زمان و عبرت‌آموزی ملت مسلمان از آن حماسه‌ها و ایجاد انقلاب و تشکیل جمهوری اسلامی ایران، به زعامت امام راحل، از جمله مناسبت‌هایی هستند که گرامیداشت آنها به منزله‌ی حفظ ارزشها و پاسداری از دستاوردهای دین مبین اسلام، در راستای تربیت نسلی معتقد به مبانی دینی، عامل به احکام و آداب الهی و برخوردار از سجایا و فضایل اخلاقی می‌باشد بدون تردید لازمه‌ی دستیابی به این اهداف تربیتی عوامل متعدد می‌باشد که از جمله‌ی آنها برنامه و محتوا و روشها و تکنیک‌ها را می‌توان برشمرد. امید است محتوای ارائه شده در مناسبت‌های شمسی و قمری و تلفیق آن با روشهای نوین و به روز توسط مربیان ما را برای رسیدن به این اهداف نزدیکتر گرداند.

نکات اجرایی

- اکثر محتوای ارائه شده مختص مربی و تعداد محدودی خاص دانش‌آموزان می‌باشد.
- مربی با توجه به نوع محتوا و نیاز دانش‌آموزان می‌تواند از شیوه‌های مختلف همچون نمایش استفاده نماید (مسابقه فریادهای شادی، شعر، سخنرانی، سرود همگانی، و...).
- با توجه به محدودیت زمانی، از محتوای ارائه شده در هر مناسبت یک یا چند مطلب انتخاب و اجرا گردد.
- مطالب ارائه شده حکم مرجع و راهنما را دارد و مربی می‌تواند در صورت نیاز و دسترسی به منابع کامل‌تر و متنوع‌تر علاوه بر مطالب ارائه شده در هر مناسبت، از مطالب دیگری نیز استفاده نماید.

هفته دفاع مقدس:

جنگ تحمیلی

با پیروزی انقلاب اسلامی، وحشت ابرقدرتها از اسلام، افزایش چشمگیری یافت؛ زیرا علاوه بر از دست دادن تمامی منافع خود، نگران گسترش این انقلاب به سایر کشورهای مسلمان به ویژه همسایگان جمهوری اسلامی نیز بودند. امپریالیسم جهانی هنگامی که فهمید آشوبهای داخلی، اقدامهای خرابکارانه گروهکها و تلاش جهت کودتای نظامی، نتوانست راه انقلاب را سد کند، عراق را به آغاز یک جنگ گسترده، علیه ایران تحریک و تشویق کرد.

در روز سی و یکم شهریور ماه سال ۱۳۵۹، نیروهای بعثی عراق، حملات همه‌جانبه‌ای را از راه هوا، زمین و دریا آغاز کرده، قسمتهایی از خاک استانهای آذربایجان غربی، کردستان، ایلام و خوزستان {از جمله بندر خرمشهر} را اشغال کردند. امام خمینی - (ره) مردم را به استقامت و شرکت در این دفاع مقدس، دعوت کرد و بدین ترتیب نیروی مردمی بسیج مستضعفان، تشکیل گردید. هجوم سراسری مردم به جبهه‌ها و نیز کمک‌های ارسالی‌شان، باعث متوقف شدن پیشروی نیروهای بعثی، پس از چند هفته گردید. در این مدت، سازمان ملل و جوامع بین‌المللی هیچ اقدامی نکردند. اکثر کشورهای غرب، به صدام کمکهای اقتصادی، نظامی و سیاسی می‌رساندند. پس از مشاهده مقاومت دلیرانه امت حزب الله و نیروهای مسلح در برابر نیروهای متجاوز، امپریالیسم جهانی، سیل کمک‌های خود را افزایش داد و پیشرفته‌ترین سلاحهای ساخت کشور گوناگون را بدون رعایت ضوابط بین‌المللی و انسانی، در اختیار عراق قرار داد. صدام دستور حملات گسترده هوایی، علیه کلیه مراکز اقتصادی و اماکن مسکونی - حتی بیمارستان‌ها و



مدارس - را صادر کرد و مردم بی گناه بسیاری را به خاک و خون کشید. کشورهای غربی و آمریکا، برخلاف تمام مقررات بین المللی با در اختیار گذاشتن مواد خطرناک شیمیایی، صدام را وادار به بمباران گسترده شیمیایی در جبهه و شهرها کردند. تنها در شهر شلمچه حدود ۵۰۰۰ نفر مردم بی گناه در دم جان سپردند.

جمهوری اسلامی پس از عقب راندن تدریجی عراقی ها، طی عملیات بزرگ و کوچک، به انجام عملیات درون خاک عراق ادامه داد تا صدام را وادار به پذیرش مسئولیت شروع جنگ و جبران خسارتها کند. یکپارچگی مردم ایران در سرکوب دشمن متجاوز و فداکاری رزمندگان که به امر امام امت، دفاع را واجب می دانستند، موجب وحشت عراق و حامیان عرب و غربی اش شد؛ (به خصوص پس از آزادسازی بندر مهم خرمشهر در روز سوم خرداد سال ۱۳۶۱).

سرانجام سازمان ملل، مجبور به تصویب قطعنامه ۵۹۸ شد و عراق که حتی با حضور ناوگان آمریکا در خلیج فارس هم موفق به پیروزی نشده بود، آن را پذیرفت. در تاریخ بیست و نهم سال ۱۳۶۷ با موافقت امام خمینی (ره) آتش بس رسمی میان ایران و عراق برقرار شد.

با عقب نشینی صدام به مرزهای بین المللی و پذیرش قطعنامه های سال ۱۹۷۵ الجزایر و ۵۹۸ سازمان ملل، اولین گروه از آزادگان (اسرای ایرانی در عراق) آزاد شده، با افتخار به میهن اسلامی بازگشتند.

شعر: نردبون قشنگ:

بابای مهربونم / وقتی که رفته بود جنگ / خدا براش گذاشته / یک نردبون قشنگ.
بابا جون از پله هاش / رفته بالای بالا / تا رسیده زود زود / اون بالا پیش خدا.
خدا جونم می ذاری / واسه منم نردبون / فقط یک بار می خوام که / برم پیش بابا جون.

آغاز مهر و بازگشایی مدرسه

دوباره خورشید طلوع کرده است ...

باز اول مهر است؛ من، با بویی از بابونه ها که کنار پنجره ام رویده اند، از خواب بیدار می شوم. ساعت قلبم تندتند می زند. کتاب هایم را که از پشت طلوع خورشید چشمک می زنند، بر می دارم و در کیفی از شادی کودکانه می گذارم. باز هم مادر برایم نان و روشنایی گذاشته تا سر زنگ تفریح، با جرعه ای از عسل شیرین الفبا بخورم. مادرم سفارش کرده تا مثل قبل، لحظه های شادی ام را در مدرسه جا نگذارم و وقتی که برمی گردم، سرمشق زندگی ام را که فرشته ها برایم نوشته اند، درست بنویسم. معلم، مثل همیشه با آن لب هایی که به آبخار خنده گشوده می شود، گفته است جمع و تفریق خوبی ها و بدی ها را تمرین کنم تا حساب زندگی، دستم بیاید.

باز هم اول مهر است و من با بویی از بابونه ها که کنار پنجره تنهایی ام رویده است، از خواب بلند شده ام. سالیان درازی است که صبح روز اول مهر، با صدای چلچله ها از خواب می پریم و هراس دارم که نکنند دیر برسم.

هر سال اول مهر، من هفت ساله می شوم و انگار از خوابی هزارساله برمی خیزم، چشمانم را با دستان کودکی ام می بندم و دوباره باز می کنم. درست دیده ام؛ همکلاسی هایم با میخک ها و نرگس ها می روند تا در مدرسه درس بخوانند و هزارساله شوند. باز هم می دوم تا به آنها برسم و کتاب زندگی ام را از آغاز بودنم بخوانم و بزرگتر شوم.

معلم مهربانم، باز هم کنار در کلاس ایستاده و با نگاهی سرشار از بوی روشنایی نگاهم می کند. من هم در صف آرزویم وارد کلاس می شوم. پشت نیمکت تاریخ می نشینم و به تخته سیاه مدرسه که از آن نور می ریزد، خیره می شوم. درس، آغاز می شود و موج شور و شادی از تکرار جدول ضرب خنده، کلاس را با خود می برد. با نرگس ها تمرین حساب داریم. گلی برای معلم، یک



گل برای مادر و نرگسی برای پدر؛ روی هم می‌شود دسته گلی که در دست می‌گیرم و می‌گذارم روبروی آینه تا پاییز بداند که در روز ورودش، بهار می‌آید و خورشید در حیات مدرسه می‌شکفتد؛ خورشیدی دوباره برای فردایی که نوید تعالی و شکفتن است.

آوای مدرسه گلچین ۱۱ - «مهر و مدرسه» - شاعر: کبری هاشمی

ای مدرسه سلام

خورشید مهربان	تاییده روی بام	صبحی دگر شده	ای مدرسه سلام
صف بسته ایم همه	آماده در حیات	شاداب و خنده رو	با شور و با نشاط
نام خدای خوب	آغاز کار ماست	هوش و توان ما	از یاری خداست
با کوشش و تلاش	ای بچه زرننگ	توی کلاس درس	با تنبلی بجنگ

آوای مدرسه گلچین ۱۱ - «مهر و مدرسه» - شاعر: محمود کیانوش

از خاک تا خورشید

چشمهای من دو آینه	بر جهان بیکران بازند	گوشهای من دو دریاچه	بر سخنهای روان بازند
جای من از خاک تا خورشید	می‌رود از نور آسانتر	تا به دست من چراغ ماه	بر زمین تابد فروزان تر
سیب سرخ آرزوها را	از درخت علم می‌چینم	هر چه را با چشم نتوان دید	با نگاه علم می‌بینم
صاحب اندیشه‌ام یعنی	پاسدار نام انسانم	با همین اندیشه تنها	بهترین مخلوق یزدانم

۳ مهر: روز جهانی قلب

در جهان آخرین یکشنبه ماه سپتامبر هر سال را به عنوان روز جهانی قلب تعیین نموده‌اند و هر ساله با شعاری متفاوت این روز، گرامی داشته می‌شود. از سال ۱۳۷۸ مراسم روز جهانی قلب در کشور ما نیز در روز سوم مهرماه برگزار می‌شود. بیماری‌های قلبی - عروقی یکی از بیماری‌های شایع در تمام دنیاست. این بیماری‌ها اولین علت مرگ و میر در کشورهای پیشرفته است و در کشورهای در حال توسعه به سرعت رو به افزایش است. به علت اهمیت موضوع و ضرورت جلب توجه مسئولان در برنامه‌ریزی برای پیشگیری از بروز این بیماری‌ها، اطلاع‌رسانی مناسب به افراد جامعه و مبارزه با عوامل خطر ساز بیماری‌های قلبی، دولت‌ها و مردم به فکر مقابله با این بیماری‌ها افتادند. روز جهانی قلب فرصتی برای حساس‌سازی جامعه و زمینه‌سازی برای اصلاح شیوه‌های نامناسب زندگی است و مردم را تشویق می‌کند تا درباره عادات خوب زندگی که منجر به زندگی طولانی‌تر و قلب سالم‌تر می‌شود، فکر کنند.

بهداشت قلب

بچه خوب و باهوش	برای سلامتی قلبت بکوش
چیزهایی که خطر داره	کارهایی که ضرر داره:
خوردن غذای پر چرب	کم شدن وقت خواب
تنبلی و سستی است	کم کاری و کاستی است
بچه‌های خوب و نازنین	توصیه‌ها رو خوب گوش کنین
نکنه بشه فراموش	برای ورزش بکوش



۲ مهر: روز ملی ایمنی و آتش نشانی

هفتم مهرماه به نام «آتش نشانی و ایمنی» نامگذاری شده است. در واقع این روز بهانه ای است تا به گرامیداشت انسان‌هایی بپردازیم که از جان و آسایش خود در راه حفظ جان و آسایش ما می‌گذرند.

ایمنی چیست؟ ایمنی را مصونیت در برابر آسیب‌های ناشی از حوادث، اعم از طبیعی و غیرطبیعی معنا کرده‌اند. بالا بردن سطح ایمنی رابطه زیادی با سلامتی و در نهایت توسعه دارد، لذا در کشورهای پیشرفته، یکی از اهداف دولت‌ها، افزایش سطح پوشش ایمنی برای دستیابی به حداکثر توسعه است. هدف از نامگذاری این روز به عنوان «روز ملی ایمنی و آتش‌نشانی»، تبدیل ایمنی در کشور به یک فرهنگ می‌باشد.

آتش نشان

آزیر آزیر آزیر کشون	آتش نشون مهربون
باز اومده تو خیابون	باید نباشی نگرون
با ماشینش تند و زود	میره تو آتش و دود
شلنگ آورده اینجا	آب می پاشه به هر جا
تا که خاموش کنه زود	نمونه آتش و دود
آتش نشون مهربون	فرشته ای از آسمون

نوصیه‌هایی در هنگام آتش‌سوزی

ممکن است آتش خوب یا بد باشد؛ آتش خوب گرما و نور می‌دهد و ما می‌توانیم از آن استفاده کنیم آتش سبب آتش‌سوزی هم می‌شود و همه چیز را می‌سوزاند و خرابی به بار می‌آورد، اگر مواظب نباشیم حتی آتش خوب هم به ما آسیب می‌رساند.

* اگر متوجه دود یا آتش شدی، فوراً بیرون برو. داد بزن و دیگران را خبر کن و هرگز هنگام آتش‌سوزی مخفی نشو و در خارج از خانه، جایی را در نظر بگیر تا موقع آتش‌سوزی، اعضای خانواده در آنجا همدیگر را پیدا کنند.

* اگر اتاق پر دود شده بود دراز بکش و چهار دست و پا به طرف در برو تا از اتاق خارج شوی سعی کن از زیر سطح دود حرکت کنی. اگر در اتاق داغ شده بود؛ آن را باز نکن اگر راه دیگری هست از آن راه فرار کن و اگر نتوانستی کمک بخواه. * اگر لباس آتش گرفت:

۱. حرکت نکن / ۲. خودت را روی زمین بینداز. / ۳. غلت بزن تا آتش خاموش شود و صورتت را با دستهایت بپوشان * هنگام آتش‌سوزی، سریع از خانه خارج شوید و از همسایه کمک گرفته و در اسرع وقت با آتش‌نشانی تماس بگیرید. حالا همه با هم تکرار کنیم: (یک، دو، پنج / صد و بیست و پنج)

۸ مهر روز بزرگداشت مولوی

مولانا جلال‌الدین محمد بلخی معروف به مولوی و «ملای رومی» (۶۰۴-۶۷۲ ه. ق.) شاعر، عارف و متفکر قرن هفتم است. وی در بلخ به دنیا آمد و در کودکی و چند سال قبل از حمله مغول، همراه پدرش - بهاء‌الدین ولد - زادگاه خود را ترک و در قونیه (ترکیه امروزی) اقامت گزید. ملاقات مولوی و شمس تبریزی در سال ۶۲۲ اتفاق افتاد. این ملاقات، زندگی‌اش را دگرگون کرد، به حدی که مولوی مسند تدریس را رها و خود را وقف تجارب روحانی و عرفانی نمود. آثار مولانا از حیث وسعت و تنوع، قابل ملاحظه است. آثار منشور او شامل مجالس سبعة، مکتوبات و فیه ما فیه، و آثار منظوم وی دیوان شمس و مثنوی می‌باشد.

دوستی انسان و خرس



اژدهایی خرس را در می کشید/ شیرمردی رفت و فریادش رسید/ آن یکی بگذشت و گفتش حال چیست / ای برادر مر ترا این خرس کیست؟ / قصه وا گفت و حدیث اژدها / گفت برخرسی مَنه دل ابلها / دوستی ز ابله بتر از دشمنیست/ او بهر حيله که دانی راندنی ست/ شخص خفت و خرس میراندش مگس/ وز ستیز آمد مگس زود باز پس/ چند بارش راند از روی جوان/ وان مگس پس باز می آمد دوان / سنگ آورد و مگس را دید باز / بر رخ خفته گرفته جای ساز / سنگ روی خفته را خشخاش کرد / این مثل بر جمله عالم فاش کرد / مهربانه مهر خرس آمد یقین / کین او مهرست و مهر اوست کین.

نهم مهرماه روز همبستگی و همدردی با کودکان و نوجوانان فلسطینی

روز نهم مهرماه به مناسبت شهادت "محمدالدوره" نوجوان فلسطینی، در ایران به عنوان روز همبستگی با کودکان و نوجوانان فلسطینی نامیده شده است. در چنین روزی در سال ۲۰۰۰ میلادی "محمدالدوره" نوجوان ۱۲ ساله فلسطینی به طرز فجیعی به دست نظامیان رژیم صهیونیستی به شهادت رسید.

خبر شهادت این نوجوان از سوی رسانه‌های مختلف خبری گزارش شد، تصویر شهادت او هنگامی که پشت پدر خود مخفی می‌شود تا از شر حمله نظامیان صهیونیست در امان باشد، بارها از شبکه‌های تلویزیونی جهان پخش شد و رسوایی رژیم اشغالگر قدس و حامیان این رژیم را در دنیا، به دنبال داشت.

این جنایت علیه نوجوانی بی‌پناه و بی‌سلاح توسط نیرویی مسلح به سلاح گرم و با فاصله اندک و با شلیک چند گلوله در برابر دیدگان پدر، مردم و شبکه‌های خبری به وقوع پیوست.

شهادت دوره همسالانش را به مبارزه‌ای بی‌امان تر و آگاهانه‌تر با اشغالگران متجاوز و زورگو تشویق کرد و به جای دوره صدها دوره پا به میدان جهاد بی‌امان گذاشتند. رژیم صهیونیستی پس از شهادت دوره با حمایت آمریکا نه تنها پشیمان نشد، بلکه دست به کشتار گروهی کودکان و زنان فلسطینی در غزه و کرانه باختری زد.

نمایش شهادت خانواده هفت نفره هدی غالیه در اواخر خرداد سال ۱۳۸۵ در شبکه‌های تلویزیونی جهان، یکی از این جنایات بود. پس از آن کشتار کودکان روستای قانا در جنگ اخیر لبنان نیز برگ سیاه دیگری را از تاریخ پر از جنایت صهیونیستها رقم زد. شورای عالی انقلاب فرهنگی در جلسه ۵۷۱ مورخ ۸۴/۸/۱۰ به پیشنهاد شورای فرهنگ عمومی روز ۹ مهرماه را همانند سالهای گذشته به عنوان روز همبستگی با کودکان و نوجوانان فلسطینی تعیین و تصویب کرد و در تقویم جمهوری اسلامی ایران ثبت شد. از این تاریخ، همه ساله چنین روزی به نام روز همدردی با کودکان و نوجوانان فلسطینی نامگذاری شده است.

زنگ «همدردی و همبستگی با کودکان فلسطینی» نیز در مدارس سراسر کشور، به نشانه همبستگی، به صدا در می‌آید. اعلام این روز که به پیشنهاد جمعیت دفاع از ملت فلسطین صورت گرفت، به عنوان نمادی از دادخواهی دانش‌آموزان ایرانی از مستکبران جهان و اعلام همدردی و همبستگی بین دانش‌آموزان ایرانی و کودکان و نوجوانان مبارز فلسطینی می‌باشد. امروز، بزرگترین جرم نوجوانان فلسطین زاده شدن در سرزمین مادریشان است.

برخورد نظامیان اشغالگر صهیونیستی با این کودکان و نوجوانان زننده و غیر انسانی است، به عنوان نمونه می‌توان به بازداشت هزاران نوجوان فلسطینی ۱۳ تا ۱۸ ساله اشاره کرد که از آغاز و در هنگام بازداشت انواع اهانت، شکنجه، رفتار خشونت‌آمیز و غیراخلاقی در زندان‌ها و مراکز بازجویی با آنها صورت گرفته است.

رژیم صهیونیستی با شکنجه، بازداشت و سرکوب کودکان فلسطینی به جهانیان نشان می‌دهد که هرگز به قوانین بین‌المللی و دلایل منطقی پایبند نبوده و برای خواسته‌های جامعه بین‌الملل نیز، اهمیتی قایل نیست. رژیم صهیونیستی طی سالهای گذشته بویژه در



سالهای اخیر و دوران انتفاضه فلسطینیان کودکان و قشر جوان سرزمین فلسطین که آینده سازان این سرزمین هستند را هدف قرار داده چرا که دریافته، هر نسل فلسطین از نسل پیش بیدارتر، متحدتر و ظلم ستیزتر است.

یورش مخفیانه و غافلگیرانه در نیمه های شب و ربودن کودکان و جوانان فلسطینی، استفاده از گازهای سمی و اشک آور، ضرب و جرح و تیراندازی با گلوله های پلاستیکی و به ویژه استفاده از سگ های درنده که عموماً همراه با جراحت این کودکان و نوجوانان همراه است، شکنجه های دوران بازداشت از قبیل وارد کردن ضربه به نقاط مختلف به ویژه سر نوجوانان، استفاده از دستگاه های مخصوص شکنجه کودکان، محروم کردن از خواب و غذا، اعمال انواع شکنجه های روحی و روانی و . . . از جمله جنایات رژیم است که به هیچ یک از اصول انسانی و بین المللی پایبند نیست.

شعر: به یاد آن کودک

هوا چه بارانی است	چه تند می بارد	دلم پریشان است	دلم غمی دارد
به یاد آن کودک	که تیر خورد افتاد	پدر گرفت او را	پسر ولی جان داد
هوا چه تاریک است	هوا چه غمگین است	در این دل تنگم	غم فلسطین است
پدر در آن لحظه	چه حس و حالی داشت	گمانم از دنیا	پدر سوالی داشت
چرا؟ به چه جرمی	سوال او این بود	در آن سکوت ای کاش	جهان فلسطین بود
تو ای دل من باش	به صورت یک سنگ	به دست آن کودک	در آتش آن جنگ

۱۷ مهر ماه: روز جهانی کودک

هر ساله روز هفدهم مهر را در برخی نقاط دنیا از جمله ایران روز جهانی کودک نامیده اند تا به والدین یادآور شوند که علاوه بر تأمین تمام نیازهای مادی کودکان، مسئول تأمین نیازهای معنوی و روحی فرزندشان نیز هستند. همانطور که پیامبر اسلام (ص) می فرماید: به کودکان خود محبت کنید و به آنها احترام بگذارید. وقتی به آنها وعده دادید به آن وفا کنید. و از طرف دیگر کودکان در این روز، خواهان یادآوری این مسئله هستند که سالانه هزینه های زیادی صرف تولید انواع سلاح های هسته ای و غیرهسته ای می شود، حال آنکه در سال، کودکان بسیاری از گرسنگی، عدم امکانات بهداشتی، سوء تغذیه و . . . جان خود را از دست می دهند و کسی نگران نیست.

به امید آنکه دنیایی داشته باشیم به دور از جنگ و هیاو که همه کودکان در آن با آرامش و خوشبختی زندگی کنند، به امید آرزو . . .

خوشحال و شاد و خندان

خوشحال و شاد و خندانم	قدر دنیا رو می دانم
خنده کنم من، دست بزنم من	پا بکوبم من، شادابم
در دلم غمی ندارم	زیرا سلامت هستم
عمر ما کوتاست	چون گل صحراست
بیایید با هم بخوانیم	ترانه جوانی را
عمر ما کوتاست	چون گل صحراست
گل بریزم من، از توی دامن	بر روی خرمن، شادابم

* پیشنهاد می شود در این مناسبت از برنامه های شاد و فراتر از زمان آغازین توجه شود.



۱۷ مهر ماه: روز جهانی پست

پست، یکی از کهن‌ترین و گسترده‌ترین ابزارهای ارتباطی بین مردم یک کشور با ساکنان دیگر سرزمین‌ها و مناطق جهان است. جوامع رشد یافته، برای تحقق توسعه خود به شبکه ارتباطی توجه داشته و روی آن برنامه‌ریزی کلان کرده‌اند. هر پستی از انجام ۳۰۰۰ سفر جلوگیری می‌کند، که هر سفر افزون بر هزینه، پیامدهای دیگری چون اتلاف وقت، فشارهای عصبی و روحی، مشکلات حمل و نقل، اتلاف سوخت، آلودگی هوا، صرف نیروی انسانی و انواع خسارتهای احتمالی مالی و جانی را نیز به همراه دارد.

سابقه پست در ایران:

فعالیت‌های پستی در ایران، قدمتی سه هزار ساله دارد و حتی برخی از مورخین، ایرانیان را مبتکر ارتباط پستی می‌دانند. در سال ۱۲۹۷ هـ.ق ناصرالدین شاه دستور داد تا مؤسسه پست آن روز به وزارت تبدیل شود و اداره آن را به امین‌الملک، وزیر وظایف و رئیس دارالشوراء سپرد. پس از صدارت امیرکبیر، تحولات تازه‌ای در پست کشور ایجاد گردید، فعالیت پستی کشورهای استعمارگر تعطیل شد و پیک‌های پست ایران، با نظم و نظامی تازه که امیرکبیر ایجاد کرده بود با سرعت و دقت بسیار، امور مراسلاتی را انجام می‌دادند.

شایان ذکر است که چون پست در ایران از قدمتی طولانی برخوردار است، از فعالیت چاپارهای قدیم تا پست پیشرفته کنونی، ابزار و آثاری گرانبها و دیدنی گردآوری شده است که در موزه پست نگهداری می‌شود.

در سال ۱۸۷۳، در روز ۹ اکتبر به پیشنهاد "هنریخ ون استفان" مدیر کل پست کنفدراسیون آلمان شرقی، قراردادی با عنوان "قرارداد برن" در زمینه تأسیس "اتحادیه کل پست" در "برن" سوئیس، توسط ۲۲ کشور جهان به امضاء رسید.

امضاکنندگان بر اساس توافق به عمل آمده، یک قلمرو پستی را تشکیل دادند که آزادی ترانزیت برای مبادله متقابل مراسلات را در سراسر قلمرو و اتحادیه، تأمین و تضمین می‌کرد. نام این اتحادیه پس از ۴ سال با پیوستن کشورهای دیگر، به "اتحادیه جهانی پست" تغییر یافت.

از سال ۱۹۶۹ روز ۹ اکتبر (۱۷ مهر) هر سال به عنوان روز جهانی پست تعیین گردید.

اکنون بیش از ۱۷۰ کشور، عضو این اتحادیه هستند و ایران نیز سال ۱۲۵۶ هـ.ش به عنوان بیست و نهمین عضو، به این اتحادیه پیوست.

شعر ۱: پستی

با صدای زنگ در / مادرم از جا پرید / گفت با شادی به من / پستی از ره رسید
باز کردم در به شوق / با ادب گفتم سلام / بر لبش لبخند بود / در نگاه او پیام.
داد یک پاکت به من / پاکتی با تمبر پست / گفت دارم نامه‌ای / نامه‌ای از دوست دوست.

شعر ۲: آقای پستی

آقای پستی چه مهر بونه / نشونیها رو وقتی می‌خونه / میاد درخونه‌ها / می‌رسونه نامه‌ها.
برای من هم نامه میاره / همراه نامه شادی میاره / نامه‌ای از یه دوست، خوب و صمیمی /
از یه رفیق عزیز، یار قدیمی /



۱۸ مهرماه روز جهانی بهداشت روان

دهم اکتبر (۱۸ مهر ماه) روز جهانی بهداشت روان نامگذاری شده است. در ایران هفته پایانی مهر ماه (۲۴ لغایت ۳۰ مهر) به نام هفته بهداشت روان نام گذاری شده است.

سازمان جهانی بهداشت خواستار تخصیص خدمات و سرمایه گذاری های بیشتر در حوزه سلامت روان است. سلامت روان بعنوان حالتی از سلامتی تعریف شده که فرد به مدد آن به توانائیهای خود پی می برد، بر استرسهای طبیعی زندگی اش غلبه می کند، می تواند بطور مؤثر و مثمرثمر کار کند و می تواند با دیگران رابطه و همکاری خوبی داشته باشد.

در کشور ایران، بطور رسمی در سال ۱۳۳۶ برنامه های روانشناسی و بهداشت روان از رادیوی ایران آغاز شد و در سال ۱۳۳۸ اداره بهداشت روان در اداره کل بهداشت وزارت بهداشتی آن زمان تشکیل گردید. عناوین روزهای هفته بهداشت روان که از ۲۴ مهر آغاز و تا ۳۰ مهر ماه ادامه دارد، هر ساله مشخص می شود.

بهداشت روان

این پیام ماست	بچه های خوب	صبح زندگی	بر شما درود
هر که می خواهد	زندگی راحت	بهداشت روان	کند رعایت
هر که می خواهد	عشق و محبت	هر که می خواهد	اعصاب راحت
بهداشت روان	کند رعایت .		

توصیه هایی برای بهداشت روان

۱. احساسات خود را بیان کنیم : مسائل درون خود را با افراد مورد اطمینان (مادر یا پدر یا خواهر یا برادر بزرگتر، معلم و مشاور) در میان بگذاریم.
۲. شاد باشیم و به دیگران احترام بگذاریم.
۳. قدر خودمان را بدانیم چون بی نظیریم.
۴. با دیگران مهربان باشیم.
۵. اعتماد به نفس داشته باشیم.
۶. به دیگران احترام بگذاریم (تا دوستان بیشتری پیدا کنیم، مشکلاتمان را با هم حل کنیم).
۷. مؤدب باشیم.

۲۰ مهر روز بزرگداشت حافظ

خواجه شمس الدین محمد حافظ (۷۲۷-۷۹۲ ه.ق.) بزرگترین غزل سرای ایران، در شیراز متولد شد و جز مدتی کوتاه، بقیه عمر را در همان شهر زیست و در همان جا نیز از دنیا رفت. هر چند شیراز در دوره ای که حافظ می زیست، وضع سیاسی آرام و ثابتي نداشت، اما از مراکز علمی و ادبی ایران محسوب می شد. در چنین محیطی، حافظ امکان تحصیلاتی شایسته یافت و قرآن را با قرائت های مختلف حفظ کرد.

از چند قطعه و رباعی و سه قصیده و دو مثنوی کوتاه (جمعاً ۸۷ بیت) که بگذریم، دیوان حافظ سراسر غزلیات است. حافظ به «لسان الغیب» نیز شهرت دارد. مقبره این شاعر گرانقدر در شهر شیراز می باشد.

خداش در همه حال از بلا نکه دارد	هر آنکه جانب اهل حق نکه دارد
که آشنا سخن آشنا نکه دارد	حدیث دوست نگویم مگر به حضرت دوست
فرشته ات به دو دست نکه دارد	دلا معاش چنان کن که گر بلغزد پای



۲۰ مهر: روز کاهش اثرات بلایای طبیعی

مجمع عمومی سازمان ملل متحد در ۲۲ دسامبر ۱۹۸۹ میلادی با تصویب قطعنامه‌ای، دومین چهارشنبه ماه اکتبر میلادی را «روز جهانی کاهش اثرات بلایای طبیعی» نامگذاری کرد.

در جهان برای کاهش اثرات بلایای طبیعی روزی را به این عنوان اختصاص دادند و در جهت رفع و کاهش هرگونه بلای طبیعی کوشش می‌کنند. بهترین راه در این امر، آموزش به مردم مخصوصاً دانش‌آموزان است.

لزوم آموزش کودکان به عنوان آسیب‌پذیرترین قشر به هنگام رخداد بلایای طبیعی، آشنایی، هشدار و رویارویی با خطرات آن امری ضروری به شمار می‌آید. آموزش به کودکان و نوجوانان به عنوان آینده‌سازان فردا، بهترین و اصولی‌ترین روش برای کاهش اثرات رخدادهای طبیعی است. در کنار آن مقاوم‌سازی مدارس و ساختمان‌های آموزشی نیز لازم است.

برنامه‌های هفته کاهش اثرات بلایای طبیعی به طور هماهنگ و سراسری در سطح تمامی استان‌ها از این روز اجرا می‌شود.

شعر: بلایای طبیعی

یه روز تو فصل پاییز	بیستم مهر برگ ریز	یادآور بلایا	زمین و آسمونها
بچه‌های خوب و عاقل	آیا میدانی کامل	بلایای طبیعی	هستند چه چیزهایی؟
طوفان و سیل و زلزله	برای ما خطر داره	حالا باید چیکار کنیم	دانشمون رو زیاد کنیم
برای هر کدوم از اونها	آماده باشیم از حالا	کمک‌های اولیه	یادگیریشون چه عالیه
نقاط امن و مطمئن	کجای هر مکانیه		

۲۴ مهر: روز جهانی غذا

بحران خاموش گرسنگی، یک ششم انسان‌های کره زمین را درگیر کرده و صلح و امنیت را به خطر انداخته است. ما به یک تلاش گسترده و سریع و جهانی برای از بین بردن فقر و گرسنگی در جهان نیازمندیم. بدین منظور، سازمانی به نام سازمان خواربار و کشاورزی در ۱۶ اکتبر سال ۱۹۴۵ میلادی (مطابق با ۲۴ مهر) تأسیس شد. و از این تاریخ به بعد در این روز مراسم بزرگداشت روز جهانی غذا برگزار می‌شود.

روز جهانی غذا، روز همدردی با گرسنگانی است که از ابتدایی‌ترین حق زندگی محروم‌اند و در این محرومیت، می‌میرند. قدر غذا، این نعمت آغازین خلقت را بدانیم و با مصرف درست و عدم اسراف، با گرسنگان جهان همدردی کنیم. بیایم هنگام دور ریختن غذا به این بیندیشیم که این غذا می‌تواند گرسنه‌ای را برای یک روز هم که شده از گرسنگی و مرگ نجات دهد و از مصرف بی‌رویه غذا پرهیزیم و آن را دور نریزیم.

ویتامین‌ها را کم نخورید

ما را بخورید غم نخورید

اتل مثل توتوله	حال شما چه جوهره؟	اگه که خوب و نازی	با ویتامین میسازي
این ویتامین چه جوهره؟	که موجب سروره	نه سر داره نه گردن	نه گُت داره، نه دامن
مفید و جور واجوره	یه مادّه مثل نوره	خیلی انرژی داره	شادی برات میاره
تو سبزی و تو ریحون	تو میوه‌ها فراوون	کامل و خوب و تازه	همیشه باهات می سازه

غذای مقوی

ای بچه پاکیزه	بین دستات تمیزه	می‌خوای بخوری غذا؟	ساندویچ یا که پیتزا؟
نه، این غذا را نخور	غذای خوب را بخور	نان و پنیر و سبزی	یک غذای مقوی .



هفته بهداشت روان (۲۴ لغایت ۳۰ مهرماه)

در ایران هفته پایانی مهرماه (۲۴ لغایت ۳۰ مهرماه)، هفته بهداشت روان نامگذاری شده است عناوین روزهای هفته بهداشت روان که از ۲۴ مهرماه آغاز و تا ۳۰ مهرماه ادامه دارد هر سال مشخص می‌شود که فعالیت‌های ویژه هر روز از هفته با توجه به عنوان آنروز انجام می‌شود.

در هفته سلامت روان به این مباحث می‌توان پرداخت :

- ۱- در تمام لحظه‌های خوب و بد زندگی باید به یاد خدا باشیم، به یاد خدا بودن موجب می‌شود آرامش قلبی داشته باشیم، نگرانی را از خود دور کنیم، کارهایمان را بهتر انجام دهیم، خوب فکر کنیم، خوب تصمیم بگیریم و به موفقیت برسیم.
- ۲- انسانها با دعا، عبادت و با نمازهای خود از پروردگار سپاسگزاری می‌کنند و نشان می‌دهند که متوجه این همه لطف و مرحمت او هستند.
- ۳- خوشحالی احساس خوبی است که همه انسانها آن را دوست دارند، سعی کن کارهایی را انجام بدهی تا هم خودت شاد باشی و هم دیگران را شاد کنی.
- ۴- تو می‌توانی گریه کنی، بخندی، عصبانی شوی، کسی را دوست داشته باشی، غمگین، دلتنگ و یا خشمگین شوی، همه اینها احساسات توست، احساسات را دوست داشته باش، اگر احساس محبت، شادی، صمیمیت، غرور، دوست داشتن و شادی می‌کنی در زندگی موفق‌تر خواهی بود.
- ۵- چه چیزهایی دوستی‌ها را به هم می‌زند؟ چه کارهایی می‌توان انجام داد تا دوستی‌ها را نگه داشت؟

۲۶ مهرماه: روز ترتیب بدنی اهمیت ورزش

امروزه ورزش بخشی از فرهنگ جامعه ما شده است و بین ورزش و فرهنگ، رابطه تنگاتنگی وجود دارد. ورزش، تمرینی برای رشد اخلاق و جوانمردی، و عاملی برای تقویت اراده و پایداری و کنترل هوای نفس است.

گر بر دگری خرده‌نگیری مردی

گر بر سر نفس خود امیری مردی

گر دست فتنده‌ای بگیری مردی

مردی نبود فتنده را پای زدن

حضرت علی (ع) می‌فرماید: «قهرمان کسی است که بر هوای نفس خود پیروز شود»

رسول گرامی اسلام (ص) نیز می‌فرماید:

«کسی که بر مردم چیره شود، قوی نیست؛ بلکه قوی کسی است که بر هوای نفس خود غلبه کند.»

ورزش اصیل به انسان خصلت جوانمردی و تواضع می‌آموزد تا در اوج قدرتمندی، آرام، متواضع و بی‌آزار باشد.

ورزش، نقش مؤثری در سلامت، نشاط و پایداری روح و جسم انسان دارد. انسان قوی و بانشاط، خود را در مسیر اطاعت الهی

قرار می‌دهد؛ چنانکه امیرمؤمنان علی (ع) فرمود: «اگر قوی شدی، قوت را در مسیر اطاعت خدای بزرگ قرار بده.»

همچنین پیامبر گرامی (ص) برای سرگرمی و بازی کودکان اهمیت خاصی قائل بودند سفارش کرده اند: «که کودکان را رها

سازید تا هفت سالگی بازی کنند» ایشان فرمودند: «هرکس در کنارش کودکی باشد، لازم است با او کودکی کند.»

از منظر عقل و دین، ورزش برای تقویت و سلامت جسم ضرورت دارد. کمتر می‌شود که ملتی بدون داشتن بدنی سالم و بانشاط،

از عقل و تفکر شایسته‌ای بهره‌مند باشد.



ورزش توان انسان را برای انجام کارهای روزمره شخصی و اجتماعی بالا می‌برد و حتی عبادت‌هایی از قبیل: نماز، روزه، حج، جهاد و ... نیز با بدن سالم و نیرومند، بهتر و راحت‌تر انجام می‌شود.

فعالیت‌های مرتبط با هفته تربیت بدنی

- ۱- آموزش موارد زیر به دانش‌آموزان:
 - رعایت نکات بهداشتی در زمان پرداختن به فعالیت‌های جسمی و ورزشی و بعد از آن
 - رعایت نکات ایمنی به منظور پیشگیری از آسیب‌های احتمالی ناشی از فعالیت‌های جسمانی و در استفاده از وسایل ورزشی
 - استفاده از لباس، کفش و جوراب مناسب در هنگام فعالیت‌های ورزشی
 - اثرات فعالیت‌های ورزشی و جسمانی در زندگی روزمره به منظور پیشگیری از بیماری‌ها
- ۲- انجام حرکات ورزشی با دانش‌آموزان و معلم ورزش در مراسم صبحگاهی
- ۳- کمک به مربی بهداشت و معلم ورزش در انجام مسابقات ورزشی در مدرسه
- ۴- تشویق دانش‌آموزان به انجام ورزش به عنوان یک عادت
- ۵- انجام تحقیق و تهیه مقاله در مورد انواع ورزش‌ها و فواید ورزش کردن

۲۹ مهر روز جهانی مبارزه با پوکی استخوان

هر ساله ۲۹ مهر ماه "روز جهانی مبارزه با پوکی استخوان" (WOD) می‌باشد. در این روز برنامه‌های مختلفی در سراسر جهان برای آگاه کردن عموم در مورد پیشگیری از این بیماری که هنوز هم اغلب افراد شناخت دقیقی از آن ندارند، به اجرا در می‌آید. پیام این روز این است که با وجود وخیم بودن بیماری پوکی استخوان، افراد می‌توانند مسئولیت استخوان‌هایشان را با ساختن استخوان‌هایی محکم از طریق شیوه زندگی صحیح و تغذیه مناسب به عهده بگیرند. در این روز اهمیت فعالیت بدنی مناسب و تغذیه سالم بخصوص گروه لبنیات مثل مصرف شیر، ماست و پنیر مورد تأکید قرار گرفته است. (به خصوص در سنین ۱۲ تا ۲۰ سال)

شیر

مانند برف سفیده	شیر و بخور مفیده
کسی ندیده تا حالا	کامل تر از این غذا
قوی و پر کار می‌کنه	شیر ما رو خوشحال می‌کنه
شیر نخوریم نمی‌شه	شیر بنوشیم همیشه

۸ آبان شهادت حسین فهمیده

جنگ با زورگویان

دشمن ناجوانمردانه به خاک ایران حمله کرده بود. می‌خواست همه جا را بگیرد. آنها به هیچ کس رحم نمی‌کردند. به هر جا می‌رسیدند خراب می‌کردند. هر کس را می‌دیدند می‌کشتند. ارتش هنوز آماده نبود. هر طور شده باید جلو آنها گرفته می‌شد. عده‌ای از جوانان شهرهای مرزی مقابل آنها ایستادند و با آنها می‌جنگیدند؛ اما تعداد آنها خیلی کم بود. باید نیروهای بیشتری از تمام ایران به آنجا می‌رفتند تا جلو آنها را بگیرند و گرنه دشت همه کس و همه چیز را نابود می‌کرد.



سربازان امام خمینی رحمه الله: امام خمینی (ره) رهبر کشور ایران از جوانان خواست به جبهه بروند. خیلی از جوانان به جبهه رفتند. محمدحسین فهمیده هم تصمیم گرفت به جبهه برود. و به حرف رهبرش گوش کند؛ اما او را به جبهه نمی‌بردند. او ۱۳ سال بیشتر نداشت. او خودش را هر طور شده به جبهه و خط مقدم رساند. خط مقدم نزدیک دشمن بود.

تصمیم مهم: یک روز تانک‌های زیادی به طرف ایران حرکت می‌کردند. محمدحسین به نظرش رسید که تانک‌ها دارند همه را می‌کشند. او چند نارنجک با خودش برداشت و به طرف تانک‌ها رفت. در هیچ جای دنیا با نارنجک به جنگ تانک نمی‌روند؛ اما محمد حسین مجبور بود چون اسلحه بهتری نداشت. او باید هر چه می‌توانست به تانک نزدیک می‌شد. همین کار را هم کرد. تانک با صدای وحشتناکی به چند قدمی او رسید. او با خودش فکر کرد اگر چند نارنجک را با هم منفجر کند می‌تواند تانک را از کار بیندازد. او ضامن نارنجک‌ها را کشید. گرد و خاک زیادی بلند شد. چند لحظه بعد تانک آتش گرفت. محمد حسین دیگر دیده نمی‌شد. «محمد حسین فهمیده» به آسمان پرکشید. بقیه تانک‌ها دیگر جلو نیامدند. کار محمدحسین فهمیده همه جا پیچیده بود. او ۱۳ ساله بود.

رهبر ۱۳ ساله: امام خمینی (ره) رهبر تمام مسلمانان جهان بود. همه مسلمانان و حتی غیرمسلمانان به او احترام می‌گذاشتند. او از تمام رهبران دنیا بهتر بود. او عالم‌ترین، شجاع‌ترین، و مهربان‌ترین رهبر دنیا بود. مردی با این عظمت، بعد از شنیدن حماسه «فهمیده»، او را رهبر معرفی کرد و گفت: «رهبر ما آن طفل ۱۳ ساله است که با نارنجک خود را به زیر تانک‌های دشمن انداخت.»

فهمیده در بیان مقام معظم رهبری: رهبر معظم انقلاب، می‌فرماید: زنده نگه داشتن یاد حادثه شهادت دانش‌آموز بسیجی، شهید فهمیده از اصالت‌های دفاع مقدس می‌باشد. مقام معظم رهبری در دیدار با خانواده او در رابطه با فداکاری و شجاعت او فرمودند: بروز چنین حوادثی که از تربیت صحیح و اصالت‌های خانوادگی است، صرفاً در محیط‌های اسلامی جلوه‌گری و نور-افشانی می‌کند.

شعری برای شهید فهمیده

(شاعر: رضا حدادیان)

بازی پس کوچه را ترک کرد
رفت تا معنا کند آینه را
عزم او انگیزه ای پیوسته بود
پشت پایش نور می ریزد بسی
دین و ایمان تکیه گاهت ای پسر
خونفشانی را روایت می نمود
راه پرواز من از این روزن است
او خودش را تا خدا آغاز کرد
جانفشانی های پی در پی، جنون
بی خدایی ها هویدا می شوند
او پر از انگیزه آزادی است
وای! این با زندگی بیگانه کیست؟
او که این سان عاشق و شیدا شده
پرده های خواب و رویا را درید

نوجوانی جبهه ها را درک کرد
رفت تا خط مقدم تا خدا
صورتش را با چفیه بسته بود
مادر پیرش پر از دلوپایی
دست حق پشت و پناهت ای پسر
خاک ایران را حمایت می نمود
تکه ای از آسمان مال من است
جبهه درها را به رویش باز کرد
بوی باروت و مسلسل، بوی خون
تانکها ناگاه پیدا می شوند
نوجوان اما پر از دلدادگی است
داخل دستان او نارنجکی است
او که این سان مست و بی پروا شده
سنگر خود را رها کرد و پرید



تانک دشمن ناگهان آتش گرفت

نقشه گردنکشان آتش گرفت

یک کبوتر از میان شعله ها

آسمان - پرواز آبی تا خدا

۸ آبان: شهادت حسین فهمیده - تشکیل بسیج دانش آموزی

تاریخچه تشکیل بسیج دانش آموزی: به دنبال فرمان امام خمینی (ره) مبنی بر تشکیل بسیج بیست میلیونی، پایگاه‌های مقاومت در مساجد، حسینیه‌ها، ادارات، کارخانه‌ها، مدارس و ... به صورت خودجوش و مردمی شکل گرفت. با واگذاری مسئولیت بسیج به سپاه پاسداران و شروع جنگ تحمیلی عراق بر ضد ایران، دفاتر بسیج در مدارس برای جذب، آموزش و اعزام دانش‌آموزان واجد شرایط به جبهه‌های جنگ فعال شدند. در سال ۱۳۶۳ با تصویب تبصره ۲ از ماده یک قانون نظام وظیفه کشوری که به موجب آن، وزارت آموزش و پرورش موظف شد با هماهنگی و همکاری واحد بسیج مستضعفین سپاه پاسداران، آموزش آمادگی دفاعی را برای دانش‌آموزان اجرا کند، دفاتر بسیج دانش آموزی در مدارس از استواری بیشتری برخوردار شد.

بسیج دانش آموزی، یک نهاد آموزشی است که با برنامه‌های مدون و ایجاد پایگاه‌های علمی سعی دارد گام مؤثری در ارتقای توان علمی دانش‌آموزان داشته باشد. بسیج، عبارت است از مجموعه‌ای که در آن، پاکترین انسانها، فداکارترین و آماده به کارترین جوانان کشور در راه اهداف عالی این ملت و برای کمال رساندن و به خوشبختی رساندن این کشور، جمع شده اند. بسیج عبارت است از تشکیلاتی که در آن، افراد متفرق و تنها، به یک مجموعه عظیم و منسجم، به یک مجموعه آگاه، متعهد، بصیر و بینای به مسائل کشور، تبدیل می‌شوند؛ مجموعه‌ای که دشمن را بیمناک، و دوستان را امیدوار و خاطر جمع می‌کند.

شهید "فهمیده" یکی از هزاران نونهال فهمیده، و دانش آموز بسیجی کشور ماست که با نثار خون پاک خویش بر طراوت و سرخی خون شهدای انقلاب اسلامی و جنگ تحمیلی افزود. وی دوران کودکی و نوجوانی خود را به صورتی سپری کرد که همواره آستان حادثه‌ای بود. حوادثی که در شکل‌گیری شخصیت او مؤثر واقع شد. او با سرمایه عظیمی از فهم و درک و درایت انقلابی و اسلامی خویش و به دنبال طوفان حوادث انقلاب، وارد جنگ تحمیلی شد و با وجود سن کم، خود را به خونین شهر قهرمان رساند و با اقدامی آگاهانه و شجاعانه، نام خود را در دفتر شهیدان همواره زنده تاریخ ثبت کرد.

از آنجا که این دانش آموز رزمنده بسیجی، با ایمان و بینش عمیق و استوار در جنگ با دشمن پیش قدم و با نیل به شهادت، درس شجاعت، فداکاری و مقاومت را به همه بسیجیان و امت حزب الله آموخت، امام بزرگوارمان این نوجوان ۱۳ ساله را رهبر قلمداد فرمود، چرا که نام و یاد او منشأ حماسه‌های سترگ شد و تحولی عظیم در شیوه دفاع مقدس و نبرد رزمندگان اسلام با کفر فراهم کرد و راه پیروزی و سرافرازی را یکی پس از دیگری، هموار ساخت. امروز شهید فهمیده، به حق، الگوی شایسته و تصویر برجسته‌ای از ایثار و جهاد و شهادت برای دانش‌آموزان بسیجی و جوانان کشور ماست، به گونه‌ای که حماسه‌سازی‌های فهمیده و دیگر فهمیده‌های میهن اسلامی، می‌تواند یادآور دوران دفاع مقدس و ارزشهای والای آن دوران باشکوه باشد. رهبر معظم انقلاب نیز درباره آن شهید گرانقدر فرمود:

"زنده نگهداشتن یاد و حادثه شهادت دانش آموز بسیجی، شهید فهمیده از اصالت‌های دفاع مقدس است."

مقام معظم رهبری:

۱- «اگر بخواهیم انقلاب و کشور بیمه باشد و جمهوری اسلامی آسیب‌پذیر نباشد، باید این شور و شوق، این حرکت عمومی و این بسیج عظیم نیروهای ملت را روز به روز تقویت کنیم».

۲- «بسیج باید با همان روحیه و شور و قدرت دوران جنگ باقی بماند و جوانان آموزش ببینند و سازماندهی شوند و آمادگی حضور پیدا کنند».



- ۳- «در دوران جنگ بسیج مال جنگ است، در دوران پشتیبانی مال پشتیبانی، در دوران علم مال تحصیل و تدریس و در دوران سازندگی مال سازندگی است».
- ۴- «بسیج در جبهه‌های جنگ، در داخل شهرها و در پایگاه‌های مقاومت نشان داد که بهترین مدافع اسلامی است، حتی دشمنان ما هم به این نکته اعتراف کرده اند».
- ۵- «بسیج یعنی حضور بهترین، با نشاط‌ترین و با ایمان‌ترین نیروی عظیم ملت در میدان‌هایی که برای منافع ملی، برای اهداف والا، کشورشان به آنها نیاز دارد».

کاش من هم یک بسیجی بودم	دلی داشتم به وسعت دشت	و استقامتی به قامت کوه
به پاکی دریا	"تو کلت علی الله"	مهر پشانی ام بود
خدارا در قنوت نماز می دیدم	خستگی راه به پاهایم نمی یافت	ای کاش دلم شش گوشه بود

کاش من هم یک بسیجی بودم	رفیق آینه و آب	پیرو آفتاب
دل به دریا می زدم و با خضر هم صحبت می شدم	آنگه در هیئت لاله ها	خدا مرا به حضور می پذیرفت..

۱۳ آبان: روز دانش آموز

سیزده آبان ۵۷ بود. دانشجویان و دانش آموزان، مانند روزهای پیش، در دانشگاه تهران اجتماع کرده بودند و با شعارهای توفنده و مشت‌های گره کرده، جنایت‌های رژیم منفور پهلوی را محکوم می‌کردند و خواهان برپایی حکومت اسلامی به رهبری امام خمینی (ره) بودند. عده‌ای از جوانان در کنار نرده‌های دانشگاه و عده‌ای دیگر در زیرزمین چمن دانشگاه علیه رژیم شعار می‌دادند. این وضعیت تا ظهر ادامه داشت که ناگهان گلوله‌های قساوت درخیمان شاه، فضای اطراف دانشگاه را در تاریکی فرو برد. و بیش از شصت تن از دانش آموزان، به خاک و خون کشیده شدند. به همین مناسبت این روز را «روز دانش آموز» نامیدند، تا برای همیشه چراغی فرا راه دانش آموزان عزیز کشورمان باشد و روحیه ظلم‌ستیزی و عدالت‌خواهی را همواره در آنان زنده نگه دارد.

روز رسوایی آمریکا: بی‌تردید، حماسه‌ها، فداکاری‌ها و از خودگذشتگی‌های دانش آموزان عزیز در ۱۳ آبان ۵۷ بود که پیروزی انقلاب اسلامی را شتاب بخشید و سبب نابودی رژیم وابسته به آمریکا گردید. هر چند قیام ۱۳ آبان، به شهادت عده زیادی از دانش آموزان انجامید، ولی آغازی شد برای قیامی گسترده تر که پس از اندک زمانی، کاخ ستم را درهم کوبید و طومار سیاه دودمان پهلوی را در آتش خشم ملت فروبرد و آن را به زباله‌دان تاریخ سپرد. از سوی دیگر، همه این حوادث، به ننگ و رسوایی آمریکا و دست نشانده‌گانش انجامید و نفرت و کینه دیرینه ملت را از آمریکای استعمارگر افزون‌تر کرد.

پیام روز دانش آموز: یوم الله سیزده آبان، یادآور حماسه‌ها، ایثارها و فداکاری‌های دانش آموزان عزیزمان است. این روز باشکوه بدین سبب روز «دانش آموز» نامیده شد، تا خاطره فرزندان دلیر انقلاب برای همیشه جاودان بماند و درسی فراموش ناشدنی برای تمام دانش آموزان در سراسر گیتی باشد که با ابرقدرت‌های چپاولگر بین‌المللی به مبارزه بی‌امان بپردازند و عزت را بر زندگی ذلت بار ترجیح دهند. روز دانش آموز به همه مستضعفان جهان می‌آموزد که بر ضد مستکبران قیام کنند و حقوق مسلم و از دست رفته خویش را از چنگال استکبار و استعمار بیرون کشند. پیام روز دانش آموز به مسلمانان این است که: تنها در برابر ولایی‌های ارجمند مکتب توحید به نماز بایستید و فقط در پیشگاه خدا به کرنش و سجده بنشینید.



لانه جاسوسی (آمریکا): شاه ایران، پس از فرار از کشور در روز ۲۶ دی ماه سال ۱۳۵۷، مدتی در چند کشور سرگردان بود و چون در همه جهان به دیکتاتوری و فساد مشهور بود، هیچ کشوری حاضر نبود او را به صورت دائمی بپذیرد، اما آمریکا که شاه را نوکری مطیع می‌دانست، وی را به بهانه معالجه به آن کشور دعوت کرد. وزارت امور خارجه ایران به آمریکا به طور رسمی اعتراض کرد؛ اما فایده‌ای نداشت.

در روز سیزدهم آبان سال ۱۳۵۸، تعدادی از دانشجویان که همراه با سایر دانشجویان، دانش آموزان و ملت انقلابی ایران، در دانشگاه تهران و خیابان‌های اطراف دست به تظاهرات زده بودند، تحت عنوان «دانشجویان پیرو خط امام» به سمت سفارت آمریکا - مرکز توطئه علیه حکومت اسلامی - هجوم بردند و بدون هیچگونه سلاحی آنجا را تصرف کردند. آنها جاسوسان و کارکنان سفارت را به گروگان گرفتند و اعلام کردند تا تحویل شاه از سوی آمریکا، آنها را آزاد نخواهند کرد. از آن روز، به این سفارتخانه، لانه جاسوسی گفته شد.

پس از تسخیر لانه جاسوسی، دست داشتن آمریکا در درگیریهای داخلی ایران و نیز اسامی برخی از کسانی که با این لانه فساد همکاری داشتند، افشا شد و اسناد و مدارک زیادی حاکی از دخالت‌های آمریکا در ایران به دست آمد. امام خمینی این حرکت مهم را انقلاب دوم نامیدند. اسناد و مدارک به دست آمده به صورت کتاب در مجلدات زیادی منتشر شد.

سیزدهم آبان (یوم الله): یوم الله سیزدهم آبان در تاریخ مبارزات گسترده ملت ایران، به رهبری امام خمینی (ره)، دارای نقشی حساس و تعیین کننده است. دلایل اهمیت این روز عبارتند از:

۱- در شب ۱۳ آبان سال ۱۳۴۳ هجری شمسی، مأموران رژیم پهلوی شبانه به منزل امام خمینی (ره) هجوم بردند و ایشان را دستگیر و از طریق فرودگاه مهرآباد به ترکیه تبعید کردند.

۲- در روز ۱۳ آبان سال ۱۳۵۷، دانشجویان و دانش آموزان ایران، به ویژه در شهر تهران، همگام با سایر اقشار ملت به تظاهرات گسترده‌ای در دانشگاه تهران دست زدند تا ضمن یادآوری تبعید امام به ترکیه، مبارزات مردم را وارد مرحله تازه‌تری کنند. رژیم پهلوی از این امر، به وحشت افتاد و تعداد بسیار زیادی از آینده سازان میهن اسلامی را به خاک و خون کشید. به همین مناسبت ۱۳ آبان را روز دانش آموز نامیدند.

۳- در روز ۱۳ آبان سال ۱۳۵۸ - سالروز تبعید امام خمینی به ترکیه و عراق و نیز روز دانش آموز - عده‌ای از دانشجویان تظاهرکننده که از آن پس، خود را «دانشجویان پیرو خط امام» نامیدند، لانه جاسوسی (سفارت آمریکا) را که مرکز توطئه علیه جمهوری اسلامی شده بود، به تصرف خود درآوردند و جاسوسهای آمریکایی را دستگیر کردند.

شعر: روز ۱۳ آبان

حرفی که خواب دشمن از آن سخت برآشت

پاینده است اسلام تا هست نور ایمان

ترسی به دل نداریم از رنج و بی غذایی

حتی اگر شب و روز بر ما گلوله بارد

دشمن گیاه هرز است ما مثل تیغ داسیم

اما امام ما گفت ما مرد کارزاریم

حتی اگر شب و روز بر ما گلوله بارد

به به چه حرف خوبی آن شب امام ما گفت

حرف امام این بود: در سرزمین ایران

ما بچه‌های ایران، جنگیم تا رهایی

فریادمان بلند است نهضت ادامه دارد

از توپ و تانک دشمن هرگز نمی‌هراسیم

دشمن خیال کرده ما نوگل بهاریم

فریادمان بلند است نهضت ادامه دارد



۱۵ آبان افتتاحیه برنامه بهداشتیاران

در این روز بهداشتیاران آموزش دیده بصورت رسمی شروع به فعالیت می نمایند. برنامه بهداشتیاران مدارس، گامی به منظور بکارگیری و بالا بردن تواناییها و استعدادهای دانش آموزان کشور و آماده نمودن آنان برای پذیرش مسئولیتهای دشوار آینده است و از طرف دیگر موجب مشارکت فعال جمعیت زیادی از دانش آموزان به عنوان بهداشتیار در حل مسائل و امور مربوط به سلامت و بهداشت مدارس در زمینه های بهداشت محیط، بهداشت مواد غذایی، بهداشت روان، بهداشت خانواده و ... می شود.

شعر: (در وصف بهداشتیاران)

سلام ای پاکی و صلح و سلامت	سلام ای سرزمین پر صلابت
سپاس ای خالق جان، رب سبحان	که دادی شور و عشق و عقل و ایمان
من آن بهداشتیارم، پیک بهداشت	پیامم ایمنی و حفظ بهداشت
قسم بر آن که ما را جسم و جان داد	صفای سینه ای چون آسمان داد
من از پیمان خدمت برنگردم	همیشه با مریضی و کسالت در نبردم
میان سرخ گلهای دبستانی	حریم عطرشان رامن همیشه باغبانم
که تا یاران ما سرزنده باشند	چراغ روشن آینده باشند.

وظایف آموزشیار بهداشت :

- خواندن پیامهای بهداشتی در مراسم صبحگاه
- تهیه وسایل کمک آموزشی به صورت روزنامه دیواری، پوستر و ...
- کمک به مربی و رابط بهداشت در برپایی نمایشگاه و برگزاری مسابقات علمی، بهداشتی

وظایف بهداشتیار مواد غذایی :

- کنترل و نظارت بر تهیه و فروش میان وعده سالم (اقلام خوراکی مجاز) در پایگاه سالم
- معرفی فروشندگان دوره گرد که مواد غذایی غیر بهداشتی می فروشند
- کمک به مربی و رابط بهداشت در اندازه گیری قد و وزن دانش آموزان

وظایف بهداشتیار تربیت بدنی :

- ترویج فرهنگ ورزش کردن به عنوان یک عامل تأمین سلامت، با روشهای :
- آموزش استفاده از لباس، کفش و جوراب مناسب در هنگام ورزش کردن
- انجام حرکات ورزشی با دانش آموزان و معلم ورزش در مراسم صبحگاه
- کمک به مربی و رابط بهداشت و معلم ورزش در انجام مسابقات ورزشی در مدرسه

وظایف بهداشتیار محیط :

- نظارت بر پاکیزگی راهروها، نمازخانه، سرویس های بهداشتی و حیاط مدرسه
- همکاری در کاشت نهال و ایجاد فضای سبز در مدرسه
- همکاری در جداسازی کاغذ از زباله ها به منظور بازیافت آن

وظایف بهداشتیار خانواده و جامعه :

انتقال پیام ها از مدرسه به خانه و انجام فعالیتهای زیر :



- شناسایی محلهای پر خطر در خانه و محیط اطراف
- کمک به والدین در پاکسازی و زیبا سازی محیط خانه و اطراف آن
- کمک به خانواده در انجام کمک های اولیه در هنگام بروز حادثه

وظایف روان بهداشتیاری :

- برقراری ارتباط سالم با سایر دانش آموزان و آموزش به آنان با روش های :
- انجام بازی اثر انگشت برای موضوع شناخت خود
- اجرای فعالیت برای تقویت مهارت دوست یابی
- اجرای بازی کلاه فکر برای تقویت مهارت فکر کردن

وظایف بهداشتیاری کلاس :

- کنترل بهداشت محیط کلاس و بهداشت فردی دانش آموزان
- کمک به مربی بهداشت جهت بیماریابی و انجام کمک های اولیه در هنگام بروز حوادث
- آموزش بهداشت به دانش آموزان
- تهیه وسایل کمک آموزشی (روزنامه دیواری، نقاشی و ... با کمک سایر دانش آموزان)

۲۴ آبان روز بزرگداشت آیت اله علامه سید محمد حسین طباطبایی

آیت الله سید محمد طباطبایی فرزند مرحوم سید صادق طباطبایی از بزرگان مشروطیت و از آزادیخواهان و روحانیون معروف ایران است. در نهضت مشروطیت رهبری عده زیادی از آزادیخواهان را بعهده داشت. پس از مجاهدتهای زیاد به اتفاق آیت الله بهبهانی انقلاب مشروطیت را بثمر رساندند. وی مردی دانشمند فقیه و آشنا به اصول حکومت اسلامی بوده است. سید محمد طباطبائی در سال ۱۳۳۹ هـ ق وفات یافت و مزار ایشان در حرم حضرت عبدالعظیم شهر ری در مقبره خانوادگی وی می باشد.

۲۴ آبان: روز کتاب و کتابخوانی

حکایت: گویند: داروفروشی وارد دکان کتابفروشی همسایه خود شد و کتابی را که تازه از چاپ بیرون آمده بود برداشت و نگاهی کرد و پرسید: آیا این کتاب خوبی است؟ / کتابفروش گفت: نمی دانم! من آن را نخوانده ام. / دارو فروش گفت: من تعجب می کنم که شما چگونه کتابهایی را می فروشید که خودتان آن ها را نخوانده اید! / کتاب فروش در پاسخ او گفت: همانطور که شما داروهایی را به فروش می رسانید، که خودتان نخورده اید؛

حضرت امام صادق (ع) می فرمایند:

- کتاب های خود را نگاه دارید که در آینده به آن نیازمند خواهید شد.
- علوم خود را بنویسید و در میان برادرانتان گسترش دهید و کتاب هایتان را برای فرزندانان به ارث بگذارید، چرا که زمانی بر مردم فرا می رسد که فقط با کتابهایشان مأنوس می شوند.

حضرت علی (ع) می فرمایند:

- کتاب خوب، غذای روح بشر است.
- کتاب، باغ و بوستان دانشمندان است.
- هر کس که خویشتن را با کتاب سرگرم سازد، آرامش خاطر را از دست نخواهد داد.



کتاب خوانی از دیدگاه رهبر معظم انقلاب :

- من معتقدم که شما غیر از درس خواندن باید کتاب هم بخوانید.
- مردم ما باید بیشتر از این با کتاب آشنا باشند.

جملات کوتاه درباره کتاب

اسلام پرچمدار کتابخوانی است.

کتاب، عمر دوباره است.

برگ‌های کتاب، بالهایی هستند که روح ما را به دنیای نور و روشنایی پرواز می‌دهند.

کتاب، بزرگترین دوست انسان است.

کتاب، بهترین و ساده‌ترین وسیله تبادل نظر و اساسی‌ترین وسیله ارتباط بین نسلهاست.

فضل و معرفت انسان، بسته به میزان عشق او به کتاب و کتاب خوانی است.

کتاب، میراثی ماندگار، پدیده‌ای باشکوه و با ارزش و عنصری رشد آفرین و روشنگر در پهنه زندگی بشر است.

کتابخوانی، همچون فکر کردن و نوشتن، خود هنر است.

پرورش مغز و روح به خواندن کتاب نیاز دارد.

جامعه وقتی به فرزاندگی و سعادت دست می‌یابد که مطالعه، کار روزانه‌اش باشد.

کتاب، خاموش‌ترین آوازی است که در خانه‌های ما می‌پیچد.

یار مهربان

پیش رویمان کتاب	کنج ناگشوده ای	مثل آسمان کتاب	یار مهربان، کتاب
کودک و جوان کتاب	همدم همیشه ی	بین دوستان کتاب	هدیه ای گرانبها
خوب و خوش بیان کتاب	با تو حرف می زند	هست یک جهان کتاب	با تمام کوچکی
یار مهربان کتاب	شعر خوب دوستی	در دل خزان کتاب	قاصد بهار و گل

همسفر

با من بیا همراه شو	تاشهر شعر و قصه ها	بیدار شو آگاه شو	با من بیا همراه شو
پرواز را آغاز کن	با من بیا آن دورها	در قلب آن پرواز کن	هر صفحه ام را باز کن
خورشید را دیدار کن	با من بیا تا آسمان	هر خفته را بیدار کن	از خواب غفلت دور شو
از چنگ دیو غصه ها	با علم خود آزاد شو	تاشهر شعر و قصه ها	با من بیا ای همسفر

۸ آذر - مانور سراسری زلزله و ایمنی

با توجه به آسیب‌پذیری کودکان و نوجوانان در برابر صدمات ناشی از زلزله، بخش آموزش همگانی پژوهشگاه بین‌المللی زلزله-شناسی به منظور ارتقاء سطح آگاهی مردم در مورد اقدامات لازم در زمان قبل، هنگام و بعد از وقوع این پدیده طبیعی و کاربردی کردن آموخته‌های دانش‌آموزان پیرامون زلزله و کاهش میزان خسارات ناشی از زلزله، از سال ۱۳۷۴، ۸ آذر را به عنوان روز برگزاری مانور زلزله در سطح مدارس معرفی کرد.

اهداف مانور زلزله و ایمنی عبارتند از:

- ایجاد آمادگی برای انجام واکنشهای صحیح و سریع در برابر زلزله



- افزایش سطح آگاهی دانش آموزان در مورد زلزله و سایر پدیده های طبیعی
- کاهش تلفات و خسارات ناشی از زلزله بوسیله ارتقاء فرهنگ ایمنی و مقاوم سازی

اقدامات هنگام زلزله

در زیر میز محکمی جا بگیریم	یا که پناه، کنار دیوار بگیریم
توصیه ای که خیلی چاره سازه	رفتن ما توی فضای بازه
با هم دیگه یار و مدد کار باشیم	مراقب ریختن آوار باشیم
توصیه ها با این یکی کامله	گوش می کنه هر کسی که عاقله
ایمنی رو حتماً کنیم رعایت	تا جامعه خوب باشه و سلامت

ایمنی در برابر زلزله

بچه خوب و نازنین	فرشته روی زمین	اینو باید خوب بدونی	به حرفامون خوب گوش بدی
زلزله بی خبر میاد	زمین به لرزه در میاد	زمین به لرزه در میاد	خونه ها را می لرزونه
آدمها رو می ترسونه	اما اگر دانا باشی	با ایمنی آشنا باشی	ترسی نداره زلزله
می ترسه اون که غافله	گوش بده تو با حوصله	برات بگم از زلزله	می پرسی ایمنی چیه
اونی که غافله کیه	پس گوش بده با زیرکی	برات بگم یکی یکی	بدون اینکه هل بشی
یا دیگری را هل بدی	آی فرزندم با دقت	زود برو زیر میز نیمکت	همونجا بمون بی حرکت
جاهایی که شیشه داره	خیلی برات خطر داره		

۱۰ آذر - آیت الله سید حسن مدرس

آیت الله سید حسن مدرس (۱۲۴۵-۱۳۱۶ هـ.ش) یکی از بزرگترین علمای قرن اخیر بود که با استعمار انگلیس و استبداد رژیم حاکم به مبارزه ای پیگیر پرداخت. وی در جلسات مجلس ملی شرکت می کرد. با آشکار شدن شخصیت مردمی و انقلابی اش، در دوره های بعدی، از سوی مردم تهران، به عنوان نماینده این شهر، انتخاب و وارد مجلس شد. وی علاوه بر وظایف دینی، در تمام دوره های نمایندگی به مبارزه با دیکتاتوری و نفوذ بیگانگان ادامه داد و همه جا از منافع مردم دفاع کرد. آیت الله مدرس، دوبار تبعید شد و یک بار نیز توطئه ترور وی ناموفق ماند و گلوله به هدف، اصابت نکرد. اما چون رضاخان، مدرس را خطرناک ترین دشمن خود می دانست، سرانجام دستور ترور ناجوانمردانه وی را در تبعید گاه - شهر کاشمر - صادر کرد.

۱۱ آذر - بزرگداشت میرزا کوچک خان جنگلی

یونس، معروف به «میرزا کوچک» فرزند میرزا بزرگ در سال ۱۲۵۹ شمسی در شهر رشت متولد شد. وی در تحصیل علوم دینی، مدارج علمی را طی کرد، سرانجام به صف آزادیخواهان گیلان پیوست و جهت سرکوبی محمدعلی شاه روانه تهران شد. در جنگ اول جهانی، هنگامی که عده ای از نمایندگان و شخصیت های سیاسی به دلیل تعطیل شدن مجلس بر اثر تهدید روسیه، دست به مهاجرت زدند، میرزا تصمیم گرفت تا با تشکیلات نظامی به مبارزه علیه استبداد و استعمار و نجات کشور بپردازد. میرزا کوچک خان که قبلاً توسط روس ها از گیلان تبعید شده بود، فعالیت خود را به صورت مخفی آغاز کرد. این شخصیت انقلابی مسلمان، همزمان در دو جبهه داخلی (حکومت ایران) و خارجی (شوروی سابق) به مبارزه مشغول بود؛ همین امر، خیانت های فراوانی را علیه او در پی داشت. سرانجام پس از تسلیم «خالو قربان» - یار صمیمی میرزا - به حکومت رضاخان، کلیه انقلابیون جنگل دستگیر، متفرق یا شهید شدند. میرزا نیز در سرمای سخت زمستان، به اعماق جنگل عقب نشینی کرد. خالو قربان پس از



یافتن جنازه وی، سرش را از تن جدا کرد و جهت اثبات نوکری نزد رضاخان فرستاد. میرزا کوچک خان جنگلی، انقلاب را یگانه راه علاج و نجات قطعی ایران از مشکلات داخلی و خارجی می دانست، اما به دلیل اعتماد به نیروهای روسیه، در این راه به پیروزی نهایی دست نیافت. گفته می شود که یکی از دلایل شکست نهضت جنگل، عدم ایمان قوی در وجود برخی از یاران میرزا بود. همین امر باعث شد تا آنها با وعده های پوشالی روس ها و سران حکومت رضاخان، به طمع بیفتند و به نهضت، خیانت کنند.

۲۲ آذر روز جهانی کودک و تلویزیون

کارکردهای مثبت تلویزیون

تلویزیون نقش زیادی در تعلیم و تربیت دارد. برخی از کارکردهای مثبت تلویزیون عبارت است از:

۱. افزایش آگاهی کودکان در زمینه جغرافیایی، علمی، مسائل بهداشتی و ...
۲. تشویق کودکان به کارهای خوب با نمایش دادن مهربانی، سخاوت و غیره
۳. گسترش برنامه های آموزشی با استفاده صحیح از تلویزیون و تشویق کودکان
۴. ایجاد دوستی چه با دور هم جمع کردن خانواده و چه با در اختیار گذاشتن مجموعه ای از دوستان خیالی برای کودک
۵. ترویج و آموزش ارزش های اجتماعی و دینی
۶. معرفی روش های دوست یابی و حفظ دوستی
۷. ایجاد حس مسئولیت در کودکان
۸. جلوگیری از رفتار خودخواهانه کودکان با به تصویر کشیدن رفتارهای جامعه گرایانه.

مقام معظم رهبری در سخنانی درباره این رسانه عمومی فرموده اند:

در جمهوری اسلامی صدا و سیما باید وسیله ای برای سوق دادن مردم به فرهنگ اسلامی و وسیله ای برای معرفت و آشنایی مردم با درخشندگی اسلامی و انسانی باشد.

جعبه جادویی

این جعبه جادوئیمن	بهش می گیم تلویزیون	هفت روز هفته بین ماست	اون مهمون خونه ی ماست.
ای دختر (پسر) خوب و عاقل	حتماً می دونی کامل	تماشای هر فیلمی	در هر وقت و هر زمانی
مناسب شما نیست	مناسب شما نیست	دخترم (پسرم) اینو بدون	فاصله ی ما از اون
بهتره که حفظ بشه	بینایی مون کم نشه	اینو خودت می دونی	با صدای گمش می تونی
مواظب گوشات باشی	تا که سلامت باشی	جمع می شیم همه دور هم	دور می شیم از غصه و غم

۲۲ آذر - شهادت آیت الله دکتر محمد مفتاح

در همدان بدنیا آمد، پس از تحصیلات ابتدایی و مقدماتی عازم قم شد و در حوزه علمیه قم به تحصیل پرداخت، دوره علوم جدید را نیز گذراند و در رشته فلسفه به درجه دکتری نائل آمد. از سال ۱۳۴۸ در دانشگاه تهران به تدریس پرداخت، در سال ۵۴ زندانی و سپس به زاهدان تبعید شد. در نماز عید فطر ۵۷ در قیطریه از پیش کسوتان راهپیمایان مردم انقلابی بود، و ۲ ماه نیز در این سال زندانی شد. در جریان انقلاب و پس از آن، نقش های فعال و ارزنده ای به عهده داشت، این استاد در ۵۸/۹/۲۷ هنگام ورود به دانشکده به ضرب گلوله منافقین شهید شد.



۳۰ آذر - شب یلدا

شب چله بلندترین شب سال است. بیش از پنج هزار سال است که ایرانیان شب چله را جشن می گیرند. ایرانیان در این شب گردهم می نشینند و انار و آجیل می خورند و برای بچه ها و نوه هایشان قصه های قدیمی را تعریف می کنند.

به شب چله، شب یلدا هم می گویند. واژه ی یلدا به معنی میلاد یا تولد است. ایرانیان تولد نور و یا به عبارتی، پیروزی روشنایی بر تاریکی را گرمی می دارند و در شب یلدا به استقبال روشنایی می روند.

یلدا در زبان کهن فارسی (فارسی باستان) چله نامیده می شد. کلمه ی شیلا kyla در سوندی به معنی سرما، از کلمه ی چله آمده است. شب چله، شبی است که سرمای زمستان با آن شروع می شود و تا چهل روز ادامه دارد. شب چله یا یلدا آخرین شب ماه آذر است. فردای شب چله اولین روز ماه دی است. از این روز به بعد شب ها کوتاه تر و روزها بلندتر می شوند.

وقتی چله ی بزرگ و چله ی کوچک تمام شد، ایرانیان قدیم یک درخت سرو یا کاج که مظهر مقاومت هستند می کاشتند.

شعر ۱: شب یلدا

سی ام آذر و یک شب زیبا	یه شب بلند به اسم شب یلدا
شب شب نشینی و شادی و خنده	شب که واسه ی همه خیلی بلنده
همه ی اهل خونه خوشحال و خندون	آجیل و شیرینی و میوه فراوون
شب قصه گفتن و یاد قدیم	قصه ی لحاف کهنه ی ننه سرما
شب یلدا که سحر شد، فصل پاییز میره	جای پاییز رو زمستون می گیره
ننه سرما باز دوباره بر می گرده	کوله بارش رو پر از سوغاتی کرده
سوغاتیهای قشنگ ننه سرما	بارون و برف و تگرگ و یخ و سرما

شعر ۲: برف

خانه ها، کوچه ها، برف	از زمین تا هوا برف	دیشب از راه دوری	آمده بی صدا برف
در همه جا نشسته	از کجا تا کجا برف	هرچه می بارد از ابر	یا تگرگ است یا برف
شادی آورده با خود	در دبستان ما برف	باز هم وقت بازی است	بچه ها، بچه ها برف.

۲۶ دی ماه - روز فرار شاه

برگی از تاریخ: روز ۲۶ دی ۱۳۵۷، پس از عدم موفقیت دولت نظامی ازهاری در برقراری نظم و آرامش و رفع اعتصابها که اقتصاد کشور را فلج کرده بود، شاه ملعون راه دیگری جز خروج از کشور نداشت. مشایعت کنندگان، نخست وزیر، رؤسای مجلسین، وزیر دربار، رئیس ستاد ارتش و گروهی از مقامات وابسته به دربار بودند که مقارن ساعت ۱۱/۵ صبح، شاه و همسرش، با یک هلیکوپتر وارد فرودگاه شدند. بعد از ظهر، شاه و همسرش با هواپیمای اختصاصی تهران را به مقصد مصر ترک کردند. پس از خروج شاه ملعون، مردم با آمدن به خیابان ها، اظهار شادمانی و پخش گل و شیرینی این پیروزی بزرگ را جشن گرفتند و آماده پذیرایی از امام خمینی رهبر بزرگ انقلاب شدند (دیو چو بیرون رود فرشته در آید)، رژیم سلطنتی کمتر از یک ماه پس از فرار شاه سقوط کرد و طومار عمر رژیم سراسر ظلم و جور ۲۵۰۰ ساله شاهنشاهی ۲۲ بهمن ۱۳۵۷، در هم پیچیده شد.

فرار آخرین راهش بود: مشت ها باریدن گرفت و از درون مجاله شد: مرگ بر شاه. او گوش هایش را گرفته بود و کوله بار گناهِش را به دوش می کشید و گام هایش را در جاده های افسوس به دنبال می کشید. او کوله بار ۲۵۰۰ ساله خیانت را به دوش گرفت و رفت، برای همیشه رفت تا برای همیشه نام پلیدش به تاریخ پیوندد. او می خواست ایران را به دست اجانب بسپارد. او



می‌خواست عزت و شرف ایرانی را چوب حراج بزند. به طوری که همه، بنده‌ی سراپا مطیع شیطان شوند. رفت و قصه نحس خاندان پهلوی به فرجام و نتیجه تلخ سقوط دچار شد. او به ذلت، حقارت و پستی رفت، او که خود فرمانبر اربابان شیطان‌پرست بود، او که ظلم را عین عدالت می‌دید و نمی‌دانست روزی، تقدیر به دست غیور مردان این سرزمین، ستمگری را چنان بر می‌افکند که رؤیای تنفس در هوای پاک ایران آرزوی همیشگی خاندان سلطنتی‌اش می‌شود. آری، فرار آخرین راهش بود. - فرار از مشت مشت نفرت و کینه مردم - فرار از مقابل اشک‌های گدازنده - فرار از مقابل فریادهای خشمگین

۲۹ دی - روز هوای پاک

آلودگی هوا به عنوان عامل مهم در مرگ و میر انسان‌ها می‌باشد که سالانه جان سه میلیون نفر را در کشورهای صنعتی می‌گیرد. بخاطر اهمیت این موضوع، روز ۲۹ دی ماه را روز هوای پاک نامیدند؛ امید است که به این بهانه یادی از پاکیزگی هوا کنیم و همه دست در دست هم برای فراهم ساختن هوایی پاک که نیاز همه افراد جامعه است، تلاش بیشتری بنماییم.

پیامهای روز جهانی هوای پاک عبارتند از:

- ۱) تا آنجا که می‌شود از وسایل نقلیه عمومی استفاده کنیم.
- ۲) برای مسافتهای مناسب از دوچرخه استفاده کنیم.
- ۳) در جهت پاکیزه کردن هوا درخت بکاریم.
- ۴) برای مبارزه با آلودگی هوا ماشینها را گاز سوز کنیم.
- ۵) از سوزاندن زباله، پلاستیک و ... پرهیز کنیم.

بچه‌های گلم! خوب گوش کنید، امروز انگار بلبل‌ها خوش آوازتر شدند. آگه یه سری به باغچه خوتون بزنید، شاید گل‌ها رو هم شاداب‌تر ببینید. می‌دونید چرا؟ امروز روز هوای پاکه؛ یعنی امروز ما همه با هم آرزو می‌کنیم که یه روزی فرا برسه که دیگه دود و آلودگی توی این طبیعت زیبا که خدا برای ما آفریده پیدا نشه. یه روزی که ما آسمون رو آبی آبی ببینیم. اون وقت، توی اون هوای پاک، همه سر حال و شاداب زندگی می‌کنیم. وای! آگه همچین روزی برسه چی می‌شه نه بچه‌ها! خدا کنه یه روزی برسه که همیشه گل‌های باغچه‌ها رو شاداب ببینیم و هوای پاک پاک رو تنفس کنیم.

من هوای پاک می‌خواهم: «من هوای پاک می‌خوام. من می‌خوام نفس بکشم». بچه‌ها! این جمله‌ها رو من روی پرچم‌هایی که توی دست بچه‌های دبستان بود دیدم. امروز روز هوای پاکه و هر کسی حق داره که توی هوای خوب نفس بکشه. شما هم می‌تونید اینو بخواید. خیابون پر بود از بچه‌هایی که پشت سر هم راه افتاده بودن و با فریاد بلند اعلام می‌کردن: «ما هوای پاک می‌خواهیم»، تا همه کسانی که هوا رو آلوده می‌کنن حرفاشون رو بشنون. ما هم بچه‌ها! همه با هم از همین جا فریاد می‌زنیم «ما هوای پاک می‌خواهیم، ما می‌خواهیم توی هوای تمیز نفس بکشیم».

زمین و هوای پاک

کاش می‌شد این زمین	تا همیشه پاک بود	جای پای سبزه‌ها	در دل هر خاک بود
کاش می‌شد جای بوق	چه چه بلبل شنید	توی قاب پنجره	عکس باغ و سبزه دید
کاش می‌شد آسمان	آبی و بی دود بود	جای ماهی‌های ناز	در میان رود بود
کاش می‌شد در هوا	عطر گلها را چشید	با پر پروانه‌ها	تا به زیبایی رسید
کاش می‌شد این زمین	از کثیفی دور بود	تا که این دنیای ما	روشن و پر نور بود



دهه مبارک فجر

« روز شمار انقلاب »

۱۲ بهمن - ورود امام خمینی به میهن

در ۱۲ بهمن ماه سال ۱۳۵۷ هجری شمسی حضرت امام خمینی رهبر کبیر انقلاب اسلامی و بنیانگذار جمهوری اسلامی پس از ۱۵ سال دوری از وطن در میان استقبال پرشور مردم قدم به خاک میهن اسلامی گذاشتند. در این هنگام رژیم سلطنتی که آخرین روزهای موجودیت خود را سپری می کرد و کنترل اوضاع را از دست داده بود به منظور حفظ پایه های متزلزل حکومت خود از طریق فرمانداری نظامی تهران اعلام داشت که اجتماعات از ساعت هفت صبح امروز به مدت سه روز با رعایت نظم و ترتیب در سطح شهر تهران و حومه مجاز خواهد بود. حضرت امام پس از ورود به تهران در فرودگاه مهرآباد نطق کوتاهی در تأکید بر وحدت کلمه و اتفاق و همبستگی همه ی قشرهای مردم ایراد فرمودند و سپس در میان استقبال بی نظیر مردم راهی بهشت زهرا شدند. در آنجا نیز در افشای جنایات های رژیم شاه و توصیف دولت اسلامی نطق افشاگرانه ای ایراد کردند. با وجود اینکه در هواپیمای حامل حضرت امام بیش از ۱۵۰ تن از خبرنگاران خارجی از نقاط مختلف دنیا حضور داشتند، دولت بختیار برای جلوگیری از انتشار این خبر پخش تلویزیونی مراسم ورود حضرت امام را قطع کرد که این، خود موجبات خشم و مخالفت گروه های کثیری از مردم را در سراسر ایران فراهم آورد و آنان را برای قیام نهایی آماده تر ساخت.

۱۳ بهمن

در ۱۳ بهمن ماه سال ۱۳۵۷ هجری شمسی سخنرانی مهم و سرنوشت ساز حضرت امام خمینی رهبر کبیر انقلاب اسلامی در بهشت زهرا، واکنش های مختلف رؤسای کشورهای منطقه و غرب را در پی داشت. کشورهایی که در مصالح ایران خود را ذینفع می دانستند سخنان امام را مخالف منافع خود خواندند و ورود ایشان را به ایران، سقوط حتمی نظام شاهنشاهی قلمداد کردند. سخنگوی وزارت امور خارجه ی امریکا، بیانات امام را ضد امریکایی خواند. همچنین دولت رژیم اشغالگر قدس از بازگشت رهبر انقلاب اسلامی به ایران، ابراز نگرانی کرد زیرا پس از این، دولت انقلابی ایران را قدرتی در مقابل خود می دید. خبرگزاری تاس اعلام کرد که بازگشت حضرت امام مسیر مبارزه را در ایران وارد مرحله ی سرنوشت سازی کرده است. نخست وزیر غیرقانونی ایران که خود را در مقابل رهبری امام و نفوذ ایشان در میان مردم، خلع سلاح شده می دید، اظهار داشت که همچون گذشته مشتاق ملاقات با حضرت امام است زیرا در حال حاضر همه چیز بسته به نظر ایشان است. در همین روز حضرت امام در بیانات مبسوطشان در جمع روحانیان فرمودند: «جنایاتی که سلسله ی پهلوی در جامعه ما کرد، شاید هیچ جنایتی بالاتر از این جنایت نبود که نیروهای فعال انسانی ما را از بین بردند یا فعالیت آنها را خنثی کردند و برای مدتهای زیادی آنها را بی اختیار به این امت خدمت کنند مثل علمای اعلام و اشخاص روشنفکر اینها را در زندان بردند ...»

۱۴ بهمن

در ۱۴ بهمن ماه سال ۱۳۵۷ هجری شمسی حضرت امام خمینی رهبر کبیر انقلاب اسلامی در مصاحبه ی مطبوعاتی در مدرسه علوی اعلام کردند شورای انقلاب و حکومت موقت تعیین خواهد شد و حکومت موقت موظف خواهد بود مقدمات رفراندوم را آماده کند. همچنین پس از تدوین قانون اساسی، این قوانین به آرای عمومی گذاشته می شود. حضرت امام دولت بختیار را غیرقانونی اعلام کردند و فرمودند: «کاری نکنید که مردم را به جهاد دعوت کنم». حضرت امام در گفتگویی اعلام کردند: «تا زمانی که بختیار استعفا ندهد، او را به حضور نخواهم پذیرفت». در این اوضاع، بختیار سرسپرده ی بیگانه در کوچه ها و خیابان های تهران اقدام به کشتار مردم انقلابی می کرد و در شهرستانها نیز به قلع و قمع مردم بی دفاع می پرداخت.



۱۵ بهمن

در ۱۵ بهمن ماه سال ۱۳۵۷ هجری شمسی پس از تعیین اعضای شورای انقلاب، حضرت امام خمینی رهبر کبیر انقلاب اسلامی، رئیس دولت موقت را تعیین کردند. حضرت امام در حکم خویش، برنامه‌ها و وظایف دولت موقت را معین کرده و این دولت را موظف کردند نسبت به انجام همه‌پرسی درباره تغییر نظام سیاسی کشور و تشکیل مجلس مؤسسان برای تصویب قانون اساسی نظام جدید اقدام کند. همچنان کارکنان نخست وزیری به منظور پشتیبانی از مبارزات خونین ملت مسلمان و در جهت همبستگی با این نهضت اعتصاب کردند. در چند پایگاه هوایی نیز قیام‌هایی بر ضد رژیم و به جانب‌داری از قیام مردم مسلمان صورت گرفت. که به بازداشت عده زیادی از افراد نیروی هوایی منجر شد. در تهران و شهرهای دیگر کشور با وجود برقراری حکومت نظامی عده زیادی از مردم در خیابانها به تظاهرات پرداختند و در درگیری‌هایی که روی داد، شماری از مردم مجروح شدند.

۱۶ بهمن

در ۱۶ بهمن ماه سال ۱۳۵۷ هجری شمسی، حضرت امام خمینی رهبر فقیه انقلاب اسلامی با صدور اعلامیه‌ای از احساسات پاک مردم به بازگشت ایشان به وطن تشکر کرد. در آخرین روزهای حیات رژیم طاغوت، جمعی از نمایندگان مجلس شورای ملی که به دستور امام خمینی استعفا کرده بودند به حضور ایشان رسیدند. در این اوضاع، بختیار (نخست وزیر غیرقانونی رژیم) که هنوز هم در صدد حفظ حکومت شاهنشاهی بود همچنان با سخنان بیهوده، خود را در رأس دولت و قدرت اعلام می‌کرد. در همین روز مجلس شورای ملی در جلسه‌ی علنی خود لوایح مربوط به انحلال سازمان اطلاعات و امنیت کشور یا ساواک و محاکمه نخست وزیر، وزیران و مقامات عالی رتبه را تصویب کرد.

۱۷ بهمن

در ۱۷ بهمن ماه سال ۱۳۵۷ هجری شمسی در پی حکم حضرت امام خمینی مبنی بر انتخاب ریاست دولت موقت، مردم تهران و دیگر شهرهای ایران با برگزار کردن راهپیمایی‌های با شکوه، حمایت خود را از رئیس دولت موقت اعلام کردند. در این روز در اکثر شهرستانها از جمله اصفهان، مردم انقلابی و مسلمان با اجتماع در خیابانها فریاد سرنگونی دولت بختیار را سردادند. از نخستین ساعات بامداد ۱۷ بهمن کلیه‌ی راه‌ها و خیابانهای منتهی به مجلس شورای ملی تحت نظارت نیروی انتظامی قرار گرفته و مجلس محاصره نظامی شده بود. مردم در خیابانهای اطراف میدان بهارستان تظاهرات کردند و شعار سرنگونی حکومت پهلوی و دولت بختیار را سردادند. از دیگر رویدادهای مهم این روز خروج ژنرال هایزر از ایران بود. هایزر آخرین فرستاده کارتر (رئیس جمهور وقت آمریکا) به ایران، یک ماه بعد از توقف در تهران، ایران را ترک کرد تا نتایج آخرین جاسوسی‌های خود را در اختیار کارتر قرار دهد.

۱۸ بهمن

در ۱۸ بهمن ماه سال ۱۳۵۷ هجری شمسی در آخرین روزهای حیات رژیم پهلوی و در حساس‌ترین لحظات فروپاشی رژیم طاغوت، دولت جهانخواه آمریکا به منظور حفظ جان عوامل جاسوس و توطئه‌گر خویش در ایران، دستور خروج همه‌ی آنان را صادر کرد. ژنرال هایزر که روز قبل ایران را ترک کرده بود، پس از ورود به واشنگتن به ملاقات کارتر رفت و نتایج جاسوسی-هایش را در اختیار او گذاشت. همچنین در همین روز صدها تن از افسران و چند تن از امرای ارتش که سالهای گذشته به علت مخالفت با شاه از ارتش اخراج شده بودند همبستگی خود را با امام امت و مردم انقلابی اعلام کردند و گروهی از افسران مقیم بندرعباس نیز با فرستادن تلگرام‌هایی وفاداری خود را به حضرت امام خمینی (ره) ابراز کردند.



۱۹ بهمن

در ۱۹ بهمن ماه سال ۱۳۵۷ هجری شمسی گروهی از کارکنان نیروی هوایی بویژه همافران با آرایش نظامی در محل مدرسه‌ی علوی به حضور امام خمینی رهبر کبیر انقلاب اسلامی رسیدند و همبستگی خود را با انقلاب اسلامی و رهبری حضرت امام اعلام کردند. امام راحل در این روز فرمودند: «همانطور که گفتید تا حالا در اطاعت رژیم طاغوت بودید حالا به قرآن پیوستید، قرآن حافظ شماست. امیدوارم که با کمک شما بتوانیم در اینجا حکومت عدل اسلامی را برقرار کنیم.» این دیدار تاریخی نشانه‌های حضور نیروهای انقلابی و طرفدار اسلام در ارتش بود که موجب تضعیف روحیه‌ی ژنرالهای مزدور شاهنشاهی و دولت غیرقانونی شد. این واقعه زمانی روی داد که هنوز ارتش قدرت داشت و امور را اداره می کرد. همچنین در این روز راهپیمایی سرنوشت‌ساز و میلیونی مردم به حمایت از برنامه‌های انقلابی حضرت امام خمینی برپا شد. طبق گزارش برخی از خبرگزاری‌ها، تنها در تهران بیش از دو میلیون نفر در این راهپیمایی شرکت داشتند. گفتنی است که بواسطه‌ی حرکت انقلابی کارمندان نیروی هوایی در روز ۱۹ بهمن ماه سال ۱۳۵۷ شمسی، این روز «روز نیروی هوایی» نامگذاری شده است.

۲۰ بهمن

در ۲۰ بهمن ماه سال ۱۳۵۷ هجری شمسی، آخرین تلاش مذبوحانه رژیم ستمشاهی در قالب تظاهراتی محدود شکل گرفت. هدف از این تظاهرات حمایت از قانون اساسی شاهنشاهی و دولت غیرقانونی بختیار بود. در این تظاهرات، عمال رژیم پهلوی و خانواده‌هایشان حضور داشتند و شعارهای آنان اغلب به حمایت از حکومت سوسیال دموکراسی بختیار بود. این گروه در ورزشگاه امجدیه‌ی سابق گرد آمدند و به تظاهرات پرداختند. در همین روز اعلام شد که مزدوران گارد شاهنشاهی به پادگان نیروی هوایی حمله‌ور شده‌اند تا برخی از انقلابیون را دستگیر کنند. اما هجوم آنان با شکست مواجه شد و در مقابل مردم انقلابی، تاب مقاومت نیاوردند.

۲۱ بهمن

در ۲۱ بهمن ماه سال ۱۳۵۷ هجری شمسی میلیون‌ها تن از مردم مسلمان و انقلابی کشورمان برای تأیید حکم حضرت امام خمینی رهبر کبیر انقلاب اسلامی در انتخاب اولین دولت نظام جمهوری اسلامی ایران، راهپیمایی باشکوهی برگزار کردند. در همین حال هزاران تن از کارکنان نیروی هوایی به مردم پیوستند و دولت غیرقانونی بختیار از بیم نابودی اعلام کرد: «امروز حکومت نظامی از ساعت ۱۶:۳۰ بعد از ظهر تا ۵ بامداد برقرار خواهد بود.» حضرت امام خمینی رهبر کبیر انقلاب اسلامی با صدور اعلامیه‌ای از مردم خواستند که در خیابانها بمانند و به حکومت نظامی اعتنایی نکنند. ایشان حکومت نظامی را خدعه و خلاف شرع دانستند. در همین روز لشکر گارد شاهنشاهی به پادگان نیروی هوایی حمله کرد و در پی آن، مردم مسلمان و انقلابی از سراسر ایران به یاری انقلابیون داخل پادگان شتافتند. بدین ترتیب جنگ مسلحانه در تهران آغاز شد و مردم ضربه‌ی نهایی را بر پیکر پوسیده نظام شاهنشاهی وارد آوردند و به ۲۵۰۰ سال حکومت جابرانه سلطنتی پایان دادند؟

۲۲ بهمن

در ۲۲ بهمن ماه سال ۱۳۵۷ هجری شمسی با فریاد خروشان الله اکبر مردم بپاخاسته ایران و با انفجار نور، ظلمت شاهنشاهی از میان رفت و انقلاب شکوهمند اسلامی پس از تلاش و زحمت بسیار به پیروزی رسید. در این روز مردم مسلمان و مبارز ایران با فریاد الله اکبر، ضمن حمله به پادگانها و مراکز نظامی و پس از یک سلسله زد و خوردهای شدید خیابانی، ارتش شاهنشاهی را به زانو در آوردند.



دهه‌ی فجر پیروزی انقلاب

در پی شکست قیام مشروطه، نهضت جنگل و ...، در اوایل قرن اخیر، امام خمینی (ره) به طور رسمی از ۱۵ خرداد سال ۱۳۴۲، نهال نهضتی را در ایران کاشت که در سال ۱۳۵۷ به شکل انقلابی بی‌همتا، به ثمر نشست. در خلال این سالها، مبارزات مردم، تحت رهبری امام خمینی (ره) و به شکل تظاهرات، درگیری، پخش اعلامیه، سخنرانی‌های مذهبی و ... ادامه داشت. این درگیری‌ها، به رغم تبعید حضرت امام به نجف، در سال ۱۳۵۷ وارد مرحله تازه‌ای گردید و به شکل تظاهرات گسترده، اعتصاب، تحصن و درگیری‌هایی پراکنده خیابانی، ادامه یافت و در این راه، شهدا و مجروحان بسیاری تقدیم انقلاب اسلامی شد.

در روز جمعه بیستم بهمن ماه سال ۱۳۵۷، مأموران گارد شاهنشاهی به یکی از پادگانهای نیروی هوایی و پادگان انقلاب، در خیابان پیروزی تهران حمله کردند تا آنان را که به انقلاب پیوسته بودند، سرکوب کنند. مردم با شنیدن این خبر به حمایت محاصره شدگان شتافتند و با تصرف پادگان و عقب نشاندن نیروی های گارد، به سلاح های پادگان دست یافته و مسلح شدند. روز بعد (۲۱ بهمن) رژیم شاه، محدودیت ساعات حکومت نظامی را که از ساعت ۹ شب آغاز می‌شد، به ساعت ۴ بعد از ظهر افزایش داد تا بتواند کودتایی را (به کمک امریکایی‌ها) به مرحله اجرا درآورده، کشتار وسیعی را به راه اندازد؛ اما این بار نیز هوشیاری امام، توطئه را خنثی کرد. ایشان طی اعلامیه‌ای به مردم دستور دادند. تا حکومت نظامی را نادیده بگیرند و به خیابانها بریزند. به این ترتیب، توطئه کودتا با شکست مواجه شد و هجوم مردم به مرکز دولتی نظیر صدا و سیما و کلانتریها و مراکز نظامی، آخرین سنگرهای مقاومت دولت آمریکایی بختیار و رژیم وابسته شاهنشاهی را درهم شکست و انقلاب اسلامی ایران در ۲۲ بهمن سال ۱۳۵۷ هـ ش (۱۹۷۸ میلادی) به پیروزی نهایی رسید.

خورشید فجر آفرین

وقتی که امام آمد، ستم رفت، شاه رفت و پلیدی و تباهی و سیاهی رخت بربست. وقتی که امام آمد، لاله‌ها سر از خاک برآوردند و فرشی برای گام‌های پرصلابت او شدند. وقتی که امام آمد، باغچه‌ها گل داد، دل‌ها شادمان شد و امت جشن برپا کردند. وقتی که امام آمد، عشق و ایمان را به ما هدیه کرد و ایثار را به ما آموخت. وقتی که امام آمد، آزادی به خانه‌ها برگشت، ما استقلال خویش را باز یافتیم و جمهوری اسلامی با دست مبارک او بنیاد نهاده شد. وقتی که امام آمد، تمامی امیدها و خوبی‌ها را با خود به ارمغان آورد. پس مبدا «راه امام» را گم، و «کلام امام» را فراموش کنیم. همه‌مان بدانیم که اگر امروز، فجری داریم، از فروغ آن خورشید فجر آفرین است.

معجزه الهی

پیروزی انقلاب اسلامی ایران، بدون شک معجزه‌ای الهی بود که به دست معجزه‌گر مردی از سلاله پاک رسول خدا صلی الله علیه و آله، به انجام رسید و چشم امید مظلومان و مستضعفان جهان را به خود خیره ساخت. تأثیر سریع انقلاب اسلامی در منطقه و بر آشفتن شعله خشم مردم مسلمان و غیرمسلمان در بسیاری از کشورهای تحت سلطه استعمار، گواه روشنی بر این مدعاست؛ زیرا در کمتر مقطعی از تاریخ، شاهد پیروزی و تأثیرگذاری قاطع جنبشی صرفاً مردمی بوده‌ایم.

آوای مدرسه دوره ابتدایی - خمینی ای امام - {مثل گل خورشید} شاعر: افشین علا

یک پله، یک پله	وقتی هواپیما	از دور پیدا شد	آغوش یک ملت	با دیدنش وا شد	یک پله، یک پله
می آمد او پایین	با چهره‌ای پر نور	با خنده‌ای شیرین	آرام می آمد	دل بیقرارش بود	دریایی از مردم
در انتظارش بود	او عاقبت همراه	با سیل مردم شد	در بین جمعیت	روح خدا گم شد	

آوای مدرسه دوره ابتدایی: خمینی ای امام - {مثل گل خورشید} شاعر: امیرعلی مصدق او مثل پیغمبر



وقتی امام آمد	ایران گلستان شد	لب های پژمرده	گل های خندان شد
او مثل پیغمبر	پیغام بر لب داشت	در باغ دلها مان	نور خدا می کاشت
در پیش پای او	بس لاله پرپر شد	ایران ما اما	ایران دیگر شد
ایران اسلامی	ایران قرآنی	ایران پاینده	ایران ایرانی
از بهر حفظ آن	باید توانا بود	در حفظ قرآن نیز	باید که کوشا بود
پاینده باد ایران	در سایه قرآن	در سایه قرآن	پاینده باد ایران

۵ اسفند روز بزرگداشت خواجه نصیرالدین طوسی

خواجه نصیرالدین طوسی در پانزدهم جمادی الثانی سال ۵۹۱ هجری در جهرود که از توابع قم است، دیده به جهان گشود. در کودکی در زادگاه خود به تحصیل پرداخت و سپس برای ادامه تحصیل در طوس مقیم شد؛ به همین جهت بعدها به «طوسی» شهرت یافت. در آن زمان اوج سلطه مغولها و خشونت این قوم در بین مردم بود. خواجه نصیر برای تغییر سیاستهای مغول و کاستن از میزان وحشیگری آنان و حفظ کتب و آثار نفیس تمدن اسلامی که نزد مغولان بود، دعوت مغول را برای خدمت در دستگاه آنان پذیرفت و با استفاده از این موقعیت و تربیت شاگردان توانست به اهداف خود نزدیک شود. این دانشمند بزرگ مسلمان، در هجدهم ذی الحجه سال ۶۷۲ رحلت کرد و در کاظمین به خاک سپرده شد.

۱۱ اسفند روز بهداشت محیط

به دلیل اهمیت و نقش زیادی که بهداشت محیط در سلامتی ما انسانها و سایر موجودات زنده دارد، امروز به عنوان روز بهداشت محیط نامگذاری شده است. بهداشت محیط بصورت کلی عبارت است از سالم و بهتر نگه داشتن محیطی که در آن زندگی می کنیم که شامل بهداشت آب، هوا و زمین می باشد.

روز بهداشت محیط به ما یادآوری می کند که رعایت بهداشت محیط، استانداردها و ایمنی برای حفظ و ارتقاء سلامتی امری ضروری می باشد. بنابراین ما باید بهداشت و نظافت را در محیط زندگی بخصوص خانه و مدرسه رعایت کنیم و شرایط را برای رشد و تکثیر میکروبها و عوامل بیماری زا فراهم نکنیم.

شهر سالم، محیط سالم، زندگی سالم

من یک شهر سالم هستم	شهری پر از جنب و جوش	آدمها، ماشین ها	همه در من به خروش
من دوستدار طبیعت	من دوستدار فضیلت	اگر مرا دوست داری	با من بکن همکاری
باید به من قول بدی	هر سال درخت	باشی دوستدار تمیزی	آشغال رو زمین نریزی

سطل آشغال

من سطل آشغال هستم	توی حیاط نشستم	توی کلاسها هستم	در توالتها هستم
موقع زنگ تفریح	خیلی گرسنه هستم	منتظر آشغالها	پوست میوه ها هستم
با بچه های تمیز	همیشه من خوب هستم	با بچه های کثیف	همیشه من قهر هستم
ای بچه های همبازی	ای بچه های ناز نازی	وقت غذا، وقت بازی	هر وقت آشغال تو دست داری
توی شکم من بریز	تا من بشم از تو راضی		



۱۴ اسفند روز احسان و نیکوکاری

در ۱۴ اسفندماه ۱۳۵۷ هجری شمسی فرمان امام خمینی (ره) مبنی بر تشکیل کمیته امداد صادر شد. این نهاد برای ایجاد رفاه و برقراری تسهیلاتی در امر کمک‌رسانی به محرومان جامعه دایر شد. گفتنی است این نهاد انقلابی اکنون بنام کمیته امداد امام خمینی (ره) مشغول فعالیت است.

سابقه کمیته امداد امام خمینی (ره) به سالهای قبل از پیروزی انقلاب اسلامی ایران - حدوداً سالهای ۱۳۴۲-۱۳۴۳ باز می‌گردد که تعدادی از انقلابیون که در زمره یاران امام (ره) بودند، مأموریت یافتند که به خانواده‌های زندانیان، نیازمندان و مبارزین رسیدگی کنند. امدادگری بویژه در دوران اوج‌گیری انقلاب در طی سالهای ۵۷-۵۶ که اعتصاب و تحصن همه جا را فرا گرفت، به منظور حمایت از اعتصاب کنندگان و زندانیان ادامه یافت.

با پیروزی انقلاب، حمایت از نیازمندان در صدر برنامه‌ها قرار گرفت و کمیته امداد امام خمینی (ره) با صدور فرمان ایشان تشکیل شد. این نهاد به منظور کمک به خانواده‌های محروم، بخصوص برای خودکفا کردن آنها تأسیس گردید. کمیته امداد از بزرگترین نهادهای تامین اجتماعی است و در خدمت گروه‌های آسیب‌پذیر جامعه قرار دارد. این کمیته خدمات و فعالیتهای گسترده‌ای را به افراد محروم جامعه ارائه می‌دهد که به برخی از آنها اشاره می‌کنیم: پرداخت وام قرض‌الحسنه و تهیه مواد اولیه و ابزار کار به منظور کسب درآمد، برای اقشار بی‌بضاعت که کمیته‌ای ناظر بر حسن مصرف این وام‌ها می‌باشد. به نحوی که اعتبارات اعطایی باعث خودکفا شدن وام‌گیرندگان گردد. همچنین این کمیته از روش‌های نظارتی و هدایتی خود برای تحقق این هدف استفاده می‌کند. چنانچه مقام معظم رهبری حضرت آیت الله خامنه‌ای می‌فرماید:

«کمیته امداد همچنان که در نام منتسب به امام است، عملاً هم مورد توجه و لطف خاص امام عزیزمان قرار داشته است.»

قابل ذکر است که همه ساله از چهاردهم تا بیست و یکم اسفندماه به نام هفته نیکوکاری نامگذاری شده است. برگزاری این هفته به منظور جذب کمکها و هدایای مردم به خانواده‌های محروم و نیازمند است که جمع‌آوری و توزیع آن توسط کمیته امداد صورت می‌گیرد. زیرا کمک به هم‌نوع از اصول اساسی دین مبین اسلام است که همچنان که خداوند در سوره مبارکه انسان آیه ۸ و ۹ می‌فرماید: «و به دوستی خدا به فقیر و اسیر و طفل یتیم طعام می‌دهند و گویند ما فقط برای رضای خدا به شما طعام می‌دهیم و از شما هیچ پاداش و سپاسی نمی‌طلبیم.»

به مناسبت جشن نیکوکاری

شاعر: صفرعلی کشوری احمد

که حال بینوا دریاب حالا	به نام حضرت باری تعالی
زمان همدلی و یاری آمد	دوباره جشن نیکوکاری آمد
شکوفای کن گلی در این گلستان	بیا ای دانش آموز دبستان
بود از هدیه های آسمانی	گلستان قشنگ مهربانی
اگر داری کمک کن ای مسلمان	پیام دین ما می باشد احسان
که بخشید عمر خود را هر چه اندوخت	کمک را از علی می باید آموخت
که اجر این کمک باشد دو چندان	تقلا کن برای مستمندان
به یاری شما چشم انتظارند	چه آدمها که نان شب ندارند
اگر چه ناتوان اما شریفند	چه آدمها که بیمار وضعیفند
به احسان شما اکنون سهمند	چه آدمها تنها و یتیمند



بهار نو بسازیم در بهاران	بیایم با کمک کردن به یاران
کنیم با بینوایان همزبانی	چه خوش باشد به جشن مهربانی
برای عیدشان عیدی ندارند	تهیدستان کنون چشم انتظارند
نپرسند از غمش یک لحظه حالی	چه سخت است آدمی با دست خالی
که از درد یتیمی می هراسند	یتیمان را کسانی می شناسند
که گیرد از رفیق بینوا دست	ولی من مطمئنم یک نفر هست
نهال عاطفه در دل بکارید	به یاد دوستان دستی بر آرید
گره از کار همسایه گشاید	مسلمان هر شب و روزی که آید

۱۵ اسفند روز درختکاری

درخت مظهر زیبایی و حیات و یکی از زیباترین و پرثمرترین نعمتهای بیکران خداوند است که بخش مهمی از نیازهای انسان را برآورده می‌سازد. در ایران، از ۱۵ تا ۲۲ اسفند ماه به عنوان "هفته منابع طبیعی" نامگذاری شده است که نخستین روز این هفته یعنی ۱۵ اسفند "روز درختکاری" است. در این هفته، نهال انواع درختان، متناسب با شرایط جوی ایران توسط شهرداریها بین مردم توزیع می‌شود و شیوه‌های کاشت درخت به علاقه‌مندان آموزش داده می‌شود. آنچه اهمیت درختکاری را در ایران دو چندان کرده است، شرایط آب و هوایی خشک و کم باران اغلب مناطق کشور است.

درختکاری یکی از سنن پسندیده در اسلام است که به کرات نسبت به آن در روایات تاکید شده است. قرآن کریم در بیش از بیست آیه به راز رویش گیاهان اشاره می‌کند. پیامبر اکرم (ص) همچنین فرمودند: هر که نهالی بکارد، خداوند به مقدار میوه‌ای که از آن درخت به دست می‌آید، در نامه اعمال او پاداش می‌نویسد.

بطور خلاصه روز درختکاری بهانه‌ای است برای اینکه ما به محیط زیست احترام گذاشته و آنرا احیاء کنیم و یا حداقل نگهداری کنیم. امید است که با تلاش در این جهت، حتی با کاشتن یک نهال کوچک، کشوری زیبا و آباد را برای خویش مهیا کنیم که یقیناً کاری پسندیده است.

من یه درخت هستم	بلند و سبز هستم	تو خاک ریشه دارم	رو شاخه میوه دارم
پاک می کنم هوا را	شاد می کنم شما را	اگر تو ماه اسفند	تو یک نهال بکاری
سال دیگه می بینی	که یک درخت داری		

۱۸ اسفند روز بزرگداشت سید جمال الدین اسد آبادی

سید جمال الدین اسد آبادی (۱۲۱۴-۱۳۰۲)، شخصیتی بود که سهم به سزایی در بیداری سیاسی مسلمانان ایران و حتی جهان داشت. وی در قریه اسد آباد همدان به دنیا آمد. در نوجوانی، جهت تکمیل معلومات، عازم نجف اشرف شد و در محضر مرجع تقلید بزرگ آن دوران، مرحوم «حاج شیخ مرتضی انصاری» به کسب فیض نایل گشت. این روحانی مبارز، سپس جهت آگاهی هر چه بیشتر مردم عازم هندوستان شد؛ اما به دلیل سلطه همه جانبه انگلیسی‌ها در آن کشور، عازم ترکیه و سپس مصر گردید و در آنجا یک نهضت فکری ضد استعمار را پایه‌ریزی کرد.

اقدامات سید جمال، انگلیس را به خشم آورد و همین امر به تبعید وی به هندوستان و سپس اروپا منجر شد. وی در پاریس، روزنامه «عروه الوثقی» را منتشر کرد. پس از آن، به دعوت ناصرالدین شاه به ایران آمد، اما چون ماهیت وی با طبع شاهانه به هیچ وجه



سازگار نبود، از کشور اخراج گردید و به ترکیه رفت. پس از قتل ناصرالدین شاه توسط میرزا رضای کرمانی، سلطان عثمانی از سیدجمال در هراس افتاد و دستور داد تا وی را مسموم کنند.

مهمترین اندیشه های این شخصیت انقلابی، عبارت بودند از:

۱- تلاش برای متحد کردن مسلمانان جهان

۲- مبارزه با استعمار انگلیس

۳- دفاع از ارزشهای اسلامی در برابر تبلیغات مسموم و اندیشه های مادی

۴- استفاده از نفوذ دینی مراجع در برابر دسیسه های استعمار و استبداد

۲۲ اسفند روز بزرگداشت شهدا و سالروز تأسیس بنیاد شهید

شهادت فنا شدن انسان برای نیل به سرچشمه نور و نزدیک شدن به هستی مطلق است. شهادت عشق به وصال محبوب و معشوق در زیباترین شکل است. بنیاد شهید در ۲۲ اسفند سال ۱۳۵۸، به فرمان امام(ره) تأسیس شد و دارای شخصیت حقوقی و استقلال مالی و اداری است و امور آن طبق مقررات و قوانین مربوط به نهادهای عمومی غیردولتی و در چهارچوب اساسنامه مصوبه و آیین نامه های مربوط زیر نظر رئیس جمهور و نظارت عالی مقام معظم رهبری اداره می شود. احیاء، حفظ و ترویج فرهنگ ایثار و شهادت طلبی، زنده نگه داشتن یاد شهیدان و حفظ آثار آنان، تجلیل و تکریم از خانواده های معظم شهیدان، جدیت در امور فرهنگی خانواده های شاهد، خوداتکایی و قانونمند کردن ارائه خدمات به آنان و بسیج امکانات نظام به منظور پراکندن عطر ملکوتی شهادت در جامعه، محور فعالیت های این نهاد مقدس است. البته سابقه اولیه این نهاد به دوران آغاز قیام امام (ره) به سال ۱۳۴۲، باز می گردد. بعد از قیام خونین پانزده خرداد ۱۳۴۲ گروهی از روحانیون انقلابی و مبارز و افراد نیکوکار به دستور امام (ره) مأموریت یافتند تا به خانواده های شهدا رسیدگی کنند، که این کار در طول سال های مقاومت و مبارزه ادامه یافت و در سال های ۵۷ - ۱۳۵۶، دامنه وسیع تری پیدا کرد. بعد از پیروزی انقلاب، برای سامان دادن بیشتر به امور شهدا و خانواده های آنان، با فرمان امام (ره) بنیاد آغاز به کار کرد که با آغاز جنگ تحمیلی و بیشتر شدن تعداد شهیدان، وظیفه و تکلیف بنیاد شهید سنگین تر شد.

مقام شهید: «هر خوبی، بالاتر از آن هم خوبی هست، تا برسد به قتل در راه خدا و شهادت در راه خدا که بالاتر از او دیگر خوبی نیست.» «برای شهید، هفت خصلت است. اول اینکه اولین قطره ای که از خون او به زمین بریزد، تمام گناهیانی که کرده است آمرزیده می شود و آخرین خصلت این است که شهید نظر می کند به وجه الله و این نظر به وجه الله، راحت است برای هر نبی و هر شهید. این سخن امام بزرگوار در بزرگداشت مقام شهید است. ایشان با اشاره به بلندی مقام شهیدان، درباره بنیاد شهید که وظیفه پاسداری از مقام شهیدان و حمایت از خانواده های بزرگوار آنان را بر عهده دارد، می فرماید: «بنیاد شهید، از همه بنیادها افضل است؛ برای اینکه شهید از همه افراد افضل است. خدمت در بنیاد شهید، در رأس خدمت هاست».

فرهنگ شهادت: فرهنگ ملت ما، فرهنگ شهادت است. ملت ما، شهادت را نه پایان زندگی، که اوج کمال انسانی و بلندترین نقطه عروج روح آدمی می داند. شهادت برای ملت مسلمان ایران، یعنی انتخاب خدا به جای خود، یعنی فدا کردن خود و رسیدن به خدا، یعنی سودمندترین معامله در بازار دنیا، معامله جسم خاکی در برابر رضایت الهی و یعنی رها کردن دنیای گذرا و رسیدن به بقا و جاودانگی. این باوری است که ملت ژرف نگر و حقیقت بین ایران در درون خود یافته است و همین باور متعالی است که رمز پیروزی ایران اسلامی در برابر همه ابرقدرتهای جهان به شمار می آید. روز بزرگداشت شهدا، روز بزرگداشت این باور ملکوتی و فرهنگ پایدار شهادت است.



شهدا

آی قصه قصه قصه	نون و پنیر و پسته	یک زن قد خمیده	روی زمین نشسته
یک زن دل شکسته	که چادرش خاکیه	روی زمین نشسته	شکسته و تکیده
صورت خیس و گلفام	دست میکشه روی قبر	قبر شهید گمنام	از تو کیفش یه جعبه
خرما میاره بیرون	میزاره روی اون قبر	بهش می گه مادر جون	بابات کیه عزیزم،
برادرت خواهرت؟	حرف بزن عزیزم	منم جای مادرت	تو هم عین بچمی
بچه بی نشونم	همون که رفت و با خود	برده گرمی خونم	همون که آخرین بار
وقتی که ترکم می کرد	نذاشت برم دنبالش	گفت که مامان تو برگرد	صورت من رو بوسید
برگشتش و دویدش	لبخند زد و زورکی	سر کوچه رسیدش	چه شبها که به یادش
با گریه خوابم می برد	باباش چقدر زورکی	بغضش رو هی فرو میخورد	الهی که بمیرم
چشماش به درس سفید شد	آخر نفهمید علی	اسیر یا شهید شد	

۲۵ اسفند - بزرگداشت پروین اعتصامی

پروین اعتصامی (۱۲۸۵ - ۱۳۲۰ ه. ش) دختر یوسف اعتصام الملک آشتیانی، یکی از تواناترین شاعران این دوره است. وی در تبریز متولد شد و در اوان کودکی، همراه خانواده به تهران آمد. ادبیات فارسی و عربی را نزد پدر آموخت و هنگامی که از معروف ترین گویندگان و شعرای زمان به حساب می آمد، در سنین جوانی چشم از جهان فرو بست.

پروین در قصاید خود از شاعران سبک خراسانی، به ویژه ناصر خسرو در مثنوی، قطعه و غزل از شاعران سبک عراقی پیروی می کرد. در اشعار وی نکات اخلاقی و اندیشه های اجتماعی، با صمیمیت و دلنشینی تمام بیان شده است. اشعار این شاعره توانا سرشار از عاطفه و صداقت بوده، در دیوانش همه چیز از جمله سوزن، نخ، سیر، پیاز و... سخن می گویند.

اشک یتیم

روزی گذشت پادشهی از گذرگهی	فریاد شوق بر سر هر کوی و بام خاست
پرسید زان میانه یکی کودک کی یتیم	کاین تابناک چیست، که بر تاج پادشاست؟
آن یک جواب داد: چه دانیم که چیست	چه دانیم آن قدر که متاعی گرانبه است
نزدیک رفت پیرزنی گوژپشت و گفت:	این اشک دیده من و خون دل شماست
ما را به رخت و چوب شبانی فریفته است	این گرگ سالهاست که با گله آشناست
آن پارسا که ده خرد و ملک رهن است	آن پادشاه که مال رعیت خورد گداست
بر قطره ی سرشک یتیمان نظاره کن	تا بنگری که روشنی گوهر از کجاست

۲۹ اسفند ملی شدن صنعت نفت

"نهضت ملی شدن صنعت نفت" نه تنها اقدامی برای بهره برداری از منابع ملی در جهت تعالی کشور بود، بلکه به نمادی از غرور و استقلال خواهی ملت ایران تبدیل شد. منابع ارزشمند نفتی ایران به عنوان سرمایه ای ملی در طول قرن بیستم تا انقلاب ملی شدن صنعت نفت، همواره مورد سوء استفاده و چپاول بیگانگان قرار داشت و این برای ملت مغرور و عدالتخواه ایران به شدت سنگین و غیرقابل قبول به نظر می رسید. همین مسئله سبب شد تا مردم برای استیفای حقوق پایمال شده ی خود، به حمایت از سیاستمداران عدالتخواه برخیزند و قدرتهای آن زمان دنیا را مجبور به کرنش در برابر اقتدار خود کنند. اعدام انقلابی رزم آرا در تشدید مبارزات



مردم و تقویت روحیه آنان تأثیر عمیقی گذاشت، و باعث عقب‌نشینی جیره‌خواران بیگانه در دولت و مجلس شد. فردای آن روز یعنی هفدهم اسفند ۱۳۲۹ کمیسیون نفت پیشنهاد ملی شدن صنعت نفت را تصویب کرد. سرانجام در ۲۴ اسفند ۱۳۲۹، ماده واحده‌ی ملی شدن صنعت نفت در مجلس شورای ملی به تصویب رسید و مجلس سنا نیز آن را در ۲۹ اسفند ۱۳۲۹ تصویب کرد. به این ترتیب مردم توانستند، با حمایت همه‌جانبه از اقلیت مجلس در مقابل اکثریت وابسته به انگلستان، به رهبری آیت الله کاشانی و دکتر مصدق به یکی از درخشان‌ترین پیروزی‌های خود برسند و استعمار استبداد را به تسلیم در برابر خود وادار کنند.

۱ فروردین - عید نوروز

بزرگ‌ترین جشن ملی ایرانیان آداب و مراسم خاص خود را دارد و مجموعه‌ای از آداب و سنن هماهنگ دارد که البته نسبت به زمانهای قدیم تغییراتی در آن صورت گرفته است:

آیین‌های نوروز:

۱. خانه‌تکانی
 ۲. آتش افروزی در شب آخرین سال که این مراسم چهارشنبه‌سوری نام دارد.
 ۳. سفره هفت سین
 ۴. آماده کردن غذاهای نوروزی مانند سمنو، سبزی پلو با ماهی و ...
 ۵. دید و بازدید
 ۶. طبیعت گردی در روز سیزده بدر.
- متن ادبی:** مادر صدایم کرد، پدرم قرآن آورد، پول‌های لای قرآن قايم شدند، همه دعا می‌کردیم و قرآن می‌خواندیم، شیرینی‌های توی ظرف نشستند. سبزه، موهای سیخ سیخی‌اش را در آینه مرتب کرد. ماهی‌ها دامن‌شان را پُف دادند. سیب، لپ‌هایش سرخ شد. سمنو، بادام‌هایش را برای صدمین بار شمرد. سنجدها، کت‌های مخملی‌شان را پوشیدند، سکه‌ها قل خوردند. سرکه سرفه‌ای کرد. سیر بچه‌هایش را بغل کرد. ساعت تیک تیک کرد. دل‌های ما تاپ تاپ کردند. توپ تحویل سال را زدند. همه خندیدند روی یکدیگر را بوسیدند.

یا مقلب القلوب و الابصار و ...

«سال نو مبارک»

سال نو شد آغاز

از نثار باران چشمه‌ها جوشیدند	در دل دشت و دمن، سبزه‌ها رویدند
بر سر هر شاخه، غنچه‌ها خندیدند	شاپرکها از شوق، روی گل بوسیدند
زنبورکها در باغ، شهد گل نوشیدند	شاد شد پروانه، با صفا شد خانه

خونه تکونی

هر چی بدی تو دلمه، می‌رویم و پاک می‌کنم	دلم که پاکیزه بشه، خدا رو مهمون می‌کنم
من می‌دونم دل پاک، همیشه پر زنوره	هر چی که ناپسند، از دل پاک دوره
بیا تو دل‌های پاک، نور خدا رو ببین	شکوفه‌های عشقو از دلای پاک بچین
خونه تکونی می‌کنم منتظر بهارم	منتظر بهار و رویش سبزه زارم
می‌خوام وقتی بهار میاد خونه من تمیز باشه	بهار توی خونه من یک مهمون عزیز باشه
دلم را هم پاک می‌کنم	کینه هارو خاک می‌کنم.

خونه تکونی می‌کنم منتظر بهارم منتظر بهار و رویش سبزه زارم می‌خوام وقتی بهار میاد خونه‌ی من تمیز باشه



بهار توی خونه‌ی من	یه مهمون عزیز باشه	دلم را هم پاک می کنم	کینه هارو خاک می کنم
هر چی بدی توی دلمه	می روبم و بیرون می کنم	دلم که پاکیزه بشه	خدا رو مهمون می کنم
من می دونم دل پاک	همیشه پر نوره	هر چی که ناپسند	از دل پاک دوره
بیا تو دل‌های پاک	نور خدارو ببین	شکوفه های عشقو	از دلای پاک بچین

۱۲ فروردین روز جمهوری اسلامی

پس از پیروزی انقلاب اسلامی، مهمترین کاری که می بایست انجام می شد، برگزاری «همه پرسی» یا «فراندوم» بود. هر چند مردم ایران در ماههای قبل از پیروزی انقلاب با شرکت در راهپیمایی‌های میلیونی، پشتیبانی قاطع خود را از حکومت اسلامی به رهبری امام خمینی (ره) اعلام کرده بودند؛ اما بهتر بود این پشتیبانی و تأیید، به صورت رسمی و قانونی نیز اعلام می شد. روز دهم فروردین سال ۱۳۵۸ همه مردم ایران به پای صندوقهای اخذ رأی رفتند تا با دادن رأی «آری» یا «نه» نظر خود را نسبت به جمهوری اسلامی اظهار نمایند. در این انتخاب سراسری، بیش از ۹۸/۲ درصد از شرکت کنندگان، رأی مثبت دادند. نتیجه این رأی گیری بسیار تعیین کننده، دو روز بعد اعلام شد و از آن پس یوم الله دوازدهم فروردین، به عنوان روز جمهوری اسلامی شناخته شد.

۱۸ فروردین روز جهانی بهداشت

روز هفتم ماه آوریل (۱۸ فروردین) هر سال، بخاطر یادآوری تصویب تشکیل سازمان بهداشت جهانی توسط گروهی از کشورهای جهان در سال ۱۹۴۸ به عنوان روز بهداشت جهانی نامگذاری شده است. سازمان بهداشت جهانی در سال‌های بعد برای نظم بخشیدن به فعالیت های بهداشتی در سراسر جهان هر ساله شعارهایی از قبیل: تندرستی برای همه، سلامت کودکان، سلامت جوانان، یک روز بدون سیگار، سالم زیستن، بهداشت تمامی مادران و کودکان، سلامت در حوادث و بلایا، سلامت و شهروندی و ... را اعلام کرد. برخوردار شدن از بالاترین سطح قابل دسترسی حق هر انسان، بدون در نظر گرفتن نژاد، مذهب، عقاید سیاسی، وضع اقتصادی و یا وضع اجتماعی است. روز بهداشت جهانی که همه ساله در کشورهای مختلف جهان، از جمله ایران برگزار می شود، تأکید بر وظیفه مهمی است که مردم و مسئولان جامعه به صورت متقابل در این زمینه بر عهده دارند.

شعر: روز جهانی بهداشت

هجده فروردین	روز جهانی بهداشت	باید گرمی داریم	بگیم مرگ بر بیماری
زندگی بی سلامت	ندارد هیچ زیبایی	سلامتی بهترین	نعمتهای خدائی
بهداشت راه رهایی	از چنگال بیماری	همه با هم بگیم	مرگ بر بیماری
زندگی بی سلامت	ندارد هیچ زیبایی	سلامتی بهترین	نعمتهای خدائی
بهداشت برای همه	همه برای بهداشت	بهداشت حق انسانهاست	بهداشت وظیفه ماست
برای حفظ بهداشت	آماده باش ای انسان	اگه نباشه بهداشت	آسوده نیست تن و جان
این است شعار بهداشت	پیشگیری از بیماری	افزایش حفظ آن	سلامت انسانهاست
بهداشت برای من	بهداشت برای تو	بهداشت برای ما	این حق انسانهاست
زندگی بی بهداشت	ندارد هیچ زیبایی	سلامتی بهترین	نعمتهای خدائی

شعر زیر را می توان به صورت نمایشنامه یا عروسک بازی یا شکل مسواک و دندان بازی کرد:

۱- دندان می گوید:

دندانم دندانم دندانهای زیبایم مروارید غلطانم داخل صدف دهانم



با خمیر خوشبو	شبها منو بشوی	تا سالم بمانم	سفید و شفاف بمانم
۲- مسواک می گوید:			
من مسواک همه رنگم	با میکروبها می جنگم	دشمن دیو دندان	پیک سلامت جان
با خمیر و آب سرد	ضد سیاهی و درد	منو بزن موقع خواب	تا دندونات نشه خراب
۳- میکروب می گوید:			
من میکروب دندانم	بلای جسم و جانم	کوچک ولی پرتوان	باعث درد دندان
هرکس دندان نشوید	گویی بمن می گوید	فاسد کنم دندانش	آزار دهم جسم و جانش
دشمن من مسواک است	خمیر و آب پاک است		
۴- دانش آموز می آید و می گوید:			
ای بچه عزیزم	ای بچه تمیزم	بشنو زمن تو این پند	کم خور شیرینی و قند
بعد از غذا قبل از خواب	یا با خمیر یا با آب	مسواک بزن به دندان	تا باشی شاد و خندان

۱۸ تا ۲۴ فروردین: هفته بهداشت مدارس (هفته سلامت)

در ایران از مورخ ۱۸ تا ۲۴ فروردین ماه را هفته بهداشت مدارس نامگذاری کرده اند. عناوین روزهای هفته بهداشت مدارس با توجه به شعار بهداشت جهانی مختص به همان سال، هر ساله مشخص می شود که فعالیت های ویژه هر روز از هفته با توجه به عنوان آن روز انجام می شود.

۲۰ فروردین: روز ملی فناوری هسته ای

در بیستم فروردین ماه ۱۳۸۵ دانشمندان جوان جمهوری اسلامی ایران، با دستیابی به فن آوری غنی سازی اورانیوم و راه اندازی این زنجیره در نظنز، افتخار ملی و جهانی آفریدند و بدنال این موفقیت که ایران توانست به حلقه کشورهای دارای فناوری هسته ای بپیوندد، این روز، در تقویم رسمی ایرانیان روز ملی فن آوری هسته ای نام گرفت.

از دیر باز آرزوی بشر دستیابی به منبعی از انرژی بوده تا علاوه بر آن که بتواند مدت مدیدی از آن استفاده کند، تولید پسماندهای خطرناک نیز در پی نداشته باشد، اکنون در هزاره سوم میلادی این آرزوی به ظاهر دست نیافتنی کم کم به واقعیت پیوسته است و بشر خود را آماده می سازد تا با ساخت اولین راکتور گرما هسته ای آرزوی دیرینه خود را یعنی تولید سوخت پاک و ارزان به نام هیدروژن با انرژی تولیدی سرشار و پسماندی بسیار پاک بنام هلیوم را به منصف ظهور رساند.

این فن آوری شامل بسیاری از علوم مهندسی و پایه است که در حال حاضر، کشورهای اندکی به آن دست یافته اند و کسب این فن آوری، در ایران سبب جهش علمی بزرگی در همه زمینه های علمی و صنعتی در کشور شده است.

جمهوری اسلامی ایران، دو زنجیره ۱۶۴ تایی از دستگاه های سانتریفیوژ را نصب و راه اندازی نموده و در حال تکمیل زنجیره ۳۰۰۰ تایی سانتریفیوژ برای رسیدن بر تولید نیمه صنعتی سوخت هسته ای نیروگاه در نظنز است.

دست آوردهای موثر و قابل تامل در زمینه های مختلف صنعتی، کشاورزی و ... نشان از استفاده صلح آمیز ایران از این فناوری دارد که موارد زیر از آن جمله اند:

از نمونه پیشرفت های اخیر ایران در عرصه تولید انرژی هسته ای می توان در صنعت داروسازی به تولید رادیو داروها اشاره کرد که این رادیو داروها، داروهای نشاندار رادیواکتیو می باشند که به بیمار تزریق یا خورانده می شوند. این داروی هسته ای یا رادیو فارماکولوژی روش دارویی خاصی است که با ترکیبات، آزمایش یا تزریق مناسب رادیو دارو به مریض ارتباط دارد.



با توجه به اهمیت این نوع داروها در درمان برخی بیماریها، سازمان انرژی اتمی ایران توانست به تولید انبوه رادیو داروی مولیدین ۹۹ - تکنسیم ۹۹M در کشور و خود کفایی در این زمینه دست یابد. این ماده دارویی که در تشخیص بسیاری از بیماریها از جمله بیماریهایی که نیاز به اسکن از ماهیچههای قلبی، مغز استخوان، غدد بزاقی، تیروئید، پاراتیروئید، ششها، کبد، کلیه و... دارند در تمام مراحل توسط پژوهش متخصصان و فارغ التحصیلان دانشگاههای داخلی تهیه و تولید شده است.

این موفقیت بزرگ در فنآوری هسته‌ای بیش از هر چیز مرهون سیاستگذاریهای مدبرانه و ایستادگی دوران‌پیشانه مسئولان در رفع تعلیق از تأسیسات هسته‌ای کشورمان است و این عمل نشان داده است که پایداری و مقاومت در مقابل خواسته‌های نامشروع دیگران و خودباوری و اعتماد به نیروهای جوان و خلاق کشور، می‌تواند سبب پیشرفت و توسعه در زمینه فناوری هسته‌ای در حداقل زمان ممکن شود.

کاربردهای انرژی هسته‌ای: انرژی هسته‌ای کاربردهای زیادی در پزشکی در علوم و صنعت و کشاورزی و... دارد. لازم به ذکر است انرژی هسته‌ای به تمامی انرژی‌های دیگر قابل تبدیل است ولی هیچ انرژی‌ای به انرژی هسته‌ای تبدیل نمی‌شود. موارد زیادی از کاربردهای انرژی هسته‌ای در زیر آورده می‌شود.

▪ نیروگاه هسته‌ای:

نیروگاه هسته‌ای (Nuclear Power Station) یک نیروگاه الکتریکی که از انرژی تولیدی شکست هسته اتم اورانیوم یا پلوتونیم استفاده می‌کند. اولین جایگاه از این نوع در ۲۷ ژوئن سال ۱۹۵۸ در شوروی سابق ساخته شد. که قدرت آن ۵۰۰۰ کیلو وات است. چون شکست سوخت هسته‌ای اساساً گرما تولید می‌کند، از گرمای تولید شده رآکتورهای هسته‌ای برای تولید بخار استفاده می‌شود از بخار تولید شده برای به حرکت در آوردن توربین‌ها و ژنراتورها که نهایتاً برای تولید برق استفاده می‌شود. پیل هسته‌ای یا اتمی، دستگاه تبدیل کننده انرژی اتمی به جریان برق مستقیم است. ساده‌ترین پیل‌ها شامل دو صفحه است. یک پخش کننده بتای خالص مثل استرنتیوم ۹۰ و یک هادی مثل سیلیسیوم.

جریان الکترون‌های سریعی که بوسیله استرنتیوم منتشر می‌شود از میان نیم هادی عبور کرده و در حین عبور تعداد زیادی الکترون اضافی را از نیم هادی جدا می‌کند که در هر حال صدها هزار مرتبه زیاده‌تر از جریان الکتریکی حاصل از ایزوتوپ رادیواکتیو استرنتیوم ۹۰ می‌باشد.

* کاربردهای پزشکی: انرژی هسته‌ای

در پزشکی تشعشعات هسته‌ای کاربردهای زیادی دارند که اهم آنها عبارتند از:

- رادیوگرافی - گاما اسکن - استرلیزه کردن هسته‌ای و میکروب‌زدایی وسایل پزشکی با پرتوهای هسته‌ای

- رادیوبیولوژی - عکس رادیوگرافی

* کاربردهای کشاورزی انرژی هسته‌ای

تشعشعات هسته‌ای کاربرد های زیادی در کشاورزی دارد که مهم ترین آنها عبارتست از:

- موتاسیون (جهش) هسته‌ای ژن‌ها در کشاورزی - کنترل حشرات با تشعشعات هسته‌ای

- جلوگیری از جوانه زدن سیب زمینی با اشعه گاما - انبار کردن میوه‌ها

- دیرینه شناسی (باستان‌شناسی) و صخره‌شناسی (زمین‌شناسی) که عمریابی صخره‌ها با ^{14}C در باستان‌شناسی خیلی مشهور است.

* کاربردهای صنعتی:

در صنعت کاربردهای زیادی دارد از جمله مهمترین آنها عبارتند از:



- دبی سنجی پرتویی

- نشت یابی با اشعه

- (سنجش شدت تشعشعات ، نور و فیزیک امواج)

- سنجش پرتویی میزان سائیدگی قطعات در حین کار

- سنجش پرتویی میزان خوردگی قطعات

- چگالی سنج مواد معدنی با اشعه

۲۳ فروردین: روز دندان پزشکی

به دلیل اهمیت سلامت دهان و دندان و زحماتی که دندانپزشکان در این زمینه انجام می دهند، از سال ۱۳۶۲، روز ۲۳ فروردین روز دندانپزشک و هفته آخر فروردین ماه، هفته دندانپزشکی نامگذاری شد. بهتر است از این روز به بعد به نکاتی که دندانپزشکان برای حفظ سلامتی دندان هایمان به ما توصیه می کنند، بیشتر توجه کنیم و آنها را بکار بگیریم.

این نکات عبارتند از:

- ۱- روش صحیح مسواک زدن را یاد گرفته و آن را دقیق و مرتب به کار ببریم.
- ۲- برای سطوح بین دندانی که با مسواک تمیز نمی شوند از نخ دندان استفاده کنیم.
- ۳- برای بالا بردن مقاومت دندان هفته ای یکبار از دهان شویه فلوراید استفاده کنیم.
- ۴- استفاده مکرر از مواد قندی و شیرینی، به خصوص انواع چسبنده آن مانند: شکلات و آب نبات، سبب رشد میکروب های پوسیدگی را می شود.

بنابراین حتماً:

- دفعات مصرف مواد قندی را محدودتر کنیم.
- استفاده از آدامسهای بدون قند در حد چند دقیقه پس از مصرف مواد قندی، اثرات مفیدی دارد و باعث کاهش پوسیدگی می شود.

باید توجه داشت پیشگیری بهتر از درمان است و می توان با نکات ساده ای که ذکر شد از پوسیدگی دندانهایمان جلوگیری کنیم.

سرود بهداشت دهان و دندان

تکخوان ۱:

دوست من تمیزه و مهربونه	قدر دندوناشو خیلی میدونه
توی جعبه ی اسباب بازیهاش	(پر مسواک و خمیردندونه) (۲)
گروهی:	

پس چرا زرد و کبود دندوناش	یکی بود یکی نبود دندوناش (۲)
تک خوان ۱:	

آخه اون شیرینی رو خیلی دوست داره	شکلاتش رو تو لپ هاش می ذاره
آبنباتش و به دندون می ماله	تا تموم نشه درش نمیاره
تک خوان ۲:	

شیرینی هم خوشمزست هم لازمه	ولی نه خیلی زیاد و این همه
اون باید یکجا شیرینی بخوره	بره دندوناشو مسواک بزنه
تک خوان ۱:	

دوست من مسواک و خیلی دوست داره	مسواکش رو یه جای خوب می ذاره
--------------------------------	------------------------------



برای اینکه یه وقت خراب نشه
گروهی:

فهمیدیم چرا کبود دندوناش
تک خوان ۱:

مدادش رو هی به دندون می زنه
وقتی که قفل کیفش باز نمی شه
گروهی:

فهمیدیم چرا کبود دندوناش
یک بود یکی نبود دندوناش (۳)

دهانشویه

اتل و متل بچه ها	همگی آماده باشید	میخوایم بریم سراغ	صندوقچه ی مروارید
صندوقچه ی مروارید	دهان و دندون ماست	مسواک و دهانشویه	دوست خوب دندونهاست
فقط هفته ای یک بار	دهانشویه رو بیار	اتل و متل توتوله	یک کمی دهانشویه
میریزیم توی پیمونه،	پیمونه اش آسونه	اتل و متل با دقت	تا قسمت علامت
بعدش دهانشویه رو	آروم توی دهان می ریزیم	از بس که ما بچه ها	با دقت و تمیزیم
پیا دهانشویه رو	قورتش ندی بچه جون	یک دقیقه ی کامل	توی دهانت بچرخون
حالا دهانشویه رو	باید بیرون بریزی	تا نیم ساعت دیگه	نه آب بخور نه چیزی
اتل و متل بچه ها	همگی با هم بخندیم	حالا که می درخشه	صندوقچه ی مروارید

نمایشنامه دندانپزشک و بیمار

بیمار: دکتر جونم دندونام درد می کنه حسابی
دکتر: دندونت رو می بینم الان با یک شماره
دکتر: بعد از غذا قبل از خواب مسواک بزنی به دندون
دکتر: با دندون قشنگ چیزهای سفت رو نشکون
دکتر: قاقا لی لی زیادش بد برای دندون
میخوام چیکارش کنم دندون به این خرابی
خراب شده حسابی این دندون بیچاره
وگرنه از تنبلی یک روز میشی پشیمون
۶ ماه یکبار مرتب یک سریا پیش من
بعد از شیرینی خوردن مسواک بزنی به دندون

۲۵ فروردین: روز بزرگداشت عطار نیشابوری

فریدالدین ابوحامد محمد بن ابوبکر ابراهیم بن اسحق عطار کدکنی نیشابوری شاعر و عارف نام‌آور ایران در قرن ششم و آغاز قرن هفتم است. ولادتش به سال ۵۳۷ در کدکن از توابع نیشابور اتفاق افتاده است. از ابتدای کار او اطلاعی در دست نیست جز آنکه نوشته‌اند پدر وی در شادیاخ نیشابور، عطار عظیم‌القدری بود و بعد از وفات او، فریدالدین کار پدر را دنبال کرد و دکان عطاری (داروفروشی) آراسته داشت. عطار مردی پرکار و فعال بود و چه هنگام اشتغال به کار عطاری و چه در دوره‌ی اعتزال و گوشه‌گیری، که گویا در اواخر عمر دست داده بود، به نظم مثنویهای بسیار و پدیدآوردن دیوان غزلیات و قصائد و رباعیات خود و تألیف کتاب نفیس و پرارزش تذکرةالاولیا سرگرم بود. دولتشاه درباره آثار او گوید: «و شیخ را دیوان اشعار بعد از کتب مثنوی چهل هزار بیت باشد از آن جمله دوازده هزار رباعی گفته و از کتب طریقت تذکرةالاولیاء نوشته و رسائل دیگر به شیخ منسوب است، مثل اخوان الصفا و غیره و ذلک و از نظم آنچه مشهور است، این است: اسرارنامه، الهی‌نامه، مصیبت‌نامه، جواهرالذات،



وصیت‌نامه، منطق‌الطیر، بلبل‌نامه، حیدرنامه، شترنامه، مختارنامه و شاهنامه. دوازده کتاب نظم است و می‌گویند چهل رساله نظم کرده و پرداخته؛ اما نسخ دیگر متروک و مجهول است و قصاید و غزلیات و مقطعات شیخ به همراه رباعیات و کتب مثنوی وی از صدهزار بیت افزون است.» مراد منطق‌الطیر است. اثر منشور عطار، کتاب تذکرة الاولیاء اوست که از کتب مشهور پارسی و از جمله مآخذ معتبر در شرح احوال و گفتارهای مشایخ صوفیه است. در این کتاب سرگذشت نود و شش تن از اولیاء و مشایخ با ذکر مقامات و مناقب و مکارم اخلاق و نصایح و مواعظ و سخنان حکمت‌آمیز آنان آمده است. شیوه‌ی نگارش این کتاب بر همان منوال است که در آثار منظوم عطار می‌بینیم؛ یعنی نثر آن ساده و دور از تکلف و مقرون به فصاحت طبیعی کلام پارسی است و تألیف آن باید در پایان قرن ششم یا اوایل قرن هفتم صورت گرفته باشد. عطار در قتل عام نیشابور به سال ۶۱۸ به دست سپاهیان مغول به شهادت رسید و مزارش در جوار آن شهر است.

۱ اردیبهشت: بزرگداشت سعدی

مشرف‌الدین مصلح بن عبدالله، مشهور به شیخ سعدی شیرازی (وفات حدود سال ۶۹۱ هـ ق) چهره درخشان ادبیات ایران، در خاندانی که از عالمان دین بود، ولادت یافت. وی مقدمات علوم دینی و ادبی را در شیراز آموخت و سپس جهت ادامه تحصیل به نظامیه بغداد رفت. پس از چند سال تحصیل و کسب فیض از محضر اساتید بغداد، به سیاحت و گردش در حجاز، شام، لبنان و روم پرداخت و در حدود سال ۶۵۵ به شیراز بازگشت و بوستان را به پایان برد و یک سال بعد، گلستان را نیز تکمیل کرد. آثار سعدی که تحت عنوان کلیات جمع آوری شده، به دو بخش نظم و نثر تقسیم می‌شود: در آثار منشور وی خاصه گلستان نیز از اشعار فارسی و عربی استفاده شده است. در رأس آثار منظوم وی بوستان است که دارای ده باب و حدود ۴۰۰۰ بیت می‌باشد. آثار منظور دیگر سعدی، عبارتند از: قصاید فارسی و عربی، غزلیات، رباعیات و مفردات. سخن سعدی، در عین آنکه ساده و طبیعی به نظر می‌رسد، از نهایت ظرافت و دقت برخوردار است. حکمت‌هایی که سراسر آثار او را در بر گرفته، بیشتر جنبه عملی دارد و مضمون‌های اندرزی، اخلاقی و اجتماعی آثارش در خور توجه است. و آرامگاه وی در شهر شیراز می‌باشد.

روز سعدی: مرکز سعدی‌شناسی ایران از سال ۱۳۸۱ روز اول اردیبهشت ماه را روز سعدی اعلام نمود و در اول اردیبهشت ۱۳۸۹ و در اجلاس شاعران جهان در شیراز، نخستین روز اردیبهشت ماه از سوی نهادهای فرهنگی داخلی و خارجی به عنوان روز سعدی نامگذاری شد.

سعدی در خانقاهی که اکنون آرامگاه اوست و در گذشته محل زندگی او بود، به خاک سپرده شد که در ۴ کیلومتری شمالشرقی شیراز، در دامنه کوه فهندژ، در انتهای خیابان بوستان و در کنار باغ دلگشا است. این مکان در ابتدا خانقاه شیخ بوده که وی اواخر عمرش را در آنجا می‌گذرانده و سپس در همانجا دفن شده است.

شعر «بنی آدم» سعدی بسیار مشهور است

که در آفرینش ز یک گوهرند

بنی آدم اعضاء یکدیگرند

دگر عضوها را نماند قرار

چو عضوی بدرد آورد روزگار

۱ اردیبهشت: روز بزرگداشت اقبال لاهوری

علامه محمد اقبال لاهوری (۱۲۴۷-۱۳۱۷ هـ.ش) شاعر پارسی‌گو و فیلسوف پاکستانی است که به اشعار مولوی، دلبستگی فراوانی داشت. او در راه بیداری هموطنان خویش و متحد ساختن مسلمانان جهان، تلاش فراوانی کرد و اندیشه‌های خود را در قالب شعر



فارسی ریخت. مجموعه اشعار وی، مشتمل بر تعداد زیادی قطعه، دو بیتی، رباعی، غزل، مثنوی و قصیده، به نام های اسرار خودی، رموز بی خودی، زبور عجم و ... منتشر شده است. این شاعر مسلمان و انقلابی، از زبان فارسی به عنوان «قند پارسی» یاد می کند. در روز اول اردیبهشت ۱۳۱۷ هـ ش به علت تنگی نفس و بیماری قلبی چشم از جهان فرو بست. جنازه اقبال را با مراسمی شکوهمند تشییع کردند و در لاهور به خاک سپردند.

۲ اردیبهشت: روز جهانی زمین پاک

روز جهانی زمین پاک هر ساله در ۲۲ آوریل (۲ اردیبهشت ماه) در تمام دنیا برگزار می شود و به همه ی مردم یادآوری می کند که نباید سیاره خود "زمین" را فراموش کنند.

تاریخچه این مناسبت به سال ۱۹۶۹ و زمانی باز می گردد که جان مک مونل، ایده برگزاری یک روز جهانی به نام روز زمین پاک را در همایش یونسکو درباره محیط زیست مطرح و در همان سال پرچم زمین پاک را طراحی کرد. دبیرکل سازمان ملل (۱۹۶۲ - ۱۹۷۱) از ایده مک کونل استقبال کرد و این روز به یک روز جهانی در تقویم های سراسر دنیا تبدیل شد.

در ایران نیز هم زمان با دیگر کشورهای جهان هفته زمین پاک از روز دوم اردیبهشت به مدت یک هفته در سراسر کشور برپا می شود و نخستین روز این هفته (دوم اردیبهشت ماه) به نام روز زمین پاک نامگذاری شده است. در این هفته به انسانها یادآوری می شود که به فریاد زمین رسیده و علاوه بر نریختن زباله بر روی زمین به پاکسازی آن بپردازند.

زمین پاک

کاش می شد این زمین	تا همیشه پاک بود	جای پای سبزه ها	در دل هر خاک بود
کاش می شد جای بوق	چه چه بلبل شنید	توی قاب پنجره	عکس باغ و سبزه دید
کاش می شد آسمان	آبی و بی دود بود	جای ماهی های ناز	در میان رود بود
کاش می شد در هوا	عطر گلها را چشید	با پر پروانه ها	تا به زیبایی رسید
کاش می شد این زمین	از کثیفی دور بود	تا که این دنیای ما	روشن و پر نور بود

زمین پاک (داستان): یکی بود یکی نبود، غیر از خدای مهربون هیچکس نبود. خدای بزرگ کره ی زمین را آفرید تا انسان بتواند به خوبی در آن زندگی کند.

کره ی زمین یک کره بسیار بزرگ و سرسبز با آب فراوان و تمیز و بدون هیچ آشغال و آلودگی بود. بچه ها! زمین خیلی دست و دل باز بود، آنقدر که پس از آفرینش انسان، خاک، آب و دشت، کوه و جنگل و هر چه که در خودش داشت را در اختیار انسانها گذاشت تا انسانها بخوبی از آن استفاده کنند.

بیچاره زمین، فکر می کرد که آدمها دوستش دارند، چشم که باز کرد و به خودش آمد، دید که بدجوری تنش درد می کنه، چون روی تنش پر از زخم و چاله چوله شده بود و انسانها آبهای پاک و نیلگونش را که با خون دل جمع کرده بود خشک و آلوده کرده اند، درختانش را بریده و بغل بغل می بردند و رویش را با زباله و فاضلابها آلوده کرده اند، به گونه ای که وقتی خودش را توی آینه دید، دیگر خودش را هم نشناخت. زمین آنقدر از درد و آلودگی آه و ناله کرد تا اینکه دسته ای از انسانهای خوب صدای آه و ناله ی او را شنیدند و دلشان برای زمین و خودشان سوخت و با خود گفتند اگر زمین آلوده و کثیف شود ما هم بیمار می شویم و اگر زمین نابود شود، ما هم نابود می شویم. تا اینکه انسانها تصمیم گرفتند روزی را بنام زمین پاک انتخاب کنند و در این روز، به همه ی انسانهای روی زمین یادآوری کنند که زمین در خطر است و به فریادش برسیم.

بله بچه ها! همه ما باید زمین را دوست داشته باشیم و در حفظش کوشش کنیم تا محیطی مناسب برای زندگی داشته باشیم.



۱۰ اردیبهشت: روز ملی خلیج فارس

این خلیج با وسعت ۲۲۵/۰۰۰ کیلومتر مربع نام دریایی است، بین ایران و شبه جزیره عربستان که به طول ۹۰۰ کیلومتر از اروندرود تا تنگه هرمز - دهانه اتصال به دریای عمان - امتداد یافته است. عرض این تنگه بین ۸۰ الی ۳۰۰ کیلومتر است و عمق آن به ندرت از ۹۰ متر تجاوز می کند. سواحل ایرانی خلیج فارس دارای کوههای آهکی یا ماسه سنگی، و سواحل باریک و شنی است. برخی از بخشها نیز مزروع بوده، دارای نخلستانهایی می باشد. رودهای عمده ای که به طور مستقیم و غیرمستقیم از ایران به خلیج فارس می ریزند، عبارتند از: کرخه، دز، کارون، جراحی - به طور غیرمستقیم - و رودهای هندیجان، اروندرود، مند، خمیر و رود شور - به طور مستقیم - و رود بهمشیر تنها رودی است که به طور مستقل به خلیج فارس می ریزد.

نواحی ساحلی خلیج فارس، از شمال غرب به جنوب شرق، عبارتند از:

آبادان، بندر امام خمینی (و ماهشهر)، بوشهر (مشمتمل بر بندرهای دیلم، گناوه، ریگ، بوشهر، جزیره و بندر خارک، نواحی دشتستان، تنگستان و دشتی)، بندر لنگه (مشمتمل بر بندر چارک، لنگه و کیش)، و بندرعباس (مشمتمل بر بندر خمیر، بندرعباس و جزیره قشم - بزرگترین جزیره خلیج فارس).

این خلیج به دلیل قرار گرفتن در میان کشورهای نفت خیز خاورمیانه، دارای موقعیت سوق الجیشی و استراتژیکی است؛ به گونه ای که از قرنهای قبل مورد طمع استعمارگران شرق و غرب بوده است. در حال حاضر نیز آمریکا و هم پیمانانش هر چند گاه یک بار به بهانه واهی حمایت از کشورهای وابسته ای نظیر عربستان، کویت و ... با ناوهای هواپیمابر خود، در عرصه پهناور این آبها ظاهر می شوند، اما هر بار در اثر مقاومت دلیرانه جان بر کفان جمهوری اسلامی و مبارزات سیاسی رهبران مسلمان، مجبور به ترک منطقه می شوند.

روز ملی خلیج فارس: روز ملی خلیج فارس با تصویب شورای عالی انقلاب فرهنگی به تقویم ایران اضافه شد. شورای عالی انقلاب فرهنگی با توجه به هدف قرار دادن هویت فرهنگی و تاریخی ملت ایران از سوی ایادی استکبار جهانی به خصوص برخی از کشورهای همسایه و تلاش آنان برای تحریف نام تاریخی خلیج فارس، به پیشنهاد شورای فرهنگ عمومی، روز اخراج پرتغالی ها از تنگه هرمز را به عنوان روز ملی خلیج فارس نامگذاری کرد.

۱۲ اردیبهشت: شهادت استاد مطهری

پیامبر اعظم (ص): «جنندگان زمین و ماهیان دریا و هر جاندار در هوا و همه آسمانیان و زمینیان برای معلم «خوبی» ها، از خداوند آموزش می خواهند». (بحار الانوار، ج ۲، ص ۱۷).

امام امیر مومنان علی (ع): «به احترام پدر و معلم خود، از جای برخیز، اگر چه فرمانروا باشی» (غرر الحکم، ص ۱۵۶)

شخصیت استاد شهید آیت اله مطهری: استاد شهید آیت اله مرتضی مطهری در فریمان مشهد متولد شد، ابتدا در حوزه علمیه مشهد سپس در قم به تحصیل پرداخت، از آبان ۱۳۳۴ در دانشکده معقول و منقول به تدریس پرداخت. استاد احاطه کامل به حکمت و فلسفه و عرفان و فقه و ... داشتند و اشارات و شفای بوعلی را در دوره دکتری تدریس می کردند، در جریان ۱۵ خرداد ۴۲ دستگیر و زندانی شد.

در جریان انقلاب جزو اعضای شورای انقلاب بود، پس از پیروزی انقلاب نیز در شورای انقلاب و تدریس و تحقیق متون علمی و ادبی به فعالیت ادامه داد. سرانجام در دوازدهم اردیبهشت ۱۳۵۸ بدست گروه فرقان شهید شد، از استاد مطهری بیش از ۵۰ جلد کتاب ارزنده به یادگار مانده است.



استاد مطهری معلمی بود که روزگاری چند در برج طلعت این نسل درخشید و چون شمشیری داغ بی‌آنکه از خرق عادات و رسوم و خرافات عوام و خواص بهراسد، معضلات و شبهات را درنوردید.

استاد شهید مرتضی مطهری یکی از بارزترین، موفق‌ترین و پیشروترین متفکران اسلامی در عصر جدید است که در گسترده‌گی فکر، درک زمان، شناخت مسائل فکری، توجه به واقعیات و آشنایی با مبانی دینی سرآمد هم‌عصران خویش بود. او توانست عمر پربرکت خود را در راه شناخت عمیق اسلام و شناساندن این مکتب حیات بخش از زوایای مختلف به شیفتگان علوم و معارف اسلامی و مبارزه سرسختانه با کجروی‌ها و انحرافات صرف نماید. بدین جهت حق عظیمی بر مسلمانان به ویژه نسل انقلاب دارد و به حقیقت، الگویی وارسته و موفق برای نسل جستجوگر عصر ماست.

بدون شک استاد مطهری جایگاه ویژه‌ای در تاریخ معاصر ایران دارد، از آن جهت که با اشراف خاصی که بر شریعت اسلامی و اصول حاکم بر آن داشت، توانست ایمان دینی را به گونه‌ای ارائه کند که از هر جهت پاسخگوی معضلات بشر عصر کنونی باشد. گرچه جامعیت شخصیت استاد مطهری فراتر از آن است که بتوان او را به راحتی شناخت و شناساندن او نیز آسان نخواهد بود، ولی چه باید کرد که دم فروبستن و لب تشنه از کنار اقیانوس شخصیت او گذشتن نیز کاری خردمندانه نیست، چرا که روزگار ما به شناخت اسوه‌هایی چون شهید مطهری به شدت نیازمند است.

در قلمرو پرورش توانایی‌ها و شایستگی‌های بشر، دو نوع مربی و معلم مورد نیاز است که این استعدادها را بارور سازد. یکی معلم گفتار و بیان که از طریق آموزش، درهای معرفت و دانش را به روی انسان بگشاید و دیگری، معلم الگو و اسوه که رفتار و کردار او، راه و رسم زندگی را ترسیم کند و دست انسان را گرفته و به مراحل کمال برساند.

استاد مطهری هم استاد بیان و قلم بود و هم سرمشق زندگی از نظر رفتار. وی در دوازدهم جمادی الثانی سال ۱۳۳۸ هجری قمری مطابق با سیزدهم بهمن ماه سال ۱۲۹۹ شمسی در خانواده‌ای مذهبی به دنیا آمد. مادر استاد درباره عنایت الهی قبل از تولد او گفته است: «دوماه قبل از تولد مرتضی، شبی در خواب دیدم محفلی نورانی است و تمام زنان محل در مسجد اجتماع کرده‌اند. ناگاه بانویی محترم وارد شد و دو زن نیز همراه او بودند که بر اهل مسجد گلاب می‌پاشیدند. چون نوبت به من رسید به آنان فرمود: سه بار گلاب بپاشید. از او دلیل آن را جویا شدم. با خوشرویی پاسخ داد: به خاطر آن جنینی که در رحم داری، چنین کاری لازم بود، زیرا او آینده‌ای درخشان خواهد داشت و به جامعه اسلامی خدمات عظیم و گسترده‌ای خواهد کرد.»

استاد مطهری در طول عمر برای پدر و مادر احترام خاصی قائل بود. رهبر معظم انقلاب در این خصوص می‌فرماید: «پدر شهید مطهری جزو روحانیونی بود که از جنبه معنوی و زهد و تقوا یک فرد ممتاز بود. استاد عمیقاً به پدرشان ارادت می‌ورزیدند و احترام پدرش را در حد زیاد و کم‌نظیر نگه می‌داشت. بارها اتفاق افتاده بود، در جلساتی که در مشهد با آقای مطهری داشتیم، پدر ایشان هم حضور داشت. ایشان در مقابل پدرشان به شدت مؤدب برخورد می‌کرد و این حاکی از این بود که عمیقاً برای پدرشان احترام قائل بودند.»

تاریخ زندگی علمای ما نشان داده است که آنان بهترین رفتار و سلوک را با همسران و خانواده خویش داشته‌اند. شهید مطهری چون قصد ازدواج داشت، از دختر آیت الله روحانی در مشهد خواستگاری کرد. دختر آن عالم بزرگوار بعد از آن به عقد شهید مطهری درآمد و بدینگونه ستاره سعادت بر بام زندگی‌اش طلوع کرد.

شهید مطهری با تشکیل خانواده به قم بازگشت و زندگی جدید را با شرایط سخت اقتصادی آغاز کرد. همسر آن حکیم فرزانه می‌گوید: «استاد مطهری معنویتی از خود باقی گذاشت و رفت. تقوای شگفتی داشت. در مدت بیست و شش سالی که با ایشان زندگی کردم، در تمام طول شبانه‌روز، نیم ساعت بی‌وضو نبود.



او هرگز از حوادث پروایی نداشت و در کارها به خدا توکل می کرد. از غیبت و دروغ شدیداً احتراز می نمود. و در نظافت دقت کافی داشت و همیشه جمله ای را قرائت می کرد و آن این که "در همه حال بدانید که بنده خدایید و در کارها ناظر اعمالتان است و بازگشت شما به سوی اوست".

همسر شهید مطهری می افزاید: «بسیار مؤدب و فروتن بود. برای من همسری مهربان و برای فرزندان پدري فداکار محسوب می گشت و در بعضی مواقع در اثر شدت کار و فشار تلاش های فکری، اعتراف می کرد خسته ام و سرم گیج می رود. ولی با خوشرویی و قیافه ای بشاش به گفته ما گوش می داد. و من و فرزندان را راهنمایی می کرد. به حق می توان گفت: او معلم زندگی ما بود.»

همسر شهید می گوید: «همیشه با حالت تواضع و آرامش با من رفتار می کرد. با صدایی متین و چهره ای خندان، به طوری که با ارادت و عشق خاصی کار می کرد و علاقه شدید ایشان به من و محبت هایی که می کرد، به من در انجام کارها رغبت و شوق عجیبی می بخشید. مطهری مراد خانواده بود و افراد خانواده مریدش بودند. محیط خانه را چنان مساعد ساخته بود که فرزندان، متقی پرورش یابند. تاثیر رفتار پدر در فرزندان، آنها را راهیان راه پدر و سالکان طریق حق ساخته است.»

در برابر مشکلات، سخت بردبار بود و با دشوارترین مسایل به آسانی برخورد می کرد و با لبخندی مسرت آمیز در مقابل مشکلات می گفت: «چیزی نیست، به زودی برطرف می شود.»

ویژگیهای معنوی: انسان می تواند به وسیله کنترل غرائز خویش و مخالفت با هوای نفس به کمالات روحی دست یابد و از اخلاق انسانی و اسلامی بهره مند گردد. بشر در اثر کمالات روحی می تواند بسیاری از مشکلات خود و دیگران را به آسانی برطرف سازد. رهبر معظم انقلاب درباره استاد شهید فرموده اند:

«مرحوم مطهری یک مرد اهل عبادت، تسویه، تزکیه اخلاق و روح بود.»

بسیاری از توفیقات مرحوم مطهری بر اثر همین حالات بود که برکات معنوی و آن حال توجه و عبادت و عرفان ایشان را موفق کرده بود. و این جنبه در ابعاد شخصیتی استاد مطهری واقعاً فصل بسیار شورانگیزی را مطرح می کند.

شهید مطهری در مدت ۲۴ سالی که در دانشگاه تهران تدریس داشت به دانشجویان توصیه می کرد که «دانشگاه به منزله مسجد است، سعی کنید بدون وضو وارد دانشگاه نشوید.» ایشان به یکی از دانشجویان فرمود: «من هیچ وقت بدون وضو وارد کلاس نمی شوم.»

اخلاص: اخلاص به معنای پاک بودن رفتار و کردار است. انسان های خردمند جز با اخلاص به پرستش نمی ایستند و جز با نیت پاک به ستایش نمی نشینند.

شهید مطهری درباره اخلاص می فرماید: «کار را برای خود کردن نفس پرستی است، کار برای خلق کردن بت پرستی است، کار برای خدا و برای خلق کردن شرک و دوگانه پرستی است، کار خود و کار خلق برای خدا کردن توحید و خداپرستی است.»

مسئله ای که در زندگی استاد مطهری وجود داشت این بود که همیشه می خواست نامش مخفی باشد و این دلیلی بود بر خلوص نیت ایشان و دور بودن از ریا، چرا که معتقد بود، کار باید انجام شود، حال به اسم هر کس، مهم هدف ماست که باید به آن برسیم.

توسل: توسل به اهل بیت که انسان را به درگاه خداوند، بزرگ و آبرومند می سازد، یکی از ویژگی های شهید مطهری بود. استاد نه تنها به اهل بیت عشق می ورزید، بلکه عشق خویش نسبت به دیگران را بر این پایه استوار کرده بود.

یکی از دوستان شهید می گوید به او عرض کردم، چرا شما فوق العاده از علامه طباطبائی تجلیل می کنید و به تعبیر «روحی فداه» (جانم فدايش) را در مورد ایشان بکار می گیرید؟ فرمود: «من فیلسوف و عارف بسیار دیده ام، ولی احترام من از ایشان به خاطر این



است که او عاشق و دل‌باخته اهل بیت است. علامه در ماه رمضان پیاده به حرم مشرف می‌شد و روزه خود را با بوسه بر ضریح مقدس حضرت معصومه (س) افطار می‌کرد، سپس به خانه می‌رفت و غذا می‌خورد. این ویژگی علامه مرا به شدت شیفته ایشان نموده است.»

دعا: استاد مطهری با دعا و نیایش رابطه خاصی داشت و دعا در زندگی پربار استاد از موقعیت ویژه ای برخوردار بود. از جمله، او مقید بود آخر روز جمعه دعا بخواند. زمانی به استاد خبر دادند یکی از دوستانش را به مدت ده سال به زندان محکوم کرده‌اند. استاد ناراحت شد و فرمود: برایم قرآن و مفاتیح بیاورید و آنگاه با توجه و معنویت خاص شروع به خواندن دعای توسل کرد.

نماز: شهید مطهری به تاسی از رهبران الهی، مقید به نماز اول وقت بود و هیچ کاری در موقع نماز، برای ایشان به اندازه نماز به موقع اهمیت نداشت.

ویژگی های شخصیتی

عزت نفس: عزت نفس که به معنای شرافت و مناعت طبع است یکی از سرمایه‌های ارزشمند انسان مؤمن است. قرآن مجید، عزت را از آن خدا، پیامبر (ص) و مومنان می‌داند. از خصوصیات مهم شخصیتی استاد این بود که از روحیه‌ای بسیار قوی برخوردار بود. او نزد ارباب زر و زور، خضوع نمی‌کرد، و تا امکان داشت، اظهار حاجت نمی‌کرد و در جمع مال و ثروت دنیا حریص نبود. گاهی می‌گفت: «من برای جمع کردن ثروت، فرصت‌هایی را از دست داده‌ام که شاید در نظر دیگران به یک نوع دیوانگی و جنون شبیه‌تر بوده است.»

نظم: نظم و برنامه داشتن، سامان دهنده زندگی و وسیله ای مؤثر برای رسیدن به اهداف بزرگ است، به گونه‌ای که رمز موفقیت مردان بزرگ به شمار می‌رود. از نکات بسیار آموزنده ای که در زندگی استاد وجود داشت، نظم در امور فردی و اجتماعی ایشان بود. او می‌خواست از لحظه لحظه عمر، بهترین استفاده را ببرد.

ایشان، دیگران را نیز به ویژه در محیط‌های علمی و دانشگاهی تشویق به برگزاری نماز اول وقت می‌کرد.

شعر: روزت مبارک

آمد، آمد دوباره، یک روز زیبا	روزی که پر شد از گل، مدرسه ی ما
روزی که شاد و زیبا، مثل بهشت است	روز دوازدهم از، اردیبهشت است
بیا با هم بخوانیم بزرگ و کوچک	معلم عزیزم روزت مبارک بابک نیک طلب

وظایف ما نسبت به معلم

امام چهارم حضرت سجاد (ع) فرمودند: دانش آموز نسبت به معلم خود چند وظیفه مهم دارد:

اول: به معلم خود بسیار احترام بگذارد.

دوم: به سخنانش خوب گوش دهد.

سوم: هنگامی که معلم صحبت می‌کند، نگاهش به طرف معلم باشد.

چهارم: حواسش را برای یاد گرفتن درس کاملاً جمع کند.

پنجم: از معلم خود سپاسگزار باشد.

ما هم از این راهنمایی‌ها پیروی می‌کنیم. معلم خود را دوست داریم و به او احترام می‌گذاریم.

آوای مدرسه گلچین ۱۰ (معلم) شاعر: مریم تیکنی

حرفهایت را شنیدم	در کلاس مهربانی	زنگ اول با تو خواندم	یک سرود آسمانی
------------------	-----------------	----------------------	----------------



شوق فرداهای دور است	در نگاه کیف و دفتر	شادمان و پر غرور است	با تو قلب کوچک من
می نشانی رنگ شادی	مثل باران روز گلها	می رسد آهنگ شادی	ای معلم از صدايت
نام خوبت هست پیدا	در میان هر کتابم	مثل جنگل مثل دریا	گاه سبزی، گاه آبی
باز یک لبخند زیبا	تا بینم در نگاهت	مشقهای هر شبم را	می نویسم خوب و خوانا

آوای مدرسه گلچین ۱۰ (معلم) شاعر: جعفر ابراهیمی

شعر: باغبان باغ فردا

شور و امید روشنایی	ای آنکه در جانم نهادی	ای مهر تو مهر خدایی	آموزگار مهربانم
شعر محبت را سرودی	در باغ زیبای دبستان	در پیش چشمانم گشودی	راهی به سوی علم و دانش
من هر چه دارم از تو دارم	بعد از خداوند توانا	ای مهربان آموزگارم	ای آشنای خوب و دانا
مانند گلها مثل باران	تو مهربان و خوب هستی	من دوستت دارم فراوان	آموزگار مهربانم

۱۸ اردیبهشت: روز صلیب سرخ

کمیته بین المللی صلیب سرخ (ICRC) سازمانی است بی طرف، بی غرض و مستقل که وظیفه منحصرأ بشردوستانه آن عبارت است از «حفاظت از زندگی و کرامت قربانیان جنگ و نیز خشونت داخلی، و یاری رسانی به آنها». کمیته بین المللی، کار هدایت و هماهنگ سازی فعالیت های امدادی نهضت را در مواقع منازعات به عهده دارد. وانگهی، تلاش می ورزد با ترویج و تقویت حقوق بین الملل بشردوستانه و اصول بشردوستانه جهانی، از بروز آلام انسانی جلوگیری کند. کمیته که در ۱۸۶۳ تأسیس شده است، منشاء نهضت بین المللی صلیب سرخ و هلال احمر است.

فدراسیون بین المللی جمعیت های صلیب سرخ و هلال احمر بر پایه اصول نهضت بین المللی صلیب سرخ و هلال احمر فعالیت می نماید تا انگیزه بخش، تسهیل کننده و ترویج گر آن باشد که فعالیت هایی که توسط جمعیت های ملی عضو آن انجام می شوند، وضعیت آسیب پذیرترین مردم را ارتقاء بخشند. فدراسیون که در سال ۱۹۱۹ تأسیس شده است، کار هدایت و هماهنگ سازی یاری های جهانی نهضت به قربانیان سوانح طبیعی و تکنولوژیک، به پناهندگان، و نیز در موقعیت های اضطراری بهداشتی، را به عهده دارد. در صحنه بین المللی، فدراسیون، نماینده رسمی جمعیت های خود می باشد. این سازمان هماهنگی میان جمعیت های ملی را ترویج می دهد و تلاش می کند تا توان آنها را در اجرای برنامه های کارآمد آمادگی سوانح، بهداشتی و اجتماعی تقویت نماید. نشان صلیب سرخ، نشان یا نشان هایی است که سازمان صلیب سرخ جهانی برای شناسایی وسایل نقلیه، اماکن، تجهیزات و لباس کارکنان و پرستاران وابسته به خود از آنها استفاده می کند.

نشان صلیب سرخ یک سال بعد از تأسیس کمیته بین المللی صلیب سرخ، در شهر ژنو در سال ۱۸۶۴ به تصویب رسید. به احترام هنری دونانت بنیانگذار کمیته جهانی که یک تاجر سویسی بود، طرح این نشان از برگردان رنگ پرچم سوئیس گرفته شده است. پس از آن در کنفرانس ژنو در سال ۱۹۰۶، تأکید شد که این نشان بدون هیچ وابستگی مذهبی و با تغییر رنگ نشان ملی و پرچم سوئیس طراحی و درست شده است و بعنوان نشان رسمی سازمان تصویب شد.

۲۵ اردیبهشت: بزرگداشت فردوسی

فردوسی (۳۲۹-۴۱۱ یا ۴۱۶ هـ. ق) به عقیده بسیاری از کارشناسان، سرآمد همه شاعران ایرانی است. وی که در طابران توس به دنیا آمده بود، یکی از دهقانان بود و زندگی مرفهی داشت، اما مال و ثروتش به تدریج از دست رفت و در پایان عمر، گرفتار فقر



شدید شد. چنانکه از گفته‌های خود وی برمی‌آید، پس از مدتی جست و جو، شاهنامه ابومنصوری (به نثر نه به شعر) را به دست آورد و حدود ۳۰ سال از عمرش را صرف به نظم درآوردن آن کرد.

شاهنامه فردوسی، نه تنها بزرگترین و پرمایه‌ترین دیوان شعری است که از عهد سامانی و غزنوی به یادگار مانده است، بلکه خزانه لغت و گنجینه فصاحت زبان فارسی نیز می‌باشد. فردوسی با وجود استفاده از کلیه صنایع ادبی، در اغلب موارد، سخن را کوتاه و از عبارت‌پردازی و توجه به صنایع لفظی اضافی پرهیز می‌کرد.

فردوسی در توصیف مناظر طبیعی، میدانهای جنگ، پهلوانان، جنگ‌های تن به تن، لشکرکشی‌ها و به ویژه در توصیف پهلوانان و نشان دادن قدرت و چالاکی آنان، دارای مهارت بسیار بالایی بود. این شاعر توانا با این همه هنرمندی و تلاش، مورد بی‌مهری سلطان محمود غزنوی واقع گردید و هنگام مرگ، دوباره دچار فقر شدیدی شد.

شعر:

بنام خداوند جان و خرد	کزین برتر اندیشه برنگذرد
خداوند نام و خداوند جای	خداوند روزی ده رهنمای
خداوند کیوان و گردان سپهر	فروزنده ماه و ناهید و مهر
زنام و نشان و گمان برتر است	نگارنده بر شده پیکرست
توانا بود هر که دانا بود	ز دانش دل پیر برنا بود

۲۸ اردیبهشت: روز بزرگداشت حکیم عمر خیام

حکیم عمر خیام نیشابوری، حکیم، فیلسوف، ریاضیدان، طیب و ستاره شناس بزرگ و دانشمند مشهور ایرانی در اواخر قرن پنجم و اوایل قرن ششم هجری است. زادگاه وی شهر نیشابور بود، اما به شهرهای توس، بلخ، بخارا، مرو و بغداد مسافرت‌هایی کرد و مراسم حج را نیز به جای آورد.

خیام به دستور ملک‌شاه سلجوقی و به کمک چند نفر از ستاره‌شناسان روزگار خود، تقویم را اصلاح کرد و آن را بر مبنای علمی تازه‌ای تنظیم نمود (تقویم جلالی). تقویم فعلی ایران، بر پایه تقویم جلالی استوار است.

کتاب «نوروزنامه» به خیام نسبت داده شده است، اما او آثار علمی خود را به عربی، تألیف می‌کرد و اندیشه‌ها و افکار فلسفی‌اش را در قالب اشعاری کوتاه به نام رباعی می‌سرود. رباعیات خیام مدتهاست که به زبان خارجی (به ویژه انگلیسی) ترجمه شده و او را تبدیل به یک چهره جهانی-مخصوصاً در غرب - کرده است.

عمر خیام در سال ۵۱۷ هجری در شهر نیشابور، وفات یافت و آرامگاه شکوهمندش، همه روزه مورد بازدید ادب‌دوستان قرار می‌گیرد.

آثار خیام عبارتند از: روضة القلوب - رساله وجود - رساله‌ای در طبیعیات و فلسفه.

رباعیات خیام، به زبان انگلیسی، به زبان فرانسه، به زبان اردو، به زبان آلمانی، به زبان عربی، به زبان ایتالیایی، به زبان ترکی و روسی، و به زبان‌های دانمارکی، سوئدی و ارمنی ترجمه شده است.

مقام علمی خیام، وقتی معلوم شد که کتاب «جبر و مقابله» او برای نخستین بار در پاریس به چاپ رسید و به زبان فرانسه ترجمه شد و نشان داد که عمر خیام در فن جبر و مقابله بسیار چیره‌دست بوده است.

چون آب به جویبار و چون باد به دشت	روزی دگر از نوبت عمرم بگذشت .
هرگز غم دو روز مرا یاد نگشت	روزی که نیامدست و روزی که گذشت (خیام)



۱ خرداد: روز بهره‌وری و بهینه‌سازی مصرف

تعاریف صرفه جویی و اسراف: صرفه‌جویی به معنای مصرف نکردن نیست، بلکه صرفه‌جویی به معنای درست مصرف کردن، بجا مصرف کردن، ضایع نکردن مال، مصرف را کار آمد و ثمربخش کردن است. اسراف در اموال و اقتصاد این است که انسان مال را مصرف کند، بدون اینکه این مصرف اثر و کارایی داشته باشد و به عبارت دیگر مصرف بیهوده، مصرف هرز و در حقیقت هدر دادن مال است.

قرآن و روایات در فرهنگ سازی مصرف مدبّرانه:

در آیات شریفه ی قرآن بارها راجع به پرهیز از اسراف در امور اقتصادی تأکید شده است. قرآن کریم می‌فرماید: «... کُلُوا و اشربوا و لا تسرفوا انه لا یحب المسرّفين.» «بخورید و بیاشامید، ولی زیاده‌روی نکنید که او اسرافکاران را دوست نمی‌دارد» (الأعراف/۳۱) «کُلُوا من ثمره اذا اثمر و اتوا حقه یوم حصاده و لا تسرفوا انه لا یحب المسرّفين.» «چون ثمره آوردند از آنها بخورید و در روز درو، حق مستحقان را نیز بپردازید و اسراف مکنید که خدا اسرافکاران را دوست ندارد» (انعام/۱۴۱) «و اهلکنا المسرّفين» «و مسرفان را هلاک کردم» (انبیاء/۹)

اسراف آینده کشور را تهدید می‌کند. ما بندگان خدا هستیم، اینها حرف دین است و روایات فراوانی در این زمینه وجود دارد. در روایت داریم که کسی میوه ای را خورد و نیمی از میوه ماند و آن را دور انداخت: امام (ع) به او نهیب زد که اسراف کردی، چرا دور انداختی؟ / در روایات ما هست که از دانه‌ی خرما استفاده کنید. امام صادق (ع) دستور داد تا برای میهمانان خرما بیاورند، یکی از آنها پس از خوردن خرما، هسته‌ی آن را پرت می‌کرد، امام (ع) دست او را گرفت و فرمود: چنین مکن که این کار تبذیر به شمار می‌آید و خدا فساد از جمله تبذیر را دوست نمی‌دارد.

باید خودمان را اصلاح کنیم، باید الگوی مصرف جامعه و کشور اصلاح شود. ما الگوی مصرفمان غلط است. چگونه بخوریم؟ چه بخوریم؟ چه بپوشیم؟ و چه بخریم و چگونه هزینه کنیم؟ همه‌ی اینها باید اصلاح شود و مناسب با یک جامعه اسلامی عدالت محور بشود.

مصادیقی از اسراف و تبذیر در جامعه اسلامی

زمینه‌های فردی:

اسراف در خرید و مصرف نان
اسراف و تبذیر در مهمانی‌ها و غذاهای تهیه شده
اسراف در پوشاک و تلفن همراه و وسایل آرایش
اسراف و تبذیر در تجمّلات زندگی و تزئینات داخل خانه
اسراف در مسافرتها و رفت و آمدهای غیر ضروری و بیهوده
و ...

زمینه‌های ملی

اسراف در انرژی (نفت، گاز، گازوئیل، بنزین، برق و ...)
اسراف در برق (فرسوده بودن شبکه‌های ارتباطی انتقال برق، سیمهای برق و ...)



اسراف در آب (شبکه های آبرسانی و فاضلاب)

اسراف در امکانات اداری (تجملات و تزئینات اتاق کار دولت از مبلمانهای گوناگون و ...)

۳ خرداد: آزاد سازی خرمشهر در عملیات بیت المقدس و روز مقاومت، ایثار و پیروزی

سالروز فتح خرمشهر: روز دوشنبه سوم خرداد ماه ۶۱ کسی نبود که لبخند شادی و سرور بر لب نداشته باشد. کسی نبود که شور و شوق تمام وجودش را فرا نگرفته باشد. کسی نبود که اشک اشتیاق از دیدگان جاری نسازد و کسی نبود که خداوند قادر متعال را شکر نگوید؛ چرا که در چنین روزی، فتحی عظیم نصیب لشکریان توحید شده بود و آن، فتح خرمشهر بود. سوّمین مرحله عملیات پیروز بیت المقدس به قصد آزادسازی خرمشهر آغاز گشت.

این عملیات که با رمز «یا محمد بن عبدالله» شروع شد، در مراحل اولیه، با تصرف پایگاه مرزی کوشک همراه بود، همچنین ضربات سخت و هولناکی بر تیپهای ۹ و ۲۳۸ گارد مرزی دشمن وارد آمد و تعداد کثیری از مزدوران بعثی به اسارت لشکریان جبهه توحید در آمدند که در میان آنها افسران عالی رتبه رژیم بعثی نیز به چشم می خوردند.

به دنبال این پیروزی های بزرگ بود که خاکریزهای دشمن یکی پس از دیگری به تصرف قوای اسلام درآمد و فرماندهان مزدور عراقی در اوج وحشت و هراس، پی در پی فرمان عقب نشینی صادر کردند.

در ساعت شش و پانزده دقیقه بامداد روز یکشنبه، دوم خرداد ماه سال ۶۱، سپاهیان اسلام خرمشهر را به محاصره خویش درآوردند و دشمن زبون را که راهی جز فرار نداشت، با بلندگو دعوت به تسلیم کردند. تا اینکه ساعت ۹ بامداد بیش از پنج هزار نفر از قوای کفر به اسارت رزمندگان اسلام در آمدند.

روز دوشنبه قوای کفر به قصد بازپس گیری مناطق آزاد شده اقدام به پاتک نمود که با هوشیاری دلاوران اسلام، این پاتک دفع گردید و تعداد زیادی از قوای صدام کافر، کشته و زخمی و بیش از سه هزار نفر دیگر به اسارت در آمدند.

الطاف خداوند قادر، پی در پی رزمندگان خداجوی اسلام را فرا می گیرد و این امدادهای الهی لحظه به لحظه بر پیشروی ها می افزاید تا اینکه سرانجام پس از مدتها انتظار، در اوج بهت و ناباوری و سرگیجه دشمنان خونخوار اسلام و در کمال امیدواری مؤمنان به رحمت پروردگار رحیم، خرمشهر آزاد می شود.

یکی از کسانی که از نزدیک شاهد مراحل مختلف فتح و پیروزی لشکریان حق بوده، در قسمتی از خاطراتش لحظات پیشروی و فتح و ظفر را این گونه توصیف می کند:

«تدارک آزادی خرمشهر از عملیات بیت المقدس پی ریزی شده بود، این عملیات ترس و وحشت عجیبی بر دل عراقی ها افکنده بود. با وجودی که دشمن برای نگهداری خرمشهر مرتب دست به ضد حمله می زد، ولی این ضد حمله ها در اراده پولادین رزمندگان اسلام هیچ گونه خللی به وجود نیاورده و دشمن زبون در هر ضد حمله با تعداد زیادی کشته و مجروح و از دست دادن مقادیری مهمات و سلاح به عقب می نشست. واحد آر - پی - جی ۷ سپاهیان اسلام امان دشمن را بریده بود. در آن روزها همه چیز حکایت از پیروزی بزرگ می کرد. طوفان شوق سراپای وجود همه رزمندگان را فرا گرفته بود. هیچ نیرویی قادر نبود در مقابل این نیروی الهی ایستادگی کند.

روزها به سرعت می گذشتند و فاصله رزمندگان اسلام لحظه به لحظه به خرمشهر کمتر می شد. مزدوران بعثی می خواستند به هر نحو شده خرمشهر را از دست ندهند، چون که می دانستند خرمشهر تعیین کننده سرنوشت جنگ است، به همین دلیل در اطراف شهر خاکریزهایی به ارتفاع چند متر احداث کرده بودند و صدام بهترین نفرات خود را به خرمشهر فرستاده بود.



عراق فکر می‌کرد با مقاومت، کاری از دستش ساخته است. فرماندهان عراقی مرتب سربازان را تهدید می‌کردند که در شهر بمانند، ولی ساعت به ساعت فشار رزمندگان اسلام بر روی مزدوران بیشتر می‌شد. لشکریان اسلام قبل از ورود به خرمشهر، شهرک ولی عصر را که پس از ورود قوای کفر به مرز شلمچه محل استراحت آنان شده بود از لوٹ وجود صدامیان کثیف پاک سازی کردند و این شهرک عرب‌نشین را از دست دشمن خارج ساختند. نزدیکی‌های ظهر، نیروهای اسلام دسته دسته از شمال شهر وارد خرمشهر شدند و از فلکه راه آهن پا به داخل شهر گذاشتند. جنگ خیابانی و تن به تن آغاز گشت.

عده‌ای از مزدوران هنوز در محوطه بندر و گمرک دفاع می‌کردند، اما در عرض کمتر از چند ساعت فلکه راه آهن و محوطه‌های اطراف کلاً آزاد شد. همان فلکه‌ای که روزهای اول مهرماه ۵۹ جوانان خرمشهری در آنجا با کوکتل مولوتف جلوی تانکهای عراق ایستاده بودند، ولی این دفعه وضع فرق می‌کرد، این دفعه لشکر پیروز و ظفرمند، دلاوران اسلام بودند.

این دفعه لشکریان اسلام با رشادت خود درسی به صدامیان دادند که هیچوقت خیال تجاوز به میهن اسلامی ایران به سرشان نزنند. یکی از هلیکوپترهای عراقی که آمده بود از محوطه بندر، فرماندهان عراقی را فراری دهد، در اثر شلیک گلوله‌های سلحشوران ایرانی در محوطه بندر سقوط کرد و عده‌ای از مزدوران از ترس، خود را به آب انداخته بودند تا از طریق شط به آن سوی مرز فرار کنند. در بعد از ظهر دوشنبه ۳ خرداد ماه، دلاوران اسلام از مسجد جامع خرمشهر صدای الله اکبر را به گوش رسانیدند.

از فراز مناره مسجد صدای اذان به آن سوی شهر می‌رفت و شهری که ۱۹ ماه در اسارت بود اکنون سرود آزادی می‌خواند و فرزندان را پس از مدتها دوری در دل خود جای می‌داد و اشک شوق می‌ریخت. دشمنان اسلام و انقلاب با تکیه به محاسبات غلط مادی و غفلت و فراموشی از ماورای ماده، شهر خرمشهر را فتح ناشدنی می‌دانستند و مغزهای کثیف‌شان جز ذلت و شکست را برای قوای اسلام تخمین نمی‌زد، لیکن باردیگر دست پر مهر و توانای حضرت حق بر سر این ملت خداجو قرار گرفت، و همه مخالفان و دشمنان اسلام در سراسر جهان را از بهت و سرگیجه انگشت به دهان ساخت.

امام خمینی(ره) درباره توجه خاص حضرت حق در فتح خرمشهر و ارتباط این مسأله با جهان ماوراء الطبیعه چنین فرمودند: «فتح خرمشهر، یک مسأله عادی نبود، اینکه پانزده الی بیست هزار نفر به صف برای اسارت یابند و تسلیم شوند، مسأله عادی نیست، بلکه مافوق طبیعت است».

۵ خرداد: درگذشت اذان گوی پر آوازه استاد رحیم موزن زاده اردبیلی

رحیم موزن زاده اردبیلی (زاده ۱۳۰۴ در اردبیل - درگذشت ۵ اردیبهشت ۱۳۸۴) گوینده اذان ایرانی مشهور و تاریخی جهان اسلام است. این اذان در سال ۱۳۳۴ در استودیو یک رادیو ضبط شد. در سال ۱۳۸۷ شمسی اذان مرحوم رحیم موزن زاده اردبیلی اثر ملی معنوی شناخته شد. اذان‌هایی که توسط او خوانده شده‌است، هنوز به عنوان زیباترین اذان‌های موجود در رسانه‌های صوتی و تصویری ایران پخش می‌گردد. پدر او شیخ عبدالکریم موزن زاده نیز تا سال ۱۳۲۴ در رادیو اذان می‌گفته‌است. برادر او نیز سلیم موزن زاده اردبیلی، مداح و نوحه خوان بزرگ اهل بیت است.

شعر:

وقت اذان است، گلها می‌خندند	پشت سر سرو، قامت می‌بندند
سنبلی می‌گوید، الله اکبر	لاله می‌خواند، سوره را از بر.
نرگس در رکوع، گل می‌دهد باز	کوکب در سجده، غرق در نیاز.
دستان سوسن، رو به قنوت است	وقت تشهد، بر سمت دوست است.
هنگام سلام، گلها یک رنگند	وقت اذان است، گلها می‌خندند.



۱۱ خرداد: بزرگداشت طبیب و شیمیدان ایرانی محمد زکریای رازی

رازی در ماه شعبان سال ۲۵۱ هجری در شهر ری دیده به جهان گشود؛ در همان شهر به تحصیل علوم ریاضی، نجوم، فلسفه و ادبیات پرداخت؛ سپس علم طب را نیز آموخت و از زبده ترین اطباء تاریخ اسلام گردید؛ به طوری که در میان غیر مسلمانان نیز مشهور شد. اکنون نیز محمدبن زکریای رازی در نزد همه جهانیان شناخته شده و مشهور است.

رازی، کارهای بزرگی در علم شیمی و پزشکی و علوم دیگر انجام داد و اکتشافات مهمی کرد که از جمله آنها کشف و تهیه الکل و برخی اسیدها می باشد. وی در فلسفه و ریاضیات نیز تبحر داشت، ولی در علم پزشکی و شیمی بیشتر معروف است.

پس از اینکه در علم طب شهرت یافت، به خدمت «ابوصالح منصور بن اسحاق سامانی» درآمد و از این طریق ریاست بیمارستانی را که در آن شهر تأسیس شده بود، به عهده گرفت، بعدها به بغداد رفت و در آنجا به طبابت مشغول شد.

کتابهایی را که رازی در علم پزشکی و شیمی نوشته است به قدری اهمیت دارد که اروپایی ها آنها را به زبان خویش ترجمه کردند و تا قرن ۱۷ میلادی، کتابهای پزشکی او را به عنوان کتب اصلی به دانشجویان علوم پزشکی درس می دادند. رازی در شهر ری درگذشت و کنار مرقد حضرت عبدالعظیم حسنی به خاک سپرده شد.

۱۴ خرداد: ارتحال ملکوتی امام خمینی (ره)

و انتخاب حضرت آیت اله خامنه ای به رهبری نظام جمهوری اسلامی ایران

در تاریخ ملتها، شخصیهایی وجود دارند که به لحاظ علمی، سیاسی، هنری و عوامل دیگر، و تأثیری که در عظمت و قدرت مکتب و میهن خود داشته اند مورد احترام ملت خود و یا مردم سراسر جهان قرار گرفته اند و از آنها تحت عنوان مشاهیر ملی یا جهانی نام برده می شود.

انقلاب اسلامی ما نیز مرهون تلاش مردان بزرگی است که همه وجود خود را وقف پیروزی انقلاب کردند.

امام خمینی، آیت اله روح الله موسوی: (۱۲۷۹ هـ. ش) رهبر انقلاب اسلامی در ۲۰ جمادی الثانی ۱۳۲۰ هجری قمری مصادف با سالروز تولد بانوی بزرگوار اسلام حضرت فاطمه علیها السلام در شهر خمین متولد شدند. او وارث سجایای آباء و اجدادی بود که نسل در نسل در کار هدایت مردم و کسب معارف الهی کوشیده اند. پدر بزرگوار امام خمینی مرحوم آیت اله سید مصطفی موسوی از معاصرین مرحوم آیت اله العظمی میرزای شیرازی (رض)، پس از آنکه سالیانی چند در نجف اشرف علوم و معارف اسلامی را فرا گرفته و به درجه اجتهاد نایل آمده بود، به ایران بازگشت و در خمین ملجاء مردم و هادی آنان در امور دینی بود. در حالیکه بیش از ۵ ماه از ولادت روح الله نمی گذشت، طاغوتیان و خوانین تحت حمایت عمال حکومت وقت ندای حق طلبی پدر را که در برابر زورگوئیهایشان به مقاومت برخاسته بود، با گلوله پاسخ گفتند و در مسیر خمین به اراک وی را به شهادت رساندند. بستگان شهید برای اجرای حکم الهی قصاص به تهران (دار الحکومه وقت) رهسپار شدند و بر اجرای عدالت اصرار ورزیدند تا قاتل قصاص گردید. بدین ترتیب امام خمینی از اوان کودکی با رنج یتیمی آشنا و با مفهوم شهادت روبرو گردید. وی دوران کودکی و نوجوانی را تحت سرپرستی مادر مؤمنه اش (بانو هاجر) که خود از خاندان علم و تقوا و از نوادگان مرحوم آیت الله خوانساری (صاحب زبده التصانیف) بوده است. همچنین نزد عمه مکرمه اش (صاحبه خانم) که بانویی شجاع و حقجو بود، سپری کرد اما در سن ۱۵ سالگی از نعمت وجود آن دو عزیز نیز محروم گردید.

دروس مقدماتی را در خمین آموخته و در ۱۹ سالگی به اراک رفته و تحصیلات دینی را ادامه دادند، در ۱۳۴۰ هـ. ق به قم رفتند و در محضر آیت الله حائری (مؤسس حوزه علمیه قم) تحصیلات عالیه را به پایان برده و در ۲۷ سالگی به درجه اجتهاد نائل آمدند.



به دنبال وقایع ۱۵ خرداد ۴۲ هـ.ش در ۱۳ آبان ۱۳۴۳ هـ.ش به ترکیه تبعید شدند. سپس در نجف اشرف رهبری انقلاب را در تبعید به عهده گرفته و پس از هجرت به پاریس در ۱۲ بهمن به میهن اسلامی مراجعت و در ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ انقلاب را به پیروزی رساندند. امام خمینی در ساعت ۲۳ و بیست دقیقه ۱۳ خرداد ۱۳۶۸ دار فانی را وداع گفتند. ایشان کتب و نوشته‌های زیادی در مورد فقه و عرفان و فلسفه دارند، اشعار عارفانه ایشان نیز زبانزد خاص و عام می‌باشد.

رحلت امام خمینی (وصال یار، فراق یاران)

امام خمینی اهداف و آرمانها و هر آنچه را که می‌بایست ابلاغ کند، گفته بود و در عمل نیز تمام هستیش را برای تحقق همان اهداف به کار گرفته بود. در آستانه نیمه خرداد سال ۱۳۶۸ خود را در آماده ملاقات عزیزی می‌کرد که تمام عمرش را برای جلب رضای او صرف کرده بود و قامتش جز در برابر او، در مقابل هیچ قدرتی خم نشده، و چشمانش جز برای او گریه نکرده بود. سروده‌های عارفانه‌اش همه حاکی از درد فراق و بیان عطش لحظه وصال محبوب بود. و اینک این لحظه شکوهمند برای او، جانکاه و تحمل‌ناپذیر برای پیروانش، فرا می‌رسید. او خود در وصیتنامه‌اش نوشته است: با دلی آرام و قلبی مطمئن و روحی شاد و ضمیری امیدوار به فضل خدا، از خدمت خواهران و برادران مرخص و به سوی جایگاه ابدی سفر می‌کنم و به دعای خیر شما احتیاج مبرم دارم و از خدای رحمن و رحیم می‌خواهم که عذرم را در کوتاهی خدمت و قصور و تقصیر پذیرد و از ملت، امیدوارم که عذرم را در کوتاهی‌ها و قصور و تقصیرها بپذیرند و با قدرت و تصمیم و اراده به پیش بروند.

شگفت آنکه امام خمینی در یکی از غزلیاتش که چند سال قبل از رحلت سروده است:

سالها می‌گذرد حادثه‌ها می‌آید. انتظار فرج از نیمه خرداد کشم.

ساعت ۲۰ / ۲۲ بعد از ظهر روز شنبه سیزدهم خرداد ماه سال ۱۳۶۸ لحظه وصال بود. قلبی از کار ایستاد که میلیونها قلب را به نور خدا و معنویت احیاء کرده بود. به وسیله دوربین مخفی‌ای که توسط دوستان امام در بیمارستان نصب شده بود روزهای بیماری و جریان عمل و لحظه لقای حق ضبط شده است. وقتی که گوشه‌هایی از حالات معنوی و آرامش امام در این ایام از تلویزیون پخش شد، غوغایی در دلها بر افکند که وصف آن جز با بودن در آن فضا ممکن نیست. لبها دائما به ذکر خدا در حرکت بود. در آخرین شب زندگی و در حالی که چند عمل جراحی سخت و طولانی در سن ۸۷ سالگی تحمل کرده بود و در حالیکه چندین سرم به دستهای مبارکش وصل بود، نافله شب می‌خواند و قرآن تلاوت می‌کرد. در ساعات آخر، طمانینه و آرامشی ملکوتی داشت و مرتباً شهادت به وحدانیت خدا و رسالت پیامبر اکرم (ص) را زمزمه می‌کرد و با چنین حالتی بود که روحش به ملکوت اعلیٰ پرواز کرد. وقتی که خبر رحلت امام منتشر شد، گویی زلزله‌ای عظیم رخ داده است، بغض‌ها ترکیب و سرتاسر ایران و همه کانونهایی که در جهان با نام و پیام امام خمینی آشنا بودند، یکپارچه گریستند و بر سر و سینه زدند. هیچ قلم و بیانی قادر نیست ابعاد حادثه را و امواج احساسات غیر قابل کنترل مردم را در آن روزها توصیف کند.

مردم ایران و مسلمانان انقلابی، حق داشتند اینچنین ضجه کنند و صحنه‌هایی پدید آورند که در تاریخ نمونه‌ای بدین حجم و عظمت برای آن سراغ نداریم. آنان کسی را از دست داده بودند که عزت پایمال شده‌شان را باز گردانده بود، دست شاهان ستمگر و دستهای غارتگران آمریکایی و غربی را از سرزمین شان کوتاه کرده بود، اسلام را احیاء کرده بود، مسلمین را عزت بخشیده بود، جمهوری اسلامی را بر پا کرده بود، رو در روی همه قدرتهای جهانی و شیطانی دنیا ایستاده بود و ده سال در برابر صدها توطئه براندازی و طرح کودتا و آشوب و فتنه داخلی و خارجی مقاومت کرده بود و ۸ سال دفاعی را فرماندهی کرده بود که در جبهه مقابلش دشمنی قرار داشت که آشکارا از سوی هر دو قدرت بزرگ شرق و غرب حمایت همه‌جانبه می‌شد. مردم، رهبر محبوب و مرجع دینی خود را از دست داده بودند.



مردم ایران عاشق امام خمینی بودند و چه شعار زیبا و گویایی در سالگرد رحلتش انتخاب کرده بودند که: **عشق به خمینی عشق به همه خوبیهاست.**

روز چهاردهم ۱۳۶۸، مجلس خبرگان رهبر تشکیل گردید و پس از قرائت وصیتنامه امام خمینی توسط حضرت آیت الله خامنه‌ای که دو ساعت و نیم طول کشید، بحث و تبادل نظر برای **تعیین جانشینی امام خمینی** و رهبر انقلاب اسلامی آغاز شد و پس از چندین ساعت **سرانجام حضرت آیه الله خامنه‌ای (رئیس جمهور وقت) که خود از شاگردان امام خمینی - سلام الله علیه - و از چهره‌های درخشان انقلاب اسلامی و از یاوران قیام ۱۵ خرداد بود و در تمام دوران نهضت امام در همه فراز و نشیب‌ها در جمع دیگر یاوران انقلاب جانبازی کرده بود، به اتفاق آراء برای این رسالت خطیر برگزیده شد.** سالها بود که غربی‌ها و عوامل تحت حمایتشان در داخل کشور که از شکست دادن امام مأیوس شده بودند وعده زمان مرگ امام را می‌دادند.

اما هوشمندی ملت ایران و انتخاب سریع و شایسته خبرگان و حمایت فرزندان و پیروان امام همه امیدهای ضد انقلاب را بر باد داد و نه تنها رحلت امام پایان راه او نبود، بلکه در واقع عصر امام خمینی در پهنه‌ای وسیع‌تر از گذشته آغاز شده بود. مگر اندیشه و خوبی و معنویت و حقیقت می‌میرد؟ روز و شب پانزدهم خرداد ۶۷، میلیون‌ها نفر از مردم تهران و سوگوارانی که از شهرها و روستاها آمده بودند، در محل مصلاي بزرگ تهران اجتماع کردند تا برای آخرین بار با پیکر مطهر مردی که با قیامش قامت خمیده ارزش‌ها و کرامت‌ها را در عصر سیاه ستم استوار کرده و در دنیا نهضتی از خدا خواهی و بازگشت به فطرت انسانی آغاز کرده بود، وداع کنند.

هیچ اثری از تشریفات بی‌روح مرسوم در مراسم رسمی نبود. همه چیز، بسیجی و مردمی و عاشقانه بود. پیکر پاک و سبزپوش امام بر بالای بلندی و در حلقه میلیون‌ها نفر از جمعیت ماتم‌زده چون نگینی می‌درخشید. هر کس به زبان خویش با امامش زمزمه می‌کرد و اشک می‌ریخت. سرتاسر اتوبان و راههای منتهی به مصلی مملو از جمعیت سیاهپوش بود.

پرچمهای عزا بر در و دیوار شهر آویخته و آوای قرآن از تمام مساجد و مراکز و ادارات و منازل به گوش می‌رسید. شب که فرا رسید هزاران شمع به یاد مشعلی که امام افروخته است، در بیابان مصلی و تپه‌های اطراف آن روشن شد. خانواده‌های داغدار گرداگرد شمع‌ها نشسته و چشمانشان بر بلندای نورانی دوخته شده بود.

فریاد «یا حسین» بسیجیان که احساس یتیمی می‌کردند و بر سر و سینه می‌زدند، فضا را عاشورایی کرده بود. باور اینکه دیگر صدای دلنشین امام خمینی را در حسینیه جماران نخواهند شنید، طاقتها را برده بود. مردم شب را در کنار پیکر امام به صبح رسانیدند. در نخستین ساعات بامداد شانزده خرداد، میلیون‌ها تن به امامت آیت الله العظمی گلپایگانی (ره) با چشمانی اشکبار بر پیکر امام نماز گذاردند.

انبوه جمعیت و شکوه حماسه حضور مردم در روز ورود امام خمینی به کشور در ۱۲ بهمن ۱۳۵۷ و تکرار گسترده‌تر این حماسه در مراسم تشییع پیکر امام، از شگفتی‌های تاریخ است. خبرگزاری‌های رسمی جهانی جمعیت استقبال‌کننده را در سال ۱۳۵۷ تا ۶ میلیون نفر و جمعیت حاضر در مراسم تشییع را تا ۹ میلیون نفر تخمین زدند و این در حالی بود که طی دوران ۱۱ ساله حکومت امام خمینی، به واسطه اتحاد کشورهای غربی و شرقی در دشمنی با انقلاب و تحمیل جنگ ۸ ساله و صدها توطئه دیگر آنان، مردم ایران سختی‌ها و مشکلات فراوانی را تحمل کرده و عزیزان بی‌شماری را در این راه از دست داده بودند و طبعاً می‌بایست به تدریج خسته و دل‌سرد شده باشند، اما هرگز این چنین نشد. نسل پرورش یافته در مکتب الهی امام خمینی به این فرموده امام ایمان کامل داشت که: در جهان حجم تحمل زحمت‌ها و رنج‌ها و فداکاری‌ها و جان‌نثاری‌ها و محرومیت‌ها، مناسب حجم بزرگی



مقصود، ارزشمندی و علو رتبه آن است. پس از آنکه مراسم تدفین به علت شدت احساسات عزاداران امکان ادامه نیافت، طی اطلاعیه‌های مکرر از رادیو اعلام خواهد شد که مردم به خانه‌هایشان بازگردند، مراسم به بعد موکول شده و زمان آن بعدا اعلام شد. برای مسئولین تردیدی نبود که هر چه زمان بگذرد، صدها هزار تن از علاقه‌مندان دیگر امام که از شهرهای دور راهی تهران شده‌اند نیز بر جمعیت تشییع‌کننده افزوده خواهد شد، ناگزیر در بعد از ظهر همان روز مراسم تدفین با همان احساسات و به دشواری انجام شد که گوشه‌هایی از این مراسم بوسیله خبرنگاران به جهان مخابره شد و بدین سان رحلت امام خمینی نیز همچون حیاتش منشاء بیداری و نهضتی دوباره شد و راه و یادش جاودانه گردید، چرا که او حقیقت بود و حقیقت، همیشه زنده است و فناپذیر.

روز شمار برخی مبارزات و تبعیدهای حضرت امام خمینی (ره)

۱۶ مهرماه سال ۱۳۴۱	جلسه مهم حضرت امام خمینی (ره) با مراجع قم در رابطه با انجمنهای ایالتی و ولایتی
۱۱ آذر ماه سال ۱۳۴۱	لغو تصویبنامه ساختگی انجمنهای ایالتی و ولایتی به دنبال مبارزات پیگیر حضرت امام خمینی (ره) و صدور پیام حضرت امام خمینی (ره) در مورد ختم این غائله
۲ بهمن سال ۱۳۴۱	تحریم رفتارندوم غیر قانونی و قلابی شاه از سوی حضرت امام خمینی (ره)
۲ فروردین ماه سال ۱۳۴۲	فاجعه خونین مدرسه فیضیه به دست عمال رژیم شاه
۱۵ خرداد سال ۱۳۴۲	دستگیری شبانه حضرت امام خمینی (ره). قیام تاریخی ملت ایران در اعتراض به دستگیری امام (ره)
۴ تیرماه سال ۱۳۴۲	انتقال حضرت امام خمینی (ره) از پادگان قصر به سلولی در عشرت آباد.
۲۱ فرودین سال ۱۳۴۳	سخنرانی تاریخی حضرت امام خمینی (ره) در مسجد اعظم قم پس از آزادی از حبس و حصر.
۴ آبان ۱۳۴۳	سخنرانی کوبنده حضرت امام خمینی (ره) به مناسبت طرح اسارت‌بار کاپیتولاسیون.
۱۳ آبان ۱۳۴۳	بازداشت و تبعید حضرت امام خمینی (ره) به ترکیه
۲۱ آبان سال ۱۳۴۳	انتقال حضرت امام خمینی (ره) از آنکارا به بورسای ترکیه
۱۳ مهرماه سال ۱۳۴۴	انتقال حضرت امام خمینی (ره) از ترکیه به بغداد
۱۶ مهرماه ۱۳۴۴	حرکت امام خمینی (ره) از سامرا به کربلا بعد از تبعید به عراق
۲۳ مهرماه ۱۳۴۴	ورود و استقرار حضرت امام خمینی در نجف بعد از تبعید به عراق
۲۳ آبان ۱۳۴۴	شروع درسهای حوزه‌ای حضرت امام خمینی در نجف پس از تبعید به عراق
۱۲ اردیبهشت ۱۳۵۶	پیام حضرت امام خمینی (ره) به مناسبت چهلم شهدای قم
۲ مهرماه ۱۳۵۷	محاصره منزل حضرت امام خمینی (ره) توسط نیروهای بعثی عراق
۱۰ مهرماه ۱۳۵۷	هجرت حضرت امام خمینی (ره) از عراق به سوی کویت
۱۳ مهرماه ۱۳۵۷	هجرت حضرت امام خمینی (ره) از عراق به فرانسه
۱۲ بهمن ۱۳۵۷	بازگشت امام خمینی (ره) به میهن اسلامی پس از ۱۵ سال تبعید.

سخن امام خمینی (ره) در رابطه با رهبر معظم انقلاب: «اینجانب که از سالهای قبل از انقلاب با جنابعالی ارتباط نزدیک داشته‌ام و همان ارتباط تاکنون باقی است، جنابعالی را یکی از بازوهای توانای جمهوری اسلامی می‌دانم و شما را چون برادری



که آشنا به مسائل فقهی و متعهد به آن هستید و از مبانی فقهی مربوط به ولایت مطلقه فقیه جداً جانب‌داری می‌کنید می‌دانم و در بین دوستان و متعهدان به اسلام و مبانی اسلامی از جمله افراد نادری هستید که چون خورشید، روشنی می‌دهید.»

ولایت فقیه استمرار راه امام(ره)

خیلی‌ها می‌پنداشتند که با عروج آن جان افلاکی، شیرازه کتاب انقلاب، از هم گسیخته می‌شود و نظم نظام درهم می‌ریزد. اما ... «لطف خدا» را اینگونه نمی‌شناختند، که در امتداد «خورشید راحل» حجت دیگری را به هدایت امت و حفظ نظام برگزید. در سالگرد آن «نبا عظیم» که در صبح ۱۴ خرداد، خبر پیوستن «روح خدا» را به «خدا» ندا دادند، گرچه از داغ آن هجران، هنوز می‌سوزیم، اما سپاس این نعمت که از موهبت استمرار «ولایت فقیه» برخورداریم، بر زبان و در دلمان است. شکر خدا را، که آن جریان زلال، تداوم یافت و چهره نورانی و مصمم دیگری از افق همان خط و راه، درخشیدن گرفت. امام رفت، و بار غم برای همیشه بر دلمان نهاد. اما ... راهش ادامه یافت. نه از «اسلام طلبی» امت کاسته شد، نه از شکوه اسلام. نه از روح معنوی انقلاب کم شد، نه از صلابت ایستادگی در مقابل کفر جهانی و شیطان بزرگ! اینک، چهره خارجی انقلاب، همچنان می‌درخشد، الهام‌گیری مسلمین جهان از «امام انقلاب» و «انقلاب امام» رو به گسترش است.

زندگینامه رهبر معظم انقلاب آیت الله سید علی خامنه‌ای

رهبر عالیقدر حضرت آیت الله سید علی خامنه‌ای فرزند مرحوم حجت الاسلام والمسلمین حاج سید جواد حسینی خامنه‌ای، در روز ۲۴ تیرماه ۱۳۱۸ برابر با ۲۸ صفر ۱۳۵۸ قمری در مشهد مقدس چشم به دنیا گشود. ایشان دومین پسر خانواده هستند. زندگی سید جواد خامنه‌ای مانند بیشتر روحانیون و مدرسان علوم دینی، بسیار ساده بود. همسر و فرزندانش نیز معنای عمیق قناعت و ساده زیستی را از او یاد گرفته بودند و با آن خو داشتند.

رهبر بزرگوار در ضمن بیان نخستین خاطره‌های زندگی خود از وضع و حال زندگی خانواده‌شان چنین می‌گویند: «پدرم روحانی معروفی بود، اما خیلی پارسا و گوشه گیر ... زندگی ما به سختی می‌گذشت. من یادم هست شب‌هایی اتفاق می‌افتاد که در منزل ما شام نبود! مادرم با زحمت برای ما شام تهیه می‌کرد و ... آن شام هم نان و کشمش بود.» اما خانه‌ای را که خانواده سید جواد در آن زندگی می‌کردند، رهبر انقلاب چنین توصیف می‌کنند:

«منزل پدری من که در آن متولد شده‌ام، تا چهار-پنج سالگی من، یک خانه ۶۰-۷۰ متری در محله فقیرنشین مشهد بود که فقط یک اتاق داشت و یک زیرزمین تاریک و خفه‌ای! هنگامی که برای پدرم میهمان می‌آمد (و معمولاً پدر بنا بر این که روحانی و محل مراجعه مردم بود، میهمان داشت) همه ما باید به زیرزمین می‌رفتیم تا میهمان برود. بعد عده‌ای که به پدر ارادت داشتند، زمین کوچکی را کنار این منزل خریده به آن اضافه کردند و ما دارای سه اتاق شدیم.»

رهبر انقلاب از دوران کودکی در خانواده‌ای فقیر اما روحانی و روحانی‌پرور و پاک و صمیمی، اینگونه پرورش یافت و از چهار سالگی به همراه برادر بزرگش سید محمد به مکتب سپرده شد تا الفبا و قرآن را یاد بگیرند. سپس، دو برادر را در مدرسه تازه تأسیس اسلامی «دارالتعلیم دیانتی» ثبت نام کردند و این دو دوران تحصیل ابتدایی را در آن مدرسه گذراندند.

در حوزه علمیه: ایشان از دوره دبیرستان، خواندن «جامع المقدمات» و صرف و نحو را آغاز کرده بود. سپس از مدرسه جدید وارد حوزه علمیه شد و نزد پدر و دیگر اساتید وقت، ادبیات و مقدمات را خواند.

درباره انگیزه ورود به حوزه علمیه و انتخاب راه روحانیت می‌گویند: «عامل و موجب اصلی در انتخاب این راه نورانی روحانیت، پدرم بودند و مادرم نیز علاقه‌مند و مشوق بودند.»



ایشان کتب ادبی از قبیل «جامع المقدمات»، «سیوطی»، «مغنی» را نزد مدرّسان مدرسه «سلیمان خان» و «نوّاب» خواند و پدرش نیز بر درس فرزندان نظارت می‌کرد. کتاب «معالم» را نیز در همان دوره خواند. سپس «شرایع الاسلام» و «شرح لمعه» را در محضر پدرش و مقداری را نزد مرحوم «آقا میرزا مدرس یزدی» و رسائل و مکاسب را در حضور مرحوم حاج شیخ هاشم قزوینی و بقیه دروس سطح فقه و اصول را نزد پدرش خواند و دوره مقدمات و سطح را بطور کم سابقه و شگفت انگیزی در پنج سال و نیم به اتمام رساند. پدرش مرحوم سید جواد در تمام این مراحل نقش مهمی در پیشرفت این فرزند برونمند داشت. رهبر بزرگوار انقلاب، در زمینه منطق و فلسفه، کتاب منظومه سبزواری را ابتدا از «مرحوم آیت الله میرزا جواد آقا تهرانی» و بعدها نزد مرحوم «شیخ رضا ایسی» خواندند.

در حوزه علمیه نجف اشرف: آیت الله خامنه ای که از هیجده سالگی در مشهد درس خارج فقه و اصول را نزد مرجع بزرگ مرحوم آیت الله العظمی میلانی شروع کرده بودند. در سال ۱۳۳۶ به قصد زیارت عتبات عالیات، عازم نجف اشرف شدند و با مشاهده و شرکت در درسهای خارج مجتهدان بزرگ حوزه نجف از جمله مرحوم سید محسن حکیم، سید محمود شاهرودی، میرزا باقر زنجان، سید یحیی یزدی، و میرزا حسن بجنوردی، اوضاع درس و تدریس و تحقیق آن حوزه علمیه را پسندیدند و ایشان را از قصد خود آگاه ساختند. ولی پدر موافقت نکرد. پس از مدتی ایشان به مشهد باز گشتند.

در حوزه علمیه قم: آیت الله خامنه ای از سال ۱۳۳۷ تا ۱۳۴۳ در حوزه علمیه قم به تحصیلات عالی در فقه و اصول و فلسفه، مشغول شدند و از محضر بزرگان چون مرحوم آیت الله العظمی بروجردی، امام خمینی، شیخ مرتضی حائری یزدی و علامه طباطبائی استفاده کردند. در سال ۱۳۴۳، از مکاتباتی که رهبر انقلاب با پدرشان داشتند، متوجّه شدند که یک چشم پدر به علت «آب مروارید» نابینا شده است، بسیار غمگین شدند و بین ماندن در قم و ادامه تحصیل در حوزه عظیم آن و رفتن به مشهد و مواظبت از پدر در تردید ماندند. آیت الله خامنه ای به این نتیجه رسیدند که به خاطر خدا از قم به مشهد هجرت کنند و از پدرشان مواظبت نمایند. ایشان در این مورد می‌گویند:

«به مشهد رفتم و خدای متعال توفیقات زیادی به ما داد. به هر حال به دنبال کار و وظیفه خود رفتم. اگر بنده در زندگی توفیقی داشتم، اعتقاد این است که ناشی از همان بّری «نیکی» است که به پدر، بلکه به پدر و مادر انجام داده‌ام». آیت الله خامنه ای بر سر این دو راهی، راه درست را انتخاب کردند. بعضی از اساتید و آشنایان افسوس می‌خوردند که چرا ایشان به این زودی حوزه علمیه قم را ترک کردند، اگر می‌ماندند در آینده چنین و چنان می‌شدند!... اما آینده نشان داد که انتخاب ایشان درست بوده و دست تقدیر الهی برای ایشان سر نوشتی دیگر و بهتر و والاتر از محاسبات آنان، رقم زده بود. آیا کسی تصوّر می‌کرد که در آن روز جوان عالم پراستعداد ۲۵ ساله، که برای رضای خداوند و خدمت به پدر و مادرش از قم به مشهد می‌رفت، ۲۵ سال بعد، به مقام والای ولایت امر مسلمین خواهد رسید؟! ایشان در مشهد از ادامه درس دست برنداشتند و جز ایام تعطیل یا مبارزه و زندان و مسافرت، به طور رسمی تحصیلات فقهی و اصول خود را تا سال ۱۳۴۷ در محضر اساتید بزرگ حوزه مشهد بویژه آیت الله میلانی ادامه دادند. همچنین از سال ۱۳۴۳ که در مشهد ماندگار شدند در کنار تحصیل و مراقبت از پدر پیر و بیمار، به تدریس کتب فقه و اصول و معارف دینی به طلاب جوان و دانشجویان نیز می‌پرداختند.

مبارزات سیاسی: آیت الله خامنه ای به گفته خویش «از شاگردان فقهی، اصولی، سیاسی و انقلابی امام خمینی (ره) هستند» اما نخستین جرقه‌های سیاسی و مبارزاتی و دشمنی با طاغوت را مجاهد بزرگ و شهید راه اسلام شهید «سید مجتبی نوّاب صفوی» در ذهن ایشان زده است، هنگامیکه نوّاب صفوی با عده ای از فدائیان اسلام در سال ۳۱ به مشهد رفته در مدرسه سلیمان‌خان، سخنرانی پر هیجان و بیدارکننده‌ای در موضوع احیای اسلام و حاکمیت احکام الهی، و فریب و نیرنگ شاه و انگلیس و



دروغگویی آنان به ملت ایران، ایراد کردند. آیت الله خامنه‌ای آن روز از طلاب جوان مدرسه سلیمان خان بودند، به شدت تحت تأثیر سخنان آتشین نواب واقع شدند. ایشان می‌گویند: «همان وقت جرقه‌های انگیزش انقلاب اسلامی به وسیله نواب صفوی در من به وجود آمده و هیچ شکی ندارم که اولین آتش را مرحوم نواب در دل ما روشن کرد».

همراه با نهضت امام خمینی (قدس سره): آیت الله خامنه‌ای از سال ۱۳۴۱ که در قم حضورداشتند و حرکت انقلابی و اعتراض‌آمیز امام خمینی علیه سیاستهای ضد اسلامی و آمریکا پسند محمدرضا شاه پهلوی آغاز شد، وارد میدان مبارزات سیاسی شدند و شانزده سال تمام با وجود فراز و نشیب‌های فراوان و شکنجه‌ها و تبعیدها و زندان‌ها مبارزه کردند و در این مسیر از هیچ خطری نترسیدند. نخستین بار در محرم سال ۱۳۸۳ هـ.ق از سوی امام خمینی (قدس سره) مأموریت یافتند که پیام ایشان را به آیت الله میلانی و علمای خراسان در خصوص چگونگی برنامه‌های تبلیغاتی روحانیون در ماه محرم و افشاگری علیه سیاست‌های آمریکایی شاه و اوضاع ایران و حوادث قم، برسانند. ایشان این مأموریت را انجام دادند و خود نیز برای تبلیغ، عازم شهر بیرجند شدند و در راستای پیام امام خمینی، به تبلیغ و افشاگری علیه رژیم پهلوی و آمریکا پرداختند. بدین خاطر در ۹ محرم «۱۲ خرداد ۱۳۴۲» دستگیر و یک شب بازداشت شدند و فردای آن روز به شرط اینکه منبر نروند و تحت نظر باشند، آزاد شدند. با پیش آمدن حادثه خونین ۱۵ خرداد، باز هم ایشان را از بیرجند به مشهد آورده، تحویل بازداشتگاه نظامی دادند و ده روز در آنجا با سخت‌ترین شرایط و شکنجه و آزارها زندانی شدند.

دومین بازداشت: در بهمن ۱۳۴۲ - رمضان ۱۳۸۳ - آیت الله خامنه‌ای با عده‌ای از دوستانشان بر اساس برنامه حساب شده‌ای به مقصد کرمان حرکت کردند. پس از دو - سه روز توقف در کرمان و سخنرانی و منبر و دیدار با علما و طلاب آن شهر، عازم زاهدان شدند. سخنرانی‌ها و افشاگری‌های پرشور ایشان بویژه در ایام ششم بهمن - سالگرد انتخابات و رفراندوم قلابی شاه - مورد استقبال مردم قرار گرفت. در روز پانزدهم رمضان که مصادف با میلاد امام حسن (ع) بود، صراحت و شجاعت و شور انقلابی ایشان در افشاگری سیاستهای شیطنی و آمریکایی رژیم پهلوی، به اوج رسید و ساواک شبانه ایشان را دستگیر و با هواپیما روانه تهران کرد. رهبر بزرگوار، حدود دو ماه - به صورت انفرادی - در زندان قزل قلعه زندانی شدند و انواع اهانت‌ها و شکنجه‌ها را تحمل کردند.

سومین و چهارمین بازداشت: کلاسهای تفسیر و حدیث و اندیشه اسلامی ایشان در مشهد و تهران با استقبال کم‌نظیر جوانان پرشور و انقلابی مواجه شد. همین فعالیت‌ها سبب عصبانیت ساواک شد و ایشان را مورد تعقیب قرار دادند. بدین خاطر در سال ۱۳۴۵ در تهران مخفیانه زندگی می‌کردند و یک سال بعد - ۱۳۴۶ - دستگیر و محبوس شدند. همین فعالیت‌های علمی و برگزاری جلسات و تدریس و روشنگری عالمانه و مصلحانه بود که موجب شد آن بزرگوار بار دیگر توسط ساواک جهنمی پهلوی در سال ۱۳۴۹ نیز دستگیر و زندانی گردند.

پنجمین بازداشت: حضرت آیت الله خامنه‌ای «مد ظله» درباره پنجمین بازداشت خویش توسط ساواک می‌نویسد: «از سال ۴۸ زمینه حرکت مسلحانه در ایران محسوس بود. حساسیت و شدت عمل دستگاه‌های جاری رژیم پیشین نیز نسبت به من، که به قرائن دریافته بودند چنین جریانی نمی‌تواند با افرادی از قبیل من در ارتباط نباشد، افزایش یافت. سال ۵۰ مجدداً و برای پنجمین بار به زندان افتادم. برخوردهای خشونت‌آمیز ساواک در زندان آشکارا نشان می‌داد که دستگاه از پیوستن جریان‌های مبارزه مسلحانه به کانون‌های تفکر اسلامی به شدت بیمناک است و نمی‌تواند بپذیرد که فعالیت‌های فکری و تبلیغاتی من در مشهد و تهران از آن جریان‌ها بیگانه و به کنار است. پس از آزادی، دایره درسهای عمومی تفسیر و کلاسهای مخفی ایدئولوژی و ... گسترش بیشتری پیدا کرد».



بازداشت ششم: در بین سالهای ۱۳۵۰-۱۳۵۳ درسهای تفسیر و ایدئولوژی آیت الله خامنه‌ای در سه مسجد «کرامت»، «امام حسن» و «میرزا جعفر» مشهد مقدس تشکیل می‌شد و هزاران نفر از مردم مشتاق بویژه جوانان آگاه و روشنفکر و طلاب انقلابی و معتقد را به این سه مرکز می‌کشاند و با تفکرات اصیل اسلامی آشنا می‌ساخت. درس نهج البلاغه ایشان از شور و حال دیگری برخوردار بود و در جزوه‌های پلی کپی شده تحت عنوان: «پرتوی از نهج البلاغه» تکثیر و دست به دست می‌گشت. طلاب جوان و انقلابی که درس حقیقت و مبارزه را از محضر ایشان می‌آموختند، با عزیمت به شهرهای دور و نزدیک ایران، افکار مردم را با آن حقایق نورانی آشنا و زمینه را برای انقلاب بزرگ اسلامی آماده می‌ساختند. این فعالیت‌ها موجب شد که در دی ماه ۱۳۵۳ ساواک بی‌رحمانه به خانه آیت الله خامنه‌ای در مشهد هجوم برده، ایشان را دستگیر و بسیاری از یادداشت‌ها و نوشته‌هایشان را ضبط کنند. این ششمین و سخت‌ترین بازداشت ایشان بود و تا پاییز ۱۳۵۴ در زندان کمیته مشترک شهربانی زندان بودند. در این مدت در سلولی با سخت‌ترین شرایط نگهداشته شدند. سختی‌هایی که ایشان در این بازداشت تحمل کردند، به تعبیر خودشان «فقط برای آنان که آن شرایط را دیده‌اند، قابل فهم است». پس از آزادی از زندان، به مشهد مقدس برگشتند و باز هم همان برنامه و تلاش‌های علمی و تحقیقی و انقلابی ادامه داشت. البته دیگر امکان تشکیل کلاسهای سابق را به ایشان ندادند.

در تبعید: رژیم جنایتکار پهلوی در اواخر سال ۱۳۵۶، آیت الله خامنه‌ای را دستگیر و برای مدت سه سال به ایرانشهر تبعید کرد. در اواسط سال ۱۳۵۷ با اوجگیری مبارزات عموم مردم مسلمان و انقلابی ایران، ایشان از تبعیدگاه آزاد شده، به مشهد مقدس بازگشتند و در صفوف مقدم مبارزات مردمی علیه رژیم سفاک پهلوی قرار گرفتند و پس از پانزده سال مبارزه مردانه و مجاهدت و مقاومت در راه خدا و تحمل آن همه سختی و تلخی، ثمره شیرین قیام و مقاومت و مبارزه؛ یعنی پیروزی انقلاب کبیر اسلامی ایران و سقوط خفت بار حکومت سراسر ننگ و ظالمانه پهلوی، و برقراری حاکمیت اسلام در این سرزمین را دیدند.

در آستانه پیروزی: در آستانه پیروزی انقلاب اسلامی، پیش از بازگشت امام خمینی از پاریس به تهران، «شورای انقلاب اسلامی» با شرکت افراد و شخصیت‌های مبارزی همچون شهید مطهری، شهید بهشتی، هاشمی رفسنجانی و... از سوی امام خمینی در ایران تشکیل گردید، آیت الله خامنه‌ای نیز به فرمان امام بزرگوار به عضویت این شورا درآمد. پیام امام توسط شهید مطهری «ره» به ایشان ابلاغ گردید و با دریافت پیام رهبر کبیر انقلاب، از مشهد به تهران آمدند.

پس از پیروزی: آیت الله خامنه‌ای پس از پیروزی انقلاب اسلامی نیز همچنان پرشور و پرتلاش به فعالیت‌های ارزشمند اسلامی و در جهت نزدیکتر شدن به اهداف انقلاب اسلامی پرداختند که همه در نوع خود و در زمان خود بی‌نظیر و بسیار مهم بودند که در این مختصر فقط به ذکر رئوس آنها می‌پردازیم:

- * پایه‌گذاری «حزب جمهوری اسلامی» با همکاری و همفکری علمای مبارز و هم رزم خود: شهید بهشتی، شهید باهنر، هاشمی رفسنجانی و... در اسفند ۱۳۵۷.
- * معاونت وزارت دفاع در سال ۱۳۵۸.
- * سرپرستی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، ۱۳۵۸.
- * امام جمعه تهران، ۱۳۵۸.
- * نماینده امام خمینی «قدس سره» در شورای عالی دفاع، ۱۳۵۹.
- * نماینده مردم تهران در مجلس شورای اسلامی، ۱۳۵۸.



* حضور فعال و مخلصانه در لباس رزم در جبهه های دفاع مقدس، در سال ۱۳۵۹ با شروع جنگ تحمیلی عراق علیه ایران و تجاوز ارتش متجاوز صدام به مرزهای ایران؛ با تجهیزات و تحریکات قدرت های شیطانی و بزرگ از جمله آمریکا و شوروی سابق.

* ترور نافرجام ایشان توسط منافقین در ششم تیرماه ۱۳۶۰ در مسجد ابوذر تهران. که منجر به جانبازی ایشان گردید.

* ریاست جمهوری؛ به دنبال شهادت محمد علی رجایی دومین رئیس جمهور ایران، آیت الله خامنه ای در مهر ماه ۱۳۶۰ با کسب بیش از شانزده میلیون رأی مردمی و حکم تنفیذ امام خمینی (قدس سره) به مقام ریاست جمهوری ایران اسلامی برگزیده شدند. همچنین از سال ۱۳۶۴ تا ۱۳۶۸ برای دومین بار به این مقام و مسؤولیت انتخاب شدند.

* ریاست شورای انقلاب فرهنگ، ۱۳۶۰.

* ریاست مجمع تشخیص مصلحت نظام، ۱۳۶۶.

* ریاست شورای بازنگری قانون اساسی، ۱۳۶۸.

* رهبری و ولایت امت، که از سال ۱۳۶۸، روز چهاردهم خرداد پس از رحلت رهبر کبیرانقلاب امام خمینی (قدس سره) توسط مجلس خبرگان رهبری به این مقام والا و مسؤولیت عظیم انتخاب شدند، و چه انتخاب مبارک و درستی بود که پس از رحلت امام راحل، با شایستگی تمام توانستند امت مسلمان ایران، بلکه مسلمانان جهان را رهبری نمایند.

چون رود جاری

آموخت از تو	باران سخاوت	دریا بزرگی	کوه استقامت
نزدیک کردی	ما را به قرآن	لب را به تکبیر	دل را به ایمان
تو هدیه دادی	دین را به دنیا	معنا به امروز	شادی به فردا
با رفتنت شد	جنگل خمیده	دریا خروشان	گل ها تکیده
اما تو ماندی	در سینه جاوید	چون رود، جاری	روشن چو خورشید

پیمان

ای خمینی! روح تو آینه بود	قلب تو دور از غبار کینه بود
در نگاهت پر تو امید بود	چشمهایت خانه خورشید بود
قلب پاک و مهربانی داشتی	در دل ما آشیانی داشتی
در کلامت زندگانی یافتم	رنگ و بوی آسمانی یافتم
شاد از آنم که فرزند توام	عاشق آن قند لبخند توام
تو به ما راه نجات آموختی	گرچه خود مانند شمعی سوختی
ای خمینی! با تو پیمان بسته ام	بر سر پیمان خود بنشسته ام
عهد بستم پیرو راهت شوم	در عمل فرزند دلخواهت شوم

۱۵ خرداد قیام پانزده خرداد

در ماه محرم سال ۱۳۴۲ هجری شمسی (۱۳۸۳ هـ.ق) امام خمینی به سخنرانان مذهبی، تکلیف فرمودند که خطر اسرائیل و در معرض آسیب قرار گرفتن اسلام از سوی شاه ایران را برای مردم بیان کنند. مأموران ساواک، در روز نهم محرم، به عده ای از سخنرانان مذهبی گفتند که در صورتی می توانند سخنرانی کنند که سه شرط زیر را بپذیرند:



۱- علیه شخص اول مملکت (شاه) سخنی نگویند.

۲- علیه اسرائیل مطلبی عنوان نکنند.

۳- به مردم نگویند که اسلام در خطر است.

در روز عاشورا، مردم شهرهای مختلف که به قصد زیارت به قم آمده بودند، همراه روحانیون و گروه زیادی از مردم این شهر، جهت شنیدن بیانات امام خمینی در مدرسه فیضیه تجمع کردند. امام، به رغم کنترل پلیسی و امنیتی شدید، با قاطعیت تمام به افشای جنایات رژیم و وابستگی اش به بیگانگان پرداخت.

اثرات کوبنده سخنرانی امام، سبب شد تا در ساعت سه بامداد پانزدهم خرداد سال ۱۳۴۲، کماندوهای رژیم شاه، از دیوار منزل امام بالا رفتند و ایشان را دستگیر و به زندان قصر تهران منتقل کردند. وقتی خبر دستگیری حضرت امام به تهران رسید، مردم این شهر با شعار «خمینی را آزاد کنید» به تظاهرات گسترده پرداختند. رژیم که غافلگیر شده و به وحشت افتاده بود، دستور داد تا مردم را به گلوله ببندند. در این روز، عده زیادی از مردم تهران، به شهادت رسیدند. ادامه مبارزات همه جانبه مردم پس از قیام ۱۵ خرداد، به رهبری امام خمینی، پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی در روز بیست و دوم بهمن ماه سال ۱۳۵۷ را سبب شد.

۱۵ خرداد: روز جهانی محیط زیست

مجمع عمومی سازمان ملل متحد در سال ۱۹۷۲ با تصویب ماده‌ای، ۵ ژوئن (۱۵ خرداد) را روز جهانی محیط زیست اعلام کرد. هدف از نامگذاری این روز، افزایش آگاهی مردم برای حفظ محیط زیست و تشویق مسئولان به اتخاذ تدابیری برای مقابله با تخریب محیط زیست و گونه‌های مختلف جانوران است.

رشد روز افزون آلودگی و تخریب محیط زیست و بروز بحران‌های پی در پی محیطی باعث شد دولت‌ها به طور جدی به فکر افتاده تا چاره‌ای بیندیشند. به مناسبت روز جهانی محیط زیست در ایران ۱۵ تا ۲۱ خرداد به عنوان هفته محیط زیست نامگذاری شده است.

حفاظت از محیط زیست

محیط زیست ماها	یعنی آب و خاک و هوا
برای حفظ اون	این نکات را بدون
وقتی به گردش می‌ریم	توی طبیعت می‌ریم
هرگز نشه فراموش	برای تمیزیش بکوش.
بچه‌ی عاقل می‌دونه	آب و نکته آلوده
در جای مناسب خود	آتش روشن بمونه
وقتی کارمون تموم شد	تفریح‌مون کامل شد
هرگز نشه فراموش	آتش بشه خاموش
زباله‌ها را جمع کنیم	محیط و پاکیزه کنیم.



A decorative border with floral motifs and scrollwork surrounds the central text area.

فصل چهارم

مناسبت‌های

قمری



آغاز سال هجری قمری

اکثر تاریخ های رایج، از جمله تاریخ میلادی و تاریخ هجری شمسی، بر اساس گردش زمین دور خورشید محاسبه می گردند و تعداد روزهای یک سال کامل، ۳۶۵ روز و ۶ ساعت است. ولیکن تاریخ هجری قمری، که تاریخ مشترک مسلمانان جهان است، بر اساس گردش ماه (قمر) به دور زمین محاسبه می شود و با دور ماه به زمین، یک ماه قمری پدید می آید و با تکرار دوازده بار آن، یک سال قمری شکل می گیرد.

مدت هر ماه قمری، ۲۹ روز و ۱۲ ساعت و ۴۳ دقیقه و تعداد کل روزهای یک سال، ۳۵۴ روز است. ماه های قمری عبارتند از: محرم، صفر، ربیع الاول، ربیع الثانی، جمادی الاول، جمادی الثانی، رجب، شعبان، رمضان، شوال، ذی القعدة و ذی الحجه. تاریخ قمری، پیش از اسلام نیز در میان برخی از اقوام و امت ها، از جمله عرب های جزیره العرب متداول بود و با نام های "عام الفیل" و امثال آن نام برده می شد. ولیکن پس از ظهور اسلام، به عنوان تاریخ رسمی این دین رهایی بخش درآمد و بسیاری از احکام عملی و فقهی اسلام، همانند روزه در ماه مبارک رمضان، دادن فطریه، به جای آوردن اعمال حج در ماه های حرام، ایام اعتکاف و امثال آن، بر آن مبتنی شد.

قرآن کریم نیز به این تاریخ سابقه دار و این که تعداد ماه های هر سال آن دوازده است و چهار ماه از ماه های آن حرام می باشند، اشاره کرد و در آیه ای فرموده: ان عدّه الشهور عند الله اثني عشر شهرا فی کتاب الله یوم خلق السموات و الارض منها اربعة حرم، ذلک الدین القیم، فلا تظلموا فیهن انفسکم.

هفته اول محرم هفته امر به معروف و نهی از منکر

هفته امر به معروف و نهی از منکر: امر به معروف و نهی از منکر به نظر شیعیان یکی از فروع دین اسلام است. امر به معروف یعنی دستور دادن یا توصیه کردن از سوی فرد مسلمان به دیگران به انجام آن چه به خوب در نظر گرفته می شود و نهی از منکر یعنی دستور دادن یا توصیه کردن از سوی فرد مسلمان به دیگران به انجام ندادن آن چه بد در نظر گرفته می شود. در احکام دین، به تمام واجبات و مستحبات معروف و به تمام محرمات و مکروهات منکر گفته می شود، بنابراین واداشتن افراد جامعه به انجام کارهای واجب و مستحب امر به معروف و بازداشتن آنها از کارهای حرام و مکروه نهی از منکر است.

امر به معروف و نهی از منکر: در حال حاضر که جامعه اسلامی و ارزشهای نورانی اسلام و انقلاب در معرض تهاجمات بی ارزش دشمنان قرار گرفته، توجه به امر به معروف و نهی از منکر، یکی از وظایف مهم و ملی هر ایرانی است تا با بسیج همگانی این توطئه شوم را بی اثر سازند. امر به معروف و نهی از منکر همانند آینه ای است که در دست یک انسان خوب و مؤمن است تا بتواند چهره واقعی نیکی ها و بدیها را به دوستان و اطرافیان خود نشان دهد. فرد مسلمان نباید چشم خود را بر رفتار خوب و بد دیگران ببندد.

پیامبر اسلام (ص) می فرماید: مردم در جامعه مانند جماعتی هستند که در کشتی نشسته اند، اگر کسی بخواهد جای خود را در کشتی سوراخ کند و ادعا نماید که من به دیگران کاری ندارم و فقط جائی که نشسته ام را سوراخ می کنم، آیا دیگران می توانند ساکت بنشینند و تماشا کنند؟ در جامعه نباید در برابر زشتی ها بی اعتنا باشیم و این نکته را باید دانست که اگر یک نفر کار خلافی انجام دهد، آثار بد آن تنها برای خود او نیست، بلکه همانند آبی است که از آن سوراخ وارد کشتی می شود و ضرر آن به همه می رسد.



حکمت و فلسفه امر به معروف و نهی از منکر در سخنان حضرت علی(ع):

امر به معروف و نهی از منکر، مایه اصلاح عوام: علی بن ابیطالب علیه السلام در مورد حکمت امر به معروف و نهی از منکر می‌فرماید: خداوند متعال فرمان دادن به کارهای پسندیده را برای اصلاح عوام و سوق دادن آنها به راه رستگاری و سعادت واجب کرد. همین طور نهی از منکر و بازداشتن از کارهای ناپسند را واجب فرمود تا از کارهای ناشایست و ارتکاب معاصی کم‌خردان جلوگیری شود.

موجب سلامت دنیا و آخرت است: امر به معروف و نهی از منکر در فرهنگ اسلامی (برخلاف نظر اغلب مردم که گمان می‌کنند پابندی به این دو تکلیف ممکن است به مصالح دنیوی فرد ضرر داشته باشد) از جمله عوامل حفظ سلامت دنیا و حتی آخرت انسان‌هاست.

امام علی (ع) در این باره می‌فرماید: هر که در او سه چیز وجود داشته باشد، دنیا و آخرتش سالم خواهد بود: اول) این که امر به معروف کند و اگر کسی او را به معروف امر کرد، آن را بپذیرد. دوم) اینکه دیگران را از کارهای زشت نهی کند و خود نیز از مرتکب شدن منکرات بپرهیزد. سوم) بر حدود و مقررات خداوند متعال محافظت نماید.

پا برجایی شریعت و توانمندی مؤمنان: از علل تشریع امر به معروف، برپایی دین ذکر شده است. حضرت امیر علیه السلام می‌فرماید: استواری برپایی دین نتیجه امر به معروف و نهی از منکر است. در جای دیگر می‌فرماید: هر که امر به معروف کند، مؤمنان را تقویت کرده است.

مراتب امر به معروف و نهی از منکر:

۱- مرحله انزجار قلبی: علمای اسلام برای امر به معروف و نهی از منکر مراتب و درجات و همچنین اقسامی قائل شده‌اند. اولین درجه و مرتبه نهی از منکر، هجرت و اعراض یا انکار قلبی است و این در مواردی است که ما با شخصی که با او صمیمیت داریم، قطع رابطه کنیم و نسبت به او سردی نشان دهیم و این برخورد، برای او تنبیه تلقی شود، یعنی تحت یک زجر و شکنجه روحی قرار گیرد و این عمل ما در جلوگیری از کار بد او تأثیر داشته باشد؛ در غیر این صورت چه بسا فردی که از قطع رابطه ما استقبال کرده و او هم قطع رابطه کند و آزادتر دنبال منکرات و کارهای زشت برود در چنین مواردی این کار درست نیست.

۲- مرحله زبانی: درجه دومی که علما و دانشمندان برای نهی از منکر ذکر کرده‌اند، مرحله زبان است. چه بسا آن بیماری که دچار منکری است، به دلیل جهالت و نادانی و تحت تأثیر یک سلسله تبلیغات قرار گرفته است، احتیاج به مربی، هادی، راهنما و معلم دارد تا با او تماس بگیرد و با کمال مهربانی با او صحبت کند، موضوع را با او در میان بگذارد تا معایب و مفاصد را برایش تشریح کند تا آگاه شود و باز گردد.

۳- مرحله عمل: مرحله سوم عمل است. گاهی طرف در درجه و حالی است که نه اعراض و هجران و نه زبان و بیان بر او تأثیر نمی‌گذارد. در اینجا باید از راه عمل وارد شد. وارد عمل شدن نه تنها به زور گفتن نیست، کنک زدن و مجروح کردن نیست، بلکه مواردی هم هست که جای تنبیه عملی است که آن هم از شئون حکومت اسلامی است و شهروندان جامعه اسلامی از پیش خود حق اعمال این تنبیهات را ندارند. امر به معروف عملی این است که نباید به گفتن قناعت کند و فکر کنیم گفتن همه چیز درست می‌شود. گفتن، شرط لازم است ولی کافی نیست. باید عمل کرد آنچه مربوط به شهروندان است، برخورد عملی غیرمستقیم است.



امر و نهی‌های قرآن به اهل ایمان : خطابه‌های قرآن به مؤمنین با لفظ «یا ایها الذین امنوا» شامل دو دسته می‌شود:

الف - امر به صفات و کارهای مثبت		ب - نهی از بدیها	
با تأنی و درنگ سخنان خود را بیان کنید.	۱۰۴/ بقره	پدر و برادرانتان را اگر کافر هستند دوست خود نگیرید.	۲۳/ توبه
صبور باشید.	۱۵۳/ بقره	با کسانی که خدا بر آنها غضب نموده است دوستی نکنید.	۱۳/ ممتحنه
روزه بگیرید تا پرهیزگار شوید.	۱۸۳/ بقره	درگناه و ستمکاری، یکدیگر را یاری نکنید.	۲/ مائده
انفاق کنید.	۲۵۴/ بقره	از حدود خدا تجاوز نکنید.	۹۴/ مائده
هنگام خرید و فروش، گواه بگیرید.	۲۸۲/ بقره	با یهود و نصاری دوستی نکنید. و آنها را سرپرست خود نگیرید.	۵۱/ مائده
پروردگارتان را عبادت کنید.	۷۷/ حج ۵۶/ عنکبوت	پیامبر خود را نیازارید.	۶۹/ احزاب
قبل از ورود به خانه دیگران اجازه بگیرید.	۲۷/ نور	نسبت به دیگران سوء ظن نداشته باشید	۱۲/ حجرات
هنگام ورود به جایی سلام کنید.	۲۷/ نور	از همدیگر تجسس بی جا نکنید.	۱۲/ حجرات
از خدا بترسید آن چه که شایسته اوست.	۱۰۲/ آل عمران ۱۰/ زمر ۲۸/ حدید ۱۸/ حشر	در هیچ کاری به خدا و رسول او تقدم مجوید.	۱/ حجرات
در آیات و نشانه‌های خدا بیندیشید.	۱۱۸/ آل عمران	اعمال نیکتان را با بی ادبی باطل نکنید.	۲/ حجرات
استوار باشید (در راه خدا)	۲۰۰/ آل عمران ۸/ مائده	چیزی را که به زبان می گوید خلاف آن عمل نکنید	۲/ صف
به حق و صواب سخن بگویید.	۷۰/ احزاب	به خاطر امور دنیا از یاد خدا غافل نشوید.	۹/ منافقون
از خدا و رسول و اولی الامر اطاعت کنید.	۲۳/ محمد ۲۰/ انفال ۵۹/ نساء	به زندگی دنیوی به جای آخرت راضی و خشنود نشوید.	۳۸/ توبه



آئینه و دوست

المؤمن مرآة المؤمن (مؤمن آینه مؤمن است.)
 آینه، هم خوبی‌ها را نشان می‌دهد هم بدی‌ها را، دوست خوب نیز چنین است.
 آینه، خوبی و بدی ما را به خودمان نشان می‌دهد.
 دوست خوب نیز چنین است. وقتی در جلو آینه عیب خود را می‌بینیم، بدون ناراحتی آن برطرف می‌کنیم.
 اگر دوست ما عیب ما را گفت، از او تشکر کنیم.
 اگر جلوی آینه قرار نگیریم، عیب‌های خودمان را نمی‌بینیم.
 دوست خوب از دوستش می‌خواهد که عیب‌هایش را به او بگوید.

دهه‌ی محرم

شرح مختصر از زندگی آن حضرت

نام: حسین (سومین امام که به امر خداوند تعیین شده است) کنیه: ابو عبدالله
 لقب: خامس آل عبا، سبط، شهید، وفی، زکی پدر: حضرت علی بن ابی طالب (ع)
 مادر: حضرت فاطمه (س) تاریخ ولادت: شنبه سوم شعبان، سال چهارم هجری
 مکان ولادت: مدینه مدت عمر: ۵۷

علت شهادت: پس از روی کار آمدن یزید، امام که او را نالایق می‌دانست تن به ذلت بیعت و سازش با او را نداد و برای افشای او به فرمان خدا از مدینه به مکه و سپس به طرف کوفه و کربلا حرکت کردند و همراه با یاران خود با لب تشنه توسط دشمنان اسلام شهید شدند.

قاتل: صالح بن وهب مزنی، سنان بن انس و شمر بن ذی الجوشن (لعنت خدا بر آنها)

زمان شهادت: جمعه دهم محرم، سال ۶۱ هجری مکان شهادت و دفن: کربلا

امام حسین (ع) در سوم شعبان سال چهارم هجری در مدینه دیده به جهان گشود. پدر بزرگوارش علی (ع) و مادر گرامی‌اش فاطمه زهرا (س) می‌باشد. امام حسین حدود شش سال از دوران کودکی را در زمان حیات پربرکت رسول خدا (ص) سپری نمود. او شجاعترین امت حضرت محمد (ص) بود و شجاعت حضرت محمد (ص) و حضرت علی (ع) در ایشان بود.

خداوند در تربت ایشان شفا، و در داخل حرم امام حسین (ع) استجابت دعا را قرار داده است. پیامبر در حقش فرمود: احب الله من احب حسينا. یعنی: خداوند دوست می‌دارد کسی را که حسین را دوست بدارد. پیامبر (ص) در حق او و برادر گرامی‌اش امام حسن (ع) فرمود: دو فرزند من حسن و حسین، پیشوایان امت می‌باشند خواه زمام امور به دست بگیرند و یا نگیرند.

پس از شهادت امام حسن در سال ۵۰ هجری، امام حسین (ع) عهده‌دار امر امامت گردید. معاویه پس از بیست سال حکومت ظالمانه و قتل و کشتار شیعیان به ویژه در سال ۶۰ هجری مرد و برخلاف قرارداد صلح با امام حسن (ع)، پسرش یزید را به جای خود قرار داد. یزید فردی فاسد و شرابخوار و مخالف با اسلام بود. او علناً مقدسات اسلامی را زیر پا می‌گذاشت، آشکارا شراب می‌خورد. امام حسین علیه السلام از همان آغاز کار با او به مخالفت پرداخت.

یزید نامه‌ای به حاکم مدینه نوشت و به او دستور داد که از امام حسین (ع) برای یزید بیعت بگیرد و اگر حاضر نشد، او را به قتل برساند. امام (ع) که حاضر به بیعت کردن با یزید نبود، با خانواده خود از مدینه به مکه رفت. در این هنگام مردم کوفه که از مرگ معاویه با خبر شده بودند، نامه‌های زیادی برای امام حسین (ع) نوشتند و از او خواستند تا به عراق و کوفه بیاید. امام حسین (ع) نیز



مسلم بن عقیل را به کوفه فرستاد. ابتدا هزاران نفر از مردم کوفه با مسلم بن عقیل همراه شدند. اما با ورود عیدالله بن زیاد که از طرف یزید به حکومت کوفه گمارده شده بود و بسیار حيله گر و بی رحم بود، مردم کوفه اقدامات او را نایده گرفته و پیمان شکنی کردند و مسلم را تنها گذاشتند.

در نتیجه عیدالله، مسلم بن عقیل را دستگیر نموده و به شهادت رسانید. هنگامی که در ابتدا مردم کوفه با مسلم بیعت کردند، مسلم نامه‌ای به امام حسین (ع) نوشت و به ایشان اطلاع داد که به کوفه بیاید. امام حسین (ع) خانواده و یاران خود به طرف کوفه حرکت کردند و در نزدیکی کوفه بود که خبر پیمان شکنی مردم کوفه و شهادت مسلم را آوردند. عیدالله بن زیاد که با شهادت مسلم بر اوضاع کوفه تسلط پیدا کرده بود، حربن یزید ریاحی را برای زیر نظر گرفتن امام حسین (ع) و همراهانش فرستاد. و سپس عمر بن سعد را با سی هزار نفر به کربلا اعزام نمود. او به عمر بن سعد وعده داده بود که اگر امام حسین (ع) را به شهادت برساند، او را حاکم ری خواهد کرد. عمر بن سعد که به طمع حکومت ری به کربلا آمده بود از هیچ ستمی فروگذار نکرد. دستور داد امام حسین (ع) و یارانش را محاصره کنند و آب را بر روی آنان ببندند. یاران امام حسین (ع) که از شجاع ترین افراد بودند، روز دهم محرم (عاشورا) در حالی که بیش از ۷۲ تن نبودند، یکی پس از دیگری در دفاع از امام زمان خود یعنی امام حسین با عزت و آزادی به شهادت رسیدند. حربن یزید ریاحی نیز که ستمگری سپاه عمر سعد و حقانیت امام حسین (ع) را مشاهده کرد، به سپاه اسلام پیوست و به شهادت رسید.

واقعۀ کربلا گرچه از نظر زمان کوتاه بود و تنها یک روز از صبح تا عصر به طول انجامید، اما لحظه لحظه آن درس شهادت و ایثار و فداکاری، ایمان و اعتقاد و اخلاص بود. واقعۀ کربلا دانشگاهی است که از طفل شیرخوار تا پیرمرد محاسن سفیدش به بشریت درس آزادی می آموزد. خون های مطهر امام حسین (ع) و یارانش به اسلام حیات تازه بخشید و زمینه سرنگون شدن دودمان فاسد اموی را فراهم آورد.

امام حسین علیه السلام روز دهم محرم سال ۶۱ هجری، در سن ۵۷ سالگی در کربلا به شهادت رسید. مرقد ایشان و برادر فداکارش ابوالفضل و فرزندان و یارانش در شهر کربلا قرار دارد.

شعر: بوی محرم

غربت و غم می باره از آسمون	قد تموم دونه های بارون
یکی یکی میان به دنبال هم	فرشته ها برای سوگ و ماتم
نشسته غم رو سینه های مردم	آتش گرفته خوشه های گندم
پرچم های سیاه هوایی شدن	عشقای ساده هم خدایی شدن
هر کی می بینی یا حسین می خونه	امام حسینو از خودش می دونه
نام حسین هنوز چقدر غریبه	هر چی بگی امام حسین نجیبه
غریبی امام حسین ساده نیس	هر کی با او نباشه آزاده نیس
کربلا رو با آب و تاب شناختیم	با گریه و قحطی آب شناختیم
امام حسین تشنه دریا نبود	عباس او فقط یه سقا نبود
دست بزنه به هر چی دریا می شه	تموم درهای خدا و می شه

روایت سیب بهشتی: و ابن شهر آشوب روایت کرده است که روزی جبرئیل به خدمت حضرت رسول (ص) آمد که ناگاه حسین داخل شدند، و چون جبرئیل به نزدیک او آمدند و از او هدیه می طلبیدند، جبرئیل دستی به سوی آسمان بلند کرد سیبی و



بهی و اناری برای ایشان فرود آورد و به ایشان داد. چون آن میوه ها را دیدند شاد گردیدند و نزدیک حضرت رسول (ص) بردند حضرت از ایشان گرفت و بوئید و به ایشان برگرداند.

و فرمود که به نزد پدر و مادر خویش ببرید و اگر اول به نزد پدر خود ببرید بهتر است، پس آنچه آن حضرت فرموده بود به عمل آوردند و در نزد پدر و مادر خویش ماندند تا رسول خدا نزد ایشان رفت و همگی از آن میوه ها تناول کردند و هر چه می خوردند به حال اول بر می گشت و چیزی از آن کم نمی شد و آن میوه ها به حال خود بود، تا هنگامی که حضرت رسول (ص) از دنیا رفت و باز آنها نزد اهل بیت بود و تغییری در آنها به هم نرسید تا آنکه حضرت فاطمه (س) رحلت فرمود، پس انار برطرف شد و چون حضرت امیرالمؤمنین (ع) شهید شد به برطرف شد و سیب ماند، آن سیب را حضرت امام حسن (ع) داشت تا آنکه به زهر شهید شد و آسیبی به آن نرسید، بعد از آن نزد امام حسین (ع) بود.

حضرت امام زین العابدین (ع) فرمود: وقتی که پدرم در صحرای کربلا محصور اهل جور و جفا بود، آن سیب را در دست داشت و هرگاه که تشنگی بر او غالب می شد آن را می بوئید تا تشنگی آن حضرت تخفیف می یافت چون تشنگی بسیار بر آن حضرت غالب شد و دست از حیات خود برداشت، دندان بر آن سیب فرو برد، چون شهید شد، هر چند آن سیب را طلب کردند نیافتند، پس آن حضرت فرمود که من بوی آن سیب را از مرقد مطهر پدرم می شنوم، هنگامی که به زیارت او می روم و هر که از شیعیان مخلص ما در وقت سحر به زیارت آن مرقد معطر برود، بوی سیب را از آن ضریح منور استشمام می نماید.

۱ محرم - آغاز ایام حسینی:

دراول ماه محرم الحرام ۶۱ سال هجری قمری امام حسین (ع) در مسیر حرکت تاریخی خودش پس از ورود به عراق در مکانی بنام شراف منزل کردند و پس از فراهم کردن ذخیره ای از آب به راهشان ادامه دادند. در اواسط روز نیروهای دشمن از دور نمایان شدند؛ از این رو یاران امام در مکانی امن پناه گرفتند. سپاه دشمن مرکب از ۱۰۰۰ تن به فرماندهی حربن ریاحی مأموریت داشت که راه را بر امام حسین (ع) ببندد یا ایشان را به شهادت برساند. اما امام حسین (ع) به یاران خود دستور دادند که دشمن را از آب سیراب کنند. حر اگرچه هنگام نماز به امام حسین (ع) اقتدا می کرد، همچنان به تعقیب ایشان ادامه داد. این نخستین روز از حماسه ای بود که تا امروز جاودانه در تاریخ مانده است.

۲ محرم - ورود امام حسین به کربلا

بنا بر مشهور در این روز در سال ۶۱ هجری آقا مولایمان حضرت ابا عبدالله الحسین سید الشهداء علیه السلام با اهل بیت و اصحابش وارد کربلای معلی شدند. در آنجا اسب آن حضرت حرکت نکرد امام (ع) پرسیدند: نام این زمین چیست؟ گفتند: «غاضریه». نام دیگرش را پرسیدند، گفتند «شاطی الفرات». فرمودند، اسم دیگری هم دارد؟ گفتند: «کربلا» هم می گویند. در این هنگام حضرت آهی کشیدند و گریه ی شدیدی نمودند و فرمودند: «اللهم انی اعوذ بک من الکرب و البلاء». به خدا قسم زمین کربلا همین است. به خدا اینجا مردان ما را می کشند! به خدا قسم اینجا زنان و کودکان ما را به اسیری می برند! به خدا قسم اینجا پرده ی حرمت ما دریده می شود. ای جوانمردان، فرود آید که محل قبرهای ما اینجا است.

۳ محرم - ورود سپاه عبیدالله بن زیاد به کربلا

در سوم محرم الحرام سال ۶۱ هجری قمری: «عمر بن سعد ابن ابی وقاص» همراه ۴۰۰۰ سرباز به نینوا رسید تا با امام حسین (ع) وارد جنگ شود. ابن زیاد ابتدا به او وعده ی حکومت ری را داد اما چون از ورود امام به کوفه آگاه شد، پیکی به جانب عمر سعد روانه کرد و به او دستور داد که نخست به کربلا رود و بعد از سرکوبی حضرت امام حسین (ع) روانه ی ری شود. عمر سعد ابتدا از این کار امتناع ورزید اما سرانجام به طرف کربلا روانه شد. بعد از ورود عمر سعد به کربلا، حربن یزید ریاحی همراه سپاهش زیر



نظر او قرار گرفتند، عمر سعد از این پس به طور مستقیم رو در روی امام حسین (ع) سرور شهیدان ایستاد تا بتواند به حکومت دست یابد، اما تنها آتش دوزخ را برای خود مهیا ساخت.

۴ محرم - استقرار امام حسین (ع) در دشت کربلا

در ۴ محرم الحرام در سال ۶۱ هجری قمری حضرت امام حسین (ع) سید و سالار شهیدان به اتفاق جمعی از یارانشان پس از ورود به کربلا در آنجا مستقر شدند. در بین راه سپاه حر، ضمن ممانعت از حرکت امام، هر از گاهی نیز اهل بیت رسول اکرم (ص) را همراهی می کرد. سرانجام آن حضرت پس از گذراندن روزهای سخت و پرمشقت، به دشت کربلا رسیدند. در پی ورود امام، سپاه کفر نیز به فرماندهی عمر بن سعد بن ابی وقاص به قصد جلوگیری از ادامه حرکت کاروان سرور شهیدان وارد کربلا شد. او که در اندیشه دستیابی به قدرت و حکومت بود، از هیچ جنایتی برای نیل به اهداف پلید خود فروگذار نکرد. از این رو درصدد برآمد تا امام را وادار به تسلیم و مصالحه کند و در صورتیکه امام حسین (ع) تسلیم نشود، آن حضرت را شهید کند. شایان توجه است که شمار افراد سپاه عمر بن سعد در ابتدا پیش از چهار هزار تن بود، اما به تدریج بر عده آنان افزوده شد، بطوری که بعد از استقرار سپاه عمر سعد در کربلا، عده ی سربازان به پنج هزار تن رسید.

۵ محرم

در ۵ محرم الحرام در سال ۶۱ هجری قمری، پس از استقرار کاروان امام حسین (ع) در دشت کربلا، سپاه کفر به دستور ابن زیاد از هر طرف به این مکان هجوم آوردند. در منابع، سپاه دشمن را تا این روز از ایام محرم سال ۶۱ هجری نزدیک به ۳۰/۰۰۰ تن ذکر کرده اند، سپاه عمر بن سعد بیش از پنج هزار تن و نیز چهار هزار سرباز به سرکردگی شمر، از جمله آنان بودند. همچنین حربن یزید ریاحی با افرادش تحت نظر عمر سعد بود. مسعودی نقل کرده است همه ی کسانی که در جنگ با امام حسین (ع) شرکت داشتند، از اهالی کوفه بودند؛ کوفیانی که خود با سرور شهیدان بیعت کردند، پس از دعوت ایشان به کوفه، فریب فرماندهان سپاه کفر را خوردند و امام حسین (ع) را تنها گذاشتند. اما حماسه ی مظلومیت امام حسین (ع) در تاریخ جاویدان ماند و امروز ابا عبدالله الحسین (ع) و یاران اندک اما مخلص ایشان، نمونه و مظهر شجاعت و ایمان قاطع به پروردگار یکتا برای انسانهای آزاده اند.

۶ محرم

در ششم محرم الحرام سال ۶۱ هجری قمری «ابن سعد» نماینده ای به حضور امام حسین (ع) فرستاد تا انگیزه ی ورود و استقرار آن حضرت را در کوفه جویا شود. البته هیچیک از افراد سپاه ابن سعد این مأموریت را نپذیرفتند زیرا آنان خود، امام حسین (ع) را به کوفه دعوت کرده بودند، اما حال برای جنگیدن با آن بزرگوار در مقابلش صف آرایی کرده بودند. در همین اثنا ابن زیاد در نامه ای از ابن سعد خواست که امام و یارانش را به بیعت با یزید فرا خواند. امام حسین (ع) بعد از آگاهی از این امر، از آن سرباز زدند؛ زیرا برای بیعت با یزید به کوفه نیامده بودند بلکه هدف آن امام معصوم، ایجاد پایگاهی برای گسترش اسلام به دیگر نقاط جهان بود.

۷ محرم

در هفتم محرم الحرام سال ۶۱ هجری قمری «عمر ابن سعد» به دستور ابن زیاد، عمرو بن حجاج را با ۵۰۰ سوار بر اطراف رود فرات و شعب آن مأمور کرد تا امام حسین (ع) و یارانش دسترسی به آب نداشته باشند. بدین ترتیب تشنگی بر اولاد رسول اکرم (ص) و دیگر افراد غالب شد و امام حسین (ع) فرمودند که برای خیمه گاه آب فراهم شود. بر این اساس حضرت عباس بن علی (ع) برادر شجاع امام حسین (ع) همراه ۲۰ تن دیگر با مشکهای آب به طرف فرات حرکت کردند. پیشاپیش این گروه، نافع بن



هلال با پرچمی به نشانه‌ی صلح حرکت می‌کرد، اما دشمنان کافر بی‌اعتنا به این پرچم، به این گروه اندک یورش بردند و حضرت عباس با وجود تمام شجاعت و رشادت‌هایش بدون آب و با جراحات‌های بسیار به خیمه‌گاه بازگشت.

۸ محرم

در هشتم محرم الحرام سال ۶۱ هجری قمری آخرین مذاکره بین منادیان سپاه ایمان و سردمداران کفر انجام گرفت. روز هشتم ماه محرم، به دعوت امام حسین (ع) گفتگویی میان ایشان و ابن سعد ترتیب داده شد و ایشان فرماندهی کافران را از عاقبت راهی که در پیش گرفته بودند آگاه و برحذر کردند. امام در سخنان خویش به ابن سعد فرمودند: «وای بر تو ای ابن سعد، آیا از خدا که عاقبت به دیدارش خواهی شتافت، نمی‌ترسی؟ آیا با من می‌جنگی در حالیکه می‌دانی من کیستم؟ بیا و این لشکر انبوه را واگذار و با من همراهی کن که در این صورت به خدا نزدیکتر خواهی بود». اما سخنان امام در آن موجود پلید اثر نکرد و او که در اندیشه‌ی کسب قدرت و مقام بود، در کفر و جهل خویش باقی ماند.

۹ محرم

در نهم محرم الحرام سال ۶۱ هجری قمری «شمر بن ذی الجوشن» همراه با نامه‌ی ابن زیاد به کربلا وارد شد. در این نامه به عمر بن -سعد دستور آغاز جنگ با امام حسین (ع) داده شده بود. شمر نزدیک خیمه‌گاه امام و یارانش شد و برای تضعیف روحیه‌ی نزدیکان آن حضرت فریاد کرد و گفت: برای شما امان‌نامه آورده‌ام، دست از مبارزه بردارید. اما برادران و یاران امام حسین (ع) در جواب یک صدا گفتند: خدا ترا و امان‌نامه‌ات را لعنت کند، آیا ما را امان می‌دهی در حالیکه پسر رسول خدا امان ندارد؟ ای دشمن خدا، آیا تو ما را امان می‌دهی تا برادر و سرور خود را تنها بگذاریم و از نفرین‌شدگان فرمان ببریم؟ بدین ترتیب امام حسین (ع) و یارانشان در راه خویش برای حفظ اسلام و پایداری آن، استوار ماندند و کسانی چون ابن سعد برای کسب مال و مقام دنیوی در انحراف و گمراهی خویش بیشتر فرو رفتند.

۱۰ محرم - شهادت امام حسین (ع)

در دهم محرم الحرام سال ۶۱ هجری قمری یکی از حماسی‌ترین حوادث تاریخ اسلام و تاریخ بشر در دشت کربلا روی داد. در این واقعه حضرت امام حسین (ع) به اتفاق جمعی از یارانشان برای پاسداری از دین و پایداری حیات اسلام، همچنین آموزش دینداری و آزادی به مردم و مبارزه با ظلم یزید به نبرد با لشکری عظیم از کفار پرداختند. آنان شجاعانه ایستادگی کردند و سرانجام در این راه جان خود را نثار کردند. از حوادث مهم این روز، پیوستن حرّ به اردوی امام حسین بود. او که به دستور ابن زیاد مأمور جلوگیری از ادامه‌ی حرکت کاروان سیدالشهداء شده بود، پس از ورود به اردوی امام گفت: «من نخستین کسی بودم که راه را بر شما بستم، اکنون اجازه فرمایید تا نخستین کشته در رکاب شما باشم، بدان امید که روز قیامت به دیدار رسول اکرم (ص) مفتخر شوم» حر پس از کسب اجازه از امام، بی‌درنگ بر سپاه دشمن تاخت و سرانجام شهید شد. روز عاشورا و حماسه دلیری مردان خدا رویدادی است که هیچگاه از صفحات تاریخ بشریت محو نخواهد شد و یاد حسین بن علی (ع) این آموزگار مقاومت و ایثار، گذشت و فداکاری و بارزترین چهره‌ی حق در حماسه‌ی عاشورا همواره در دل تاریخ جاودانه خواهد ماند.

۱۰ محرم - شهادت حضرت عباس (ع)

در دهم محرم الحرام سال ۶۱ هجری قمری، حضرت عباس بن علی (ع) سردار شهید اسلام در ظهر عاشورا در کربلا به شهادت رسید. حضرت عباس بن علی ملقب به باب الحوائج و کنیه‌اش ابوالفضل بود. او در دامان مولا علی (ع) پرورش یافت و از دریای فضایل حضرت علی (ع) بهره برد. او به درجه‌ای از یقین قلبی رسیده بود؛ او حقایق بسیاری از پدر بزرگوار خویش درباره‌ی حماسه کربلا شنیده بود و با اطمینان کامل در خدمت برادر بزرگوارش امام حسین (ع) قرار گرفت. حضرت عباس مجموعه‌ای از



فضایل و کرامت‌ها بود و شجاعت و ایثارش باعث شد که امام حسین (ع) پرچمداری کربلا را به او بسپارد. حضرت ابوالفضل که نمونه‌ی کامل سرداری وفادار و شجاع بود، با وجود امان‌نامه‌ای که شمر از طرف عمر سعد برای او و سه برادرش آورده بود، در کنار برادرش امام حسین (ع) ماند و بر آن امان‌نامه لعنت فرستاد. حضرت عباس (ع) شهادت سه برادرش را برای حفظ اسلام و حفظ جان امام حسین (ع) به جان خرید و خود، آخرین کس از یاران امام حسین (ع) بود که جان خویش را فدای امام خود کرد و بعد از ایشان، برای امام حسین (ع) دیگر یآوری نماند.

ذکر مصیبت حضرت علی اصغر (ع)

امام حسین (ع) نزد خواهرش ام کلثوم آمد و به او فرمود: ای خواهر تو را در مورد نگهداری کودک شیرخوارم سفارش می‌کنم زیرا این کودک شش ماهه است و به مراقبت نیاز دارد. او عرض کرد: ای برادر این کودک سه روز است که آب نیاشامیده، از کوفیان برای او شربت آبی بگیر. امام (ع) علی اصغر را در آغوش گرفت و به سوی کوفیان رفت و خطاب به آنها فرمود: شما برادران و فرزندان و یارانم را کشتید و از آنها جز این کودک باقی نمانده، نزد شما آوردم تا به او آب بدهید.

هنوز سخنش تمام نشده بود که به اشاره عمر سعد، حرمله گلوی او را هدف تیر سه شعبه قرار داد که تیر به گلوی او اصابت کرد. در زیارت ناحیه مقدسه امام زمان (عج) چنین آمده: سلام بر عبدالله شیرخوار، فرزند امام حسین (ع) که هدف تیر قرار گرفت و در خون غوطه‌ور شد و خوش به آسمان صعود کرد، سرش بوسیله تیر دشمن در آغوش پدر ذبح گردید، امام آن کودک را به زینب (س) داد و فرمود: او را نگهدار دستش را زیر گلوی کودک گرفت، پراز خون شد آن را به طرف آسمان پاشید و گفت: (چون خداوند این منظره را می‌بیند، آنچه از این مصیبت بر من وارد شد، برایم آسان است)

و در احتجاج آمده: امام حسین (ع) از اسب پیاده شد و کنار خیمه یا پشت خیمه با غلاف شمشیرش قبری کند و کودکش را به خونش رنگین نمود و دفن کرد ولی حضرت گریه می‌کرد و فرزندش را دفن می‌کرد، نوایی از آسمان شنید: ای حسین در فکر اصغر نباش هم‌اکنون دایه‌ای در بهشت برای شیر دادن به او آماده است. این ندا، نوای دلداری به امام حسین (ع) بود تا بتواند این فاجعه غمبار این مصیبت را تحمل کند.

شعر: علی اصغر

گوهر ناب علی	دُرّ نایاب علی (۲)	آخرین یار منی	مُهر طومار منی (۲)
ماه من بار دگر	با گل لبخند برآ	عطش و خنده و خاموشی تو کشت مرا .	
غنچه پرپر من	ای علی اصغر من (۲)		
منم ویاری تو	اشک غمخواری تو	جان بابا خجلم	ز وفاداری تو (۲)
دیده بگشا ز هم و باز مرا یاری کن .		علم دست پدر باش و علمداری کن .	
غنچه پرپر من	ای علی اصغر من (۲)		
آشنا با گلویت	لب خشکیده من	برگل روی تو ریخت	اشک ازدیده (۲)
غنچه پرپر من	ای علی اصغر من (۲)		

دوست امام حسین (ع)

روزی از روزهای زیبای خدا پیامبر (ص) با دوستانش از کوچه‌ای عبور می‌کرد، که در آن بچه‌ها مشغول بازی بودند. پیامبر (ص) ایستاد و با دقت به آنها نگاه کرد. دوستان پیامبر (ص) هم ایستادند. پیامبر لبخند زد و به طرف بچه‌ها رفت. آنها فکر کردند که



حتماً پیامبر(ص) نوه هایش امام حسن (ع) و امام حسین (ع) را دیده است که این طور خوشحالی می کند. اما هر چه نگاه کردند، آنها را ندید. به همین خاطر خیلی تعجب کردند.

پیامبر(ص) به بچه ها سلام کرد و بر سر آنها دست کشید و بعد رو به روی یکی از بچه ها ایستاد. با مهربانی دست کوچک او را توی دست هایش گرفت. چند لحظه با او حرف زد. با مهربانی او را بوسید. آنوقت با او و همه ی بچه ها خدا حافظی کرد و به طرف دوستانش برگشت.

دوستان پیامبر(ص) که از رفتار ایشان خیلی تعجب کرده بودند پرسیدند: ای رسول خدا، ما فکر کردیم شما به خاطر دیدن نوه هایتان حسن(ع) و حسین(ع) است که این طور خوشحالی می کنید. اما آنها را ندیدیم، به ما بگو آن بچه ای که این قدر به او احترام گذاشتید که بود؟

پیامبر(ص) با خوشحالی گفت: این پسر، دوست فرزندم حسین(ع) است. بارها دیده ام که با حسینم بازی می کند. به همین خاطر من هم به او علاقه زیادی دارم، او در آینده یکی از یاران با وفای حسینم خواهد بود.

مدح امام حسین (ع)

خدا ز روز اول	مهر نهاده در دل (۲)	از سوی حق تویی تو	کلید حل مشکل
داند خدا که دینم	گردیده با تو کامل	مولای من حسینه	امید عالمینه (۲)
از کودکی شدم من	عاشق سینه چاکت	این شده آرزویم	دیدن قبر پاکت
تو کربلا حسین جان	سریزارم رو خاکت	مولای من حسینه	امید عالمینه (۲)
بمیرم از برای	وداع آخر تو	بنشسته در کنارت	دل خسته خواهر تو
چشم انتظار آب است	سکینه دختر تو	مولای من حسینه	امید عالمینه (۲)
زینب به چشم خود دید	جسمت به خون پییده	شمر در میان مقتل	خنجر زکین کشیده .
آن نا نجیب از پشت	سرتو را بریده	مولای من حسینه	امید عالمینه (۲)

ذکر مصیبت حضرت مسلم

خدا کوفیان را لعنت کند که با بی وفایی مقدمه ظلم براهل بیت (ع) را فراهم نمودند. در مدت کوتاهی همه بیعت خود را شکستند و سفیر امام حسین (ع)، مسلم را تنها گذاشتند، همه از اطرافش پراکنده شدند و فقط او ماند و تنهائیش و غربتش. در این شهر به میهمانی دعوت شده، ولی در خانه هیچ میزبانی به یاری او باز نمی شد، در میان کوچه های کوفه حیران و سرگردان بود، از اسب خود فرود آمد و سرگردان در کوچه ها می گشت و نمی دانست کجا برود. به در خانه ی زنی رسید به نام طوعه که فرزندی به نام بلال داشت که با مردم بیرون رفته و مادرش در انتظار او بود. حضرت بر او سلام کرد و او جواب داد: آبی به من بنوشان آبش داد. نوشید و نشست آن زن ظرف آب را به خانه برد و برگشت و گفت: مگر سیراب نشدی؟ فرمود: چرا، گفت: به خانه ات برو. آن حضرت ساکت شد، دو مرتبه گفت: ...، اما تا فهمید آقا، مسلم بن عقیل است او را به داخل خانه برد. طوعه می گوید: مدام می دیدم که حضرت نماز می خواند و زمزمه می کرد و ذکر می گفت. طولی نکشید که پسرش بلال برگشت و فهمید که حضرت مسلم در خانه است و صبح روز بعد جای آن حضرت را خبر داد. خانه را محاصره کردند، وقتی زور و بازوی آن حضرت را دیدند، بر بام خانه رفتند و او را سنگ باران نموده، آتش در دسته های نی زده، از بام ها بر سر او انداختند و بالاخره با نیرنگ مسلم را دستگیر کردند او را گردن زده و از بالای دارالاماره، بدن بی سر او را به زمین انداختند.



شعر:

ای لب تشنه شده / به بام کوفه قتیل / یا مسلم ابن عقیل / زائر خون خدا / باسرازن جدا / بر تو مسلم سلام (۲)

سلام ما همه بر تو / سلام آخر تو / چراز تیغ جفا / بریده شد سرتو / هم سرت بشکسته بود / هم دودست بسته بود / بر تو مسلم سلام (۲)

پس از شهادت تو / چه شد به پیکرتو / کشیده شد به زمین / تن مطهرتو / کس نکرده در جهان / این چنین با مهمان / بر تو مسلم سلام (۲)

خدا کند که شود / نصیبم از کرم / به شهر کوفه شبی / زیارت حرمت / رخ به خاکت افکنم / بوسه بر قلبت زنم / بر تو مسلم سلام (۲)

حضرت رقیه (س) و خرابه شام: یکی از مصیبت هایی که در شام برای اهل بیت (ع) رخ داد. شهادت طفل سه ساله حضرت امام حسین (ع)، حضرت رقیه (س) بود. درد هجران کشیده و زهر فراق دوران چشیده، گرسنگی ها و تشنگی ها خورده، رنج سفر و داغ پدر و برادر دیده. بر بالای شتر برهنه کعب نیزه و تازیانه ها خورده، دل از دنیا سیر و از عمر و زندگی بیزار گشته، یتیمی بر آن دختر کوچک و مظلوم خیلی اثر کرده، گرد یتیمی بر سر و صورت نشسته، در شبی از شبها حزن و غم و اندوه این طفل فرونی یافت، به شدت او را مضطرب نمود و بی اختیار به یاد پدر افتاد، در کنج خرابه زانو بغل گرفت، سر بی کسی بر زانو نهاد و از هجران پدر اشک می ریخت، در این اثنا وی را خواب در ربود، در عالم واقعه دید سر پدر میان طشت طلا در پیش روی یزید است و با چوب خود بر لب و دندان پدر می زد. آن مظلومه از دیدن سر پدر و خوردن چوب با وحشت از خواب بیدار شد. چنان صیحه کشید که خرابه نشینان پریشان شدند، همه به گرد وی حلقه زدند و سبب ضجه و اضطراب وی را پرسیدند. آن مظلومه صدا زد. عمه الان در خواب دیدم که سر بریده پدرم در حضور یزید است و دارد با چوب بر لبان وی می زند، من سر بابایم را می خواهم. آن اسیران هر چه خواستند او را ساکت کنند، ممکن نشد، بلکه ناله اش دم به دم بیشتر و زاریش زیاده تر می شد. اهل بیت رسالت از گریه رقیه (س) به شیون در آمدند و بر سر و سینه زدند، صدای ایشان به بارگاه یزید رسید.

آن نانجیب دستور داد سر پدرش را برای او ببرند تا آرام بگیرد، سر مطهر را در میان طشت نهاده در حالی که پرده ای به روی آن بود، آن را پیش او بردند. نگاه رقیه (س) بر آن سر مطهر افتاد، خود را بر روی آن انداخت. شروع کرد صورت پدر را بوسیدن و بر سر و سینه زدن. آن قدر با دستهای کوچک خود به دهانش زد که مملو از خون شد. صدا زد: بابا چه کسی رگهای گلویت را بریده، کدام ظالم مرا در کودکی یتیم کرده، کاش کور می بودم... پس از آن لب بر لب پدر نهاد و از سخن افتاد و دیگر به هوش نیامد. همین که او را حرکت دادند، دیدند از دنیا رفته و پس از غسل دادن وی در همان پیراهن پاره کفن کردند و در همان خرابه به خاک سپردند.

شعر: آفتاب سحر

امشب آمد به برم	آفتاب سحرم	همه بیدار شوید	که رسیده پدرم
خوش بود این دل شب	دخترک خسته تو	بزند بوسه به پیشانی بشکسته تو.	
ماه خاکستریم	همرخت می بریم (۲)	آه از بی پدری	چه مبارک سحری
من به چشم نگریم	توبه اشکم نگری (۲)	کی روا بود مرا قاتلت آواره کند.	فرق تو بشکند و گوش مرا پاره کند.
ماه خاکستریم	همرخت می بریم (۲)	روی تو خون آلود	روی من گشته کبود
یابن زهرا بگو	جرم ما و تو چه شد (۲)	هیچ دانی چه رسیده به تن عمه من	جای سالم نبود بر بدن عمه من
ماه خاکستریم	همرخت می بریم (۲)	از غمت بیمارم	کاش طاقت آرام (۲)
که سرپاک تورا	ز طبق بردارم	همه از حکم خدا یکسره سرباز زدند	
ما به صورت زده، آن سنگدلان ساز زدند	ماه خاکستریم	همرخت می بریم.	



حضرت ابا الفضل (ع)

وقتی که همه یاران امام حسین (ع) به شهادت رسیدند و حضرت عباس (ع) خود را تنها یافت به حضور برادر آمد و عرض کرد: آیا اجازه می‌دهی به میدان بروم، امام شدیداً گریه کرد و سپس فرمود: ای برادر، تو صاحب پرچم من هستی، حضرت عباس (ع) فرمود: سینه‌ام تنگ شده و از زندگی به تنگ آمده‌ام، می‌خواهم انتقام خون شهیدان را از دشمن بگیرم. امام (ع) فرمود: پس برو برای این کودکان تشنه اندکی آب بیاور. در روایتی آمده: خیمه‌ای مخصوص مشکهای آب بود. او به خیمه مخصوص وارد شد دید کودکان پیراهن‌های خود را بالا زده و شکم‌های خود را بر مشکهای نمدار می‌گذارند تا بلکه عطش آنها کمتر شود، به آنان فرمود: نور دیدگانم صبر کنید، اکنون می‌روم و برای شما آب می‌آورم نیزه و مشک خود را برداشت و سوار بر اسب به سوی فرات رفت، پس از کشتن هشتاد نفر به آب رسید، کمی از آب برداشت و کنار دهان اسب برد تا بیاشامد. سپس کمی آب را برداشت تا بنوشد. بعد آب را به روی آب ریخت و بدون آنکه آبی بنوشد، مشک را پرکرد و با خود گفت: ای نفس بعد از حسین (ع) زندگی تو ارزشی ندارد و نباید پس از او باقی بمانی. او مشک را پرکرد و در راه برگشت به خیمه، او را محاصره کردند، تعداد زیادی از آنان را کشت، ولی در نهایت ناجوانمردانه از پشت کمین نمودند دست راست و سپس دست چپش را قطع کردند، مشک را به دندان گرفت و تلاش کرد آن را به خیمه‌ها برساند که تیری بر مشک خورد و آب آن ریخت. تیردیگری به سینه یا چشم او نشست و سپس عمودآهنین بر فرق سرش خورد و از سر بر زمین افتاده صدا زد: یا اخواه ادرک اخواه (ای برادر برادرت را دریاب)

امام (ع) خود را به بالین برادر رساند و چون او را در آن حال دید، با صدای بلند گریه کرد و فرمود: اکنون پشتم شکست و رشته تدبیر و چاره‌ام از هم پاشید. طبق بعضی از روایات، وقتی امام حسین به بالین عباس آمد، هنوز عباس زنده بود، به برادر عرض کرد: به دو علت مرا به خیمه مبر: (۱) وعده آب به سکنه داده بودم نتوانستم به این وعده وفا کنم (۲) علمدار و پرچمدار شما بودم: اگر اهل خیمه مرا کشته ببینند، صبرشان اندک می‌شود. امام (ع) پیکر مبارک عباس (ع) را در کنار نهر علقمه گذاشت در حالی که اشک می‌ریخت به سوی خیمه‌ها بازگشت. دخترش سکنه به پیشش آمد و عنان اسبش را گرفت و گفت: ای بابا آیا از عمویم عباس خبر داری؟ او به من وعده آب داده بود؟ امام (ع) گریست و فرمود: ای دخترم عمویت عباس شهید شد و روحش به بهشت رسید.

شعر: گل یاس علی

گریزد از دیده گلاب	دل آب است کباب	بعد از این کس نکند	با پدر صحبت آب (۲)
دست بابا به کمر	دست عموروی زمین	فاطمه زائراو شد	عوض ام البنین
ما عمومی خواهیم		آب از او می‌خواهیم (۲)	
بدن شیر کجا	زخم شمشیر کجا	گل یاس علی و	این همه تیر کجا (۲)
کوفیان خنده	به بی دستی آن شیر زدند	چشم او مشک شد از اشک و بر آن تیر زدند.	
ما عمومی خواهیم		آب از او می‌خواهیم (۲)	
علقمه غوغا بود	مقتل سقا بود (۲)	مشک اگر آب نداشت	چشم او دریا بود
همه را تاب و توان بود و خودش تاب نداشت.		بر لب آب روان بود ولی آب نداشت	
ما عمومی خواهیم		آب از او می‌خواهیم (۲)	



ذکر مصیبت حر

امام حسین (ع) وقتی خبر بی وفایی کوفیان را شنید و ممانعت لشکر حر را دید، به اصحابش دستور برگشت داد. خواستند برگردند که حر مانع شد. امام حسین (ع) فرمود: مادرت بر عزایت بگرید چه می خواهی؟ حر گفت: اگر کس دیگری از عرب چنین می گفت و مانند تو گرفتار بود، از جوابش نمی گذشتم، ولی من نمی توانم جز نیکی نام مادر ترا ببرم. حر پس از دریافت نامه عیدالله بن زیاد امام (ع) را تحت فشار قرار داده و لشکر، حضرتش را محاصره کامل نموده تا روز عاشورا که امام حسین (ع) پس از آن که خطبه خواند و دشمن با هلهله سخنان حضرت را قطع کرد امام فریاد بر آورد: آیا فریاد رسی هست که برای خدا ما را یاری کند، حر پیش عمر سعد آمده و گفت: آیا قصد داری با حسین بجنگی؟ عمر سعد گفت: به خدا جنگی می کنم که کمترین چیز آن جدا شدن سرها از بدن ها و دستها از پیکرها باشد. حر را از این سخن لرزه ای به اندام انداخت و خودش را میان دوراهی بهشت و جهنم دید و گفت: به خدا قسم چیزی را بر بهشت ترجیح نمی دهم، اگر چه بدنم پاره پاره شود و مرا بسوزانند. آنگاه آرام آرام به مرکب خود زد و خود را به سپاه امام رساند، دو دست بر سر گذاشته و می گفت: خداوندا به سوی تو انابه می کنم، توبه مرا بپذیر. زیرا من، دوستان تو و فرزندان دختر پیغمبرت را ترساندم، حر پس از آنکه در پیشگاه امام پذیرفته شد، از او خواست به نزد بانوان حرم برای عذرخواهی برود. امام اجازه فرمودند. او با چشمانی گریان وارد شد و پس از عرض ادب گفت: من همانم که شما را ترساندم، دل های شما را شکستم اکنون پشیمانم، ببخشید، پشیمانم به شما پناه آوردم و امید عفو دارم، در نزد مادران حضرت فاطمه (س) از من شکایت نکنید... حر به میدان رفت و برق آسا به دشمن حمله کرد و رجز می خواند که: من آن حرم که خانها محل فرود و پناه مهمان بود و رسم مهمان نوازی را می دانم، بالاخص این مهمانی که در مکه و منا و در بین مهمانان خدا گرامی ترین آنها هستند، او بسیاری از شجاعان و دلیران را کشت و خود پس از لحظه ای به شهادت رسید.

شعر: خجلت زده

پسر فاطمه من یار توام (۲)	من همان حر گنه کار توام	خون شد از غصه دلم	ز تو مولا خجلم
تا بود جان به تنم	از توشرمند منم (۲)		
آدمم توبه کنم در حرمت (۲)	به فدای تو و لطف و کرم		
تو امید همه ای	پسر فاطمه ای	تا بود جان به تنم	از توشرمند منم (۲)
من به جنگ تو سپاه آوردم (۲)	بر درت بارگناه آوردم		
به تو باشد نگهم	که ببخشی گنهم	تا بود جان به تنم	از توشرمند منم (۲)
حرم و قائم از غصه خم است (۲)	گنهم پیش عطای تو کم است.		
کار من جرم و خطاست	کار تو لطف و عطاست	تا بود جان به تنم	از توشرمند منم (۲)
از من غمزده تقصیر ببخش (۲)	به علی اصغر بی شیر ببخش		
زدم امروز صدات	که کنم جان به فدات	تا بود جان به تنم	از توشرمند منم (۲)

ذکر مصیبت ورود به کربلا. روز دوم محرم

کعبه من کربلاست	کربلا آدمم	قبله من نینواست	کربلا آدمم
گذشتم از اکبرم	این تو و این اصغرم	حسین تو خداست	کربلا آدمم
از عرفات آدمم	سوی فرات آمدن	آب من آب بقاست	کربلا آدمم
قاتل خون خواه کو	شمر ستمکار کو	سم ستوران کجاست	کربلا آدمم



۱۲ محرم - اسارت خاندان پیامبر

در دوازدهم محرم الحرام سال ۶۱ هجری قمری کاروان اسیران کربلا متشکل از زنان و دختران و کودکان خردسال به فرمان سعد به کوفه رسید. در این سفر کوتاه کاروان اسیران را از کنار اجساد مطهر شهیدان کربلا عبور دادند و آنان با دیدن این مناظر دلخراش بی تاب شدند، اما صبر پیشه کردند. حضرت زینب (س) با بیان خصوصیات ظالمانه‌ی بنی امیه و شرح مقام شهیدان اسلام، این واقعه را نشانه‌ی سرافرازی اسیران خاندان پیامبر (ص) دانستند. مشاهده‌ی کوفه و اهلش برای اهل بیت بسیار غم‌انگیز و دردناک بود، زیرا مولا علی (ع) بیشتر ایام خلافتشان را در این شهر سپری کرده بودند، اما اکنون اهل بیت آن حضرت به اسیری وارد کوفه می‌شدند. این کاروان بیش از یک ماه در کوفه ماندند و دو روز پیش از اربعین سالار شهیدان به طرف شام حرکت داده شدند.

۱۲ محرم (۲) - شهادت حضرت امام زین العابدین (ع)

در دوازدهم محرم الحرام سال ۶۱ هجری قمری بنا بر روایتهای مشهور، حضرت امام سجاد (ع) چهارمین پیشوای مسلمین جهان به دسیسه ولید بن عبدالملک به شهادت رسیدند. برخی از مورخان شهادت آن حضرت را در روزهای ۱۸ یا ۲۵ محرم ذکر کرده‌اند. امام سجاد (ع) در حماسه‌ی عاشورا و وقایع پس از آن شاهد همه‌ی صحنه‌های شهادت، اسارت، و توهین به خاندان عصمت و طهارت بودند. ایشان بعد از این واقعه بزرگ اما مصیبت‌بار، پیام‌آور حماسه‌سازان عاشورای حسینی به امت اسلام بودند و توطئه‌های بنی‌امیه را برای محو حقایق برملا کردند. تاریخ با مجاهدتهای امام سجاد (ع) چهره‌ی واقعی کربلا را باز شناخت. از امام سجاد (ع) علاوه بر مجاهدتهای بسیارشان برای حفظ اسلام، مجموعه‌ی دعا‌های عرفانی آن حضرت به یادگار باقی است که به نام «صحیفه سجادیه» مشهور و از کتب معتبر مسلمانان است.

ابن بابویه از حضرت امام محمد باقر (ع) روایت کرده است که پدرم علی بن الحسین (ع) هرگز یاد نکرد نعمتی از خدا را مگر آنکه سجده کرد برای شکر آن نعمت، و نخواند آیه‌ای از کتاب خدا که در آن سجده باشد مگر آنکه سجده می‌کرد، و هرگاه حق تعالی از او بدی دفع می‌کرد که از او در بیم بود یا مکر کننده‌ای را از او دور می‌گردانید، سجده می‌کرد و هرگاه از نماز واجب فارغ می‌شد، سجده می‌کرد و هرگاه توفیق می‌یافت که میان دو کس اصلاح کند، برای شکر آن سجده می‌کرد و اثر سجده در جمیع مواضع سجود آن حضرت بود و به این سبب آن حضرت را (سجاد) می‌گفتند.

۱۸ محرم - تغییر قبله مسلمین از بیت المقدس به مکه معظمه

قبله یعنی سمتی که به طرف آن رو می‌کنند. مسلمانان هنگام نماز و عبادت رو به کعبه می‌ایستند. کعبه مقدس در مسجد الحرام و در مکه قرار دارد و قبله مسلمانان است. ایستادن رو به کعبه، یادآور توحید و آیین یکتاپرستی حضرت ابراهیم (ع) است که این خانه مقدس را بر پا کرد و رمز یکپارچگی و اتحاد صفوف مسلمانان در سرتاسر جهان است. پیامبر اسلام و مسلمین، ابتدا به طرف بیت المقدس که قبله همه پیامبران بود، نماز می‌خواندند. تا هفده ماه پس از هجرت به مدینه نیز این حالت بود. بدنبال طعنه‌ها و زخم زبانه‌های یهود، به دستور خداوند، از آن پس مسلمانان به سوی مسجدالحرام و کعبه ایستادند. این ماجرا که به «تغییر قبله» معروف است، در قرآن و سوره بقره آیات ۱۴۲ تا ۱۴۴ آمده است. مسجدی که این آیات در آن نازل شد، هم اکنون نیز در مدینه باقی است و به مسجد ذوقبلیتین مشهور است؛ یعنی مسجدی که در آن به سوی دو قبله نماز خوانده شده است. غیر از نماز، کارهای دیگری همچون دفن مرده و سر بریدن حیوانات باید روبرو قبله باشد.

ترجمه آیات ۱۴۲ الی ۱۴۴ سوره بقره «مردم سفیه بی‌خرد خواهند گفت چه موجب آن شد که مسلمین از قبله ای که بر آن بودند روی به کعبه آوردند؟ بگو ای پیغمبر، مشرق و مغرب خدای راست و هر که را خواهد او را به راه راست هدایت کند. ما همچنان



شما مسلمین را به آیین اسلام هدایت کردیم و نیز بیاراستیم به اخلاق معتدل و سیرت نیکو تا گواه باشید، تا نیکی و درستی را سایر ملل عالم از شما بیاموزند چنانچه پیغمبر (ص) را گواه شما کردیم تا شما از وی بیاموزید و ای پیغمبر ما قبله‌ای که بر آن بودی نگردانیم مگر برای این که بیازماییم و جدا سازیم گروهی را از پیغمبر خدا پیروی کنند از آنان که به مخالفت او برخیزند و این تغییر قبله بسی گران بود جز در نظر هدایت یافتگان به خدا و خداوند اجر پایداری شما را در راه ایمان تباه نگرداند. خدا به خلق مشفق و مهربانست. ما توجه تو را بر آسمان به انتظار وحی و تغییر قبله بنگریم البته روی تو به قبله‌ای که بدان خشنود شوی بگردانیم پس روی کن به طرف مسجد الحرام و شما مسلمین نیز هر کجا باشید، در نماز روی بدان جانب کنید و گروه اهل کتاب به خوبی می‌دانند که این تغییر قبله به حق و از جانب خداست.

۳ صفر - ولادت حضرت امام محمد باقر (ع)

در سوم ماه صفر سال ۵۷ هجری قمری «حضرت امام محمد باقر (ع)» پنجمین ستاره آسمان امامت در مدینه منوره قدم به عرصه‌ی حیات نهادند. مادر امام محمد باقر (ع)، فاطمه، دخت گرامی امام حسن مجتبی (ع) بود، از این رو آن حضرت هاشمی و علوی محسوب می‌شوند. دوران زندگی امام محمد باقر (ع) بسیار پر آشوب و نابسامان بود. زیرا از یک طرف شهادت امام حسین (ع) تأثیر بسیار عمیقی در محیط جامعه اسلامی گذاشته بود و از طرف دیگر، جنایت‌های اجتماعی و مفسد اخلاقی خلفای آل مروان و آل- زیاد، مردم را به تنگ آورده بود. امام محمد باقر (ع) در چنین محیط نابسامانی با درایت خاص خویش اصول فقه را بنیان گذاشتند و مکانی علمی - مذهبی بنا کردند که دانشمندان بسیاری در این مرکز پرورش یافتند. عمق دانش و اشراف امام محمد باقر (ع) بر علوم مختلف موجب شد که ایشان را «باقرالعلوم» یعنی شکافنده دانشها بخوانند. امام پنجم در دوران امامتشان با مخالفت‌های امویان مواجه بودند، اما با وجود فشارها و تنگناهای بسیار، از طریق تعلیم و تربیت طالبان علم، جنبش علمی دامنه‌داری را آغاز کردند که مقدمات تأسیس دانشگاه اسلامی را در دوران خفقان اموی پی‌ریزی کرد. این امر با پرورش دانشمندان علوم اسلامی در زمان فرزند بزرگوار امام محمد باقر (ع) یعنی امام جعفر صادق (ع) شکل گرفت و به ثمر رسید.

۷ صفر - ولادت امام موسی کاظم (ع)

پیشوای هفتم شیعیان، از دودمان پیامبر، که در هفتم ماه صفر سال ۱۲۸ هجری در «ابواء» (محلی میان مکه و مدینه) به دنیا آمد. پدرش امام جعفر صادق (ع) و مادرش حمیده از زنان پاک، دانشمند و پرهیزکار عصر خویش بود. از القاب آن حضرت، کاظم، عبد صالح، و امین است. وی در شرایط ناهنجاری زندگی می‌کرد و با مردم کینه‌توزی همزمان بود؛ اما بر همه سختیها صبر کرد و خشم خود را فرو می‌برد. بدین جهت به کاظم (فرورنده خشم) لقب یافت. عباسیان که با شعار هواداری اهل بیت پیامبر، قیام کرده و امویان را سرنگون کردند، پس از قدرت یافتن، بنای سختگیری با ائمه شیعه را گذاشتند. امام کاظم در دوران خلافت هارون الرشید، در زندان به شهادت رسید. هارون پیوسته می‌ترسید که مردم هوادار خاندان پیامبر، دور آن حضرت جمع شوند و علیه حکومتش قیام کنند؛ از این رو آنحضرت را آزاد نمی‌گذاشتند و ارتباط شیعه را با وی محدود می‌ساخت. با این حال، امام کاظم (ع) از هر فرصتی برای نشر علوم دین کوتاهی نمی‌کرد. از برجسته‌ترین یاران و شاگردانش می‌توان: حماد بن عیسی، عبدالرحمن بجلی، علی بن یقطين، مفضل بن عمر، هشام بن حکم و یونس بن عبدالرحمن را نام برد. مدت امامتش ۳۵ سال بود. از فضایل او علم، عبادت، زهد، سخاوت، و رسیدگی به بیچارگان بود و از خوف خدا بسیار می‌گریست و در زندان هم پیوسته در عبادت و نماز بود. شهادت موسی بن جعفر روز ۲۵ رجب سال ۱۸۳ هجری در زندان سندی بن شاهک با زهر اتفاق افتاد و در غرب بغداد، در مقابر قریش به خاک سپرده شد. امروزه آن منطقه تبدیل به شهری به نام کاظمین در عراق شده است که حرم مطهر حضرت آنجاست.



سه تن از فرزندان امام موسی کاظم در ایران مدفونند : امام رضا (ع) (در مشهد)، حضرت معصومه (در قم) و احمدبن موسی شاهچراغ (در شیراز)

شعر:

عزیزان مهربونم (پسر/دختر) شیرین زبونم / می‌دونی امام هفتم کیه ؟ / اسم قشنگ اون چیه ؟
کیه آن مامان بابای اون ؟ / امام خوب شیعیون / اومد به دنیا اون کجا؟ / مرد بزرگ و با خدا
می‌خوام برایتون بگم / امام خوب ما همه / امام موسی کاظمه .
دختر (پسر) بیارید گل دسته دسته / به دامان حمیده، موسی نشسته
خوش اخلاق و خنده رو بود / مثل گلای خوشبو بود / امام ما هرچی می‌شد / ناراحت اصلاً نمی‌شد
واسه همینه به اون آقا / کاظم می‌گفتن آدما .
دختر (پسر) بیارید گل دسته دسته / به دامان حمیده، موسی نشسته
تو روستایی، گل باغا / اومد به دنیا اون آقا / نزدیک شهر مدینه / چی بود چی ابواء همینه /
امام صادق باباش / بابای خوب و با خداش / حمیده هم مامان جونش / مامان جون مهربونش
دختر (پسر) بیارید گل دسته دسته / به دامان حمیده، موسی نشسته
مؤمن و پاک بود اون آقا / صبح تا غروب کارش دعا / بین همه نمونه بود / چراغ توی خونه بود
عزیز بود اون بین همه / هرچی بگم باز کمه
دختر (پسر) بیارید گل دسته دسته / به دامان حمیده، موسی نشسته

۲۰ صفر - اربعین حسینی

حضرت زینب (س) در روز اربعین به کربلا رسیدند و نزد قبر شریف امام حسین (ع) رفتند، بی‌اختیار شده و خود را روی قبر برادر بزرگوار انداخت و با صدای یا اخواه شروع به ناله و گریه نمود و درد دل می‌کرد، از جمله فرمود: به چه زبان شکایت کنم از مصیبت‌های کوفه و شام که آزار لشکریان و شماتت اعداء و ضرب تازیانه و دشنام مردم شام و کوفه را بگویم. حضرت زینب سر قبر مطهر امام حسین (ع) فریاد زد برادر جان در راه شام یتیمان تو را به جای پدرشان پدری و دختران عزیزت را چون مادری مهربان حفظ نمودم و تازیانه‌های اعداء را با سر و بدن خود از اطفال و عزیزانت دفع کردم، نگذاشتم اذیت و آزاری به آنها برسد و گاهی‌ام کلثوم این تازیانه‌ها را می‌خورد و به جای من از رسیدن تازیانه به اطفال جلوگیری می‌نمود و همه اطفال را به سلامت برگردانده‌ام، به جز رقیه (س) که در شام در خرابه با دل پر غصه به خاک سپردم.

شعر:

در اربعین نمودم	قبر تو را زیارت	هم بر تو گریه کردم	هم تازیانه خوردم .
ای بی کفن حسینم	جای تو قصردشمن	عریان بدن حسینم	
تنها به شام ویران	جای تو قصردشمن	ویرانه جای ما بود	
ای بی کفن حسینم	بردم زما در خود	عریان بدن حسینم	
از شام غم رسیدم	دارم به تن نشانه	میراث تازیانه	
ای بی کفن حسینم	بی تو روم مدینه	عریان بدن حسینم	
بعد از تو شد نصیبم	با اشک و سوز سینه	با دخترت سکینه	
ای بی کفن حسینم		عریان بدن حسینم	



سلام بر توای فرزند رسول خدا:

سلام بر توای فرزند امیرالمؤمنین، سلام بر توای فرزند فاطمه، ما شهادت می دهیم که تو نماز را به پاداشتی و زکات را به مستحقان دادی و امر به معروف و نهی از منکر کردی و قرآن را به حقیقت تلاوت کردی و در راه خدا جهاد نمودی و برآزار و اذیت دشمنان در این راه صبر پیشه کردی.

اربعین و جابر انصاری: بچه ها سلام، من جابر بن عبدالله انصاری هستم. من در کودکی در بیعت عقبه دوم به همراه پدرم در مکه حضور داشتم که پدرم با پیامبر (ص) بیعت کرد. با پیامبر در ۱۸ غزوه شرکت نمودم و بعد از رسول خدا (ص) در صفین در خدمت امام علی (ع) بودم. یکی از افتخارات بزرگ من، رساندن سلام پیامبر اکرم (ص) به امام محمد باقر پنجمین امام شیعیان می باشد. و اکنون می خواهم داستان اربعین امام حسین (ع) را برایتان تعریف کنم: اهل بیت امام حسین (ع) پس از هفت روز اقامت در شام و عزاداری برای ابا عبدالله الحسین (ع) تصمیم گرفتند به مدینه بازگردند. قبل از حرکت کاروان از شام به مدینه، یزید امام سجاد (ع) را فراخواند تا با او وداع کند و گفت: «خدا پسر مرجانه را لعنت کند! اگر من با پدرت حسن ملاقات کرده بودم، هر خواهسته ای که داشت می پذیرفتم! و از کشته شدن او به هر نحوی خودداری می کردم» و بدین ترتیب یزید سعی کرد پشیمانی خود را با امام سجاد (ع) اعلام کند. کاروان مصیبت زده از شام خارج شد و در مسیر مدینه به حرکت خود ادامه داد. هنگامی که کاروان به دو راهی جاده ی عراق و مدینه رسید، اهل بیت (ع) تصمیم گرفتند از آنجا بسوی کربلا حرکت کنند.

من نیز پس از با خبر شدن از شهادت امام حسین (ع) همراه با تنی چند از بنی هاشم و خاندان پیامبر (ص) برای زیارت مرقد امام حسین به سمت کربلا حرکت کردم. ما نیز همزمان با کاروان امام سجاد (ع) به کربلا وارد شدیم. چون به کربلا رسیدیم، من نزدیک شط فرات رفته و غسل کردم و ردائی بر تن نمودم و کیسه ای را گشودم که در آن عطر بود و خود را معطر کردم و هرگامی که برمی داشتم ذکر خدا می گفتم تا نزدیک قبر مقدس رسیدم و چون دستم را بر روی قبر گذاشتم همان جا از هوش رفتم.

اهل بیت امام (ع) سخت می گریستند و ناله های جانسوز سر می دادند. عزاداری تا سه روز ادامه داشت. من نیز به خدمت امام سجاد- (ع) رسیدم و به ایشان تسلیت گفتم.

اگر زنان و کودکان در کنار این قبور می ماندند، خود را در اثر شیون و زاری و گریستن و نوحه کردن هلاک می نمودند. به همین دلیل علی بن الحسین (ع) فرمان داد تا بار شتران را ببندند و از کربلا به طرف مدینه حرکت کنند. چون بارها را بستند و آماده ی حرکت شدند، سکینه (ع) اهل حرم را با ناله و فریاد به جانب مزار مقدس امام برای وداع متوجه کرد و همگی در اطراف قبر مقدس گرد آمدند. سکینه (ع) قبر پدر را در آغوش گرفت و گریست.

۲۸ صفر - رحلت پیامبر (ص) ذکر مصیبت حضرت رسول اکرم (ص)

سال هفتم هجرت بود و مسلمین به فرمان پیامبر (ص) برای فتح خیبر و دژهای یهود بسیج شدند. سرانجام با کشته شدن مرحب قهرمان معروف یهود به دست امام علی (ع) قلعه های یهود فتح گردید و به دست مسلمین افتاد. خواهر مرحب تصمیم گرفت رسول خدا را با غذایی مسموم سازد. او مقداری گوشت و پاچه گوسفند را پخت و با زهر آلوده ساخته به عنوان هدیه به حضور پیامبر فرستاد. ولی هنگام خوردن، رسول الله متوجه شد و به همراهان فرمود که از خوردن غذا دست بردارند. آن زن یهودی را به حضور ایشان آوردند. پیامبر فرمود: آیا تو گوشت را با زهر مسموم کرده ای؟ زن گفت: آری، من آن را مسموم کرده ام. پیامبر (ص) فرمود: منظور چه بود؟ زن گفت: با خود گفتم اگر او پیامبر باشد این گوشت مسموم به او آسیب نمی رساند و اگر



پیامبر نباشد، از دستش راحت می‌شویم. پیامبر با کمال بزرگواری آن زن را بخشید، ولی آثار زهر همچنان در بدن حضرتش باقی ماند و گاهی ایشان را بیمار و بستری می‌کرد تا سرانجام بر اثر آن بیماری که از دنیا رحلت نمود.

چون هنگام وفات رسول خدا شد امام علی (ع) را طلبید پس فرمود: یا علی تو وصی منی و وارث من و حق تعالی به تو عطا کرده است علم و فهم مرا. چون من از دنیا بروم ظاهر خواهد شد برای تو کینه‌های دیرینه که در سینه‌های جماعتی پنهان است و غضب حق تو خواهد شد پس فاطمه و حسن و حسین (ع) بگریستند. حضرت با فاطمه (س) گفت: که ای بهترین زنان چرا گریه می‌کنی؟ عرضه داشت: ای پدر می‌ترسم که حق ما را بعد از تو ضایع کنند و حرمت ما را رعایت ننمایند. حضرت فرمود: بشارت باد تو را ای فاطمه، که تو اول کسی خواهی بود از اهل بیت من که به من ملحق می‌گرددی، گریه مکن و اندوهگین مباش. تو بهترین زنان اهل بهشتی و پدر تو بهترین پیغمبران است و پسر عم تو بهترین اوصیای پیامبران است و دو پسر تو بهترین جوانان اهل بهشتند و حق تعالی از صلب حسین نه امام بیرون خواهد آورد که همه مطهر و معصومند و مهدی امت از ما خواهد بود. پس به علی ابن ابیطالب خطاب کرد و فرمود: یا علی، متوجه غسل و کفن من نشود کسی غیر از تو، حضرت امیر عرضه داشت: یا رسول الله، چه کسی یاری من خواهد نمود در غسل تو؟ فرمود: جبرئیل یاری تو خواهد کرد و فضل بن عباس آب به دست تو بدهد.

مرحوم صدوق از ابن عباس روایت نمود: در آن هنگام که حسن و حسین (ع) با دیده گریان وارد خانه شدند و خود را به روی رسول خدا افکندند، علی (ع) خواست آنان را از آن حضرت جدا سازد که پیامبر به هوش آمد و فرمود: ای علی جان بگذار من آن‌ها را ببویم و آن‌ها مرا ببینند، من از دیدار آنها توشه بگیرم و آن‌ها از دیدار من توشه بگیرند، آگاه باش که این دو فرزند بعد از من ستم‌ها خواهند دید و با ظلم کشته خواهند شد. سپس سه بار فرمود: خدا لعنت کند کسانی را که به این دو تن ظلم کنند. آنگاه دست به سوی علی دراز کرد و او را به طرف خود آورد و با خود در زیر آن جامه کرد که بر رویش افکنده بود و مدتی طولانی با او راز گفت: تا آن که روح از بدن شریفش پرواز کرد. آنگاه امام علی از زیر جامه خارج شد و فرمود: خداوند به شما در سوگ پیامبرتان اجر عظیم عنایت کند، خداوند او را نزد خود برد، تا این سخن را گفت، صدای ضجه و گریه از خانه برخاست.

شعر: غوغای محشر

در مدینه شد بپا غوغای محشر (۲) بسته شد چشم خدا بین پیامبر

یا محمد یا محمد یا محمد (۲)

گرد ماتم بر رخ زهرا نشسته (۲) سرو قد مرتضی در هم شکسته

یا محمد یا محمد یا محمد (۲)

غم گرفته شهر یثرب را در آغوش (۲) حضرت خیرالنساء گشته سیه پوش

یا محمد یا محمد یا محمد (۲)

بر علیه دین و آیات شریفه (۲) می‌شود غضب خلافت در سفینه

یا محمد یا محمد یا محمد (۲)

آتش از بیت علی گیرد زبانه (۲) خیز و بستان از مغیره تازیانه

یا محمد یا محمد یا محمد (۲)

خیز و بنگر فاطمه نقش زمین است (۲) ریسمان بر گردن حبل المتین است .

یا محمد یا محمد یا محمد (۲)



شعر: آخر ماه صفر

آخر ماه صفر	رفت پیغمبر ما	در مدینه شد دفن	پیکر پاک نبی
چشم یاران گریان	بر سر خاک نبی	گشت قرآن مجید	وحی بر پیغمبر
گشت نازل، که شود	مسلمین را رهبر	هر کسی که باشد	زیر حکم قرآن
می شود زندگی اش	پاک در هر دو جهان		

روایت: انواع صدقه : پیامبر (ص) گوشه‌ی مسجد نشسته بودند و با مردم صحبت می‌کردند. مردم هم دور تا دورش نشسته بودند و از ایشان سؤال می‌کردند و جواب می‌گرفتند. مردی از جمع بلند شد و پرسید: «ای رسول خدا (ص) ما می‌دانیم صدقه دادن به مردم فقیر خیلی ثواب دارد. به نظر شما در سال چند بار صدقه بدهیم خوب است؟» / پیامبر (ص) گفت: «مسلمان باید هر روز صدقه بدهد.» / همه از حرف ایشان تعجب کردند و پرسیدند: «هر روز؟!» / پیامبر فرمودند: «بله هر روز!» / مرد جوان پرسید: «چگونه؟ اگر هر روز صدقه بدهیم خودمان هم فقیر می‌شویم. بخصوص اگر در آمدمان هم خوب نباشد.» / پیامبر (ص) با مهربانی به مردم نگاه کردند و گفتند: «اگر سنگ یا خاری را که باعث آزار مردم می‌شود از سر راهی بردارید صدقه داده اید. اگر به عیادت بیماری بروید، صدقه داده اید. اگر راه را به کسی نشان بدهید یا گمشده‌ای را به مقصد برسانید، صدقه داده اید. اگر جواب سلام کسی را بدهید، صدقه داده اید.»

روایت : خواهر پیامبر(ص): شیما خواهر شیرینی حضرت محمد (ص) بود. یعنی وقتی کودک بودند هر دو از یک مادر یعنی حلیمه شیر خورده بودند. یکی از روزهای زیبای خدا، شیما پا به خانه‌ی برادرش گذاشت، پیامبر (ص) خیلی خوشحال بود و دائم حالش را می‌پرسید و از حال مادرش حلیمه می‌پرسید. شیما هم خیلی خوشحال بود و هر بار که به خانه‌ی برادرش می‌آمد همه‌ی غم‌ها و خستگی‌ها را از یاد می‌برد. پیامبر (ص) عبا‌ی خود را روی زمین پهن کرده بود تا خواهرش روی آن بنشیند. همسر پیامبر (ص) هم کنار شیما نشست و با او مشغول صحبت شد.

گاهی پیامبر (ص) بلند شد و مقداری خوراکی برای او می‌آورد. یک بار ظرف میوه‌ای جلوی او گذاشت، و بعد هم یک کاسه خرمای زرد عسلی آورد و گفت: «خواهرم بخور خسته‌ای، از راهی طولانی آمده‌ای» شیما گفت: «دست شما درد نکند. چقدر شیرین است!»

پیامبر یاد حلیمه مادر شیما افتاد، یاد زمانی که در مکه خشکسالی شده بود. هیچ کس در خانه‌اش نان و خوراکی نداشت. حتی مادر پیامبر (ص) هم شیر نداشت تا به کودکش بدهد. به همین خاطر محمد را به حلیمه دادند که به او شیر بدهد. حلیمه در کوهستان زندگی می‌کرد. زندگی او بهتر از مردم مکه بود. او به محمد (ص) شیر داد و به او بیشتر از بچه‌های خودش محبت می‌کرد. شیما هم بوی مادر مهربانش را می‌داد.

۲۸ صفر - شهادت امام حسن (ع)

وقتی که شد امام ما	امام خوب شیعه‌ها	دشمنای خیلی ترسیدن	یه نقشه‌هایی کشیدن
تا بگیرن جای اونو	اون آقای مهربونو	خبر دادن برای جنگ	بود دل اونها مثل سنگ
ولی امام که تنها بود	تنها میون غمها بود	دید که سپاه اون کمه	تنها گذاشتنش همه
اگر بجنگه با اونا	کشته میشن مسلمونا	دیگه کسی نمی‌مونه	تا دین اسلام بمونه
واسه همین گفت به اوتا	جنگ ندارم من با شما	صلح قبول کرد آخرش	چون خالی بود دور و برش
از اون به بعد تو خونه موند	دعا میکرد نماز می‌خوند	حرف می‌زد اون امام ما	برای کی؟ مسلمونا



دوباره نقشه کشیدن	دشمنی که می ترسیدن	دشمنی روشکست بدن	تا همشون یکی بشن
تا نقششون بشه تمام	تابده اونوبه امام	بهش یه شیشه زهر دادن	همسرشو گولش زدن
امام مهربون ما	رفت آسمون پیش خدا	امام به آرزوش رسید	این دفعه کردنش شهید
توشهر پیغمبرما	توی مدینه است حالا	عزیز بین شیعیان	قبر مطهرش الان

همسری بی وفا: اون روز تو مدینه، همه غم زده و افسرده بودن. اهالی مدینه خبر خیلی بدی شنیده بودن که با شنیدن اون خبر، چشم های همشون گریون شده بود. اونا شنیده بودن که امامشون و جانشین حضرت علی (ع) به شهادت رسیده، ولی کی باورش می شد که امام حسن با زهر و به دست همسرش به شهادت رسیده باشه؟

همه مردم شگفت زده و ناراحت بودن، ولی این خبر واقعیت داشت، معاویه که دشمن اسلام بود و از امام حسن (ع) می ترسید، برای همسر امام حسن زهری فرستاده بود و به اون گفته بود که اگر با این زهر امام حسن (ع) را به شهادت برسونه، جایزه بزرگی به اون می ده. همسر بی وفای امام حسن (ع) هم به حرف او گوش کرده بود؟ بچه ها! شما فکر می کنید معاویه به قولش عمل کرده بود؟ درسته، آدم های بد، هیچ وقت به قولشون عمل نمی کنن.

پیامبر (ص) و امام حسن (ع): بچه ها! امام دوم ما شیعیان یعنی امام حسن مجتبی (ع)، شباهت خیلی زیادی به پیامبر (ص) داشت؛ یعنی هر کسی می خواست به یاد پیامبر باشه، به چهره این امام بزرگ نگاه می کرد. می دونید، پیامبر به امام حسن (ع) علاقه ی زیادی داشت. امام حسن (ع)، از کودکی همراه رسول خدا (ص) بود و به وسیله پدر و مادری همچون حضرت علی (ع) و حضرت زهرا (س) تربیت شده بود. مردم هم که می دونستن پیامبر چقدر به امام حسن (ع) علاقه داشته، به اون امام احترام خیلی زیادی می گذاشتن. اون مثل پدر بزرگش، یعنی رسول خدا (ص) و پدرش امام علی (ع) برای حفظ اسلام خیلی تلاش کرد. شهادت این امام بزرگ بر شما تسلیت باد.

سگ گرسنه: روزی امام حسن (ع) در باغی مشغول خوردن غذا بود، سگی در مقابلش ایستاده بود و به او نگاه می کرد. / امام حسن (ع) لقمه ای در دهان خودش می گذاشت و لقمه ای دیگر را جلوی سگ می انداخت. سگ آن را می خورد و برای تشکر دمش را تکان می داد و واق واق صدا می کرد و دوباره به آن حضرت نگاه می کرد. / امام حسن (ع) لقمه ای دیگر جلوی سگ می انداخت، مردی که از آنجا می گذشت جلو آمد و گفت: می خواهید سگ را دور کنم تا شما بتوانید به راحتی غذای خود را بخورید؟ / امام حسن (ع) فرمود: «نه این کار را نکن، این حیوان را خدا آفریده است. خدا او را دوست دارد. این سگ گرسنه است، من از خدا خجالت می کشم که غذا و نعمت او را بخورم و به این حیوان که آفریده اوست چیزی ندهم.»

مهمانی: روزی امام حسن (ع) از کنار مزرعه ای می گذشت. چند فقیر را دید که روی زمین نشسته اند و غذا می خورند. غذای آنها چند تکه نان خشک و استخوان هایی بود که مقدار کمی گوشت به آن چسبیده بود. وقتی آنها امام حسن (ع) را دیدند، او را دعوت کردند و گفتند: بفرمایید و با ما غذا بخورید. / امام حسن (ع) از اسب پیاده شد و پیش آنها روی زمین نشست و با آنها غذا خورد. سپس فرمود: ای برادران! من دعوت شما را قبول کردم، حالا خواهش می کنم شما هم مهمان من شوید و به منزل من بیایید. / آن ها هم دعوت امام حسن (ع) را قبول کردند. / مهمان ها به منزل امام حسن (ع) رفتند و ایشان از آنها پذیرایی کرد و به آنها پول و لباس بخشید.

امام حسن (ع) فرمود: خداوند افراد مغرور و متکبر را دوست ندارد



۳۰ صفر - شهادت امام رضا (ع)

مزد کارگر : هنگام غروب بود. همراه امام رضا (ع) به خانه‌اش رفت. در خانه‌اش چند نفر مشغول بنایی بودند، دیوارها را خراب کرده بودند. چند نفر هم در حیاط در حال درست کردن کاه گل بودند. یک نفر خشت‌ها را روی هم می‌چید و چند نفر خاک‌ها را بیرون می‌بردند. / امام رضا (ع) به همه خسته نباشید گفت. مثل این که همه‌ی کارگرها را می‌شناخت. / ناگهان در آن میان چشمش به یک کارگر ناشناس افتاد. / امام رضا (ع) از خدمتکارش پرسید: «این کارگر کیست؟» / خدمتکارش جواب داد: «کارگری است که به کمک ما آمده است» / امام رضا (ع) گفت: «آیا مزدش را هم تعیین کرده اید؟» / خدمت کار جواب داد: نه آقا! زیاد مهم نیست، هر چه به او بدهیم می‌پذیرد.» / امام رضا (ع) از این حرف خیلی ناراحت شد. روبه من کرد و گفت: «ای سلیمان! بارها گفته‌ام کسی را برای کار کردن نیاورید، مگر آنکه قبلاً مزدش را تعیین کرده باشید. کسی که نمی‌داند مزدش چقدر است، اگر چند برابر مزدش هم پول بگیرد، فکر می‌کند مزدش را کم داده‌اند. اما اگر مزدش را تعیین کرده باشند و به اندازه پول به او بدهند، خشنود می‌شود. اگر هم مبلغ کمی بر دستمزدش اضافه کنند، آن وقت کاملاً راضی و سپاسگزار خواهد شد.» / آن روز دیدم که امام رضا (ع) آن کارگر را صدا کرد. بعد از صحبت زیاد، دستمزد خوبی هم به او داد. آن کارگر خیلی خوشحال شد و برای او دعا کرد.

شعر : شهادت امام رضا

آقا علی موسی الرضا

قبر مطهر آقا	تو مشهد همین حالا	شهری که تو کشور ماست	گنبدش از خشت طلاست
کسی که مشکلی داشت	با آقا در میون می داشت	زود حل می کرد مشکل رو اون	امام رضای مهربون
تا خلیفه اینو شنید	براش یه نقشه ای کشید	گفت : که بیا به طوس ما	تا شاد بشن مسلمونا
می ترسید از امام ما	مأمون کافر خدا	می خواست که پادشاه بشه	اگر چه با گناه باشه
امام که می شناختش اونو	خوب می دونست نقششونو	اما دیگه چاره نبود	باید می رفتش زود زود
امام که چاره ای ندید	رنج سفر به خود خرید	خیلی توراه سختی کشید	تا عاقبت به طوس رسید
خوشحال شدن مسلمونا	که اومده به طوس آقا	عزیز شد اون بین همه	هر چی بگم باز کمه
مأمون بدجنس که دید	به نقشه خود نرسید	نقشه تازه ای کشید	تا که بشه امام شهید
یک روزی از همون روزا	گفت به آقا امام رضا	به حجت پاک خدا	زودی بیا به کاخ ما
انگوری رو زهر زده بود	داد به امام اون زود زود	امامو کردش شهید	مأمون نامرد و پلید
امام رضا رفت آسمون	پیش خدای مهربون		

۸ ربیع الاول - شهادت امام حسن عسگری (ع) و آغاز دوران امامت حضرت قائم (عج)

اسب نا آرام : یکی بود یکی نبود. روزی از روزهای خدا که خلیفه به فکر آزار و اذیت مردم بود، تصمیم گرفت حضرت امام حسن عسگری (ع) را نیز اذیت کند. او اسب چموشی داشت که هیچ کس نمی‌توانست آن را آرام کند. / یکی از روزهایی که امام حسن عسگری (ع) برای انجام کاری به دیدن خلیفه رفته بود، خلیفه به او گفت : «اسب چموشی دارم می‌خواهم شما آن را رام کنید.» / حضرت بلند شد و دست بر سر اسب کشید و سوار شد. حیوان با کمال آرامش حضرت امام حسن عسگری (ع) را سواری داد. خلیفه از روی ناراحتی اسب را به امام (ع) هدیه کرد.

شعر : شهادت امام حسن عسگری (ع)

می دونی چرا به اون آقا عسگری می گفتن گلها چون زیادی تو زندونا بود امام عزیز ما



از کوچیکی بودن آقا	زندونی همراه با با	دشمنان دین خدا	اون آدمای بی حیا
می خواستن او تنها باشه	میون مردم نباشه	تا نباشن کنار او	مردم روزگاراو
تنها بمونه اون آقا	دورازهمه مسلمونا	واسه همین کردن اونو	اون امام مهربونو
زندونی توی زندونا	دشمنای دین خدا	کاش که بشن دشمن کور	امام شداز شیعه ها دور
تواون زمون مسلمونا	همش بودن فکر آقا	نمی دیدن اون آقا رو	مرد بزرگ خدا رو
آخر یه روزی دشمنان	اون آدمای بی خدا	دیدن دیگه نمی تونن	امامو زندونی کنن
واسه همین کردن اونو	اون امام شیعیونو	مسمومو، کردندش شهید	امام به آرزوش رسید
قبر مطهرش کجاست	الان تو شهر سامراست.		

۱۷ ربیع الاول - میلاد رسول اکرم حضرت محمد بن عبدالله (ص)

پیامبر بزرگوار اسلام و آخرین فرستاده خداوند برای هدایت بشر، که آیین اسلام را آورد و معجزه پایدار او «قرآن» بود، پدرش عبدالله، و مادرش آمنه بود. در ۱۷ ربیع الاول سال عام الفیل در مکه در ۲۵ سالگی با خدیجه ازدواج کرد و در چهل سالگی به پیامبری مبعوث شد. مدت ۱۳ سال در مکه مردم را به توحید دعوت کرد.

در پی فشار و آزارهای مشرکان قریش، خود و یاران مسلمانانش به مدینه هجرت کردند. وی ده سال بقیه عمر خود را در مدینه به عنوان پیشوای مردم و پیامبر قدرتمند و محبوب، گذراند. در همین دوران بود که با مشرکان و منافقان جنگهای متعددی کرد. جنگهای آن حضرت، اغلب دفاعی و برای دفع تجاوز و حمله مشرکان بود. از جمله مشهورترین این نبردها عبارت است از: جنگ بدر، جنگ احد، جنگ احزاب، جنگ خیبر، جنگ موتة، فتح مکه، و جنگ حنین. پیامبر اسلام، پس از تعیین جانشین خود، (علی (ع) در غدیر خم)، در ۲۸ صفر سال ۱۱ هجری در مدینه از دنیا رفت.

زندگانی آن حضرت به سه بخش تقسیم می شود: از تولد تا بعثت، از بعثت تا هجرت و از هجرت تا وفات. حضرت محمد (ص) همه عمر را به پاکی و ایمان گذراند. پدران و نیاکانش همه یکتاپرست بودند و خودش نیز در مدت پیامبری یک لحظه از هدایت و ارشاد مردم به توحید و راه خدا و دعوت به پاکی و نیکی و عدالت غافل نبود. وی توانست مردم پراکنده و بی فرهنگ آن روزگار را به امتی متحد، با ایمان و نیرومند مبدل سازد و در سایه اسلام، تمدن عظیمی را پایه گذاری کند که تا امروز باقی است. تنها دختری که از آن حضرت باقی ماند، فاطمه زهرا (س) همسر امام علی (ع) بود. امروز، به کسانی که از نسل حضرت محمد (ص) اند، سادات گفته می شود.

حضرت محمد، اخلاقی والا، رفتاری انسانی و بزرگوار داشت، صفاتی همچون: خوش اخلاقی، تواضع، عفو، ایثار، مردم دوستی، حلم، عدالت، کمک به محرومان، یتیم نوازی، شجاعت و... از خصلتهای برجسته او بود. در میان یاران خویش محبوبیتی فراوان داشت و درگذشت او، عظیمترین ضایعه بشری برای مسلمانان بود. او آخرین پیامبر و دین او آخرین و کاملترین دین بود. امروز بیش از ۱/۵ میلیارد نفر در سراسر جهان، مسلمان و پیرو آیین او هستند. مدفن پاک او در مدینه، زیارتگاه مسلمانان است.

اسامی و صفات مبارک پیامبر عظیم الشان اسلام در قرآن

۱.	احمد	پسندیده تر	۶ / صف
۲.	امین	امانتدار	۶۸ / اعراف
۳.	اول العابدین	اول بندگان خدا	۸۱ / زخرف
۴.	اول المسلمین	اول تسلیم شونده در برابر خدا	۱۶۳ / انعام



۵.	اول المؤمنین	اول ایمان آورندگان	۱۴۳/اعراف
۶.	برهان	دلیل و راهنما	۱۷۴/نساء
۷.	بشیر	بشارت دهنده	۱۹/مائده
۸.	خاتم النبیین	آخرین پیامبران	۴۰/احزاب
۹.	داعیاً الی الله	دعوت کننده به سوی خداوند	۶۴/احزاب
۱۰.	رحمه للعالمین	رحمت برای جهانیان	۱۰۷/انبیاء

مهربان تر از نسیم

مهربانی پیامبر (ص) بی حد و اندازه بود. هنگامی که پیامبر (ص) در شهر مدینه زندگی می کرد، گاهی به مناسبتی به سفر می رفت. در این مدت همه، دلشان برای پیامبر تنگ می شد. مخصوصاً بچه ها، آنها لحظه شماری می کردند که او زودتر برگردد. پیامبر هم بچه ها را خیلی دوست داشت. وقتی که پیامبر باز می گشت، بچه ها با خوشحالی از خانه هایشان بیرون می دویدند و دور او حلقه می زدند. پیامبر نیز با مهربانی آنها را نوازش می کرد و با صبر و حوصله به حرفهایشان گوش می داد و با رویی گشاده و لبخند زنان با آنها حرف می زد. بچه های از پیامبر می خواستند آنها را روی دوش خود بگیرد. پیامبر نیز این کار را می کرد. او بچه ها را روی دوش خود می گرفت و راه می برد. بچه ها خوشحال می شدند و چهره ی نورانی پیامبر را غرق در بوسه می کردند. قلب پاک پیامبر خدا (ص) از شادی کودکان شاد می باشد.

یک روز پیامبر اکرم (ص) با یاران خود در مسجد مشغول خواندن نماز جماعت ظهر بود. ایشان، رکعت اول و دوم نماز را مثل همیشه، آرام خواند، اما رکعت سوم و چهارم را با عجله تمام کردند. یاران پیامبر از کار ایشان تعجب کردند. پرسیدند: «ای رسول خدا (ص) آیا اتفاقی افتاده است که دو رکعت آخر نماز را با عجله خواندید؟!»

حضرت، نگاهی به یارانش انداخت و فرمود: «من در بین نماز صدای گریه ی کودکی را شنیدم. آیا شما نشنیدید که کودکی به شدت گریه می کرد؟ من به خاطر گریه ی این بچه، دو رکعت آخر نماز را با عجله خواندم تا بدانم چرا ناراحت است و برای چه، گریه می کند؟ حالا زودتر بروید و ببینید این بچه کجاست و چرا گریه می کند و او را آرام کنید...»، یاران رسول خدا (ص) به فرمانش عمل کردند و کودک، آرام شد و قلب مهربان پیامبر خدا نیز آرام گرفت.

شوخی پیامبر (ص): صهیب یکی از یاران پیامبر (ص) بود. او به خاطر بیماری ای که داشت یکی از چشمانش را با دستمال بسته بود و فقط یک چشمش باز بود و با آن نگاه می کرد. روزی پیامبر (ص) او را دید که مشغول خوردن خرما بود، او یک مشت خرما بر می داشت و در دهانش می ریخت و آن ها را می خورد.

پیامبر با خوش رویی از او پرسید: صهیب چطور با این که چشمت بیمار است خرما می خوری؟

صهیب به پیامبر (ص) نگاه کرد، یک مشت خرما در دهانش ریخت و گفت من با آن چشم سالم خرما می خورم.

پیامبر (ص) خندید، او هم خندید. بعد کاسه ی خرما را جلو پیامبر (ص) گرفت و گفت: بفرماید شما هم بخورید خیلی خوشمزه است.

اول گربه: پیامبر در گوشه ی اتاق نشسته بود و آستین هایش را بالا زده بود وضو بگیرد. کنار تشت آب نشست، دستش را دراز کرد کوزه ی آب را برداشت تا آب بریزد. ناگهان صدای گربه ای از پشت در بلند شد. پیامبر (ص) سرش را بلند کرد اما گربه ترسید و سرش را پنهان کرد. دوباره تا پیامبر (ص) می خواست آب بریزد، سر گربه از پشت در بیرون آمد. او با صدای آرام میو



میو می کرد. پیامبر (ص) لبخند زد. فهمید که گربه تشنه است. کوزه را خم کرد و لبه آن را به تشت آب تکیه داد تا آب به لبه کوزه رسید. سپس از آن جا بلند شد تا گربه بدون ترس بیاید و آب بخورد. گربه آهسته وارد شد، آب خورد و سیر شد. وقتی گربه، آب خورد یک لحظه به چشم‌های پیامبر (ص) نگاه کرد و بعد با یک صدای «میو» انگار از پیامبر (ص) تشکر کرد. پیامبر (ص) با لبخند کنار تشت آب نشست و وضو گرفت.

مهربانی با کودکان: پیامبر گرامی ما حضرت محمد(ص) کودکان را دوست می داشت و با آنها بسیار مهربان بود. او کودکان را بر دوش خود سوار می کرد و با آن‌ها راه می رفت. کودکان، شاد و خوشحال می شدند و می خندیدند، پیامبر(ص) از شادی و خنده ی زیبای کودکان خوش حال می شد و لبخند می زد.

روزی دو نوه ی کوچکش، امام حسن(ع) و امام حسین(ع) را روی زانوهایش نشاند و می بوسید و نوازش می کرد. مردی که از آنجا می گذشت رفتار پیامبر (ص) را دید تعجب کرد و گفت: من ده فرزند دارم و هنوز حتی یکی از آنها را نبوسیده‌ام. پیامبر (ص) وقتی سخن این مرد نامهربان را شنید، ناراحت شد و فرمود: گمان نکنم این مرد در جهان آخرت به بهشت برود. پیامبر گرامی ما به کودکان سلام می کرد و می فرمود: من به کودکان سلام می کنم و به آنها احترام می گذارم تا مسلمانان از رفتار ما پیروی کنند و همیشه کودکان را دوست داشته باشند.

داستان زیبا از پیامبر (ص) و حضرت علی (ع): از روی مزاح

یک روز پیامبر(ص) با علی(ع) خرما می خوردند. پیامبر از روی مزاح، هسته های خرماهایی را که می خورد، پیش روی علی(ع) می نهاد. وقتی که از خوردن خرما فارغ شدند، همه هسته ها در نزد علی(ع) جمع شده بود. پیامبر(ص) به علی فرمود: «یا علی انک لا کول؛ ای علی! تو پرخور هستی!»

علی(ع) در پاسخ از روی مزاح عرض کرد: «الا کول من يأکل الرطب والنوا؛ پرخور کسی است که خرما را با هسته اش بخورد!»

آداب مجلس پیامبر: و آداب مجلس آن حضرت چنین بود که در مجلسی نمی نشست و بر نمی خاست مگر با یاد خدا و در مجلس جای مخصوصی برای خود قرار نمی داد و از آیین کار نهی می فرمود، و چون داخل مجلس شد، در آخر مجلس که خالی بود می نشست و مردم را به این، امر می فرمود و به هریک از اهل مجلس خود بهره ای از اکرام و التفات می رسانید و چنان معاشرت می فرمود که هر کس را گمان آن بود که گرامی ترین خلق است نزد او و با هر که می نشست تا او اراده برخواستن نمی کرد، بر نمی خاست و هر که از او حاجتی می طلبید اگر مقدور بود روا می کرد والا به سخن نیکی و وعده جمیلی او را راضی می کرد و همه کس نزد او در حق مساوی بود.

مجلس شریفش، مجلس بردباری و حیا و راستی و امانت بود و صداها در آن بلند نمی شد و بد کسی در آن گفته نمی شد و بدی از آن مجلس مذکور نمی شد و اگر از کسی خطائی صادر می شد نقل می کردند و همه با یکدیگر در مقام عدالت و انصاف و احسان بودند.

شعر: صدای نور آوای مدرسه گلچین ۹ - (پیامبر اکرم (ص)) - شاعر: نیلوفر صفایی*

ببین به دامن حرا	شکوفه های نور را	به جان صخره ها ببین	ترانه حضور را
زالال نور می چکد	زاوج سبز آسمان	صدای نور می رسد	زبی کران زبی کران
ببین بهار تازه را	که او افق برآمده	زعطر جاودانه اش	شب سیه سرآمده
ببین نثار می کند	زمانه گل به پای او	وزنده می شود زمان	زعطر آشنای او
رسول مهر آمده	که مژده خدادهد	و با کلام روشنش	زمانه را صفا دهد
شکفته باغ زندگی	زعطر سبز نام او	زنغمه محمدی	زمزده قیام او



۱۷ ربیع الاول - میلاد امام جعفر صادق (ع)

ششمین پیشوای معصوم شیعه، فرزند امام باقر (ع) و مادرش «ام فروه» بود؛ روز هفدهم ربیع الاول سال ۸۲ هجری در مدینه متولد شد. او نیز همچون پدرانش در علم و زهد و عبادت و فضایل اخلاقی، سرآمد روزگار بود. در دوران حیات با هشت نفر از خلفای اموی و عباسی معاصر بود: هشام، ولید، عبدالملک، یزید بن ولید، ابراهیم بن ولید، مروان حمار، سفاح و منصور دوانیقی، و از سوی آنان رنج ها و سختگیری های بسیاری دید.

افراد بسیاری از دور و نزدیک به مدینه می آمدند و از جلسات عمومی و خصوصی امام بهره گرفته و حدیث می شنیدند و یادداشت می کردند. تعداد کسانی را که از آن حضرت حدیث نقل کرده اند، چهار هزار نفر شمرده اند. مدتی از عمر او نیز در عراق گذشت و آنجا به نشر دانش می پرداخت. بسیاری از عالمان اهل سنت، از جمله ابوحنیفه نیز شاگرد او بوده اند. در کتب حدیث، دهها هزار روایت نقل شده است.

برخی از شاگردان برجسته اش عبارتند از: حماد بن عیسی، معاویه بن عمار، جابر بن یزید جعفی، ابوحمزه ثمالی، زراره بن اعین، ابان بن تغلب، فضیل بن یسار.

خلفای عباسی از موقعیت ممتاز او پیوسته در هراس بودند و گاه و بیگاه مأموران خود را برای جاسوسی و دستگیری امام می فرستادند. امام جعفر صادق (ع) سرانجام روز ۲۵ شوال سال ۱۴۸ هجری در شصت و پنج سالگی با توطئه منصور دوانیقی مسموم شد و به شهادت رسید. قبر مطهرش در قبرستان بقیع، در مدینه است.

امام صادق (ع) با استفاده از موقعیت متزلزل حکومت اموی و عباسی، اقدام به نشر علوم و احادیث کرد، تاحدی که به جهت گسترش مکتب شیعه در زمان آن حضرت، این مذهب به نام «مذهب جعفری» مشهور شد.

شعر:

عزیزان مهربونم	غنچه های خوش زبونم	بگم امام ششم کیه ؟	اسم قشنگ اون چیه ؟
کین مامان بابای اون	امام خوب شیعیون	کجا اومد به دنیا اون	امام خوب شیعیون
لقب های امام چی بود؟	زیارتگاهشون کجا بود؟	جعفره نام اون آقا	باقر بوده براش بابا
جعفر نام اون آقا	باقر بوده براش بابا	مادرش ام فروه	به روح پاک او درود.
به دنیا اومد اون آقا	تو مدینه شهر دعا	می اومدن پیش آقا	آدم خوبای با خدا
می اومدن پیش آقا	آدم خوبای با خدا	یاد می گرفتن مسلمونا	حدیث و قرآن و دعا
صادق لقب گرفت آقا	از کجا از عرش خدا	جعفریه مذهب ما	شیعه ی اونیم یعنی ما

پسر با ادب: یکی از روزهای خوب خدا امام صادق دوستانش را به مهمانی دعوت کرده بود. «عمار بن حیان» هم در بین آن ها بود. عمار به دوستش گفت: چه روز خوبی است. ما چقدر خوشبختیم که مهمان امام صادق (ع) هستیم. دوستش خندید.

عمار گفت: "کاش پسر اسماعیل را هم با خود می آوردم. او خیلی امام (ع) را دوست دارد. جایش در اینجا خالی است" امام صادق (ع) با یک سینی میوه به اتاق آمد. سینی را جلوی آن ها گذاشت و مثل برادر در کنارشان نشست و به درد دلشان گوش داد. عمار روبه امام صادق (ع) کرد و گفت: "می خواستم اسماعیل را بیاورم. او خیلی شما را دوست دارد".

امام صادق با لبخند به سخنان عمار گوش کرد و گفت: "من هم پسر اسماعیل را دوست داشتم اما حالا که گفתי به تو نیکی می کنی و را بیشتر از قبل دوست دارم."



مهمان امام صادق(ع): روزی یکی از دوستان امام صادق مهمان او بود. مهمان روبه امام صادق(ع) کرد و گفت: ای کاش همیشه پیش شما بودم و از شما جدانمی شدم. امام صادق(ع) لبخندزد و با مهربانی به حرف های مهمان گوش می داد. وقت ناهار امام برای او غذای خوشمزه ای آورد. بعد جلویش میوه گذاشت و حرف های قشنگی زد. نگذاشت مهمان حتی یک لحظه هم خسته بشود، یا حوصله اش سربرود. مهمان چند تا خرما می شیرین هم خورد. بعد از چند دقیقه تشنه اش شد، دوروبر اتاق رانگاه کرد و بلندشد تا آب بردارد، امام صادق(ع) گفت: «بنشین!» و فوری کوزه ی آب را آورد و آب را توی کاسه ریخت، و به او داد. مرد آب را خورد و گفت: «الحمد لله» امام صادق(ع) با مهربانی کنار او نشست و گفت: پیغمبر خدا (ص) فرموده اند: «صاحب خانه نباید بگذارد مهمانش کاری انجام دهد.» مهمان گفت: «قربان شما و پدر عزیزتان بشوم»

روایتی از حضرت امام صادق(ع): چگونه به دیگران کمک کنیم؟

داستان های زندگی امامان ما، پراز درس های بزرگ برای ماست که خوب است آنها برای زندگی مان الگو قرار بدهیم. به این داستان توجه کنید تا بهتر یاد بگیرید که چگونه می شه به دیگران کمک کرد: «توی یک شب تاریک و بارانی، مردی از پنجره خانه اش داشت کوچه را نگاه می کرد. کوچه های مدینه، حسابی زیر بارون خیس شده بود. ناگهان او، مردی رو دید که تو تاریکی شب، کیسه سنگینی رو روی پشتش حمل می کرد، اما کمی جلوتر کیسه روی زمین افتاد و همه چیز پخش شد. مرد سریع رفت تا ببیند اوضاع از چه قرار است؟ وقتی جلوتر رفت، دید امام صادق (ع) مشغول جمع آوری بسته های غذایی هست که روی زمین ریخته. مرد به امام کمک کرد و بسته ها را داخل کیسه ریخت. بعد همراه امام به جایی رفت که مردم فقیر زندگی می کردند، ولی هیچ کس بیدار نشد و نفهمید چه کسی برایشان غذا می آورد. امام صادق (ع) به مرد فرمود: «پیامبر فرمودند: کسی که شب سیر بخوابد و همسایه اش گرسنه باشد، مسلمان نیست»

بوی گل محمدی

بوی گل محمدی	بوی کتاب می دهی	هر چه سؤال سخت را	زود جواب می دهی
شناسنامه تورا	در آسمان نوشته اند	و با گل و گلاب و نور	گل تورا سرشته اند
چه جاده های روشنی	میان حرف های توست	هنوز این زمین پر از	صدای آشنای توست
تو یاد داده ای به ما	که می توان پرنده بود	تمام عمر مثل رود	به سوی او رونده بود

۲ ربیع الثانی ولادت عبدالعظیم حسنی (ع)

به دلیل ظلم و ستمی که سلسله های اموی و عباسی بر شیعیان علوی به ویژه فرزندان ائمه وارد می کردند، بسیاری از سادات و علویان به سوی خراسان، ری و قم مهاجرت کردند و در آنجا به تبلیغ و نشر اسلام پرداختند. این مهاجرتها به خصوص در ایام سکوت امام رضا (ع) شدت بیشتری یافت.

یکی از این علویان، حضرت عبدالعظیم، از فرزندان امام حسن (ع) بود که با چهار واسطه به آن امام مربوط می شود. حضرت عبدالعظیم در زمان امام هفتم در مدینه تولد یافت، و پیش از اینکه به ری مهاجرت کند، در شهر سامره از شهرهای عراق زندگی می کرد و از یاران امام علی النقی (هادی) بود. نظر به اینکه خلیفه عباسی سختگیری شدیدی نسبت به علویان و هواداران امام هادی(ع) اعمال می کرد، امام هادی(ع) به حضرت عبدالعظیم دستور دادند تا برای رهایی از تهدید خلیفه و انجام مسئولیت تبلیغ دین به ری مهاجرت کند. ایشان به ری آمد و مدتی در محله شیعه نشین ری «سکنة الموالی» اقامت داشت؛ البته ایشان تا پایان عمر بر کسی جز خواص شناخته نشد و عموم مردم هنگام وفات ایشان کاغذی در جامه او یافتند که در آن نوشته بود:



«من ابولقاسم عبدالعظیم فرزند عبدالله بن حسن بن زید بن حسن بن علی بن ابی طالب هستم.»
حضرت عبدالعظیم، از دانشمندان و محدثین مشهور زمان خود بود و تقوا و پرهیزکاریش شهرت فراوان داشت. وی با امام هشتم و نهم و دهم معاصر بود و در زمان این امامان بزرگوار زندگی می کرد.
محقق بزرگ مرحوم علامه شیخ آقا بزرگ تهرانی درباره تاریخ ولادت حضرت عبدالعظیم حسنی می نویسند: «بنابر نقل کتاب الخصائص العظیمیه ولادت حضرت عبدالعظیم (ع) در روز پنجشنبه چهارم ربیع الثانی سال ۱۷۳ ق در مدینه واقع شده است.» پدرش عبدالله و مادرش فاطمه دختر عقبه بن قیس به پرورش و آموزش او اهتمام زیادی داشته اند. عمده دوران کودکی او به تعلیم قرآن و ممارست در معارف اهل بیت علیهم السلام سپری شد.

منزلت حضرت عبدالعظیم علیه السلام

حضرت عبدالعظیم حسنی (ع) در دانش و تقوا به منزلتی رسید که همواره مورد احترام و اعتماد امام معصوم زمان خویش بود. نقل شده است که شخصی به نام ابا حماد رازی با تحمل زحمت های فراوان خود را به سامرا می رساند تا از امام علی النقی (ع) مسائلی را بپرسد. امام (ع) پس از پاسخ گفتن به پرسش های حماد فرمودند: «ای ابا حماد، هرگاه با مشکلی از مشکلات دینی یا پرسشی از مسائل اسلامی روبه رو شدی آن مشکل و سؤال خود را با عبدالعظیم حسنی در میان بگذار و از او بخواه تا پاسخ سؤالات تو را بیان نماید و ضمناً سلام مرا هم به او برسان.» امام هادی در جای دیگر به شخصی از اهالی ری می فرمایند: «اگر قبر عبدالعظیم (ع) را که در نزد شماس زيارت می کردی مانند کسی بودی که امام حسین (ع) را در کربلا زیارت کرده است.

۸ ربیع الثانی ولادت امام حسن عسکری (ع)

حضرت عسکری (ع) فرزند امام علی النقی الهادی (ع) می باشد. مادرش سوسن یا حدیثه بوده که از زنان صالح روزگار و دارای فضائل نفسانی بوده است. این بانوی گرامی در تربیت فرزند بر حسب تعلیمات امام زمان مراقبت بسیار می نمودند. این بانوی بزرگ به منزله ی ملکه اسلام در مدینه نیز بود و زنان بزرگ عرب و شیخ علیا در پیرامون او جمع می شدند و به وسیله ی او کسب فیض می کردند. سوسن از اولاد شاهان رومی بود و در فن تربیت و تعلیم کودک مهارت داشت و از مدینه به سامرا در مسافرت حضرت عسکری (ع) ملازم بوده و در سامرا از دنیا رفت.

امام عسکری (ع) مردی با وقار و مفسری بی نظیر برای قرآن بوده و برای آخرین دفعه بیانات حضرت امیرالمومنین علی (ع) را به مردم آموخت و حقایق دین را از راه راست و مستقیم اهل بیت به مسلمین تعلیم کرد.

زندگی ایشان به ۳ دوره تقسیم می شود: دوره اول در مدینه به مدت ۱۳ سال، دوره دوم در سامرا به مدت ۱۰ سال و دوره ی سوم در زمان ولایت و تصرف او در اموی بوده که بیش از شش سال نبوده است. امام تا ۲۲ سالگی همراه پدرش بود و بعد از شهادت امام هادی (ع) مقام امامت به ایشان منتقل شد تمام مدت ۶ سالی که رهبری را بر عهده داشتند مردم را با اسلام حقیقی آشنا کرد و شاگردان خوبی تربیت کرده و مردم را آماده کرد تا بتوانند غیبت امام زمانشان را درک کنند و بتوانند وظایفشان را در زمان غیبت به خوبی انجام دهند.

امام، آگاه از باطن ها: ابوهاشم جعفری می گوید: «روزی به خدمت امام حسن عسکری علیه السلام آمدم، می خواستم از حضرت نقره ای بگیرم تا با آن انگشتری بسازم و برای تبرک نگه دارم؛ اما این موضوع را فراموش کردم. وقتی برخاستم که بروم. امام (ع) یک انگشتری به من داد و فرمود: «نقره می خواستی ما انگشتری دادیم، نگین و مزد ساختن آن را سود کردی. گوارای تو باشد ای ابوهاشم!»



گفتم: «سرور من، گواهی می دهم که تو حجت و ولی خدا و امام من هستی. اطاعت از تو را جزء دین خودم می دانم.» امام فرمود: «ای ابوهاشم خدا تو را بیامرزد.»

رسوایی جاسوس: ابوهاشم جعفری می گوید: من و چهار نفر دیگر در زندان بودیم، امام عسکری علیه السلام و برادرش جعفر را به همان زندان آوردند. ما اطراف امام جمع شده بودیم. مردی در میان ما بود که ادعا می کرد علوی است. امام به آن مرد اشاره کرد که بیرون برود. او رفت. امام فرمود: «از این مرد دوری کنید، او جاسوس است. از حرف هایی که بین شما گفته شده گزارشی نوشته است و زیر لباسش پنهان کرده است.» وقتی آن مرد برگشت ما لباسهایش را جستجو کردیم و نامه را یافتیم.

سرود گروهی در میلاد امام حسن عسکری علیه السلام

عسکری آیت ایمان آمد	والد مهدی قرآن آمد
رستگاران تولی، تبریک	بر شما شیعه مولا تبریک
فیض این محفل والا تبریک	که صفا بخش دل و جان آمد
نور خورشید یقین جلوه گر است	خانه حضرت هادی خبر است
شوق بابا گل روی پسر است	باغ را لاله و ریحان آمد
حسن دوم و حسن ازلی	نوری از سلسله آل علی
زکی و عسکری و نور و ولی	وارث پاک نیاکان آمد
شیعه خوش باش که رهبر داری	چاره نور مطهر داری
سایه دولت کوثر داری	مژده ای مور سلیمان آمد
امشب از شوق توّلّا دل ها	زینت عالم امکان آمد

وفات حضرت معصومه ۱۰ ربیع الثانی

معصومه ی نازمن	گل باغ بهاره	یک گل سرخ خوشبو	که دنیا دوستش داره
روزی که دشمنمو	می بره به خراسان	میاد با شوق دیدار	دنبال من به ایران
مریض می شه توی قم	خیلی دلش می گیره	نمی بینه رضا شو	غمگین از دنیا میره
مردم قم تو غربت	براش عزا می گیرن	بزم عزا برای	گل رضا می گیرن
اون مردم مهربون	که دل بهش می بازن	دست به دست هم میدن	حرم براش می سازن
حالا شده اون حرم	قبله ی عشق و امید	پرمی زنه تو صحنش	کبوترای سفید

۵ جمادی الاول ولادت حضرت زینب (س) - روز پرستار

حادثه عاشورا و نقش حضرت زینب: درماجرای غم انگیز کربلا، آقا ابا عبدالله الحسین (ع) وظیفه حفظ مراقبت از زنان و کودکان و پرستاری از بیماران را به خواهرش زینب کبری (س) سپرده بود، چرا که خوب می دانست زمانی که تازیانه دشمن فرود می آید، وقتی کف پای اطفال یتیم تاول می زند یا آنگاه که فرزند دلبنده امام از فرط ضعف و گرسنگی از مرکبش می افتد در تمامی این موارد فقط زینب (س) است که می تواند پناهگاه و تکیه گاهشان باشد. آری، او که مصائب روز عاشورا چون باران بر سرش می بارد و مشکلات چون توفان او را دربر می گیرد و داغ های پی در پی آزارش می دهد، حتی لحظه ای از وظیفه اش نسبت به «پرستاری و مراقبت» از کاروان اسرا و از امام سجاد (ع) کوتاهی نمی کند. جمعی زن و کودک که داغدار، گرسنه و تشنه و بی پناه هستند، شدیداً به یک سرپرست نیازمندند و آن فرد کسی جز دختر آزاده زهرا (س) نیست.



عصر عاشورا، اگر چشم دل باز کنیم، خواهیم دید که یک خانم مضطرب و حیران در کنار خیمه ای آتش گرفته بر سروسینه می زند و ناله می کند و می گوید: خدایا چه کنم؟ بیمارم در میان خیمه در حال سوختن است. خواهیم دید که او اشک چشم کودکان را پاک کرده و آتش دامنشان را خاموش می کند. برای اینکه تازیانه دشمن بدن ضعیف و لاغر کودکی را نیازارد، خود را سپر قرار می دهد و خاطره تازیانه های دشمن بر بدن عزیز مادرش زهرا را زنده می کند. دستور حرکت صادر شده و کاروان بدون کاروان سالار را به اسیری می برند. کاروان اسیران درخواست می کنند که جهت وداع، از کنار قتلگاه عبور داده شوند. همین که زنان داغدار و کودکان عزادار به قتلگاه می رسند، با منظره دلخراشی مواجه می شوند: لاله های گلستان محمدی پرپری که در آغوش می کشند. در این میان امام علی بن الحسین (ع) وضع خاصی دارد. او بیمار است و علاوه بر آن پاهای مبارک و دستان مطهرش را بسته اند. او فقط از بالای مرکب به گلزار خزان دیده می نگرد و اشک می ریزد. بوی خون، منظره غیرقابل باور قتلگاه و اجساد افتاده در آن، به امام حالت عجیبی داده است. بدن های پاک و قطعه قطعه پدر، برادر، عمو، و عموزاده و دیگران، تاب و توان از او برده است.

زینب (س)؛ پیام رسانی و افشاگری: پیام رسانی و افشاگری از اهداف اصلی نهضت عاشورا بوده است که بر این مطلب شواهد و قرائن عدیده ای وجود دارد، پاسخ امام حسین (ع) به اطرافیان مبنی بر این که: "ان الله شاء ان يراهن سبايا" دلیل بر آن است که خداوند بدینوسیله می خواسته نهضت عاشورا زنده بماند. زینب (س) و همراهان، تعمداً در مقابل مردم اقدام به سخنرانی، سوگواری و مرثیه خوانی می کردند تا عواطف آنها تحریک شود و با شمردن آنچه بر آنان و مردانشان گذشته، مردم را علیه طاغوت بشورانند. از این رو اسیران اهل بیت و در رأس آنان زینب (س) دختر علی (ع)، با طرح و نقشه قبلی، از هر فرصتی برای تحقق این هدف مقدس استفاده می کردند.

سرنی در نینوا می ماند اگر زینب نبود کربلا در کربلا می ماند اگر زینب نبود

ولادت حضرت زینب (س): ثمره ازدواج مبارک علی (ع) و فاطمه زهرا (س) پنج فرزند به نام های حسن، حسین، زینب، ام کلثوم و محسن است. بنابر آنچه که از امام صادق علیه السلام رسیده است «محسن» که آخرین فرزند زهرا بود، بر اثر تجاوز و هجوم دشمنان اسلام به خانه آن حضرت، در شکم مادر جان داد و به دنبال این حادثه دردناک و صدماتی که بر جسم فاطمه (س) وارد آمد، آن حضرت سخت بیمار شد و به شهادت رسید.

زینب، سومین فرزند مهد ولایت است که به احتمال قوی در سال ششم هجری در مدینه چشم به جهان گشود.

زینب نامی آسمانی: زینب، یعنی زینت پدر و این نامی است که خداوند برای دختری انتخاب کرد، که با انجام رسالت خویش زینت بخش تاریخ شد و موجب افتخار و سرافرازی خاندان وحی و ولایت گشت. و این است که نام زینب در تاریخ کربلا که تاریخ جاودانگی اسلام و تشیع است، به خاطر فداکاری هایش، زیبا، درخشان و جاودانی است. مراسم نامگذاری این دُر ولایت را در تاریخ این گونه می خوانیم:

هنگام ولادت زینب کبری، چون رسول خدا در سفر بود، فاطمه از همسرش علی درخواست کرد که نامی برای فرزندانشان انتخاب کند. علی (ع) در جواب فرمود: من بر پدرت سبقت نمی گیرم، صبر کنیم تا پیامبر از سفر برگردد. چون پیامبر بازگشت و خبر ولادت نوزاد زهرا را از زبان علی (ع) شنید فرمود: فرزندان فاطمه فرزندان منند ولی خداوند درباره آنان تصمیم می گیرد.

بعد از آن جبرئیل نازل شد و پیام آورد که خداوند سلام می رساند و می فرماید: نام این دختر را زینب بگذارید که این نام را در لوح محفوظ نوشته ام. آن گاه رسول خدا زینب را گرفت و بوسید و فرمود: توصیه می کنم که همه این دختر را احترام کنند، که او مانند خدیجه کبری است.



یعنی همان گونه که فداکاری های خدیجه در پیشبرد اهداف پیامبر و اسلام بسیار ثمر بخش بود، ایثار، صبر و استقامت زینب در راه خدا نیز در بقا و جاودانگی اسلام از اهمیت ویژه ای برخوردار است.

در مکتب پدر : بانوی بزرگ اسلام زینب کبری حدود سی و پنج سال داشت که پدرش علی به شهادت رسید. او بدون تردید از دوران حیات پدر بزرگوارش آگاهی ها و بهره های فکری و معنوی فراوانی گرفته است و خاطرات زیادی از دوران پدر دارد. خاطرات تلخ و شیرینی که هر کدام در شکل گیری شخصیت زینب (س) و سازندگی او تأثیر عمیقی داشته است.

اگر زینب نمی آمد چه میشد
بهار کربلا کامل نمی شد
اگر بلبل هوای گل نمی کرد
گل از بی حرمتی پژمرده می شد
محبت در کجا ابراز می گشت
پرستاری پرستاری نمی شد

ولادت باسعادت الگوی پرستاران و روز پرستار مبارک

زینب (س) در واقعه عاشورا : زینب (س)، دختر علی بن ابی طالب و حضرت زهرا (س) بود که در سال پنجم هجری در مدینه به دنیا آمد. سومین فرزند علی (ع) بود و با عبدالله بن جعفر که پسر عمویش بود ازدوج کرد.

زینب در حادثه کربلا، در کنار برادرش امام حسین (ع) بود و پس از شهادت آن حضرت، سرپرستی کاروان اسرا را به عهده گرفت. خود نیز با آنکه اسیر دست دشمن بود، با سخنرانیهای کوبنده و افشاگرش، دشمن را رسوا ساخت و پیام خون شهدا را رساند. دو پسر زینب نیز از شهدای کربلا بودند. حضرت زینب در سال ۶۳ یا ۶۵ هجری در گذشت. قبر مطهرش در سوریه قرار دارد و به « زینبیه » معروف است. این بانوی بزرگ و شجاع، در علم، عفاف و حجاب، شجاعت، سخنوری و فصاحت فوق العاده بود. از القاب او عقیده بنی هاشم، موثق، عارفه و محدثه بود.

در جمهوری اسلامی ایران، سالروز تولد این شیر زن قهرمان - پنجم ربیع الثانی - را به عنوان روز پرستار تعیین کرده اند.

مولودی

شاخه شاخه گل می زنن گوشه چادر زهرا

دسته دسته مژده می دن اوامده دخترش دنیا

دختر گلها اوامده - زینب بابا اوامده (زینب کبری اوامده) ۲

زینب - زینب - زینب - زینب - زینب - زینب - زینب - زینب - زینب - زینب -

زینب - زینب - زینب - زینب - زینب - زینب - زینب - زینب - زینب - زینب -

قاصدکها از آسمون - خبر می آرن برامون

حوریا لبخند می زنن - به شادی هلله کنون

صل علی محمد خورشید رحمت آمد زینب آمد به دنیا بر شیعہ عزت آمد

دختر (پسرا) بیارید گل دسته دسته به دامن زهرا زینب نشسته (۲)

شهر مدینه امشب غرق سرور و نور است بیت علی و زهرا پراز وجود حور است

دختر (پسرا) بیارید گل دسته دسته به دامن زهرا زینب نشسته (۲)

بر شیعیان بگویند زینت بابا آمد عطر گل شقایق پیچیده در خلاق

دختر (پسرا) بیارید گل دسته دسته به دامن زهرا زینب نشسته (۲)



زهرای اطهر از شوق بگرفته گل در آغوش هر شیعه ای که دارد در قلب خود ولایش.
دختر (پسرا) بیارید گل دسته دسته به دامان زهرا زینب نشسته (۲)

۳ جمادی الثانی شهادت حضرت فاطمه (س)

شعر : شهادت حضرت فاطمه (س)

وقتی که هجده ساله شد	اسیر آه و ناله شد	آخه یه نامرد حسود	خونشو آتیش زده بود
پهلوشو اون شکسته بود	دست علی شو بسته بود	فاطمه هی دعا می کرد	همش خدا خدا می کرد
یک چیزی در دعا می خواست	پیش پدر رفتن می خواست	تا که خدای مهربون	بردش به سوی آسمون
راسته که قبر اون دوتا ست	هیچکس نمی دونه کجاست	بعضی میگن توی بقیست	بعضی میگن که اونجا نیست
مثل یک مادر بوده اون	برای پیغمبرمون	با، بابا مهربون بوده	همش به فکر اون بوده
واسه همین گفته به اون	بابای خوب و مهربون	پیامبر بزرگ ما	تو هستی مادر بابا
حالا منم دوست خوبم	گوش کن بین چی بهت میگم	باید که مهربون باشیم	همیشه مثل اون باشیم
مومن و با خدا باشیم	از بدی ها جدا باشیم	تا راضی شه از ما خدا	دوستانمون باشن فرشته ها

داستان گوش به دعای مادر: در آن شب، همه اش به کلمات مادرش - که در گوشه ای از اتاق رو به طرف قبله کرده بود - گوش می داد. رکوع و سجده مادر را در آن شب که شب جمعه بود، زیر نظر داشت. با این که هنوز کودک بود، مراقب بود ببیند مادرش را که این همه درباره مردان و زنان مسلمان دعای خیر می کند و یک یک را نام می برد و از خدای بزرگ برای هر یک از آن ها سعادت و رحمت و خیر و برکت می خواهد؛ برای شخص خود از خداوند چه چیزی درخواست می کند. امام حسن (ع) آن شب را تا صبح نخوابیده و مراقب کار مادرش صدیقه مرضیه (ع) بوده و همه اش منتظر بود که ببیند مادرش درباره خود چگونه دعا می کند و از خداوند برای خود چه خیر و سعادت می خواهد.

شب صبح شد و به عبادت و دعا درباره دیگران گذشت و امام حسن حتی یک کلمه نشنید. که مادرش برای خود دعا کند صبح به مادر گفت: «مادر جان! چرا من هر چه گوش کردم تو درباره خودت یک کلمه هم دعا نکردی. مادر مهربان جواب داد: پسرک عزیزم! اول همسایه بعد خانه خود.

۲۰ جمادی الثانی میلاد حضرت فاطمه زهرا (س) و روز زن و روز مادر

دختر گرامی پیامبر اسلام، در روز بیستم جمادی الثانی سال پنجم بعثت در شهر مکه از همسر گرامی رسول خدا، حضرت خدیجه، متولد شد. نام اصلی آن حضرت «فاطمه» است و به صدیقه، مبارکه، طاهره، زکیه، راضیه، مرضیه، محدثه، و زهرا نیز نامیده می شوند. آن حضرت در دامان پیامبر گرامی اسلام پرورش یافت و صاحب مدارج بالای علم و فضیلت و اخلاق گردید. ایشان به حدی وصف ناپذیر مورد علاقه پدر گرامی خود بود. پیامبر به احترام ایشان از جا برمی خاست و دست ایشان را می بوسید و می فرمود: «فاطمه پاره تن من است. هر که او را بیازارد، مرا آزرده است و هر که مرا بیازارد، خدا را آزرده است.»

آن حضرت در شب پنجشنبه بیست و یکم ماه محرم از سال سوم هجرت با حضرت علی (ع) ازدواج کرد و طبق روایات مکرر، این ازدواج به امر خدا واقع شده است. آن حضرت همسر گرامی امام اول شیعیان و مادر امام حسن و امام حسین (ع) در نیمه مبارک رمضان سال سوم هجری و امام حسین (ع) در سوم شعبان سال چهار هجری از مادر متولد شدند. پیامبر در شأن ایشان فرمودند، «حضرت امام حسن و امام حسین علیه السلام بهترین از جمیع اهل زمین بعد از من و بعد از پدر خود، و مادر ایشان بهترین زنان اهل زمین است». با این حال بعد از وفات پدر، ایشان از سوی منافقان مورد اذیت و آزار زیاد واقع شدند، و این در حالی بود



که حضرت فاطمه برای دفاع از حریم امامت و ولایت مبارزه کردند و در نهایت جان خود را نیز در این راه فدا کردند و در حالی که فقط ۱۸ سال از سن مبارکشان گذشته بود، در اثر ضربات وارده به بدن و فشار وارده در میان درب خانه، بستری شدند و سپس به شهادت رسیدند.

تولد حضرت زهرا علیه السلام در دورانی بود که اعراب جاهلی از تولد فرزندان دختر به شدت ناراحت بودند، در حالی که با ولادت حضرت فاطمه، خداوند در قرآن کریم در سوره کوثر، به پیامبر(ص) می فرماید: انا عطیناک الکوثر «ما به تو کوثر (خیر کثیر) اعطا کردیم.» به نظر بسیاری از مفسرین منظور از کوثر، وجود با برکت حضرت فاطمه زهرا علیه السلام است.

شعر: میلاد حضرت فاطمه (س)

مادر شیعیان کیه	اسم قشنگ اون چیه	کی اومده به دنیا اون	ماه قشنگ آسمون
مادر شیعه فاطمه ست	امید و غمخوار همست	محمد بابای اون	پیامبر ما شیعیون
خدایچه هم مادر اون	مادر خوب و مهربون	همسر با وفایش کیه؟	امام اول علیه
زینب هم اسم دخترش	که بود عزیز مادرش	همون که توی کربلا	می شه اسیر دشمن
اون یکی ام کلثومه	می شناسیمش ماها همه	فاطمه دو پسر داره	راستی که تاج سر داره
یکی حسین یکی حسن	گلگلهایی که مثل همن	توی قرآن خدا	سوره ای آورده بابا
کوثره اسم اون سوره	همون سوره که پرنوره	اومد برای فاطمه	تا ما بخونیمش همه
تا بشناسیم که کی بود اون	دوست خدای مهربون	همش برای مردما	تموم شب می کرد دعا
غذا می داد به هر فقیر	تا بشه هر گرسنه، سیر	فاطمه مثل مادرش	کمک می کرد به همسرش
تو خونه هم صبح تا غروب	تلاش می کرد اون زن خوب	لقب های زیادی داشت	خدا برای اون گذاشت
مرضیه بود و راضیه	زکیه و محدثه	صدیقه، عذرا و بتول	دعای اون می شد قبول
چون که به فکر خدا بود	از بدی ها اون جدا بود	همیشه بود اون با حجاب	با این کارش می کرد ثواب
تو پاک بودن نمونه بود	تولدش یه جمعه بود	مثل یه مادر بوده اون	برای پیغمبرمون
با، بابا مهربون بوده	همش به فکر اون بوده	واسه همین گفته به اون	بابای خوب و مهربون
پیامبر بزرگ ما	تو هستی مادر بابا	حالا تو هم دختر من	همیشه تاج سر من
باید که مهربون باش	همیشه مثل اون باشی	مومن و باخدا باشی	از بدی های جدا باشی
تا راضی شه از تو خدا	دوست باشن فرشته ها		

رعایت نوبت: پیامبر(ص) در کنار ایوان در حال استراحت بود. فاطمه مشغول کار بود امام حسن (ع) و امام حسین (ع) در گوشه ی اتاق با هم بازی می کردند. آن ها می دانستند که پدر بزرگشان استراحت می کند. به همین دلیل آهسته با هم حرف می زدند. امام حسن(ع) دست از بازی کشید و پیش مادرش (حضرت فاطمه زهرا (س)) رفت. و گفت: مادر! من تشنه ام کمی به من آب بدهید! اما مادر دستش بند بود. داشت آرد خمیر می کرد. امام حسن(ع) صدایش را کمی بلندتر کرد و گفت: مادر جان! گفتم تشنه ام کمی آب به من بدهید!

پیامبر(ص) صدای امام حسن (ع) را شنید. فوری از جا بلند شد. ظرفی برداشت و به حیاط رفت. صدای مرغ و جوجه ها بلند شد پیامبر(ص) از گوسفندی شیر دوشید و به اتاق برد، امام حسین(ع) جلو دوید و گفت: «پدر بزرگ! من هم تشنه ام.» ولی پیامبر(ص)



طرف شیر را به طرف امام حسن (ع) گرفت. امام حسین (ع) خودش را جلوی امام حسن (ع) انداخت و دستش را بلند کرد و گفت: پدر بزرگ، پدر بزرگ! به من بده به من...

پیامبر (ص) امام حسین (ع) را دور زد و دوباره ظرف شیر را به طرف امام حسن (ع) گرفت. هر چقدر امام حسین (ع) سعی کرد ظرف را بگیرد، پیامبر (ص) به او نداد. بالاخره ظرف شیر را به امام حسن (ع) داد و او شیر را نوشید.

پیامبر (ص) دوباره به حیاط رفت. کمی شیر دوشید و به امام حسین (ع) داد حضرت فاطمه (س) رو به پدر کرد و گفت: پدر جان! مگر حسن (ع) پیش شما عزیزتر است؟ چرا اول شیر را به حسن (ع) دادی؟

پیامبر (ص) هر دو نوه اش را در آغوش گرفت و گفت: نه هرگز! خواستم عدالت و نوبت را رعایت کرده باشم. چون حسن (ع) زودتر از حسین (ع) آب خواسته بود اول شیر را به حسن (ع) دادم.

شعر: مادر مهربونم

مادر مهربونم	عزیز خوش زبونم	تو گل بی خار منی	رفیق من، یار منی
وقتی که غصه دار باشم	فقط تو غمخوار منی	ای جان من فدای تو	بهشت به زیر پای تو
میلاد دختر نبی	فاطمه همسر علی	مبارک است برای تو	از ته دل بهت می گم
دوست دارم همیشه	برای روز مادر،	هر کادویی بگیرم	قابل تو نمی شه

شعر روز مادر

مادر خوب و نازم	می خوام واست بخونم	که قدر تو می دونم	مار خوب و نازی
برام محرم رازی	با شیطنت های من	فقط تویی می سازی	تویی وصله جونم
تو چلچراغ خونم	عشق و محبت تو	بسته به جون و خونم	تو آسمون قلبم ستاره ی پروینی
تو سبزه زار ذهنم	تو تک گل نسربینی		

۲۰ جمادی الثانی: ولادت حضرت امام خمینی (ره)

عشق با تو متولد شد

روشن تر از تمام ستاره ها که در آسمان سراغ داشتیم، بر شب های تاریکمان تابیدی.

آمدنت را تمام رودها حس کردند! همچون نیل که آمدن موسی را حس کرد.

نامت را بادها در گوش دست ها خواندند.

تو آزادی را با آفتاب، به شب های تارمان تاباندی. تمام آینه ها به دنیا آمدند برای دیدن تو.

نام تو را تمام رودها، چون شوق دریاها، آبی زندگی کرده اند. دست های تو برای دستگیری دست های گم شده ما آمدند. ما روزهای طولانی در مهی غلیظ گم شده بودیم؛ مهی باستانی.

تاج های سلطنتی، جیب هایمان را فقیر کرده بودند. ماه شب را در بزرگراه های تمدن پنهان کرده بود. ما سال های سال به شوق دیدن تالارهای شکوهمند نمرود، گرسنه مانده بودیم در جشن های چند هزار ساله سلطنتی. پیش از تو، تمام کلماتمان لال بودند. قلم ها نای نوشتن نداشتند. پیش از شبانی تو، بره ها تن به شبانی گرگ ها داده بودند.

اما همیشه کسی برای دستگیری آمده است. همیشه کسی بوده که ما را به مهمانی آفتاب ببرد. همیشه کسی بهار را به باغ های بی پرچین آورده است. همیشه کسی از جنس نور، ما را به تماشای روز خواهد برد.



و تو آمدی همچون موسی، آمدی تا ستون های سلطنت نموده ها را بلرزانی، آمدی تا همچون خلیل الله، بت های بی دین را گردن بزنی. آمدی تا ناخدای روزهای توفانی ما باشی. با تو خاک، بوی اردیبهشت گرفت و فروردین، کوچه های «خمین» را در دل تابستان از عطر تو آکند.

با تو بهار، قدم به کوچه های دلنگ خمین گذاشت و عشق، دوباره با تو متولد شد.

وقتی که تو آمدی، لبخند، مهمان آینه های فراموش شده شد و غبار از چهره های غمگین رخت بربست.

درخت ها با آمدنت دوباره با پرواز آشتی کردند و کبوتران، تصویر تو را در آسمان کشیدند. گنجشک ها باز زندگی بر پرچین های کوتاه را آواز کردند. تو که آمدی، سحر آغاز شد و روز، تمام تاریکی ها را خط زد و ستاره ها برای دیدنت صف کشیدند و ماه، شب هایمان را مهتابی کرد. کلمات عاشقانه، ترانه شدند تا تو را بسرایند و شعرهای عاشقانه، دفترهایمان را پر کردند.

با آمدنت، بهار با زمین مهربان شد و برکت با سفره ها آشتی کرد.

ابرها سال های نباریدنشان را با باران های رحمت جبران کردند. گل های شمعدانی زیبا شدند و پنجره ها به سمت آفتاب چرخیدند. تو متولد شدی و عشق با تو آغاز شد دیگر بار.

روشن تر از صبح

آبشاری از نور، روی دوش بهار می ریزد. گل هایی از شوق بر بام دنیا، طلوع رویش را سر می دهند. باد با پیراهن شادی که بر تن کرده است، خرامان می آید از حنجره سکوت، تصنیف های «مبارک باد» برخاسته است.

مردی آمده است که همه غزل ها می دوند به سمت خورشید نامش. همه ساعات صبح، به او سلامی نو می دهند. عشق، در گوشه ای از عباى او مأوا خواهد گرفت.

او آمده است تا بلم تاریکی از شط نور، رانده شود و همه چیز سر جای خود قرار بگیرد. ته مانده صدای طاغوت، در زباله ها ریخته شود.

آمده است تا چهار ستون کاخ جور، به لرزه درآید. فردایی روشن در سرنوشت دستان او نهفته است؛ اوست که ساختمان جذاب قناعت را مقابل جهانیان بنا می کند.

گام های اقتدار، به او می بالند. عطوفت، شاگردی از مکتب او خواهد بود. در کلاس درس او حدیث گلبرگ های جوان، به سرعت منتشر می شود. تیراژ نگاه های مهربان افزایش می یابد. قنوت ها پررنگ می شوند. سفره های عدالت در دهکوره ها و نقاط دور جغرافیا، گسترده می شود. مردی با مشعلی فروزان از ایمان، شناسنامه سیاهی ها را باطی می کند تا تمام سپیده خواهان با نفسی آسوده، جاده زندگی را بیمایند. اسوه ای یگانه آمده است تا لباس تقوا را به عریان ترین کوچه های فساد بپوشاند. ادامه راه ابراهیم (ع)، رسالتی است از شکستن بت های روزگارش.

تاریخ، با یک صلوات، به استقبال بزرگ مردی می رود که نامش «خمینی» است.

شعر: مثل گل خورشید آوای مدرسه (دوره ابتدایی) شاعر: علی اصغر نصرتی

یادش به خیر آن روز	آن روز نورانی	آن روز پر حاصل	روز گل افشانی
روزی که لب ها شد	باغ گل لبخند	توی هوا پیچید	بوی گل و اسپند
از چهره ها شد پاک	رنگ پریشانی	شد خانه دل ها	جشن و چراغانی
شهر من در آن روز	بوی خدا می داد	زیرا تمام شهر	بوی تو را می داد
تو مثل یک غنچه	آن روز رویدی	مثل گل خورشید	بر شهر تابیدی



شعر: شکوفه باران آوای مدرسه دوره ابتدایی شاعر: علی اصغر نصرتی

و قتی خبر تولد تو	آن روز میان کوچه پیچید
در باغ هزار شاخه گل داد	در دشت هزار غنچه روئید
آن روز خدا تو را به ما داد	تا قاصد صبح و نور باشی
پیک سحر و شکوفه و گل	پیغمبر شوق و شور باشی
یک چند گذشت تا که یک روز	در فصل خزان و خشکسالی
با دست تو شد پر از طراوت	در مزرعه خوشه زار شالی
با رهبری تو ای خمینی	پیروز شد انقلاب ایران
پیروز شدیم و شد از آن پس	باغ دل ما شکوفه باران

شعر: در میان قاب عکس آوای مدرسه دوره ابتدایی شاعر: افشین علا

در اتاق کوچکم	هست قاب روشنی	توی قاب عکس من	آفتاب روشنی
قاب عکس کوچکم	صبح و ظهر و عصر و شام	عطر می پراکند	عطر خنده امام
با نگاه او به من	روز می کند طلوع	با نگاه من به او	صبح می شود شروع
ای که خنده می کنی	در میان قاب ها	از تو زنده می شود	شور انقلاب ها

۱ رجب ولادت امام محمد باقر (ع) امام پنجم

امام پنجم شیعیان در سال ۵۷ هجری، روز اول ماه رجب در مدینه به دنیا آمد. کنیه او (ابوجعفر) و لقبش باقرالعلوم (شکافنده دانش ها) است. وی در حادثه کربلا حضور داشت و آن هنگام چهار - پنج ساله بود. پس از شهادت پدرش امام سجاد (ع) به امامت رسید. علم و فضیلت فراوان او، سبب شد که جمعی فراوان برای آموزش علم دین و فراگیری حدیث به مدینه آمده و از حضور او بهره مند شوند. وی دانشی بیکران، اخلاقی پسندیده، چهره ای جذاب و بیانی رسا داشت و در علم و زهد و عبادت و بخشندگی، سرآمد مردم عصر خویش بود و دانشمندان بسیاری در مکتب او علم آموختند. از معروف ترین شاگردان او می توان از: ابان بن تغلب، زراره، کمیت اسدی و محمد بن مسلم نام برد. آن حضرت با استفاده از فرصتی که پیش آمده بود، به نشر علوم اهل بیت و بیان احکام خداوند پرداخت و احادیث فراوانی به یادگار گذاشت. امام باقر (ع) در کنار کار علمی، به کار در باغ و مزرعه خویش هم می پرداخت و زندگی خود و بستگانش را تأمین می کرد. ایشان، هفت فرزند داشت که امام جعفر علیه السلام یکی از آنان است. او در هفتم ذی الحجه سال ۱۱۴ هجری، در پنجاه و هفت سالگی توسط هشام بن عبدالملک مسموم و شهید شد. قبر مطهرش در قبرستان بقیع در مدینه است.

شعر: میلاد امام محمد باقر (ع)

دیشب دوباره من باز / یک خواب خوب دیدم / دیدم شدم فرشته / تا آسمان رسیدم / در خواب دیده بودم / دیشب امام خود را / من سمت او دویدم / گفتم امام دانا / تو خوب و مهربانی / چون آمدی به خوابم / خوب است اسمتان را / ای مهربان بدانم / او گفت: باقرم من / هستم امام پنجم / بر لب امام ما داشت / گل هایی از تبسم / گفتم همان کسی که / بسیار مهربان بود / هر روز عمر خود را / در فکر دیگران بود / آقا برایم آن شب / بسیار چیزها گفت / حرف از نماز و خوبی / حرف از گل و خدا گفت / او حرف زد برایم / هم از خودش هم از دین / گفت از خودش برایم / او قصه های شیرین / من حرف می زنم باز / حالا برایت از او / صلوات ما بر آن مرد / آن یاس پاک و خوشبو / محمد اسم آقا / اسم امام خوب ما / کجا اومد به دنیا اون / توی مدینه عزیز جون / بابا شه زین العابدین



امام خوب مسلمین / اسم مامانش فاطمه / که مثل اون خیلی کمه / مادر خوب و نازنین / فرشته روی زمین / هر چیزی رو بلد بود اون
امام خوب و مهربون / می داد جواب هر سوال / هر کجا هر موقع سال / بود از همه داناتر اون / امام خوب شیون / حل می کرد اون
سوالا رو / مشکلاى مردما رو. هر چی می پرسیدن از اون / جواب می داد خیلی آسون

ثروتمند فقیر: اسود از یاران امام باقر علیه السلام بود. روزی از روزها امام باقر (ع) به چهره اسود نگاه کرد مثل این که او از چیزی ناراحت بود، امام باقر (ع) پرسید: چه شده دوست عزیز؟!

اسود سرش را بلند کرد و به امام (ع) نگاه کرد. اسود گفت: چه بگویم آقا؟! در حالی که گریه می کرد ادامه داد می دانید که من
مرد ثروتمندی بودم. در خانه ام به روی همه باز بود. هر کس احتیاجی داشت، به او کمک می کردم. دوستان زیادی داشتم و...
اما یکدفعه تمام ثروتم از بین رفت و حالا که پیش شما هستم، مردی فقیر و بیچاره ام و دیگر کسی حال مرا نمی پرسد و همه از
من دوری می کند و مرا تنها گذاشته اند. امام باقر (ع) از شنیدن این حرف ها خیلی ناراحت شد.

امام باقر (ع) خدمتکارش را صدا زد و چیزی به او گفت. خدمتکار فوری بیرون رفت با کیسه ی کوچکی به اتاق آمد. امام (ع)
کیسه را جلوی اسود گذاشت و گفت: «این هفتصد درهم را بگیر و خرج کن، هر وقت تمام شد و احتیاج داشتی، مرا خبر کن.»
اسود امام (ع) را دعا کرد و گفت: خدا شما را از ما نگیرد اگر شما نبودید من در هیچ خانه ای را نمی زدم چون از شما مهربان تر
کسی را نمی شناسم.

۳ رجب شهادت امام هادی (ع)

کشاورزی امام هادی (ع): علی بن حمزه می گوید: امام هادی (ع) را دیدم که در زمین خود مشغول کار و کوشش است؛ به
گونه ای که قدم های مبارکش غرق در عرق شده بود. عرض کردم: فدایت شوم! مردان کجایند که به جای شما کار کنند و
نگذارند که شما زحمت بکشید؟ امام هادی (ع) فرمود: «ای علی! آن که بهتر از من و پدرم بود، در زمین خود کار کرد.» عرض
کردم: او کیست؟ امام فرمود: «رسول خدا (ص) و امیرالمومنین علی (ع) و همه پدرانم با دست خود کار می کردند. کار کردن،
شیوه پیامبران، رسولان و انسان های شایسته است.»

دارو رسانی امام هادی (ع) به بیمار: شخصی به نام زیدبن علی می گوی: به بیماری سختی مبتلا شدم. شبانه برایم پزشک
آوردند. پزشک به خوردن دارویی دستور داد، ولی چنان دارویی را پیدا نکردم. هنوز پزشک از خانه ام بیرون نرفته بود که
خدمتکار امام هادی (ع) به خانه ام آمد شیشه ای را که همان دارو در آن بود، به من داد و گفت: امام هادی (ع) سلام می رساند و
می فرماید: «از همین دارو در این چند روز استفاده کن.» آن دارو را گرفتم و خوردم و سلامتی خود را باز یافتم.

نگین گرانها: در (أمالی) ابن الشیخ از منصوری و کافور خادم مروی است که حضرت هادی علیه السلام همسایه ای داشت که
او را یونس نقاش می گفتند و بیشتر اوقات خدمت آن حضرت می رسید و آن جناب را خدمت می نمود. یک روز وارد شد
خدمت آن جناب در حالتی که می لرزید و عرض کرد: ای سید من! وصیت می کنم که با اهل بیت من خوب رفتار کنی،
حضرت فرمود: مگر چه خبر است؟ و تبسم می کرد. عرض کرد که موسی بن بغا یک نگینی به من داد که آن را نقش کنم و آن
نگین از خوبی قیمت نداشت من چون خواستم آن نگین را نقش کنم شکست و دو قسمت شد و روز وعده فردا است و موسی بن
بغا {یا} مرا هزار تازیانه می زند یا خواهد کشت. حضرت فرمود: اینک برو به منزل خود تا فردا شود همانا چیزی نخواهی دید
مگر خوبی. روز دیگر صبحگاهی خدمت آن حضرت رسید عرض کرد پیک موسی به جهت نگین آمده است. فرمود: برو نزد او
نخواهی دید جز خیر و خوبی. آن مرد دیگر باره گفت که الحال من نزد او روم چه بگویم؟ حضرت فرمود: تو برو نزد او و گوش
کن چه با تو می گوید همانا جز خوبی چیز دیگر نخواهد بود. مرد نقاش رفت و بعد از زمانی خندان برگشت و عرض کرد: ای



سید من! چون رفتم نزد موسی مرا گفت: من در باب آن نگین با هم مخاصمت کردند آیا ممکن می شود که او را دو نصف کنی تا دو نگین شود که نزاع و مخاصمه آن ها برطرف شود. حضرت چون این شنید خدا را حمد کرد و فرمود: چه در جواب او گفתי؟ گفت: گفتم مرا مهلت بده تا فکری در امر آن کنم، حضرت فرمود: خوب جواب گفתי.

شعر:

داشتن تموم مردما/ دوست این امام ما را/ واسه همین آدم بدا/ اون آدمای بی خد/ خواستن اونو تنها کنن/ دشمنی با خدا کنن/ واسه همین خواستن از اون./ که زود بره به پیششون/ امام و بردنش کجا؟/ از مدینه به سامرا/ تا دور بشه از همه اون/ امام خوب شیعیون/ تا نباشه دور آقا/ هیچ کسی از مسلمونا / بیست سالی تو سامرا بود/ اونجا مثل زندونا بود/ تا این که کردنش شهید/ یک روز خوش امام ندید/ رفت آسمون پیش خدا/ مهمونی فرشته ها/ کجاست زیارتگاه اون؟/ تو سامراست عزیز جون/ دعا بکن با هم بریم/ سامرا رو، ما ببینیم

وضو با آب سرد: یکی از روزهای خوب خدا که هوا بسیار سرد بود امام هادی (ع) با خدمتکارش در خانه بودند. امام هادی (ع) خدمتکارش را برای کاری بیرون فرستاد و به او گفت: قبل از رفتن سطل آب را داخل خانه در جایی که امام گفته بود بگذارد. آن شب هوا سردتر و سردتر می شد ولی خدمتکار فراموش کرده بود که سطل آب را داخل بیاورد و وقتی یادش آمد بسیار نگران شد. هم برای امام هادی (ع) که قرار بود با آب سرد وضو بگیرد و هم نگران خودش که به خاطر فراموش کردن کاری که امام گفته بود. چون فکر می کرد امام (ع) به او اخم کند.

وقتی خدمتکار برگشت، امام خدمتکار را نگران دید و او را صدا زد و فرمود: «چرا نگرانی مگر تو نمی دانی که من همیشه با آب سرد تطهیر می کنم! خدا را شکر که ما را از اهل عبادتش قرار داد. توفیق انجام عبادتش را به ما داده است.»

۱۰ رجب ولادت امام محمد تقی (ع)

نهمین امام و پیشوای شیعه، فرزند امام رضا علیه السلام که نامش محمد و لقبش جواد و تقی بود. وی در سال ۱۹۵ هجری در مدینه متولد شد. هشت ساله بود که پدرش شهید شد و او در سال ۲۰۳ هجری به امامت رسید. مأمون، خلیفه عباسی چون از نفوذ باطنی و معنوی او در میان مردم بیمناک بود، آن حضرت را تحت مراقبت خویش گرفت و از همین رو دخترش را به ازدواج حضرت جواد علیه السلام در آورد تا یک مراقب دائمی و خانگی نسبت به او داشته باشد.

علم و فضیلت جواد الائمه علیه السلام نیز همچون پدرش، فراوان بود. در مجالس بحثی که خلیفه ترتیب می داد تا از موقعیت اجتماعی او بکاهد، حضرت جواد علیه السلام با آن که کم سن و سال و جوان بود، همه را مغلوب می کرد و در همه علوم و فنون، سرآمد بود مدت امامتش هفده سال بود و در همین مدت، شاگردان برجسته ای تربیت کرد؛ مانند: محمد بن سنان، فضل بن شاذان، ابن ابی عبیر، علی بن مهزیار و ابو تمام تایی.

پس از مأمون، معتصم خلیفه شد و همسر امام را تحریک کرد تا حضرت جواد علیه السلام را مسموم کند. همسر امام، ام الفضل، به وسوسه او شوهر جوانش را با انگور مسموم به شهادت رساند. حضرت جواد علیه السلام جوان ترین امام شیعه بود و هنگام شهادت ۲۵ سال داشت. روز آخر ذیقعد سال ۲۲۰ هجری، روز شهادت اوست. قبر مطهرش در کاظمین، از شهرهای عراق، زیارتگاه شیعیان است.

شعر:

بگم امام نهم کیه؟/ اسم قشنگ اون چیه؟/ بگم برات اون بوده کی؟/ امام محمد تقی / بابای خوب اون آقا/ علی بن موسی الرضا/ سبیه مامان جونش / مامان جون مهربونش / به دنیا اومد اون آقا/ امام ما مسلمونا/ توی مدینه عزیز جون/ امام خوب و مهربون/



توی رجب ماه خدا/ ماه عبادت و دعا/ لقب داره خیلی زیاد/ یک دونشون امام جواد/ جواد می دونی یعنی چی؟/ یعنی که بخشنده باشی/ امام جواد اسم اون/ امام خوب و مهربون/ چون آقا بخشنده بود/ حقیقتاً بنده بود/ هشت سالشون بود اون آقا/ که شد شهید امام رضا/ از اون به بعد امام شد اون/ امام خوب شیعیون

دستار قاسم: قاسم بن حسن از دوستان امام جواد (ع) بود. روزی از روزها که قاسم بر شترش سوار بود و می خواست از مکه به مدینه برود، در راه از کنار دهی گذشت که مرد فقیری در حال گرم کردن دستانش بود. قاسم از شترش پیاده شد و دستانش را گرم کرد. مرد فقیر گفت: آقا من و همسرم در همین روستا زندگی می کنیم. از دیشب تا حالا چیزی نخورده ایم. خجالت می کشیم از همسایه ها چیزی بخواهیم.

قاسم به طرف شترش رفت و از خورجین شترش یک قرص نان بزرگ بیرون آورد و به مرد داد. مرد خوشحال شد و تشکر کرد و او را دعا کرد. قاسم از آن جا خداحافظی کرد و به راه افتاد. هوا سردتر و سردتر می شد ناگهان گردبادی بلند شد و شن های بیابان را به هوا بلند کرد. قاسم شترش را روی زمین خواباند دستارش را از سرش باز کرد و دور سرش پیچید تا شن ها به چشم و دهانش نرود اما باد دستار را با خود برد. مرد دنبال دستارش دوید اما آن را پیدا نکرد ناچار دوباره به سراغ شترش رفت و به راهش ادامه داد. وقتی به مدینه رسید، یک راست به خانه ی امام جواد (ع) رفت و افسار شترش را کنار کوچه بست و لباس هایش را مرتب کرد و در زد. خود امام در را باز کرد، مرد سلام کرد و با دیدن او خوشحال شد و حالش را پرسید.

قاسم و امام جواد (ع) با هم به اتاق رفتند. امام جواد مقداری میوه و خوراکی برای مهمانش آورد. بعد به او نگاه کرد و گفت: «قاسم! دستارت را در راه گم کرده ای؟» قاسم با خنده گفت: «بله آقا! در بیابان توفان دستارم را برد.» امام دستار قاسم را به او داد. قاسم با تعجب گفت: «دستار من این جا چه می کند؟ چگونه دستار من به دست شما رسیده است؟» امام جواد (ع) فرمودند: «تو به یک بیابانگرد فقیر صدقه دادی، خدا هم دستارت را به تو برگرداند. بدان که خداوند پاداش های خوب را از بین نمی برد.»

۱۳ رجب ولادت حضرت علی بن ابی طالب (ع) امام اول

پیشوای اول شیعیان و جانشین پیامبر اسلام، پدرش ابوطالب و مادرش فاطمه بنت اسد نام داشت. در ۱۳ رجب سال ۳۰ عام الفیل در مکه و درون خانه خدا (کعبه) به دنیا آمد. ده ساله بود که به آئین اسلام گروید و در شمار یاران حضرت محمد (ص) درآمد. پس از هجرت به مدینه، با فاطمه (س) دختر پیامبر ازدواج کرد که ثمره این ازدواج، حسن، حسین، زینب و ام کلثوم، علیهم السلام، بود. او در کنار حضرت محمد (ص) در همه جنگ ها شرکت داشت. شجاعت و رزم آوری علی علیه السلام در دفاع از اسلام و شکست دادن دشمنان دین، مشهور است. در میان یاران پیامبر از همه داناتر شجاع تر فداکار تر و با فضیلت تر بود. رسول خدا آن حضرت را به فرمان خدا به جانشینی خود برگزید و در حجه الوداع در محلی به نام غدیرخم، او را به مردم معرفی کرد. اما پس از رحلت پیامبر، او را کنار زدند. وی ناچار برای حفظ وحدت مسلمین بیست و پنج سال صبر کرد. پس از کشته شدن عثمان، در سال ۳۵ هجری مردم با او به عنوان خلیفه بیعت کردند. در دوران پنج ساله زمامداری اش جنگ جمل، صفین و نهروان پیش آمد. امام علی (ع) در ۱۹ رمضان سال ۴۰ هجری در کوفه به دست یکی از خوارج نهروان به شهادت رسید و در بیرون کوفه (جایی که اینک به نام «نجف» مشهور است) به خاک سپرده شد. تولدش در کعبه و شهادتش در مسجد بود. قاطعیت، عدالت در قضاوت، شجاعت، زهد، سخاوت، علم، تقوا، عبادت، ایثار، گذشت و جوانمردی و وارستگی او از دل بستگی به دنیا، از ایشان، شخصیت برجسته و بی نظیری در جهان پدید آورده است. او اولین کسی بود که به پیامبر ایمان آورد و همه عمر، در راه این ایمان، جهاد و فداکاری کرد. حکومت او، نمونه ای از یک حکومت عادلانه و الگو به شمار می آید.



شعر:

امام اول کیه / اسم قشنگ اون چیه؟ / امام اولم علیست / بر همه عالم او ولیست / فاطمه است مادر اون / بانویی خوب و مهربون /
 عمران اسم پدرش / بود عموی پیمبرش / اومد به دنیا در کجا؟ / تو خونه پاک خدا / ماه رجب اومد علی / تو دنیا تا باشه ولی / از
 کوچیکی بود اون آقا / پیش پیامبر خدا / تو جنگا بود خیلی شجاع / ز حق می کرد علی دفاع / شب که می شد تو کوچه ها / اون
 برای گرسنه ها / یواشکی غذا می برد / هیچی رو تنها نمی خورد / توی نماز یه روزی اون / امام پاک و مهربون / انگشتی داد به
 گدا / تا یاد بگیرن آدم / زندگی ساده ای داشت / با دست خود درخت می کاشت / تلاش می کرد و کار می کرد / ز سستی ها
 فرار می کرد / دشمن آدم بدا بود / همش به فکر خدا بود

شوخی علی (ع):

یکی بود یکی نبود آسمان مدینه آفتابی بود. پیامبر (ص) و حضرت علی (ع) مثل همیشه کنار هم بودند و صحبت می کردند و
 خرما می خوردند. هر دو در حالی که خرما می خوردند خوش حال بودند. خرماها تازه و شیرین بودند، فکری به ذهن پیامبر (ص)
 رسید. وقتی خرما می خورد آهسته، هسته ها را جلوی علی (ع) می گذاشت حضرت علی (ع) که مشغول صحبت بود متوجه نشد.
 خرماها تمام شد، پیامبر (ص) به شوخی گفت: چقدر زیاد خرما خوردی؟! علی (ع) نگاهی به جلوی پیامبر (ص) کرد و دید جلوی
 او هیچ هسته ای نیست! اما جلوی خودش هسته های زیادی بود، زود متوجه شوخی پیامبر (ص) شد و با خنده گفت: پرخور کسی
 است که خرماها را با هسته اش خورده است.

شعر: ای علی

ای علی، ای آیت جان، آمدی	آمدی، ای جان جانان، آمدی
ذات حق را جلوه گر چون آفتاب	دل فروز، از مشرق جان آمدی
کعبه از نور جمالت روشن است	کز حریم لطف یزدان آمدی
ای ز تو آیین احمد در کمال	ای دلیل راه انسان آمدی
شهر بند عشق را، مفتاح راز	تا گشایی راز قرآن آمدی
خاتم دین خدا را پاسدار	ای به حشمت چون سلیمان آمدی
تا برافروزی چراغ معرفت	در طریق علم و عرفان آمدی
یار با مظلوم و، با ظالم به جنگ	رحمت این، زحمت آن، آمدی
برفراز قله آزادگی	عالم آراء، مهر تابان آمدی
دردهای دردمندان را به لطف	ای طیب جان، به درمان آمدی
تا بسوزی پرده های شرک را	شعله آسا، گرم و سوزان آمدی
ای ولی حق زمین را از فروغ	چون فلک، اختر به دامن آمدی
	سر کشیده از گریبان آمدی
دست حق، آمد برون از آستین	تا تو، ای بازوی ایمان آمدی
موج خیز مکتب توحید را	همچو مروارید غلطان آمدی
قبله جان مجبان خدا	مرحبا، ای شیر یزدان آمدی



۲۵ رجب شهادت امام موسی کاظم (ع)

امام موسی کاظم (ع) در روز یکشنبه هفتم ماه صفر سال ۱۲۸ هجری قمری در روستای ابوا- بین مکه و مدینه- به دنیا آمدند. و ۵۵ سال زندگی کردند. ایشان در ۲۱ سالگی به امامت رسیدند کنیه مبارکشان «ابو ابراهیم» و «ابوالحسن» بود و به کاظم و باب الحوائج شهرت داشتند. امام در زمان خلافت منصور، مهدی، هادی و هارون الرشید زندگی می کردند و سال ها در زندان هارون الرشید بودند. ایشان ابتدا در زندان بصره بودند و بعد هارون دستور داد که امام را به زندان بغداد ببرند. در همان جا بود که یحیی بن خالد با خرما ایشان را مسموم کرد. مدفن شریف امام کاظم در شهر کاظمین است و زمان شهادتشان ۲۵ رجب سال ۱۸۳ هجری قمری می باشد.

در سایه سار کلام امام کاظم (ع)

۱. هر که برادر مؤمنش برای حاجتی به نزد او بیاید رحمتی است که خدا به سوی او فرستاده است.
۲. داخل بهشت نمی شود کسی که در قلبش کبر و خودبینی وجود داشته باشد.

دوست مهربان: امام کاظم (ع) از بازار رد می شد که متوجه مرد غریبه ای شد که صحرانشین بود، چند لحظه ایستاد دوباره با خودش فکر کرد، و گفت: «حتماً این مرد غریبه به چیزی احتیاج دارد، شاید خجالت می کشد از مردم چیزی بخواهد.»

دوست امام کاظم (ع) گفت: آقا چرا ایستاده ای؟ امام (ع) به او اشاره کرد که همان جا بماند. امام به طرف مرد صحرانشین رفت و سلام کرد و به آرامی کنار او روی خاک نشست. امام با مهربانی با مرد غریبه مشغول صحبت شد و مرد غریبه لبخند می زد. امام یک دستش را روی دوش مرد صحرانشین گذاشت، بعد با دست دیگرش چیزی به مرد داد، و به او گفت: من برای خدمتگذاری آماده ام. هر کاری داری بگو برای انجام بدهم، و نشانی خانه اش را به او داد و خداحافظی کرد و به راه افتاد. دوست امام با تعجب از امام کاظم پرسید: آیا این مرد را می شناسی؟ امام گفت: نه هرگز او را ندیده ام. دوست امام گفت: آخر طوری با او با مهربانی رفتار کردید که گویا یکی از آشنایان قدیمی شما یا یکی از دانشمندان یا بزرگان را دیده اید.

امام کاظم (ع) گفت: این مرد بنده ای از بندگان خدا و برادر دینی من است. بدان که بالاترین دین، دین اسلام است که ما را به همکاری و دوستی با یکدیگر دعوت کرده. هرگز نباید با کسی که از ما پائین تر است با غرور و خودپسندی رفتار کنیم.

در سبب شدن آن حضرت است برای توبه بشر حافی: علامه حلی در (منهاج الکرامه) نقل کرده که بر دست حضرت موسی بن جعفر علیه السلام بشر حافی توبه کرد، و سببش آن شد که روزی آن حضرت گذشت از در خانه او در بغداد، شنید صدای سازها و آواز غناها و نی و رقص که از آن خانه بیرون می آید، پس بیرون آمد از آن خانه کنیزکی و در دستش خاکروب بود، آن خاکروب را ریخت بر در خانه، حضرت به او، فرمود: ای کنیزک! صاحب این خانه آزاد است یا بنده است؟ گفت: آزاد است! فرمود: راست گفתי اگر بنده بود از مولای خود می ترسید. کنیزک چون برگشت آقای او بشر بر سر سفره شراب بود پرسید: چه باعث شد تو را که دیر آمدی؟ کنیزک حکایت را برای بشر نقل کرد بشر با پای برهنه بیرون دوید و خدمت آن حضرت رسید و عذر خواست و گریه کرد و احضار شرمندگی نمود به دست شریف آن حضرت از کار خود توبه کرد.

مولف گوید که بشر را سه خواهر بوده که بر تیغه او سلوک می کردند و صوفیه را اعتقاد تمامی است به او و او را (حافی) می گفتند. به واسطه آن که همیشه پا برهنه بود و سبب پابرهنگی اش ظاهراً آن بوده که پابرنه خدمت امام موسی (ع) دویده و به سعادت عظمی رسیده، و بعضی نقل کرده اند که علت پابرهنگی او را از خودش پرسیدند در جواب گفت: (والله جعل لکم الارض بساطاً) ادب نباشد که بر بساط شاهان با کفش روند. وفات کرد سنه دویست و بیست و شش.



۲۷ رجب عید مبعث

کوه حراء: در کشور عربستان و در شهر مکه، کوهی وجود دارد که نام آن «حراء» است در بالای این کوه، غاری کوچک قرار دارد که قسمتی از آن را نور خورشید روشن می کند. و قسمت های دیگرش تاریک است. کسانی که به زیارت خانه خدا و سفر حج می روند، یکی از جاهایی که حتماً به دیدنش می روند، غار حراء است؛ چون آن مکان جایی است که پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله روزها و شب های زیادی به آن جا می رفت و به راز و نیاز با خدا مشغول می شد.

پیامبر و فرشته: «جبرئیل امین»، فرشته پیام رسان خداوند، به غار حراء نزد پیامبر اسلام حضرت محمد صلی الله علیه و آله رفت تا خبر مهمی را به او بگوید. جبرئیل نوشته ای به همراه خود آورده بود و از حضرت محمد صلی الله علیه و آله می خواست تا آن را بخواند. پیامبر فرمود: «نمی توانم بخوانم». فرشته دوبار دیگر از پیامبر خواست تا نوشته را بخواند و سرانجام لب های آسمانی پیامبر مشغول خواندن شد. چه جمله های زیبایی!

بخوان به نام پروردگارت: شب مبعث یعنی شبی که فرشته بزرگ «جبرئیل» به دیدار پیامبر صلی الله علیه و آله در غار حراء رفت، شب آغاز یک مأموریت بزرگ و مهم بود. فرشته آمده بود تا به حضرت محمد صلی الله علیه و آله خبر پیامبر شدنش را از سوی خداوند اعلام کند. او از پیامبر خواست تا اولین کلمه های دین جدید، اسلام، را بخواند. آن کلمه ها، آیه های اولین سوره قرآن بودند: «بخوان به نام پروردگارت که جهان را آفرید...»

آغاز راه وقتی پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله اولین آیه های قرآن را خواند، فرشته مهربان نگاهی به پیامبر کرد و گفت: «ای محمد! تو فرستاده ی خدایی و من جبرئیل هستم» او با این جمله، آغاز یک مأموریت مهم را به پیامبر ابلاغ کرد. پیامبر مأمور شده بود تا مردم را از گمراهی و بدبختی نجات بخشید.

متن ادبی

چشم های ما تنها یک پنجره و یک روشنایی به نام نور محمدی را می شناسد.
امروز تنها یک آسمان و یک گل به نام گل محمدی را می شناسد.
امروز تنها به یک شمیم و یک عطر به نام عطر محمدی خو گرفته است. از این روست که مقاوم ایستاده ایم و رو به یک پنجره و آسمان داریم و در باغچه دستان همه مان تنها یک گل روئیده است. دریا ترانه تو را می خواند زمین آرزوی پاکی تو را دارد و من بر ماسه های ساحل دریا می نویسم جهان به مهربانی تو زنده است یا محمد.

شعر: مبعث

بگم برات از اون روزا / چه جوری بودن آدمما / اون روزا بودن آدمما / خیلی پلید و بی خدا/همش با هم می جنگیدند/ بت هارو می پرستیدند/ می گفت پیامبر به اونا/ باید که خوب باشین شما/ می گفت با هم جنگ نکنین/ سجده پیش سنگ نکنین/ با همه مهربون باشین / به فکر این و اون باشین/همین که شد چهل ساله اون/ فرشته ای از آسمون / گفت به پیامبر که خدا / گفته برو تو آدمما/بگو که دینشون چیه؟/ خدای مهربون کیه؟/ تا کارهای بد نکنن/ خدایشونو رد نکنن/ به تو اهانت نکنن/ بت رو عبادت نکنن/ بشن مسلمون زود اونا/ قبول کنن دین تو را/ اون که پیامبر شده بود/ رفت پیش مردم زود زود/ رفت پیششون گفت به اونا/ هر چی که گفته بود خدا/ بعضی ها با خدا شدن/ بعضی ها هم که بد بودن/ همش به اون می خندیدن / قبول نکردنش اونا/ شدند چی؟ دشمن خدا/ جنگیدن اونا بعد از اون/ با اون آقای مهربون/ اما به خواست خداجون/ داد اونا رو شکستشون/ از اون به بعد شد همه جا/ خوب و قشنگ و باصفا



۳ شعبان میلاد حضرت امام حسین (ع)

سومین پیشوای شیعه، فرزند علی بن ابیطالب علیه السلام و نواده ی پیامبر اسلام می باشد. امام حسین علیه السلام در سوم شعبان سال چهارم هجری در مدینه به دنیا آمد. شش سال از عمرش در کنار جدش رسول خدا گذشت. دورانی که علی علیه السلام به خلافت رسید، یاور پدر در حکومت و جهاد بود.

پس از شهادت برادرش امام حسن (ع) به امامت شیعیان رسید و مدت ده سال در دوران معاویه، به احترام پیمان برادرش با وی، صبر کرد. با مرگ معاویه و به خلافت رسیدن پسرش یزید، امام حسین (ع) با او بیعت نکرد و به عنوان اعتراض از مدینه به مکه هجرت کرد. و چند ماه آن جا بود. به دعوت مردم کوفه که از هواداران او و پدرش بودند. برای مبارزه با سلطه یزید از مکه به سوی کوفه عزیمت کرد. اما پیش از رسیدن به کوفه، در سرزمین کربلا به محاصره لشکر یزید درآمد و چون حاضر نبود تسلیم شود، خود و فرزندان و بستگان و یارانش روز دهم محرم سال ۶۰ هجری، به شهادت رسیدند وی هنگام شهادت، ۵۷ سال داشت. امام حسین علیه السلام با آن که می دانست پایان این سفر، شهادت است. اما در آن دوران، برای رسوا ساختن امویان و ایجاد یک حرکت ریشه دار و تحریک مردم و مبارزه علیه ستم و نجات اسلام از زوال و نابودی، تنها شهادت مظلومانه می توانست کارساز باشد. امام نیز با خون خود و یارانش، نهال حق و آزادی و اسلام را آبیاری کرد و فرهنگ «جهاد و شهادت» را جهانی ساخت.

شعر

امام سوم ماها / امام حسین اون آقا / زندگیشو برای ما / داد او تو دشت کربلا

(دختر) و پسر) بیارید گل دسته دسته / به دامان زهرا حسین نشسته ۲

مرد بزرگ نازنین / یار خدا روی زمین / بابای اون امام علی / همون امام اولی

(دختر) بیارید گل دسته دسته / به دامان زهرا حسین نشسته ۲

فاطمه اسم مادرش / قربون مادر، پدرش / پس از برادرش شد اون / امام خوب شیعیون

(پسر) (دختر) بیارید گل دسته دسته / به دامان زهرا حسین نشسته ۲

یک کار خوب: روزی از روزهای گرم تابستان امام حسین (ع) از کنار باغی می گذشت. امام حسین (ع) زیر سایه ی درختی ایستاد تا کمی استراحت کند، ناگهان چشمش به یک جوان افتاد. جوان دورتر از او کنار باغ، لب جویی نشسته بود. لباس کهنه ای پوشیده بود و نانی در دست داشت و آن را تکه تکه جلوی سگ می انداخت. سگ هر لقمه ای که می خورد، دوباره دهانش را باز می کرد، زبانش را بیرون می آورد و منتظر لقمه ی بعدی می شد. امام حسین (ع) جلو رفت و سلام کرد، جوان فوری از جایش بلند شد و سلام کرد. امام حسین (ع) لبخند زد و پرسید: چرا به این سگ این همه مهربانی می کنی؟

جوان آهی کشید و گفت: آخر دلم خیلی گرفته. خیلی ناراحتم می خواهم با غذا دادن به این سگ دلم شاد شود و آرام بگیرد. امام حسین (ع) که از کار جوان خوشش آمده بود. تصمیم گرفت به او کمک کند امام از او پرسید: از چه چیزی ناراحتی؟ جوان جواب داد: من خدمتکار یک زن و شوهر یهودی هستم ولی خودم مسلمانم خیلی دوست دارم از آن ها جدا شوم و آزاد باشم. امام می دانم که این کار امکان ندارد. امام حسین (ع) با او صحبت کرد و او را دلداری داد. بعد همراه غلام به خانه ی آن زن و شوهر یهودی رفت. آن ها از دیدن امام حسین (ع) خیلی خوش حال شدند و از آمدن امام خیلی تعجب کردند.

آن ها با این که یهودی بودند اما امام حسین (ع) را خیلی دوست داشتند. برای او میوه و شربت خنک آوردند.

امام حسین (ع) از زیر عبایش مقداری پول بیرون آورد و جلوی زن یهودی گذاشت و گفت: این پول را بگیرد و این غلام را به من بفروشید! زن و مرد یهودی به هم نگاه کردند و هر دو لبخند زدند. زن یهودی گفت: آقا به خدا خیلی خوشحالمان کردید. به



خاطر قدم مبارک شما، این خدمتکار را به شما می بخشیم. مرد یهودی گفت: پولتان را بردارید، امروز بهترین روز ماست آن باغ را هم که این غلام در آن کار می کرد به شما می بخشیم. امام حسین (ع) از آن ها تشکر کرد. پول را برداشت و به مرد جوان داد و گفت: من هم این جوان را در راه خدا آزاد کردم و آن باغ و این پول را هم به او بخشیدم. مرد جوان وقتی حرف های امام حسین (ع) را شنید، بسیار خوشحال شد. امام را بوسید و گفت: آقا شما خیلی مهربان و بزرگوارید. تا زنده هستم خوبی شما را فراموش نمی کنم. زن و مرد یهودی هم وقتی اخلاق و رفتار خوب امام حسین (ع) را دیدند، همان روز مسلمان شدند.

۴ شعبان ولادت حضرت ابوالفضل العباس - روز جانباز

اسوه ایثار: سالگرد میلاد حضرت ابوالفضل العباس علیه السلام، روز جانباز نام گذاری شده است. عباس علیه السلام بزرگ جانباز تاریخ انسانیت است که صحنه کربلا را تجلی گاه ایثار و جانبازی نمود. فداکاری های برادر رشید امام حسین علیه السلام در تاریخ بشر ماندنی ندارد. دست حیدر آسای عباس علیه السلام شعر زیبای عشق و ایثار در راه ولایت را با خون سرخ بر زمین تفتیده، کربلا نگاشت، و راه و رسم عاشقی و شیوه جانبازی را به جهانیان آموخت.

جانباز در کلام امام خمینی (ره): «سلام و درود بر شما عزیزان که در راه هدف که اسلام عزیز است، سلامت خود را از دست داده و استقلال و آزادی کشور عزیز اسلامی را بیمه نمودید. ملت شریف ایران بر شما جانبازان و فداکاران افتخار می کند. شما یاد فداکاران صدر اسلام را تجدید نمودید. یاد شما بزرگ مردان در تاریخ بشریت و اسلام بزرگ جاودان است.»

جانباز در کلام مقام معظم رهبری: «جانبازان عزیز هم شهدای زنده ما هستند. چون مثل شهید به میدان جنگ رفته اند و مثل شهید ضربت خورده اند؛ منتها کرامت الهی آن ها را حفظ کرده است. این ها زنده اند، اما در مرتبه شهیدان. به این عزیزان هم توصیه می کنم که این کرامت الهی را برای خودشان حفظ کنند؛ «لَّذِينَ أَحْسَنُوا مِنْهُمْ وَاتَّقُوا أَجْرًا عَظِيمًا»... {آل عمران: ۱۷۲}

شعر: به مناسبت روز جانباز

تو شبیه اشک هات	صاف و ساده ای
تو شهید نیستی؛ ولی	بر فراز قله شهادت ایستاده ای
سرفه می کنی؛	فرشته ها دعوات می کنند
شاهدان «عندربهم» صدات می کنند	یادگار روزهای سنگر و دعا، حماسه و خطر!
یادگار خسته از سفر! تو هم	پیش لاله های سرخ، روسپید می شوی
	عاقبت شهید می شوی

شعر: تویی مرد سقا

تو بی باک و پاکی / تو فرزند شیری / تو در جنگ و میدان / شجاعی، دلیری.
 تو در بین دشمن / تو در آن سیاهی / درخشنده بودی / تو مانند ماهی
 تو از جنس نوری / تو از جنس نوری / تو از کربلایی / تو سردار لشکر / تو آن باوفایی
 تویی مرد سقا / تویی مهر و احساس / به قربان اسمت / ابولفضل عباس

۵ شعبان ولادت حضرت علی بن الحسین امام زین العابدین (ع)

پیشوای چهارم شیعیان، امام علی بن الحسین علیه السلام ملقب به سجاد و زین العابدین، فرزند امام حسین علیه السلام، در سال ۳۸ هجری روز پنجم شعبان در مدینه به دنیا آمد. مادرش «شهربانو» نام داشت. در حادثه کربلا حضور داشت و چون بیمار بود، در جنگ شرکت نکرد، اما پس از شهادت امام حسین علیه السلام و یارانش، همراه زنان و کودکان به اسارت لشکر «ابن زیاد» درآمد. وی همراه عمه اش زینب کبری علیه السلام، سرپرستی کاروان اسرا را بر عهده داشت. در طول این سفر، به ویژه در دربار



یزید، با خطابه های پرشور، به معرفی خود و دودمان پیامبر و رسوا ساختن یزید پرداخت. سخنان او و گرامی داشت پیوسته یاد کربلا که توسط او انجام می گرفت، یکی از علل جاودانه ماندن نهضت کربلا بود.

بعد از حادثه عاشورا، امام سجاد علیه السلام مدت ۳۴ سال امامت کرد و با حاکمانی همچون یزید، عبدالله زبیر، مروان حکم، عبدالملک مروان و ولید بن عبدالملک مواجه بود. چون حکومت اموی، امکان هر گونه تلاش فرهنگی و سیاسی را از او گرفته بود، امام ناچار با استفاده از شیوه «دعا» به نشر حقایق دین پرداخت. کتاب صحیفه سجادیه مجموعه ای از دعا های آن حضرت است. حدیث بلند و آموزنده ای با عنوان رساله الحقوق، یادگار دیگری از اوست. وی در سال ۹۰ هجری، توسط ولید یا هشام بن عبدالملک مسموم شد و به شهادت رسید. قبر مطهرش در مدینه و در قبرستان بقیع است.

امام زین العابدین علیه السلام، اخلاقی نیکو، رفتاری متواضعانه و حلم و بردباری زیادی داشت. به راز و نیاز با خداوند، علاقه مند بود و آن قدر عبادت و سجده می کرد که به زین العابدین و سجاد مشهور شد.

دعای ۲۴ صحیفه سجادیه دعا برای پدر و مادر است فرازی از این دعا (بند ۷) و (۳)

پروردگارا، والدین مرا از نزد خود کرامت داده و درورد و رحمت بی انتهای خود را به آن ها عطا کن. ای مهربان ترین مهربانان عالم. پروردگارا، صدای من را با آن ها آرام و آهسته گردان، گفتارم را بر آن ها خوشایند فرما و خویم را نسبت به آن ها نرم کن و قلبم را بر آنان مهربان ساز و مرا نسبت به هر دو خوش رفتار و دلسوز قرار بده.

شعر: امام چهارم کیه؟

دانم امام چهارم کیه؟ اسم قشنگ اون چیه / اسم امام بوده علی / برای دین حق ولی.
لقب های اون بوده این / سجاد و زین العابدین / باباش امام حسین ما / شهید دشت کربلا
شهربانو هم مادر اون / ایرانی بود و مهربون / امام سجاد آقا بود / همش به فکر خدا بود
مثل بابای خوبش اون / همش به فکر این و اون / غذا می داد به هر فقیر / می کرد گرسنه ها رو سیر
وقتی امام حسین ما / رفت توی دشت کربلا / چون که مریض بود اون آقا / نرفت و موند تو خیمه ها
اسم کتاب اون اینه / صحیفه سجادیه / یک کتاب پر از دعا / برای ما مسلمونا
تا این که ما از اون دعا / یاد بگیریم خیلی چیزا / دوری کنیم از بدی ها / فقط باشیم دوست خدا
کمک کنیم به همدیگه / چون که خدا خودش می گه / تا راضی شه از ما خدا / بریم توی بهشت ماها

سفر حج: عبدالله بن مبارک چنین نقل می کند: در یکی از سال ها تصمیم گرفتم به حج بروم. در حالی که به طرف مکه در حرکت بودم به کودکی که هفت یا هشت ساله بود برخورد. این کودک، بدون هیچ توشه و مرکبی در کناری حرکت می کرد. پیش رفتم و سلام کردم. به او گفتم: با چه کسی راه پیموده ای؟ گفت: با خدای تبارک و تعالی. این سخن موجب شد که در نظرم بزرگ آید. از او پرسیدم: فرزندم! توشه و مرکبت کجاست؟ گفت: توشه ام تقوای من است و مرکبم دو پایم و قصد و غرضم خدایم. این سخن او را نزد من عزت بخشید. پرسیدم: فرزندم از کدام تباری؟ گفت از تبار عبدالمطلب. گفتم: آشکارتر بگو: گفت هاشمی. گفتم: رساتر بگو. گفت: علوی فاطمی. گفتم: ای عزیز! شعری هم سروده ای؟ گفت: آری. گفتم از شعر خود برای من بخوان. پس از خواندن اشعار، از دیدگان من پنهان شد تا این که به مکه آمدم و حج را انجام دادم و باز گشتم و با «ابطح» وارد شدم. در این هنگام گروهی از مردم را دیدم که گرد هم نشسته بودند و چون به ایشان نگریستم، دوست خود را در بین ایشان یافتیم. به دنبال پرسش از نام وی دریافتم که ایشان همان امام زین العابدین (ع) است.



بچه آهو: امام سجاد (ع) همراه یارانش از کنار باغی می گذشتند که ناگهان برگ و بوته ها به هم خورد و آهویی نمایان شد. آهو، هوهو کرد. مثل این که کسی را صدا می کرد. یکی از یاران امام سجاد (ع) گفت: «عجب آهوی درشتی، کاش می توانستیم آن را بگیریم.» آهو صدا را شنید، رم کرد و تند دوید» امام دوباره برگشت پیرمردی که نزدیک امام (ع) بود گفت: این حیوان حتماً دنبال چیزی است. وگرنه این جا نمی ماند آهو سرش را بالا گرفت و ناله کرد. امام سجاد (ع) به او نزدیک شد و آرام دستی به سر و گردنش کشید. امام به چشم هایش نگاه کرد. امام (ع) دلش به حال او سوخت. امام (ع) رو به یارانش کرد و گفت: «او گم کرده دارد، یک نفر بچه ی او را گرفته. او از دوری بچه اش ناراحت است. می خواهد به او شیر بدهد: «ناگهان یکی گفت» همین امروز صبح شکارچی را دیدم که از بیابان می آمد و یک بچه آهو در بغل داشت، حتماً بچه ی همین آهوست. امام سجاد (ع) خوشحال شد و همراه یارانش به سوی خانه ی شکارچی راه افتادند. همه شکارچی بزرگ را می شناختند، به در خانه ی شکارچی رسیدند. یکی در زد شکارچی در را باز کرد و با دیدن امام و یارانش تعجب کرد و گفت: سلام ای فرزند رسول خدا (ص) فدایتان شوم. بفرمائید تو! امام (ع) جواب سلامش را داد و گفت: آن بچه آهویی را که امروز صبح شکار کرده ای بیاور، مادرش در بیرون شهر منتظر اوست و می خواهد به او شیر بدهد شکارچی داخل خانه رفت، بچه آهو را بغل کرد و همراه امام و یارانش به باغ رفتند. آهو هنوز در باغ منتظر بود.

شکارچی بچه آهو را به زمین گذاشت. بچه آهو به طرف مادرش دوید، کمی شیر خورد و همراه مادرش حرکت کرد. آهو کمی دور شد، ایستاد و به امام نگاه کرد. بعد صدایش در باغ پیچید هو هو هو...! امام لبخند زد و گفت: آهو از ما تشکر کرد و با زبان خود ما را دعا کرد.

۱۱ شعبان سالروز ولادت حضرت علی اکبر علیه السلام و روز جوان

حضرت علی اکبر (ع) فرزند بزرگ امام حسین (ع) در سال ۳۳ قمری در مدینه دیده به جهان گشودند. مادر بزرگوار ایشان لیلا دختر ابی مره می باشد. وی زمانی چند در خانه امام حسین (ع) به سر برد. لیلا برای امام حسین (ع) پسری آورد، رشید، دلیر، زیبا، شبیه ترین کس به رسول خدا (ص) و آله رویش روی رسول، خویش خوی رسول، گفت و گویش، گفت و گوی رسول خدا صلی الله علیه و آله؛ هر کسی که آرزوی دیدن رسول خدا را داشت بر چهره پسر لیلا می نگریست، تا آن جا که پدر بزرگوارش می فرماید: «هرگاه مشتاق دیدار پیامبر می شدیم به چهره او می نگریستیم»؛ به همین جهت روز عاشورا وقتی اذن میدان طلبید و عازم جبهه پیکار شد، امام حسین (ع) چهره به آسمان گرفت و گفت: «اللهم اشهد علی هولاء القوم فقد برز الیهم غلام اشبه الناس برسولک محمد خلقا و خلقا و منطلقا و کنا اذا اشتقنا الی رؤیه نیکک نظرنا الیه...».

۱۵ شعبان ولادت حضرت قائم (عج) - روز جهانی مستضعفان

پیشوای دوازدهم شیعه و آخرین جانشین پیامبر خدا که همانا رسول خدا است و از القاب اوست: مهدی، قائم، منتظر، صاحب الزمان، حجت، ولی عصر.

حضرت مهدی (عج) در سال ۲۵۵ هجری، روز نیمه شعبان و در سامرا چشم به جهان گشود. تولد او را حضرت محمد (ص) و امامان دیگر پیشگویی کرده و وعده آمدنش را داده بودند. از این رو، حاکمان سمترگر از تولد نوزادی که ستم ظالمان را از بین برده و جهان را پر از عدل خواهد ساخت، در هراس بودند. پدرش امام حسن عسگری (ع) ولادت او را به جز چند نفر از یاران و نزدیکان خاص، از مردم پنهان داشت. حضرت مهدی عجل الله پنج ساله بود که امام حسن عسگری (ع) از دنیا رفت. مأموران خلیفه که از وجودش با خبر شده بودند، برای دستگیری او به خانه امام ریختند، اما هر چه گشتند، او را نیافتند. از آن پس آن



حضرت پنهان شد و از طریق چهار نماینده (معروف به نواب اربعه) با شیعیان در ارتباط بود. این مدت که تا سال ۳۲۹ هجری به مدت ۶۹ سال طول کشید، غیبت صغری نام دارد.

با فوت چهارمین نماینده، دوران غیبت کبری آغاز شد که تاکنون ادامه دارد. امام در این دوره، نماینده خاصی میان مردم ندارد و از چشم ها پنهان است، تا روزی که به فرمان خدا ظهور کند و جهان را پر از عدل و داد کند. در این دوره مردم وظیفه دارند به عالمان دین و فقها مراجعه و به فتوای آنان عمل کنند. غیبت امام زمان (عج) و عمر طولانی او به قدرت خداوند است و در عصر غیبت شیعیان، منتظر روز ظهور او هستند و «انتظار» را به عنوان عاملی سازنده و امیدبخش به آینده ای خوب و روشن برای بشریت، عبادت می شمارند. تکلیف منتظران در دوران غیبت، زمینه سازی برای ظهور است و این حرکت زمینه ساز، جز با اصلاح جامعه و مبارزه با فساد و ستم فراهم نمی شود.

یکی از بارزترین خصوصیات حضرت مهدی موعود (عج) این است که حکومت عدل جهانی به رهبری آن حضرت و با حضور و همت و نقش آفرینی «مستضعفان» تشکیل می شود. این خصوصیت، همان است که در کلام و پیام امام خمینی رحمه الله، بسیار مورد توجه بود و ایشان به صورت مکرر با تعبیراتی از قبیل مستضعفان، محرومان، پابرنه ها و گودنشین ها از این قشر مهم، ولی فراموش شده، یاد می کردند و بر ضرورت خدمت به آن ها تأکید می نمودند. از همین روست که روز نیمه شعبان «روز جهانی مستضعفان» نام گرفته است.

مستضعف، واژه قرآنی: یکی از ویژگی های حضرت امام خمینی رحمه الله که ادبیات قرآن را وارد انقلاب اسلامی می کرد. بنابراین ادبیات انقلابی امام، ادبیات قرآنی بود. یکی از این واژه ها، واژه مستضعفان بود که امام همواره بر آن تأکید داشت. صف آرای مستکبران در مقابل مستضعفان، تقابل عدل و ظلم و رویارویی محرومان و چپاولگران، همواره در کلام و پیام امام موج می زد. از این مهم تر، عملکرد امام خمینی بود که علاوه بر زبان، با قلم و قدم و با تمام توان، در خدمت مستضعفان و محرومان بود و مبارزه با ظلم و ظالم و مستکبران را خط مشی اصولی خود قرار داده بود.

امام خمینی رحمه الله و حمایت از مستضعفان: یکی از ویژگی های امام خمینی رحمه الله روحیه استکبارستیزی و حمایت از مستضعفان جهان بود. آن فرزانه دوران، حکومت را وسیله ای برای تحقق عدالت می دانست و معتقد بود تحقق عدالت بدون سرکوب کردن مستکبران و چپاولگران میسر نخواهد بود. به همین دلیل، فضای کشور، فضای حمایت از مستضعفان و مبارزه علیه مستکبران بود.

برخورد امام رضا علیه السلام با قشر مستضعف: یکی از ویژگی های خورشید هشتم شیعیان، حضرت امام رضا علیه السلام، حمایت از مستضعفان و کمک به قشر محروم جامعه بود. آن حضرت همواره از بینوایان و مستضعفان دستگیری می فرمود و به آنان کمک می کرد. آن بزرگوار هرگاه به قشر ضعیف و محروم جامعه چیزی می بخشید یا به آنان کمک می کرد، تلاش می نمود عزت و آبروی مستضعفان نیازمند را حفظ نماید. در جواب سلیمان که پرسیده بود چرا هنگام کمک به افراد مستضعف صورتش را پنهان می کند، فرمود: «نمی خواهم ذلت خواهش را در چهره آنان ببینم».

خدمت به مستضعف در نگاه امام جواد علیه السلام: نقل شده است که روزی شخصی با خوشحالی فراوان به محضر امام جواد علیه السلام شرفیاب شد. امام علیه السلام سبب خوشحالی او را سوال کرد. آن مرد گفت: ای فرزند رسول الله، از پدرم شنیدم که می گفت: روزی که خداوند توفیق خدمت به انسان محروم و مستضعفی را نصیب کند، روز خوشحالی و نشاط است. و من امروز موفق شدم که به برادران دینی ام خدمتی کنم. امام جواد علیه السلام در پاسخ، به جان شریف خود قسم یاد کرد و فرمود: «چنین کاری جای شادمانی دارد، به شرط آن که آن را با منت از بین نبری».



امام علی (ع) و خدمت به مستضعفان: امام علی (ع) پیشوای بزرگ مستضعفان و محرومان بود. آن حضرت هیچ گاه این قشر را از یاد نمی بردند و همواره کارگزاران خویش را برای خدمت به محرومان و مستضعفان سفارش و ترغیب می کردند. مقام معظم رهبری حضرت آیت الله خامنه ای، مدظله العالی، می فرمایند: «امیرالمومنین (ع) برای خدا و در راه او کار می کرد. به درد مردم می رسید. مردم را دوست می داشت و خدمت به آن ها را وظیفه خود می دانست. با این که حکومت او در جهت خدمت به مستضعفان بود، به این اکتفا نمی کرد؛ شب ها هم، تنها و به صورت فردی، به کمک یکایک مستضعفان می رفت.»

پیشوای مستضعفان: سلام بر نیمه شعبان، روز جهانی مستضعفان و روز طلوع خورشید یگانه دوران، حجت حق و صاحب العصر والزمان، سلام بر پیشوای مستضعفان و محرومان جهان حضرت قائم علیه السلام. مهدی جان! ای موعود مستضعفان! اینک بشر مستضعف و سیه روز در آتش ظلم استکبار می سوزد. ستم و بیداد و تباهی، دنیا را فرا گرفته است و ما همه چشم انتظار توایم. مولای ما، می دانیم گرفتاری و ناراحتی دوستان و شیعیان، بلکه گرفتاری و ناراحتی تمامی انسان های دربند و محروم و مستضعف، قلب مقدس و نازنیت را می فشارد و تو را در اندوه فرو می برد؟ ای دخیره الهی، اینک مستضعفان جهان، تشنه و خواهان تویند. پس بیا و محرومان جهان را از چنگ نااهلان و ستمگران رهایی ده.

آمریکا، دشمن مستضعفان: فرزانه ترین فریاد تاریخ و ماندگارترین یاد زمانه، حضرت امام خمینی رحمه الله، آمریکا را دشمن مستضعفان جهان دانسته، خطاب به مسلمانان و مستضعفان تحت سلطه ستمگران چنین می فرمایند: «هان ای مسلمانان جهان و مستضعفان تحت سلطه ستمگران! بپا خیزید و دست اتحاد به هم دهید و از اسلام و مقدرات خود دفاع کنید و از هیاوهی قدرتمندان نهراسید که این قرن به خواست خداوند قادر، قرن غلبه مستضعفان بر مستکبران و حق بر باطل است. جهان باید بداند که ایران راه خدا را پیدا کرده است و تا قطع منافع آمریکای جهان خوار، این دشمن کینه توز مستضعفین جهان، با آن مبارزه ای آشتی ناپذیر دارد.»

وظیفه مسلمانان در قبال مستضعفان فلسطین: امروزه ملت مظلوم فلسطین مصداق بارز «مستضعف» اند. بنابراین بر همه مسلمانان جهان است که به یای جوانان مظلوم، اما غیور، فلسطین بشتابند و آنان را در مسیر رسیدن به آرمان بلندشان یاری رسانند. امام خمینی، این پیشوای مظلومان و مستضعفان جهان، در این باره چنین می فرمایند: «اکنون که مسلمانان انقلابی و شجاع فلسطین با همتی عالی و با آوای الهی از معراجگاه رسول ختمی مرتبت، صلی الله علیه و آله و سلم، خروش برآورده و مسلمانان را به قیام و وحدت دعوت نموده اند و در مقابل کفر جهانی نهضت نموده اند، با کدام عذر در مقابل خداوند قادر و وجدان بیدار انسانی می توان در این امر اسلامی بی تفاوت بود؟ اکنون که خون جوانان عزیز فلسطین دیوارهای مسجد قدس را رنگین کرده است و در مقابل مطالبه حق مشروعهشان از مثنی دغل باز با مسلسل جواب شنیده اند، برای مسلمانان غیرتمند عار نیست که به ندای مظلومانه آنان جواب ندهند و هم دردی خود را با آنان اظهار نکنند؟»

شعر: میلاد

دوستان نازنین من / ماه و عزیز دل من / می دونی می خوام از کی بگم / می دونی می خوام من چی بگم
امام زمان ما کیه؟ / اسم قشنگ اون چیه؟ / جا و مکان اون کجاست / چرا ز ماها اون جداست
مادر خوب اون کیه / اسم مبارکش چیه؟ / اسم مبارکش اینه / میم و حا و میم داله
بگم برات باباش کیه / امام حسن عسگریه / مادرشون نرجس خاتون / یک زن خوب و مهربون
همیشه اون به فکر ماست / با این که از ماها جداست / دوستش داریم خیلی زیاد / چه کار کنیم که اون بیاد
باید که خوب خوب باشیم / حرفای زشت و بد نگیم / دروغ نگیم دعا کنیم / خدامونو صدا کنیم



بگیم دیگه آقا بیاد/ دوستش داریم خیلی زیاد/ باید همش ثواب کنیم/ برف بدی رو آب کنیم
اون روز می شه دنیا قشنگ/ این جا و اون جا رنگارنگ/ میاد آقای مهربون/ ماه قشنگ آسمون
قول می دیم از همین حالا/ دیگه دروغ نگیم آقا/ با همه مهربون باشیم/ همش فکر شما باشیم
کمک کنیم به آدمها/ تا برن از دنیا غما/ دیگه نگیم حرفای زشت/ تا بشه دنیامون بهشت
اون وقت می یاد امام ما/ مولای خوب بچه ها

شعر: عید بزرگ شعبان

نیمه شعبان شده	شکوفه باران شده	حضرت نرجس خاتون	خوشحال و خندان شده
بوی گل و گلابه	چشمه عجب پرآبه	هزار هزار فرشته	زمین مثل بهشته
بچه ها جون بهاره	غم دیگه جا نداره	مهدی زهرا اومد	منجی دل ها اومد
با صد درود، صد تا سلام	همه می گیم با یک کلام	خوش آمدی به دنیا	فرزند خوب زهرا
امام خوب عسگری	با دیدن گل نبی	به خنده گفت «تو سروری	اهل جهان را رهبری»

روایت: نگاه مهرآمیز امام زمان (عج): هنگامی که «دعبل خزایی» اشعار خود را در محضر امام هشتم علیه السلام خواند، چون از بقیة الله و قیام شکوه مند آن حضرت یاد کرد، امام رضا علیه السلام از جای خود برخاست و دست مبارکش را بر سر نهاد و در برابر نام حضرت ولی عصر تواضع نمود و برای فرجش دعا کرد. از امام صادق علیه السلام سوال شد که چرا باید به هنگام شنیدن نام «قائم» از جا برخیزیم؟ حضرت فرمود: برای آن حضرت غیبتی طولانی است و این لقب، یادآور دولت برحق آن حضرت و ابراز تأسف بر غربت اوست. آن حضرت از شدت محبت و مرحمتی که به دوستانش دارد، به هر کسی که حضرتش را با این لقب یاد کند، نگاه محبت آمیز می اندازد؛ بنابراین، بر دوست داران آن حضرت است که در مقابل صاحب عصر خویش، از جای برخیزند و تعجیل در امر فرج مولای شان را از خداوند منان بخواهند.

بشارت پیامبر صلی الله علیه و آله: پیامبر اکرم (ص) در خطبه غدیر خود چنین فرمودند: «خاتم امامان ما مهدی است. آگاه باشید که او چیره شونده بر همه ادیان، انتقام گیرنده از ظالمان و فاتح و منهدم کننده دژهاست. اوست که تمام قبایل اهل شرک را نابود می سازد و خون بهای تمام اولیای حق را می گیرد. او برگزیده و منتخب خداوند، و وارث همه علوم است. امور دین به او تفویض شده و پیامبران پیشین به او مژده داده اند. او حجت باقی خداست و بعد از او حجت و حقی نیست. کسی بر او پیروز نمی شود؛ زیرا او ولی خداوند و حاکم الهی بر خلائق و امین پروردگار در ظواهر و اسرار است». **اَللّهُمَّ عَجِّلْ لَوَلِيِّكَ الْفَرَجَ**
پیامبر (ص): وقتی که او بیاید، پرندگان در لانه های خود جشن می گیرند و ماهی های دریا شاد می شوند و چشمه ها پر آب می شود و زمین چند برابر گذشته دانه می رویاند. وقتی که او بیاید، دیگر کسی درمانده و فقیر نخواهد بود. مردم برای صدقه دادن به دنبال نیازمندان می گردند و پیدا نمی کنند. به هر کس که می خواهند صدقه بدهند، می گوید: لازم ندارم، بی نیازم.

ماه رمضان

ماه رمضان نهمین ماه از ماه های قمری و بهترین ماه سال است. واژه رمضان از ریشه «رمض» و به معنای شدت تابش خورشید بر سنگریزه است.

می گویند چون به هنگام نامگذاری ماه های عربی، این ماه در فصل گرمای تابستان قرار داشت، ماه «رمضان» نامیده شد، ولی از سوی دیگر، «رمضان» از اسماء الهی است. این ماه، ماه نزول قرآن و ماه خداوند است و شب های قدر در آن قرار دارد. فضیلت ماه رمضان بسیار زیاد و نامحدود است.



به برخی از حوادث و رویدادهای مهم این ماه اشاره می شود:

وفات حضرت خدیجه در دهم رمضان سال دهم بعثت.

ولادت امام حسن مجتبی علیه السلام نیمه رمضان سال دوم هجرت.

جنگ بدر در سال دوم هجرت.

فتح مکه در سال هشتم هجرت.

مراسم عقد اخوت و پیمان برادری میان مسلمان، و ایجاد اخوت اسلامی بین پیامبر و امام علی علیه السلام.

بیعت مردم با ولایت عهدی امام رضا علیه السلام در سال ۲۰۱ قمری.

فضیلت ماه مبارک رمضان

ماه رمضان بهار قرآن است. بندگان خدا برای رسیدن به پیشگاه قرب الهی از دیگر ماه ها به قرآن رو می آورند تا تاریکی ها را از خود بزایند و به وادی نور و معنویت نزدیک شوند. آن ها شور خود را با عشق الهی عجین می کنند تا فیض او را نصیب خویش سازند. جوان با دل پاک و بی آلایش می تواند بیشترین بهره های معنوی را در این ماه از آن خود ساخته و خود را در پناه قرب الهی برای همیشه قرار بدهد.

فضائل بسیاری برای ماه مبارک رمضان ذکر شده است. بالاترین این فضائل را پیامبر اکرم در خطبه ای در جمعه آخر شعبان فرمودند که: «مردم، ماه خداوند با برکت و رحمت و مغفرت به سوی شما می آید. ماهی که نفس هایتان در آن تسبیح و خوابتان در آن عبادت است و در آن ماه شما میهمان خداوند می باشید». لذا بزرگترین فضیلت ماه مبارک این است که روزه دار در جوار قرب الهی قرار می گیرد و این احساس خاصی را که می فرماید ناشی از همین حالت است.

وجود شب قدر در این ماه: «شب قدر» شبی است که در آن قرآن بر پیامبر (ص) نازل شده است و فضیلت عبادت در این شب از تمام شب ها بیشتر است. در این شب مقدرات یک سال انسان معین می گردد. از با فضیلت ترین اعمال در چنین شبی «احیاء» می باشد که به معنای پاس داشتن یک شب تا صبح است. پس جا دارد که در چنین شبی انسان از اعمال زشت خود استغفار نماید چرا که شب توبه است و خداوند در آن بندگان را مورد اکرام خاص خود قرار می دهد. لسان الغیب سروده است:

چه مبارک سحری بود و چه فرخنده شبی آن شب قدر که این تازه براتم دادند

هاتف آن روز به من مژده این دولت داد که بدان جور و جفا صبر و ثباتم دادند

شب قدر در آینه آیات قرآن: برجسته ترین آیات قرآن در مورد شب قدر و فضیلت آن بخشش خداوند متعال است که در سوره قدر می فرماید: «ما قرآن را در شب قدر نازل کردیم. و از شب قدر چه آگاہت کرد. شب قدر از هزار ماه ارجمندتر است. در آن شب فرشتگان با روح به فرمان پروردگارشان برای هر کاری که مقرر شده است فرود می آیند. آن شب تا دم صبح صلح و سلام است».

از جمله دلایل فضیلت شب قدر بلکه والاترین جنبه فضیلت آن نزول قرآن کریم در این شب می باشد که به صورت یک باره بر قلب مقدس پیامبر اعظم (صلی الله علیه و آله) نازل گردید و در بقیه عمر مبارک ایشان به صورت تدریجی انجام گرفت. قرآن کریم یکی از علل فضیلت این ماه رمضان را همین معنا برشمرده و می فرماید: (شهر رمضان الذی انزل فیہ القرآن هدی للناس و بینات من الهدی و الفرقان)؛ «ماه رمضان که قرآن را در آن فرو فرستادیم؛ کتابی که مردم را راهبر و متضمن دلایل آشکار هدایت و میزان تشخیص حق از باطل است». قرآن کریم علت دیگر فضیلت این شب بزرگ را تعیین مقدرات انسان قلمداد نموده



و می فرماید: (انا انزلناه فی لیلہ مبارکہ انا کنا منذرین - فیها یفرق کل امر حکیم)؛ «ما قرآن را در شبی فرخنده نازل کردیم؛ زیرا که هشدار دهنده بودیم. پس در آن شب هر کاری محکم و استوار می شود».

شعر: قرآن و شب قدر

باغی پر از گل های زیبا	باغی است قرآن سبز و خرم
نوری است نور جان دل ها	هر سوره بر گلبرگ هایش
صد قصه دارد خوب و شیرین	در باغ سبز آیه هایش
در سینه ها گل های رنگین	او با زبان قصه کارد
گل های آزادی و ایمان	گل های زیبا از محبت
با ما سخن گوید فراوان	از دوستی ها روشنی ها
صد قصه دارد مثل مریم	آری به باغ آیه هایش
اصحاب کهف و نوح و آدم	مثل ثمود و عاد و یوسف
اما همیشه جاودانه	او چون بهاری هست خرم
پژمرده هرگز در زمانه	گلبرگ سبز او نگردد

روزه در احادیث

رسول اکرم (ص): هر چیزی زکاتی دارد، و زکات بدن، روزه است. میزان الحکمه، ج ۵، ص ۴۶

رسول اکرم (ص): روزه بگیری تا به صحت و سلامتی برسی. بحار، ج ۹۳، ص ۲۵۵

رسول اکرم (ص): روزه سپری در مقابل آتش است. وسایل الشیعه، ج ۷، ص ۲۸۹

۶ رمضان ولایتعهدی امام رضا (ع)

اولین واکنش امام هشتم علیه السلام نسبت به پیشنهاد مأمون درخصوص ولایتعهدی، این بود که از آمدن به خراسان سرباز زد چرا که آمدن او به «مرو» یک پیروزی سیاسی برای مأمون به حساب می آمد.

امام رضا (ع) در ابتدا ولایت عهدی را نپذیرفت. و در این امر جدی بود به گونه ای که مأمون حضرت را تهدید به قتل کرد. چنان که نقل گردیده، مأمون به امام گفت: «به خدا سوگند می خورم که اگر ولایت عهدی را پذیرفتی، که چه بهتر، وگرنه تو را وادار به پذیرش خواهیم کرد. و اگر تن ندهی، گردنت را خواهیم زد.» امام به ناچار فرمود: «به شرطی که نه کسی را برگمارم، و نه کسی را عزل کنم، و نه سنت یا قانونی را لغو کنم، و تنها از دور ناظر امور باشم.»

امام در طول امامت خویش حکومت سه خلیفه عباسی، هارون، امین و مأمون را درک کرد. ولی بدترین دوره زندگی خویش را از زمان وفات پدر بزرگوارش، موسی بن جعفر، دوران مأمون ذکر می کند؛ هر چند مأمون تظاهر به تشیع و خوش رفتاری با علویان را می کرد. امام رضا می دانست که در پشت این ظاهر فریبنده مأمون و فراخواندن ایشان از مدینه به خراسان، جریانات تلخ دیگری است که حتی زندگی امام را تهدید می کرد.

در عیون اخبارالرضا از شیخ صدوق نقل گردیده، زمانی که فرستاده مأمون برای بردن امام رضا از خراسان به مدینه آمد، امام قبل از رفتن، وارد مسجد پیامبر شد، تا با رسول خدا وداع کند. با چشمانی اشکبار کنار قبر رسول خدا ایستاد. چندین بار بیرون رفت و دوباره بازگشت، در حالی که به شدت می گریست فرمود: «من از جوار جدم رسول خدا می روم و در غربت خواهم مرد».



آن حضرت طی اقامت خویش در خراسان از این که می دید مأمون از وجود آن حضرت در جهت اغراض و مصالح حکومتی خویش بهره می گیرد، بسیار ناخشنود بود.

اما چرا حضرت ولایتعهدی را پذیرفت؟ به نظر می رسد عوامل زیر در پذیرش ولایتعهدی تأثیر داشت: امام رضا (ع) هنگامی ولایتعهدی مأمون را پذیرفت که دید اگر امتناع ورزد، نه تنها جان خویش را به رایگان از دست می دهد که جان شیعیان را نیز در خطر می اندازد. از این رو امام بر خود لازم دید که جان خویش و شیعیان و هواخواهان را از گزندها برهاند، زیرا امت اسلامی به وجود آنان و آگاهی بخشیدنشان نیاز دارد. اینان بایستی باقی می ماندند تا برای مردم چراغ راه و رهبر و مقتدا در حل مشکلات و هجوم شبهه ها باشند. آری، مردم به وجود امام و یارانش نیاز بسیار داشتند، چه، در آن زمان موج فکری و فرهنگی بیگانه بر همه جا چیره شده و در قالب بحث های فلسفی و تردید نسبت به مبادی خداشناسی، کفر و الحاد را به ارمغان می آورد: از این رو بر امام لازم بود که بماند و مسئولیت خویش را در نجات امت به انجام برساند و دیدیم که امام نیز با وجود کوتاه بودن دوران زندگیش پس از ولایتعهدی چگونه عملاً وارد این کارزار شد.

حال اگر او با رد قاطع و همیشگی ولایتعهدی، هم خود و هم پیروانش را به دست نابودی می سپرد، این فداکاری معلوم نیست همچون شهادت حیات بخش و گره گشای سید شهیدان گرهی از کار بسته امت می گشود. علاوه بر این، نیل به مقام ولایت عهدی اعتراف ضمنی از سوی عباسیان به شمار می رفت دائر بر این مطلب که علویان نیز در حکومت سهم شایسته ای دارند.

دیگر از دلایل قبول ولایت عهدی از سوی امام آن بود که مردم خاندان پیامبر (ص) را در صحنه سیاست حاضر بیابند و به دست فراموشیشان نسپارند، و نیز گمان نکنند که آنان همان گونه که شایع شده بود، فقط علما و فقهای هستند که در عمل هرگز به کار ملت نمی آیند شاید امام نیز در پاسخی که به سوال ابن عرفه داد نظر به همین ملت داشت. از حضرت پرسید: ای فرزند رسول خدا! به چه انگیزه ای وارد ماجرای ولایت عهدی شدی؟ امام پاسخ داد: به همان انگیزه ای که جدم علی علیه السلام را وادار به ورود در شورا نمود. گذشته از همه این ها، امام در ایام ولایت عهدی خویش چهره واقعی مأمون را به همه شناساند.

همان گونه که حوادث بعدی نشان داد، امام می دانست که هرگز از دسیسه های مأمون و دار و دسته اش در امان نخواهد بود و گذشته از مقام، جانش نیز از آسیب آنان محفوظ نخواهد ماند. امام به خوبی درک می کرد که مأمون به هر وسیله ای که شده در مقام نابودی وی جسمی یا معنوی برخورد آمد. امام رضا علیه السلام به صورت های گوناگونی برای خنثی کردن توطئه های مأمون موضع گرفت که مأمون آن ها را قبلاً به حساب نیاورده بود. اینکه به برخی از موضع گیری های حضرت اشاره می کنیم: امام تا وقتی که در مدینه بود از پذیرفتن پیشنهاد مأمون خودداری کرد و آن قدر سرسختی نشان داد تا بر همگان معلوم بدارد که مأمون به هیچ قیمتی از او دست بردار نمی باشد. حتی برخی از متون تاریخی به این نکته اشاره کرده اند که دعوت امام از مدینه به مرو با اختیار خود او صورت نگرفت و اجبار محض بود.

اتخاذ چنین موضع سرسختانه ای برای آن بود که دیگران بدانند که امام دستخوش نیرنگ مأمون قرار نمی گیرد و به خوبی به توطئه و هدف های پنهانش آگاهی دارد. با این شیوه امام توانسته بود مردم را از اهداف شوم حکومت آگاه سازد.

۱۰ رمضان وفات حضرت خدیجه (س)

همسر بزرگوار حضرت محمد علیه السلام وی دختر خویلد و از زنان نامور و ثروتمند حجاز بود. زنی عاقل، دانا و شریف بود و مردان، با ثروت او تجارت می کردند. پیامبر خدا در سن بیست و پنج سالگی، از سوی خدیجه به تجارت شام رفت و پس از بازگشت، با خدیجه که آن هنگام چهل سال داشت، ازدواج نمود. خدیجه نخستین زنی بود که مسلمان شد و به تعبیر پیامبر اکرم (ص)، یکی از چهار زن برگزیده خدا یعنی: مریم، آسیه، خدیجه و فاطمه علیه السلام است. خدیجه همه ثروت خویش را به



پیامبر داد تا در راه ترویج اسلام صرف کند. وی پیش از ازدواج با محمد صلی الله علیه و آله و سلم نیز به مردم بینوا کمک می کرد. حضرت زهرا علیه السلام ثمره ازدواج پیامبر با اوست.

حضرت خدیجه علیها السلام در مدت سه سال که با پیامبر در شعب ابی طالب بود، مانند همیشه با مال خود به یاری پیامبر شتافت. او تمام ثروت خود را در جریان شعب خرج کرد تا جایی که نقل می شود پس از محاصره اقتصادی، دیگر ثروتی نداشت خدیجه، افزون بر این که ثروت خود را در این راه صرف کرد، از خویشان خود نیز می خواست در هر فرصت پیش آمده به مسلمانان کمک کنند. آنان نیمه شب ها مقداری گندم و خرما بر شتری می گذاشتند و تا نزدیکی شعب می بردند، آن گاه افسار شتر را بر گردنش می آویختند و آن را رها می کردند تا به مسلمانان برسد. خدیجه سه سال رنج و مشقت شعب را تحمل کرد که می توان آن را اوج فداکاری او در خدمت به اسلام به شمار آورد. پیامبر همواره از این فداکاری خدیجه یاد می کرد و او را به دنبال دلیل این ایثار و از خود گذشتگی، می ستود.

مقام حضرت خدیجه (س) بسیار والاست؛ زیرا خداوند به وسیله امین وحی خویش، جبرئیل بر او سلام می فرستد و او را گرامی می دارد. هنگامی که رسول خدا صلی الله علیه و آله از معراج بازگشت، از جبرئیل پرسید: آیا کار دیگری هست؟ جبرئیل فرمود: «از طرف خداوند و از سوی من به خدیجه (س) سلام برسان.» هنگامی که رسول خدا صلی الله علیه و آله خدیجه را ملاقات کرد، خدیجه فرمود: خداوند، خود، سلام است و سلام از اوست و سلام به سوی اوست و نیز سلام بر جبرئیل فرشته حق باد. حضرت خدیجه، در مکه، سه سال پیش از هجرت وفات یافت و در قبرستان ابوطالب دفن شد. هنگام وفات، ۶۵ سال داشت. حضرت محمد صلی الله علیه و آله در سوگ او اندوهگین شد و پیوسته تا پایان عمر، از خوبی های خدیجه یاد می کرد.

خصوصیات اخلاقی حضرت خدیجه (س):

- یاوری راستین برای پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم بود؛ هرگاه رسول خدا از آزار و اذیت مشرکان اندوهناک می شد، خدیجه او را آرامش می بخشید، سنگینی مشکلات را از دوش او برمی داشت و آزار مردم را در نظر او آسان می نمود.
- خدیجه همراه علی (ع) با پیامبر اکرم (ص) نماز می خواند، در زمانی که هیچ مسلمانی جز آن سه تن در زمین وجود نداشت.
- اولین همسر رسول خدا بود و تا او زنده بود، پیامبر همسر دیگری اختیار نکرد.
- پیامبر پیش از بارداری خدیجه علیه السلام به فاطمه علیها السلام، برای او پیام فرستاد که: «... خداوند نزد بزرگترین فرشتگان خود، هر روز بارها به تو افتخار می کند».
- به دلیل عفت و پاکدامنی اش، او را در دوران جاهلیت، «طاهره» می نامیدند.
- زنی بود دوراندیش و نیکوکار، شکیا و صاحب اندیشه.
- از شرافت و بزرگی ویژه ای برخوردار بود.
- از خاندانی گرامی و شریف برخوردار بود.

مقام خدیجه در بهشت: از فضیلت های حضرت خدیجه علیها السلام، مقامی است در بهشت که از سوی خداوند به ایشان وعده داده شده است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نیز بارها این مسئله را به خدیجه بشارت می داد و می فرمود: «در بهشت، خانه ای داری که در آن رنج و سختی نمی بینی.» امام صادق علیه السلام نیز می فرماید: هنگامی که خدیجه وفات یافت، فاطمه خردسال بی تاب می کرد و گرد پدرش می گشت و سراغ مادر را از او می گرفت. پیامبر از این حالت دخت کوچکش بیشتر محزون می شد و دنبال راهی بود تا او را آرام کند. فاطمه همچنان بی تاب می کرد تا این که جبرئیل بر پیامبر نازل شد و فرمود:



«به فاطمه سلام برسان و بگو مادرت در بهشت خانه ای کنار آسیه، همسر فرعون و مریم، دختر عمران نشسته است». هنگامی که فاطمه این سخن را شنید، آرام گرفت و دیگر بی تابي نکرد.

خدیجه در قرآن: حضرت خدیجه نخستین ام المومنین است که در قرآن مجید به عنوان یکی از زنان پیامبر مورد توجه است، و به طور شخصی نیز در سوره «ضحی» آیه هشتم به نام و اوصاف او اشاره گردیده است.

۱۵ رمضان میلاد حضرت امام حسن مجتبی (ع) و روز اکرام

امام حسن مجتبی علیه السلام پیشوای دوم شیعه است. پدرش امیرالمومنین علی علیه السلام و مادرش فاطمه زهرا علیهاالسلام بود. در سال سوم هجری در مدینه به دنیا آمد. هفت سال از زندگی اش همراه با پیامبر اسلام گذشت. او و برادرش امام حسین، مورد علاقه شدید حضرت محمد صلی الله علیه و آله بودند. و این دو را سرور جوانان بهشت می نامید.

امام حسن علیه السلام از نظر سخاوت، بخشندگی، رسیدگی به بینوایان مشهور بود. زهد و عبادت و پرهیزگاریش زبانزد همگان بود و فضیلت های اخلاقی او و دانش بی پایان و حلم فراوانش او را محبوب دل ها ساخته بود.

در سال ۳۶ هجری، در حالی که ۳۳ سال داشت، همراه پدرش (که خلیفه مسلمانان بود) به بصره رفت و سپس در کوفه اقامت گزید. در جنگ جمل و صفین، در رکاب پدر، با متجاوزان جنگید. بعد از شهادت علی علیه السلام در سال ۴۰ هجری، امام حسن مجتبی علیه السلام به خلافت رسید و راه علی علیه السلام را در ادامه نبرد با معاویه پیش گرفت، اما سستی و خیانت سربازان و فرماندهانش سبب شد که به صلح تحمیلی با معاویه تن دهد و حکومت را با شرایطی به او واگذارد. صلح او با معاویه، نقش مهمی در افشاگری چهره باطل و حفظ جان پیروان و بقای مذهب شیعه داشت.

از آن پس به مدینه بازگشت و تا پایان عمر، دوران سختی را گذراند، تا آن که در سال ۵۰ هجری با دسیسه معاویه، به دست همسرش مسموم شد و به شهادت رسید. قبر او در «بقیع» است.

متن ادبی:

ماه میهمانی خدا به نیمه رسیده است؛ ماهی که فرشتگان، دسته دسته بین زمین و آسمان در رفت و آمدند و هاله های نور اهل ایمان را بالا می برند، و هوا عطر آگین بال آن هاست.

ناگهان، صدای هلهله ای به گوش می رسد. صدای تسبیح؛ صدای شور و نشاط عرشیان. نوری متولد می شود که از عرش تا فرش را می گسترد و جلوه حضور این نور آسمانی، در خاندان وحی رخ می نماید.

آری، امشب خانه علی (ع) و فاطمه (س) غرق در شادی تولد نخستین فرزند است. امشب تجلی حسن ازلی است که در چهره دلگشای چهارمین معصوم، حسن بن علی (ع) نمایان می شود و با آمدنش، جان ها را صفایی دیگر می بخشد. مقدمش مبارک.

شعر: میلاد امام مجتبی (ع)

مژده ای دل نور چشم مرتضی آمد خوش آمد	شام میلاد امام مجتبی آمد خوش آمد
غم مخور ای دل که در ماه دعا و استجاب	بهر تأثیر دعا، روح دعا آمد خوش آمد

سخنان گهر بار از امام حسن (ع)

بخشش پیش از درخواست، بزرگترین بزرگواری هاست.

شوخی، بزرگی و ابهت را از میان می برد. شخص ساکت، از بزرگی و وقار بیشتری بهره مند است.

چنان با مردم مصاحبت داشته باش که خود دوست داری به همان گونه با تو مصاحبت کنند.

کسی که عقل ندارد، ادب ندارد و کسی که همت ندارد جوانمردی ندارد و کسی که دین ندارد حیاء ندارد.



شعر: ولایت امام حسن (ع)

امام دومم کیه؟/ اسم قشنگ اون چیه؟/ کیه مامان بابای اون/ امام خوب و مهربون / امام دوم حسن/ مومن و خوب و مهربون/ همش به فکر این و اون/ بگم بابا جونش کیه/ امام اول علیه/ فاطمه مادر اون/ مادر خوب شیعیون/ به دنیا اومد آقامون/ نیمه ماه رمضان

پسرا دخترا بیارید گل دسته دسته به دامان فاطمه حسن نشسته ۲

شبیبه پیغمبر اون/ آقای خوب و مهربون/ معروف او به مجتبی/ دختر خوب و با خدا/ دو تا برادر اون/ با خواهرای مهربون/ عباس، حسین برادرش/ زینب و کلثوم خواهرش/ بعد بابای خویش اون/ شد چی؟ امام شیعیون/ مثل باباش اهل دعا/ مومن و پاک و با خدا

پسرا دخترا بیارید گل دسته دسته به دامان فاطمه حسن نشسته ۲

صل علی محمد/ خورشید رحمت آمد/ حسن آمد به دنیا/ بر شیعه عزت آمد/ شهر مدینه امشب/ غرق سرور و نور است/ بیت علی و زهرا/ پر از وجود حور است/ ر شیعیان بگوئید/ هادی امت آمد

پسرا دخترا بیارید گل دسته دسته به دامان فاطمه حسن نشسته ۲

عطر گل شقایق/ پیچیده در خلایق/ زهرای اطهر از شوق/ بگرفته گل در آغوش/ هر شیعه ای که دارد/ در قلب خود ولایش/ غم در جهان نبیند/ دنیا بود به کامش

پسرا دخترا بیارید گل دسته دسته به دامان فاطمه حسن نشسته ۲

پیر مردی از شام: پیرمرد غریبی بود با یک اسب لاغر و پیر که از سرزمین شام به شهر مدینه آمده بود. ناگهان چشم پیرمرد به امام حسن (ع) افتاد و با خود گفت: حالا وقتش است بروم و به حساب او برسم، باید حقش را کف دستش بگذارم.

سرعتش را زیاد کرد و مشتش را بلند کرد و با فریاد حرف های زشتی می زد. اما امام حسن (ع) فقط او را نگاه می کرد. پیرمرد دستش را به خورجین اسبش برد و با خودش فکر کرد، اگر او جلو بیاید با چوبم او را می زنم.

دوباره با صدای بلند فریاد زد: «خدا لعنت کند، تو آدم بد و دروغ گویی هستی!»

پیرمرد از سکوت امام حسن (ع) بیشتر عصبانی شد و در دلش گفت: «حتماً دارد برای من نقشه می کشد».

امام حسن (ع) با مهربانی لبخندی زد و گفت: «پیرمرد! گمان می کنم تو در شهر ما غریبی و انگار دوباره ی من اشتباه فکر می کنی. اگر کاری کرده ای که می خواهی تو را ببخشم و از تو راضی باشم، راضی می شوم. اگر هم از من چیزی بخواهی حتماً به تو تقدیم خواهم کرد...».

قلب پیرمرد به تپش افتاد. امام حسن (ع) ادامه داد: اگر بخواهی راه درست را بشناسی آن را نشانت می دهم. اگر گرسنه باشی، تو را سیر می کنم. اگر برهنه باشی، به تو لباس می دهم. اگر نیازمند باشی، بی نیازت می کنم. اگر جایی نداشته باشی، به تو پناه می دهم و ...

پیرمرد از خجالت سرخ شد و کمرش خم تر می شد.

اگر بار سفر خود را به خانه ی ما بیاوری، تا روزی که بخواهی بروی از تو پذیرایی خواهیم کرد و ادامه داد: پدر همین حالا به خانه ی ما بیا که در خانه مان برای تو جا داریم و آماده ی پذیرایی ات هستیم.

پیرمرد گریه اش گرفت و گفت: ای مرد خوب تو خلیفه ی خوب و بزرگ خدایی من قبل از آن که تو را بینم فکر می کردم هم تو و هم پدرت آدم های بدی هستید، اما حالا به اشتباهم پی برده ام. شما بهترین هستید.



۲۱ رمضان شهادت حضرت علی (ع)

شعر: بوده همدم، آن رسول پاک

سجده کرده است روی سنگ و خاک	بوده همدم، آن رسول پاک
با پیمبرم دو برادر است	هم عزیز و پاک هم دلاور است
بوده یاور مردم فقیر	او نخورده است یک غذای سیر
برده روی دوش، کیسه غذا	نیمه شب علی، مرد با خدا
دشمن علی بوده زشت و خوار	شیعه ی علی، بوده رستگار
روز و شب از او گفته ام سخن	مهر او نشست توی قلب من
صحبت تو هست بهترین کلام	علی تویی رهبر و امام
یاد و نام تو یک عبادت است	مهرت ای علی از سعادت است
کشته شد علی در نماز خود	بوده هر کسی توی راز خود
بر علی و آل او درود	مثل او کسی با خدا نبود

مهمان نوازی حضرت علی (ع): روزی از روزها سالم رو به یونس کرد و گفت: امروز امام علی (ع) را ناراحت دیدم. یونس وقتی حرف های او را شنید، گفت: من امروز او را ندیده ام. به همین خاطر نمی دانستم که او ناراحت است. سالم گفت: من هم نمی دانستم اما زید به من گفت.

یک نفر گفت: شاید بچه هایش مریض هستند؟! دومی گفت: نکند برای همسرش اتفاقی افتاده؟!!

مردی که بزرگ تر از بقیه بود، گفت: اگر این ناراحتی در چهره ی ما بود، حتماً امام به سراغمان می آمد و علتش را می پرسید. زید آهی کشید و گفت: بله حتی به ما کمک می کرد تا غصه و اندوه از دلمان بیرون برود. اما حالا خودش غمگین است. یونس بلند شد و گفت: برویم که وقت نماز نزدیک است.

همه بلند شدند. سالم گفت: دوستان عزیز! اگر من امام علی (ع) را دیدم علت ناراحتی اش را می پرسم! یونس گفت: هر کدام از ما که امام علی (ع) را دید بپرسد.

ظهر همگی به مسجد رفتند و نماز خواندند. در مسجد هم چهره ی امام علی (ع) غمگین بود بالاخره یکی از آن ها جلو رفت و پرسید: امیر مومنان! من امروز شما را ناراحت و غمگین دیدم، دلم طاقت نیاورد، می خواهم بدانم چرا شما این قدر ناراحتید؟ حضرت علی (ع) تبسمی کرد و گفت: چون هفت روز است که هیچ مهمانی به خانه ی ما نیامده است! برای همین ناراحتم.

آخرین جمعه رمضان - روز قدس

قدس، قبله ی نخستین و حرم دوم مسلمانان جهان، سرزمین اصلی و وطن میلیون ها آواره ی مسلمان فلسطینی است که استکبار جهانی توسط صهیونیسم جنایتکار، از سال ۱۹۴۸ آن سرزمین را از دست ساکنانش خارج ساخت و تحت سلطه ی نیروهای اشغال گر قدس قرار داد. این توطئه از همان اولین سال های اجرا، با مقاومت مردم فلسطین و اعتراض مسلمانان و انسان های آزاده و بیدار دل جهان مواجه شد و به شکل مبارزات پیگیر و سیاسی - نظامی چهره ی خود را نشان داد. ملت بزگوار و مسلمان ایران نیز پس از پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی مسأله ی آزادسازی فلسطین از چنگال غاصبان قدس را سرلوحه ی آرمان هایش قرار داده و همه ساله روز قدس را به روز فریاد کشیدن بر سر ستمکاران تاریخ تبدیل کرده است.



جوانی از فلسطینم

جوانی از فلسطینم / ستیز و رزم در راه خداوندست آئینم / درون سینه ام آتشفشان کینه و خشم است / همیشه بستم شنزار و سنگستان خاک میهنم بوده است / چه شب هایی که در مهتاب میهن، داخل سنگر / نهادم جای بالش ها سلاحم را به بالینم / نماز عشق می خوانم / نمازی رکعتش کوتاه، وردش خون / اذانم بانگ شلیکم، که از گلدسته سنگر / سکوت خسته و وهم آور شب را به آتش می زند بر هم / رکوعم انحنای قامت در پشت سنگرها / سجودم سینه خیز سینه کوه است / سلام آخر در این نماز خون / تن سوراخ سوراخ و کثیف چند صهیونیست در میدان.

جوانی از فلسطینم / امین دین پیکارم / خروش خشم دیرینم / به مادرهای بی فرزند / به قلب قهرمان های اسیر بند / به شور عشق و ایمان می خورم سوگند / که بهر انتقام خون یاران شهیدم لحظه ای از پای ننشینم.

۱ شوال عید فطر

روز اول ماه شوال از ماه های قمری، یکی از بزرگترین اعیاد اسلامی است. عید فطر، به دنبال یک ماه روزه گرفتن در ماه رمضان فرا می رسد و مسلمانانی که در این مدت، فرمان خدا را اطاعت کرده و روزه گرفته اند و بر تمایلات نفسانی خویش مهار زده اند، پایان یافتن ماه روزه را عید می گیرند. فطر به معنای خوردن و طعام پس از روزه است، همچنان که غروب هر روز رمضان هم، روزه را افطار می کنند. از برنامه های روز عید فطر، یکی پرداختن «زکات فطره» به نیازمندان است. مقدار زکات فطره بنابر فتوی مراجع یک ساع برابر با سه کیلو برای هر نفر از غذایی است که در طول سال بیشتر مصرف می شود. دیگری، برپایی نماز پرشکوه عید است. پرداخت فطریه به مستمندان، کمک بزرگی به آنان است. در این روز، فقرا شادمانند و کسانی هم که توفیق یافته اند یک ماه برنامه تربیتی روزه را اجرا کنند، شاد هستند.

۲۵ شوال شهادت امام جعفر صادق (ع)

شعر:

جعفریه مذهب ما / می دونی یعنی چی حالا؟ / یعنی مائیم شیعه ی اون / همون امام شیعیون / همون که حجت خداست / امام خوب شیعه هاست / یه عده ای دشمن اون / بودن تو اون دور و زمون / می ترسیدن مسلمونا / همه بشن دوست آقا / واسه همین بود که او / زهری دادن به اون آقا / کجاست زیارتگاه اون / توی بقیع عزیزجون / تو مدینه شهر دعا / شهر پیامبر خدا

روایت: از ابی هارون مولی آل جعهده روایت است: من در مدینه همنشین حضرت صادق علیه السلام بودم، پس چند روزی در مجلسش حاضر نشدم، بعد که خدمتش مشرف گشتم فرمود: ای ابوهارون! چند روز است که تو را نمی بینم؟ گفتم: جهتش آن بود که پسری برای من متولد شده بود، فرمود: بَارَكَ اللهُ لَكَ فِيهِ، چه نام نهادی او را؟ گفتم: محمد، حضرت چون نام محمد شنید صورتش را برد نزدیک به زمین و گفت: محمد، محمد، محمد! تا آن که نزدیک شد صورتش بچسبید به زمین پس از آن فرمود: جانم، مادرم، پدرم و تمامی اهل زمین فدای رسول خدا صلی الله علیه و آله باد، پس فرمود: دشنام مده این پسر را و مزین او را و بد مکن با او و بدان که نیست خانه ای که در آن اسم محمد باشد مگر آن که آن خانه در هر روزی پاکیزه و تقدیس کرده شود.

۱ ذی القعدة ولادت حضرت معصومه (س) - آغاز دهه ی کرامت

پس از مهاجرت حضرت امام رضا علیه السلام به ایران و استقرار ایشان در خراسان، جمع زیادی از علویان و شیعیان والامقام، به صورت ناشناس به سوی ایران رهسپار و به ویژه در شهرهایی مانند خراسان، قم و شهر ری، ساکن شدند. در این میان قم به عنوان شهری شیعه نشین، معروف بود.



یکی از سرشناس ترین این چهره های مقدس که پس از امام رضا علیه السلام وارد ایران شد، حضرت فاطمه معصومه علیها السلام خواهر امام رضا علیه السلام بود. ایشان که در اول ذیقعدة سال ۱۷۳ هجری در مدینه تولد یافته بود، یک سال پس از حرکت امام هشتم، جهت دیدار برادر از حجاز (مدینه) عازم ایران شد. حضرت معصومه (س) هنگام سفر از حجاز به خراسان در شهر ساوه بیمار شدند اما با وجود شدت بیماری فاصله ی بیش از ده فرسنگ تا قم را به سختی طی کردند زیرا آوازه قم را به عنوان شهری شیعه نشین با مردمی مؤمن بسیار شنیده بودند این بانوی بزرگوار، در شهر قم به دلیل بیماری، در منزل «موسی بن خزرج بن سعدبن اشعری» که بزرگ خاندان اشعری در این شهر بود، به مدت ۱۶ روز اقامت کرد، اما به دلیل شدت بیماری، در سال ۲۰۱ هجری از این جهان رخت بر بست و به جوار الهی شتافت.

شعر: ولادت حضرت معصومه (س)

اون روز توی مدینه	شادی و شور به پا شد	گل بارید از آسمون	شهر پر از صفا شد.
اول ذیقعدة بود	خورشید خانم در اومد	لب های غنچه خندید	انتظارش سر اومد
مادر گل نازشو	گرفته روی دستاش	گل بوسه می کاره	با خنده روی لبهاش
توی خونه ی امام	شادی می کردن همه	با همدیگه می گفتن	خوش اومدی فاطمه
امام کاظم اون روز	از غصه ها رها بود	خوش حال و شاد و خندان	دل امام رضا بود
رضا با خنده می گفت	خواهر عزیز جونه	از صفای قدم هاش	صفا گرفته خونه
چشماش چشمه ی نوره	دلش دریای رحمت	خدا دلش رو کرده	پر از مهر و محبت
نمی دونی چه نازه	خواهر نگو فرشته	اومده از آسمون	گل باغ بهشته
من می دونم خواهرم	چه خوب و مهربونه	محبتش تو قلبم	تا قیامت می مونه

۱۱ ذی القعدة میلاد امام رضا (ع)

هشتمین پیشوای شیعه، که به لقب «رضا» معروف است. در ۱۱ ذیقعدة سال ۱۴۸ در مدینه متولد شد؛ پدرش امام کاظم علیه السلام و مادرش نجمه بود. در سن ۳۵ سالگی پس از شهادت پدرش به امامت رسید. امامت او ۲۰ سال طول کشید. خلفای عباسی زمان آن حضرت، عبارت بودند از: هارون الرشید، امین و مأمون.

وقتی مأمون خلیفه شد. مرکز خلافت را از بغداد به مرو در خراسان منتقل کرد و چون از نارضایتی و قیام طرفداران امام رضا علیه السلام بیم داشت، آن حضرت را به اجبار، از مدینه به خراسان فراخواند و برای فریب مردم و دور ماندن از خشم آنان امام رضا علیه السلام را به ولیعهدی خود منصوب کرد. ولی باز هم از موقعیت اجتماعی امام، بیمناک بود و سرانجام آن حضرت را مسموم و شهید کرد. شهادت او در آخر ماه صفر سال ۲۰۳ هجری بود. وی هنگام شهادت ۵۵ سال داشت و قبر مطهرش در مشهد، زیارتگاه مسلمین است. علی بن موسی الرضا علیه السلام در دانش و سخاوت و اخلاق و شخصیت معنوی بی نظیر بود. در مرو، جلسات بحثی به دستور مأمون بزرگوار می شد تا شخصیت امام را بشکنند، اما حضرت رضا علیه السلام در بحث هایی که با علمای ادیان و مذاهب مختلف، حتی با مادیون منکر خدا داشت، همواره پیروز می شد و چهره علمی او آشکارتر می گشت. کتاب «عیون اخبار الرضا» از تألیفات شیخ صدوق، مجموعه ای از سخنان آن حضرت را در بردارد.

قال الامام رضا (ع): صله رحم به جا آورید گرچه با جرعه آبی باشد، و بهترین صله رحم خودداری از آزار است.

حضرت رضا علیه السلام همیشه به اصحاب خود می فرمود: بر شما باد به اسلحه پیامبران، گفته شد: اسلحه پیامبران چیست؟ فرمود: دعا است.



شعر : میلاد

امام مهربون ما	آقا علی موسی الرضا	قبر مطهرش، آقا	تو مشهد همین حالا
شهری که تو کشور ماست	گنبدش از خشت طلاست	بابای خوب اون آقا	امام مهربون ما
امام موسی کاظمه	امام خوب ما همه	مادرشون نجمه خاتون	یک زن خوب و مهربون
اومد به دنیا اون آقا	تو مدینه شهر دعا	مثل باباش اهل دعا	اهل کمک به آدما
تا بود توی مدینه اون	آقای خوب و مهربون	هر کسی یک مشکلی داشت	با آقا در میون می داشت
زود حل می کرد مشکل اون	امام رضای مهربون	همیشه ما مسلمونا	تابستونا، زمستونا
می ریم زیارت آقا	تا بکنیم اونجا دعا	خورشید مشهد امام	به قلب پاک اون سلام

۳۰ ذی القعدة شهادت جواد الائمه امام محمد تقی (ع)

تو اون روزا آدم بدا	می ترسیدن از اون آقا	واسه همین خواستن از اون	که زود بره به پیششون
به شهر بغداد بره اون	آقای خوب و مهربون	اونجا شهید کردن اونو	اون آقای مهربونو
شهید شد اون امام ما	امام خوب شیعه ها	همون که بود دوست خدا	با اون بودن فرشته ها
رفتش به سوی آسمون	پیش خدای مهربون	کجاست زیارتگاه اون	تو کاظمین عزیزجون

اظهار ناراحتی برای مصیبت حضرت زهرا

از (دلایل طبری) منقول است که روایت کرده از محمد بن هارون بن موسی از پدرش از ابن الولید از برقی از زکریا بن آدم که وقتی در خدمت حضرت امام رضا علیه السلام بودم که حضرت جواد علیه السلام را به خدمت آن حضرت آوردند در حالی که سن شریفش از چهار سال کمتر بود پس آن جناب دست خود را بر زمین زد و سر مبارک را به جانب آسمان بلند کرد و مدت طولانی فکر نمود و حضرت امام رضا علیه السلام فرمود: جان من فدای تو باد! برای چه این قدر فکر می کنی؟ عرض کرد: فکرم در آن چیزی است که با مادرم فاطمه علیهاالسلام به جا آوردند. پس حضرت امام رضا علیه السلام او را نزدیک خود طلبید و مابین دیدگان او را بوسید و فرمود: پدر و مادرم فدای تو باد. تویی شایسته از برای امامت.

۱ ذی الحجه سالروز ازدواج حضرت علی (ع) با فاطمه (س) - روز ازدواج و خانواده

متن ادبی : هنوز ملایک، دست افشان این واقعه ی زیباند

خورشید پا بر خاک می گذارد و بهار، با پیراهنی از شکوفه از راه می رسد.

زمان، از حرکت می ایستد و زمین، زیباترین لحظات را پای کوبی می کند.

فرشته ها، با بال هایی از بلور، زیر گام هایشان نور می پاشند و کوثر در جاری جریان زمان، از بهشت، مشتاقانه سرازیر می شود.

پروانه ها، به پنجره های بسته بال می گویند تا راهی به نور، به پرواز و به روشنایی بیابند و هزار فانوس در دست های ملایک، مسیر

عبورشان تا افلاک را روشن می کند. ذوالفقار جوانه می زند و هزار شکوفه از سرشاخه های دستان تاریخ که به شکرگزاری بلند

شده اند، بوی بهار می پراکنند.

یاس های کبود بر نیام ذوالفقار می پیچند و بالا می روند و آسمان با همه ی عطش، در چشم هایشان خلاصه می شود. بوی سرشار

سیب و یاس، فضا را پر می کند و شهر، دست افشان زیباترین اتفاق ممکن است.

حس می کنم در آسمانم ماه می خندد انگار چشمان رسول الله می خندد



روشن ترین تلاقی آینه و آب، در آوازه‌های روشن شهر زمزمه می شود و دو بهار، توأمان، در فصلی گم شده در تاریخ، از راه می رسند و با هم پیوند می خورند.

فاطمه (س) دستان ابر مردی را در دست می فشارد که شب ها در کوچه های بی پناهی، پشت درهایی که گل میخ غربتش را بانویش خوب می فهمد، نان و رطب پخش می کند.

و علی علیه السلام دست بانویی را در دست دارد که دسته ی دستاس رنج را می چرخاند و گهواره ی خالی فرزندش را در نظر مجسم می کند که در ابرها کم رنگ می شود.

پیوند خجسته ای که سال های درد را در سر می پروراند و هنوز نخل های سوخته، کل می کشند و چاه با دهان راز دارش هزار سلام و صلوات می فرستد و هنوز ملایک، دست افشان این واقعه ی زیباند.

خانواده قرارگاه رحمت: خانه قرارگاه رأفت و مهر است. این نهاد، روشن از شعله عشق و گرمی اش از همدلی و یکرنگی است. حال که خداوند خانواده را محل رحمت و رأفت قرار داده است، شایسته نیست در این محل امن و آرامش، دلهره و ناراحتی و اضطراب به وجود آوریم، باید زبان به شکر این نعمت ارزنده بگشائیم تا خداوند برکات و رحمت فراوان خود را بر ما نازل فرماید.

مسئولیت در خانواده: در نظام خانواده، هر یک از اعضای آن مسئولیتی برعهده دارند، پدر به درخت تنومندی می ماند که دستان سخاوت خویش را گسترده و خانواده خود را زیر چتر دستان خویش گرفته است. از این رو، سرپرستی و کارهای سنگین به او واگذار می شود. با هوش و فراست دریافته است که شرط موفقیتش در این امر، میانه روی، پرهیز از استبداد و زورگویی و جذب دل های همسر و فرزندان است و نیز به خوبی می داند که سخت گیری جز عقده و ناراحتی، ثمره ای به بار نمی آورد. مادر در کنار پدر، به گلی می ماند، لطیف، ظریف و با طراوت که کمتر تاب و تحمل کارهای سنگین و طاقت فرسای اجتماعی را دارد. خانه داری، همسر داری و تربیت فرزندان که نیاز به عاطفه قوی دارد و با استعداد و توانایی او متناسب است، به مقتضای آفرینش او، برعهده اش قرار گرفته است. امید است که همه افراد خانه، با رفتار درست و رعایت نظم، پیوند معنوی و عاطفی را در خانواده خود برقرار نمایند و همراه خود سازی، از سازندگی خانواده غفلت نورزند.

شعر: خانواده

مانند دست است هر خانواده/ هر کس یک انگشت در خانواده/ بابا در این دست/ انگشت شست است/ او که نخستین انگشت دست است/ انگشت دیگر یعنی نشانه/ او مادر ماست خانم خانه/ انگشت دیگر یعنی برادر/ این جا نشسته پهلوی مادر/ پس این یکی کیست؟ انگشت دیگر/ آری درست است/ او هست خواهر/ من هستم آخر/ انگشت کوچک/ انگشت ها را دیدی تو تک/ تک/ ما پنج انگشت هستیم با هم/ باهم شریکیم/ در شادی و غم/ گرچه جداییم/ ما پنج انگشت/ چون جمع گردیم/ هستیم یک مشت

فاطمه (س) خیلی خسته است: بعد از ازدواج حضرت علی (ع) با حضرت فاطمه (س)، حضرت محمد (ص) به خانه آن ها آمده و به آن ها گفتند: کارهای بیرون خانه با علی (ع) باشد. مثلاً آب بیاورد. خرید کند، هیزم جمع کند و ... کارهای داخل خانه هم با فاطمه (س) باشد. مثلاً گندم آرد کند، نان بپزد، آشپزی کند و ...

روزی پیامبر به خانه ی دامادش علی (ع) رفت: وقتی حضرت علی (ع) و حضرت فاطمه (س) و بچه ها او را دیدند بسیار خوشحال شدند. حضرت علی (ع) با احترام پیامبر (ص) را به داخل دعوت کرد و وقتی ایشان نشستند، مشغول کار خود شد. حضرت فاطمه (س) هم به سراغ آسیاب دستی رفت تا مقداری گندم آرد کند.



پیامبر(ص) که به آن دو نگاه می کرد، با مهربانی پرسید: عزیزانم! چه کسی خسته تر است تا من به جایش کار کنم؟

حضرت علی(ع) گفت: ای پیامبر خدا(ص)! فاطمه از من خسته تر است.

حضرت فاطمه(س) خندید، پیامبر(ص) فوری گفت: فاطمه ی عزیزم استراحت کند، من کارهای او را انجام می دهم. حضرت

فاطمه(س) تشکر کرد. چشم های علی(ع) پر از برق خوشحالی شد.

پیامبر(ص) از جایش بلند شد، آستین ها را بالا زد و مشغول کار شد.

۷ ذی الحجه شهادت امام محمد باقر (ع)

شعر : امام باقر (ع)

آقا امام باقر	بخشنده بود ودانا	بر حل هر سوالی	بود او فقط توانا
بود از همه داناتر اون	امام خوب شیعیون	برای همین آدم بدا	ترسیده بودن از آقا
دیدن حریفش نمی شن	براش یک نقشه کشیدن	تا دور کنن شاید اونا	امامو از مسلمونا
ولی موفق نشدن	از مردما دورش کنن	چون همه دوست داشتن اونو	اون امام مهربونو
تا روزی که آدم بدا	آدم بدای بی خدا	امامو کردنش شهید	امام به آرزوش رسید
کجاست زیارتگاه اون	توی بقیع عزیزجون	تو مدینه شهر دعا	شهر پیامبر خدا
آقا امام سجاد (ع)	در گوشش او اذان گفت	در کودکی برایش	از صاحب جهان گفت
بسیار خوش صدا بود	بسیار مهربان بود	هرگز بدی نم	مثل فرشتگان بود

روایت :

صاحب (کشف الغمه) روایت کرده از یکی از غلامان حضرت امام محمد باقر علیه السلام گفت: وقتی در خدمت آن حضرت به مکه رفیم پس چون آن حضرت داخل مسجد شد و نگاهش به خانه کعبه افتاد گریست به حدی که صدای مبارکش در میان مسجد بلند شد، من گفتم: پدر و مادرم فدای تو شود و چون مردم شما را بدین حال نظاره می کنند خوب است که فی الجمله صدای مبارک را از گریه کوتاه فرمائید، فرمود: وای بر تو! به چه سبب گریه نکنم همانا امید می رود که حق تعالی به سبب گریستن من نظر رحمتی بر من فرماید و به آن سبب من فردا در نزد او رستگار بوده باشم، پس آن، حضرت دور خانه طواف فرمود، پس از آن نزد مقام به نماز ایستاد و به رکوع و سجود رفت و چون سر از سجده برداشت موضع سجده آن حضرت از آب دیدگانش تر شده بود. و از حالات آن جناب بود که هرگاه خنده می کرد می گفت: خدایا مرا دشمن مدار.

۱۰ ذی الحجه عید قربان

روز دهم ماه ذی الحجه (دوازدهمین ماه قمری) عید قربان است و از اعیاد مهم و رسمی مسلمانان به شمار می رود. «عید اضحی» نام دیگر این روز است. از سنت های اسلامی قربانی کردن گوسفند و تقسیم آن بین مستمندان در این روز است. کسانی که به سفر حج می روند، در چنین روزی در صحرای «منا» قربانی می کنند و حاجی می شوند. قربانی کردن، یکی از واجبات حج است. گرامی داشت این روز، احیای خاطره قربانی کردن اسماعیل علیه السلام توسط حضرت ابراهیم علیه السلام به فرمان خداوند است. روزه گرفتن در عید قربان حرام است.

۱۵ ذی الحجه ولادت هادی (ع) امام دهم

پیشوای دهم شیعیان، حضرت علی بن محمد علیه السلام، ملقب به هادی و نقی، در نیمه ماه ذی الحجه سال ۲۱۲ هجری در یکی از روستاهای اطراف مدینه به دنیا آمد. هشت ساله بود که پدرش امام جواد به شهادت رسید و امام هادی، امامت شیعه را عهده دار



شد و ۳ سال، امامت کرد. وی مدتی در مدینه بود، اما متوکل عباسی که از محبوبیت امام در میان مردم به وحشت افتاده بود، او را به زور، اما در ظاهر با احترام، به سامرا که پایتخت حکومتش بود، منتقل کرد. حضرت تا پایان عمر در سامرا به نوعی تحت نظر بود و هوادارانش با زحمت می توانستند با او ارتباط داشته باشند. حضرت هادی علیه السلام با همه سختگیری ها به ارشاد و هدایت مردم و نگهبانی از دین مشغول بود مردم، که جز علم و حلم و عبادت و پارسایی از او نمی دیدند، هر روز، بیشتر شیفته اش می شدند. معتمد عباسی در اثر سخن چینی و گزارش های دروغ بدخواهان، سرانجام تصمیم گرفت آن حضرت را از میان بردارد. از این رو به وسیله زهر، امام را مسموم و شهید کرد. شهادتش در سال ۲۵۴ هجری بود. قبر آن حضرت در سامرا (از شهرهای عراق) قرار دارد. امام هادی (ع): چه بسا شخصی که مدت عمرش مثلاً ۳۰ سال مقدر شده باشد به خاطر صله رحم و پیوند با خویشاوندانش خداوند عمرش را به ۳۳ سال بیفزاید و چه بسا کسی مدت عمرش ۳۳ سال مقدر شده باشد ولی بخاطر آزردن خویشاوندان و قطع رحمش خداوند عمرش را به ۳ سال برساند.

شعر:

بگم امام دهم کیه؟ / امام علی نقیه / اسم بابا جانش جواد / امام نهم یادت می یاد / سمانه هم مامان اون / یک زن خوب و مهربون
بود لقبش هادی آقا / امام مهربون ما / به دنیا اومد اون آقا / جایی به اسم فریا / نزدیک شهر مدینه / که شهر اسلام و دینه / بعد از
شهادت آقا / اون شد امام شیعه ها / شیعه ها دوست داشتن اونو / اون امام مهربونو

۱۸ ذی الحجه عید غدیر خم

نام محلی بین مکه و مدینه، که حضرت محمد صلی الله علیه و آله در آخرین سفر حج خویش، هنگام بازگشت به مدینه، در آن جا علی بن ابیطالب علیه السلام را به جانشینی خود برگزید. غدیر به معنای برکه آب است و خم، نام آن محل وقتی آخرین حج پیامبر به پایان رسید، هنگام بازگشت، رسول خدا صلی الله علیه و آله از سوی خداوند مأمور شد، جانشینی و خلافت حضرت علی علیه السلام را به مردم ابلاغ کند. در این سرزمین، پیامبر صبر کرد تا همه حاجیان که بیش از صد هزار نفر بودند، رسیدند. آن حضرت، به امر خدا ضمن یک سخنرانی مفصل، علی بن ابی طالب را به عنوان جانشین خود تعیین کرد و جمله معروف «من کنت مولاهُ فهذا علیّ مولاه» را در همین خطابه بیان کرد.

پس از انجام این مراسم، آیه قرآن نازل شد و آن روز را کمال دین معرفی کرد امروز کافران از دین شما مأیوس شدند، پس از آنان نترسید و از من بترسید. امروز دینتان را برای شما کامل کردم، و نعمت خود را بر شما تمام نمودم. و اسلام را به عنوان «دین» برایتان پسندیدم...» (قسمتی از آیه ۳ سوره مبارکه مائده)

مأموریت پیامبر (ص) برای ابلاغ این پیام و گرامی داشت این روز تاریخی، هر دو در قرآن آمده است (مائده، آیه ۶۷ و ۳). آن روز، هیجدهم ماه ذی حجه سال دهم هجری بود. غدیر خم، عید بزرگ اسلامی است که تداوم رهبری پیامبر را تضمین کرده است. سخنان پیامبر (ص) را درباره ولایت علی (ع) تعداد بسیاری از صحابه پیامبر و روایان نقل کرد اند و آن سخن به «حدیث غدیر» معروف است، از روایات قطعی است که در منابع شیعه و سنی آمده است.

شعر:

شهر علم و دین	بوده مصطفی	حضرت علی (ع)	بوده درب آن
اهل بیت او	پاک و باصفا	قلب صافشان	نرم و مهربان
خوانده آیه ها	از بهشت او	مژده می دهد	مرد خوش زبان
مهربان تر از	او ندیده است	پیش روی خود	چشم آسمان



مانده دین او	محکم و قوی	مانده یاورش	صاحب الزمان
رفته ای تو در	اوج آسمان	رفته ای تو در	نور و کهکشان
رفته ای تو با	دعوت خدا	رفته ای به آن	عرش باصفا
رفته ای شبی	تا بهشت پاک	بوده ای جدا	از زمین و خاک
دیده ای در آن	لحظه های شور	هم فرشته و	هم مقام و نور
دیده ای تو هر	نکته ای که بود	بر محمد (ص) و	آل او درود
راز علم و دین	راز بندگی	در غدیر خم	گفته ای به ما
گفته ای پس از	من علی بود	جانشین من	مرد باخدا
گفته ای پس از	من علی بود	در میان موج	مرد ناخدا
گفته ای پس از	من علی بود	راه مستقیم	دست رهنما

۲۴ ذی الحجه روز مباحله پیامبر اکرم (ص)

مباحله آن است که دو نفر یا دو گروه که با هم نزاع دارند و هر کدام خود را برحق می دانند، به یکدیگر نفرین کنند که خداوند، دروغگو و طرف ناحق را هلاک کند.

چنین واقعه ای در زمان پیامبر اسلام اتفاق افتاد. گروهی از مسیحیان نجران دعوت حق رسول خدا صلی الله علیه و آله را نمی پذیرفتند و قرار شد میان آنان و پیامبر خدا مباحله انجام گیرد. در روز معین وقتی آنان در محل موعود حاضر شدند، پیامبر اسلام را دیدند که همراه علی بن ابی طالب، فاطمه زهرا، حسن و حسین «علیهم السلام» آمده است. چون دیدند که وی عزیزترین و نزدیکترین افراد خود را به صحنه مباحله آورده است، از شرکت در مباحله بیمناک شدند و به پرداخت جزیه به حکومت اسلامی راضی شدند.

مسیحیانی که برای مباحله آمده بودند، شصت نفر می شدند، در قرآن کریم (آل عمران، آیه ۶۱) به داستان مباحله اشاره شده و این آیه به «آیه مباحله» معروف است. این حادثه روز ۲۴ ذیقعده سال دهم هجری، در مدینه اتفاق افتاد.

شرح مختصر از زندگینامه چهارده معصوم (ع)

حضرت رسول صلی الله علیه و آله

در سالی که معروف به عام الفیل است دیده به جهان گشود. پدر حضرت محمد (ص) عبدالله و مادر گرامی ایشان آمنه نام داشت. عبدالله قبل از تولد پیامبر (ص) از دنیا رفته بود و به همین جهت عبدالمطلب جد ایشان پدر عبدالله سرپرستی او را به عهده گرفت. حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم شش ساله بود که مادرش آمنه وفات یافت و عبدالمطلب نیز حدود دو سال بعد دیده از جهان فرو بست و سرپرستی ایشان را ابو طالب عموی آن حضرت، پدر حضرت علی علیه السلام به عهده گرفت.

جوانی: پیامبر اسلام (ص) و سلم دوران جوانی خود را در مکه سپری کرد. همه مردم ایشان را فرد راستگو، درستکار و امین می شناختند به طوری که او را محمد امین می نامیدند. حضرت محمد (ص) همواره یار ستمدیدگان بود و به افراد مستمند کمک می کرد. و در سن بیست سالگی بود که در پیمان حلف الفضول که میان عده ای از جوانان مکه و برای کمک و حمایت از ستمدیدگان به وجود آمده بود شرکت نمود. آنان پیمان بسته بودند که هر جا مظلومی بیابند به کمکش بشتابند.

حضرت محمد (ص) و سلم در سن بیست و پنج سالگی با حضرت خدیجه که از زنان پاکدامن و محترم و بزرگوار بود ازدواج کرد. حضرت فاطمه (س) بانوی بزرگ اسلام و جهان، از ثمرات این ازدواج مبارک می باشند.



بعثت: پیامبر اسلام (ص) هر سال یک ماه، برای عبادت به غار حرا که در کوه نور و در نزدیکی مکه قرار داشت می رفت. در آن ایام بود که از طرف خداوند به پیامبری مبعوث شد، جبرئیل اولین آیات الهی را که از سوره علق بود، از جانب خداوند بر پیامبر خواند. رسول خدا در آن هنگام چهل سال داشت. اولین کسانی که به پیامبر ایمان آوردند، از مردان، حضرت علی علیه السلام و از زنان حضرت خدیجه (س) بودند.

تبلیغ دین: حضرت محمد (ص) پس از آنکه به پیامبری و رسالت برگزیده شدند، تا سه سال به صورت پنهانی مردم را به اسلام دعوت می کردند و در این مدت عده اندکی به ایشان ایمان آوردند. پس از آن، از جانب خداوند، به ایشان فرمان داده شد تا دعوت خود را به صورت آشکار بیان فرمایند، و ابتدا خویشان و اقوام خود را به اسلام دعوت نمایند. با علنی شدن دعوت رسول خدا (ص) مشرکان مکه از هیچ کوششی برای مبارزه و جلوگیری از گسترش و نفوذ اسلام خودداری نکردند. و به آزار و شکنجه مسلمانان پرداختند بلال حبشی را به دردناک ترین شیوه ها شکنجه نمودند و سمیه و یاسر پدر و مادر (عمار) را به شهادت رسانیدند. آزار و شکنجه مسلمانان، توسط مشرکان به جایی رسید که رسول خدا (ص) به مسلمانان دستور داد تا مکه را ترک کنند و به کشور حبشه (اتیوپی کنونی) مهاجرت نمایند و در نتیجه تعدادی از زنان و مردان مسلمان به سرپرستی جعفر بن ابی طالب به حبشه مهاجرت کردند. وقتی مشرکان مکه از مهاجرت مسلمانان به حبشه اطلاع پیدا کردند، عمرو عاص را برای باز گرداندن آنان به حبشه فرستادند. اما پادشاه حبشه که حقانیت دین اسلام را از زبان جعفر بن ابی طالب شنید به مسلمانان اجازه داد آزادانه در حبشه به زندگی خود ادامه دهند و عمرو عاص شکست خورده به مکه بازگشت.

شکست مشرکان در مهاجرت مسلمانان به حبشه و گسترش اسلام، باعث شد که جهت جلوگیری از دعوت الهی رسول خدا (ص) مسلمانان را تحریم اقتصادی نمایند. در نتیجه سران مشرکان دستور دادند که هیچکس با بنی هاشم خرید و فروش ننماید و همگی با مسلمانان قطع رابطه کنند. رسول خدا (ص) و سلم به همراه مسلمانان مدت سه سال را در محاصره اقتصادی در یکی از دره های مکه به نام شعب ابوطالب و در سخت ترین شرایط برای دفاع از دین خدا به سر بردند. آنان در محاصره بودند تا اینکه رسول خدا (ص) به ابوطالب خبر داد که موریانه عهدنامه مشرکین را خورده است و جز نام خدا چیزی باقی نمانده است. وقتی مشرکان به سراغ عهدنامه خود رفتند و حقانیت گفتار پیامبر را مشاهده کردند دست از محاصره برداشتند.

مهاجرت به مدینه: شهر مدینه پیش از مهاجرت پیامبر اسلام (ص) از مکه یثرب نامیده می شد. یثرب از دو قبیله اوس و خزرج تشکیل یافته بود که همواره با یکدیگر در جنگ و نزاع بودند. وقتی که خبر پیامبر اسلام (ص) به مدینه رسید عده ای از آنان در سال دوازدهم و سیزدهم بعثت به مکه آمدند و پس از پذیرفتن اسلام با آن حضرت پیمان بستند که رسول خدا را یاری کنند. مشرکان که گسترش اسلام را حتی در خارج از سرزمین مکه مشاهده نمودند تصمیم گرفتند. پیامبر اسلام (ص) را به قتل برسانند و برای اجرای تصمیم خود گروهی را برگزیدند تا شبانه به خانه پیامبر (ص) حمله آورده و ایشان را در بستر به قتل برسانند. در این شرایط بود که حضرت علی علیه السلام برای حفظ جان رسول خدا (ص) در بستر ایشان خوابید و پیامبر (ص) از مکه خارج شد و پس از اینکه گروه زیادی از مسلمانان به مدینه مهاجرت کرده بودند، پس از سیزده سال مبارزه پیگیر در مکه و تبلیغ اسلام به مدینه مهاجرت فرمود. (مدینه النبی) شهر یثرب با ورود پیامبر اسلام (ص) مدینه یا مدینه النبی نامگذاری شد و هجرت پیامبر اسلام از مکه به مدینه مبدا تاریخ اسلام گردید. پیامبر اسلام (ص) بعد از ورود به مدینه ابتدا مسجدی بنا نمود. که خود نیز در ساختن آن با مسلمانان همکاری می کرد. مسجد محل عبادت و مرکز حکومت و اجتماع مسلمانان مدینه محسوب می شد. پس از بنای مسجد بین مسلمانان پیوند برادری ایجاد نمود.



نبردهای مسلمانان با مشرکان : پیروزی روز افزون مسلمانان و گسترش اسلام و پایه ریزی حکومت بزرگ اسلامی در مدینه، مشرکان را بر آن داشت که تمام توان نظامی خود را برای مقابله با اسلام بکار برند. غزوه بدر، اولین نبرد مسلمانان با مشرکان بود. در این نبرد تعداد مسلمانان ۳۱۳ نفر بود و اسلحه اندکی در اختیار داشتند. در حالی که مشرکان با ۹۵۰ نفر و اسلحه فراوان به میدان آمده بودند. مسلمانان در حالی که رسول خدا(ص) پیشاپیش آنان قرار داشت بر سپاه مشرکان حمله کردند و با یاری خداوند و دلاوری و رشادت مسلمانان به ویژه حمزه عموی پیامبر(ص) و علی (ع) مشرکان را شکست داده و با گرفتن تعدادی اسیر آنان را وادار به فرار کردند. جنگ بدر در سال دوم هجرت اتفاق افتاد.

در سال سوم هجرت مشرکان مکه با سپاه سه هزار نفری و برای گرفتن انتقام شکست بدر با امکانات و تجهیزات زیاد به طرف مدینه حرکت کردند. سپاه اسلام با سپاه مشرکان، در دامنه کوه احد در مقابل یکدیگر قرار گرفتند. رسول خدا(ص) ابتدا پنجاه نفر از سربازان را مأمور حفاظت از تنگه ای کرد که در پشت سپاه اسلام قرار داشت تا خطر حمله احتمالی مشرکان را از آن محل برطرف نماید. در آغاز نبرد پیروزی با مسلمانان بود و مشرکان شکست خورده و پا به فرار گذاشتند. در این هنگام نگهبانان تنگه به تصور اینکه جنگ تمام شده است ، بر خلاف دستور پیامبر (ص)، سنگرهای خود را ترک کرده و به جمع آوری غنائم پرداختند. مشرکان که تنگه مذکور را خالی دیدند از آن ناحیه به مسلمانان حمله کردند و عده ای را به شهادت رساندند. از جمله شهدا، حمزه سردار بزرگ اسلام و عموی رسول خدا(ص) بود. مشرکان که قصد به شهادت رساندن رسول خدا(ص) را داشتند با فداکاری حضرت علی(ع) که با تمام توان از پیامبر(ص) دفاع می نمود روبرو شده در نتیجه عقب نشینی کردند.

در سال پنجم هجرت مشرکان با تمام توان و با یاری متحدان خود سپاه بزرگی فراهم کرده و به مدینه حمله کردند. مسلمانان به پیشنهاد سلمان فارسی در شمال مدینه خندقی حفر کردند و به همین خاطر این جنگ غزوه خندق نامیده شد. سپاه مشرکان وقتی به مدینه رسید در مقابل خود خندقی بزرگ را مشاهده کرد. و با کشته شدن پهلوانان آنان بوسیله حضرت علی(ع) و وزیدن بادی سرد، که چادرهای آنان را از جا می کند بالاخره شکست خورده و پراکنده شدند. غزوه خندق در قرآن احزاب نامیده شده است **فتح مکه:** پس از غزوه خندق (احزاب) مشرکان که قدرت و نیرومندی مسلمانان را مشاهده نمودند، از در سازش درآمده و حاضر به صلح با مسلمانان شدند و بدین ترتیب صلح حدیبیه واقع شد. آنان در پیمان صلح حدیبیه متعهد شدند که ده سال با مسلمانان وارد جنگ نشوند و به مسلمانان اجازه زیارت خانه خدا را بدهند. در این دوران صلح بود که پیامبر اسلام (ص) برای گسترش دین خدا در سراسر جهان نامه هایی به پادشاهان ایران و روم و مصر نوشت و آنان را به اسلام دعوت نمود. و تقریباً دو سال از عقد صلح حدیبیه گذشته بود که مشرکان پیمان شکنی کردند. در نتیجه رسول خدا(ص) با سپاهی بزرگ به سوی مکه حرکت کرد و مشرکان که توان مقابله با سپاه اسلام را نداشتند تسلیم شدند. سپس رسول خدا(ص) به مسجدالحرام رفت و علی علیه السلام به فرمان پیامبر(ص) بر دوش ایشان رفته و تمامی بتهای مشرکان را سرنگون نمود. این واقعه در سال هشتم هجرت اتفاق افتاد.

رحلت رسول خدا(ص): پیامبر اسلام (ص) پس از بیست و سه سال مبارزه و تبلیغ دین خدا (سیزده سال در مکه و ده سال در مدینه)، و برقرار کردن حکومت اسلامی ، و تعیین حضرت علی (ع) به عنوان وصی و جانشین پس از خود، به ویژه در حجة الوداع آخرین حج و در محل غدیر خم ، در ۲۸ صفر سال یازدهم هجری در سن ۶۳ سالگی رحلت نمود. مرقد مطهر رسول خدا (ص) در مدینه منوره قرار دارد

حضرت امام علی علیه السلام

نام: علی نخستین امام از دوازده امام معصوم (ع) که پیامبر (ص) ایشان را به امر خدا جانشین خود قرارداد



کنیه: ابو تراب ، ابوالأئمه ، ابوالحسن ، ابوالحسنین

لقب: مرتضی، امیر المؤمنین، امام المتقین، یعسوب الدین، مظهر العجائب، کرار، الفاروق الاعظم، قسیم الجنه و النار

پدر: عمرو بن عبدالمطلب معروف به- ابو طالب- مادر: فاطمه بنت اسد

تاریخ ولادت: جمعه سیزده رجب، ۱۰ سال پیش از بعثت مکان ولادت: مکه، داخل خانه خدا کعبه

مدت عمر: ۶۳ سال زمان شهادت: ۲۱ ماه رمضان، سال ۴۰ هجری

قاتل: عبدالرحمن بن ملجم مرادی از خوارج و منافقین

مکان شهادت و دفن: در محراب مسجد کوفه ضربت خورد و در منزل خود، در جنب غربی مسجد رحلت کرد و در (نجف) به خاک سپرده شد.

امام علی (ع) در سال سی ام عام الفیل، سالی که ابرهه به خانه خدا لشکر کشید (یعنی ده سال پیش از بعثت، در سیزدهم رجب، در درون کعبه، خانه خدا به دنیا آمد. پدر گرامی اش ابو طالب، عموی پیامبر (ص) و مادرش فاطمه بنت اسد بود. هنوز پنج سال از عمر او نگذشته بود که پیامبر (ص) او را به خانه برد و تربیت او را به عهده گرفت. علی علیه السلام نخستین مردی است که به پیامبر گرامی اسلام ایمان آورد. در مدت سیزده سال تبلیغ اسلام در مکه همواره در کنار پیامبر (ص) بود و در شب هجرت پیامبر از مکه به مدینه، علی (ع) بود که برای حفظ جان رسول خدا در بستر ایشان خوابید، و پذیرای شهادت شد. پس از هجرت از مکه به مدینه و در مدت ده سال دوران زندگی پر افتخار رسول خدا (ص) در مدینه نیز یار و یاور ایشان بود. علی (ع) جز در غزوه تبوک که به امر پیامبر اکرم (ص) در مدینه ماند در تمام غزوات و نبردهای مسلمانان با مشرکین و کفار حضور چشمگیر داشت. فداکاری، ایثار و شجاعت او در جنگهای بدر و احد و خندق و خیبر و... زبان زد همه و مایه پیروزی سپاه اسلام گردید.

رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم در موقعیتهای مختلف علی علیه السلام را به عنوان وصی و جانشین و خلیفه پس از خود به همگان معرفی می فرمود. به ویژه در بازگشت از آخرین سفر حج که به حجة الوداع معروف است در محلی به نام غدیر خم به امر خداوند بر جانشینی علی (ع) بعد از خود تاکید کرده و ایشان را مولای هر مرد و زن مسلمان معرفی فرمود. پس از فوت رسول خدا (ص) علی (ع) مدت بیست و پنج سال صبر نمود و سکوت کرد، تا دوران خلافت سه خلیفه به پایان رسد. در این دوران اگرچه به خلافت نرسید ولی با ارشاد و هدایت و راهنمایی های ارزنده خود از جامعه اسلامی و دین خدا پاسداری می نمود.

پس از قتل عثمان در سال ۳۵ هجری علی علیه السلام به اصرار و پافشاری و تقاضای انصار و مهاجرین، امر خلافت را پذیرفت. در دوران خلافت خویش که حدود چهار سال و نه ماه بود به اجرای عدالت و گسترش دادگری و احیاء سنتهای پیامبر (ص) پرداخت. دوران کوتاه خلافت علی (ع) را می توان از درخشان ترین دوران های تاریخ اسلام و بشریت به حساب آورد.

امام علی علیه السلام در آن دوران کوتاه، زیباترین حکومت و مدیریت و اداره جامعه را به بشریت عرضه نمود. گسترش عدالت در جامعه اسلامی باعث دشمنی و مخالفت های عده ای از افراد سودجو و فرصت طلب و ضد عدالت با امام (ع) گردید. به طوری که امام (ع) در دوران کوتاه خلافت خود، با سه گروه ناکثین (پیمان شکنان)، (قاسطین معاویه) و مارقین (خوارج) و در سه نبرد جمل، صفین و نهروان به جنگ با آنان پرداخت، تا راه را برای اجرای عدالت و گسترش قوانین الهی در تمامی قلمرو اسلامی هموار گردانند. طلحه و زبیر که تقاضای فرمانروایی بصره و کوفه را داشتند ولی با مخالفت امام (ع) مواجه شدند از مدینه به مکه رفتند و با همراه کردن عایشه با خود، جنگ جمل را به راه انداختند. و چون ابتدا با امام علی (ع) بیعت کرده بودند و سپس بیعت خود را شکستند ناکثین نامیده شدند. و معاویه که از سوی خلیفه دوم و مدتها پیش از خلافت علی (ع) در سرزمین شام و به شیوه پادشاهان حکومت می کرد. توسط امام علی (ع) از خلافت عزل گردید.



معاویه تسلیم فرمان امام (ع) نشد و در نتیجه جنگ سختی میان سپاه علی (ع) و معاویه در منطقه ای به نام صفین به وقوع پیوست. چیزی نمانده بود که سپاه معاویه متلاشی شود که سپاه معاویه با همدستی عمروعاص با نیرنگ و فریب، قرآن ها را بر سرنیزه ها زد و افراد ساده لوح سپاه امام (ع) را فریب داد و آنان که قرآن ها را بر سر نیزه ها مشاهده کردند دست از جنگ کشیدند و فریب سپاه معاویه را خوردند. در نتیجه معاویه عمروعاص را که فردی فریبکار بود از طرف خود به حکمیت فرستاد و او ابوموسی اشعری را فریب داد. پس از ماجرای حکمیت تعدادی از مسلمانان به نشانه اعتراض به قبول حکمیت، علیه امام (ع) خروج کردند. و علیرغم اینکه خود، ابوموسی اشعری را برای حکمیت به امام تحمیل کرده بودند به عنوان خوارج گروهی را تشکیل دادند و در محلی به نام نهروان با علی (ع) به جنگ پرداختند. اگرچه تقریباً همگی آنان در آن نبرد کشته شدند اما تعداد انگشت شماری از آنان گریختند.

نهج البلاغه: کتاب شریف و ارزشمند نهج البلاغه مجموعه ای از خطبه ها و نامه ها و کلمات کوتاه و حکیمانه امام علی علیه السلام می باشد که توسط دانشمند بزرگ شیعه سید رضی جمع آوری گردیده است. این اثر بزرگ و جاویدان حاوی ۲۳۹ یا ۲۴۱ خطبه و ۷۹ نامه و عهدنامه و ۴۸۰ کلمات کوتاه و حکمت آمیز می باشد.

شهادت امام علی علیه السلام: صبحگاه ۱۹ رمضان سال چهل هجری، امام علی علیه السلام، قرآن مجسم و اسوه و الگوی عدالت، بوسیله عبدالرحمن بن ملجم که یکی از خوارج بود در مسجد کوفه و در محراب عبادت و در حال نماز با شمشیر ضربت خورد. و دو روز بعد در شب ۲۱ رمضان، در سن ۶۳ سالگی به شهادت رسید. مرقد مطهر امام علی علیه السلام در شهر نجف در کشور عراق قرار دارد. دوران امامت علی علیه السلام حدود ۳۰ سال بود که چهار سال و نه ماه آن با خلافت همراه بود.

حضرت فاطمه زهرا سلام الله علیها

نام: فاطمه
کنیه: ام الحسین، ام الائمه المعصومین، ام المومنین، ام ابیها
لقب: بتول (بمعنی پاکیزه خیرالنساء، رضیه، محدثه، طاهره، مطهره صدیقه، عذراء، سیده، زکیه، مبارکه، معصومه پدر: حضرت محمد، رسول الله (ص)
مادر: خدیجه بنت خویلد زن فداکار اسلام، نخستین زنی که به پیامبر اسلام، حضرت محمد (ص) ایمان آورد.
تاریخ ولادت: جمعه ۲۰ جمادی الثانی، سال پنجم بعد از بعثت پیامبر (ص) ۴۵ سال بعد از عام الفیل
مکان ولادت: مکه
مدت عمر: هیجده سال و چند ماه
علت شهادت: بدنال مبارزات آن حضرت با غاصبان امامت و ولایت، در اثر ضربه زدن به پهلوی آن بزرگوار و تحت فشار قرار دادن آن حضرت میان در و دیوار که به شهادت آن بزرگوار و فرزندش محسن (سقط جنین) انجامید.
زمان شهادت: سوم جمادی الثانی، سال ۱۱ هجری، مصادف با سال رحلت پیامبر (ص) که به آن عام الحزن (سال حزن و اندوه) می گویند.

مکان شهادت و دفن: در مدینه در منزلش پهلوی مسجدالنبی به شهادت رسید و در مدینه به خاک سپرده شد.
مشهور این است حضرت فاطمه سلام الله علیها در سال پنجم بعثت و در روز بیستم جمادی الاخر در شهر مکه متولد شد.
دوران کودکی آن حضرت با اوج سختگیری و فشارهای گوناگون مشرکین نسبت به مسلمانان مصادف بود. پس از هجرت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم از مکه به مدینه، حضرت فاطمه (س) به همراه فاطمه بنت اسد مادر گرامی علی (ع) و فاطمه دختر عموی رسول خدا و عده ای دیگر، با همراهی علی (ع) به مدینه هجرت فرمود.



در مدینه بود که ازدواج مقدس و مبارک حضرت علی (ع) با فاطمه (س) به وقوع پیوست. ثمره این پیوند الهی حسن و حسین (ع) سید جوانان اهل بهشت و حضرت زینب کبری و زینب صغری (ام کلثوم) بود. مراسم ازدواج علی (ع) و فاطمه (س) را روز اول یا ششم ذی الحجه سال دوم یا سوم هجری نوشته اند.

رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: فاطمه علیها السلام از بهترین زنان بهشت است و نیز فرمود: خداوند به غضب تو (فاطمه) غضب می کند و به خشنودی تو خشنود می گردد. و نیز فرمود: فاطمه پاره تن من است. اذیت او، اذیت من و خشنودی او خشنودی من است. و نیز فرمود: خدا، من و علی و فاطمه و حسن و حسین (علیهم السلام) را از یک نور آفرید.

شهادت حضرت فاطمه سلام الله علیها: حضرت فاطمه (س) اولین کسی از اهل بیت بود که پس از فوت رسول خدا (ص) آله و سلم دار فانی را وداع گفت. حضرت فاطمه (س) پس از فوت پدر گرامی خود، رسول خدا (ص) کمتر از یک سال زندگی نمود. مدت حیات ایشان را پس از رسول خدا (ص) از چهل روز تا هشت ماه نوشته اند. حضرت فاطمه (س) در این دوران کوتاه در راه دفاع از حریم ولایت و امامت و خلافت علی علیه السلام به شهادت رسید. حضرت علی (ع) طبق وصیت ایشان، حضرت را شبانه و مخفیانه به خاک سپرد. در مورد مکان دفن آن حضرت چند احتمال است: ۱- خانه خود آن حضرت ۲- قبرستان بقیع ۳- میان قبر و منبر پیامبر حضرت فاطمه سلام الله علیها در سال یازدهم هجری و در سن هیجده سالگی به شهادت رسید. در مورد ماه و روز شهادت آن حضرت سوم جمادی الثانی، سیزدهم ربیع الثانی، و بیست و هفتم جمادی الاولی را نوشته اند.

حضرت امام حسن علیه السلام

نام: حسن (دومین امام که به امر خداوند تعیین شده است)

کنیه: ابو محمد لقب: مجتبی، زکّی، سبط

پدر: حضرت علی بن ابی طالب (ع) مادر: حضرت فاطمه (س)

تاریخ ولادت: سه شنبه ۱۵ رمضان، سال سوم هجری (بقولی سال دوم هجری)

مکان ولادت: مدینه مدت عمر: ۴۸ سال

علت شهادت: مسمومیت بر اثر زهری که همسر ایشان، جَعده دختر اشعث بن قیس، به سبب وسوسه و دسیسه معاویه به ایشان خورانده بود.

قاتل: جَعده

زمان شهادت: پنجشنبه ۲۸ صفر سال ۵۰ هجری بقولی سال ۴۹ هجری

مکان شهادت و دفن: در مدینه به شهادت رسیدند و در قبرستان بقیع در نهایت مظلومیت به خاک سپرده شدند.

امام حسن (ع) در نیمه ماه رمضان سال سوم هجرت در شهر مدینه دیده به جهان گشود. پدر گرامی اش امام علی (ع) و مادرش فاطمه زهرا (س) دختر گرامی رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم بود. شخصی بنام براء نقل می کند که: پیامبر (ص) را دیدم در حالیکه امام حسن روی دوش آن حضرت بود می فرمود: اللهم اِنِّی احبه فاحبه خدایا من دوستش می دارم پس او را دوست بدار.

امام حسن (ع) بیش از شش سال از دوران کودکی را در زمان حیات پیامبر گرامی سپری نمود. تقریباً هفت ساله بود که پیامبر (ص) دنیا را وداع نمود و مدت کوتاهی پس از آن مادر گرامیش فاطمه زهرا (س) نیز دیده از جهان فرو بست. امام حسن (ع) فرد شجاع و با شهامتی بود. در جنگهای جمل و صفین حضور داشت و در کنار پدر به نبرد با سپاه دشمن پرداخت. پس از شهادت امام علی (ع) در سال چهل هجری، عهده دار امر مقدس امامت گردید. مردم کوفه گروه گروه با ایشان بیعت کردند. امام



حسن (ع) در اولین روزهای خلافت خود، نامه ای به معاویه نوشت و او را از سرکشی منع فرمود. اما معاویه لشکری فراهم کرد و آماده جنگ شد.

امام حسن (ع) که چنین دید مردم را در مسجد جمع کرد و دستور به آمادگی سپاه داد. اما تعداد کمی از مردم در اردوگاه ((نبله)) گرد آمدند. امام (ع) برای بار دوم به کوفه بازگشت و مردم را تشویق به جهاد نمود، این بار تعداد بیشتری به اردوگاه آمدند. سپس سپاهی را به فرماندهی عیدالله بن عباس به مقابله با معاویه فرستاد. اما معاویه با دادن وعده و پرداخت پول بسیار، عیدالله بن عباس را به طرف خود جلب کرد و تعدادی از سپاهیان را موافق خود نمود. او با دادن شعار صلح طلبی، موجب اختلاف در میان سپاهیان امام حسن (ع) شد، به طوری که بعضی از آنان که راحت طلب بودند و کسانی که فریب حيله گری های معاویه را آوردند به امام (ع) اصرار می کردند که با معاویه صلح کند. تنها گروهی اندک از یاران امام حسن (ع) باقی مانده بودند. در چنین شرایطی بود که امام حسن (ع) برای حفظ اسلام و نیروهای وفادار و مؤمن و معتقد، افشای حيله گری های معاویه و آشکار ساختن ماهیت پلید او با وی صلح کرد. اما معاویه خیلی زود حيله گری نمود و به مفاد صلحنامه و قرارداد عمل نکرد.

یکی از مفاد قرارداد این بود که پس از درگذشت معاویه خلافت از آن حسن بن علی (ع) باشد و اگر حادثه ای برای او پیش بیاید، خلافت از آن حسین بن علی (ع) باشد و معاویه حق ندارد برای خود جانشینی معین کند. اما معاویه بعد از خود یزید فاسد را به خلافت گمارد و زمینه وقوع حادثه جانگداز کربلا و شهادت امام حسین (ع) و فرزندان و یاران او را فراهم آورد. معاویه که وجود مطهر امام حسن (ع) را همواره برای خود خطرناک می دید، تصمیم گرفت که امام را به شهادت برساند. در نتیجه بوسیله جعده همسر امام حسن (ع) و با پول و وعده هایی که به او داد به هدف خود رسید و امام حسن (ع) را مسموم نموده و به شهادت رسانید. معاویه به جعده وعده داده بود که در صورت به قتل رساندن امام حسن (ع) او را به همسری فرزندش یزید درآورد. امام حسن (ع) در ۲۸ صفر سال ۵۰ هجری قمری و به قولی ۷ صفر در سن ۴۷ سالگی به شهادت رسید. پیکر مطهر ایشان را در قبرستان بقیع به خاک سپردند. دوران امامت امام حسن (ع) حدود ده سال (از سال ۴۰ ه تا ۵۰ ه) و دوران خلافت امام (ع) حدود شش تا نه ماه بود.

حضرت امام حسین علیه السلام

نام: حسین (سومین امام که به امر خداوند تعیین شده است)

کنیه: ابو عبد الله لقب: خامس آل عبا، سبط، شهید، وفی، زکی

پدر: حضرت علی بن ابی طالب (ع) مادر: حضرت فاطمه (س)

تاریخ ولادت: شنبه سوم شعبان، سال چهارم هجری

مکان ولادت: مدینه مدت عمر: ۵۷ سال

علت شهادت: پس از روی کار آمدن یزید، امام که او را نالایق می دانست تن به ذلت بیعت و سازش با او را نداد و برای افشای او به فرمان خدا از مدینه به مکه و سپس به طرف کوفه و کربلا حرکت کردند و همراه با یاران خود با لب تشنه توسط دشمنان اسلام شهید شدند.

قاتل: صالح بن وهب مزنی، سنان بن انس و شمر بن ذی الجوشن، (لعنت خدا بر آنها)

زمان شهادت: جمعه دهم محرم، سال ۶۱ هجری

مکان شهادت و دفن: کربلا



امام حسین (ع) در سوم شعبان سال چهارم هجری در مدینه دیده به جهان گشود. پدر بزرگوارش علی علیه السلام و مادر گرامی اش فاطمه زهرا (س) می باشد. امام حسین (ع) حدود شش سال از دوران کودکی را در زمان حیات پر برکت رسول خدا (ص) سپری نمود. او شجاعترین امت حضرت محمد (ص) بود و شجاعت حضرت محمد (ص) و حضرت علی (ع) در ایشان جمع بود. خداوند در تربت ایشان شفا، و در داخل حرم امام حسین (ع) استجابت دعا را قرار داده است. پیامبر (ص) در حقش فرمود: احب الله من احب حسينا یعنی: خداوند دوست میدارد کسی را که حسین را دوست بدارد. پیامبر (ص) در حق او و برادر گرامی اش امام حسن (ع) فرمود: دو فرزند من حسن و حسین پیشوایان امت می باشند خواه زمام امور به دست بگیرند و یا نگیرند.

پس از شهادت امام حسن (ع) در سال ۵۰ هجری، امام حسین (ع) عهده دار امر امامت گردید. معاویه پس از بیست سال حکومت ظالمانه و قتل و کشتار شیعیان به ویژه، در سال ۶۰ هجری مرد و بر خلاف قرارداد صلح با امام حسن (ع)، پسرش یزید را به جای خود قرار داد. یزید فردی فاسد و شرابخوار و مخالف با اسلام بود. او علناً مقدمات اسلامی را زیر پا می گذاشت و آشکارا شراب می خورد. امام حسین علیه السلام از همان آغاز کار با او به مخالفت برخاست.

یزید نامه ای به حاکم مدینه نوشت و به او دستور داد که از امام حسین (ع) برای یزید بیعت بگیرد و اگر حاضر نشد او را به قتل برساند. امام (ع) که حاضر به بیعت کردن با یزید نبود با خانواده خود از مدینه به مکه رفتند. در این هنگام مردم کوفه که از مرگ معاویه با خبر شده بودند نامه های زیادی برای امام حسین (ع) نوشتند و از او خواستند تا به عراق و کوفه بیاید. امام حسین (ع) نیز مسلم بن عقیل را به کوفه فرستاد. ابتدا هزاران نفر از مردم کوفه با مسلم بن عقیل همراه شدند. اما با ورود عیدالله بن زیاد که از طرف یزید به حکومت کوفه گمارده شده بود و بسیار حيله گر و بی رحم بود، مردم کوفه فریب اقدامات او را خورده و پیمان شکنی کردند و مسلم را تنها گذاشتند.

در نتیجه عیدالله، مسلم بن عقیل را دستگیر نموده و به شهادت رسانید. هنگامی که در ابتدا مردم کوفه با مسلم بیعت کردند، مسلم نامه ای به امام حسین (ع) نوشت و به ایشان اطلاع داد که به کوفه بیاید. امام حسین (ع) با خانواده و یاران خود به طرف کوفه حرکت کرد و در نزدیکی کوفه بود که خبر پیمان شکنی مردم کوفه و شهادت مسلم را آوردند. عیدالله بن زیاد که با شهادت مسلم بر اوضاع کوفه تسلط پیدا کرده بود حر بن یزید ریاحی را برای زیر نظر گرفتن امام حسین (ع) و همراهانش فرستاد. و سپس عمر بن سعد را با سی هزار نفر به کربلا اعزام نمود. او به عمر بن سعد وعده داده بود که اگر امام حسین (ع) را به شهادت برساند او را حاکم ری خواهد کرد.

عمر بن سعد که به طمع حکومت ری به کربلا آمده بود از هیچ ستمی فروگذار نکرد. دستور داد امام حسین (ع) و یارانش را محاصره کنند و آب را بر روی آنان ببندند. یاران امام حسین (ع) که از شجاع ترین افراد بودند روز دهم محرم (عاشورا) در حالی که بیش از ۷۲ تن نبودند یکی پس از دیگری در دفاع از امام زمان خود یعنی امام حسین (ع) با عزت و آزادگی به شهادت رسیدند. حر بن یزید ریاحی نیز که ستمگری سپاه عمر سعد و حقانیت امام حسین (ع) را مشاهده کرد به سپاه امام پیوست و به شهادت رسید.

واقعۀ کربلا گرچه از نظر زمان کوتاه بود و تنها یکروز از صبح تا عصر به طول انجامید اما لحظه لحظه آن درس شهامت و ایثار و فداکاری، ایمان و اعتقاد و اخلاص بود. واقعۀ کربلا دانشگاهی است که از طفل شیرخوار تا پیرمرد به بشریت درس آزادگی می آموزد. خون های مطهر امام حسین (ع) و یارانش به اسلام حیات تازه بخشید و زمینه سرنگون شدن دودمان فاسد اموی را فراهم آورد. امام حسین علیه السلام روز دهم محرم سال ۶۱ هجری، در سن ۵۷ سالگی در کربلا به شهادت رسید. مرقد ایشان و برادر فداکارش ابوالفضل و فرزندان و یارانش در شهر کربلا در عراق قرار دارد.



حضرت امام زین العابدین علیه السلام

نام: علی (چهارمین امام که به امر خداوند تعیین شده است)

کنیه: ابوالحسن ثانی، ابومحمد

لقب: سجاد، سیدالعابدین، سیدالساجدین و زین العابدین

پدر: حضرت حسین بن علی (ع)

مادر: شهربانو دختر یزدگرد، نام اولش جهانشاه

ولادت: روز جمعه پنجم شعبان، سال ۳۸ هجری

مکان ولادت: مدینه

مدت عمر: ۵۷ سال

علت شهادت: آورده اند: هشام بن عبد الملک از خلفای ستمگر بنی امیه به مکه رفت و از کثرت ازدحام نتوانست حجرالاسود را لمس کند در گوشه ای برایش سایانی زدند که ناگهان امام سجاد را دید که مردم برای ایشان راه باز می کنند، وی با خشم و تکبر پرسید او کیست فرزددی که حاضر بود شعر معروف خود در مدح امام را خواند، هشام که به خشم آمده بود، دستور داد تا فرزددی را زندانی کنند و سپس امام (ع) را مسموم کرد.

قاتل: هشام بن عبد الملک

زمان شهادت: شنبه ۱۲ محرم، سال ۹۵ هجری

مکان شهادت و دفن: در منزل خود در مدینه به شهادت رسیدند و در قبرستان بقیع به خاک سپرده شدند.

امام چهارم، امام زین العابدین (ع) در سال ۳۸ هجری در مدینه منوره دیده به جهان گشود. پدر بزرگوارش امام حسین (ع) و مادر گرامیش شهربانو دختر یزدگرد سوم است. امام سجاد (ع) حدود سه سال از خلافت علی علیه السلام را درک کرد امام چهارم (ع) در کربلا حضور داشت اما به اراده خداوند از گزند دشمنان محفوظ ماند و به همراه اسیران از کوفه به شام منتقل شد.

امام چهارم که پس از شهادت امام حسین (ع) عهده دار امر امامت گردید. در کوفه و شام به افشای حکومت فاسد اموی و معرفی دین خدا پرداخت. در مجلس عبیدالله بن زیاد هنگامی که به قتل تهدید گردید، فرمود: آیا مرا از کشته شدن می ترسانی در حالیکه نمی دانی که کشته شدن برای ما یک افتخار است و شهادت برای ما کرامت و فضیلت است خطابه بیدار کننده و شور انگیز امام سجاد (ع) در مسجد شهر شام چنان مردم را متقلب نمود که یزید به وحشت افتاد.

بکائین (بسیار گریه کنندگان) را چهار نفر نوشته اند: آدم، یعقوب، یوسف و امام سجاد که دائماً بر مظلومیت پدر خود سیدالشهدا می گریست.

امام چهارم که پس از شهادت امام حسین (ع) عهده دار امر امامت گردید. امام سجاد (ع) پس از بازگشت از شام به مدینه، علیرغم محدودیت هایی که حکومت فاسد بنی امیه برای ایشان ایجاد نمود حدود صد و هفتاد شاگرد برجسته را تربیت کرد که از جمله آنان را می توان نام برد.

دوران امامت امام چهارم حدود سال (از سال ۶۱ هجری تا ۹۵ هجری) بود که اواخر زمان حیات امام چهارم (ع) مصادف با حکومت عبد الملک بن مروان بود. صحیفه سجادیه مجموعه دعاهایی است که از امام چهارم (ع) به یادگار مانده است. کتاب شریف صحیفه سجادیه شامل ۴۰ دعا می باشد. و امام (ع) در قالب دعا به بیان جهان بینی و خداشناسی و انسان شناسی و مسائل سیاسی و اجتماعی و اخلاقی و عرفانی پرداخته و با زیباترین مضامین انسانها را با معارف بلند اسلامی آشنا می نماید. و عاقبت بنا بر مشهور در ۲۵ محرم و به قولی ۱۲ محرم سال ۹۵ هجری به دسیسه هشام پسر عبد الملک مروان و در سن ۵۷ سالگی به شهادت رسید. مرقد مطهرش در قبرستان بقیع قرار دارد.



حضرت امام محمد باقر علیه السلام

نام: محمد (پنجمین امام که به امر خداوند تعیین شده است)

کنیه: ابو جعفر لقب: باقرالعلوم (شکافنده دانشها)

پدر: حضرت علی بن الحسین (ع) مادر: فاطمه دختر امام حسن علیه السلام

تاریخ ولادت: روز جمعه سوم صفر، سال ۵۷ هجری (بقولی اول رجب و بقولی ۲۲ رجب

مکان ولادت: مدینه مدت عمر: ۵۷ سال (بقولی ۵۸ سال و بقولی ۵۹ سال

علت شهادت: مسمومیت قاتل: ابراهیم بن الولید و بقولی هشام بن الحکم

زمان شهادت: دوشنبه هفتم ذی الحجه، سال ۱۱۴ هـ بقولی ۱۰۴ و بقولی ۱۰۷ هـ

مکان شهادت و دفن: در خانه خود در مدینه به شهادت رسیدند و در قبرستان بقیع به خاک سپرده شد.

امام پنجم، امام محمد باقر (ع) در سال ۵۷ هجری اول رجب یا سوم صفر در مدینه دیده به جهان گشود. پدر بزرگوار ایشان، امام زین العابدین (ع) و مادر گرامی او فاطمه فرزند امام حسن مجتبی (ع) است. امام باقر (ع) هنگام وفات پدر بزرگوارش ۳۸ سال داشت که عهده دار امر امامت گردید. دوران امامت امام پنجم نوزده سال به طول انجامید. امام در این دوران مقدمات تأسیس یک دانشگاه بزرگ اسلامی را پی ریزی کرد، و در آن دوران خفقان به نشر و گسترش احادیث نبوی و معارف بلند اسلامی مبادرت ورزید دوران امامت امام باقر (ع) مصادف با پنج خلیفه اموی به نامهای ولید بن عبدالملک، سلیمان بن عبدالملک، عمر بن عبدالعزیز، یزید بن عبدالملک و هشام بن عبدالملک بود. هشام که از مقام و محبوبیت امام باقر (ع) در بین مردم بیمناک بود به وسیله مأمورین خود امام را مسموم نموده و به شهادت رسانید.

حضرت امام جعفر صادق علیه السلام

نام: جعفر (به معنی نهر جاری پرفایده)، (ششمین امام که به امر خداوند تعیین شد)

کنیه: ابو عبدالله لقب: صادق

پدر: حضرت محمد بن علی (ع) مادر: معروف به ام فروه دختر قاسم بن محمد بن ابی بکر

تاریخ ولادت: یکشنبه ۱۷ ربیع الاول، سال ۸۳ هجری

مکان ولادت: مدینه مدت عمر: ۶۵ سال

علت شهادت: مسمومیت قاتل: منصور دوانیقی (خلیفه عباسی)، لعنت خدا بر او

زمان شهادت: یکشنبه ۲۵ شوال، سال ۱۴۸ هجری

مکان شهادت و دفن: در مدینه به شهادت رسیدند و در قبرستان بقیع به خاک سپرده شدند

امام جعفر صادق علیه السلام در هفدهم ماه ربیع الاول سال ۸۳ هجری در مدینه منوره دیده به جهان گشود. پدر بزرگوار ایشان امام محمد باقر (ع) و مادر گرامی اش ام فروه می باشد. امام صادق (ع) پس از شهادت امام محمد باقر (ع) عهده دار امر مقدس امامت شد. دوران امامت ایشان سی و چهار سال یعنی از سال ۱۱۴ هجری تا ۱۴۸ هجری بود. امام صادق (ع) در دوران امامت خود با خلفای بنی امیه و بنی عباس معاصر بود. زیرا در زمان ایشان بود که حکومت بنی امیه سرنگون شده و امویان جای خود را به عباسیان دادند.

امام صادق (ع) حدود ۵۰ سال از عمر شریف خود را در حکومت بنی امیه گذراند و بقیه عمر مبارکش در دوران حکومت بنی عباس سپری شد. دوران تغییر حکومت از بنی امیه به فرزندان عباس، و نزاع میان بنی امیه و بنی عباس بر سر حکومت شرایط



مناسب را پدید آورد تا امام صادق علیه السلام به ترویج و نشر علوم و آثار اسلامی بپردازد و با تربیت شاگردانی عالم و دانشمند و فقیه، زمینه گسترش علوم اسلامی را در اقصی نقاط جهان فراهم آورد. به طوری که تربیت یافتگان دانشگاه بزرگ امام صادق علیه السلام را حدود چهار هزار نفر ذکر کرده اند که در علوم مختلف اعم از فقه، حدیث، تفسیر، کلام علوم طبیعی و غیره از مجلس درس امام ششم (ع)، کسب علم و دانش نموده اند.

از جمله هزاران شاگرد امام صادق (ع) جابر بن حیان را می توان نام برد که پدر علم شیمی به شمار می رود. امام صادق (ع) در دوران امامت خود علیرغم فشارها و تنگناهایی که همواره حکام اموی و سپس بنی عباس و به ویژه منصور دوانیقی ایجاد می نمود در راه پاسداری از دین خدا از پای نشست و به گسترش و بسط علوم الهی در زمینه های گوناگون پرداخت، و ذخائر ارزشمند و گرانقدری را برای بشریت به یادگار گذاشت..

امام صادق علیه السلام محبوب ترین شخصیت جامعه اسلامی بودند و شخصیت روحانی و معنوی و علمی ایشان، منصور دوانیقی خلیفه عباسی را بر آن داشت که به هر وسیله ممکن آن حضرت را به شهادت برساند. لذا در ۲۵ شوال سال ۱۴۸ هجری قمری و در سن ۶۵ سالگی امام ششم علیه السلام به دستور منصور دوانیقی به شهادت رسید. مرقد شریف امام صادق علیه السلام در قبرستان بقیع قرار دارد.

حضرت امام موسی بن جعفر علیه السلام

نام: موسی (هفتمین امام که به امر خداوند تعیین شده است)

کنیه: ابو اسماعیل، ابو ابراهیم، ابو الحسن، ابو الحسن ماضی

لقب: کاظم، عبد صالح، باب الحوائج پدر: جعفر بن محمد (ع)

مادر: حمیده بربریه، کنیزی از ولایت بربر تاریخ ولادت: یکشنبه یا سه شنبه هفتم صفر، سال ۱۰۸ هجری

مکان ولادت: ابواء محلی ما بین مکه و مدینه مدت عمر: ۵۵ سال

علت شهادت: مسمومیت

قاتل: سندی بن شاهک یهودی که به دستور هارون الرشید (خلیفه عباسی) به آن حضرت غذای مسموم خورانید.

زمان شهادت: جمعه ۲۵ رجب، سال ۱۸۳ هجری

مکان شهادت و دفن: در خانه سندی بن شاهک در خارج بغداد قدیم به شهادت رسیدند و در مقابر قریش نزدیکی بغداد به خاک سپرده شدند.

امام هفتم موسی بن جعفر علیه السلام در هفتم ماه صفر سال ۱۰۸ هجری قمری در روستای ابواء (بین مکه و مدینه متولد شد). پدر گرامی ایشان امام جعفر صادق علیه السلام و نام مادر ایشان راحمیده نوشته اند. امام هفتم، پس از شهادت امام صادق (ع) عهده دار امر امامت گردید. دوران امامت امام هفتم، موسی بن جعفر (ع) حدود ۳۵ سال (از سال ۱۴۸ هجری تا ۱۸۳ هجری بود. دوران امامت امام هفتم با خلفایی چون منصور دوانیقی، مهدی عباسی، هادی عباسی و هارون الرشید مصادف بود و بیش از بیست و سه سال از دوران امامت ایشان در زمان هارون الرشید سپری گردید.

منصور دوانیقی پس از به شهادت رسانیدن امام ششم، به فرماندار مدینه به نام محمد بن سلیمان نامه نوشت و فرمان داد که اگر جعفر بن محمد شخصی را جانشین خود قرار داده است او را احضار نماید و گردن بزند. فرماندار مدینه در جواب نامه منصور چنین نوشت که جعفر بن محمد در وصیتنامه رسمی خود پنج نفر را وصی و جانشین خود قرار داده است و آنها عبارتند از: منصور



دوانیقی، محمد بن سلیمان فرماندار مدینه، عبدالله بن جعفر، موسی بن جعفر (امام هفتم)، و حمیده همسر خود. امام صادق (ع) با تنظیم این وصیت نامه از قتل امام هفتم امام موسی بن جعفر جلوگیری نمود.

امام هفتم (ع) در سن بیست سالگی، و در چنین شرایط سخت و خفقان آور، عهده دار امر امامت گردید. در دوران امامت ایشان شرایط سیاسی و اجتماعی، و فشار حکام ستمگر و فاسد به حدی بود که یاران و شاگردان امام قادر نبودند نام ایشان را به طور آشکار بیان کنند و هنگام نقل از امام (ع) ایشان را با نامهای ابوابراهیم، عبدصالح، عالم، صابر و امین نام می بردند. در چنین شرایطی بود که امام هفتم (ع) به پاسداری و ترویج دین خدا و تربیت شاگردان پرداختند. اواخر دوران امامت امام هفتم (ع) با حکومت هارون الرشید خلیفه عباسی مصادف بود.

هارون که همواره از قیام شیعیان بیمناک بود و وجود مقدس امام (ع) را برای حکومت خود خطری بزرگ می دانست ابتدا امام را زندانی و سپس ایشان را از یک زندان به زندان دیگر منتقل می نمود. و سرانجام آن بزرگوار بوسیله سندی بن شاهک، در زندان، مسموم و به شهادت رسانید. امام هفتم علیه السلام در ۲۵ رجب سال ۱۸۳ هجری قمری در زندان هارون در بغداد و در سن ۵۵ سالگی به شهادت رسید. مرقد شریف این امام بزرگوار در شهر کاظمین نزدیک بغداد قرار دارد.

حضرت امام علی بن موسی الرضا علیه السلام

نام: علی (هشتمین امام که به امر خداوند تعیین شده است)

لقب: رضا

کنیه: ابوالحسن الثانی

مادر: نجمه بقولی تُکْتَم و بقولی ام البنین) از مردم نوبه

پدر: حضرت موسی بن جعفر (ع)

مکان ولادت: مدینه

تاریخ ولادت: سه شنبه ۱۱ ذیقعه، سال ۱۴۸ هجری

علت شهادت: مسمومیت

مدت عمر: ۵۵ سال

قاتل: مأمون، که انگور زهر آلود را به آن حضرت خوراند.

زمان شهادت: جمعه آخر صفر، سال ۲۰۳ هجری

مکان شهادت و دفن: در خانه خود در شهر طوس پس از آنکه از مجلس مأمون بیرون آمد و در اثر مسمومیت به شهادت رسیدند و در موضعی در چهار فرسخی طوس که مقبره هارون بود در دهی به نام سناباد که اکنون به آن مشهد مقدس می گویند به خاک سپرده شدند.

امام هشتم، علی بن موسی الرضا علیه السلام در یازدهم ماه ذی القعه سال ۱۴۸ هجری قمری در مدینه منوره متولد شد. پدر گرامی ایشان امام موسی بن جعفر (ع) و نام مادرشان را نجمه نوشته اند. امام رضا علیه السلام پس از شهادت پدر بزرگوارش در زندان بغداد، در سن سی و پنج سالگی عهده دار امر مقدس امامت گردید. مدت امامت آن حضرت بیست سال به طول انجامید. از این مدت ده سال معاصر هارون الرشید، پنج سال معاصر پسر هارون محمد امین و پنج سال دیگر معاصر مأمون پسر دیگر هارون بود. خلفای عباسی که همچون حکام ستمگر و خونریز اموی همواره از نفوذ و شخصیت الهی و معنوی ائمه معصومین علیهم السلام بیمناک بودند و از موقعیت و محبوبیت آنان در جامعه اسلامی آگاهی داشتند به شیوه های مختلف تلاش می کردند که مانع ارتباط و ملاقات مردم با آنان شوند.

به همین منظور ائمه معصومین علیهم السلام چه در حکومت اموی و چه در زمان تسلط عباسیان به شدت تحت نظر و مراقبت شدید مأموران و جاسوسان حکومتی بودند و خلفا تلاش می کردند از کوچکترین حرکت و ملاقات و فعالیت آنان با خبر شوند.



حمله های شبانه مأموران خلیفه به خانه امام صادق علیه السلام و تبعید و زندانی کردن امام هفتم علیه السلام نمونه های بارزی از وحشت دستگاه حکومت عباسی از مقام و موقعیت و محبوبیت و نفوذ ائمه معصومین (ع) در جامعه اسلامی می باشد. پنج سال آخر دوران امامت، امام هشتم علیه السلام مصادف با حکومت مأمون خلیفه عباسی بود. مأمون که همواره از قدرت شیعیان در جامعه اسلامی بیمناک بود و از مقام و موقعیت امام رضا علیه السلام در میان آنان به خوبی آگاهی داشت برای جلب نظر شیعیان و پیروان امام رضا (ع) و با هدف ایجاد محدودیت و زیر نظر داشتن ایشان، آن حضرت را از مدینه به مرو (خراسان) آورد.

او ابتدا پذیرفتن خلافت را به امام (ع) پیشنهاد نمود و هنگامی که با امتناع امام علیه السلام روبرو شد با اصرار توأم با تهدید، ولایتعهدی را به ایشان پیشنهاد کرد که امام علیه السلام نیز با تهدید مأمون بالاجبار ولایتعهدی مأمون را با شرایطی از جمله اینکه هیچگونه دخالتی در امور اجرایی نداشته باشد، پذیرفت.

مقام و موقعیت روزافزون امام علیه السلام در جامعه اسلامی نفوذ معنوی و روحانی ایشان و معرفی سنت نبوی، به ویژه در جریان برگزاری نماز عید فطر، که امام (ع) به روش رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم برای اقامه کردن آن از خانه خارج شدند هراس و دلهره مأمون را دوچندان نمود. او که با پیشنهاد ولایتعهدی به امام رضا (ع) به هدف و مقصود خود که همانا همراه کردن امام (ع) با خود بود نرسیده بود، تصمیم گرفت به هر شیوه ممکن امام (ع) را به شهادت برساند.

لذا امام رضا علیه السلام را با شیوه ای خاص و به صورت پنهانی مسموم و ایشان را به شهادت رسانید. امام هشتم (ع) در آخر صفر سال ۲۰۳ هجری قمری در سن ۵۵ سالگی به دست مأمون به شهادت رسید. مرقد مطهر آن حضرت در مشهد مقدس قرار دارد و قبله گاه شیفتگان مقام امامت و ولایت است.

حضرت امام محمد تقی علیه السلام

نام: محمد (نهمین امام که به امر خداوند تعیین شده است)

کنیه: ابو جعفر، ابو الفضل لقب: تقی، جواد

پدر: حضرت امام رضا (ع) مادر: خیزران به قولی سبیکه نوبیه و به قولی ریحانه ام ولد بوده

تاریخ ولادت: جمعه ۱۰ رجب، سال ۱۹۵ هجری مکان ولادت: مدینه

مدت عمر: بیست و پنج سال و اندی علت شهادت: مسمومیت

قاتل: ام الفضل، همسر ایشان که به دستور معتصم امام را مسموم کرد

زمان شهادت: سه شنبه آخر ماه ذی القعدة، سال ۲۲۰ هجری

مکان شهادت و دفن: در بغداد به شهادت رسیدند و در مقابر قریش، در پشت سر جدش، امام موسی کاظم (ع) به خاک سپرده شدند.

امام نهم، امام محمد تقی (امام جواد) (ع) در ۱۰ رجب سال ۱۹۵ هجری در مدینه منوره دیده به جهان گشود. پدر گرامی ایشان امام رضا علیه السلام و نام مادر ایشان را خیزران یا سبیکه نوشته اند.

امام جواد (ع) پس از شهادت پدر بزرگوارش عهده دار امر مقدس امامت گردید. دوران امامت خویش با دو خلیفه عباسی یعنی مأمون و معتصم معاصر بود. امام جواد (ع) در سن ۹ سالگی به امر خداوند عهده دار مقام والای امامت شدند و از همان آغاز از سوی مأمون خلیفه عباسی و سپس معتصم، تحت مراقبت شدید قرار داشتند. آنان برای زیر نظر داشتن امام (ع) ایشان را از مدینه به بغداد آوردند. و مأمون برای جلب قلوب شیعیان دختر خود ام الفضل را به همسری امام جواد (ع) درآورد. اما همواره از گسترش موقعیت روز افزون امام جواد (ع) و مقام علمی و معنوی ایشان در جامعه اسلامی بیمناک بود. و برای کم رنگ جلوه دادن



موقعیت امام جواد (ع) به تشکیل مجالس مختلف و با حضور دانشمندان و علماء و طرح سوالات گوناگون مبادرت می ورزید. اما هر بار با پاسخهای روشن و مستدل و قانع کننده امام جواد (ع) روبرو می شد که اعجاب و شگفتی همگان را نسبت به مقام علمی و معنوی امام (ع) برمی انگیزخت. مأمون در سال ۲۱۸ هجری مرد و پس از وی معتصم مقام خلافت را غصب کرد. امام جواد (ع) که به مدینه آمده بودند، از سوی معتصم به اجبار به بغداد آورده شدند. معتصم که وجود مبارک امام جواد (ع) را برای حکومت خود خطری بزرگ احساس می کرد به وسیله همسر ایشان یعنی امّ الفضل دختر مأمون، امام جواد (ع) را مسموم کرده و به شهادت رسانید. امام جواد (ع) در آخر ذی القعدة سال ۲۲۰ هجری قمری و در سن بیست و پنج سالگی با دسیسه معتصم خلیفه عباسی به شهادت رسید. و در کنار قبر مطهر جد بزرگوارش موسی بن جعفر (ع) به خاک سپرده شد. مرقد مطهر ایشان در شهر کاظمین عراق قرار دارد.

حضرت امام علی النقی علیه السلام

نام: علی (دهمین امام که به امر خداوند تعیین شده است)

کنیه: ابو الحسن الثالث

لقب: نقی، هادی، عالم، متوکل

پدر: محمد تقی

مادر: سوسن و به قولی سمانه

تاریخ ولادت: ۱۵ ذی الحجه، سال ۲۱۲ هجری

مکان ولادت: حرباء، مکانی در مدینه

مدت عمر: چهل و دو سال

علت شهادت: مسمومیت

قاتل: به قولی توسط ایادی متوکل مسموم شدند

زمان شهادت: دوشنبه سوم رجب، سال ۲۵۴ هجری

مکان شهادت و دفن: در، سرمن رای (سامراء) به شهادت رسیدند و در خانه خود در سامراء به خاک سپرده شدند.

امام دهم، حضرت امام علی النقی (هادی) علیه السلام در نیمه ماه ذی الحجه الحرام سال ۲۱۲ هجری قمری در مدینه منوره دیده به جهان گشود. پدر گرامی ایشان امام محمد تقی جواد علیه السلام است و نام مادر گرامیشان را سمانه نوشته اند. دوران امامت آن حضرت سی و سه سال (از سال ۲۲۰ هجری تا ۲۵۴ هجری) به طول انجامید. امام دهم (ع) در طول عمر شریف خود با شش خلیفه عباسی معاصر بودند. که اولین آنها معتصم و آخرین آنها معتز خلیفه عباسی بود. در دوران امامت ایشان مراقبت و کنترل و خفقان و فشار حکومت به حدی بود که امام دهم را در شهر سامرا که برای خلفای عباسی عنوان یک پادگان نظامی را داشت سکونت داده بودند. و هر گونه ارتباط و ملاقات با ایشان را توسط مأموران و جاسوسان خود زیر نظر داشتند. متوکل خلیفه غاصب عباسی هنگامی که در سال ۲۳۲ هجری خلافت را غصب کرد از آنجا که وحشت زیادی از شیعیان داشت امام هادی علیه السلام را از مدینه به سامرا آورد. و علیرغم اینکه امام هادی (ع) را در پادگان نظامی و زیر نظر مأموران و جاسوسان خود قرار داده بود، باز شبانه افراد دیگری را برای بازرسی به خانه امام می فرستاد. متوکل بارها دستور داد تا قبر مطهر امام حسین علیه السلام را خراب کنند و مردم را از زیارت آن مرقد مطهر باز دارند. در چنین شرایط سختی بود که امام هادی (ع) به رهبری و هدایت شیعیان و پاسداری از حریم دین خدا می پرداختند. پس از متوکل، منتصر و مستعین، خلافت را غصب کردند و سپس معتز فرزند متوکل در سال ۲۵۲ خلافت را اشغال کرد. در سوم رجب سال ۲۵۴ هجری قمری سرانجام امام هادی (ع) را مسموم کرده و به شهادت رسانید. امام هادی (ع) در سن چهل و دو سالگی در شهر سامرا به شهادت رسید. مرقد مطهر آن حضرت در شهر سامرا قرار دارد.

حضرت امام حسن عسکری علیه السلام

نام: حسن (یازدهمین امام که به امر خداوند تعیین شده است)

کنیه: ابو محمد، ابوالقاسم

لقب: زکی، عسکری



مادر: سلیل (حُدَیث)

پدر: علی النقی

تاریخ ولادت: دوشنبه هشتم ربیع الثانی، سال ۲۳۲ هجری در زمان واثق بالله

مدت عمر: بیست و هشت سال

مکان ولادت: مدینه

قاتل: به دستور معتمد علی الله به آن حضرت زهر خوراندند.

علت شهادت: مسمومیت

زمان شهادت: جمعه هشتم ربیع الاول، سال ۲۶۰ هجری

مکان شهادت و دفن: در سامراء به شهادت رسیدند و در همانجا در پهلوی پدر بزرگوار خود، امام هادی (ع) به خاک سپرده شدند.

امام یازدهم، حضرت امام حسن عسکری علیه السلام در سال ۲۳۲ هجری قمری، هشتم ربیع الثانی یا ۲۴ ربیع الاول، در مدینه منوره متولد شد. پدر گرامی ایشان امام علی النقی (هادی) علیه السلام و نام مادرشان را سلیل یا حُدَیث نوشته اند. پس از شهادت امام دهم (ع) در سال ۲۵۴ هجری، امام حسن عسکری (ع) در سن بیست و دو سالگی عهده دار امر مقدس امامت گردیدند. دوران امامت ایشان یکسال با خلافت معتز بالله و یکسال با خلافت مهدی بالله و چهار سال با خلافت معتمد خلیفه عباسی مصادف بود. شیوه این خلفای ستمگر چون دیگر خلفای عباسی، کنترل و مراقبت شدید از امام حسن عسکری (ع) بود. امام یازدهم (ع) نیز مانند پدر بزرگوار ایشان در سامرا تحت مراقبت شدید مأموران و جاسوسان خلیفه غاصب قرار داشت. و از آنجا که آنان از طریق اخبار و روایات می دانستند که امام زمان، مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف از نسل امام حسن عسکری (ع) می باشد، و اوست که به اراده خداوند تمامی حکومتهای ستمگر و فاسد و خودکامه را نابود خواهد نمود، شدیدترین مراقبت و کنترل را اعمال می کردند. خلیفه در پی یافتن اطلاع از وجود مقدس فرزند امام حسن عسکری (ع) بود و حتی پس از شهادت امام حسن عسکری (ع) نیز به دنبال یافتن فرزند گرانقدر ایشان امام زمان (عج) بود و خانه ایشان را بوسیله مأموران تفتیش می کردند. دوران امامت امام حسن عسکری (ع) شش سال (از سال ۲۵۴ تا ۲۶۰ هجری قمری) به طول انجامید. به دنبال مراقبت دشمنان اسلام برای جلوگیری از تولد امام مهدی (ع) که شنیده بودند فرزند ایشان است و روزی قیام کرده و دشمنان اسلام را نابود خواهد کرد، محل زندگی ایشان را در عسکر (لشکرگاه) قرار داده بودند، و به همین جهت لقب عسکری به ایشان داده شد. امام یازدهم (ع) هشتم ربیع الاول ۲۶۰ هجری به دسیسه معتمد عباسی در شهر سامرا و در سن ۲۸ سالگی به شهادت رسیدند. مرقد شریف ایشان در شهر سامرا قرار دارد.

امام زمان حضرت مهدی علیه السلام

نام: محمد (دوازدهمین و آخرین امام که به امر خداوند تعیین شد)

لقب: حجة الله، مهدی، هادی، قائم، منتظر، صاحب الامر

کنیه: ابو عبدالله، ابوالقاسم، ابوصالح

مکان ولادت: سرمن رأی (سامراء)

تاریخ ولادت: شب جمعه ۱۵ شعبان، سال ۲۵۵ هجری

پدر: حضرت امام حسن علیه السلام

مادر: نرجس، دختر قیصر روم که او را بصورت کنیزی به سرزمین حجاز آورده بودند

مدت عمر: امام قائم (عج) زنده و از نظرها غائب است تا زمانیکه به خواست خداوند ظهور نمایند و جهان را پر از عدل و داد فرمایند.

امام دوازدهم، حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در نیمه شعبان سال ۲۵۵ هجری قمری، روز جمعه هنگام طلوع فجر در سامرا دیده به جهان گشود. پدر بزرگوار ایشان امام حسن عسکری (ع) و نام مادر گرامی اش نرجس (ع) می باشد.



امام زمان (عج) پس از شهادت پدر بزرگوارش در سال ۲۶۰ هجری عهده دار امر مقدس امامت شد. به امر خداوند از همان آغاز دوران امامت، نخستین غیبت امام زمان (ع) به نام غیبت صغری آغاز گردید. غیبت صغری تقریباً هفتاد سال به طول انجامید و از سال ۲۶۰ تا ۳۲۹ هجری ادامه یافت. پس از آن غیبت کبری آغاز شد و هر زمان که خداوند اراده کند امام زمان (ع) ظهور نموده و جهان را پر از عدل و داد خواهد کرد. در دوران غیبت صغری، شیعیان و پیروان امام زمان (عج) از طریق (نواب خاص) آن حضرت با ایشان تماس داشتند و پاسخ سوالات و مسائل خود را دریافت می کردند. نواب خاص امام زمان (ع) در زمان غیبت صغری به ترتیب عبارت بودند از:

- ۱- عثمان بن سعید عَمَری، که در سال ۲۶۵ هجری وفات نمود. ۲- محمد بن عثمان عَمَری که در سال ۳۰۵ وفات نمود.
- ۳- ابوالقاسم حسین بن روح نوبتی که در سال ۳۲۶ وفات نمود. ۴- علی بن محمد سَمَری که در سال ۳۲۹ هجری رحلت نمود. با وفات علی بن محمد سَمَری، غیبت کبری آغاز گردید و باب نیابت خاصه بسته و نیابت عامه آن حضرت آغاز شد. نواب عام امام زمان (عج) که همانا مراجع تقلید می باشند پاسدار دین خدا و پاسخگوی سوالات و پرسشهای مردم می باشند.

فصل ۵

دعا و مناجات

قَالَ رَبُّكُمْ

پروردگارتان گفت

ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ

بخوانید مرا تا اجابت کنم شما را

- دعا کلیدی است که با آن گنجینه بخشایش الهی را می توان گشود.
- دعا وسیله قرب الی الله و مغز عبادت الهی است.
- دعا زنگ در رحمت رحیمیه خداوند، و سبب ریزش برکات الهی است.
- دعا ره توشه سالکان طریق وصال، و شعار عاشقان قبله جمال دوست است.
- دعا بهترین رابطه انسان با خدای متعال است.
- دعا یاد دوست در دل راندن و نام او به زبان آوردن و در خلوت با او جشن ساختن و در وحدت با او نجوی گفتن و شیرین زبانی کردن است.



رسول الله (ص): دعایی که با بسم الله الرحمن الرحيم شروع شود، رد نمی‌شود.

(بحار الانوار، ج ۹۰، ص ۳۱۳)

امام علی علیه السلام: نمی‌شود که خداوند در دعا را باز کند اما در اجابت را ببندد.

(وسائل الشیعه، ج ۷، ص ۲۷)

نکات اجرایی:

- ✓ دعا همراه با جماعت: در دین اسلام به جماعت اهمیت زیادی داده شده است، حتی عبادات فردی مانند نماز، اگر با جماعت باشد ثواب آن چندین برابر می‌شود، دعا نیز اگر به جماعت برگزار شود، به اجابت نزدیکتر است.
- ✓ پیشنهاد می‌شود تا آنجا که امکان دارد دعاها به صورت جمعی خوانده شود
- ✓ در هنگام دعا دست‌ها رو به بالا و در هر بند با کلمه «آمین» همراه باشد
- ✓ مربی می‌تواند در هر هفته از بین مناجات‌ها، یکی را جهت اجرا انتخاب نماید
- ✓ توجه به مضامین مناجات‌ها از نکات قابل توج می‌باشد که بر عهده مربی است
- ✓ مربی می‌تواند در بخش مناجات‌ها از سرودهای آوای مدرسه که مضمون دعایی دارند استفاده نماید

دعاهای قرآنی به کلمه ربنا

آیاتی که به عبارت ربنا مزین شده بیانگر این واقعیت است که اهل ایمان را ارشاد فرماید تا چه چیزهایی را با چه جملاتی از خداوند تبارک و تعالی طلب کنند.

❁ ربنا اتنا فی الدنیا حسنه و فی الآخره حسنه و قنا عذاب النار. (سوره بقره آیه ۲۰۱)

پروردگارا در دنیا و آخرت به ما نیکی و احسان فرما و ما را از عذاب آتش دوزخ مصون بدار.

❁ ربنا اتنا من لدنک رحمه و هیئ لنا من امرنا رشدا. (سوره کهف آیه ۱۰)

پروردگارا از جانب خود بر ما رحمتی فرست و برای رشد عقلی ما وسایل هدایت و ارشاد آماده فرما.

❁ ربنا اغفر لنا ذنوبنا و اسرافنا فی امرنا و ثبت اقدامنا و انصرنا علی القوم الکافرین (سوره آل عمران آیه ۱۴۷)

پروردگارا گناهان ما را بیامرز و لغزش و اسراف ما را ببخش و قدمهای ما را در راه انجام انجام وظیفه ثابت بدار و بر کفار نصرت و پیروزی بخش.

❁ ربنا اصرف عنا عذاب جهنم ان عذابها کان غراما (سوره فرقان آیه ۶۵)

پروردگارا عذاب جهنم را که آن عذاب برای همیشه هلاک کننده است از ما دور کن.

❁ ربنا اغفر لی و لوالدی و للمؤمنین یوم یقوم الحساب (سوره ابراهیم آیه ۴۱)

پروردگارا، مرا و پدر و مادر مرا و همچنین مؤمنین را در روز حساب بیامرز.

❁ ربنا انک تعلم ما نخفی و ما نعلن و ما یخفی علی الله من شیء فی الارض و لا فی السما (سوره ابراهیم آیه ۳۸)

پروردگارا تو می‌دانی آنچه در پنهان و آشکار انجام می‌دهیم، بر خداوند در آسمان و زمین هیچ کار و هیچ چیز پوشیده نیست.

❁ ربنا علیک توکلنا و الیک انبنا الیک المصیر. (سوره ممتحنه آیه ۴)

پروردگارا در هر کار به تو توکل می‌کنیم و از تو یاری می‌جوییم که بازگشت همه ما به سوی توست.

❁ ربنا فاغفر لنا ذنوبنا و کفر عنا سیاتنا و توفنا مع الابرار (سوره آل عمران آیه ۱۹۳)

پروردگارا گناهان ما را بیامرز و از بدیهای ما درگذر و پیویشان و ما را با نیکوکاران قرار ده.



دعای صباحنا

اللهم اجعل صباحنا - صباح الابرار
و لا تجعل صباحنا - صباح الاشرار
اللهم جعل صباحنا - صباح المقبولين
و لا تجعل صباحنا - صباح المردودين
اللهم جعل صباحنا - صباح الصالحين
و لا تجعل صباحنا - صباح الظالمين يا طالحين
اللهم جعل صباحنا - صباح الخير و السعاده
و لا تجعل صباحنا - صباح الشر و الشقاوه
و لا تجعل صباحنا - صباح الطالحين
برحمتك يا ارحم الراحمين
وصلی الله على محمد واله الطاهرين

دعا جهت سلامتی امام زمان (عج)

اللهم كن لوليّك الحجّة بن الحسن صلواتك عليه و على آباءه في هذه الساعه و في كلّ الساعه وليّاً و حافظاً
و قائداً و ناصراً و دليلاً و عيناً حتّى تسكنه ارضك طوعاً و تمتّعه فيها طويلاً.

چند نمونه مناجات یا رب ز کرم دری برویم بگشای راهی که درو نجات باشد بنمای

- ۱- خدایا قلب ما را به نور قرآن روشن کن. آمین
خدایا معلمان و مربیان ما را یاری کن تا بتوانند در امر تعلیم و تربیت موفق و پیروز باشند آمین
خدایا وجود پدر و مادرمان از نعمت توست که بر ما داده ای، خدایا به آن ها طول عمر و سلامتی عطا فرما. آمین
خدایا ما را در راه فراگیری علم و دانش توفیق عنایت بفرما. آمین
خدایا چنان کن سرانجام کار تو خشنود باشی و ما رستگار آمین
- ۲- خدایا در دنیا و آخرت به ما نیکی کن. آمین
خدایا به ما علم و معرفت عطا بفرما. آمین
خدایا پدر و مادر ما عمر با عزت عنایت بفرما. آمین
خدایا ما را شکرگزار نعمت هایت قرار بده. آمین
خدایا اعضای بدن ما را در راه اطاعت خود نیرومند گردان. آمین

- ۳- خدایا ما را به سوی انجام کارهای شایسته هدایت فرما. آمین
پروردگارا ما را دوستانی خوب و شایسته برای یکدیگر قرار بده. آمین
خدایا ما را از فریب شیطان در امان بدار. آمین
خدایا ما را از اسراف و زیاده روی نجات بده. آمین
خدایا اخلاق ما را نیکو و عمل ما را شایسته بگردان. آمین



۴- خدایا آشنایی و انس ما را با قرآن بیشتر فرما.
 خدایا قلب مهربان رهبر انقلاب اسلامی ایران را از ما راضی و خشنود بگردان.
 خدایا قلب امام دوازدهم حضرت مهدی (عج) را از ما راضی بفرما.
 خدایا ما را یاری کن تا در راه رضای تو گام برداریم.
 خدایا ما را از یاران و منتظران حضرت مهدی (عج) قرار بده.

۵- خدایا اراده ی ما را برای کسب علم و دانش محکم و قوی بگردان.
 خدایا اخلاق ما را نیکو و پسندیده و عمل ما را شایسته بگردان.
 خدایا زبان ما را از سخن های ناپسند و دروغ حفظ بفرما.
 خدایا در برابر سختی ها، بر توانایی و صبر ما بیفزای.
 خدایا ما و دوستان ما را از وسوسه های شیطان فریبنده حفظ فرما.
 خدایا ما را نزد پدر و مادر و معلمانمان عزیز بدار.

۶- خدایا گناهان ما را ببخش.
 خدایا ما را دوستدار پیامبر (ص) و اهل بیتش (ع) قرار بده.
 خدایا ما را اهل نماز و دعا قرار بده.
 خدایا ما را از اسراف و زیاده روی حفظ فرما.
 خدایا فرج آقا امام زمان را نزدیک بگردان.

۷- خدایا به ما توفیق عطا کن تا از دستورات آسمانی پیامبرت پیروی کنیم.
 خدایا ما را قدردان زحمات معلمان و مربیان قرار بده.
 خدایا سایه بلند مقام معظم رهبری آیه الله خامنه ای را از سر ما کم و کوتاه مگردان.
 خدایا انقلاب اسلامی ما را تا انقلاب مهدی (عج) از هر بلا و گزند ی حفظ بگردان.
 خدایا تو بخشنده خطاهایی از خطاهای کوچک و بزرگ ما در گذر.

۸- خدایا به اندازه یک چشم بر هم زدن مرا به خودم وامگذار.
 خدایا ما را در گفتار نیک و راستگویی استوار بدار.
 خدایا زبان ما را از هر گونه غیبت و سخنان ناروا دور بدار.
 خدایا پدر و مادر، دبیران و مسئولان عزیز ما را در سایه حضرت حق محفوظ بدار.
 خدایا ما را از گناهان که وسوسه شیطان است دور کرده و به راه راست هدایت فرما.

۹- خدایا توفیق عمل به قرآن کریم را به همه مسلمانان عنایت فرما.



خدایا پدر و مادرمان از دست ما خشنود و راضی بگردان. آمین
 خدایا ما را از کبر و غرور و جاهل و نادانی حفظ فرما. آمین
 خدایا به دانش آموزان ما توفیق بده تا در راه علم و دانش قدم بردارند. آمین
 خدایا بیماران ما را شفا و راحتی عنایت بفرما. آمین
 خدایا انقلاب اسلامی ما را محافظت فرما و رهبر عالی قدر ما را سلامت نگه دار. آمین

۱۰- پروردگارا به محمد و آل محمد(ص) درود فرست و محبت آن ها را در دل ما بیشتر بگردان. آمین
 خدایا دعای خیر پدر و مادر و مربیان عزیزمان را در حق ما مستجاب بگردان. آمین
 خدایا زبان ما را به سپاس و ستایش خودت بگشای تا همیشه سخن را با نام تو آغاز کنیم. آمین
 خدایا بر ما منت بگذار و نعمت سلامتی و تندرستی را بر ما عنایت فرما. آمین
 خدایا سینه های ما را از بیماری های روحی همچون بخل و حسد و کبر و ریا و دروغ محفوظ بدار. آمین

۱۱- پروردگارا نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران را که با خون شهدای عزیز آبیاری شده، در پناه خودت حفظ بفرما. آمین
 خداوندا روح امام عزیز و بنیان گذار جمهوری اسلامی ایران را از ما راضی و خشنود بگردان. آمین
 خداوندا پرچم پرافتخار اسلام و جمهوری اسلامی ایران را بر فراز قله های عالم به اهتزاز درآور. آمین
 ما را از یاران واقعی امام زمان (عج) قرار بده. آمین

نیایش

آمین	صراط مستقیم نصیب ما کن - الله	الله الله الله، ایمان عطا کن - الله
آمین	در راه انسان ها هم پیمان باشیم - الله	ما را نیرویی ده تا انسان باشیم - الله
آمین	در راه دین به ما همت عطا کن - الله	الله الله الله عزت عطا کن - الله
آمین	همکاری با یاران نصیب ما کن - الله	الله الله الله قوت عطا کن - الله
آمین	توفیق نیایش نصیب ما کن - الله	الله الله الله دانش عطا کن - الله

تویی پناه بی پناهان	خداوندا، خداوندا
منم ز کرده ها پشیمان	گنه دارم، گنه کارم
توئی همیشه در کنارم	تو غفاری، تو ستاری
به جز تو تکیه گه ندارم	امیدم را مگیر از من
توئی پناه توبه خواهان	توئی خدای حی و سبحان
برون کشم از این تباهی	خداوندا خداوندا
چراغ من در این سیاهی	ز خورشیدت، برافروزان
به جسم وهستیم نشسته	شب طوفان، شب وحشت



از این ورطه، برون آور
مرا ز خستگی رها کن
شکسته زورق تنم را
مرا که کشتیم شکسته
به من بده دل هدایت
ببر به ساحل سلامت

سپاس

سپاسگزارم از این که می توانم راه بروم ، در حالی که انسان هایی وجود دارند که هرگز نتوانسته اند اولین گام را بردارند. سپاس
سپاسگزارم از این که می توانم زیبایی های اطرافم را ببینم در صورتی که انسان هایی وجود دارند که دنیا برایشان تاریک است
سپاس سپاسگزارم از این که می توانم صدای پرندگان، انسانها، رودخانه ها ، و را بشنوم در حالی که انسان هایی هستند که تمام
زندگیشان در سکوت می گذرد
سپاس
سپاسگزارم از این که می توانم کار کنم، در حالی که انسانهایی هستند که حتی برای اساسی ترین احتیاجات خود به دیگران
وابسته اند.
سپاس
سپاسگزارم به خاطر اینکه روز را آفریدی تا من تمام توانایی خود را برای رسیدن به اهدافم به کار گیرم و به این معنی است که
گرمی زندگی را همانند روزهای آفتابیت دوست دارم.
سپاس
سپاسگزارم به خاطر اینکه شب را آفریدی و من می توانم وجودت را در درخشش ستاره ها احساس نمایم و این به این معنی
است که چقدر به من نزدیکی
سپاس
سپاسگزارم به خاطر این که همیشه و همه جا با من بوده ای و هستی و از رگ گردن به من نزدیکتری حال آیا این همه نعمت جای
سپاس ندارد. خدایا تو را سپاس

دعای فرج امام زمان علیه السلام

کفعمی در بلد الامین فرموده این دعاء حضرت صاحب الامر علیه السلام است که آن را به شخصی که محبوس بود تعلیم فرمود
پس خلاص شد .

اَللّٰهُمَّ عَظُمَ الْبَلَاءُ وَبَرِحَ الْخَفَاءُ وَانْكَشَفَ الْغَطَاءُ وَانْقَطَعَ الرَّجَاءُ
خدایا بلاء عظیم گشته و درون آشکار شد و پرده از کارها برداشته شد و امید قطع شد
وَ ضَاقَتِ الْأَرْضُ وَ مُنِعَتِ السَّمَاءُ وَ أَنْتَ الْمُسْتَعَانُ وَ إِلَيْكَ الْمُشْتَكَى
و زمین تنگ شد و از ریزش رحمت آسمان جلوگیری شد و تویی یاور و شکوه به سوی تو است
وَ عَلَيْكَ الْمُعْوَلُ فِي الشَّدَّةِ وَالرَّخَاءِ
و اعتماد و تکیه ما چه در سختی و چه در آسانی بر تو است
اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ اُولَى الْأَمْرِ الَّذِينَ فَرَضْتَ عَلَيْنَا طَاعَتَهُمْ
خدایا درود فرست بر محمد و آل محمد(ص) آن زمامدارانی که پیرویشان را بر ما واجب کردی و بدین سبب مقام
وَ عَرَفْتَنَا بِذَلِكَ مَنَزَلَتَهُمْ فَفَرِّجْ عَنَّا بِحَقِّهِمْ فَرَجًا عَاجِلًا قَرِيبًا كَلِمَحِ الْبَصَرِ
و منزلتشان را به ما شناساندی به حق ایشان به ما گشایشی ده فوری و نزدیک مانند چشم بر هم زدن
أَوْ هُوَ أَقْرَبُ يَا مُحَمَّدُ يَا عَلِيُّ يَا عَلِيُّ يَا مُحَمَّدُ
یا نزدیکتر ای محمد ای علی ای علی ای محمد
اَكْفِيَانِي فَاَنْكُمَا كَافِيَانِ وَاَنْصُرَانِي فَاَنْكُمَا نَاصِرَانِ يَا مَوْلَانَا يَا صَاحِبِ الزَّمَانِ



مرا کفایت کنید که شما یید کفایت کننده ام و مرا یاری کنید که شما یید یاور من ای سرور ما ای صاحب الزمان

الْغَوْثَ الْغَوْثَ الْغَوْثَ اَذْرِ كُنِّي اَذْرِ كُنِّي اَذْرِ كُنِّي السَّاعَةَ

فریاد، فریاد، فریاد، دریاب مرا دریاب مرا دریاب مرا همین ساعت

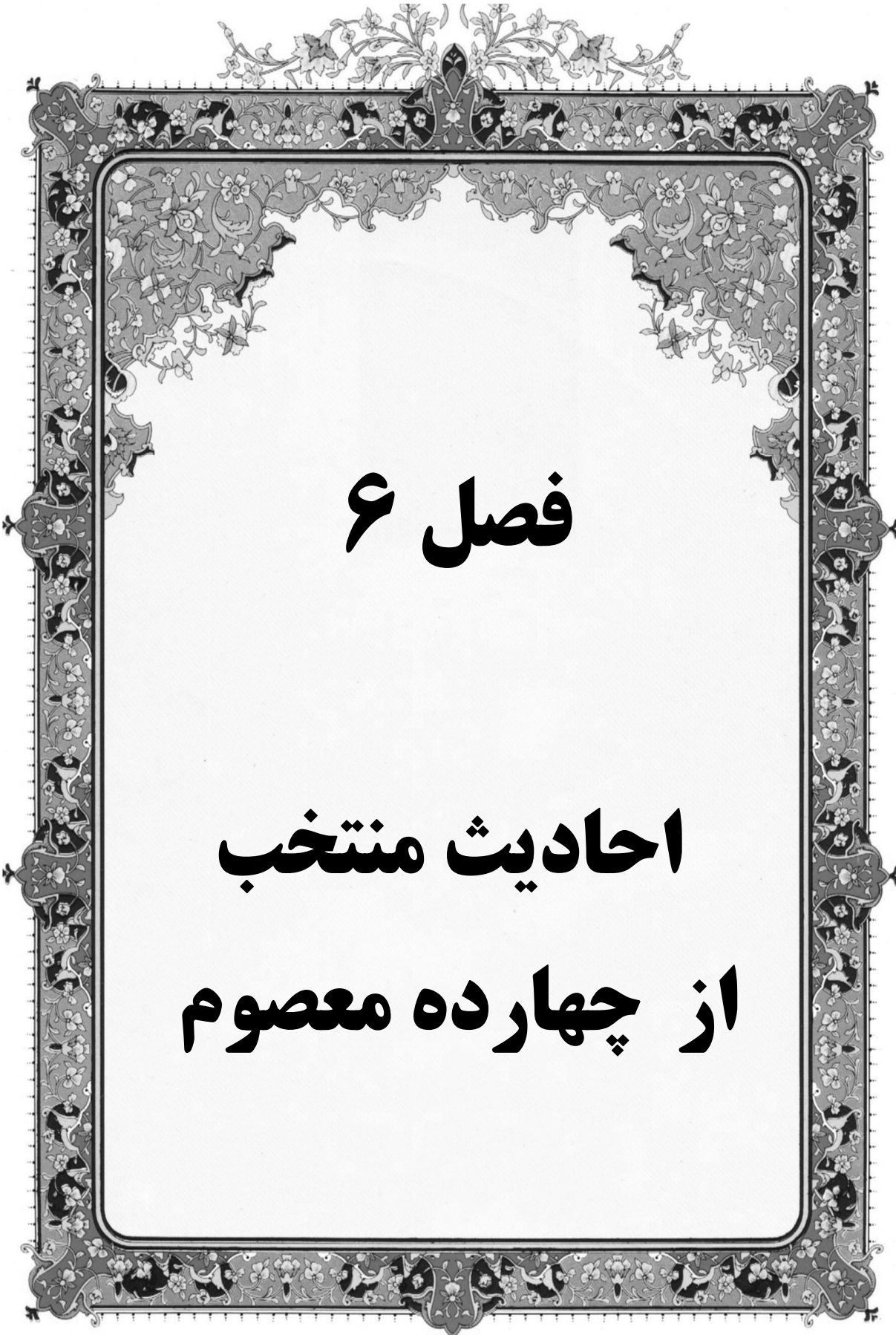
السَّاعَةَ السَّاعَةَ الْعَجَلَ الْعَجَلَ الْعَجَلَ يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ

همین ساعت هم اکنون زود زود زود ای خدا ای مهربانترین مهربانان

بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ.

به حق محمد و آل پاکیزه اش .



A decorative border with intricate floral and vine patterns in black and white, framing the central text area.

فصل ۶

احادیث منتخب
از چهارده معصوم



رسول الله صلى الله عليه و آله

- ✓ بهترین شما کسانی هستند که قرآن را آموخته و به دیگران تعلیم می دهند. بحارالانوار ج ۹۲
- ✓ نورانی کنید خانه های خودتان را به تلاوت قرآن، پس به درستی که اگر زیاد شود تلاوت قرآن در خانه ای، خیر و وسعت برای اهل آن زیاد می شود و آن خانه می درخشد و به اهل آسمان نور می دهد، آنچنان که ستاره های آسمان به اهل زمین نور می دهند و می درخشند بحارالانوار ج ۹۲، ص ۲۰۰
- ✓ علامت و نشانه ایمان نماز است. (شهاب الاخبار، ص ۵۹)
- ✓ کسی که نماز را عمداً و بدون علت ترک کند از امان خدا و رسولش دور خواهد بود. (جامع احادیث الشیعه، ج ۴، ص ۷۵)
- ✓ تا زمانی که مردم امر به معروف و نهی از منکر نمایند و در کارهای نیک و تقوا به یاری یکدیگر بشتابند در خیر و سعادت خواهند بود، اما اگر چنین نکنند، برکت ها از آنان گرفته شود و گروهی بر گروه دیگر سلطه پیدا کنند و نه در زمین یاوری دارند و نه در آسمان (تهذیب الاحکام ۲۲/۱۸۱/۶)
- ✓ مهدی فرزند من است او غیبت خواهد داشت و زمانی که ظهور می کند زمین را پس از یک دوران ظلم و ستم، سراسر عدل و داد خواهد نمود. (منتخب الاثر ۸/ ۲۴۹/۱)
- ✓ طلب علم بر هر مسلمانی واجب است، همانا خدا جویندگان علم را دوست دارد. (اصول کافی ج ۱/باب دوم)
- ✓ بهترین یاران کسی است که ناسازگاریش اندک باشد و سازگاریش بسیار (تنبيه الخواطر، ج ۲)
- ✓ صدقه، خشم پروردگار را فرو می نشاند. (کنزالعمال، ح ۱۶۱۱۴۳)
- ✓ هر کس آبروی مؤمنی را حفظ کند، بدون تردید بهشت بر او واجب شود. (ثواب الاعمال و عقاب الاعمال)
- ✓ خدا را بخوانید و به اجابت دعای خود یقین داشته باشید و بدانید که خداوند دعا را از قلب غافل بی خبر نمی پذیرد (کنزالعمال، ج ۲)
- ✓ هیچ تهیدستی سخت تر از نادانی و هیچ مالی سودمندتر از عقل نیست. (اصول کافی، ج ۱، ص ۳۰)
- ✓ از نفرین مظلوم پرهیز زیرا وی به دعا حق خویش را از خدا می خواهد و خدا حق را از حق دار دریغ نمیدارد (کنزالعمال، ج ۳)
- ✓ محبوبترین کارها در پیش خدا کاریست که دوام آن بیشتر است، اگر چه اندک باشد. (کتاب صلاة المسافرين و قصرها)
- ✓ آنکه در فرو بردن خشم از دیگران پیشتر است، از همه کس دور اندیشتر است. (نهج الفصاحه، ص ۱۷، ح ۹۵)
- ✓ وقتی در کاری تصمیم میگیری، در نتیجه آن بیندیش اگر نتیجه نیک است آن کار را انجام بده و اگر بد است از آن در گذر (کنزالعمال، ج ۳، ص ۹۹، ح ۵۶۷۶)
- ✓ کسی که در راه دانش رود، خداوند او را به سوی بهشت می برد، همانا فرشتگان با خرسندی بال های خویش را برای طالب علم می گشایند، اهل زمین و آسمان و حتی ماهیان دریا برای طالب علم آموزش می طلبند و برتری عالم بر عابد مانند ماه شب چهاردهم بر ستارگان است. (کافی/ ج ۴۲/۱)

حضرت فاطمه زهرا (س)

- ✓ خداوند نماز را جهت دوری شما از کبر و خود پسندی مقرر فرمود. (اعیان الشیعه، ج ۱، ص ۳۱۶)
- ✓ کسی که عبادت های خالصانه خود را به سوی خدا فرستد، پروردگار بزرگ برترین مصلحت را به سویش فرو خواهد فرستاد. (بحار الانوار، ج ۷۰، ص ۲۴۹)



- ✓ بهترین شما کسی است که در برخورد با مردم نرم تر و مهربان تر باشد (دلائل الامامه و کنزالعمال، ج ۷، ص ۲۲۵)
- ✓ پاداش خوشرویی در برابر مؤمن بهشت است، و خوشرویی با دشمن ستیزه جو، انسان را از عذاب آتش باز می دارد. (بحار الانوار، ج ۷۵، ص ۴۰۱)
- ✓ خداوند امر به معروف را جهت اصلاح جامعه واجب فرمود. (احتجاج طبرسی، ایران، انتشارات اسوه، ج ۱، ص ۲۵۸)
- ✓ خدای تعالی نیکی به پدر و مادر را واجب فرمود تا از خشم او در امان بمانند، و دستگیری از خویشان را موجب افزایش عمر و سبب فروزی جمعیت و قدرت قرار داد. (احتجاج طبرسی، ایران، انتشارات اسوه، ج ۱، ص ۲۵۹)
- ✓ امام حسن مجتبی (علیه السلام) فرمود: مادرم فاطمه (علیها السلام) را دیدم که شب جمعه تا صبح مشغول عبادت و رکوع و سجود بود، و شنیدم که برای مؤمنین دعا می کرد و اسامی آنان را ذکر می نمود و برای آنان بسیار دعا می کرد ولی برای خودش دعا نکرد، پس به او عرض کردم: مادر، چرا همان طور که برای دیگران دعا کردی برای خودت دعا نکردی، فرمودند: "پسرم، اول همسایه و سپس خود و اهل خانه". (بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۸۱)
- ✓ بهترین شما کسانی هستند که در برخورد با مردم نرم تر و مهربان ترند. (دلائل الامامه طبری، ص ۷)

حضرت علی علیه السلام

- ✓ مومن پیوسته، به یاد خدا و مدام در حال اندیشه است، بر نعمت های خدا سپاسگزار و در گرفتاری ها شکیاست. (غرر الحکم / ۹۰)
- ✓ تو را ادب این بس که هر آن چه را در دیگران بد می دانی، خود را نیز از آن دور سازی. (نهج البلاغه / حکمت ۴۱۲)
- ✓ ارزش آدمی به اندازه همت اوست. (نهج البلاغه / کلمات حق / ۴۷)
- ✓ تکبر ورزیدن آدم بلندمرتبه را پست می گرداند. (غررالحکم / ۳۱۱)
- ✓ غیبت تلاش آدم ناتوان است. (نهج البلاغه / حکمت ۴۶۱)
- ✓ خانه ای که در آن قرآن خوانده شود و ذکر خدای عزوجل (و یاد او) در آن بشود برکتش بسیار گردد و فرشتگان در آن بیایند و شیاطین از آن دور شوند و برای اهل آسمان می درخشد چنانچه ستارگان برای اهل زمین می درخشد و خانه ای که در آن قرآن خوانده نشود و ذکر خدای عزوجل در آن نشود برکتش کم شود و فرشتگان از آن دور شوند و شیاطین در آن حاضر گردند. (اصول کافی جلد ۴ ص ۴۱۳ / ح ۳)
- ✓ وقتی که بنده ای سجده کرد، ابلیس فریادمی زند وای بر من! او اطاعت کرد، ولی من معصیت کردم، او سجده کرد و من از این عمل سرباز زدم. (بحار الانور، ج ۸۲، ص ۲۳۳)
- ✓ هنگامی که انسان در حال نماز است، اندام و جامه او و هر چه پیرامون اوست، خدا را تسبیح می گویند. (میزان الحکمه، ج ۵، ص ۳۷۷)
- ✓ اگر نماز گزار بداند که چقدر از رحمت (خداوند تعالی) او را فرا گرفته است، سرش را از سجده بر نمی دارد. (غررالحکم، ص ۲۶۱)
- ✓ علم گنج بزرگی است که با خرج کردن تمام نمی شود (غررالحکم و در الکلم)
- ✓ قلب خود را از کینه دیگران پاک کن، تا قلب آنها از کینه تو پاک شود. (الامالی، ج ۲، ص ۱۷۴)
- ✓ قیمت و ارزش هر کس به اندازه ی کاری است که به خوبی می تواند انجام دهد. (بیان و التبین ص ۱۷۹)
- ✓ ثمره تفریط و کوتاهی پشیمانی است و ثمره دور اندیشی سلامت. (محاضرات ج ۲ ص ۳۱۳)



- ✓ سخت ترین گناهان آن است که صاحبش آن را کوچک بشمرد. (نهج البلاغه حکمت ۳۴۸)
- ✓ عاجز ترین مردم کسی است که از بدست آوردن دوست عاجز بماند و از او عاجز تر کسی است که دوستان بدست آورده را از دست بدهد (الامالی ص ۱۱۰)
- ✓ هیچ ثروتی چون عقل و هیچ فقری چون جهل و هیچ میراثی چون ادب و هیچ پشتیبانی چون مشورت نخواهد بود. (تحف العقول ص ۸۹)
- ✓ بزرگترین عیب آن است که آنچه را که مانند آن در خود توست عیب بشماری. (جهاد النفس)
- ✓ هنگامیکه مقدمات نعمت ها به شما می رسد دنباله آن را به واسطه کمی شکر گزاری از خود دور نسازید. (نهج البلاغه)

امام حسن علیه السلام

- ✓ انسان تا وعده نداده، آزاد است. اما وقتی وعده می دهد زیر بار مسؤولیت می رود، و تا به وعده اش عمل نکند رها نخواهد شد. (بحار الانوار، ج ۷۸، ص ۱۱۳)
- ✓ پناهنده به خدا آسوده و محفوظ است، و دشمنش ترسان و بی یاور. (تحف العقول، ص ۲۲۹)
- ✓ از خدا بترسید به وسیله تقوی، و به خدا نزدیک شوید با طاعت، به درستی که او نزدیک است و پاسخگو. (تحف العقول)
- ✓ ای بندگان خدا، پرهیزگار باشید، و بدانید که هر کس پرهیزگار باشد، خداوند او را به خوبی از فتنه ها و آزمایشها برآورد و در کارش موفق سازد و راه حق را برایش آماده کند. (تحف العقول، ص ۲۳۴)
- ✓ هیچ مردمی با هم مشورت نکنند مگر اینکه به درستی هدایت شوند. (تحف العقول، ص ۲۳۶)
- ✓ آن حضرت - علیه السلام - به مردی که از بیماری شفا یافته بود، فرمود: خدا یادت کرد پس یادش کن، و از تو گذشت پس شکرش کن. (تحف العقول، ص ۲۳۷)
- ✓ ای پسرم با هیچ کس برادری مکن تا بدانی کجا میرود و از کجا می آید و چه ریشه ای دارد، پس چون خوب از حالش آگاه شدی و معاشرتش را پسندیدی با او برادری کن به شرط گذشت از لغزش و کمک در تنگی. (تحف العقول، ص ۲۳۶)
- ✓ ای مردم هر کس برای خدا اخلاص ورزد و سخن او را راهنمای خود قرار دهد به راهی که درست تر و استوارتر است هدایت می شود و خداوند او را برای آگاهی و هوشیاری توفیق داده و به عاقبت خوش کمک کرده است. (تحف العقول، ص ۲۳۶)
- ✓ پرسش صحیح نیمی از علم است، و مدارا کردن با مردم نیمی از عقل است، و اقتصاد و اعتدال در زندگی نیمی از مخارج است. (شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید، ج ۱۸، ص ۱۰۸)

امام حسین (ع)

- ✓ مرگ با عزت بهتر از زندگی با ذلت است. (بحار الانوار / ۴/۴۴)
- ✓ همانا شیعه ما کسی است که قلبش از هرگونه آلودگی و ناپاکی و خیانت پاک باشد. (بحار الانوار / ۶۵/۱۵۶)
- ✓ از هر کرداری که موجب عذرخواهی است پرهیز. (تحف العقول، ۱/۴۴۳)
- ✓ هر کس دوست دارد مرگش به تأخیر بیافتد و روزیش افزایش یابد صله رحم به جای آورد. (بحار الانوار، ۵/۸۹/۷۴)
- ✓ از نشانه های خوشبختی و سعادت همنشینی با خردمندان است. (مستدرک الوسائل ۵/۸۹/۱۷)
- ✓ هر کس مرا پس از مرگ زیارت کند، در قیامت به دیدارش می روم و حتی اگر در دوزخ باشد او را به بیرون می آورم. (المنتخب للطریحی)



- ✓ هر يك از دو نفری كه میان آنها نزاعی واقع شود و یکی از آن دو رضایت دیگری را بجوید، سبقت گیرنده اهل بهشت خواهد بود (محجه البیضاء ج ۴، ص ۲۲۸)
- ✓ کسی در قیامت در امان نیست مگر کسی كه در دنیا ترس از خدا در دل داشت (مناقب ابن شهر آشوب ج ۴/ ص ۶۹)
- ✓ عاجزترین مردم کسی است كه نتواند دعا كند (بحارالانوار ج ۹۳/ ص ۲۹۴)
- ✓ بخشنده ترین مردم کسی است كه در هنگام قدرت می بخشد. (الدره الباهره، ص ۲۴)
- ✓ کسانی كه رضایت مخلوق را به بهای غضب خالق بخرند، رستگار نخواهند شد. (مقتل خوارزمی، ج ۱، ص ۲۳۹)
- ✓ کسی كه برای جلب رضایت و خوشنودی مردم، موجب خشم و غضب خداوند شود، خداوند او را به مردم وا می گذارد. (بحارالانوار، ج ۷۸، ص ۱۲۶)
- ✓ کسانی كه رضایت مخلوق را به بهای غضب خالق بخرند، رستگار نخواهند شد. (مقتل خوارزمی، ج ۱، ص ۲۳۹)
- ✓ هیچ كس روز قیامت در امان نیست، مگر آن كه در دنیا خدا ترس باشد. (بحار الانوار، ج ۴۴، ص ۱۹۲)
- ✓ کسی كه بخواهد از راه گناه به مقصدی برسد، دیرتر به آروزش می رسد و زودتر به آنچه می ترسد گرفتار می شود. (بحار الانوار، ج ۷۸، ص ۱۲۰)
- ✓ بترس از ستم كردن بر کسی كه به جز خدا یآوری ندارد. (بحار الانوار، ج ۷۸، ص ۱۱۸)
- ✓ همنشینی با فاسقان انسان را در معرض اتهام قرار می دهد. (بحار الانوار، ج ۷۸، ص ۱۲۲)
- ✓ گریه از روی ترس از خدا، موجب رهایی از آتش است. (مستدرک الوسایل، ج ۱۱، ص ۲۴۵)
- ✓ عجله كردن، كم خردی است. (بحار الانوار، ج ۷۸، ص ۱۲۲)
- ✓ کسی كه گرفتاری و اندوه مؤمنی را برطرف كند و او را آسوده كند، خداوند گرفتاری و اندوه دنیا و آخرت را از او رفع می كند. (بحار الانوار، ج ۷۸، ص ۱۲۲)
- ✓ سلام كردن هفتاد حسنه و پاداش دارد كه ۶۹ حسنه برای کسی است كه سلام می كند و يك حسنه برای کسی است كه جواب سلام را می دهد. (بحار الانوار، ج ۷۸، ص ۱۲۰)
- ✓ و برای افراد نجیب زشت تر از دروغگویی چیزی نیست. (كفایة الاثر فی النص علی الائمه الاثني عشر، ص ۲۳۳)

امام سجاد (ع)

- ✓ همانا نماز بنده پذیرفته نمی شود، مگر آنچه را كه با قلبش به نماز توجه كرد. (وسائل الشیعه، ج ۴، ص ۶۸۸. المواعظ العبدیه، ص ۲۷۰)
- ✓ بهترین سرآغاز كارها راستگویی و بهترین خاتمه ی آن وفاداری است. (بحارالانوار، ۱۴۱/۷۵).
- ✓ برای هر چیز بهره ای است و بهره ی گوش سخن نیکو است. (بحارالانوار، ۱۶۰/۷۵).
- ✓ آزار نرساندن نشانه ی کمال خرد و مایه ی آسایش دو گیتی است. (میزان الحکمه، ۱۱۹/۱).
- ✓ از خدای تعالی به خاطر قدرتش بر تو بترس و از او به خاطر نزدیکی اش به تو، شرم كن. (بحارالانوار، ۱۶۰/۷۵).
- ✓ هر كس مومن گرسنه ای را غذا دهد خداوند او را از میوه های بهشت اطعام نماید. (بحارالانوار، ۳۸۴/۷۱).
- ✓ از دروغ كوچك و بزرگ، جدی و شوخی پرهیز كن، كه بی شك انسان وقتی در امور كوچك دروغ می گوید بر دروغ گویی در امور بزرگ نیز جرأت پیدا می كند. (بحارالانوار، ۱۶۱/۷۵).
- ✓ از معاشرت با بخیل پرهیز، زیرا او در نهایت نیازت به وی، تو را از كمكش محروم می كند. (بحارالانوار، ۱۳۷/۷۵).



- ✓ همنشینی با دانشمندان موجب فرونی خرد است. (بحارالانوار، ۱۴۱/۷۵).
- ✓ همین عیب برای انسان بس که چیزی را در دیگران ببیند که برای خودش عیب نمی داند. (الکافی، ۴۶۰/۲).
- ✓ امر خدا و اطاعت او و اطاعت هر کسی که او واجب کرد است را بر همه چیز مقدم بدارید. (بحارالانوار، ۱۴۱/۷۵).
- ✓ بیاندیشید و برای آن چه که آفریده شده اید کار کنید، زیرا خداوند شما را بیهوده نیافریده است. (بحارالانوار، ۱۲۸/۷۵).
- ✓ دعا، بلای نازل شده و نازل نشده را دفع می کند. (الکافی، ۴۶۹/۲).

امام باقر (ع)

- ✓ به خدا سوگند هیچ بنده ای پافشاری و اصرار به درگاه خدای عزوجل نکند جز این که حاجتش را برآورد. (کافی، ۴۷۵/۲)
- ✓ به درستی که کامل ترین مومن از نظر ایمان کسی است که خلق و خویش بهتر است. (بحارالانوار، ۳۸۹/۷۱)
- ✓ محبوب ترین عبادت نزد خداوند شاد کردن دل مومن است. (کافی، ۱۸۸/۲)
- ✓ خداوند آشکار سلام کردن را دوست دارد. (تحف العقول، ۳۱۱)
- ✓ در طلب آموزش از خدا اصرار کنید، که موجب محو گناهان می شود. (تحف العقول، ۳۰۸)
- ✓ حسد ایمان را نابود می کند همچنان که آتش، هیزم را می سوزاند. (کافی، ۳۰۶/۲)
- ✓ خوش رویی و گشاده رویی، مایه جلب محبت مردم و قرب الهی است. (تحف العقول، ۲۹۶)
- ✓ افزایش نعمت از جانب خداوند قطع نمی شود. مگر این که شکر از جانب بندگان قطع گردد. (بحارالانوار، ۵۴/۶۸)
- ✓ پاداش صله رحم زودتر از هر طاعت دیگری به انسان می رسد. (تحف العقول، ۳۰۳)
- ✓ خدای تعالی به شعیب پیامبر وحی فرمود که: من صد هزار نفر از قوم تو را عذاب خواهم کرد شعیب پرسید: پرودگارا! بدکاران سزاوارند اما نیکان چرا؟ خدای عزوجل به او وحی فرمود که: آنان با گنهکاران راه آمدند و به خاطر خشم من به خشم نیامدند. (کافی، ۱/۵۶/۵)
- ✓ به مردم بگویند بهتر از آن چیزی که می خواهید به شما بگویند. (محاضرات ج ۱ ص ۲۵۱)
- ✓ خدا را نشناخته آن که نافرمانی اش کند. (تحف العقول ص ۲۹۴)
- ✓ هیچ کس از گناهان سالم نمی ماند، مگر اینکه زبانش را نگه دارد. (بحارالانوار، ج ۷۵، ص ۱۷۸)
- ✓ کسی به ولایت ما نمی رسد مگر با عمل شایسته و خودداری از گناه. (جهاد النفس، ص ۱۱۲)
- ✓ دورترین مردم از خداوند عزوجل در روز قیامت سرکشان متکبر هستند. (جهاد النفس، ص ۲۵۴)
- ✓ همانا سخت ترین عبادت باز ایستادن از گناه است. (جهاد النفس، ج ۱۸۸)
- ✓ سخن نیک را از هر کسی، هر چند به آن عمل نکند، فرا گیرید. (بحارالانوار، دار احیاء التراث العربی، ج ۷۵، ص ۱۷۰)
- ✓ هر که خوش نیت باشد، روزی اش افزایش می یابد. (بحارالانوار، دار احیاء التراث العربی، ج ۷۵، ص ۱۷۵)
- ✓ بهترین چیزی را که دوست دارید درباره شما بگویند، درباره مردم بگویند. (بحارالانوار، دار احیاء التراث العربی، ج ۶۵)
- ✓ خداوند عزوجل کسی را که در میان جمع، بدون ناسزاگویی شوخی کند، دوست دارد. (کافی، ج ۲، ص ۶۶۳)
- ✓ خداوند عزوجل از میان بندگان مؤمنش آن بنده ای را دوست دارد که بسیار دعا کند، پس بر شما باد دعا در هنگام سحر تا طلوع آفتاب، زیرا آن، ساعتی است که درهای آسمان در آن هنگام باز گردد و روزی ها در آن تقسیم گردد و حاجت های بزرگ برآورده شود.



امام صادق علیه السلام

- ✓ آنگاه که روزه می گیری باید چشم و گوش و مو و پوست تو هم روزه دار باشند. «یعنی از گناهان پرهیز کند» (الکافی)
- ✓ هر کس دو رکعت نماز بخواند و بداند چه می گوید، از نماز فارغ می شود، در حالی که میان او و میان خدای عز و جل گناهی نیست، مگر اینکه خداوند برای او می بخشاید. (بحار الانوار، ج ۸۴، ص ۲۴۰ اصول وافی، ج ۲، ص ۱۰۰)
- ✓ چه مانعی دارد که چون یکی از شما غم و اندوهی از غم های دنیا بر او در آمد، وضو بگیرد و به مسجد برود و دو رکعت نماز بخواند و برای رفع اندوه خود خدا را بخواند. مگر نشنیده ای که خدا می فرماید: "واستعینوا بالصبر و الصلاة". (مجمع البیان، ج ۱، ص ۱۰۰)
- ✓ هر کس دوست دارد بداند نمازش قبول شده یا نه، ببیند که آیا نمازش او را از گناه و زشتی باز داشته یا نه؟ پس به هر قدر که نمازش او را از گناه باز داشته به همان اندازه نمازش قبول شده است. (بحار الانوار، ج ۸۲، ص ۱۹۸)
- ✓ نزدیکترین حالات بنده به پروردگارت حالت سجده است. (ثواب الاعمال و عقاب الاعمال)
- ✓ محبوب ترین برادرانم نزد من، کسی است که عیب هایم را به من اهدا کند. (تحف العقول، ص ۳۶۶)
- ✓ با احمق مشورت نکن و از دروغگو یاری مجو و به دوستی زمامداران اعتماد مکن. (تحف العقول، ص ۳۱۶)
- ✓ دورترین مردم از خداوند عز و جل در روز قیامت سرکشان متکبر هستند. (جهاد النفس، ح ۵۸۹)
- ✓ احسان و نیکی کامل نباشد، مگر با سه خصلت: شتاب در آن، کم شمردن بسیار آن و منت نهادن بر آن. (تحف العقول، ص ۳۲۳)
- ✓ هرگاه دیدید که بنده ای گناهان مردمان را جستجو می کند و گناهان خویش را فراموش کرده است بدانید که او فریب شیطان را خورده است. (جهاد النفس، ح ۲۳۷)
- ✓ عاقل ترین مردم خوش خلق ترین آنهاست. (اصول کافی، ج ۱، ص ۲۷)
- ✓ کسی که چهل حدیث از احادیث ما را حفظ کند خدا او را روز قیامت عالم و فقیه مبعوث می کند. (اصول کافی، ج ۱)
- ✓ بهترین عبادت همواره اندیشیدن درباره خدا و قدرت اوست. (اصول کافی، ج ۳، ص ۹۱)
- ✓ هر بنده ای که به آنچه خدای متعال دوست دارد، روی آورد خدا به آنچه او دوست دارد، روی آورد. (اصول کافی، ج ۳، ص ۶)

امام موسی کاظم (علیه السلام)

- ✓ یاری رساندن به ناتوان از برترین صدقه هاست. (تحف العقول، ۲/۲۵۶).
- ✓ در نهان از خدا شرم کنید همان طور که در آشکار از مردم شرم می کنید. (تحف العقول، ۳۹۴).
- ✓ از ما نیست کسی که هر روز به حساب خود نرسد. (اصول کافی)
- ✓ بر شما باد دعا کردن چون دعا و طلب کردن از خدا بلا را برمی گرداند. (اصول کافی)
- ✓ بازگو کردن نعمت های خدا شکر و بازگو نکردن آن ها کفران نعمت است. (اصول کافی)
- ✓ مومن سخن کم می گوید و عمل بسیار می کند. (تحف العقول / ۳۹۷).
- ✓ دعای شخص روزه دار هنگام افطار مستجاب می شود. (بحار الانوار ج ۹۲ ص ۲۵۵ ح ۳۳)
- ✓ بهترین چیزی که بنده بعد از شناخت خدا به وسیله آن به درگاه الهی تقرب پیدا می کند، نماز است. (تحت العقول،)
- ✓ کسی که مزه رنج و سختی را نچشیده، نیکی و احسان در نزد او جایگاهی ندارد. (بحار الانوار، جلد ۷۸، ص ۳۳۳)
- ✓ هر که می خواهد که قویترین مردم باشد بر خدا توکل نماید. (بحار الانوار، ۷، ص ۱۴۳)



✓ مهرورزی و دوستی با مردم، نصف عقل است. (تحف العقول، ص ۴۲۵)

✓ خشم کلید هر بدی است. (تحف العقول، ص ۴۱۶)

امام رضا علیه السلام

✓ همانا، نماز، بهترین عبادت برای خداست. (جامع احادیث الشیعه، ج ۴، ص ۵۰)

✓ بدان که افضل واجبات بعد از معرفت خدای عزوجل نماز پنج گانه است. (مستدرک الوسائل، ج ۱، ص ۱۷۵)

✓ به دیدن یکدیگر بروید تا یکدیگر را دوست داشته باشید و دست یکدیگر را بفشارید و به هم خشم نگیرید. (بحار الانوار، ج ۷۸، ص ۳۴۷)

✓ آن کسی که نفسش را محاسبه کند، سود برده است و آن کسی که از محاسبه نفس غافل بماند، زیان دیده است. (بحار الانوار، ج ۷۸، ص ۳۵۲)

✓ هر کس به رزق و روزی کم از خدا راضی باشد، خداوند از عمل کم او راضی خواهد بود (بحار الانوار، ج ۷۸، ص ۳۵۷)

✓ هر کس اندوه و مشکلی را از مومنی بر طرف نماید خداوند در روز قیامت اندوه را از قلبش بر طرف ساز (اصول کافی ج ۳)

✓ از اخلاق پیامبران، نظافت و پاکیزگی است. (تحف العقول، ص ۴۶۶)

✓ دوست هر کس عقل او، و دشمنش جهل اوست. (تحف العقول، ص ۴۶۷)

✓ دوستی با مردم، نیمی از عقل است. (تحف العقول، ص ۴۶۷)

✓ پیوند خویشاوندی را برقرار کنید گرچه با جرعه آبی باشد، و بهترین پیوند خویشاوندی، خودداری از آزار خویشاوندان است (تحف العقول، ص ۴۶۹)

✓ به راستی که بدترین مردم کسی است که یاری اش را (از مردم) باز دارد و تنها بخورد و زیر دستش را بزند (تحف العقول)

✓ بخیل را آسایشی نیست، و حسود را خوشی و لذتی نیست، و زمامدار را وفایی نیست، و دروغگو را مروت و مردانگی نیست (تحف العقول)

✓ از امام رضا درباره بهترین بندگان سؤال شد. فرمود: آنان هرگاه نیکی کنند خوشحال شوند، و هرگاه بدی کنند آمرزش خواهند، و هرگاه عطا شوند شکر گزارند، و هرگاه بلا بینند صبر کنند، و هرگاه خشم کنند درگذرند.

امام جواد علیه السلام

✓ آگاه باش، همانا تو هیچ گاه از دید خدا بیرون نیستی پس بنگر که چگونه ای. (بحار الانوار، ۳۰/۶)

✓ برادران و دوستان مورد اعتماد، ذخیره های همدیگرند. (بحار الانوار، ۳۶۱/۷۵)

✓ حلم و بردباری لباس عالم و دانشمند است بکوش تا عاری از این لباس نباشی. (بحار الانوار، ۳۶۱/۷۵)

✓ برترین اعمال پیروان ما، انتظار فرج است. (بحار الانوار، ۳۶۱/۷۵)

✓ ثابت قدم باش تا به هدف خود برسی یا به آن نزدیک شوی. (بحار الانوار، ۳۴۰/۶۸)

✓ از همراهی و رفاقت با آدم شرور پرهیز، زیرا که او مانند شمشیر برهنه است که ظاهرش نیکو و اثرش زشت است. (مسند الامام الجواد، ص ۲۴۳)

✓ سه چیز است که هر کس آن را مراعات کند، پشیمان نگردد: ۱ - اجتناب از عجله ۲ - مشورت کردن ۳ - و توکل بر خدا در هنگام تصمیم گیری. (مسند الامام الجواد، ص ۲۴۷)



- ✓ سه چیز است که بنده را به رضوان خدا می رساند: ۱- زیادی استغفار ۲- نرمخویی ۳- صدقه بسیار دادن (مسند الامام الجواد، ص ۲۴۷)
- ✓ همواره به تأخیر انداختن انجام کارها، سرگردانی است. (تحف العقول، ص ۴۸۰)
- ✓ امام جواد(ع) فرمودند رسول خدا (ص) به فاطمه (ع) فرمود: وقتی که من از دنیا رفتم به خاطر من صورت را نخرش، و مرا را پریشان منماید، و واویلا نکن و بر من نوحه نخوان، سپس فرمود: این همان معروفی است که خداوند عز و جل در کتابش فرموده: "و تو را در معروفی نافرمانی نکنند". مسند الامام الجواد، ص ۱۰۱
- ✓ قائم ما همان مهدی است که در غیبتش باید منتظرش شوند، و در ظهورش اطاعتش کنند. او سومی از پسران من است. (مسند الامام الجواد، ص ۱۳۱)
- ✓ اعتماد به خداوند بهای هر چیز گرانبها و نردبان هر امر بلند مرتبه ای است. (مسند الامام الجواد، ص ۲۴۴)
- ✓ کسی که سازش و مدارا با مردم را رها کند، ناراحتی به او روی می آورد. (مسند الامام الجواد، ص ۲۴۳)
- ✓ چهار چیز یاری دهنده انسان در کار است: سلامت، بی نیازی، دانش و توفیق. (مسند الامام الجواد، ص ۲۴۶)
- ✓ کسی که آگاه به ظلم است و کسی که کمک کننده بر ظلم است و کسی که راضی به ظلم است، هر سه شریکند. (مسند الامام الجواد)

حضرت امام هادی (ع)

- ✓ نافرمانی والدین، تنگدستی در پی دارد و به ذلت می کشاند. (بحارالانوار، ۹۵/۸۴/۷۴)
- ✓ افسوس های ناشی از سهل انگاری را به یاد آر و محکم کاری و دوراندیشی را در پیش گیر. (بحارالانوار، ۴/۳۷۰/۷۸)
- ✓ از کسی که او را آزردی توقع صمیمیت ندار. (روضه بحار، ۲/۳۷۰)
- ✓ حسد نیکی ها را محو و نابود می کند. (روضه بحار، ۲/۳۶۹)
- ✓ از حسد بپرهیز زیرا در تو اثر بد می گذارد و در دشمنیت هم تاثیری ندارد. (مستدرک الوسائل، ۲۰/۱۲)
- ✓ خشم کلید هر شری است. (تحف العقول، ۲/۴۰۰)
- ✓ خداوند دنیا را سرای امتحان و آزمایش ساخته و آخرت را سرای رسیدگی قرار داده است، و بلای دنیا را وسیله ثواب آخرت، و ثواب آخرت را عوض بلای دنیا قرار داده است. (تحف العقول، ص ۵۱۲)
- ✓ از کسی که بر او خشم گرفته ای، صفا و صمیمیت نخواه و از کسی که به وی خیانت کرده ای، وفا مطلب، و از کسی که به او بدبین شده ای، انتظار خیرخواهی نداشته باش، که دل دیگران برای تو همچون دل تو برای آنهاست. (مسند الامام الهادی)
- ✓ مردم در دنیا با اموالشان و در آخرت با اعمالشان هستند. (مسند الامام الهادی، ص ۳۰۴)
- ✓ جدال، دوستی قدیمی را تباه می کند و پیوند محکم را می گسلد و کمترین چیزی که در آن است کوشش برای غلبه بر دیگری است، که آن هم ریشه جدایی می باشد. (مسند الامام الهادی، ص ۳۰۴)

امام حسن عسکری علیه السلام

- ✓ بهترین مردم کسی است که اگر به خشم آورده شود بردباری کند و اگر ستم بیند ببخشد و اگر به او بدی شود نیکی کند. (۵۰۰۰ غررالحکم).
- ✓ عاقل از مشاوره بی نیاز نیست. (غرر الحکم)
- ✓ ناتوان ترین مردم، کسی است که از اصلاح نفس خویش عاجز باشد. (۳۸۹، غرر الحکم).



- ✓ اعتماد و تکیه بر خداوند، قوی ترین امید است. (۶۲۰۵ غرر الحکم)
- ✓ هیچ کس فروتنی نکرده است، مگر این که خداوند بلندمرتبه، جلالت و شکوهش را افزون کرده است. (۹۵۹۳ غرر الحکم)
- ✓ زمانی که بنده نمازش را سلام داد، خداوند و ملائکه بر او سلام می فرستند. (بحار الانوار، ج ۸۲، ص ۲۲۱)
- ✓ عبادت در زیاد انجام دادن نماز و روزه نیست، بلکه عبادت با تفکر و اندیشه در قدرت بی منتهای خداوند در امور مختلف می باشد. (مستدرک الوسائل: ج ۱۱، ص ۱۸۳، ح ۱۲۶۹۰)
- ✓ تداوم دوستی و معاشرت با کسی که احتمال دارد سودی برایت داشته باشد، بهتر است از کسی که محتمل است شرّ - جانی، مالی، دینی و ... - برایت داشته باشد. (مستدرک الوسائل: ج ۸، ص ۳۵۱، ح ۵)
- ✓ به شیعیان و دوستان خود فرمود: تقوای الهی را پیشه کنید و در امور دین ورع داشته باشید، در تقرّب به خداوند کوشا باشید و در صحبت ها صداقت نشان دهید، هر کس امانتی را نزد شما نهاد آن را سالم تحویلش دهید، سجده های خود را در مقابل خداوند طولانی کنید و به همسایگان خوش رفتاری و نیکی نمائید. (أعیان الشیعة: ج ۲، ص ۴۱)
- ✓ هر کس در دنیا در مقابل دوستان و هم نوعان خود متواضع و فروتنی نماید، در پیشگاه خداوند در ژمره صدّیقین و از شیعیان امام علیّ (علیه السلام) خواهد بود. (احتجاج طبرسی: ج ۲، ص ۵۱۷، ح ۳۴۰)
- ✓ ذکر و یاد خداوند متعال، مرگ و حالات آن، تلاوت و تدبّر قرآن و نیز صلوات و درود فرستادن بر حضرت رسول - و اهل بیتش (علیهم السلام) - را زیاد و به طور مکرّر انجام دهید، همانا پاداش صلوات بر آن ها، ده حسنه و ثواب می باشد. (بحار الانوار: ج ۷۵، ص ۳۷۲، س ۲۱، ضمن ح ۱۲)
- ✓ اندیشه اُحمق در زبان اوست، ولیکن زبان و سخن عاقل در قلب او می باشد. (یعنی؛ افراد اُحمق اوّل حرف می زنند و سپس در جهت سود و زیان آن فکر می کنند، بر خلاف عاقل که بدون فکر سخن نمی گوید). (حف العقول: ص ۴۸۹، ص ۸)
- ✓ قوی ترین اشخاص آن شخصی است که هر گناه و خطائی را - در هر حالتی که باشد - ترک نماید. (أعیان الشیعة: ج ۲)
- ✓ کسی قدر نعمتی را نمی داند مگر آن که شکرگزار باشد و کسی نمی تواند شکر نعمتی را انجام دهد مگر آن که اهل معرفت باشد. (بحار الانوار: ج ۷۵، ص ۳۷۸، س ۱۶)
- ✓ یکی از نشانه های تواضع و فروتنی آن است که به هر کس برخورد نمائی سلام کنی و در هنگام ورود به مجلس هر کجا، جا بود بنشینی - نه آن که به زور و زحمت برای دیگران جایی را برای خود باز کنی (بحار الانوار: ج ۷۵، ص ۳۷۲، ح ۹)
- ✓ کسی که متکبر نباشد و موقع ورود به مجلس هر کجا جایی بود بنشیند تا زمانی که حرکت نکرده باشد خدا و ملائکه هایش بر او درود و رحمت می فرستند.
- ✓ با کسی جدال و نزاع نکن که بهاء و ارزش خود را از دست می دهی، با کسی شوخی و مزاح - ناشایسته و بی مورد - نکن و گرنه افراد بر تو جری و چیره خواهند شد. (أعیان الشیعة: ج ۲، ص ۴۱، س ۲۳)
- ✓ هر کس حقوق هم نوعان خود را بشناسد و رعایت کند و مشکلات و نیازمندی های آن ها را برطرف نماید، در پیشگاه خداوند دارای عظمت و موقعیت خاصی خواهد بود. (احتجاج طبرسی: ج ۲، ص ۵۱۷، ح ۳۴۰)
- ✓ تمام پلیدی ها در خانه ای قرار داده شده و کلید آن دروغگویی است. (بحار الانوار، ج ۷۸، ص ۳۷۷)
- ✓ در مقام ادب همین بس که آنچه برای دیگران نمی پسندی، خود از آن دوری کنی (مسند الامام العسکری، ص ۲۸۸)
- ✓ اظهار شادی نزد غم دیده، از بی ادبی است (تحف العقول، ص ۴۸۹)
- ✓ جدال مکن که ارزش می رود و شوخی مکن که بر تو دلیر شوند (تحف العقول ص ۴۸۶)



✓ کوشنده ترین مردم کسی است که گناهان را رها سازد. (تحف العقول، ص ۴۸۹)

حضرت امام مهدی (عج)

✓ هیچ چیز مثل نماز بینی شیطان را به خاک نمی مالد و او را خوار نمی کند، پس نماز بخوان و بینی شیطان را به خاک بمال.
(بحار الأنوار، ج ۵۳، ص ۱۸۲)

✓ نفع بردن از من در زمان غیبتم مانند نفع بردن از خورشید هنگام پنهان شدنش در پشت ابرهاست و همانا من ایمنی بخش اهل زمین هستم، همچنان که ستارگان ایمنی بخش اهل آسمانند. (بحار الأنوار، ج ۵۳، ص ۱۸۱)

✓ من آخرین جانشین پیامبر هستم، و به وسیله من است که خداوند بلا را از خاندان و شیعیانم دور می سازد (بحار الأنوار، ج ۵۲)

✓ هر کس در اجرای اوامر خداوند کوشا باشد، خدا نیز وی را در دستیابی به حاجتش یاری می کند. (بحار الأنوار، ج ۵۱)

✓ برای زود فرارسیدن فرج (و ظهور ما) زیاد دعا کنید، که آن همان فرج و گشایش شماست. (بحار النوار/۵۳/۱۸۱)

✓ اگر خواستار رشد و کمال معنوی باشی هدایت می شوی، و اگر طلب کنی می یابی. (بحار الأنوار، ج ۵۱، ص ۳۳۹)

✓ هر یک از شما باید به آنچه که او را به محبت ما نزدیک می سازد عمل کند، و از آنچه که مورد پسند ما نیست و ما را خشمگین می سازد دوری جوید. (الإحتجاج للطبرسی، ج ۲، ص ۳۲۴)

✓ پناه به خدا می برم از ناینایی بعد از روشن بینی، و گمراهی بعد از هدایت، و از اعمال ناشایسته و فتنه های نابود کننده.
(بحار الأنوار، ج ۵۳، ص ۱۹۰)

✓ علم و دانش ما به خبرهای شما احاطه دارد و چیزی از اخبار شما بر ما پوشیده نمی ماند. (بحار الأنوار، ج ۵۳، ص ۱۷۵)

✓ زمان ظهور و فرج ما با خداست، و تعیین کنندگان وقت ظهور، دروغگویانند. (بحار الأنوار، ج ۵۳، ص ۱۸۱)

✓ آگاه باشید به زودی کسانی ادعای مشاهده مرا خواهند کرد. آگاه باشید هر کس قبل از "خروج سفیانی" و شنیدن صدای آسمانی، ادعای مشاهده مرا کند دروغگو و افترازننده است؛ حرکت و نیرویی جز به خدای بزرگ نیست. (الإحتجاج للطبرسی، ج ۲، ص ۴۷۸)

✓ نیت های باطنی، زودتر از اعمال بدنی به پیشگاه خداوند می رسند. (روضه بحار/ ۳۶۴، ۲).





فصل ٧

شوق انتظار



پیشنهاد می شود به منظور ایجاد فضایی معنوی و تأثیر گذار، فضاسازی متناسب با بحث انتظار انجام شود

امام محمد باقر علیه السلام:

«کسی که با معرفت امامش بمیرد، مانند کسی است که با حضرت قائم علیه السلام در خیمه اش بوده باشد.»

این بشارت، برای کسانی که آرزوی درک زمان ظهور امامشان را دارند، بزرگ ترین مژده و بالاترین نوید است.

این حدیث نورانی و بشارت انگیز تمام مهدی باوران را به اهمیت و فضیلت «مهدی شناسی» و التزام به نشانه ها و آثار آن معتقد می سازد. کسی که به مقام «مهدی شناسی» برسد، حتی اگر در ظاهر به دلیل تأخیر ظهور، از درک محضر مولایش محروم بماند، چیزی از مقام مؤمنان در زمان ظهور کم نخواهد داشت، چرا که قلب او از رهگذر معرفت، همواره در محضر امام عصر خویش حاضر بوده و در واقع لحظه ای از درک حضور آن حضرت محروم و مهجور نمانده است. آری مهدی شناسان مقیمان درگاه محبتش و حاضر در خیمه گاه معرفتش هستند.

خوشا به حال مهدی شناسان که قلب پاک خویش را خیمه گاه محبت و معرفت او ساخته اند و به حضور و ظهوری همیشگی راه یافته اند. همکار گرامی اینک بشتاب تا معرفت و شناخت خود و دانش آموزانمان را نسبت به آن یگانه ی دوران و آن امیر مهربان ارتقا بخشیم و با شوق انتظار توفیق جرعه نوشی از جام محبت، معرفت، ولایت، رأفت و دعای خیر حضرتش را از خداوند طلب نماییم.

اصل انتظار

یکی از اصولی که در طول تاریخ بشر از آغاز تا امروز، از اکنون تا فردا و فرداهای تاریخ وجود دارد، اصل «انتظار» است و این اصل یک اصل اساسی است که همیشه تا همیشه در جامعه های بشری و در میان افراد انسان مطرح بوده است و هیچ کس نمی تواند منکر چنین اصل بدیهی گردد. چرا که اگر از وجود انسان «انتظار» برداشته شود، یک موجود پوچ و بی معنی و بی حرکت و در رکود خواهد بود. انتظار را می توان در مفهوم همان «امید و آرزو» و در شوق و عشق فردا و یا لحظاتی پرفروغ تر و ارزشمندتر از اکنون دانست و در نتیجه انسان در انتظار و امیدوار به آینده ای روشن هیچ وقت در رکورد و بی تفاوتی به سر نمی برد. آری، امید به بهروزی و انتظار به فردی نکوتر خواست فطری هر انسانی است و خواست مشترک همه بشر، که زمان و مکان نمی شناسد و به هیچ قوم و گروهی هم اختصاص ندارد و آن را همه وقت، در همه جا در میان تمام اقوام و ملل می توان شناخت. و اما انتظار منجی بزرگ، تنها نشانگر یک باور اسلامی، با رنگ خاص دینی نیست بلکه افزون بر آن عنوانی است که برای خواسته ها و آرزوهای همه انسان ها با کیش ها و مذاهب گوناگون که با همه اختلاف هایشان در عقیده و مذهب، دریافته اند که برای انسانیت در روی زمین «روز موعودی» خواهد بود که با فرا رسیدن آن هدف نهائی رسالت های آسمانی تحقق می یابد.

انتظار اصلی پویا و تعالی بخش

در واقع «انتظار» یک اصل کمال بخش و حرکت زا و پیش برنده و خودجوش و دائم در تلاش بودن و زمینه سازی برای رسیدن به موعود است و منتظر، انسانی است که تمام اندیشه و عشق و شور و احساس و عمل و فریاد و حرکت و سکون و سکوتش و ... در راه رسیدن به «موعود» صرف می شود.

انتظار در اسلام

«انتظار» در اسلام یک اصل مسلم و تردید ناپذیر است و آیه آیه قرآن دلیلی بر وجود «انتظار» است و به هیچ دلیلی نمی توان آن را از اسلام تفکیک نمود.



برای نمونه آیه قرآنی «و نريد ان نمّن علی الذین استضعفوا فی الأرض ...» که یعنی: «ما اراده کرده ایم تا بر مستضعفین زمین منت نهاده و آن ها را «امامان» و «وارثین»- زمین- قرار دهیم». دلیلی بر این حقیقت است و پیروان خود را و می دارد تا در تحقق قانون الهی و قطع ریشه مستکبرین و در نهایت امر به وراثت گرفتن زمین و گسترش عدل الهی و قسط که از آیات دیگر برمی آید، همیشه تا همیشه در «انتظار» چنین روزی آفتابی و پرفروغ به سر برده و امیدوار باشند

چند نمونه از احادیث انتظار

- ❁ پی امیر اکرم (ص): برترین عبادت انتظار فرج است، این مضمون در احادیث زیادی وارد شده است.
- ❁ امام رضا(ع): چقدر خوب است صبر و انتظار فرج، آیا شنیده ای فرموده خدای عزوجل را که: در انتظار فرج باشید که من با شما منتظرم.
- ❁ حضرت علی(ع): برترین عبادت، سکوت (از بیهوده گویی) و انتظار فرج است.
- ❁ حضرت زین العابدین(ع): انتظار فرج از برترین اعمال است.

* * * * *

و انتظار فرج یعنی:

- آماده بودن برای ظهور امام زمان و تشکیل دولت حقه آل محمد (ص) و حکومت جهانی آخرین سفیر الهی.
- مهیا ساختن روح و جسم خود برای روزی که با طلوع پیشوای غائب جهان، گشایش در کلیه شئون زندگی بشریت پدید می آید.
- امید برای از میان رفتن ظلم و زور.
- چشم به راه پدید آرنده تحول بزرگ جهانی.
- چشم به راه طلوع سپیده امید، شکافتن فجر نور عدالت انتظار
- و

* * * * *

امام مهدی (عج) کیست؟

سخن از امام مهدی(عج) سخن از یک موضوع عقیدتی و مذهبی بسیار حساس و مهمی است که رابطه تنگاتنگ با اسلام و مسلمانان دارد، چرا که وجود گرانیمای او یک واقعیت اسلامی و از مهمترین مسائل دینی و از مسائل اساسی مکتب و ارزش های معنوی دین اسلام است.

بحث از امام مهدی آن گونه که برخی فیلسوف نماها گفته اند، اندیشه ای نیست که به منظور تخفیف دردها و آرامش بخشیدن به رنج و فشاری باشد که از رهگذر حاکمیت زمامداران بیدادگر قرون و اعصار، در برخی اذهان و افکار جایگزین شده باشد. و نیز آن گونه که برخی عناصر نادان مدعی دانش و فرهنگ، تصور کرده اند، خرافه ای نیست که آن را داستان سرایان ساخته و پرداخته و به اسلام چسبانده باشند و نیز بازیچه تاریخی نیست تا اسباب تمسخر دشمنان بداندیش باشد بلکه یک واقعیت اسلامی است که در خور اهمیت بخشیدن بسیار و ژرف نگری فراوان ارزیابی و روشنگری اساسی است.

مسئله تداوم حیات اسلام و شکوه قرآن است، بحث مهم و اصیلی است که قرآن نویدگر آن است و پیامبر در موقعیت ها و مناسبت های گوناگون از آن سخن به میان آورده، امامان نور(ع) نوید و بشارت آن را نه تنها به شیعیان خود که به تمامی مسلمانان



قرون و اعصار داده اند و دانشمندان، مفسران، محدثان و مورخان نام آور و رهگذر قرون و اعصار، کتاب های مفصل و مستقلى پیرامون آن نوشته اند.

امام مهدی (عج) از شخصیت هایی نیست که گذشت زمان او را در کام خود فرو برد و تاریخ آن را به فراموشی سپارد. او ندای رسای میلیون ها انسان و معشوق دل عصرها و نسل هاست. چشم امت ها به او دوخته شده و نقطه امید جامعه هاست. آن گرمی هم اکنون زنده، اما از دیدگان نهان است. مردم او را می بینند و نمی شناسند و او نیز خویشتن را معرفی نمی کند و در هر نقطه ای از جهان که اراده کند، حضور می یابد. او بر سراسر جهان و به همه بندگان شهرها و کشورها احاطه و تسلط و اشراف دارد. به اذن خدا هر رخدادی در سراسر جهان رخ دهد می داند و روزی که نزد خدا مشخص است و برای ما نامعلوم، پس از علائم و نشانه های قطعی پیش از ظهور، از پس پرده غیب ظاهر می گردد. پس از ظهور بر سراسر گیتی حکم می راند و مسیح (ع) از آسمان فرود آمده و به امامت او نماز می خواند. همه دولت ها و ملت ها در سراسر جهان، در برابرش خاضع می گردند. اسلام راستینی را که نیای گرانقدرش محمد (ص) آورد، با خود می آورد و پیاده می کند و ...

نویدهای پیامبر و ائمه اطهار (علیه السلام) در مورد حضرت مهدی (عج)

پیامبر و خانواده پیامبر و ائمه اطهار (ع) در موضوع مهدی (ع) چه عقیده ای داشتند؟

روایاتی که از پیامبر در مورد امام مهدی (ع) وارد شده، بدون تردید بیشترین و بزرگترین دسته از روایات را در این موضوع تشکیل می دهد از نکات قابل توجه، در این مورد، این است که بیشترین روایات موجود در کتاب های اهل سنت پیرامون وجود گرانیامیه حضرت مهدی (ع) از خود پیامبر گرمی (ص) است و این روایات با سندهای متعدد و مضامین و معانی و محتوای متنوعی وارد شده است.

- این روایات گاهی ضمن گفتاری از امامان دوازده گانه، نوید حضرت مهدی (عج) و ظهور عدالت جهانی او را به مسلمانان می دهد و به صراحت خاطر نشان می سازد که او دوازدهمین آنان است.
- و گاه از این حقیقت سخن دارد که او از فرزندان فاطمه (س) دارد.
- و گاه بیان گر این واقعیت می باشد که او از نسل سرفراز حسین (ع) است.
- و گاه ترسیم گر این پیام است که آن وجود گرانیامیه نهمین امام از نسل حسین (ع) می باشد.

بعد از رحلت پیامبر نیز موضوع مهدویت، در بین مسلمین و اصحاب ائمه اطهار شایع و مورد بحث بود. اهل بیت پیامبر (ص) و حاملین علوم و اسرار نبوت، که از همه کس، به اخبار و احادیث پیامبر آشناتر بودند، درباره مهدی سخن می گفتند و به سوالات مردم پاسخ می دادند.

از باب نمونه از پیامبر و امامان به یک نمونه حدیث اکتفا می نمائیم.

پیامبر اکرم (ص): «سعد ابن جبیر» از ابن عباس و او نیز از پیامبر آورده است که فرمودند:

جانشینان من و حجت های خدا بر مردم پس از من، دوازده نفرند، نخستین آنان برادر من و آخرینشان فرزندم می باشد. پرسیدند: برادر شما کیست ای پیامبر خدا؟

فرمود: علی ابن ابیطالب (ع) پرسیدند: فرزندتان کیست؟



فرمود: فرزندانم، مهدی است و همو که زمین را لبریز از عدل و داد می کند و همان گونه که از ظلم و بیداد در آستانه ظهور او لبریز شده است.

به خدایی که مرا به حق و بشارت دهنده برانگیخت، اگر از عمر دنیا تنها یک روز باقی مانده باشد، خداوند آن روز را آن قدر طولانی خواهد ساخت تا فرزندانم مهدی(ع) در آن ظهور کنند. آن گاه عیسی بن مریم از آسمان فرود می آید و به امامت او، نماز می گذارد و زمین به نور پروردگارش نور باران می گردد و حکومت او، به شرق و غرب گیتی گسترش می یابد و زمین و زمان در قلمرو عدالت و قدرت او قرار می گیرند.

حضرت علی(ع): حضرت علی(ع) فرمود: مهدی موعود از ما به وجود خواهد آمد و در آخرالزمان ظهور می نماید. در بین هیچ ملتی، مهدی منتظری غیر او وجود ندارد.

حضرت فاطمه(س): حضرت فاطمه(س) به حسین(ع) فرمود: هنگامی که ترا به دنیا آوردم، رسول خدا(ص) بر من وارد شد - تو را در بغل گرفت - سپس فرمود: ای فاطمه! حسین را بگیر و بدان که او پدر نه امام است و از نسلش امام های صالحی به وجود خواهند آمد که نهی آنان قائم است....

امام حسن(ع): امام حسن(ع) فرمودند: مردم! آیا نمی دانستید که هر کدام از ما خاندان وحی و رسالت تحت سیطره و حاکمیت طاغوت زمانش، زندگی می کند و به ناچار فشار ستم بر او تحمیل می گردد جز «قائم ما» همو که روح خدا، عیسی بن مریم، به امامت او نماز می گذارد، چرا که خداوند ولادت او را مخفی و شخصیت او را نهان می دارد تا هنگامی که به دستور او ظهور کند، بیعت قدرتمندان را گردن نداشته و تحت حاکمیت ظالمی زندگی نکند. او نهمین امام معصوم، از نسل برادریم حسین است و فرزند بهترین زنان. خداوند در پشت پرده غیبت عمر او را به بلندای آفتاب طولانی می سازد و آن گاه به قدرت خویش او را در چهره جوانی، کمتر از چهل سال ظاهر می سازد تا همگان بدانند که خداوند بر هر کاری تواناست.

امام حسین(ع): آن حضرت به عبدالله بن عمر فرمود: اگر از عمر این جهان تنها یک روز باقی مانده باشد، خداوند آن روز را طولانی می سازد تا مردی از فرزندان من ظهور کند و جهان را همان گونه که از ظلم و جور لبریز گشته است از عدالت و قسط مالا مال سازد. این واقعیت را من به همین صورت که گفتم از پیامبر خدا (ص) شنیده ام.

علی ابن الحسین(ع): ولادت قائم ما بر مردم مخفی می ماند به طوری که خواهند گفت: اصلاً متولد نشده است، علت مخفی شدن آن حضرت این است که وقتی نهضت خود را شروع نمود بیعت کسی در گردنش نباشد...

حضرت باقر(ع): به خدا سوگند امامت، عهدی است که از رسول خدا به ما رسیده است، امام های بعد از پیامبر(ص) دوازده نفرند که نه نفرشان از نسل حسین می باشند. مهدی نیز از ما به وجود می آید و در آخرالزمان دین را نگهداری می کند.

حضرت صادق(ع): «برای هر گروهی، دولت و حکومتی است که انتظارش را می کشند و حکومت عادلانه و جهانی ما در آخرالزمان پدیدار خواهد شد»

امام کاظم(ع): امام در پاسخ یونس ابن عبدالرحمن که سوال نمودند: آیا تو قائم حق هستی؟

فرمود: من قائم به حق هستم، لیکن آن قائمی که زمین را از وجود دشمنان خدا پاک می نماید و از عدل و داد پر می کند، پنجمین فرزند من است. چون بر جان خویش ترسان است، مدتی طولانی غایب می گردد. در عصر غیبت، گروهی از دین خارج می شوند ولی عده ای هم در عقیده خویش پایدار می مانند.



سپس فرمود: خوشا به حال شیعیانی که در زمان غیبت امام زمان (عج) به ولایت ما چنگ زنند و بر درستی ما و بیزاری از دشمنانمان ثابت قدم بمانند، آنان از ما هستند و ما از آن هائیم، آنان به امامت ما راضی شده اند، ما نیز از پیروی آن ها خوشودیم. پس خوشا به حالشان.

به خدا سوگند! در درجات بهشت با ما خواهند بود...

امام رضا (ع): «ابوالصلت هروی» آورده است که به حضرت رضا (ع) گفتم: سرورم! نشانه قائم شما به هنگامه ظهور چیست؟ حضرت فرمودند: از نشانه هایش این است که با وجود عمر طولانی به صورت جوانی شاداب و پرشکوه ظاهر می گردد به گونه ای که هر کس بر او نظاره کند او را کمتر از چهل سال می نگرد و از دیگر نشانه هایش این است که گذشت روزگار تا آخرین لحظات زندگی او را پیر نمی سازد.

امام جواد (ع): حضرت «عبدالعظیم حسنی» آورده است که به محضر امام جواد (ع) شرفیاب شدم و تصمیم گرفتم که از او پرسم آیا او «قائم» آل محمد (ص) است یا دیگری؟ اما پیش از این که سخن آغاز نمایم، او فرمود: «قائم» ما خاندان وحی و رسالت، حضرت مهدی (عج) است، هموست که در دوران غیبتش باید مردم انتظار ظهورش را کشند و پس از ظهورش فرمان او را به جان بخرند و او سومین فرزند از نسل من است. به خدایی که محمد (ص) را به رسالت برانگیخت و ما را به امامت برگزید، اگر از عمر این جهان تنها یک روز باقی مانده باشد، خداوند آن روز را طولانی خواهد ساخت تا او ظهور نموده، جهان را پر از عدل و داد سازد. همان گونه که به هنگامه ظهورش از ستم و بیداد لبریز است.

خداوند، کار قیام او را در یک شب تاریخی و جاودانه فراهم سازد. همان گونه که رسالت و نبوت موسی ابن عمران را به هنگامی که به سوی آن آتش رفت تا برای خاندانش از آن برگیرد، اصلاح فرمود و آن جناب در حالی بازگشت که به رسالت برانگیخته شده بود. آن گاه فرمود: پرفضلیت ترین و برترین اعمال شیعیان و دوستداران ما، انتظار فرج است.

امام هادی (ع): فرمودند: امام پس از من فرزندی حسن است و پس از او پسرش «قائم». همو که زمین را از عدل و داد لبریز می سازد، همان گونه که در آستانه ظهورش از ستم و بیداد لبریز است.

انتظار مصلح جهانی، اعتقادی فراتر از حوزه اعتقادات مسلمانان

عقیده به مصلح بزرگ جهانی از حوزه اعتقادات مسلمین نیز فراتر رفته و در ادیان قدیم مانند: آئین زردشتی، یهود، مسیحیت و هندی، بودایی ... به عنوان یک اصل مسلم و قطعی مطرح است و هر یک از انبیای سلف و رهبران مذهبی گذشته به پیروانشان از آمدن مصلح عینی و تشکیل دهنده حکومت واحد جهانی بشارت داده و به مظلومان، ستمدیدگان، مستضعفان و بیچارگان، از سپری شدن فصل چپاولگران بین المللی و غارتگران حرفه ای و ستم پیشگان بی رحم و فرارسیدن فصل شکوفائی عدالت و پیاده شدن قانون مقدس الهی در سراسر گیتی نوید داده اند.

در کتاب «اوستا» و «زند» زرتشتیان، «شاد کمونی» و «دید» هندیان، «دادتک» و «پاتیکل» برهمنیان و در کتب مقدس بودائیان، در مزامیر «زبور» منسوب به حضرت داود و در فصول «تورات» منسوب به حضرت موسی (ع) و اسفار «انجیل» منسوب به حضرت عیسی (ع) و... سخن از ظهور منجی بشریت و مصلح کل و بر هم زنده بساط ظلم و ستم و تشکیل دهنده حکومت واحد جهانی مبتنی بر پایه های عدالت نوید داده شده است.

در هر یک از آئین، ادیان، مکاتب، ملل و اقوام، از مصلح جهانی با تعبیرهای متناسب با فرهنگ خود نام برده و سخن گفته اند.

هر یک به زبانی سخن حمد تو گوید بلبل به غزل خوانی و قمری به ترانه



در آئین زرتشت از او به نام «سوشیانت» یا «سوشیانس» (نجات دهنده بزرگ جهان)، در میان یهودیان به نام «ماشیح» (مهدی بزرگ) و در آئین هندی به نام «آواتارا» و در آئین بودایی به نام «بودای پنجم» و در میان برهمنیان به نام «ویشنو» و در کتاب شاکمونی از کتب مقدس هندیان به نام «فرزند سید خلاق دو جهان» و در کتاب مقدس دادتک برهمنیان به نام هندیان به نام «آخرین وصی ممتاط» (محمد) و در کتاب پاتیکل به نام «راهنما» (هادی، مهدی) تعبیر شده است.

و اهالی صربستان در انتظار «مارکو کرالیویچ»، ساکنان جزایر انگلستان در انتظار «ارتور» ایرانیان باستان نیز در انتظار «گرازسپه»، یونانیان در انتظار «کاتویرگ»، اقوام اسکاندیناوی در انتظار «اودین»، اقوام اروپای مرکزی در انتظار «بوخص» و اقوام آمریکای لاتین در انتظار «کوتزلکوتل» و چینی ها در انتظار «کرشنا» به سر می برند.

بنابراین، مسئله اعتقاد به مصلح واقعی و تشکیل دهنده حکومت واحد جهانی، یک اصل قطعی و مسلم و پذیرفته شده میان پیروان تمام ادیان و مذاهب و ملل بوده است.

شرح مختصر از ولادت آن حضرت

نام مادر بزرگوار او نرگس است. او نوه یک قیصر مسیحی بود. نرگس با رویایی که در خواب از حضرت زهرا (س) دید مسلمان شد ولی هیچ کس از این ماجرا اطلاعی نداشت تا اینکه در یکی از جنگ های قیصر با مسلمانان قیصر شکست سختی خورد و نرگس به اسارت مسلمانان درآمد. امام هادی (ع) او را خریداری کرد و به عقد پسرش امام حسن عسگری (ع) در آورد.

در تاریخ ۱۵ شعبان سال ۲۵۵ هجری، حضرت نرگس، حضرت مهدی (ع) را بدنیا آورد. محل زندگی ایشان در سامراء بود ولی امام حسن عسگری (ع) او را مخفی نگه داشت چون حکومت عباسی در صدد بود تا مهدی (ع) را به قتل برسانند حضرت مهدی (عج) در سن پنج سالگی به امامت رسید و بر بدن مبارک پدرش نماز خواند.

حکومت عباسی خیلی تلاش کرد آن حضرت را بکشد اما خداوند او را از چشم دشمنان مخفی کرد و پس از شهادت پدر بزرگوارش و در آغاز امامتش غیبت صغری شروع شد و در همان موقع اولین سفیرش را برای ارتباط با شیعیان معرفی کرد.

حضرت مهدی چهار سفیر داشت که عبارتند از: عثمان بن سعید عمری، محمد بن عثمان عمری، حسین بن روح نوبختی و علی بن محمد سمری که در طول ۷۰ سال غیبت صغری واسطه بین امام و مردم بودند. حکومت عباسی برای پیدا کردن امام (عج) و سفیرانش، شیعیان را مورد اذیت و آزار قرار می دادند ولی هیچ وقت موفق به یافتن آنها نشدند.

وعده آسمانی

بعد از مرگ سفیر چهارم غیبت کبری شروع شد و هنوز هم ادامه دارد که سفیرهایش فقها و مراجع تقلید هستند از مهمترین نشانه های ظهور امام زمان (عج) این است که ظلم و ستم تمام زمین را فرا می گیرد و جنگ های بسیاری اتفاق می افتد. و هنگامی که امام (عج) ظهور می کند و از مکه خارج می شود سپاه سفیانی بر علیه امام زمان وارد جنگ می شود و به دستور خداوند زمین سپاه او را فرو می برد.

سؤال؟ ((مردم چگونه از ظهور صاحب الزمان (عج) مطلع می شوند؟

ندایی آسمانی می آید که این مرد از خاندان محمد و آل محمد (ص) است از او پیروی کنید. او در روز جمعه در کعبه ظهور می کند و به سوی مدینه می رود و مرکز حکومتش را کوفه قرار می دهد. ولی نمی توانیم درباره ی سال ظهور امام سخنی بگوییم و فقط خداوند خبر دارد و آیاتی از قرآن درباره بشارت ظهور امام را می دهد.

مانند: و نریدان نمین علی الذین استضعوا فی الارض و نجعلهم ائمه و نجعلهم الوارثین و... (۵ و ۶ قصص)



آیاتی از قرآن درباره امام زمان

۱. سوره فصلت، آیه ۵۳
۲. سوره انبیاء، آیه ۱۰۵
۳. سوره انفال، آیه ۷
۴. سوره هود، آیه ۸۶

احادیثی از معصومین درباره منتظران

پیامبر(ص): بالاترین عبادت انتظار فرج است .
 امام علی(ع): محبوبترین اعمال نزد پروردگار انتظار فرج است .
 امام حسین(ع): آگاه باشید که منتظران ظهور همانند مجاهدانی هستند که در حضور رسول خدا شمشیر زده اند.
 امام سجاد(ع): منتظران، برگزیدگان مخلص و شیعیان راستین ما هستند.
 امام باقر(ع): به منتظران ما پاداشی معادل کسی که روزها را روزه بگیرد و شبها را عبادت کند می دهند.
 امام صادق(ع): هر کس منتظر باشد و در این راه آزار ببیند فردای قیامت در صف ما خواهد بود .
 امام کاظم(ع): خوشا به حال شیعیان ما در عصر غیبت که دوستی ما را فراموش نمی کنند
 امام زمان(عج): شیعیان ما عاقبت خوشی در زندگی دنیا دارند به شرطی که از گناهان دوری جویند.

روایات

دعای آزادی

در زمان های دور در شهر بغداد حاکم ستمگری وجود داشت که دوستان اهل بیت (ع) را اذیت می کرد. روزی آن حاکم به سربازانش دستور داد شخصی به نام ابوحسن محمد بن ابوليث را که یکی از بزرگان شهر و دوستان اهل بیت بود دستگیر کنند، این خبر وقتی به گوش ابوحسن رسید به ناچار از ترس جاننش از منزل خارج شد و به سوی قبرستان قریشی ها در جوار مرقد مطهر امام کاظم و امام جواد(ع) پناه برد. در یکی از شب ها که ابوحسن در قبرستان مشغول راز و نیاز با خداوند بود، حضرت مهدی(عج) بر او وارد شد و این دعا را به او یاد داد: ((اللهم عظم البلاء و برح الخفاء و انقطع الرجاء و انكشف الغطاء و ضاقت الارض و منعت السماء و انت المستعان و الیک المشتکی و علیک المعول فی الشده و الرخاء، اللهم فصل علی محمد و آل محمد أولى الأمر الذین فرضت علینا طاعتهم و عرقتنا بذلک منزلتهم ففرج عنا بحقهم فرجاً عاجلاً قریباً کلمح البصرأ و هو أقرب، یا محمد یا علی اکفیاننی فانکما کافیان و انصرانی فانکما ناصران، یا مولای یا صاحب الزمان، الغوث الغوث أدرکنی أدرکنی)) ابوحسن این دعا را می خواند، تا صبح خانواده اش به او گفتند:

« سربازان حاکم به منزلش آمدند و هدیه هایی آوردند و گفتند حاکم قصد دارد از ابوحسن عذر خواهی کند »، ابوحسن بسیار خوشحال شد و به منزلش بازگشت. حاکم هم وقتی او را دید، از او عذر خواهی نمود. خداوند ابوحسن را به واسطه این دعا نجات داد و کرامت بخشید.

داستان شفای بیمار

شیخ حر عاملی یکی از بزرگان شیعه می باشد. در ۱۰ سالگی بیماری سختی گرفت به طوری که تمامی طبیبان جوابش کردند. در لحظات آخر عمرش خانواده و نزدیکانش گرد وی جمع شده بودند. در همین حال شیخ حر عاملی که بین خواب و بیداری بود، پیامبر اسلام و دوازده امام(ع) را مشاهده نمود، به همه آنها عرض سلام کرد و با یک یک آن بزرگواران دست داد؛ وقتی به امام



صادق (ع) رسید امام صادق جهت شفای او دعا نمود و هنگامی که به حضرت مهدی (ع) رسید به امام عرض کرد: «مولای من، می ترسم به وسیله این بیماری از دنیا بروم و نتوانم علوم اهل بیت (ع) را فرا گیرم» امام زمان (ع) به وی فرمود: «نترس، تو با این بیماری از دنیا نمی روی و خداوند تو را شفا خواهد داد و عمر با برکت و طولانی به تو عطا خواهد نمود» سپس ظرفی پر از آب را به حر عاملی داد و او آب را نوشید. وقتی از حالت رویا خارج شد مشاهده کرد بیماری او به طور کامل از بدنش خارج شده است، تمام حاضران و خانواده اش از مشاهده این حالت متعجب شدند. بعد ها او به تحصیل در علوم دینی و مذهبی پرداخت و یکی از بزرگترین علمای شیعه گردید.

سزای بد اخلاقی

یکی از دشمنان اهل بیت (ع) در حرم مطهر حضرت امام هادی و امام حسن عسکری (ع) در سامراء و در سرداب غیبت امام زمان (عج) مشغول به کار بود، و همیشه سعی می کرد با حيله و نیرنگ اموال زائران و دوستداران اهل بیت (ع) را به چنگ بیاورد، این شخص که نامش حمود بود نه فقط به سرقت اموال و دارائی های زائران اکتفا نمی کرد بلکه همیشه سعی می کرد با بی احترامی به زائران و گفتن فحش و ناسزا، آنها را مورد آزار و اذیت قرار بدهد و مانع آرامش و آسودگی آنها می شد، با صدای بلند می خندید تا زائران نتوانند در هنگام دعا حضور قلب داشته باشند. شبی در خواب حضرت مهدی (عج) را مشاهده کرد آن امام بزرگوار به وی فرمود: «تا چه موقع می خواهی به زائران و دوستداران خاندان من بی احترامی و توهین کنی و مانع از زیارتشان بشوی؟ از آنها چه می خواهی و چرا اموال آنها را از راه های غیر مشروع به چنگ می آوری»، در همین حال آن شخص از خواب پرید، در حالی که نه می توانست حرف بزند و نه چیزی بشنود، به این ترتیب زائران از دست او راحت شدند و آن شخص به همین حالت باقی ماند تا مرگ وی فرارسید و به جهنم رفت.

مسافر مکه

مردی از شیعیان جهت ادای مناسک حج، خانه و کاشانه خود را ترک کرد و همراه کاروانی به سوی مکه حرکت نمود، آن سال هوا بسیار گرم شده بود به طوری که از شدت گرما بعضی از کاروانیان بیمار شدند، در یکی از روزها ضعف و تشنگی بر این مرد به شدت فشار آورد و به تدریج از کاروان عقب افتاد. تا این که از شدت خستگی و تشنگی بر روی زمین افتاد و دیگر قادر به ادامه راه نبود و مرگ خود را نزدیک می دید، پس از لحظاتی حس کرد اسبی در بالای سرش ایستاده است، چشمان خود را باز کرد، مشاهده کرد یک جوان عرب، سوار بر اسب، در کنارش ایستاده و به او اشاره می کند تا کاسه آب را از او بگیرد. آن مرد آب را نوشید، او تا به حال چنین آب گوارایی ننوشیده بود، مرد از جوان عرب پرسید: «تو که هستی؟» او پاسخ داد: «من حجت خدا بر زمین می باشم؛ پس از آنکه زمین پراز ظلم و ستم شد، آن را پراز عدل و قسط خواهم کرد، من فرزند حضرت زهرا (ع) و علی (ع) هستم. هنگامی که آن مرد متوجه شد که با امام زمان (عج) ملاقات کرده است بسیار خوشحال شد» امام (ع) به او گفت: «چشمان خود را ببند»، وقتی چشمان خود را بست؛ امام فرمود: «حالا چشمان خود را باز کن»، آن شیعه چشمان خود را باز کرد و خود را در میان کاروانیان دید و مشاهده کرد حضرت مهدی (عج) آرام آرام دور می شود.

زیارت در شب چهلیم

احمد جوانی است مؤمن که به خدا و پیامبر و خاندان او ایمان دارد، او به همراه همسر و فرزند و پدرش که مرد بزرگی است در اطراف شهر کوفه زندگی می کردند. احمد آرایشگری بود که به در آوردن روزی از راه حلال خیلی اهمیت می داد؛ همچنین به پدر پیرش خیلی رسیدگی می کرد، غذا و داروها را با دستان خویش در دهان پدرش قرار می داد و هیچ روزی در خدمتگزاری به او کوتاهی نمی کرد، وقتی از محل کار به منزل می آمد تمام وقتش را صرف پدر و خانواده اش می کرد، فقط شبهای چهارشنبه



به همراه تعدادی از دوستان مؤمنش جهت خواندن نماز و دعاء برای زیارت حضرت امام زمان (عج) به مسجد سهله می رفت. (روایت است هر مؤمنی که در راه خدا چهل شب چهارشنبه به این مسجد مقدس برود، می تواند توفیق زیارت امام زمان را پیدا کند).

در چهلمین شب احمد تأخیر کرد و نتوانست با دوستانش به مسجد برود، او بعد از نماز مغرب و عشاء به تنهایی و با پای پیاده به سوی مسجد حرکت کرد. همه جا تاریک بود، او در زیر نور ماه راه می رفت که یکباره اسب سوار عربی را از دور دید، که به او خیره شده است، در ابتدا احمد ترسید، وقتی آن مرد نزدیک شد احمد آثار وقار و عظمت و نورانیت را در چهره آن شخص مشاهده کرد، اسب سوار به احمد گفت: «آیا به همراه خود غذایی داری؟» احمد گفت: «یک شکلات دارم که برای پسرم خریده ام، ولی فراموش کردم به او بدهم». اسب سوار گفت: «به تو توصیه می کنم به خانه ات برگردی و تا می توانی از پدر پیرت مراقبت کنی و همیشه با او مهربان باشی»

در این هنگام ناگهان اسب سوار از جلوی چشمان احمد ناپدید شد و تازه در آن لحظه، متوجه شد که این شخص همان امام عصر (عج) است و توفیق زیارت امام نصیبش شده است و او را سفارش کرد به نیکی پدر و مادر که همانا نیکی به پدر و مادر از بزرگترین عبادات در نزد خداوند است، پس از آن احمد به خانه اش برگشت و بیشتر از گذشته به پدرش رسیدگی می کرد و همیشه خدا را شکر می کرد که نعمت زیارت مولایش حضرت صاحب الزمان (ع) را نصیب او فرمود.

داستان تلاش بی ثمر

روزی خلیفه عباسی تصمیم به قتل امام حسن عسگری (ع) گرفت. او شمشیر زهرآگین و مقداری پول آماده کرد و از اطرافیاناش خواست تا فردی را اجیر کنند تا امام را به قتل برساند بالاخره آن فرد پیدا شد و به سمت سامرا حرکت کرد از مردم سامرا نشانی امام را پرسید و به مردم گفت که نیازمند فقیر است و می خواهد که امام به او کمک کند.

او در نزدیکی منزل امام کمین کرده بود وقتی امام با یارانش از منزل بیرون آمدند آن مرد به سوی امام حمله برد اما یاران امام با شجاعت از امام محافظت کردند و مرد تبهکار زخمی شد و گریخت امام به یارانش فرمود: رهایش کنید او نمی تواند کاری بکند چون خداوند حافظ ماست. مرد تبهکار منتظر ماند تا زخمش خوب شود و یکروز وقتی امام مشغول خواندن نماز بود، به امام حمله کرد که ناگهان به شدت زمین خورد و زخمی شد. امام که نمازش تمام شده بود به آن مرد گفت: ای خدا شناس بی دین تو هیچ وقت به هدف نمی رسی چون خداوند نگهدار من و مؤمنین است او از امام عذر خواهی کرد امام هم او را بخشید. اما آن مرد تبهکار تصمیم گرفت که نرگس خاتون را به قتل برساند پشت دیوارخانه کمین کرده بود که دیوار بر سرش خراب شد. صبح زود هم پشت درختی کمین کرد تا امام حسن عسگری (ع) را به قتل برساند که ناگهان ماری پایش را نیش زد و به هلاکت رسید. امام حسن عسگری (ع) خطاب به یارانش که در کنارش بودند فرمود: خدای سبحان سربازانی در آسمان و زمین دارد که مراقب من و مهدی من هستند و کسی نمی تواند نور خدا را خاموش کند.



مسابقه مهدی شناسی :

نام مادر گرامی امام زمان قبل از اسلام آوردن چه بود؟

با کمک حروف داده شده ، یکی از القاب و نام های مبارک آخرین منجی عالم بشریت را حدس بزنید.

هفته اول (صاحب الزمان)

ن □ □ □ □ □ □ ب □ □ □ □

هفته دوم .(امام عصر)

ر □ □ □ م □ □ □ □

هفته سوم مهدی

□ □ □ □ م

هفته چهارم غایب

□ □ □ □ غ

هفته پنجم ولی الله

□ □ □ □ □ □ □ و

و....



اشعار

شعر: صحن پا ک جمکران

می دهد روح و جان ، مسجد جمکران
 بوده دریادما ، هست و هست با صفا
 چشم من بی قرار، مانده در انتظار
 هست و در غیبت است ، پاک و با هیبت است .
 جمکران جای اوست ، میروم پیش دوست.

جمکران می روم ، شاد و شاد می شوم
 می روم با وضو، خوب و خوش پیش او
 چونکه آن ، مرد دین ، رهبر مؤمنین
 از همه برتر است ، بر همه سرور است

شعر: بهار موعود (مهدی وحیدی صدر)

بوده ای تو در ، قلب و جان ما
 بوده دین تو ، دین مصطفی
 بوده قدرتت ، مثل مرتضی
 بی تو زندگی ، گشته بی بها
 ای که بوده ای ، حجت خدا

ای امام عصر پس بیا بیا
 ای ولی امر پس بیا بیا
 ای وصی پاک پس بیا بیا
 ای بهار ما پس بیا بیا
 منتظر شدیم پس بیا بیا

شعر امید آخر کیه ؟

امید آخر کیه ؟
 از همه بهتر کیه ؟
 دوست شماها کیه ؟
 پناه بی کسان کیه ؟
 یاور مهربان کیه ؟

امید آخر مهدی
 از همه بهتر مهدی
 دوست شماها مهدی
 پناه ماها مهدی
 یار همه ما مهدی

امام و سرور مهدی
 منجی دنیا مهدی
 یوسف زهرا مهدی
 صاحب دنیا مهدی

امام و سرور کیه ؟
 منجی دنیا کیه ؟
 یوسف زهرا کیه ؟
 صاحب این زمان کیه ؟

شعر: عید عزیز جمعه

جمعه او مد دوباره
 روز ظهور آقا
 منتظرت می مونیم
 «بیا عزیز دلها»

عید شده باز بهاره
 مهدی آل طاها
 صبح تا غروب می خونیم
 بیا امید زهرا»

عید عزیز جمعه
 ما همه چشم براهیم
 «آقای ما کجایی؟»
 جان همه فدایت»

روز دعای ندبه
 عاشق یک نگاهتیم
 خدا کنه بیایی»
 قربان خاک پایت «

شعر: دعای ما اثر داره

هر روز و شب دعا کنیم
 خدای خوب و دانا
 خدایا ، خدایا
 جان پیامبر ما

خداتورو صدا کنیم
 خالق آب و دریا
 تورا به جان مولا

دعای ما اثر داره
 کاشکی که آقا بیاد
 اجازه ده ظهورش

خدا به ما نظر داره
 صاحب دنیا بیاد
 پرکن جهان ز نورش



شعر: امید آخر

سلام ، سلام بچه ها	سلام ، سلام غنچه ها	روی زمین زیبا	یه گوشه ای همین جا
امید آخر ما	امام و سرور ما	ما رو نگاه می کنه	همش دعا می کنه
او صاحب زمانه	آقا چرا پنهانه؟!	چون بیشتر آدما	غافل زیاد خدا
با کارهای زشتشون	شدند اسیر شیطان	آقا امام زمان	یار همه شیعیان
وقتی که زشتی رودید	از دست اونها رنجید	گفت: «هنوز یار ندارم	عاشق و غمخوار ندارم»
دیگه غریب و تنها	غایب شد از نظرها	بچه ها بیدار شویم	با همدیگه یار شویم
باید که غوغا کنیم	آقا رو پیدا کنیم		

شعر: خدایا میشه یه روزی دیگه بدی نباشه؟

انتظار خوبی ها

یاد خدا چه زیباست	بهترین کاردنیاست	کسی که یاد خداست	از غصه و غم رهاست
هر کی یاد خدا نیست	از کار بد جدا نیست	چرا که در کاربرد	رضایت خدا نیست
انجام اون گناهه	صلاح بنده ها نیست	دراین زمونه ی ما	میون خلق دنیا
کم شده مهر و وفا	زیاد شده بدیها	ولی همیشه هرجا	بنده ی خوب خدا
با بندگی و تقوا	دور می شه از بدی ها	خدا می شه یه روزی	یه چاره ای بسازی؟
دیگه بدی نباشه	غم و غصه نباشه	دردل مردم همه	فقط یاد تو باشه
دنیا می شه گلستون			
خدا داره یه بنده	یه بنده ی ارزنده	او بهترین بنده شه	مژده ی آینده شه
دست خدا باهاشه	امام بنده هاشه	او در کنار ما نیست	ولی زما جدا نیست
هر کی میخواد بگیره	از او نشان و بهره	بدونه که او مثله	خورشید پشت ابره
گرچه دیده نمیشه	دنیا بی اون نمی شه	همیشه در یاد ماست	ازما غافل نمی شه
هر کی می خواد هدایت	او می کنه عنایت	دانا و مهربونه	درد ما رو می دونه
هر کی بهش رو کنه	براش دعا می کنه	او کشتی نجاته	چاره ی مشکلاته
یه روز میاد دوباره	صلح و صفا میاره	دنیا میشه گلستون	از یاد می ره زمستون
پرنده ها می خونن	خوشحال توی آسمون	دنیا چقدر قشنگه	چقدر خوش آب و رنگه
زمین چه سبزه زاره	دیگه همش بهار	بارون میاد همیشه	توصحرا و توییغه
نرم و آروم می باره	هیچ موقع سیل نمی شه	حیوونای درنده	پرنده یا خزنده
با هم می شن مهربون	هم خونه و هم زبون	دیگه کسی نداره	از اونا هیچ واهمه
توی شهرها می گردن	میون مردم همه	با شمشیر عدالت	با قدرت و شجاعت
از مظلومای عالم	او می کنه حمایت	صلح جهانی می شه	دنیا می شه یه خونه
هر جا می ری همیشه	فقیر پیدا نمیشه	همه باهم می خندن	کسی دلگیر نمیشه



کنار هم می مونن	درد همو می دونن	سالها می مونن جوون	با هم می شن مهربون
دور می شن از بدی ها	با ذکر و یاد خدا	می رن به سوی خدا	مردم ، همه با رغبت
ای خدا ، ای خدا ..	باهم می گن یک صدا	پر می شه تو مسجدا	وقت اذان که می شه
برای شکر خدا	ما هم همیشه هر جا	مهدی رودادی به ما	چه لطفی کردی برما
	باشیم یار مهدی	که باشیم یار مهدی	می کنیم با توعهدی



فصل ۸

پیامهای بهداشتی



بهداشت در آیین احادیث

امام علی(ع): سلامتی بهترین نعمت است. (غررالحکم حدیث ۱۰۵۰)

امام علی(ع): دو چیز است که قدر و قیمتشان را نمی شناسند مگر کسی که آن دو را از دست داده باشد، یکی جوانی و دیگری تندرستی و عافیت است. (الحديث جلد ۱)

امام رضا(ع): پاکیزگی از اخلاق پیامبران است. (تحف العقول)

پیامبر(ص): خداوند پاک و پاکیزه است و پاکیزگی را دوست دارد، تمیز است و تمیزی را دوست دارد. (میزان الحکمه جلد ۴)

پیامبر(ص): زندگی بدون سلامتی لذت بخش نیست. (نهج الفصاحه)

پیامبر(ص): پاکیزگی از نشانه های ایمان است و خداوند پاکیزگان را دوست دارد.

امام حسین(ع): در طول مدت عمر در حفظ سلامتی تن خود بکوشید. (تحف العقول)

امام علی(ع): کم خوری، کرامت انسان را بیشتر و تندرستی اش را طولانی تر می سازد. (مستدرک الوسائل جلد ۱۶ حدیث ۱۹)

پیامبر(ص): از پر خوری پرهیزید چون بدن را تباه می کند و بیماری به وجود می آورد و سست کننده از عبادت است.

(مستدرک الوسائل جلد ۱۶)

امام علی(ع): تا وقتی که گرسنه نشدی اقدام به خوردن غذا مکن و وقتی به خوردن اقدام کردی قبل از آنکه کامل سیر شوی دست از غذا خوردن بردار. غذا را با آرامش و خوب بجو تا هضم آن آسان شود. (آثارالصادقین جلد ۲ صفحه ۳۸۷)

امام علی(ع): ای کمیل شکمت را از خوراک پر مکن و جایی هم در آن برای آب بگذار و میدانی هم به هوا بده و تا هنوز اشتها داری دست از خوراک بکش که اگر چنین کنی خوراک بر تو گوارا گردد راستی تندرستی و سلامتی با کم خوردن و آشامیدن است. (تحف العقول)

امام علی(ع): ای کمیل چون از خوردن دست کشیدی حمد خدا را بگو بر آنچه به تو روزی داده و به آواز بلند حمدش کن تا دیگری هم با شنیدن حمد تو حمد خدا گوید و اجر تو بیشتر گردد. (تحف العقول صفحه ۱۶۶)

امام علی(ع): چون خواهی خوراک بخوری نام خدا را ببر و بسم الله الرحمن الرحيم بگو زیرا با نام خدا دردی به تو زیان نرساند و در آن است درمان هر بدی. (تحف العقول)

پیامبر(ص): هنگامی که احساس گرسنگی کردی بخور و تا اشتها داری از خوردن دست بکش. (بحارالانوار جلد ۶۲ حدیث ۲۹۰)

امام علی(ع): مسواک زدن رضای خدای متعال و پاک کننده دهان است و مضمضه کردن یعنی سه بار آب در دهان چرخاندن و خالی کردن و استنشاق سه بار آب در بینی کردن و خالی کردن قبل از وضو پاک کننده دهان و بینی است. (تحف العقول)

پیامبر(ص): سه چیز حافظه را قوی میکند مسواک، روزه، قرآن خواندن.

پیامبر(ص): مسواک زدن دوازده فایده دارد: ۱. دهان را پاکیزه می کند ۲. موجب خشنودی پروردگار می شود ۳. دندانها را سفید می کند ۴. مانع پوسیدگی دندان می شود ۵. بلغم را دفع می کند ۶. غذا را لذیذ می سازد ۷. حسنات را دو برابر می کند ۸. با مسواک زدن به سنت پیامبر(ص) عمل می شود ۹. ملائکه نزد او حاضر می شوند ۱۰. لثه را محکم می کند ۱۱. از گذرگاه مسواک (دهان) قرآن عبور می کند ۱۲. دو رکعت نماز با مسواک پیش خدا محبوبتر است از هفتاد رکعت نماز بدون مسواک. (روضة الواعظین)

پیامبر(ص): کسی که می خواهد در این جهان ناپایدار باقی بماند و با عمر طبیعی زیست کند چند نکته را مراعات نماید: هر روز صبح به قدر کافی غذا بخورد و کفشی بپوشد که پا را نزند و با آن به راحتی راه برود، لباس سبک در بر کند که خسته نشود.

پیامبر(ص): (غذا را) با نمک شروع کن و به نمک نیز ختم کن زیرا که در آن برای هفتاد و دو درد شفاء است. (بحارالانوار جلد ۷۷)



پیامبر(ص): ای علی(ع) پنج چیز دید چشم را زیاد می کند: نگاه به کعبه و خط قرآن و روی پدر و مادر و صورت عالم و آب جاری.

امام علی(ع): انار را با دانه اش بخورید و مغز دانه را بجوید که معده را شستشو کند و دل را زنده کند و وسوسه شیطان را ببرد. (تحف العقول)

امام علی(ع): خوردن گلابی قلب را جلاء دهد و دردهایش را به اذن خدا آرام کند. (تحف العقول)

امام علی(ع): خوردن سیب سبب پاک شدن معده است (تحف العقول)

امام علی(ع): هر کس وقتی عطسه کرد بعد از آن بگوید: (الحمد لله رب العالمین علی کل حال) درد گوش و دندان نبیند

(اصول کافی جلد ۴)

پیامبر(ص): ناشتا خرما بخورید که کرم های شکم را می کشد. (صحیفه الرضا حدیث ۴۹ و ۵۸)

پیامبر(ص): انگور را دانه دانه بخورید که این گونه خوردن گوارتر و لذیذتر است. (صحیفه الرضا حدیث ۴۹ و ۵۸)

پیامبر(ص): خدای تعالی برکت را در عسل قرار داده و در آن شفائی است از دردها و هفتاد پیغمبر آن را با برکت دانسته اند.

(صحیفه الرضا)

پیامبر(ص): سیر بخورید و با آن مداوا کنید زیرا که در آن شفای هفتاد درد است. (سفینه البحار جلد ۱ صفحه ۱۳)

پیامبر(ص): وضو پیش از طعام فقر را می برد و پس از آن اندوه را برطرف کند و چشم را زیبا (باز) می نماید. (اثنی عشریه ص ۱۰)

امام علی(ع): اگر می خواهی سلامت باشی از حسادت ورزیدن دوری کن و حسادت نکن. (نهج البلاغه حکمت ۲۵۶)

خون گرفتن بدن را سالم و عقل را محکم می کند.

خرما بخورید که شفای هر دردی است.

بدون شام نخوابید که بدن ویران می شود.

گلابی قلب را جلا می بخشد و دردهای داخلی را تسکین می دهد.

خوردن شیر درمان هر دردی است بجز مرگ.

امام علی(ع): کسی که دوست دارد، خیر و برکت خانه اش زیاد شود، هنگام غذا دستهای خود را بشوید. (روضه الواعظین)

امام حسن(ع): شستن دستها پیش از غذا فقر را از بین می برد و بعد از غذا غم و اندوه را می زداید.

امام صادق(ع): دست های خود را قبل از غذا و بعد از آن بشوید، زیرا این کار فقر را از بین می برد و عمر انسان را زیاد

می کند. (وسائل الشیعه جلد ۱۶)

امام باقر(ع): ناخن ها را از آن رو باید کوتاه کرد که جایگاه شیطان (عامل بیماریزا) است و فراموشی از آن سر چشمه می گیرد.

امام علی(ع): کوتاه کردن ناخن ها مانع بروز درد(بیماری) می گردد و روزی را سرشار می سازد.

امام علی(ع): شستن دست پیش از غذا و بعد از آن سبب فزونی روزی است. (چون وقتی دست پاک باشد موقع غذا خوردن انسان

مریض نمی شود و پولش را در راه دوا و درمان مصرف نمی کند لذا سبب افزون شدن روزی است) و گرفتن ناخن ها مانع بزرگترین

دردها مثل خوره و جزام است. (تحف العقول)

پیامبر(ص): سه چیز اختصاصی است؛ شانه، حوله، مسواک.



همکار گرامی؛ مجموعه حاضر با هدف توانمند سازی دانش آموزان در انتخاب رفتارهای سالم و ایجاد احساس مسئولیت در قبال سلامت خود، خانواده و اجتماع تهیه گردیده است. پیشنهاد می گردد؛ به منظور ایجاد وحدت رویه و انسجام در برنامه آموزشی مراسم آغازین برنامه ذیل مورد استفاده قرار گیرد.

ایام هفته	عناوین روزها
شنبه	روز بهداشت فردی و وسایل شخصی
یکشنبه	روز بهداشت محیط
دوشنبه	روز بهداشت روان
سه شنبه	روز بهداشت دهان و دندان
چهارشنبه	روز تغذیه سالم و بهداشت مواد غذایی
پنجشنبه	روز سلامت (پیشگیری از حوادث، کمکهای اولیه و...)

نکته اجرایی: پیشنهاد می شود از عناوین داده شده ذیل، هر روز ۳ نکته توسط یکی از دانش آموزان قرائت و کلیه دانش آموزان تکرار نمایند.

سلامتی، بیماری

- ❖ من می دانم، سلامتی بزرگترین نعمت ها ست.
- ❖ در حفظ سلامتی خود و دیگران می کوشم.
- ❖ همیشه لباس مناسب فصل می پوشم.
- ❖ من با لباس مناسب از سرما و گرمای شدید، خود را محفوظ نگه می دارم.
- ❖ من می دانم ، واکسیناسیون بهترین راه جلوگیری از بیماریهاست.
- ❖ من تمام واکسنهایم را به موقع می زنم.
- ❖ من می دانم، میکرب ها ما را بیمار می کنند.
- ❖ برخی میکرب ها به آسانی از راه دهان ، پوست و بینی وارد بدن می شوند.
- ❖ من می دانم ، در دهان و روده ها میکرب هایی زندگی می کنند.
- ❖ من بهداشت را رعایت می کنم ، تا میکرب ها در بدنم رشد نکنند.
- ❖ میکرب ها می توانند از بدن فردی به بدن فردی دیگر وارد شوند و او را بیمار کنند.
- ❖ هرگز آب دهان و بینی خود را روی زمین نمی ریزم.

بهداشت قلب

- ❖ ضربان منظم قلب، آهنگ سلامتی انسان است.
- ❖ من می دانم ، بیماری های قلب بسیار خطرناک است.
- ❖ من در حفظ سلامت قلب خود می کوشم .
- ❖ اهمیت بهداشت قلب را به دیگران هم تذکر می دهم.



- ❖ من نکات ، بهداشت قلب را رعایت می کنم.
- ❖ من می دانم، شیرینی، شکلات ونوشابه چاق کننده هستند.
- ❖ من می دانم ، چاقی برای قلب ضرر دارد.
- ❖ من هرگز پرخوری نمی کنم.
- ❖ شیرینی ، نمک وچربی زیاد مصرف نمی کنم.
- ❖ هر روز مقداری میوه وسبزی تازه می خورم.
- ❖ ورزش مناسب، انسان را جوان نگه می دارد.
- ❖ پیاده روی و شنا از ورزش های بسیار مفید می باشند.
- ❖ من هر روز در هوای آزاد مقداری پیاده روی می کنم .
- ❖ من هرروز حداقل ده دقیقه نرمش می کنم.
- ❖ من با شرکت در ورزش های گروهی، روح وجسم خود را سالم نگه می دارم.
- ❖ من می دانم، ترس، هیجان ونگرانی برای قلبم ضرر دارد.
- ❖ من در روز حتماً مدتی استراحت می کنم.
- ❖ من کارهای خسته کننده انجام نمی دهم.
- ❖ من همیشه آرامش خود را حفظ می کنم.
- ❖ من می دانم ، هوای آلوده برای سلامتی قلب ضرر دارد.
- ❖ درروزهای تعطیل به پارک وجاهای خوش آب وهوا می روم.
- ❖ من می دانم، سیگار آفت سلامتی است.
- ❖ من می دانم، افراد سیگاری سلامت ما را هم به خطر می اندازند.
- ❖ سیگار کشیدن موجب بیماری قلب وسرطان می شود.
- ❖ من به افراد سیگاری، جداً تذکر می دهم .
- ❖ من می دانم، بیماریهای قند وفشارخون برای قلب ضرر دارد.
- ❖ من هر سال برای معاینه به نزد پزشک می روم.
- ❖ دستورات پزشک را دقیقاً رعایت می کنم

بهداشت چشم

- ❖ من می دانم،چشمهایم چراغ بدنم هستند.
- ❖ درحفظ سلامت چشم هایم می کوشم.
- ❖ هرگز در نور کم مطالعه نمی کنم.
- ❖ درماشین درحال حرکت مطالعه نمی کنم.
- ❖ به نور خورشید خیره نمی شوم.
- ❖ به برف خیره نمی شوم.
- ❖ من می دانم، کتاب را نباید به چشمانم نزدیک کنم.
- ❖ موقع نوشتن ،دفترم را کج نمی گذارم.
- ❖ بادستهای کثیف چشمانم را نمی مالم.
- ❖ هرگز با آب آلوده دست وصورتم را نمی شویم.



- ❖ درموقع معاینه چشم، به تذکرات مربی بهداشت خوب گوش می کنم.
- ❖ به محض احساس ناراحتی در چشمهایم ، به پزشک مراجعه می کنم.
- ❖ دستورات پزشک را کاملاً رعایت می کنم.

بهداشت گوش

- ❖ من می دانم، حس شنوایی یکی از بزرگترین نعمات خداوندی است.
- ❖ درحفظ سلامت گوشهایمان کوشش می کنم.
- ❖ هرگز از اشیاء نوک تیز برای تمیز کردن گوشم استفاده نمی کنم.
- ❖ هرگز از گوش پاک کن استفاده نمی کنم.
- ❖ بعداز حمام داخل گوشم را بادستمال کاغذی، تمیزوخشک می کنم.
- ❖ هرگز اشیاء را به داخل گوشم فرو نمی کنم.
- ❖ من می دانم، شنیدن صداهای بلند برای گوشم ضرر دارد.
- ❖ هرگز درگوش دوستانم فریاد نمی زنم.
- ❖ من می دانم، بیماری هایی هستند که به شنوایی صدمه می زنند.
- ❖ درموقع بیماری حتماً به پزشک مراجعه می کنم.
- ❖ دستورات پزشک را رعایت می کنم.
- ❖ داروهایم را به موقع و تا آخر مصرف می کنم.

بهداشت دهان و دندان

- ❖ من می دانم، دندانها مرواریدهای گرانبهایی هستند.
- ❖ من می دانم، دندان سالم برای غذا خوردن و هضم غذا لازم است.
- ❖ دندان ها در خوب حرف زدن به ما کمک می کنند.
- ❖ دندان های خوب وسالم موجب زیبایی صورت می شوند.
- ❖ دندان خراب موجب بوی بد دهان می شود.
- ❖ من درحفظ سلامت دندان هایم می کوشم.
- ❖ بعداز هر غذا دندان هایم را مسواک می زنم .
- ❖ شبها قبل از خواب مسواک زدن را فراموش نمی کنم .
- ❖ هرگز از مسواک دیگران استفاده نمی کنم.
- ❖ من همیشه از یک نوع خمیر دندان استفاده نمی کنم.
- ❖ من می دانم، مسواک زدن بدون خمیر دندان هم مفید است.
- ❖ من راه درست مسواک زدن را از مربی بهداشت یاد می گیرم.
- ❖ من می دانم استفاده از نخ دندان مثل مسواک لازم است.
- ❖ من طرز استفاده از نخ دندان را از مربی بهداشت یاد می گیرم.
- ❖ من می دانم، خوردن شیر برای سلامت دندان هایم مفید است.
- ❖ من هر روز به مقدار کافی صبحانه می خورم.
- ❖ من می دانم، خوردن سبزی ها و میوه های تازه مثل سیب و هویج برای دندان ها بسیار مفید است.
- ❖ من می دانم، خوردن آب نبات و شکلات و بیسکویت برای دندان هایم ضرر دارد.



- ❖ قند و شیرینی زیاد نمی خورم.
- ❖ بعد از خوردن قند و شیرینی حتماً دهانم را می شویم.
- ❖ در بین غذاها به جای شکلات و شیرینی، میوه تازه و تمیز می خورم.
- ❖ آب میوه های ترش را با نی می نوشم.
- ❖ هرگز چیزهای سخت مثل مداد و پوست پسته و فندق را با دندان هایم نمی شکم.
- ❖ اشیاء نوک تیز را به دهان فرو نمی کنم.
- ❖ اگر دندانم درد بگیرد، فوری به دندان پزشک مراجعه می کنم.
- ❖ برای سلامتی دندان هایم هر ۶ ماه یکبار به دندان پزشک مراجعه می کنم.

تغذیه

- ❖ من می دانم، غذای کافی و بهداشتی برای سلامتی لازم است.
- ❖ غذای خوب و سالم بدن را قوی می کند.
- ❖ غذا نیرو بخش است و برای رشد فکری و بدنی انسان لازم است.
- ❖ من انواع مواد غذایی بهداشتی را مصرف می کنم.
- ❖ غذاهای مختلفی را که مادرم می پزد با اشتها می خورم.
- ❖ من در روز سه وعده غذای سالم و کافی می خورم.
- ❖ من می دانم، خوردن شیر و سایر لبنیات برای رشد بسیار لازم است.
- ❖ هرگز خوردن صبحانه را فراموش نمی کنم.
- ❖ هر روز مقداری سبزی و میوه تازه می خورم.
- ❖ شیرینی و نمک و چربی زیاد نمی خورم.
- ❖ برای هضم خوب غذا، نکات بهداشتی را رعایت می کنم.
- ❖ هنگام غذا خوردن راحت و شاد هستم.
- ❖ هرگز با عجله غذا نخورده و آن را نجویده فرو نمی برم.
- ❖ در موقع غذا خوردن، آب زیاد نمی نوشم.
- ❖ بعد از غذا خوردن، نمی دوم.

بهداشت مواد غذایی

- ❖ من می دانم، غذاهای غیر بهداشتی موجب بیماری و مرگ می شوند.
- ❖ من فقط از خوراکی های تمیز و بهداشتی با علامت استاندارد استفاده می کنم.
- ❖ من می دانم، مواد غذایی باید در جای خشک و خنک و دور از دسترس حشرات نگهداری شوند.
- ❖ من می دانم، غذاهای مانده، انسان را مسموم می کنند.
- ❖ من هرگز سبزی و میوه نشسته نمی خورم.
- ❖ من می دانم، فروشندگان دوره گرد، بهداشت را رعایت نمی کنند
- ❖ خوراکی های فروشندگان دوره گرد، فاسد و غیر بهداشتی است.
- ❖ هرگز از فروشندگان دوره گرد خوراکی نمی خرم.
- ❖ هرگز غذاهایی که بوسیله افراد کثیف تهیه می شوند، نمی خورم.
- ❖ در هنگام سفر، غذای سالم و بهداشتی خانگی به همراه می برم.



- ❖ دررستوران های کثیف و غیر بهداشتی غذا نمی خورم.
- ❖ از آب تصفیه نشده استفاده نمی کنم.
- ❖ هرگز نوشیدنی های غیر بهداشتی نمی آشامم.
- ❖ با دست های نشسته غذا نمی خورم.

بهداشت روانی

- ❖ من به خدا ایمان دارم و می دانم که ناظر اعمال ماست.
- ❖ من می دانم، یاد خدا، آرام بخش قلب هاست.
- ❖ من با نماز و ذکر خدا آرامش قلب پیدا می کنم.
- ❖ من به شخصیت خود و دیگران احترام می گزارم.
- ❖ سلام کردن را هیچ وقت فراموش نمی کنم.
- ❖ هرگز دروغ نمی گویم.
- ❖ به کسی تهمت نمی زنم.
- ❖ هرگز حرف های زشت نمی گویم.
- ❖ وسط حرف دیگران حرف نمی زنم.
- ❖ در کار خصوصی دیگران دخالت نمی کنم.
- ❖ به نصیحت بزرگترها گوش می کنم.
- ❖ با همه با ادب و خوشرویی رفتار می کنم.
- ❖ در کارهای گروهی به دوستانم کمک می کنم.
- ❖ دیگران را با اسامی زشت صدا نمی کنم.
- ❖ با کوچک ترها به مهربانی رفتار می کنم.
- ❖ به بزرگ ترها احترام می گزارم.
- ❖ به کوچک ترها و افراد پیر کمک می کنم.
- ❖ به محرومان و نیازمندان کمک می کنم.
- ❖ در کارها به پدر و مادرم کمک می کنم.
- ❖ من وظایف یک دانش آموز را خوب می دانم و آنها را انجام می دهم.
- ❖ من می دانم با سعی و تلاش، و خوب درس خواندن در زندگی موفق می شوم.
- ❖ من زحمات پدر و مادر و معلم را با خوب درس خواندن جبران می کنم.
- ❖ به سخنان دیگران با دقت گوش می کنم.
- ❖ به همراه دوستانم در بازی ها و سرگرمی ها شرکت می کنم.
- ❖ تنهایی را دوست ندارم.
- ❖ همیشه با فامیل و دوستانم معاشرت می کنم.
- ❖ در کارهای گروهی شرکت می کنم.

بهداشت محیط

- ❖ شهر ما، خانه ماست. آن را تمیز و بهداشتی نگه می دارم.
- ❖ من می دانم، در محیط بهداشتی، زندگی لذت بخش است.



- ❖ من می دانم، آب، هوا و زمین از نعمت های بزرگ خداوند است.
- ❖ من می دانم، آلوده کردن آنها، کفران نعمت است.
- ❖ من در حفظ بهداشت آب، هوا و زمین می کوشم.
- ❖ من به کسانی که نعمت های خدا را از بین می برند، تذکر می دهم.
- ❖ وجود درختان برای زندگی انسانها لازم است.
- ❖ من هرگز به گلها و گیاهان آسیب نمی زنم.
- ❖ من می دانم، محیط غیر بهداشتی موجب بیماری می شود.
- ❖ من در حفظ بهداشت خانه ام تلاش می کنم.
- ❖ من می دانم، آشغال ها را باید درون کیسه ی زباله بریزم.
- ❖ من می دانم، سطل زباله باید درب دار باشد.
- ❖ درها و پنجره ها باید توری داشته باشند تا از ورود حشرات و مگس جلوگیری شود.
- ❖ توالت ها و دستشویی ها باید تمیز و شسته شده باشند.
- ❖ من می دانم، جاهای کثیف بهترین جا برای رشد مگس ها می باشد.
- ❖ مگس و پشه و سوسک و موش، دشمنان سلامتی هستند.
- ❖ من با رعایت بهداشت، به جنگ دشمنان سلامتی می روم.
- ❖ من می دانم، مدرسه خانه دوم من است، آن را کثیف و آلوده نمی کنم.
- ❖ زباله ها را درون سطل زباله می ریزم.
- ❖ من هرگز پوست میوه و آشغال روی زمین نمی ریزم.
- ❖ در و دیوار مدرسه را خراب و کثیف نمی کنم.
- ❖ با گچ و تخته بازی نمی کنم.
- ❖ هرگز روی میز و نیمکت راه نمی روم.
- ❖ به پرده و وسایل کلاس و مدرسه آسیب نمی رسانم.
- ❖ نظافت را در توالت ها رعایت می کنم.

بهداشت وسایل شخصی

- ❖ من می دانم، استفاده از وسایل شخصی دیگران موجب بیماری می شود.
- ❖ من فقط با لیوان خودم آب می نوشم.
- ❖ هرگز لیوانم را به دیگران قرض نمی دهم.
- ❖ من می دانم، هرگز نباید از حوله و دستمال دیگران استفاده کنم.
- ❖ من همیشه دستمال تمیز همراه دارم.
- ❖ هرگز از شانه دیگران استفاده نمی کنم.
- ❖ هرگز از مسواک دیگران استفاده نمی کنم.
- ❖ با قاشق و چنگال دیگران غذا نمی خورم.
- ❖ از کلاه دیگران استفاده نمی کنم.
- ❖ حداقل هفته ای یکبار لباس های رو و هفته ای دوبار لباس های زیر خود را عوض می کنم.
- ❖ هرروز جوراب هایم را می شویم.



- ❖ کفش و کیف خود را تمیز نگه می دارم.
- ❖ من آنچه راجع به بهداشت وسایل شخصی می دانم، به دیگران یاد می دهم.

سلامتی و نشاط با رعایت بهداشت فردی

- ❖ من نکات بهداشتی را رعایت می کنم تا سالم و با نشاط باشم.
- ❖ من همیشه صاف می نشینم تا پشتم خم نشود.
- ❖ من می دانم، ورزش مایه ی نشاط است.
- ❖ هر روز حداقل ده دقیقه ورزش می کنم.
- ❖ هر روز در هوای آزاد ورزش و بازی می کنم.
- ❖ شبها زود می خوابم، تا صبح زود، شاداب و سر حال باشم.
- ❖ من می دانم، حمام کردن موجب نشاط و شادابی است.
- ❖ من حداقل دوبار در هفته به حمام می روم.
- ❖ من با حمام کردن، میکرب و بیماری را از بدنم دور می کنم.
- ❖ من می دانم، تماس با اشیاء مختلف، دستهایم را آلوده می کند.
- ❖ من همیشه موقع ورود به خانه، اول دست هایم را می شویم.
- ❖ قبل از غذا خوردن، حتماً دست هایم را با آب و صابون، خوب می شویم.
- ❖ بعد از توالت، دست هایم را با آب و صابون، خوب می شویم.
- ❖ بعد از شنا، بدنم را بخوبی شسته و خشک می کنم.
- ❖ من هرگز انگشتان و دست های آلوده ام را به دهان نمی برم.
- ❖ من می دانم، ناخن بلند، بهترین جا برای میکرب هاست.
- ❖ من همیشه ناخن هایم را کوتاه نگه می دارم.
- ❖ من هرگز ناخن هایم را نمی جوم.
- ❖ من می دانم، لای انگشتان پا محل مناسبی برای رشد میکرب هاست.
- ❖ همیشه پاهایم را می شویم و بعد خوب خشک می کنم.
- ❖ من می دانم، برس زدن و شانه کردن موجب سلامتی موها می شود.
- ❖ من هر روز مدتی موهایم را شانه می کنم.

کمک های اولیه

- ❖ من سعی می کنم کمکهای اولیه را یاد بگیرم تا در موقع حادثه مفید باشم.
- ❖ من می دانم، اگر در مدرسه اتفاقی بیافتد، باید فوری مسئولان مدرسه یا مربی بهداشت را خبر کنم.
- ❖ من می دانم، اگر عضوی شکسته باشد، نباید آن را حرکت داد.
- ❖ من می دانم، میکرب ها از راه زخم وارد بدن می شوند و بیماری های خطرناکی ایجاد می کنند.
- ❖ من می دانم، زخمها و سوختگی ها، حتماً باید پانسمان شوند.
- ❖ من می دانم، زخمها را باید با آب و صابون خوب بشویم.
- ❖ من راه جلوگیری از خونریزی ها را از مربی بهداشت یاد می گیرم.
- ❖ من می دانم، اگر زخمی عمیق باشد، حتماً باید به دستور پزشک واکسن کزاز بزنم.
- ❖ من می دانم، میکرب کزاز از راه زخم وارد بدن می شود.



- ❖ من می دانم، بیماری کزاز بسیار خطرناک است.
- ❖ من از بخیه و پانسمان و واکسن نمی ترسم .
- ❖ من سعی می کنم، تمام آنچه را که برای حفظ جانم لازم است، یاد بگیرم و عمل کنم.

پیشگیری از حوادث

- ❖ عمر آدمی کوتاه است و حادثه آن را کوتاه تر می کند.
- ❖ من از انجام کارهای خطرناک دوری می کنم.
- ❖ من می دانم، بازی با وسایل برقی، کبریت و قیچی و چاقو و اشیاء تیز خطرناک است.
- ❖ درجاهاى بلند و پشت بام ها بازی نمی کنم.
- ❖ هرگز روی برف و یخ بازی نمی کنم.
- ❖ از راه های ناشناخته و خطرناک عبور نمی کنم.
- ❖ دست و سرخود را از پنجره ماشین بیرون نمی برم.
- ❖ هرگز اشیاء را به طرف دیگران پرتاب نمی کنم.
- ❖ هرگز دوستانم را هل نمی دهم.
- ❖ موقع بالا و پائین رفتن از پله ها عجله نمی کنم.
- ❖ من می دانم برای عبور از خیابان باید چراغ راهنما سبز باشد.
- ❖ برای عبور از خیابان از محل مخصوص عابر پیاده استفاده می کنم.
- ❖ هرگز روی دوچرخه، دو ترکه سوار نمی شوم.
- ❖ من می دانم، حاصل یک لحظه غفلت، یک عمر پشیمانی است.
- ❖ من مواظب اعمال و حرکات خود هستم تا دچار پشیمانی نشوم.
- ❖ من در موقع حوادث به دوستانم کمک می کنم.
- ❖ حتماً بعد از توالی دست هایم را با آب و صابون خوب می شویم.
- ❖ من می دانم، استفاده از وسایل شخصی دیگران مرا بیمار می کند.
- ❖ هرگز از شانه، مسواک، حوله، دستمال، لیوان، ملافه و لباس دیگران استفاده نمی کنم.
- ❖ هرگز از قاشق، چنگال و لیوان دیگران استفاده نمی کنم.
- ❖ از آب نیم خورده ی دیگران نمی نوشم.
- ❖ از غذای نیم خورده ی دیگران نمی خورم.
- ❖ همیشه در موقع بیماری به پزشک مراجعه می کنم.
- ❖ دستورات پزشک را دقیقاً انجام می دهم.
- ❖ استراحت می کنم و داروهایم را به موقع مصرف می کنم.
- ❖ اگر بیماریم واگیردار باشد، از تماس با دیگران خودداری می کنم.
- ❖ بعد از بهبودی، با گواهی پزشک به مدرسه بر می گردم.
- ❖ من با کسانی که بیماری واگیر دارند، تماس نمی گیرم.
- ❖ من نکاتی را که برای سلامتی مفید است به دوستانم توصیه می کنم.



نکاتی که در ارتباط با کوله پشتی باید مورد توجه قرار گیرد:

اندازه کوله پشتی باید متناسب با جثه دانش آموز تهیه شود و از خرید کوله پشتی در اندازه های بزرگ (مخصوص بزرگسالان) بطور جدی خودداری کنید.

- جنس کوله باید از نوع سبک باشد که خود موجب اضافه وزن نشود.
- بند کوله پشتی می بایست اسفنجی، نرم، پهن (۱۰-۵ سانتی متر)، قابل انعطاف و قابل تنظیم باشد.
- از بردن کتاب و دفتر اضافی به مدرسه خودداری کنید
- از بردن کتاب و دفتر اضافی به مدرسه خودداری کنید.
- برای حمل کوله پشتی از دو بند آن بر روی دو شانه استفاده کنید.

میان وعده مناسب چیست؟

میان وعده مناسب، غذای مختصری است که بین غذاهای اصلی مصرف می شود. زمان مصرف میان وعده باید حداقل یک ساعت قبل از وعده اصلی باشد تا فرد اشتهای کافی برای مصرف ناهار و شام داشته باشد.

میان وعده مناسب معمولاً شامل مواد غذایی است که بتواند مقداری از انرژی، املاح و ویتامین های مورد نیاز بدن را تأمین کرده و برای رشد مناسب باشند این مواد غذایی عبارتند از: انواع ساندویچ تهیه شده در منزل مثل کوکو، کتلت و تخم مرغ آب پز، ساندویچ نان و پنیر که می تواند همراه با گردو، خیار و یا گوجه فرنگی مصرف شود، انواع سبزیجات مانند هویج، انواع میوه های خشک و تازه، انواع مغزها (پسته، گردو، بادام، فندق و ...)، کیک های خانگی که می توانند به همراه شیر استفاده شوند.

اهمیت مصرف صبحانه

آیا می دانید با خوردن صبحانه از چاقی پیشگیری می کنیم. آیا می دانید با خوردن صبحانه؛ بدنمان در مقابل بیماری ها قوی تر و مقاوم تر می شود و کمتر بیمار می شویم و همچنین؛ آیا می دانید خوردن صبحانه باعث می شود درسهایمان را بهتر بفهمیم و بهتر یاد بگیریم.

بیشترین میزان یادگیری بین ساعات هشت تا ده صبح صورت می گیرد، بنابراین قبل از رفتن به مدرسه حتماً باید صبحانه خورده شود.

نکات ایمنی در برابر زلزله

الف) نکات ایمنی قبل از زلزله:

۱. جایگاه و چگونگی قطع شیر گاز، آب و فیوز برق را از قبل شناسایی و تمرین کنید.
۲. تعیین و شناخت مکان امن و غیر نا امن
۳. تمرین دوره ای فرار هنگام زلزله
۴. فراگرفتن دوره کمکهای اولیه و امداد
۵. مقاوم سازی بنا، همچنین ایمن سازی اماکن و وسایل داخل منزل
۶. محل خواب را در کنار پنجره، قفسه کتاب و کمد ظروف انتخاب نکنید.
۷. همواره در منزل کپسول آتش نشانی داشته باشید.

ب) نکات ایمنی هنگام زلزله :

۱. با حفظ خونسردی به نقاط امن که قبلاً شناسایی شده بروید.
۲. از آسانسور استفاده نکنید. از پنجره و درهای شیشه ای و وسایلی که امکان سقوط دارد دور شوید.
۳. اگر در داخل ساختمان، طبقه همکف یا نزدیک در خروجی هستید سریعاً به فضای باز رفته و روی زمین بنشینید.



۴. اگر در داخل کلاس درس هستید، در زیر میز پناه گیری کنید به این صورت که یک زانوی خود را به زمین زده و با دست، پایه های میز را محکم بگیرید؛ در صورتی که فضای کافی در زیر میز نباشد، نشسته و یک زانوی خود را به زمین زده با کیف، کتاب و یا دست از سر خود محافظت کنید.
۵. در کلاس درس، گوشه دیوارهای داخلی، جای مناسبی برای پناه گیری است در گوشه دیوار نشسته و با کیف، کتاب یا دست از سر خود محافظت کنید.
۶. به طرف درهای خروجی هجوم نبرید.
۷. راه پله ها محل مناسبی برای پناه گیری نمی باشند ولی اگر در زمان زلزله در آن مکان بودید سعی نکنید از آنجا فرار کنید، بلکه کنار دیوار روی پله نشسته و با کیف، کتاب و یا دست از سر خود محافظت کنید و به هیچ وجه به نرده های کنار پله تکیه ندهید.
۸. اگر در حیاط مدرسه هستید از تیرک ها زمین بازی، سبد بسکتبال، دیوارها و ساختمانها فاصله بگیرید و در وسط حیاط مدرسه بنشینید.
۹. تا توقف کامل زلزله در جای خود بمانید. و پس از توقف زلزله با خونسردی و بدون هجوم به حیات مدرسه می رویم.

ج) نکات ایمنی پس از زلزله :

۱. آرامش خود را حفظ کرده منتظر پس لرزه باشید.
۲. برای پیشگیری از آتش سوزی جریان برق و گاز را قطع کنید.
۳. اگر جریان آب قطع نشده چند ظرف آب ذخیره کنید.
۴. برای نجات افراد آسیب دیده هر چه سریع تر مصدومان را به مکان امن انتقال داده و کمکهای اولیه را انجام می دهیم .
۵. به توصیه مسئولین گوش داده و کارهایی را که می گویند انجام دهیم.

پیام های زیست محیطی

- چگونه می توانیم آسمان آبی، زمین پاک و آب سالم داشته باشیم:
- برای داشتن آسمان آبی (هوای پاک) باید:
- ❖ تا آنجا که می شود از وسایل نقلیه عمومی استفاده کنیم.
 - ❖ از دوچرخه برای مسافت های مناسب استفاده کنیم.
 - ❖ از سوزاندن آشغال، پلاستیک و... جداً باید پرهیز کرد.
 - ❖ گاز سوز کردن ماشینها برای مبارزه با آلودگی هوا راهی مناسب است.
- برای داشتن زمین پاک باید:
- ❖ از ریختن آشغال در فضای آزاد و روی زمین خودداری کرد.
 - ❖ مایعات خطرناک مثل نفت، بنزین را بر روی خاک نریزیم زیرا به داخل خاک نفوذ کرده و حیات موجودات زنده را به خطر می اندازد
 - ❖ از ریختن زباله های غیر قابل تجزیه (پلاستیک ، فلزات ، شیشه) در طبیعت خودداری کنیم و آنها را در سطل های بازیافت جمع آوری کنیم
- برای داشتن آب سالم باید:**
- ❖ از آلوده کردن آب های جاری با ریختن زباله، مواد شوینده یا مایعات خطرناک مثل نفت، بنزین، تینر در آنها پرهیزیم.
 - ❖ در مصرف آب صرفه جویی کنیم یعنی آن را درست مصرف کنیم .



❖ از آب های لوله کشی که برای تصفیه آن هزینه و وقت زیادی صرف می شود نباید برای شستشوی ماشین، معابر عمومی یا پرکردن استخر استفاده کرد.

روش صحیح راه رفتن، ایستادن و حمل کیف

سلام سلام بچه ها	ای نوگلا، غنچه ها	هر کس که نوجوانه	باید اینو بدانه
حرفهای تازه دارم	شما را دوست می دارم	چگونه کیف را بردن	چه نوعی کفش خریدن
طریقه راه رفتن	نشستن و ایستادن		

بچه های نازنین	باید درست راه برین	اول رو پاشنه ی پا	بعد رو پنجه پا
سرت رو بالا بگیر	شانه ها تو کج بگیر		

اگر درست بایستی	همیشه تندرستی	نه ایستادن یک پایی	ایستادن دوپایی
ایستادن مستقیم	باید که تمرین کنیم	چگونه تمرین کنیم	این پا و اون پا کنیم

حمل کیف مدرسه	خودش یک نوعی درسه	کیف رو درست نگیری	درد کمر می گیری
این دست و اون دستش کن	به راحتی حملش کن	کیف رو سنگین نکن	خودت رو غمگین نکن
دستات رو خسته نکن	کوله را جایگزین کن		

یک جور نشین همیشه	پای تو خسته می شه	بیشتر بشین چهار زانو	کمتر بشین دوزانو
پاهاتو جابجا کن	شیوه ی بد رها کن	رو صندلی نشستی	تکیه بده به پشتی

کفش مناسب بخر	تا نکشی درد سر	همش بکن به پایت	کفش سبک و راحت
کفش بزرگ یا که تنگ	کند با پای تو جنگ		



فصل ۹

حکایات و لطایف

در قلمرو تربیت



حکایت دیو و دزد

.... غیر از خدا هیچ کس نبود.

روزی روزگاری مردی پارسا به بازار شهر رفت و گاوی خرید و به سوی خانه اش روان شد. گاو، درشت و چالاک بود، برای همین میان راه دزدی هوس کرد آن را صاحب شود. این بود که سایه به سایه مرد پارسا به راه افتاد. هنوز مدتی از این وضع نگذشته بود که دزد یک نفر را دید که شانه به شانه او می آید. از این که ناگهان او را دیده بود، تعجب کرد و پرسید: «تو کنار من چه می کنی؟»

او گفت: «من دیوم خودم را به صورت آدم درآورده ام تا هر جا که شد این مرد پارسا را بکشم، تو برای چی به دنبال این مرد می روی؟»

دزد گفت: کار من دزدی و راهزنی است. گاو این مرد چشم مرا گرفته، تا صاحب آن گاو نشوم، آرام نمی گیرم!

دیو گفت: «پس هر دو با این مرد پارسا کارداریم؛ ولی یکی برای کشتن او و یکی برای بردن گاو او!»

دزد گفت: «پس تا هر دو به آن چه می خواهیم نرسیده ایم، دوست و همراهیم!»

مرد خدا از پیش و دزد و دیو به دنبال او رفتند تا به خانه اش رسیدند.

وقتی به آن جا رسیدند، دیگر شب شده بود. مرد پارسا، گاو را به طویله برد. آب و علفی برایش گذاشت و جای او را تمیز و پاکیزه کرد و به اتاق رفت تا بخوابد. در این وقت دیو و دزد داخل خانه رفتند؛ ولی پیش از آن که کارشان را شروع کنند، دزد با خودش گفت: «اگر زودتر از آن که من گاو را ببرم، مرد زاهد بیدار شود چه؟ از کجا معلوم که دیو بتواند او را بکشد؟»

دیو با خود گفت: «اگر پیش از آنکه من مرد پارسا را بکشم، با سر و صدای دزد که می خواهد گاو را از خانه بیرون ببرد، مرد از خواب بیدار شود چه؟ از کجا معلوم که دزد بتواند بی سر و صدا گاو را ببرد؟»

دیو و دزد این فکرها را با خود کردند که دزد گفت: «گوش کن رفیق! بهتر است من اول گاو را ببرم بعد تو مرد پارسا را بکشی، این کار به عقل نزدیک تر است. می ترسم که تو کاری دست من بدهی.»

دیو گفت: «اشتباه نکن. کار من به عقل نزدیکتر است. اگر من اول مرد پارسا را بکشم، تو راحت تر می توانی گاو او را بدزدی.»

دزد گفت: «ولی من اول این مرد و گاوش را دیدم.»

دیو گفت: «ولی تو به دنبال گاو او روان شدی، من خودش را می خواستم، پس بهتر است من اول کارم را شروع کنم.»

دزد گفت: «تو دیوی و نمی فهمی! می خواهی کاری کنم تا از آدم کشی پشیمان شوی؟»

دیو گفت: «تو دزدی و نمیدانی! می خواهی کاری بکنم که آن گاو را در خواب هم نبینی؟»

دزد رو به اتاق مرد زاهد فریاد کشید: «بلند شو ای مرد، چه نشسته ای که دیوی قصد جان تو را کرده!»

دیو هم بلندتر از دزد فریاد کشید: «بیدار شو ای مرد چه خوابیده ای که دزدی برای بردن گاو تو آمده!»

با این سر و صداها مرد زاهد از خواب بیدار شد. فریاد زد و از همسایگان کمک خواست. همسایه ها با چوب و سنگ و هر چه در دست داشتند به دیو و دزد حمله کردند. دیو و دزد دیگر جای ماندن ندیدند و پا به فرار گذاشتند.

یکی از همسایه ها پرسید: «ای مرد خدا چه شد که از آمدن دیو و دزد به خانه ات خبردار شدی؟»

مرد پارسا گفت: «من بی خبر بودم. خودشان به جان هم افتادند و جان و دارایی من در امان ماند. دعوای آنها برای من خیر و خوبی

به همراه داشت. به هر حال عدو شود سبب خیر اگر خدا خواهد!»



اگر کسی بر اثر درگیری یا دعوای دشمنانش، از رنج و گرفتاری ای نجات پیدا کند، این ضرب المثل حکایت حال او می شود.

حکایت شغال و طاووس

روزی و روزگاری در نزدیکی جنگلی دور دست شغالانی زندگی می کردند که غم نان و غم جان نداشتند. در میان این شغالان، شغالی زندگی می کرد که با دوستان دیگرش فرق داشت؛ این شغال مغرور بود و همیشه خیال می کرد بهتر از دیگران است و نباید شغال باشد. روزی همین شغال قدم زنان از لانه اش دور شد تا به جنگل رسید. در جنگل هم سرگرم گشت و گذار شد که پای درخت کهنسالی چند پر زیبا دید. نگاهی به بالای سرش انداخت، چند پرنده زیبا دید. فهمید که پرها مال آن پرندگان زیباست. پرندگان، طاووس بودند.

شغال چند پر طاووس را با آب دهان خیس کرد و آنها را به سر و تن خود چسباند و به سوی لانه اش به راه افتاد. در راه با خودش حرف ها زد و خیال ها بافت: «حالا دیگر شغال ها می فهمند که من کی هستم! آنها می فهمند که من شغال نیستم و من یک پرنده زیبا هستم، من یک طاووسم!»

وقتی شغال خیالباف به گله شغال ها رسید، همه دوستانش از کوچک و بزرگ دور او جمع شدند. یکی گفت: «چه شغال زیبایی! مثل پرنده هاست!»

آن یکی گفت: «چه پرنده زیبایی، مثل شغال هاست!»

شغال مغرور گفت: «من هیچ یک از این ها که می گوید نیستم. من یک پرنده هستم، من یک طاووسم! حالا هم نیامده ام که خودم را نشان بدهم، آمده ام بگویم که دیگر نمی خواهم با شما شغال ها زندگی کنم!»

شغال این را گفت و از راهی که آمده بود به سوی جنگل برگشت. چند شغال هم که ساده دل بودند دنبال او دویدند که پیش آنها بماند؛ ولی شغال مغرور نگاهی به پشت سرش نینداخت و رفت. او رفت تا در جنگل به گله طاووس ها رسید. صدای عجیبی از خودش درآورد که یعنی طاووس است. طاووس ها که تعجب کرده بودند. از گوشه و کنار می آمدند و دور شغال جمع شدند. یکی گفت: «تو دیگر کی هستی؟»

آن یکی گفت: «این پرها را چرا به خودت زده ای؟»

شغال مغرور گفت: «من یک طاووسم، این پرها را هم به خودم زده ام، این پرها خودشان از تن من بیرون آمده اند، درست مثل پرهای شما!»

یکی از طاووس ها که بیشتر از بقیه می دانست خندید و گفت: «زود باش از این جا برو که آبروی طاووس ها را می بری؟»

شغال مغرور گفت: «من کجا را دارم که بروم؟ من یک طاووسم، طاووس باید پیش طاووس ها زندگی کند!»

طاووس ها که دیگر از حرف های شغال ناراحت شده بودند ناگهان به سوی شغال پریدند و پرهای خودشان را از تن او جدا کردند و تا می توانستند به سر و تن او نوک زدند. آن قدر که قیافه شغال یک جور دیگر شد.

شغال، با این حال به لانه اش برگشت. وقتی به آنجا رسید، دوستانش او را دوره کردند. هرکس حرفی زد. شغالی گفت: «کجا بودی طاووس؟»

شغال دیگری گفت: «تو که دیگر شغال هم نیستی، کی تو را به این قیافه درآورده؟»

شغال مغرور گفت: «من دیگر از پیش شما نمی روم. فهمیده ام که بهترین حیوان در دنیا شغال است!»

ولی شغال ها که نمی توانستند شغال مغرور را کنار خودشان بپذیرند، دیگر او را به لانه اش راه ندادند. شغال سرگشته و سرگردان رفت تا جایی برای زندگی پیدا کند. او دیگر نه میان طاووس ها دوستی داشت نه میان شغال ها جایی داشت. برای همین یکی از



شغال‌ها که بیشتر از بقیه عاقل بود گفت: «اگر او مغرور نبود و خودش را بهتر از شغال‌های دیگر نمی‌دانست، این طور گرفتار نمی‌شد از این جا مانده و از آن جا رانده!»

اگر کسی در زندگی قدر و ارزش خودش را نداند و خودش را بی دلیل شبیه بیگانگان – که خیال می‌کند از او بهتر هستند – بکند؛ این ضرب المثل حکایت حال او می‌شود.

حکایت دهان و دروازه

روزی و روزگاری لقمان^۱ حکیم و فرزندش راهی سفر شدند. در راه لقمان با فرزندش از خوبی‌ها و بدی‌ها گفت و او را پند و اندرزهای شیرین داد. در این میان به او آموخت که اگر دیدی کاری درست و حق است خیلی نگران سخن بدگویان مباش و آن کار را انجام بده.

فرزند لقمان پرسید: «یعنی چی پدر؟»

لقمان به درازگوش یا الاغی که همراه آنان بود اشاره کرد و گفت: «به زودی خودت می‌بینی، حالا سوار الاغ شو!»

فرزند لقمان سوار الاغ شد. خود لقمان هم افسار الاغ را در دست گرفت و آنها پیش رفتند. مدتی که رفتند به شهری رسیدند. چند نفری از مردم بیرون شهر روی مزرعه‌ای مشغول کار بودند. آنها با دیدن لقمان و پسرش و درازگوش بلند خندید و گفتند: «چه روزگاری شده! پسر جوان سوار الاغ شده و پدر ناتوان او پیاده می‌آید»

پسر پرسید: پدر چه کنیم؟

لقمان گفت: «نگران نباش فرزند! به زودی کارها درست می‌شود. حالا بیا جای خودمان را عوض کنیم!»

بعد از اینکه لقمان سوار بر درازگوش شد و پسر جوان او افسار را در دست گرفت. چند ساعتی که رفتند، به آبادی و آبادانی تازه‌ای رسیدند. دوباره چند نفر با دیدن آنها، پدر و پسر را با دست به یکدیگر نشان دادند و گفتند: «آن جا را ببینید! طفل ناتوان پیاده می‌رود و پدر بی حال سوار بر الاغ است! چه روزگاری شده.»

پدر رو به پسر کرد و گفت: «دیدی باز هم حرف‌ها شنیدیم؟ بیا این بار کار دیگری بکنیم که مردم درباره ما چیزی نگویند.»

– مگر می‌شود؟

– بله، راه دارد. این بار هر دو سوار درازگوش می‌شویم. شاید دیگر دست از سرمان بردارند!

لقمان حکیم این را گفت و پسر جوانش را پشت سر خودش روی الاغ نشان داد. آنها مدتی رفتند و چند روستا و آبادی را پشت سر گذاشتند؛ ولی ناگهان در جایی سر و صدایی را شنیدند که آسودگی خیال را از آنها دور کرد: «نگاه کنید دو آدم تنومند سوار بر یک الاغ ضعیف و کوچک شده‌اند. ظلم و ستم که شاخ و دم ندارد. خدا بیامرز پدر آنها را که به آدم‌ها ستم می‌کنند! این دو نفر زورشان به یک حیوان زبان بسته رسیده!»

پسر لقمان گفت: «پدر، حالا چه کنیم؟»

لقمان گفت: «این حیوان را از باربری نجات می‌دهیم.»

– چه طور؟

– پیاده می‌رویم و درازگوش هم پشت سرما می‌آید.

^۱ لقمان حکیم = مرد حکیم و فرزانه‌ای که دورانی از زندگی خود را به بردگی گذراند. پیرامون زندگی لقمان قصه‌های بسیاری وجود دارد. در قرآن کریم نیز سوره‌ای به نام اوست



هر دواز الاغ پیاده شدند و قدم زنان به سفرشان ادامه دادند. این در حالی بود که پشت سر آنها الاغ سبک بال و سبک بار دم و گوش تکان می داد و برای خودش می آمد.

لقمان و فرزندش پیاده دل به سفر داده بودند و می رفتند. آنها خوشحال بودند که دیگر حرف و حدیثی در میان نیست؛ ولی خیلی زود از این خیال بیرون آمدند؛ چون به جایی رسیدند که گروهی از دیدن آنها شروع به گفتن و خندیدن و پای کوبی کردند. یکی گفت: « نگاه کنید! خر دارند و پیاده می روند، دیدنی نیست؟ »

دیگری گفت: « بیاید دنبالشان برویم، شاید از این دو دانشمند بزرگ سخن و نکته ای یاد بگیریم.

پسر لقمان گفت: « می بینی پدر؟ خیال می کنند که ما دیوانه ایم. »

لقمان گفت: « این حرف ها پیش از این هم بود. مگر دیگران و درجاهای دیگر چه گفتند؟ هر جا که رسیدیم و هر کاری که کردیم از حرف های این و آن در امان نبودیم. حالا آموختی که در آغاز سفر به تو چه گفتم؟ بدان و آگاه باش هر کاری که درست و حق بود انجام بده و نگران سخنان مردم نباش؟ چون که **در دروازه را می شود بست؛ ولی در دهان مردم را**

نمی شود بست! اگر کسی به دلیل حرف های کم ارزش بعضی از مردم کارهای خوب و درست را انجام ندهد، این ضرب المثل حکایت حال او می شود.

حکایت کاسه شکسته

روزی و روزگاری اربابی بود که نوکری ساده دل و مهربان داشت. ارباب هر چه می گفت، نوکر جوان بی چون و چرا گوش می کرد. با این حال نوکر همیشه نگران بود که مبادا کاری کند که ارباب از او ناراحت شود.

روزی ارباب نوکر را صدا زد و گفت: « می خواهم امروز از بازار برایم آش بخری، حالا برو آن کاسه چینی را بردار و آش بخر! » نوکر « چشمی » گفت و کاسه چینی را برداشت و از خانه بیرون رفت. کاسه چینی، کاسه گران قیمتی بود برای همین نوکر آن را دو دستی به سینه اش چسباند که یک وقت کاسه از دستش نیفتد. او همین طور که در کوچه های خلوت می رفت. ناگهان از توی خرابه ای صدای پارس سگی را شنید، چون در فکر و خیال های خودش غرق بود، شروع به دویدن کرد. از آن طرف هم سگ از خرابه بیرون آمد و تا نوکر را دید که می دود، دنبال او گذاشت و در پی او دوید.

سگ، هیچ کاری با نوکر نداشت فقط از سربازبگوشی و تنهایی به دنبال نوکر جوان می دوید؛ ولی آن بینوا که خیلی ترسیده بود، چند قدم می دوید و نگاهی پشت سرش می انداخت که ببیند سگ به او می رسد یا نه.

نوکر جوان همین طور که می دوید ناگهان پایش در چاله ای رفت و روی زمین افتاد و کاسه چینی از دستانش رها شد و شکست. چشم که باز کرد دید کاسه زیبای اربابش چهار تکه شده.

سگ وقتی دید جوان روی زمین افتاده راهش را گرفت و رفت؛ ولی نفهمید که چه بلایی بر سر آن بیچاره آورده. نوکر جوان وقتی کاسه شکسته را دید دو دستی بر سرش زد و گفت: « دیدی چه بلایی بر سرم آمد، خدایا چه کنم؟ خدایا چه کنم؟ »

او گریه کنان بر سرش می زد و از ترس تنبیه ارباب قدرت بلند شدن و رفتن به خانه را نداشت. هر کس هم که از کنار او می گذشت و می پرسید: « چی شده؟ » نوکر جواب می داد: « بین دیگر چی شده! کاسه چینی ارباب شکسته، حالا چه کنم؟ »

ارباب مدتی درخانه منتظر ماند؛ وقتی از نوکر خبری نشد، دلش به شور افتاد و به طرف بازار رفت. جلوی دکان آش فروشی رسید. در آن جا هم اثری از نوکر ندید. از آش فروش پرسید: « نوکر من با این شکل و سن و سال از تو آش نخرید؟ »

آش فروش گفت: « همه امروز از من آش خریده اند به جز آن کسی که تو می گویی، شاید جای دیگر رفته ... »



ارباب برگشت. توی راه از هر کس که می شناخت، سراغ نوکرش را می گرفت. یکی از همسایه ها گفت: «نوکر تو کجا رفته بود که حالا نیست؟»

- یک کاسه چینی برداشته بود که از بازار آتش بخرد...
- همسایه با تعجب گفت: «عجب! نکند آن جوان، نوکر تو بوده؟»
- کدام جوان؟
- توی یکی از کوچه ها جوانی گوشه ای نشسته بود و داشت گریه می کرد. او دو دستی بر سرش می زد و می گفت که خدایا چه کنم؟ بیچاره کاسه چه کنم دستش گرفته بود.

اگر کسی آن قدر گرفتار شود که هیچ راه نجاتی نداشته باشد، این ضرب المثل حکایت حال او می شود.

حکایت کفش غلام

روزی و روزگاری مهمانی ای بر پا شد که در آن خواجه ها و غلام ها بودند. خواجه ها حرف می زدند و غلام ها ساکت بودند و می شنیدند. در این حال هر خواجه ای از خوبی های زندگی خودش می گفت. یکی از خواجه ها گفت: «بهترین نعمت زندگی داشتن یک غلام خوب و پرکار است.»

یکی پرسید: «مگر غلام تو چگونه است؟»

- بسیار باهوش و زرنگ و پرکار است. در همه سال هایی که پیش من بوده یک بار هم تنبلی نکرده ...

- مگر می شود؟ من خودم بارها تنبلی کرده ام، چه طور غلام تو تنبل نیست؟!

خواجه دستی بر شانه غلام خود زد و گفت: «همین الان به بازار برو و از عطار قدری نمک بخر!»

غلام از جا بلند شد و رفت. خواجه گفت: «حالا ببینید او چه می کند و چگونه می رود. چون غلام من وقتی به دنبال کاری می رود به هیچ چیز جز کارش فکر نمی کند، به شما خواهم گفت که کی می رود و کی باز می گردد... او از خانه بیرون رفت. تند تند قدم برمی دارد. هر چه پیش می رود قدم هایش تندتر می شود. اکنون به کوی حمام رسید. از آنجا گذشت. قدم هایش تندتر شد. حالا به برزن رسید. از برزن هم گذشت و به بازار رسید. بازار شلوغ است. از گوشه ای می گذرد که خلوت تر است. حالا به نزدیک عطاری رسید. ایستاد تا نفسی تازه کند که در حال حرف زدن با عطار آرام باشد. نفس تازه کرد و دوباره به راه افتاد. جلوی عطاری رسید. سلام کرد و نمک خواست. نمک را گرفت و بهای آن را داد. حالا برمی گردد. دیگر می دود که زودتر به این جا برسد. کوی (کوچه) و برزن (محل) را مثل پرندۀ ای از زیر بال گذرانند. به خانه نزدیک شد. حالا ساکت باشید و خوب گوش کنید. اکنون صدای در زدن او را می شنوید!»

همه ساکت شدند. ناگهان صدای در زدن بلند شد. همه حاضران گفتند: «احسنت»

غلام آمد و کنار خواجه اش نشست. خواجه گفت: «من نمک نمی خواستم بقال سر کوی هم نمک دارد، او را به آن جا فرستادم تا بداند آن چه می گویم چه قدر درست است.»

در این وقت خواجه ای به غلام خود گفت: «یاد بگیر! توهم می توانی مثل این غلام بروی و برگردی؟»

- اگر از من بخواهی می روم خواجه بهتر از او هم می روم و برمی گردم.

فردا دوباره مهمانی بر پا بود. همه از کار و زندگی خود گفتند. در این میان خواجه ای گفت: «چون حرف از خوبی ها به میان آمد. من هم می خواهم از خوبی غلام خودم بگویم ...»

یکی پرسید: «مگر او چه هنری دارد؟»



- اگر او را به دنبال کاری بفرستیم، می رود و مثل باد بر می گردد...
- چگونه؟
- همین الان او را به چهار سوق (چهار راه میان بازار) بازار می فرستم تا سلام مرا به شمس پینه دوز (کفشدوز) برساند و برگردد. ببینید کی می رود و کی می آید!
- بعد رو به غلام کرد و گفت: «به شمس بگو که کفش های مرا آن طور که دوست دارد بدوزد»
- غلام دوم از جا پرید و از اتاق بیرون رفت. خواجه قصه رفتن او را تعریف کرد. درست مثل آن یکی خواجه. بعد با خوشحالی گفت: «حالا ببینید که غلام من کجاست. باید جلوی در باشد. کجایی غلام؟»
- غلام دوم از جلوی در اتاق گفت: «این جا هستم خواجه!»
- پیغام رساندی؟
- کدام پیغام خواجه؟ من که هنوز از خانه بیرون نرفته ام ...
- چه می گویی؟ پس تا حالا چه می کردی؟
- بدنبال کفش هایم می گشتم خواجه! این جا آن قدر کفش افتاده که نمی دانم کفش من کجاست... همه کفش های عالم این جاست!

خواجه که از خجالت زنگ از رویش پریده بود گفت: «ای نادان! تو هنوز از خانه بیرون نرفته ای؟ تو هنوز کفش ها را

می جوری؟»

اگر کسی به شخصی برای کاری امید ببندد و آن شخص از روی تنبلی و کوتاهی از انجام آن کار برنیاید، این ضرب المثل حکایت حال او می شود.

لطیفه های دانش آموزی

قاضی و متهم

قاضی به متهم: خجالت نمی کشی! الان پنجمین بار است که به دادگاه می آیی، متهم: شما چی که هر روز به دادگاه می آید.

مغازه دارای قلم

اولی: جایی را نام ببرید که در آن قلم پیدا می شود! دومی: تنها مغازه ای که در آن همیشه قلم پیدا می شه قصابی است.

هویج

اولی: آیا به نظر تو هویج باعث تقویت قوه بینایی می شود؟ دومی: بله، قطعاً چون تا به حال خرگوشی ندیده ام که عینک زده باشد.

بدون اجازه

روزی معلمی به شاگردانش گفت: چه کسی دوست دارد به بهشت برود.

همه بچه ها دستشان را بالا گرفتند به جزء یک نفر.

معلم به او گفت: چرا دستت را بالا نمی بری؟

شاگرد گفت: چون مادرم گفته بدون اجازه او هیچ جا نروم.

چند بخش

معلم: اکبر خروس چند بخش است؟



اکبر: آقا اجازه، دو بخشه.

معلم: آفرین حالا صدای خروس را کشیده بگو.

اکبر: قوقولی قوقو..... قوقولی قوقو

حل مسئله:

معلم: علی بیا این مسئله را حل کن.

علی: آقا شما جوابش را می دانید؟

معلم: البته که می دانم.

علی: در این صورت دیگر چرا از من می پرسید؟

ساندویچ:

روزی مردی به ساندویچی رفت و یک ساندویچ خرید تا بخورد.

مغازه دار گفت: تو کاغذ بیچم؟

مرد گفت: نه آن دفعه که تو کاغذ پیچیدی، سیر نشدم. این دفعه تو مقوا بیچ.

آخرین دندان:

معلم: آخرین دندانی که انسان در می آورد چیست؟

شاگرد: دندان مصنوعی!

فیل ها

معلم: فیل ها در کجاها پیدا می شوند؟ آقا اجازه، فیل ها اون قدر بزرگ هستند که اصلاً گم نمی شوند!!!

پیشرفت علم

به یکی می گویند ۲×۲ چند تا می شود؟ می گوید ۵ تا می گویند چرا؟ جواب می دهد: چون علم پیشرفت کرده است.

جمله سازی

معلم: با آجر جمله بساز، دانش آموز: خانم با آجر جمله نمی سازند، خانه می سازند.

جواب غلط

پدر: پسر امتحان ریاضی ات چطور بود؟

پسر: یکی از جواب ها را غلط نوشتم.

پدر: عیبی ندارد، پس بقیه سوال ها را درست حل کردی؟

پسر: نه، چون اصلاً وقت نکردم به بقیه ی سوال ها نگاه کنم.

اگر آمد

پدر: من می روم بیرون. اگر دوستم آمد بگو نیستم.

پسر: باشه ولی اگر نیامد چه بگویم.

گوشت گاو

محمود: من از بس گوشت گاو خوردم، پر زور و قوی شدم.

مسعود: پس چرا من این قدر ماهی می خورم، شنا یاد نگرفته ام.



فعل زدن

معلم گفت: علی تو فعل زدن را صرف کن. علی گفت: زدم، زدی، دعوایمان شد.

فعل کشیدن

معلم گفت: حسن تو فعل کشیدن را صرف کن. حسن گفت: کشیدم، کشیدی، پاره شد.

فعل خوردن

معلم گفت: احمد فعل خوردن را صرف کن، احمد گفت: خوردم، خوردی، تمام شد.

سیب زمینی

دکتر به دیوانه ها گفت: فرض کنید که سیب زمینی هستید که روی ماهیتابه دارد سرخ می شود.

دیوانه ها بالا و پائین پریدند، به جز یک نفر.

آقای دکتر پرسید: تو چرا بالا و پائین نمی پری؟

گفت: آخه من ته ماهیتابه چسبیده ام.

دلش می شکنه

معلم: این تکلیفی که نوشتی سراپا غلط است الان به پدرت نامه می نویسم و این موضوع را به اطلاعش می رسانم.

شاگرد: آقا شما را به خدا این کار را نکنید. دلش می شکنه برای این که تکلیف را خودش نوشته است.

برق آسمان

معلم: سعید جان فرق بین برق آسمان و برق منزل چیست؟

سعید: بله آقا، برق آسمان مجانی است ولی برق منزل پولی.

برادر قورباغه

معلم: یک جانور نام ببرید که هم در آب شنا می کند و هم در خشکی راه می رود.

شاگرد: آقا قورباغه.

معلم: آفرین دیگه چی؟

شاگرد: آقا برادر همان قورباغه

سوال از شغل پدر

معلم: بابات روزها چکار می کنه پسر؟

شاگرد: مریضه خونه خوابیده آقا.

معلم: می دونم فعلاً مریضه، چکار می کنه کارش چیه؟

شاگرد: مرتب سرفه می کند آقا.

معلم: خنگ خدا چرا منظور منو نمی فهمی به جز سرفه چی کار می کنه؟

شاگرد: آها، حالا فهمیدم به جزء سرفه گاهی هم عطسه می کنه.

معلم: بچه جان چرا نمی فهمی، می گم یعنی وقتی که بابات سالمه چی کار می کنه؟

شاگرد: خوب معلومه آقا وقتی سالمه نه سرفه می کنه نه عطسه می زنه.



حساب کودکانه

معلم: بگو ببینم اگر شش ریال داشته باشی و دو ریال از روی آن بردارند چقدر برایت باقی می ماند؟

بچه: شش ریال

معلم: چطور؟

بچه: برای این که آن قدر گریه می کنم که کسی که دو ریال از روی پولم برداشته دوباره سر جایش بگذارد.

درس حساب

معلم حساب که روش (جمع زدن؟) را درس می داد از دانش آموزی پرسید اگر تو دست در جیب بکنی و بیینی ۲۰۰ تومان پول

هست و در جیب دیگری ۳۰۰ تومان، چه نتیجه ای می گیریم؟

دانش آموز گفت: آقا معلوم می شود که ما کُت کس دیگری را پوشیده ایم.

صدای ساعت

معلم به دانش آموز: ساعت را بخش کن! دانش آموز: اول ساء، دوم عت. معلم: صدایش را بکش! دانش آموز: تیک تیک! تیک

تاک!

اشتباه:

سه نفر با عجله وارد ایستگاه راه آهن شدند، قطار در حال حرکت بود، دو نفر دویدند و سوار قطار شدند. سومی قاه قاه شروع به

خندیدن کرد. یکی از او پرسید: چرا می خندی؟ جواب داد: آخه من مسافر هستم و این دو نفر برای بدرقه و خداحافظی با من

آمده بودند.

دزد و چراغ

دزدی چراغی دزدید و به پسرش داد تا آن را بفروشد. دزد دیگری چراغ را از پسرک دزدید پسر دست خالی به خانه آمد. پدرش

گفت: خب چراغ را چند فروختی؟ پسر گفت: به همان قیمت که شما خریده بودی.

سازگاری:

شخصی عسل و خربزه را با هم خورد و دل درد سختی گرفت به او گفتند: مگر نمی دانستی که عسل و خربزه با هم نمی سازند.

گفت: فعلاً که با هم ساخته اند تا جان مرا بگیرند

تنبيه

دانش آموز: آقا اجازه آیا شما کسی را به خاطر کاری که نکرده، تنبيه می کنید؟

معلم: نه، هرگز کسی را به این خاطر تنبيه نمی کنم.

دانش آموز: خیالم راحت شد، آخر من امروز مشق هایم را ننوشته ام.

امتحان

پدر: خب پسر سوال های امتحان راحت بود؟

پسر: بله پدر، خود سوال ها خیلی راحت بود، اما جواب هایش خیلی سخت بود.

فصل ۱۰
آواها
و
فریادهای شادی



نغمه های شادی (سرود- شعر- فریاد شادی)

- بسیاری از علمای تعلیم و تربیت معتقدند ایجاد فضای شاد، خواندن شعر و سرود، بازی و سرگرمی در زندگی خصوصاً در مراحل آموزش لازم بوده و مربوط به سن و سال خاص نمی باشد.
- بدون تردید بازی و سرگرمی، اشعار و سرود جذاب و محتوایی نقش به سزایی در رشد اخلاقی و اجتماعی، بروز خلاقیت و ابتکار، نشان دادن تمایلات عاطفی و غریزی، برقراری ارتباط صحیح با دیگران، نظم و قانون پذیری حتی زمینه گرایش به مسائل اعتقادی را می تواند به دنبال داشته باشد.
- البته در انتخاب و اجرای اشعار، سرود و بازی باید به شرایط سنی، زمان و مکان، پیام و محتوای آن توجه شده و متناسب با نیاز فکری و روحی افراد باشد.
- امید است مربیان عزیز با اجرای صحیح و به کارگیری به موقع این برنامه فرح بخش در آموزش و فعالیت ها، شادی و نشاط را در تمامی فعالیتهای پرورشی (مراسم آغازین، ایام .. خاص، ساعات تفریح، اردوها و ...) فراهم نمایند. ان شاء الله

بسم الله

نام خدا	بسم الله	مشکل گشا	بسم الله
اول کار	بسم الله	گفتار ما	بسم الله
در هر کجا	بسم الله	وقت دعا	بسم الله
دور از بلا	بسم الله	در هر زمان	بسم الله
در هر مکان	بسم الله	وقت نماز	بسم الله
مهر و صفا	بسم الله	امید ما	بسم الله
وقت غذا	بسم الله	موقع خواب	بسم الله

بسم الله بگم

می خوام برم پیش خدا	تا بخونم نماز و دعا	بسم الله بگم یا که نگم	بگو بگو بگو بگو
می خوام کمی بازی کنم	با بچه ها شادی کنم	بسم الله بگم یا که نگم	بگو بگو بگو بگو
از در می خوام برم بیرون	کمی تو کوچه بمونم	بسم الله بگم یا که نگم	بگو بگو بگو بگو
می خوام که قرآن بخونم	سوره فرقان بخونم	بسم الله بگم یا که نگم	بگو بگو بگو بگو
می خوام بخورم من غذا	تا نخورم هیچ وقت دوا	بسم الله بگم یا که نگم	بگو بگو بگو بگو
می خوام برم بخوابم	خواب های خوب ببینم	بسم الله بگم یا که نگم	بگو بگو بگو بگو

در وصف حضرت علی (ع)

امام اول	علی	یار پیامبر	علی
شیر دلاور	علی	فاتح خیبر	علی
ضد ستمگر	علی	رهبر و مولا	علی



همسر زهرا	علی	حامی قرآن	علی
یار یتیمان	علی	شاه شجاعت	علی
امید امت	علی	باب امامت	علی
		نور ولایت	علی

در وصف امام زمان (عج)

یوسف زهرا	گل عسکری	امید دل ها	گل عسکری
غنچه طه	گل عسکری	آرام جانم	گل عسکری
شیرین زبانم	گل عسکری	بی تو چه سازم	گل عسکری
محرم رازم	گل عسکری	ماه منیرم	گل عسکری
بین فقیرم	گل عسکری	بر تو اسیرم	گل عسکری
مونس جان ها	گل عسکری	رونق دل ها	گل عسکری
محرم رازها	گل عسکری	حاجت روا کن	گل عسکری
دردا دوا کن	گل عسکری	قرضا ادا کن	گل عسکری

«الله»

الله الله الله، ایمان عطا کن - الله	صراط مستقیم نصیب ما کن - الله
ما را نیرویی ده تا انسان باشیم - الله	در راه انسان ها هم پیمان باشیم - الله
الله الله الله، عزت عطا کن - الله	در راه دین به ما همت عطا کن - الله
الله الله الله، قوت عطا کن - الله	همکاری با یاران نصیب ما کن - الله
الله الله الله، دانش عطا کن - الله	توفیق نیایش نصیب ما کن - الله

«سرود صلوات»

صلوات را خدا گفت. در وصف مصطفی گفت، جبرئیل بارها گفت	صل علی محمد، صلوات بر محمد
شاه دو دنیا علی، خورشید جوشد منجلی، گفتا به صوت جلی	صل علی محمد، صلوات بر محمد
دخت رسول خدا، فاطمه خیر النساء، بهر رضای خدا، گفتا به اهل وفا	صل علی محمد، صلوات بر محمد
ابراهیم بت شکن، هنگام بت شکستن، گفتا به صدق این سخن	صل علی محمد، صلوات بر محمد
طوفان نوح، برخاست قول خدا که شد راست آن پیر از خدا خواست	صل علی محمد، صلوات بر محمد
آدم به گاه توبه، با اشک و آه و ندبه عفو از خدا گرفت با	صل علی محمد، صلوات بر محمد



مولودی در وصف مولا حضرت علی (ع)

جانم علی، جانم علی ای جان جانانم علی (۲)
 من عاشق و تو دلربا، من گدا و تو پادشاه، شاهان نظر کن بر گدا
 جانم علی، جانم علی ای جان جانانم علی (۲)
 حیدر تویی، صفدر تویی، داماد پیغمبر تویی، اول تویی آخر تویی
 جانم علی، جانم علی ای جان جانانم علی (۲)
 نام تو آرامم کند، عشق تو درمانم کند، از عشق رویت نازنین، در هر سفر رامم کند
 جانم علی، جانم علی ای جان جانانم علی (۲)
 دست من و دامن تو، درد از من و درمان ز تو، سر از من و سامان ز تو
 جانم علی، جانم علی ای جان جانانم علی (۲)
 درد مرا درمان تویی، جان مرا جانان تویی، هجر مرا هجران تویی
 جانم علی، جانم علی ای جان جانانم علی (۲)
 عشقت نهفته در دلم، مهرت سرشته با گلم، کی می شود حل مشکلم
 جانم علی، جانم علی ای جان جانانم علی (۲)

مولودی به مناسبت میلاد حضرت زهرا (س)

زهرا زهرا خوش آمدی	زهرا زهرا خوش آمدی	ام ابیها خوش آمدی	زهرا زهرا خوش آمدی
کوثر بابا خوش آمدی	زهرا زهرا خوش آمدی	ای نور دل ها خوش آمدی	زهرا زهرا خوش آمدی
همسر مولا خوش آمدی	زهرا زهرا خوش آمدی	مرحم بابا خوش آمد	زهرا زهرا خوش آمدی
امید دل ها خوش آمدی	زهرا زهرا خوش آمدی	فخر دو عالم خوش آمدی	زهرا زهرا خوش آمدی
زینت آدم خوش آمدی	زهرا زهرا خوش آمدی		

یا فاطمه ای منشاء خیر و برکات / مهر تو قبولی صوم و صلاه
 فرمود نبی خدا گنااهش بخشد / هر کس که برای او فرستد صلوات

سرود در وصف امام زمان (عج)

یا ابا صالح مددی مولا (۲)	یا ابا صالح مددی
همه جا بروم، به بهانه تو	که شبی برسم، در خانه تو
من نالایق به تو دل بستم	که تو ای درمان همه دردم
یا ابا صالح مددی مولا (۲)	یا ابا صالح مددی
اگرم نبود، دلم که لایق تو	چه کنم که دلم، شده عاشق تو
همه جا دنبال تو می کردم	که تو ای درمان همه دردم
یا ابا صالح مددی مولا (۲)	یا ابا صالح مددی



نزنم به جز از، تو سرای کسی نشوم به جز از تو فدای کسی
که تو لیلی من مجنونی همه هستی من دلخونی
یا ابا صالح مددی مولا (۲) یا ابا صالح مددی

سیدی یابن الحسن سیدی یابن الحسن (۲)
جان من جانم تویی / جان جانانم تویی / دین و ایمانم تویی
سیدی یابن الحسن سیدی یابن الحسن (۲)
تو گل پیامبری / از همه گل بهتری / یادگار حیدری
سیدی یابن الحسن سیدی یابن الحسن (۲)
ای فدای روی تو / عاشقم برکوی تو / جمله آئینم سوی تو
سیدی یابن الحسن سیدی یابن الحسن (۲)
ای امید ما تویی / رهبر دنیا تویی / مأمن و مأوا تویی
سیدی یابن الحسن سیدی یابن الحسن (۲)
ما همه سرباز تو / جملگی جانباز تو / هم فدای راز تو
سیدی یابن الحسن سیدی یابن الحسن (۲)
حافظ کشور تویی / حامی رهبر تویی / بر همه سرور تویی
سیدی یابن الحسن سیدی یابن الحسن (۲)
کن دعا بهر ظهور / هم طلب ما را حضور / منقطع کن ظلم و جور
سیدی یابن الحسن سیدی یابن الحسن (۲)

سرود در وصف امام رضا (ع)

مولا رضا رضا - جانم رضا رضا (۲) پیوسته می زنم، نامت صدا رضا
مولا رضا رضا - جانم رضا رضا (۲) مهر ولایت از، نور تو روشن است
مولا رضا رضا - جانم رضا رضا (۲) عمری کبوتر، صحن حرم شدم
مولا رضا رضا - جانم رضا رضا (۲) دنیا ز نور تو، گردیده باصف
مولا رضا رضا - جانم رضا رضا (۲) با عشق تو بود، در دل صفا رضا
از عطر پاک تو، گیتی چو گلشن است
مسکین در گه، صاحب کرم شدم
هرگز مرا مران، از این سرا رضا

سرود در وصف شهیدان

کجائید ای شهیدان خدائی بلاجویان دشت کربلایی
کجائید ای سبک بالان عاشق پرنده تر ز مرغان هوایی
ز خیل عاشقان جا مانده ام من همه رفتند و تنها مانده ام من



کشی دست نوازش بر سر ما	کجایی ای امام و رهبر ما
کجائید ای شهیدان خدائی	بلاجویان دشت کربلایی
گلی گم کرده ام، می جویم او را	به هر گل می رسم، می بویم او را
گل من یک نشانی در بدن داشت	یکی پیراهن کهنه به تن داشت
مرا عشق حسین، دیوانه کرده	تهی از خویش و از بیگانه کرده
بیا مهدی، بیا، دردم دوا کن	مرا با دیدنت، حاجت روا کن
خدایا رهبر ما را نگه دار	گل پیغمبر ما را نگه دار

سرود شادمانی (همراه با دست زدن)

ما شادمانیم	هی	با شادمانی	هی
تا در جهانیم	هی	طی کردن جوانی	هی
خوشحال و خرم	هی	از غم رها شو	هی
شادان بمانیم	هی	تا می توانی	هی
همیشه با هم	هی	دل باصفا کن	هی
محرم رازیم	هی	غم را رها کن	هی
پیوسته با هم	هی	شکر خدا کن	هی
دوستان نازیم	هی	ما را دعا کن	هی

دوستی باشه ایشا..

وقتی که با هم باشیم دنیا قشنگه
 هر کی دوست خوب داره خیلی زرنکه
 دوس باشیم و قدر همدیگه بدونیم
 نکنه آی بچه جون تنها بمونی
 دست به دست هم بدیم با مهربونی
 نکنه آی بچه جون تنها بمونی
 پس همین حالا وقتش یا... بگیم که دوستی باشه ایشا..

فریاد شادی (اگر تو شاد و خوشحالی)

اگر تو شادی و خوشحالی - دست بز (۱-۱۲-۱۲-۱۲۳-۱۲۳)
 اگر تو شادی و خوشحالی - پا بز (۱-۱۲-۱۲-۱۲۳-۱۲۳)
 اگر تو شاد و خوشحالی - خنده کن (صدای قهقهه با ریتم بالا)
 اگر تو شاد و خوشحالی - بوق بز (بوق ماشین، ... با ریتم بالا)



اگر تو شاد و خوشحالی - دست، پا، خنده، بوق و ...

شعر معرفی ماه های سال

فروردین، اردیبهشت با خرداد	سه ماهه بهاره (۲) نه سرده و نه گرمه (۲)
تیر و مرداد (۲) شهریور	سه ماهه تابستون (۲) گرمه گرم (۲)
مهر و آبان (۲) با آذر	سه ماهه پاییزه (۲) نه سرده و نه گرمه (۲)
دی و بهمن (۲) با اسفند	سه ماهه زمستون (۲) سرده سرد (۲)

شعر اوسا صفر

اوسا صفر گفت	چی گفت (به جای اوسا صفر می توان از: دوستم به من گفت، مربی به من گفت و ... استفاده کرد)
خودش به من گفت	چی گفت
در گوش من گفت	چی گفت
یواشکی گفت	چی گفت
الان به من گفت	چی گفت
چقدر قشنگ گفت	چی گفت
چه خوش بیان گفت	چی گفت
مثل امام گفت	چی گفت

مرگ بر امریکا/ مرگ بر اسرائیل (۲) (با ابتکار مربی می توان به جای جمله آخر از جملات تشویقی یا استفاده کرد مانند:

آفرین، آفرین /مرحبا، مرحبا/ بر شما بچه ها/ بر شما بچه ها و پاسخهای دیگر به ابتکار مربی

شعر (وحدت)

یک، دو، من، تو (۲)	می شویم ما (۲)
با هم، از غم (بند) (۲)	می شویم رها (۲)
جشن شادی (۲)	می کنیم به پا (۲)
خدای خود را (۲)	می زنیم صدا (۲)
دل های خود (۲)	پر کنیم صفا (۲)

شعر ورزشی

یک و دو و سه و چهار	از خواب غفلت بیدار
دو و سه و چهار و پنج	حق و باطل را بسنج



سه و چهار و پنج و شش کن در راه حق کوشش
چهار و پنج و شش و هفت باید سوی خدا رفت
پنج و شش و هفت و هشت باید که پاینده گشت
شش و هفت و هشت و نه ولایت را شو پیرو
هفت و هشت و نه و ده تندرست گشتیم به به

یک و دو و سه و چهار	صبح بخیر ورزشکار	من آمدم من آمدم	برای نرمش آمدم
من آمدم من آمدم	برای ورزش آمدم	دویدنو	من دوست دارم
پریدنو	من دوست دارم	جهیدنو	من دوست دارم
هه هه، هه هه	هه هه، هه هه	هه هه، هه هه	(همراه با دست زدن)

تشویق به زبان های مختلف

- ۱- تشویق قرآنی: طیب طیب الله - احسن بارک الله / الله اکبر - احسن /
- ۲- تشویق فارسی: خوبه خوبه خیلی خوبه
- ۳- تشویق ترکی: یاخچی، یاخچی چخ یاخچی - یاشا یاشا مین یاشا - ساغل ساغل چخ ساغل
- ۴- تشویق اصفهانی: خبس خبس خیلی خبس
- ۵- تشویق لری: خوّه خوّه خیلی خوّه
- ۶- تشویق کردی: خاصه خاصه فرا خاصه - رنده رنده پر رنده
- ۷- تشویق خراسانی: خوبه خوبه خیلی خوبه
- ۸- تشویق خوزستانی: حلوه حلوه وایده حلوه - زین زین کلش زین
- ۹- تشویق یزدی: خَش خَش خیلی خَش
- ۱۰- تشویق مازندرانی: خار خار خله خار
- ۱۱- تشویق کرمانی: ماشی ماشی ماش ماشاءالله چش نخوری ایشاءالله
- ۱۲- تشویق نیشابوری: باری باری باری کولا، باری کولا
- ۱۳- تشویق گیلانی: پیرشی برار تی قربان
- ۱۴- تشویق سیستان و بلوچستانی: واشین واشین سُخ واشین
- ۱۵- تشویق ایلامی: وتی وتی گل وتی
- ۱۶- تشویق زنجان: یشا یشا چُخ یشا
- ۱۷- تشویق تهرانی: باری باری باریک الله - چشم نخوری انشاءالله
- ۱۸- تشویق بوشهری: خون خون خیلی خون
- ۱۹- تشویق شیرازی: کاکا کاکا ماشا کاکا



- ۲۰- تشویق لبنانی: جید جید جداً جید
- نون علی شین- شین علی کاف- کاف علی را- نشکر نشکر نشکرنا
- ۲۱- تشویق مصری: کمیل کمیل فوق کمیل- جمیل جمیل فوق جمیل
- ۲۲- تشویق انگلیسی: گود گود وری گود
- ۲۳- تشویق هندی: آچاهه آچاهه بارا بارا آچاهه
- ۲۴- تشویق پاکستانی: چاهی چاهی بر چاهی
- ۲۵- تشویق افغانی: طیار طیار جور جور طیار
- ۲۶- تشویق آفریقایی: چیکا لا کا، چیکا لا کا، چو چو چو بومالا کا، بومالا کا، بوبوبو
- چیکا لا کا، بومالا کا (۲) چو بو چو

فریاد شادی (دست زدن ها)

۱- دست ولایت (الله، محمد، علی)

(علی علی علی ۱-۱-۱۲۳)، (محمد، ۱-۱-۱۲۳-۱۲۳) (الله ۱-۱-۱۲۳-۱۲۳)

۲- دست وحدت (سازمانی) (۱-۱۲-۱۲۳-۱۲۳۴)

۳- دست بین المللی: (۱-۱۲۳۴-۱۲۳۴) (۱۲-۱۲-۱۲۳۴) (۱۲۳۴-۱۲-۱۲)

۴- دست نوجوان- ای جوان کوش (مش حسن): (۱-۱۲۳-۱۲۳-۱۲۳) (۱۲۳-۱) (۱۲۳-۱)

۵- دست با آهنگ نانوایی: (مر-ح-با-۳-۲-۱) (آ-ف-رین-۳-۲-۱)

۶- دست روستایی: (۱-۱۲-۱۲-۱۲) (۱۲-۱۲-۱۲-۱۲) (۱-۱۲-۱)

۷- دست فش فشه: (در هر مرحله یکی از جهات اصلی را نشان می دهیم. شمال، جنوب، شرق، غرب)

(فش فش فش ۱۲۳۴ چهار جهت) (فش ۱۲۳۴ چپ) (فش ۱۲۳۴ راست) (فش ۱۲۳۴ پایین) (فش ۱۲۳۴ بالا)

۸- دست بارانی: (برعکس) ۵ انگشتی- ۴ انگشتی- ۳ انگشتی- ۲ انگشتی- ۱ انگشتی

۹- دست قطاری: بچه ها به دو گروه تقسیم شده با فرمان مربی دست می زنند. (تدریجاً با فرمان مربی سرعت اضافه می شود)

۱۰- تشویق هلی کوپتری: (آ..... فرین) به جای آفرین کلمه براؤ (بر..... راؤ)

(آ..... (با صدای بلند) فرین (با صدای زیر و آرام)

۱۱- سرود استقلال:

گفتی گفتم چی گفتی استقلال (همراه با دست زدن ۱)

گفتی گفتم چی گفتی آزادی (همراه با دست زدن ۱)

گفتی گفتم چی گفتی جمهوری اسلامی (همراه با دست زدن ۱۲۳)

گفتی گفتم چی گفتی استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی (۱-۱-۱۲۳)

۱۲- جیغ بارانی، مربی شیء را به هوا پرتاب کرده، در فاصله برخورد شیء با زمین بچه ها با صداهای مختلف فریاد می زنند. به

محض برخورد شیء با زمین صدای بچه ها درجا قطع می شود.



۱۳- سرود قطاری: بچه ها به سه گروه تقسیم شده (دسته ۱: فو فو فو- دسته ۲: فش فش فش- دسته ۳: تا کا تو کی تا کا تو کی تا کا تو کی) با فرمان مربی هر دسته شعار خودش را تکرار می کند سپس مربی دست خود را از بالای سر به پائین آورده بچه ها ضمن به صدا در آوردن سوت قطار شعر زیر را با دست زدن می خوانند.

قطار اومد سوت زنان فوفوفو با غرش و نعره کنان فش فش فش می کنه آه و ناله تا کا تو کی تا کا تو کی (۲)

میهن خوب مایی ای ایران

ای ایران	زیبا زیبا زیبایی
ای ایران	میهن خوب مایی
هم صحرا	هم کوه و جنگل داری
هم دریا	هم باغ و بستان داری
دارم دوست	من یک دنیا خاکت را
دارم دوست	من این خاک پاکت را
سرتاسر	هر جای تو قشنگ است
چون مادر	تو مهربان با مایی
ای ایران	زیبا زیبا زیبایی
ای ایران	میهن خوب مایی



ضمائم



ضمائم : به صورت لوح فشرده عبارت است از:

لوح فشرده ۱

ورزش ویژه مراسم آغازین

شایسته است که بخشی از مراسم آغازین به چند حرکت کوتاه و مفید ورزشی اختصاص یابد لازم به ذکر است که در مراسم آغازین صحبت از زنگ ورزش نیست و بیشتر جنبه نشاط صبحگاهی در آن مد نظر است و انجام چند حرکت کششی، شادابی خاصی را در دانش آموزان ایجاد خواهد نمود که این شادابی و نشاط به پویایی فکری و ذهنی و جسمی فراگیران کمک خواهد کرد.

- پیشنهاد می شود مدیریت و هدایت این بخش از برنامه آغازین، بر عهده معاون پرورشی باشد و اجرای روزانه ورزش آغازین توسط دانش آموزان تعلیم دیده و با نظارت فنی معلم تربیت بدنی می باشد.
- در روزهایی که مربی ورزش حضور دارند مراسم با حضور ایشان و در غیر این صورت توسط نمایندگان تیم های ورزشی تعلیم دیده اجرا خواهد شد.

کلمات قصار:

امام علی(ع) در فرازی از دعای کمیل عرضه می دارد: پروردگارا! پروردگارا! اعضا و جوارح مرا، در راه خدمت به خودت قوی و نیرومند گردان.

امام سجاد(ع) می فرماید: خداوندا سلامتی در جسم و توانایی بدنی به من ارزانی فرما.

حضرت علی(ع) فرمودند: در بین مردم آنکس از همه قوی تر است که تسلطش بر (هوای نفس) خویش، بیشتر باشد.

حضرت علی(ع) فرمودند: آن کسی از همه تواناتر است که بر فرونشاندن خشم خود، به واسطه بردباری اش، توانا باشد.

شهید رجایی: آنقدر که می توانید شما در این ساعت (ساعت ورزش) بچه ها را تربیت کنید در ساعات دیگر این قدر ممکن نیست.

لوح فشرده ۲

جدول مناسبت های شمسی و قمری در دو فایل مجزا

سر مشق های قرآنی در ۳۰ فایل مجزا

فرم داوری جشنواره آغازین

و من الله التوفیق

والسلام



منابع و مآخذ

- ✓ قرآن کریم
- ✓ نهج البلاغه، کلمات قصار حضرت علی (ع)
- ✓ نهج الفصاحه، کلمات قصار حضرت رسول اکرم (ص)، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، سال ۱۳۸۲
- ✓ برگزیده اصول کافی، گردآوری ابوالقاسم کردنشانی، انتشارات پیام آزادی، سال ۱۳۸۳
- ✓ روزآموز حدیث، قرآن، نهج البلاغه، تألیف فریدون فریدونی، انتشارات روزآموز ۱۳۸۸
- ✓ رهنمودهای امام علی (ع)، ۹۰۰ گوهر درخشان از غررالحکم، نشر فائز، ۱۳۸۳
- ✓ چهل حدیث بی کران حکمت، زینت عارفان، همای رحمت، باران سخاوت، انتشارات آستان قدس رضوی
- ✓ شیوه نامه گرامیداشت ایام ... و مناسبتهای مدارس، سال ۷۷، نویسندگان محسن فریدی، فرهاد بخشنده، فاطمه رضایی
- ✓ سرمشقه‌های آسمانی، سازمان آموزش و پرورش خراسان شمالی
- ✓ هنر اجرای مراسم آغازین، سازمان آموزش و پرورش خراسان رضوی، ناشر: مؤسسه فرهنگی، هنری و انتشارات ضریح آفتاب، ۱۳۸۸
- ✓ آخرین امید، تألیف داود الهامی، انتشارات مکتب اسلامی، چاپ امیرالمؤمنین ۱۳۷۹
- ✓ در انتظار موعود، محمدحسن توکل، چاپ جهان آرا
- ✓ دادگستر جهان، ابراهیم امینی، انتشارات شفق، ۱۳۶۹
- ✓ امام مهدی از ولادت تا ظهور، آیه ... فقیه سیدمحمد کاظم قزوینی، انتشارات الهادی ۱۳۷۸
- ✓ مثنوی معنوی
- ✓ منتهی الآمال، حاج حسین عباس قمی، انتشارات قدس / ۱۳۸۷
- ✓ فریادهای شادی، راهنمای مربیان و اعضای تشکیلات پیشگازان و فرزنگان، سازمان دانش آموزی استان مازندران، چاپ سجاد، سال ۸۸
- ✓ طنز در قلمرو تعلیم و تربیت، تدوین کریم جوانشیر، انتشارات سالار ۱۳۷۴
- ✓ سایت تیان
- ✓ سایت WWW.leader.ir
- ✓ سایت www.hoze.ir
- ✓ تجلی معرفت، احادیث موضوعی اهل بیت (ع)، علی صالحی، مؤسسه فرهنگی انتشاراتی مهر خوبان
- ✓ قرآن درمانی روحی و جسمی، محسن آشتیانی، سیدمحسن موسوی، چاپ ایران، سال ۸۸
- ✓ داستان راستان، مرتضی مطهری، صدر، ۱۳۷۹
- ✓ مجموعه کشتی های نجات، علی عباسی، مشهد: منتظران ظهور، ۱۳۸۵
- ✓ مجموعه آسمان، مهدی وحیدی صدر، مشهد: عروج اندیشه، ۱۳۸۲
- ✓ مجموعه قصه ما مثل شد، محمد میرکیانی، مشهد: شرکت به نشر، ۱۳۸۴
- ✓ دایره المعارف کودکان و نوجوانان، مترجم جواد محدثی، موسسه عروج ۱۳۸۵
- ✓ قافله عشق، رضا یعقوبیان، مشهد: عروج اندیشه، ۱۳۸۵
- ✓ مجموعه آفتاب، عامر سودانی، صفا امیری، مهدی وحیدی صدر، صادق چوبین، قم سیمای نور کوثر
- ✓ دانش نامه احادیث پزشکی جلد ۱ و ۲، محمدی ری شهری، سازمان چاپ و نشر، مؤسسه علمی - فرهنگی دارالحدیث، ۱۳۸۳
- ✓ مجموعه کتب سفید، گروه نویسندگان، تهران، انتشارات فنی ایران، ۱۳۸۵
- ✓ بهداشت مدارس، پرورش حلم سرشت و اسماعیل دل پیشه، انتشارات چهر، ۱۳۸۶
- ✓ مهارتهای بهداشتی ویژه بهداشتیاران مدارس، گروه مؤلفین، انتشارات هنر آبی، ۱۳۸۴
- ✓ ویژه نامه سلامت دهان و دندان، شراره وکیل زاده، الهه حسن پور، انتشارات پونه، ۱۳۸۸
- ✓ کمکهای اولیه برای کودکان، سیدمحسن صانعی، انتشارات اندیشمند، ۱۳۸۳
- ✓ اهمیت تغذیه و میان وعده ها در سنین دبستان، زهرا بیگم سیدآقامیری و الهه حسن پور، انتشارات پونه، ۱۳۸۹
- ✓ تغذیه سالم - قلب سالم، دانشگاه علوم پزشکی تهران، نشر پونه، ۱۳۸۶
- ✓ سری کتب سفید و سبز، انتشارات فنی ایران، ۱۳۸۶
- ✓ تغذیه کودکان و نوجوانان در سلامت و بیماری، رؤیا کلیشادی، انتشارات دانشگاه علوم پزشکی اصفهان، ۱۳۸۳

